



انتشارات دانشگاه تهران

۱۰۶۹

چاپ دوم

باستان‌شناسی ایران باستان

تألیف

لوی واندنبرگ

استاد دانشگاه‌های گان و بروکسل

بامقدمهٔ رمن گیوشمن

ترجمهٔ

یعنی بنیام

استاد دانشگاه تهران

(فهرست آخرین انتشارات دانشگاه تهران)

- » ۴۰ - ۱۳۷۶ - روش آموزش و پرورش : ترجمه منوچهر افضل
- » ۵۰ - ۱۳۷۷ - حقوق ایالت متحده : ترجمه حسین صفائی
- » ۱۲۰ - ۱۳۷۸ - اسناد مصور اروپائیان از ایران (ج ۱) : غلامعلی همایون
- » ۱۷۰ - ۱۳۷۹ - جنین شناسی (مهره داران) : طاهره مدرس زاده رحمانی
- » ۹۰ - ۱۳۸۰ - اکولوژی پوشش زنده خاک : محمد جواد میمنندی نژاد
- ریال ۱۵۰ - ۱۳۸۱ - شیمی برای دانشگاه (ج ۲) : یحیی عبده - منصور عابدینی
- » ۲۰۰ - ۱۳۸۲ - چوب شناسی و صنایع چوب (ج ۱) : رضا جباری
- » ۱۳۰ - ۱۳۸۳ - باغبانی ج ۱ (چاپ چهارم) : حسن شیبانی
- » ۱۲۰ - ۱۳۸۴ - مجموعه مثنویهای حکیم سنائی : محمد تقی مدرس رضوی
- » ۱۲۰ - ۱۳۸۵ - بیماری خون : دکتر اسکندر اخوان ذاکری
- » ۱۰۰ - ۱۳۸۶ - تاریخ ادبیات انگلیس (چاپ چهارم) : لطفعلی صورتگر
- » ۹۰ - ۱۳۸۷ - فن شناخت فلزات : علی تقی اخوان نیاکی
- » ۱۲۰ - ۱۳۸۸ - ستارگان و سپهرنوردی : محمد تعلیمی
- » ۲۴۰ - ۱۳۸۹ - بررسی اقالیم حیاتی ایران : حبیب الله ثابتی
- » ۶۵ - ۱۳۹۰ - نظریه های اقتصادی در قرن بیستم : منوچهر زندی حقیقی
- » ۷۰ - ۱۳۹۱ - ویروس شناسی عمومی : دکتر حسین میرشمسی
- » ۱۰۵ - ۱۳۹۲ - سیر اندیشه اقتصادی : باقر قدیری اصلی
- - ۱۳۹۳ - تاریخ حقوق : علی پاشا صالح
- » ۱۶۰ - ۱۳۹۴ - تاریخ تذکره های فارسی (ج ۱) : احمد گلچین معانی
- » ۹۵ - ۱۳۹۵ - بیماریهای مقعد : دکتر محمد وفائی
- » ۱۳۹۶ - فهرست نسخه های خطی و عکسی کتابخانه الهیات (جلد دوم) : بکوشش
سید محمد باقر حجتی
- » ۹۰ - ۱۳۹۷ - گنجینه سخن (ج ۱) ذبیح الله صفا
- » ۸۳ - ۱۳۹۸ - » » (ج ۲) » »
- » ۶۰ - ۱۳۹۹ - » » (ج ۳) » »
- » ۷۵ - ۱۴۰۰ - زبان و ادبیات پهلوی تألیف تاوادیا : ترجمه سیف الدین نجم آبادی
- » ۱۰۰ - ۱۴۰۱ - احوال و آثار خوشنویسان (ج ۳) : مهدی بیانی
- » ۱۰۰ - ۱۴۰۲ - فهرست مقالات فارسی (ج ۲) : ایرج افشار
- » ۱۵۵ - ۱۴۰۳ - کلیات مقدماتی حقوق : مهدی کی نیا
- » ۹۰ - ۱۴۰۴ - سازمان و مدیریت (چاپ پنجم) : علی محمد اقتداری ، (ش ۱۱۸۱)
- » — - ۱۴۰۵ - یادنامه مینورسکی : تدوین مجتبی مینوی و ایرج افشار ، (ش ۱۲۴۱)
- » ۲۵۰ - ۱۴۰۶ - مقاومت مصالح عالی : خسرو کریم پناهی ، (ش ۱۲۴۲)
- » ۱۴۰ - ۱۴۰۷ - تجزیه مواد غذایی : قهرمان شمس ، (۱۲۴۳)
- » ۱۳۰ - ۱۴۰۸ - فیزیک پزشکی الکتریسته : دکتر ذبیح الله عزیزی ، (ش ۱۲۴۴)
- » ۱۵۰ - ۱۴۰۹ - الکتروکاردیوگرافی (چاپ دوم) : دکتر ابوالقاسم پزشکیان ، (ش ۶۲۲)
- » ۱۲۰ - ۱۴۱۰ - محیط درونی برای دانشجویان سال سوم پزشکی و دندانپزشکی :
دکتر رحیم طباطبائی ، (ش ۱۲۴۵)
- » ۶۰ - ۱۴۱۱ - چینه شناسی دوران اول (چاپ دوم) : فریدون فرشاد ، (ش ۵۳۰)
- » ۸۰ - ۱۴۱۲ - راهنمای بیماریهای اطفال : تألیف هسلم ، ترجمه دکتر فرزین افتخاری
(ش ۱۲۴۶)
- » ۷۵ -

باستان شناسی ایران باستان

انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۱۰۶۹

گنجینه باستان شناسی ایران

شماره ۲



تهران ۱۳۴۸

باستان‌شناسی ایران باستان

تألیف

لوتی واندنبرگ

استاد دانشگاه‌های گان و بروکسل

با مقدمهٔ رمن گیرشمن

ترجمهٔ

عینی بنام

استاد دانشگاه تهران

۱۳۴۰

چاپ اول

شماره مسلسل ۱۴۲۴

چاپ دوم و صحافی این کتاب در یک هزار و پانصد نسخه در شهریورماه ۱۳۴۸

در چاپخانه دانشگاه تهران خاتمه پذیرفت

حق طبع این کتاب ناسه سال در انحصار دانشگاه
و مسئولیت صحت مطا لب تر جمعه شده آن با مترجم است

بها: ۳۷۰ ریال



پیشگفتار استاد گیرشمن

در دورانی که جوانها به تحقیقات درباره علوم رغبت بیشتر نشان میدهند، و گاهی امور مادی را پیش از امور معنوی قرار میدهند، وظیفه ما است که کاری را که آقای لوئی واندنبرگ، استاد جوان دانشگاه گاند، با شدت و حرارت مخصوصی انجام داده، مورد تشویق قرار دهیم.

هنگامی که بعضی از دولتها فعالیت‌های باستان‌شناسی را در آسیای غربی، کاملاً رها کرده، و یا لاقلاً محدود نموده‌اند، جای خوشوقتی است که کشور کوچکی مانند بلژیک، باین قبیل تحقیقات علمی علاقه زیاد نشان میدهد. آقای « واندن برگ » با کمک بسیار ناچیزی تحقیقات علمی خود را، که مایه افتخار اوست، بپایان رسانیده. غالباً پیاده، یا با دوچرخه، راه پیموده، گاهی زیر آسمان پرستاره خوابیده، و زمانی از خیمه‌ای، یا از خانه دهاتی محقری استفاده کرده، و باین طریق دشت‌های وسیع « پزارگاد »، و تخت جمشید، و شیراز را پیموده، و نقشه‌ای دقیق از آثار باستانی تهیه کرده، و در این نقشه صد ها تپه تاریخی را، که در بعضی از آنها خود او کاوش نموده، با کمال دقت یادداشت کرده است. در ضمن تفحصات اخیر خود، در سال ۱۹۵۷، فعالیت خود را به نواحی فارس و لرستان اختصاص داده، و اولین کسی بوده است که اطلاعات دقیق از ایام کهن نواحی جنوب و جنوب غربی ایران بما داده است.

میدانیم که کاوش‌های باستان‌شناسی در بین‌النهرین در سال ۱۸۴۲ شروع شد، و یک قرن از آن تاریخ گذشت، تانویت به نخستین کاوش‌های هاروی فلات ایران رسید. البته هیئت علمی فرانسوی از سال ۱۸۹۷ در شوش شروع بکار کرد، و هنوز در همان ناحیه مشغول کار است، و حتی اگر تفحصات « دیولافوآ »^۱ را نیز در نظر بگیریم، فعالیت فرانسویها در ایران از این تاریخ هم بالاتر میرود.

کشور ایلامی‌ها وجود تمدنی را ظاهر ساخته است که خصوصیات مشخصی داشته، و از ابتدا از یک سو تحت تأثیر تمدن همسایگان غربی، و از سوی دیگر زیر نفوذ عادات و رسوم مردم کوهستانی که در مشرق آن است قرار گرفته است.

بنابراین کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران، بصورت جدی، فقط از تاریخ ۱۹۳۱، با هیئت

۱- دیولافوآ (Marcel) Dieulafoy باستان‌شناس و مهندس فرانسوی است که باتفاق همسرش از سال ۱۸۸۴ تا

تا ۱۸۸۶ کاخ آپادانای شوش را از زیر خاک بیرون آورد.

فرانسوی در تپه گیان، و هیئت امریکائی در تپه حصار، و در تورنگ تپه شروع شد، و همت و پشتکارچند هیئت علمی باستان‌شناسی، که تعدادشان بسیار کمتر از تعداد هیئت‌هائی بود که در زبان بین دو جنگ در بین‌النهرین کار میکردند، موجب شد، که در مدت یک ربع قرن، وسایلی بوجود آید، که واندنبرگ در کتاب خود شرح آنرا داده است، بدون اینکه سعی کند آنرا تجزیه و تحلیل نماید. آرزوی مؤلف از روی تواضع منحصر باین بوده است که آنچه را که از نظر باستان‌شناسی در این زمینه‌ها انجام گرفته عرضه دارد. نتایجی که از تحقیقات باستان‌شناسان در ایران بدست آمده، در قسمت دوم این کتاب، با نظر کلی مورد بررسی قرار گرفته، و برای اولین بار در ایران، تقسیم‌بندی از حیث زبان در نظر گرفته شده است.

مؤلف تا آن اندازه در کار خود دقت به خرج داده، که حتی کاوش‌های تجارتی یا قاچاق‌رانیز مورد مطالعه قرارداده، و اشیاء یا آثار را که بر حسب اتفاق بدست آمده فراموش نکرده است. بنظر اینجانب هیچ محل تاریخی، که حتی فقط اطلاع مختصری از گذشته بدست داده باشد، فراموش نشده، و ارزش واقعی این کتاب از همینجا معلوم میشود. بنابراین کتاب آقای واندنبرگ، مانند صفحه روشن و دقیقی، حاوی اطلاعات محدودی است که تا این تاریخ راجع بایران در اختیار ما گذاشته شده. در واقع، روی نقشه باستان‌شناسی ایران، که در حدود پنج برابر کشور فرانسه است، نواحی وسیعی هنوز بصورت لکه‌های بزرگ سفیدی دیده میشود. ناحیه شمال‌غربی ایران که مهد تمدن ماد و پارس بوده، و همچنین ناحیه شمال شرقی، از نظر کاوش‌هائی که باید در آن انجام گیرد، نسبت به نقاط دیگر در درجه اول اهمیت قرار دارد. راه‌هائی که از آن دستجات مختلف انسانی وارد فلات ایران شده‌اند در همین دو ناحیه قرار دارد.

مطلب قابل توجه این است که کاوش‌های پیش از تاریخی، بیشتر از کاوش‌های دوران تاریخی مورد توجه واقع شده است. مثلاً در مورد تمدن مادها، و کاوش در اکباتان، پایتخت آنها هنوز مطالعات جدی و دقیقی انجام نگرفته است، و خاک برداری از روی این شهر قدیمی، که در محل شهر جدید همدان واقع است، از واجبات بشمار میرود. بعلاوه گذشته از کاوش‌های شوش و تخت جمشید، آثار دیگری از دوران هخامنشی تحت بررسی واقع نشده، و تمدن دوران اشکانی خیلی کم شناخته شده است.

مطالعه کتاب آقای واندنبرگ از یک سو برای اداره کل باستان‌شناسی کمک فوق‌العاده‌ای خواهد بود، و از طرف دیگر هیئت‌های خارجی را برای کاوش در ایران راهنمائی خواهد نمود. خدمتی که در مورد اخیر انجام خواهد گرفت، مخصوصاً از این جهت قابل توجه خواهد بود، که در سالهای اخیر، کشور ایران از نظر کاوش‌های باستان‌شناسی، در میان کشورهای خاورمیانه، مقام ارجمندی را باز یافته است. در واقع پس از جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۶، فرانسه تنها کشوری بود که کاوش‌های علمی خود را در ایران برابر سنت‌های کهن خود ادامه میداد. فقط ده سال بعد هیئت دیگری از طرف موزه دانشگاه فیладельفی در این کار علمی شریک شد، و به نتایج بسیار قابل توجهی رسید.

متن کتاب «تفحص باستان‌شناسی در نواحی ایران»، که بطور خلاصه خصوصیات نقاط تاریخی مختلف ایران را از نظر خواننده میگذراند، بیشتر توجه خود را به پیدائنی‌های پیش از تاریخی معطوف داشته است. با این حال راجع به مطالعات آثار مهم ساسانی، و خصوصاً آشکده‌های آن زمان، و یک نقش برجسته که تا این تاریخ ناشناخته مانده بود، مطالعات دقیقی کرده.

من در مورد بعضی تاریخ‌هایی که برای بعضی دورانهای تمدن ایران پیشنهاد کرده، خصوصاً در مورد لرستان، و زیویه، و خورون، با او موافق نیستم، و تصور میکنم آنها را کمی بالا برده است. ولی این مطلب جزو قسمت مربوط به تجزیه و تحلیل دورانهای تاریخی است، که مورد نظر اصلی مؤلف نبوده. نظری که مؤلف این کتاب داشته بخوبی انجام گرفته، و کتاب او در تاریخ باستان‌شناسی ایران مقام ارجمندی را حائز شده است.

قابل توجه‌ترین خدمتی که آقای واندنبرگ انجام داده این است، که خود را وقف باستان‌شناسی ایران نموده. و در میان باستان‌شناسان او تنها کسی است که چنین کاری کرده، و از آن مهتر اینکه در شهر «گاند» به آموزش باستان‌شناسی ایران پرداخته، و این تنها دانشگاهی است که بصورت مستقل، آموزش باستان‌شناسی ایران را در برنامه خود گنجانیده است. کتابی که بما معرفی مینماید بهترین گواهی بر زمینه محکمی است که تاکنون در این راه کسب کرده، و باو اجازه خواهد داد در آینده یکی از بهترین متخصصان این موضوع گردد.

شوش - نوامبر ۱۹۵۸

ر. گیرشمن

پیش‌گفتار مؤلف

وقتی سالنامه انجمن «اکس‌اوربانت‌لوکس»^۱ را در سال ۱۹۵۴ بصورت یک بررسی نسبی مربوط به تحقیقات باستان‌شناسی در ایران معرفی نمودیم، نظراین بوده که خلاصه‌ای از کارها که با وسعت بیشتری در نظر داشتیم در این زمینه انجام دهیم عرضه داریم. ما در این کار مورد تشویق شایان قرار گرفتیم، زیرا از یکسو نظرهای موافقی راجع به این موضوع داده شد، و از سوی دیگر هیچ کتابی تاکنون نوشته نشده بود که خواننده را از نظری که ما برای انجام این کار داشتیم قانع نماید.

برای تهیه کتابی که امروز در دسترس خوانندگان قرار میگیرد، از تفحصات و کاوش‌هایی که روی خاک ایران شخصاً انجام داده‌ام استفاده زیاد شده است. در واقع این موقعیت برای من پیش‌آمد، که بتوانم در تمام نقاط ایران مسافرت نمایم، و از تعداد زیادی از ابنیه این کشور عکسبرداری نموده آنها را از نزدیک مطالعه کنم. کتاب «باستان‌شناسی ایران کهن» بیشتر مورد استفاده اشخاصی قرار خواهد گرفت، که مایل باشند آثار قدیم ایران را بررسی نمایند. این اشخاص خواهند توانست در مرحله اول با تاریخ تحقیقاتی که از نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی در ایران شده آشنائی پیدا کنند. در واقع فقط از آن تاریخ است، که کار باستان‌شناسی در ایران، با اصول علمی دقیق انجام گرفت. سپس خواهند توانست راجع بوضع کنونی تحقیقات مزبور در زمینه‌های مختلف، مانند کاوش‌ها و گمانه‌زنی‌های علمی، و تفحصات باستان‌شناسی، یا زبان‌شناسی، کاوشهای تجارتنی و قاچاق، پیدایش‌های اتفاقی اشیائی که محل کشف آنها معلوم است و کشف نقوش برجسته، و کتیبه‌های روی سنگ، و آثار ابنیه قدیم نظر جامعی پیدا کنند. در میان این موضوع‌های متعدد آنچه را که مهمتر و مشخص‌تر بود مورد توجه قرار دادیم.

ما مطالعات خود را تا حدود کنونی ایران محدود نمودیم، و آنچه را که «ایران خارجی» نامیده‌اند کنار گذاشته‌ایم، از نظر قدمت، کار ما شامل قرن‌هایی است، که از آغاز ایجاد تمدن در ایران، تا هجوم عرب، واقع شده، و باین طریق از دورانهای پیش از تاریخی، و ایلامی، و پیش از هخامنشی، و سلوکی، و اشکانی، و ساسانی، صحبت خواهیم کرد.

ما مطالعات خود را طبق تقسیمات جغرافیائی طبقه‌بندی کرده‌ایم، و اینطور بنظر ما میرسد، که این

روش پیش از همه به باستان‌شناسان اجازه خواهد داد، که تحقیقات خود را با اطمینان بیشتری دنبال کنند. بنا بر این، با در نظر گرفتن وضع جغرافیائی ایران، ما ایالات زیر را متناوباً تحت مطالعه قرار خواهیم داد:

- ۱- ایالات کنار دریای خزر: گیلان، مازندران، گرگان یا استرآباد.
- ۲- ایالات شرقی: خراسان و سیستان.
- ۳- ایالات جنوب شرقی: بلوچستان و کرمان.
- ۴- ایالات جنوبی: لرستان و خوزستان.
- ۵- ایالات غربی: لرستان و کردستان.
- ۶- ایالت شمال غربی: آذربایجان.
- ۷- ایالت مرکزی: عراق عجم.

این نواحی با تقسیمات سیاسی امروزی ایران کاملاً تطبیق نمی‌کند. در واقع در سالهای ۱۹۳۷ تا ۱۹۵۵ ایران را به ده استان تقسیم کرده‌اند، که حدود آن همیشه با ایالات طبیعی آن برابر نیست. علت اینکه تقسیمات طبیعی و قدیمی را انتخاب کرده‌ایم این است؛ که هر کدام از این نواحی از نظر تاریخی اهمیت مخصوصی داشته است. بعلاوه این روش، کار مطالعه ما را بسیار آسان می‌کند. در مورد فهرست کتب نیز بهمین طریق عمل شده، و این فهرست در آخر کتاب عرضه خواهد شد و کار مطالعه آن کتب را بسیار آسان خواهد کرد.

در «فهرست کتب»، ما کوشش کردیم تصاویر یا عکس‌هایی را که از آثار برداشته شده‌نام ببریم، ولی البته تمام آن تصاویر یا عکس‌ها را در این کتاب ارائه نداده‌ایم.

تعیین تاریخ، «یا گاه شماری»، با در نظر گرفتن روش جغرافیائی، ممکن بود موجب اشکالاتی گردد. ما با تدوین متنی بنام «نظر اجمالی از راه تجزیه و تحلیل، و تعیین قدمت آثار باستانی ایران»، که در آخر کتاب اضافه کرده‌ایم، این اشکالات را مرتفع ساخته‌ایم. ما در این فصل اضافی صورت‌هایی را که مربوط به «گاه شماری» است ارائه داده‌ایم، و آنها را برابر دوران‌های مختلفی که تحقیقات ما در آن بعمل آمده است طبقه بندی کرده‌ایم.

برای دوران‌های بزرگ، خصوصیات کلی مربوط به شئون مختلف زندگی مادی را بیان نموده‌ایم، مانند ساختمان‌ها، و سنگ تراشیها، و فلز کاریها، و مهره‌ها، و استوانه‌ها، و سکه‌ها، و سفال‌ها. مسلم است که این تابلویی که از خصوصیات هر دوران ارائه داده شده بعداً باید در نتیجه تفحصات و تجسسات تکمیل گردد.

در فهرست کتب کلی، نام کتابها یا مقالاتی را که نمیتوانسته است داخل تقسیمات جغرافیائی شود

ذکر کرده‌ایم، زیرا کتابهائی وجود دارد که از ناحیه جغرافیائی بخصوصی صحبت نکرده است، ولی بطور کلی مورد بحث آنها هنر یک دوره تاریخی ایران است.

البته در درجه اول این کتاب مورد استفاده محققان قرار خواهد گرفت، ولی ما امیدواریم که مسافرانی که بکشورهای شرقی می‌آیند نیز از آن استفاده نمایند. تعداد این مسافران هر روز زیاد تر میشود. اطلاعات باستان‌شناسان میتواند آنها را در مسافرت‌هایشان کمک نماید، و باعث روشن شدن ذهن آنها راجع به بسیاری از مطالب گردد. مثلاً شرح و تفصیلی که در این کتاب از ابنیه و نقاط تاریخی داده شده، میتواند بآنها اجازه دهد ارزش واقعی آثاری را که یادگار ایام پرافتخار تاریخ ایران است درک نمایند.

وظیفه ما است که پیش از ختم این پیشگفتار از تمام اشخاصی که بما در پیشرفت این تحقیقات کمک کرده‌اند تشکر نمائیم:

تشکر بی پایان ما پیش از همه از آقای ویلمس^۱ رئیس « بنیاد ملی برای تحقیقات علمی » در بلژیک، و آقای ورکن^۲ مستشار و رئیس روابط فرهنگی وزارت تعلیمات عمومی آن کشور است. اینجانب قدردان فریاد خود را نسبت باقایان فوق اظهار میدارم.

از آقای گدار، مدیر کل باستان‌شناسی، و آقای مصطفوی، رئیس اداره کل باستان‌شناسی، آقای صمیمی، معاون آن اداره، و آقای سامی، رئیس باستان‌شناسی فارس، و آقای هانری کربن، رئیس مؤسسه ایران و فرانسه، تشکر مینمایم. مهربانی‌های آقای گیرشمن، رئیس هیئت باستان‌شناسی فرانسوی، که در هر مورد از بذل کمک‌های ذیقیمت دریغ نکرده‌اند، فراموش نشده است. همچنین از استاد دکتر صفا، دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو، و استاد دکتر ملکی، و استاد مقدم، و خانمشان، تشکر مینمایم.

از آقای رستمی عکاس موزه ایران باستان، و ژاندارسری دولت ایران و آقای مراد، که ما را در کاوش‌ها راهنمایی کرد، تشکر مینمایم.

تشکرات صمیمانه ما حضور اعضای نمایندگی سیاسی بلژیک، آقای کنت دورسل^۳ و آقای گفن^۴ و بیهین^۵ و ارنمان^۶ و لنگرستی^۷ برای کمک‌های قابل توجهی که مبذول داشته‌اند تقدیم میگردد، و نیز مهربانی‌های چاپخانه بریل^۸ در لیدن^۹ که برای چاپ این کتاب همراهی فراوان کرد فراموش نشده است.

گاند - ۲۴ دسامبر ۱۹۵۸

یادداشت‌های مربوط به نقل نام‌های جغرافیائی

نقل نام‌های جغرافیائی ایران به چند طریق انجام میگیرد :

ممکن است کلمه‌ای را طبق تلفظ محلی یا تلفظ رسمی نقل کرد ، و نیز ممکن است نقل کلمه فقط با صدای حروف نوشته شده تطبیق نماید . ما طریق اخیر را اتخاذ کرده‌ایم ، ولی متوجه این مطلب هستیم ، که باین طریق گاهی تلفظ حقیقی کلمه انتقال داده نمیشود . مثلاً کلمه طهران سابق ، و تهران امروز ، با تلفظ رسمی تطبیق میکنند ، ولی بصورت معمول مردم آنرا « تهرون » تلفظ میکنند . بر عکس اگر بخواهیم تلفظ معمولی را که مردم با آن صحبت میکنند بصورت حروف در آوریم ، املاء کلمه غلط میشود .

تصور میکنم روشی را که انتخاب کرده‌ایم آنست که روش‌های مختلف را با هم آمیخته ، و طریقه متحدالشکلی بدست داده‌ایم که بنظر اول در زبان فرانسه نامأنوس بنظر میآید ، و بنظر میرسد که بهترین طریقه همان است که کلمه نوشته نام‌های جغرافیائی را ، طبق اصول بین‌المللی ، بحروف لاتین تبدیل نمائیم . فقط بعضی نام‌های جغرافیائی را که از قدیم شهرت یافته‌اند ، بهمان صورتی که بزبانهای لاتین نوشته میشود حفظ کرده‌ایم ، مانند تهران^۱ شوش^۲ تخت جمشید^۳ بازارگاد^۴ و کلمه تپه^۵ . بنابراین خلاصه علائم و قرارهای ما بشرح زیر است :

z	= ز	ā یا (،)	= الف
z h	= ژ	b	= ب
s	= س	p	= پ
s h	= ش	t	= ت
š	= ص	t h	= ث
d	= ض	d j	= ج
t	= ط	h	= ح
z	= ظ	k h	= خ
g h	= غ	ch	= چ
f	= ف	d	= د
q	= ق	d h	= ذ
k	= ك	r	= ر

ū یا v	= و	g	= گ
h	= ه	l	= ل
ī یا y	= ی	m	= م
		n	= ن

حروف صدادار عبارتست از: a i و u . صدای (o) بوسیله (u) نمایانده شده و صدای (e) در فارسی بوسیله (a) یا (i) نشان داده شده است.

حروف صدادار طویل عبارتست از: ū و ī و ē و حروف مرکب عبارتست از: ai و au .

فهرست مطالب

موضوع	صفحه	موضوع	صفحه
پیشگفتار استاد گیرشمن	الف	۴- بلوچستان و کرمان	۱۷
پیشگفتار مؤلف	د	تحقیقات استین . مکانهای پیش از تاریخی بمپور- خوراب	
یادداشت های مربوط به نقل نام های جغرافیائی	ز	تل ابلیس - تپه های باستانی جلگه جیرفت ۱۷-۱۸	
تحقیقات باستانشناسی در نواحی مختلف ایران		کشفیات کرمان ویزد ۱۸	
۱- گیلان و مازندران	۳	۵- لارستان	۱۹
تحقیقات پیش از تاریخ ژ. دمرگان	۳	تفحصات علمی وان دن برگ . آتشکده های تنگ	
کاوشهای کارلتون کون در غار کمر بند و غار هوتو	۳	چک چک و فورگ ۲۱-۲۰	
کاوشهای قلعه چاق در رستم قلعه	۵	۶- فارس	۲۰
کشفیات دماوند و کلاردشت		الف- تحقیقات و آثار در ناحیه بازارگاد تخت جمشید	
کشفیات ساسانی در کلاردشت و چالوس و ساری	۵	کاوشهای هرتسفلد و سامی در بازارگاد ۲۰-۲۳	
۲- گرگان یا استرآباد	۷	کاوشهای اشمیدت در استخر ۲۳	
تحقیقات پیش از تاریخی ژ. دمرگان	۷	آثار ساسانی در نقش رجب ۲۳-۲۴	
گنجینه استرآباد ۷-۸		آرامگاه ناتمام تخت رستم ۲۴	
کاوشهای وولسین روی مکان پیش از تاریخی تورنگ تپه ۸		آثار هخامنشی و ساسانی در نقش رستم ۲۴-۲۶	
کاوشهای اشمیدت روی مکانهای پیش از تاریخی و		کتیبه های حاجی آباد ۲۶	
ساسانی تپه حصار ۱۰-۱۴		ویرانه های ساسانی روی کوه استخر ۲۷	
کاوشهای پیش از تاریخی پومپلی در آنو ۱۴		پدیده های هخامنشی در ابرج ۲۸	
۳- خراسان و سیستان	۱۴	کاوشهای هرتسفلد و اشمیدت و سامی و گدار در	
تحقیقات پیش از تاریخی کارلتون کون در غارهای		تخت جمشید ۲۷-۳۷	
خراسان (خونیک) ۱۴-۱۵		کاوشهای هرتسفلد و لانگسدف در تل بکون ۴۰-۴۱	
تفحصات علمی دیز و هرتسفلد و گدار ۱۵		تحقیقات و تفحصات باستانشناسی وان دن برگ در	
ویرانه های ساسانی قلعه دختر باز هور ۱۵		ناحیه بازارگاد شیراز ۴۱-۴۵	
تفحصات استین و هرتسفلد در سیستان - مکانهای پیش از		ب- تحقیقات و تفحصات در ناحیه فارس جنوبی ۴۷	
تاریخی و ویرانه های سلوکی و اشکانی در کوه		مسافرتها ی استین . گمانه ها در امکان تاریخی	
خواجه- آثار ساسانی در رام شهرستان و کرکو ۱۵-۱۷		پیکر تراشی های یونانی در تل ضحاک آثار ساسانی در	
کاوشهای گیرشمن در نادعلی ۱۷		دارابگرد و آتشکده و تنگ کرم و سروستان و	
		فیروزآباد ۴۱-۴۵	

موضوع	صفحه	موضوع	صفحه
ج- تفحصات و آثار روی جاده شیراز به دریا	۵۲	کاوشهای گیرشمن در غار تنک پیده	۶۶-۶۷
تحقیقات پیش از تاریخی فیلدومک کون در بهارلو	۵۱	نقوش برجسته شیمبار	۶۷
کاوشهای اوپتون در قصر ابونصر	۵۲	آثار ساسانی در دزفول- جندی شاپور- شوشتر- پای پل	
نقوش برجسته ساسانی در برم دلك	۵۲	ایوان کرخه	۶۷
نقوش برجسته ساسانی در سرمشهد	۵۲-۵۳	کاوشهای مک کون در رام هرمز	۶۸
آثار ساسانی در جره و کازرون	۵۳	کاوشهای گیرشمن در چغا زنبیل	۶۸-۷۲
کاوشهای پزار در بندر بوشهر	۵۳	کاوشهای فرانسوی در شوش و تپه‌های اطراف آن	۸۴-۸۵
آثار جزیره خارک	۵۳-۵۴	کاوشهای گوتیه و لامپر در تپه موسیان و تپه‌های اطراف آن	۸۵-۸۷
د- تفحصات باستان‌شناسی و آثار میان راه بیشاپوریه شوش	۵۴	۸- لرستان	۸۷
تحقیقات پیش از تاریخی کارلتون کون در غار کلارزاغی	۵۴	تحقیقات پیش از تاریخی در سرگان	۸۷
کاوشهای گیرشمن و سال در بیشاپور	۵۴-۵۵	تفحصات هرتسفلد در لرستان شرقی- ژیلویران	۸۷
نقوش برجسته ساسانی در بیشاپور	۵۴-۵۷	کاوشهای کنتنو و گیرشمن در تپه گیان	۸۷
نقوش برجسته ساسانی در نقش بهرام و گویم	۵۷	کاوشهای کنتنو و گیرشمن در تپه جمشیدی و تپه بدهوره	۹۰
بنای نورآباد	۵۸	کشفیات نهاوند	۹۰
آثار هخامنشی در جین جین	۵۸	برنزهای لرستان	۹۱-۹۲
آثار ایلامی در تولسپید	۵۸	کاوشهای هیئت هولمس در لرستان- سرخ دم و غیره	۹۳-۹۴
تحقیقات استین در فارس غربی (اردکان)	۵۸	کشفیات پشت کوه	۹۴-۹۶
نقش برجسته ایلامی در کورانکون	۵۸-۵۹	مسافرت‌های آقای اورال استین- گمانه زنی‌ها و بررسی	
بند ساسانی در پل برین	۵۹	ویرانه‌های ساسانی	۹۶-۹۷
تفحصات درباره سنگ نبشته‌های دکتر فرای وهنینگ	۵۹	تفحصات باستان‌شناسی و مردم شناسی آقای فیلد در	
در فارس	۵۹	لرستان و خوزستان شمالی	۹۶-۹۷
۷- خوزستان	۶۰	کشفیات اشکانی در بروجرد	۹۷
مسافرت باستان‌شناسی اورل استین، آثار ساسانی چهارده و خیرآباد	۶۰	آثار ساسانی در هرسین	۹۷
گمانه زنی روی نقاط پیش از تاریخی در اطراف بهبهان	۶۰	۹- کردستان	۹۷
آثار ساسانی در کیکاووس	۶۰	آثار روی جاده تهران بغداد- ویرانه‌های قصر شیرین	۹۸
نقوش برجسته تنک سروک	۶۱-۶۴	نقوش برجسته سرپل و هورین شیخ خان	۹۸-۱۰۲
نقوش برجسته مال امیر	۶۴-۶۵	دخمه‌های دکان داود و اطاق فرهاد	۱۰۲-۱۰۳
کشفیات شمی	۶۵-۶۶	آثار ساسانی طاق گرا	۱۰۳
آثار مسجد سلیمان و برد نشاند	۶۶	نقوش برجسته طاق بستان	۱۰۳-۱۰۵
کشفیات لالی			

موضوع	صفحه	موضوع	صفحه
آثار ساسانی قلعه کونار	۱۰۵	سنگ نبشته های تاش تپه و سکیندیل	۱۱۷-۱۱۸
استودان سکاوند	۱۰۴-۱۰۵	سنگ یادگار کده شین	۱۱۸
آثار هخامنشی و اشکانی در بیستون	۱۰۵-۱۰۲	نقش برجسته سلماس	۱۱۸-۱۱۹
آرامگاه صخره ای در صحنه	۱۰۷-۱۰۸	کشفیات اتفاقی در ماکو	۱۱۹
آثار سلوکی در کنگاور	۱۰۹	کاوشهای دسرگان در طالش	۱۱۹-۱۲۰
کشفیات هخامنشی در همدان	۱۰۸-۱۱۰	۱۱- عراق عجم	
سنگ نبشته های گنج نامه	۱۱۰	الف- آثار و کاوشها در ناحیه تهران - قزوین	
کاوشهای تل ذهاب	۱۱۰	کاوشهای اشمیدت در چشمه علی تپه و چال ترخان ۱۲۰-۱۲۱	
کاوشهای قاجاق زالوآب	۱۱۰	ویرانه های ساسانی در تپه میل ورامین، تخت رستم،	
کشفیات دینور	۱۱۰	تخت طاووس و شهرستانک	۱۲۱-۱۲۲
کشفیات پیراوند	۱۱۱	کاوشهای خورون	۱۲۲-۱۲۳
تحقیقات علمی امتین - غار کرفتو	۱۱۱	کشفیات پیش از تاریخی چنار و دروس	۱۲۳
تحقیقات کارلتون کون در غارهای کردستان	۱۱۱	کشفیات ساسانی در قزوین	۱۲۳
گنجینه زیویه	۱۱۰-۱۱۴	ب- آثار و کاوشها در ناحیه ساوه و قم	
۱۰- آذربایجان		کاوشهای تجارتنی در مسره و قلعه دشت	۱۲۴
تحقیقات پیش از تاریخ دسرگان	۱۱۴	ویرانه های ساسانی در قلعه دختر در قم	۱۲۴
تحقیقات اورل استین	۱۱۴	آثار سلوکی در خوره	۱۲۴
کاوشهای حسنلو	۱۱۴-۱۱۵	ج- آثار و کاوشهای ناحیه کاشان و اصفهان	
کاوشهای بورتون برون در گوی تپه	۱۱۵	آثار ساسان. در نیسار، آتش کوه، نیمور و نطنز	۱۲۵
تحقیقات در غارهای تمتبه بوسيله کارلتون کون	۱۱۷	کاوشهای گیرشمن در تپه سیلک	۱۲۵
ویرانه های تخت سلیمان	۱۱۷	ویرانه های ساسانی در اصفهان و یزدخواست	۱۳۵
دخمه فقره قا (یافخریکا) در شمال مهاباد	۱۱۷	نتیجه	۱۳۶

فهرست کتب

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۲۰۷	فهرست کتب	۱۳۷	الف- کلیات و نشانه‌های اختصاری
۲۱۲	۴- دوران سلوکی	۱۳۸	ب- فهرست کتب نسبت بناحیه و مکان تاریخی
۲۱۱	نقشه		فهرست کاوشها و گمانه‌ها و تفحصات علمی نسبت
۲۱۲	تابلو	۱۸۸	به تاریخ انجام آن
۲۱۴	۵- دوران پارت	۱۹۰	نظر اجمالی درباره باستان‌شناسی ایران
۲۱۵	تابلو	۱۹۳	۱- دوران پیش از تاریخ
۲۱۵	فهرست کتب	۱۹۲	نقشه
۲۲۲	۶- دوران ساسانی	۱۹۳	تابلو
۲۲۱	نقشه	۱۹۳	فهرست کتب
۲۲۶	تابلو	۱۹۹	۲- دوران ایلامی
۲۲۹	فهرست کتب	۱۹۸	نقشه
۲۳۶	فهرست تصاویر	۲۰۰	تابلو
۲۴۰	فهرست عکس‌ها	۲۰۷	فهرست کتب
۲۶۳	فهرست نام‌ها	۲۰۳	۳- دوران هخامنشی
	لوحة‌ها از شماره ۱ تا ۱۷۳	۲۰۲	نقشه
	طرح از شماره ۱ تا ۳	۲۰۶	تابلو

تحقیقات باستان شناسی

در نواحی مختلف ایران

۱- گیلان و مازندران

دو استان گیلان و مازندران در ناحیه جنگل خیزی واقع شده است و از طرف شمال به دریای مازندران و از طرف جنوب به رشته کوههای البرز محدود می باشد.

در پایان قرن اخیر، ژ. دمرگان^۱ آثاری از دوران پیش از تاریخ مازندران در نقاط مختلف آن استان کشف کرد. مهمترین این نقاط در بستر رودخانه «آب پردمه»^۲ و دره «لار»، نزدیک محمد آباد است^۳ (فهرست کتب شماره ۱) ولی فقط در این اواخر چند نقطه ای که حاوی آثار پیش از تاریخ است تحت مطالعه دقیق قرار گرفته است.

در سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۵۱، آقای «کارلتون. س. کون»^۴ از دانشگاه ویلادلفیا، چند غار واقع در مازندران را بازدید نمود: (غار علی تپه و غار کمر بند نزدیک به شهر، غار هوتو نزدیک تریجان، غار رستم قلعه، غار کلره^۵ نزدیک رستم قلعه)، و تحقیقاتی درباره وضع دوران پیش از تاریخ در این نواحی بعمل آورد. مشارالیه دو غار از غارهای مذکور در بالا را برای مطالعه دقیقتر انتخاب کرد، یکی غار کمر بند و دیگری غار هوتو (فهرست کتب شماره ۲).

الف - غار کمر بند - در کاوشهای سال ۱۹۴۹ در این غار شش طبقه تشخیص داده شد که روی هم قرار داشت و مجموع این شش طبقه به ۲۸ قشر. ۲ سانتیمتری تقسیم شد. این طبقات از نظر تاریخ میان دوران های مزولیتیک^۶ و نئولیتیک واقع شده بود.

۱- طبقه بالا شامل آثار دوران نئولیتیک (دوران سنگ جدید) تا عصر حاضر بود.

۲- طبقه زیرین شامل سفالهای دوران نئولیتیک قدیم بود.

۳- طبقه سوم هیچ شباهت به طبقه دوم از حیث آثار باستانی نداشت و در آن اثری از سفال بدست نیامد و نیز نشانه ای از کارهای زراعتی در آن دیده نمیشد. این دوره در عصر «نئولیتیک پیش از سفال» قرار دارد.

۴- طبقه ۴ شامل آثار دوران پالئولیتیک^۸ جدید، یا دوران مزولیتیک بود، (مثلاً چاقوهای کوچک از سنگ چخماق سیاه). ضمناً استخوان هائی شبیه به استخوان های غزال های پیش از تاریخی معروف

1- J. De Morgan 2- Ab-i-Parduma 3- Mahmatâbâd 4- Carleton S. Coon 5- Kallarah

6- Mésolithique 7- Néolithique «عصر سنگ» 8- Paléolithique.

به «لاگازلاسوب گوتروزا»^۱ در آن طبقه دیده میشد.

۵- در این طبقه، اشیائی شبیه به اشیاء طبقه چهارم پیدا شد، بعلاوه در آن تیغه‌هائی از سنگ چخماق و قطعاتی از استخوان سگ دریائی نیز دیده شد.

۶- طبقه آخر شامل خاك رس و شن و ماسه بود، که در روی قشرهای آب زیر زمینی قرار داشت. کاوش‌هائی که در سال ۱۹۵۱ در این ناحیه بعمل آمد، نتایج پیدایش‌های سال ۱۹۴۹ را تأیید کرد. آزمایش‌هائی که با روش «کاربن ۱۴» بعمل آمد نشان داد که طبقات «نئولیتیک» یا «سنگ جدید» غار هوتو متعلق به حدود شش هزار سال پیش از میلاد بوده است، و آثار طبقات «مزولیتیک» در آن ناحیه میان ۶۰۰۰ و ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد واقع شده است. باقیمانده‌های استخوان‌هائی نیز بدست آمد، که یکی از آنها مجموعه یک دختر ۱۲ ساله از نوع انسان «نئاندرتال»^۲ بود. نمونه‌هائی از غلات و یک چنگال از جنس شاخ حیوان، که از عهد «نئولیتیک»^۳ قدیم بود، در این طبقه دیده شد.

آقای «کارلتون کون»، پس از اینکه تحقیقات متخصصان مختلف را دقیقاً بازرسی کرد باین نتیجه رسید که در دوره «مزولیتیک جدید» ساکنان غار کمر بند زندگی خود را با شکار، خصوصاً با شکار آهو یا بز کوهی و گوسفند و بز وحشی می‌گذرانده‌اند. این دو حیوان اخیر را در همان زمان تدریجاً اهلی کردند و در خدمت خود قرار دادند. در دوره «نئولیتیک قدیم» ساکنان غار مزبور اوقات خود را مصروف تربیت حیوانات اهلی مینمودند و گله‌های بز و گوسفند خود را به چراگاه می‌بردند. در دوران «نئولیتیک جدید» غارنشینان مزبور به کار زراعت پرداختند. در همان زمان نیز مردم نامبرده با هنر بافتنی و کوزه‌گری آشنائی پیدا کردند. از آن پس پشم و شیر بز مورد استفاده آنها قرار گرفت. کمی بعد خوک و بز کوهی نیز اهلی شد. بنابراین زراعت و اهلی شدن حیوانات در این ناحیه را میتوان در آغاز هزاره چهارم پیش از میلاد قرارداد.

ب- غار همجوار غار هوتو - در سال ۱۹۵۱ در غار همجوار غار هوتو کاوش‌هائی بعمل آمد. ابتدا گودالی به عرض ۳ متر و طول ۵ متر و عمق ۷/۲ متر کنده شد. در عمیق‌ترین نقطه این گودال به سنگریزه‌های عهد یخچال‌ها برخوردند. این گودال را (گودال A) نامیدند و در آن تعداد زیادی طبقات از «عهد آهن» تا دوران «نئولیتیک» دیده شد و در قسمت پائین آن آثار دوران «پالئولیتیک» نیز بچشم خورد. برای تحقیق بیشتر کاوش‌کنندگان یک گودال فرعی (گودال D) در میان طبقات دوران یخ‌بندان به عرض و طول ۲ متر در ۲ متر کردند و در آن چهار قشر متمایز را مشخص نمودند که شامل سنگ ریزه‌های سیاه‌بود و در فاصله هریک از این قشرها ماسه و لای قرار داشت. زیر این طبقات که از دوران یخچال‌ها بود قشر

۳- دوران‌های پیش از تاریخ به عهد پالئولیتیک و مزولیتیک
 ۱ - La gazella subgutterosa 2 - Néanderthal
 و نئولیتیک تقسیم شده و دوران نئولیتیک همان است که ما عصر حجر یا دوران سنگ جدید مینامیم.

دیگری از ماسه دیده شد و بالاخره کمی پائین تر به قشری از سنگ ریزه قرمز رنگ مخلوط با ماسه و خاگرس برخورد کردند. در این قشرها اشیائی از سنگ چخماق بدست آمد که متعلق به دوران « پالئولیتیک » بود. در قشر چهارم در این طبقه و در زیر قشر سنگ ریزه ها سه اسکلت انسان پیدا شد که احتمالاً در حدود ۷۵۰۰۰ سال پیش از میلاد در این منطقه زندگی میکرده اند.

آثاری که از غارهای کمر بند و « هوتو » پیدا شد همه مکمل یکدیگر اند و بما اجازه میدهند که در ناحیه مازندران تحول وجود انسان را از دوران های یخ بندان تا عصر حاضر مشخص نماییم. در واقع در غار « هوتو » آثار تمدن « دوران آهن » و « برنز » و تمدن دوران های « کالکولیتیک » و « نئولیتیک سفال » موجود است. در غار کمر بند نیز آثار دوران « نئولیتیک سفال » بچشم میخورد ولی در یکی از طبقات زیرین آثار دوران « نئولیتیک پیش از سفال » و پیش از « دوران زراعت » نیز دیده میشود. در طبقه پائین تر دو مرحله از تمدنی که پایه آن روی شکار حیوانات قرار گرفته و متعلق به دوران « اورینیاسین »^۱ (یا پالئولیتیک نو) میباشد دیده میشود. سپس یک طبقه جدید پدیدار میشود که در آن اثری از انسان وجود ندارد و این طبقه در حدود دوران « پالئولیتیک میانه » واقع است. وجود چنین تمدنی در نتیجه پیدایش های دیگر که بوسیله آقای « کون » در ۱۹۴۹ در غار های بیستون و « تمتمه »^۲ و خونیک^۳ بعمل آمد تأیید گردید.

پس از این طبقه خالی، مجدداً در غار هوتو پدیده های دوران « پالئولیتیک قدیم » نمایان میگردد و در آن طبقات استخوانهای انسانی متعلق به همان دوران ظاهر میشود. در واقع در هیچیک از نقاط ایران اطلاعات مبسوطی راجع به تمدن های گذشته مردم این سرزمین مانند اطلاعات بدست آمده در غارهای مذکور در فوق کشف نگردیده است.

اشیاء مکشوف در غارهای « رستم قلعه » و کلاردشت، نیز متعلق به دوران پیش از تاریخ ایران میباشد. در رستم قلعه نزدیک شهر ساری قاچاقچیان در ضمن کاوش هایشان یک مجموعه ظروف برنزی بدست آوردند که بعداً وارد موزه ایران باستان گردید. بعلاوه با این ظروف برنزی کوزه های گلی خاکستری پر رنگ و ظروفی از سنگ مرمر نیز همراه بود. شباهت فوق العاده این اشیاء به آثار مکشوف در « تپه حصار » در دامغان (طبقه IIIc) نشان میدهد که « تمدن سوم تپه حصار » تا پشت دامنه های کوه البرز ادامه داشته است.

در ناحیه کلاردشت که در مغرب جاده کرج به چالوس قرار دارد (ف. ک. ۳۵) در ضمن انجام کارهای ساختمانی گورستانی پیدا شد که اشیاء ذیقیمتی از آن بیرون آمد. کشف این اشیاء نشان داد که صنعت و هنر ناحیه کلاردشت تحت نفوذ جریان های مختلف قرار داشته است. با این حال تمام آن اشیاء متعلق به یک قبرستان بوده است و همه آنها با هم هم دوره میباشد و میتوان آنها را میان سالهای هزار

تا هشتصد پیش از میلاد قرارداد. در میان آنها خنجر از طلا (لوحة ۱)، و جاسهائی از همان فلز، (لوحة ۲ الف و ب) وجود دارد که بسیار قابل توجه است. نقوش جام اخیر شباهت فوق العاده به هنر «هیتی‌ها» دارد و در سه طرف آن سه شیر بسبک هنر «هیتی‌ها» نقش شده، که سرهایشان بصورت برجسته از جدار خارجی ظرف بیرون می‌آید. در همین قبرستان چند ریتون^۱ از جنس گل پخته پیدا شده که به منزله پیش قراول ریتون‌های زرین عهد هخامنشی است (لوحة ۳ - الف، ب، ج). ظروف گلی دیگری در این گورستان پیدا شده که بیشتر آنها بشکل کوزه‌های کوچک دسته‌دار و کوزه‌های کوچک نوک دار شبیه به قوری از گل پخته قرمز رنگ می‌باشد و به ظروف سفالین گورستان (B) تپه سیلک نزدیک کاشان شباهت دارد (لوحة ۴).

در گورستانی نزدیک شهر دماوند (ف. ک-۴) دو جام بدون پایه، که قسمتی از آن بشکل سر گوزن است و از جنس گل قرمز می‌باشد پیدا شده (لوحة ۳ - د). همراه دو جام سکه هائی بوده که تاریخ گذاری آنها را آسان کرده و باین طریق توانسته‌اند تاریخ یکی از آن دو جام را از دوران پادشاهی فرهاد دوم (۱۳۸ بعد از میلاد مسیح) و دیگری را از عهد مهرداد دوم (۸۸ - ۱۲۳ پیش از میلاد) تشخیص دهند. بنابراین جام‌های مزبور از دوران اشکانیان است، ولی با جام‌های نظیرشان که در کلاردشت پیدا شده و با جام‌های بدون پایه طلای دوران هخامنشی شباهت زیاد دارد. اشیاء دیگری که در ناحیه کلاردشت و چالوس و ساری پیدا شده نشان داده است که در مازندران تعداد زیادی از ظروف نقره عهد ساسانی وجود داشته است.

باز در همین ناحیه کلاردشت جعبه‌ای فلزی (ف. ک-۵)^۲ پیدا شده که حاوی اشیاء نقره و زری از عهد ساسانی بود. روی دو جام زرین مکشوف در کلاردشت شاه «قباد اول» (۵۳۱ - ۴۸۸) سوار بر اسب نشان داده شده. شاه مشغول شکار گورخری است. روی دو جام دیگر شیرینی داخل دایره‌ای دیده میشود، و روی جام دیگری شیر بالدار می‌جسم گردیده و باز روی جام‌های دیگر یک عقاب در میان یک دایره نقش شده و در شش دایره دیگر که بر آن محیط است شش خروس قرار داده شده است. جام از نقره است ولی نقوش آن با ورقی از طلا پوشیده شده است (لوحة ۵). دو تنگ نقره در همین ناحیه کشف گردید که نقش قابل توجهی دارد. در روی جدار خارجی یکی از آنها نقش گل «لوتوس»^۳ بصورت مصنوعی در میان دو ترنج دیده میشود. در هر ترنج خروسی نقش شده (لوحة ۶ - الف، ب). زمینه تنگ دیگر طلائی است و روی آن رقاصه‌هایی که در زیر چهار «طاقنما» قرار دارند بصورت برجسته نقش گردیده‌اند. از طاقنما‌ها شاخه‌های درخت مو و خوشه‌های انگور آویزان است. در کنار رقاصه‌ها نوازندگان

۱ - Rhyton ساغرهایی که به صورت حیوانات شاخ‌دار یا فقط به صورت شاخ حیوانات است و در آن شراب مینوشیدند و چون پایه نداشت ناچار بودند محتوی آن را به صورت یک جرعه بنوشند.

۲ - ف. ک = فهرست کتب که در آخر این کتاب داده شد

۳ - گل «لوتوس» نوعی از نیلوفر است که جزئی از علائم پادشاهی در مصر بوده است.

در میان انواع حیوانات، مانند روباه و کبک و بلدرچین و ببر دیده میشوند. قسمت زیرین تُنگ که مانند عدس محدب است، حیوان افسانه‌ای هالداری را که شباهت به طاووس و شیر و اژدها دارد نشان میدهد و در دو طرف آن حیوان دوسر شیر قرار گرفته و در میان دهان شیرها سوراخی است (لوحة ۶ - ج، د) و وقتی تُنگ زرین پر از شراب میشده از آن دو سوراخ مایع داخل در جام‌ها میگرددیده است. روی دو قطعه زری ابریشمی، که در همین محل پیدا شده، شاه بهرام چهارم (۳۹۹-۳۸۸ بعد از میلاد) در حال شکار شیرها نشان داده شده است. ولیعهد همراه پادشاه و سوار بر اسب است و گاوی وحشی را مورد حمله خود قرار داده است. وقتی توجه شود که تا این تاریخ تقریباً تمام ظروف نقره مکشوف از عهد ساسانیان در جنوب کشور شوروی پیدا میشد، اهمیت این ظروف که برای اولین بار در ایران بدست آمده، نمایان میگردد و با پیدایش این جام‌های عهد ساسانی ما از این پس خواهیم توانست بعضی اشیاء دیگر را که جداگانه کشف گردیده‌است بخوبی تاریخ گذاری کنیم.

هنگام جاده سازی در راه میان چالوس به کرج (ف - ک - ۶) تصادفاً به آینه نقره‌ای از عهد ساسانی برخوردند، که شیشه آن از بین رفته بود. تزیینات پشت این آینه سیمین مرکب از شاخ و برگ و گل‌های مختلف بود، که در اطراف دایره‌ای قرار داشت. در میان دایره یک مرغ آبی نقش شده بود و تمام این نقوش بصورت برجسته بود و در صفحه داخلی آینه چیزی بخط پهلوی نوشته شده بود که هنوز خوانده نشده.

در ماه نوامبر سال ۱۹۵۴ کارگری در کارگاه آجر پزی در کنار خط راه آهن ساری به تهران سه ظرف نقره ساسانی پیدا کرد (ف. ک - ۷). روی زیباترین آن سه ظرف نقشی از منظره شکارگاه شاهنشاه ساسانی دیده میشد. احتمالاً این نقش از یکی از پسران شاپور دوم (شاید شاپور سوم) بود که قصد شکار دوشیر را داشت (لوحة ۷ - الف). دو ظرف دیگر عبارتست از یک بشقاب نقره و یک جام شراب که شکل مخصوصی دارد و از پنج قسمت تشکیل شده. در همین ناحیه اخیر اشیاء دیگری از عهد ساسانیان و خصوصاً از قرن پنجم و ششم میلادی پیدا کرده‌اند، مانند سه جام (لوحة ۷ - ب، ج، د)، که روی یکی از آنها منظره‌ای از میهمانی دیده میشود و نیز دو چنگال نقره خالص در همین محل پیدا شده که روی آن نام «هرمز پسر نرکش» نقش شده است (ف. ک - ۸).

۲ - گرگان یا استرآباد

گرگان یا استرآباد قسمت شرقی دشتی را تشکیل میدهد که در کنار دریای مازندران قرار دارد. در اواخر قرن اخیر (۹۹-۱۸۹۰) ژ. د. مرکان در بعضی از نقاط پیش از تاریخ ایالت گرگان و خصوصاً

در ناحیه استر آباد ، تفحصاتی نمود و در محلی موسوم به خرگوش تپه نزدیک شهر گرگان گمانه هائی زد (ف.ك - ۸) .

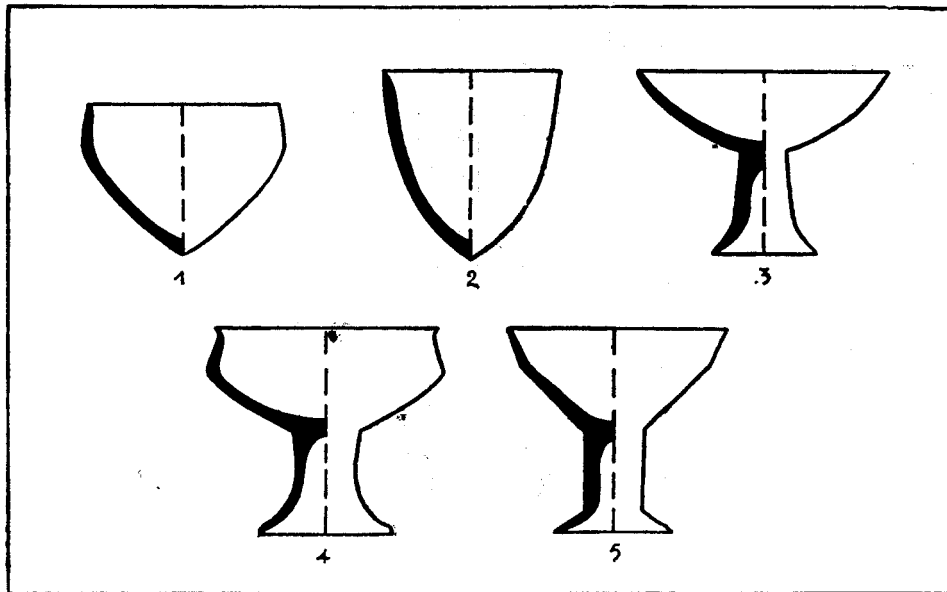
در حدود چهل یا پنجاه سال پیش از آن ، در سال ۱۸۴۱ ، در زیر تپه ای مصنوعی نزدیک شهر استرآباد خزانه معروف استرآباد کشف گردیده بود (ف.ك - ۱) . این خزانه تقدیم شاه ایران شده بود و بوسیله س. آ. دوبود^۱ و سالامن ریناک^۲ و رستوزف^۳ مورد مطالعه واقع شده بود. خزانه مزبور شامل اشیائی از طلا مانند آب خوری و قوری با نقوش برجسته یا کنده شده و یک جام دایره ای شکل و دو شیئی دیگر که معلوم نشد برای چه منظوری ساخته شده و دو مجسمه کوچک ، یکی از سنگ قرمز رنگ و دیگری از سنگ زرد رنگ بود . علاوه اشیاء دیگری مانند ظروف سنگی و سلاح های جنگی و تبر و دشنه از جنس مس در این مجموعه وجود داشت . بعضی از این اشیاء مانند مجسمه های کوچک زنان و کوزه های کوچک نوك دار شبیه به قوری و بعضی از خنجرها و تبرها از حیث سبك ساختشان شبیه به اشیاء مكشوف در «تپه حصار» دامغان بود و بنابراین احتمالاً متعلق به اواخر هزاره سوم پیش از میلاد مسیح است .

مهمترین کاوشهائیکه در این نواحی برای بدست آوردن آثار پیش از تاریخی بعمل آمده کاوشهای « تورنگ تپه » و « شاه تپه » و « تپه حصار » میباشد .

در سال ۱۹۳۱ یک هیئت علمی امریکائی از دانشگاه پنسیلوانیا تحت نظر آقای وولسین^۴ محل تاریخی « تورنگ تپه » را ، که ۱۹ کیلومتر از طرف مشرق با شهر استرآباد فاصله دارد ، معاینه کرد (ف.ك - ۱۱) . در این محل سه طبقه متمایز تشخیص داده شد . طبقه بالا شش متر عمق داشت : (تقسیم بندیهای ۱۰۸ تا ۱۰۲) باقیمانده های گورستانی از « دوران آهن » میان یک تا ۲ متر ضخامت قرار داشت . در پایین این طبقات باقیمانده دیوارهای دهکده ای است که آتش آن را از میان برده و در آن ۴ قبر بدست آمد . در قبرها ، همراه مردگان ، ظروف سفالین درخشانی برنگهای قرمز و خاکستری تیره و اشیائی از برنز ، شبیه اشیاء طبقه ۳ در تپه حصار بدست آوردند . طبقه دوم در میان عمق ۴ تا ۸ متر واقع بود : (تقسیم بندی شماره ۱۰۲ تا ۱۰۰) و در آن چیز فوق العاده ای پیدا نشد . طبقه سوم در پای تپه قرار داشت ، و بین ۱۰ و ۱۱/۳ متر عمق قرار گرفته بود : (تقسیم بندیهای شماره ۹۸ تا ۹۶ ، ۷) . در این طبقه در میان خاکستر و آجرها دو قبر پیدا شد که در آن سفال خاکستری تیره رنگی وجود داشت و تزیینات آن بوسیله ابرازی شبیه به شانه انجام گرفته بود . در هر یک از این سه طبقه سفالهای قرمز با نقوش سیاه رنگ ، شبیه به سفالهای تپه مجاور یعنی شاه تپه ، پیدا شد . در این طبقه چند مجسمه کوچک بسیار زیبا از جنس گل پخته قرمز رنگ نیز بدست آمد (لوحة ۸ - الف) .

دو سال بعد ، در سال ۱۹۳۳ ، یک هیئت باستان شناسی سوئدی که با سرپرستی آقای آرن^۱ اداره میشد ، برای دیدن این ناحیه بایران آمد و سرزمین واقع میان شهر گرگان و رودخانه قرهسو را مورد مطالعه خود قرار داد و در نقشه‌ای که از این سرزمین تهیه کرد وجود بیش از ۳۰۰ تپه تاریخی را خاطر نشان نمود .

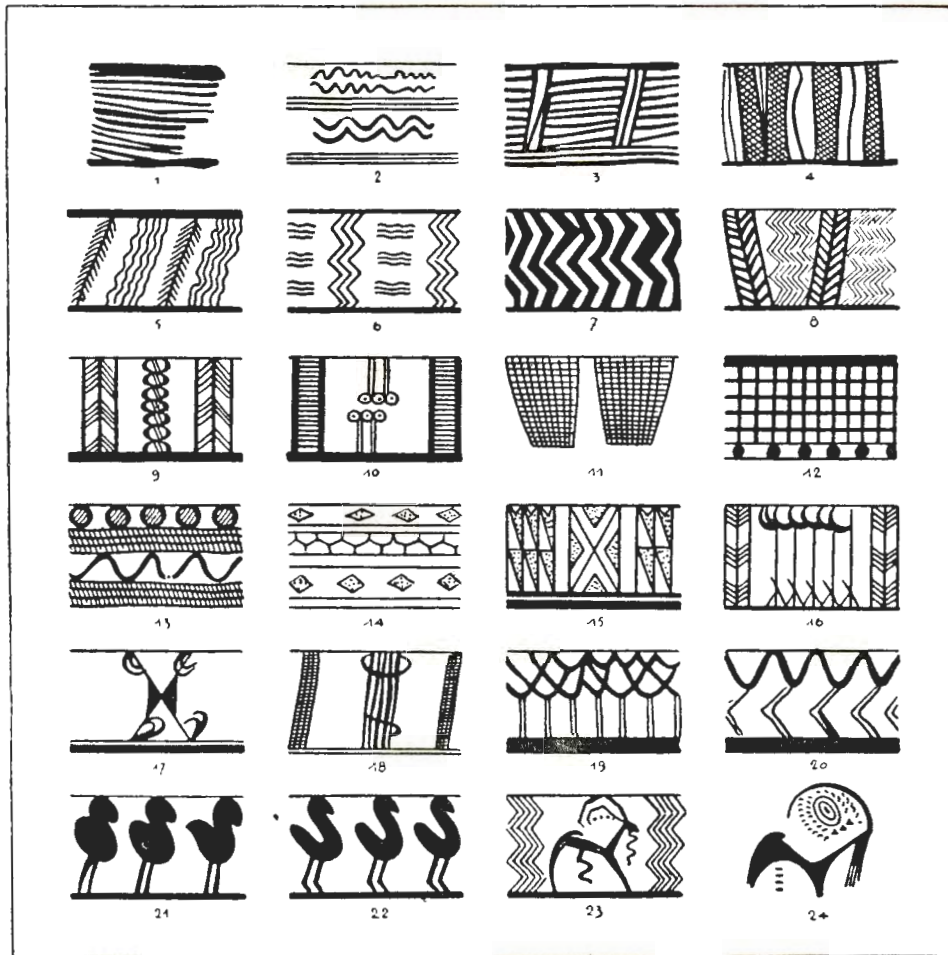
یکی از این تپه ها « شاه تپه بزرگ » نام دارد و در فاصله ۱۳ کیلومتر در شمال غرب استرآباد واقع است . این تپه مورد بررسی دقیق قرار گرفت: (ف. ک - ۱۲) . تپه بطور متوسط ۷ تا ۷/۷ متر ارتفاع داشت . کاوش در آن بطریق گمانه زنی انجام گرفت و ۸ گودال در آن حفر شد که عرض و طول هر کدام ۱ متر بود و تحت شماره‌های HtA نام گذاری شد . تمام این گمانه ها به خاک بکر رسید و در آن سه دوره بزرگ تشخیص داده شد . طبقه اول که بالاتر از همه قرار داشت شامل اشیاء دوران اسلامی بود . طبقه دوم و سوم متعلق به دوران پیش از تاریخی بود و اشیاء پیش از تاریخی بیشتر در قبرها پیدا شد .



شکل ۱

این قبر ها غالباً در زیر خانه ها بود ولی در خود خانه ها چیزی بدست نیامد . قسمت مهم اشیاء پیدا شده را ظروف سفالین تشکیل میداد . در طبقه دوم قشرهای متمایزی وجود داشت . در قشر شماره II A1 کاسه های آبخوری نوک دار و کوزه های شکم دار بدست آمد . در قشر II A2 کوزه های نوک دار و جام های پایه دار زیاد بود . در قشر II B ماست خوری و آبخوری استوانه ای شکل و آبخوری های گود و کاسه های

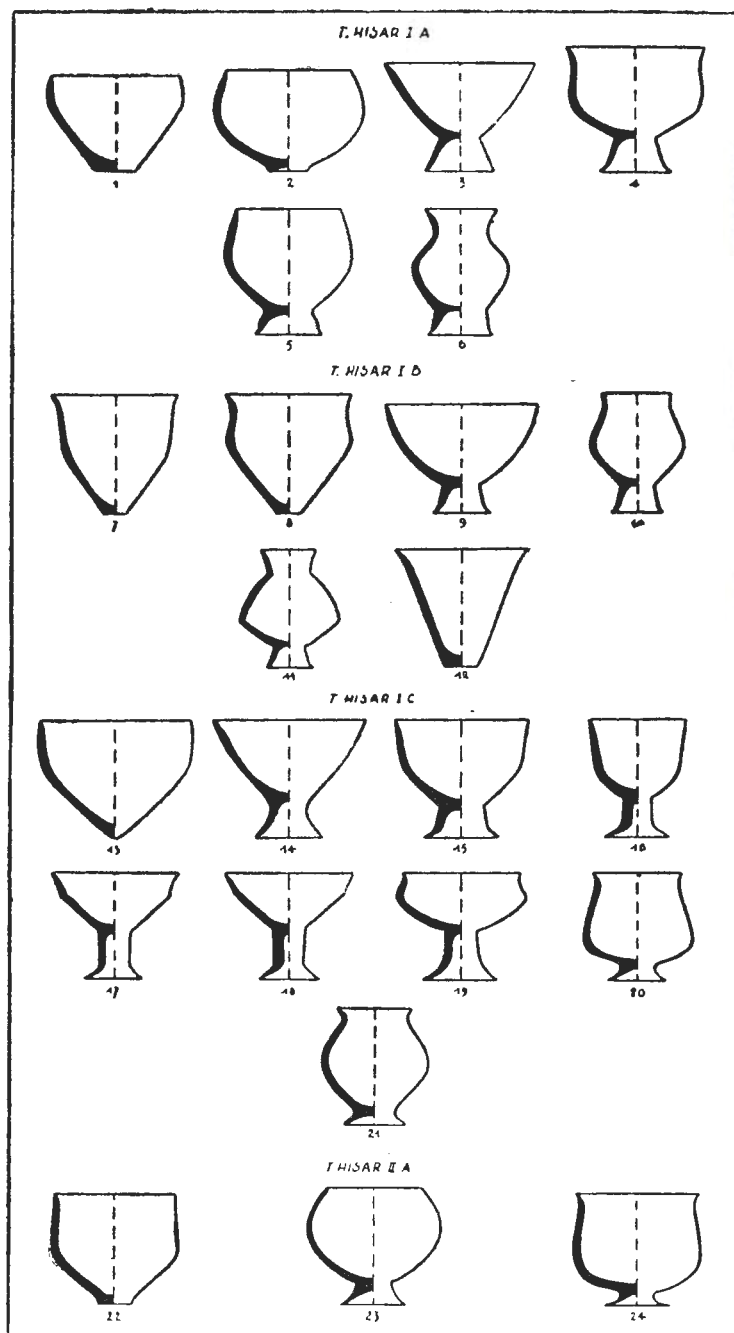
نوك دار فراوان بود . این ظروف شباهت زیاد به ظرف های طبقه سوم تپه حصار داشت و جنس آن از سفال خاکستری رنگ و یا سنگ مرمر بود . در این ناحیه سفال های نقش دار نیز وجود داشت ، معمولاً نقش این سفال ها قهوه ای پررنگ ، یا سیاه روی زمینه قرمز ، و بشکل نقوش هندسی بود ، و روی تمام ظرف رامیپوشانید . چنین بنظر میرسد که بیشتر موضوع نقوش این ظروف شکل عمودی داشته است . (۸ - ب تا و) .



شکل ۲

در سال ۱۸۸۰ در شهر دامغان ، بطور اتفاق ، سفالهای منقوشی پدیدار شد . قسمتی از این سفالها وارد موزه احمد شاه در تهران گردید و قسمت دیگر به موزه های « لوور » و « کنسینگتون موزیوم »^۱ و موزه بریتانیا رفت . آقای هرتسفلد مرکز این کشفیات را تپه معروف به « تپه حصار » تشخیص داد ولی فقط چندین سال پس از این تشخیص یعنی در سالهای ۱۹۳۲-۱۹۳۱ ، هیئت امریکائی دانشگاه پنسیلوانی ،

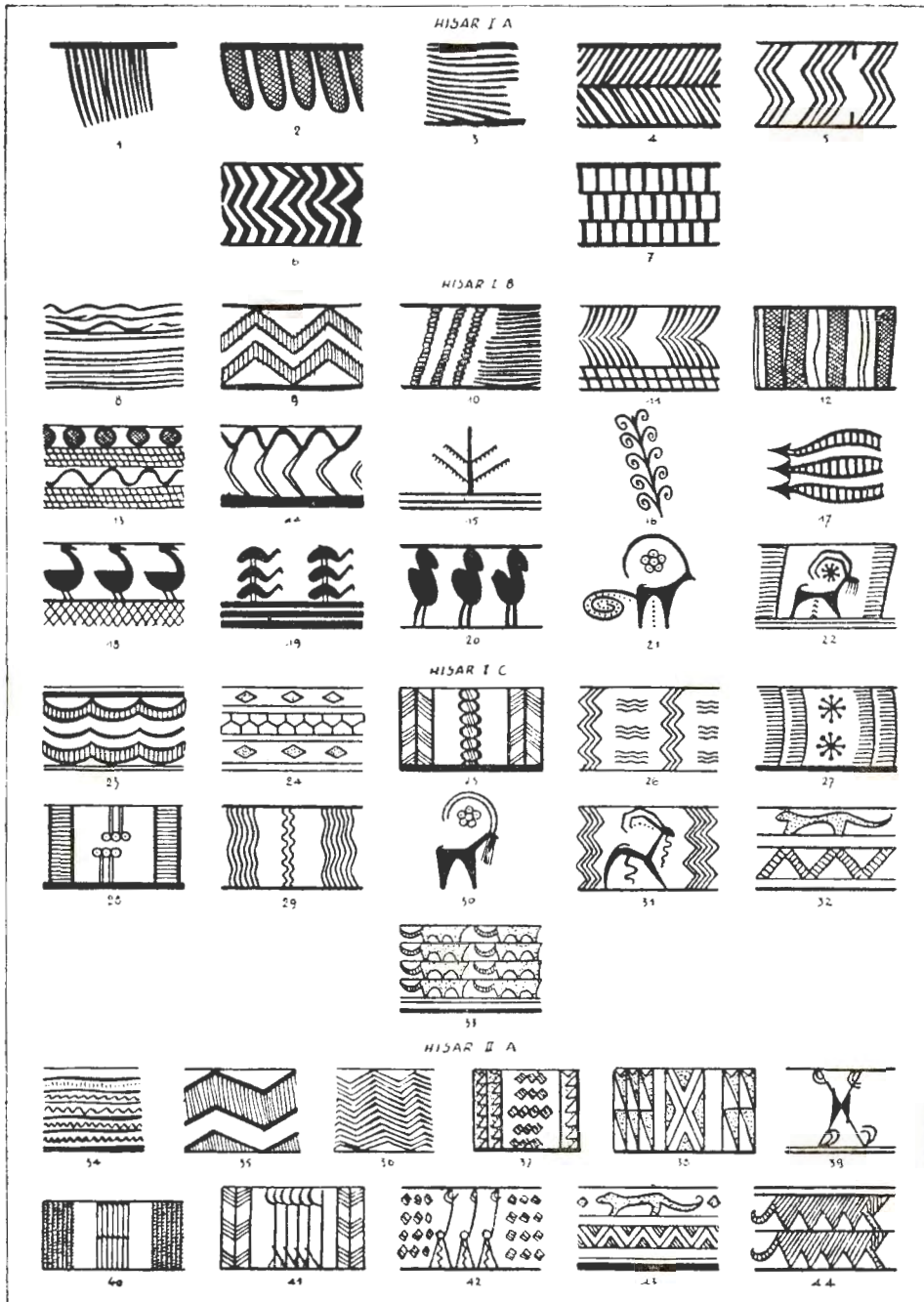
تحت سرپرستی آقای اریک اشمیدت (ف. ک - ۱۳)، در این نقطه کاوش های علمی انجام داد. در آنجا نیز



شکل ۳

سه طبقه متمایز مربوط به دوران پیش از تاریخ تشخیص داده شد. در قدیمترین طبقه آن (طبقه IA, B, C) خشت های خام پدیدار شد. سفال این طبقه (لوحه ۹ و ۱۰ و شکل ۱ تا ۴) با دست ساخته شده

و گاهی نیز از چرخ کوزه‌گری استفاده شده است (از دوران IB به بعد). این دسته از ظروف بیشتر شامل ماست‌خوریها



شکل ۴

و جام‌های پایه‌دار می‌باشد. نقش آنها خاکستری تیره یا قهوه‌ای تیره است که روی زمینه قهوه‌ای مایل به قرمز (IA) و قهوه‌ای روشن (IB) یا خاکستری روشن قرار داده شده (IC). موضوع نقوش به قرار زیر است:

نقوش هندسی خالص: مارپیچ، دندانه، خطوط افقی موازی، (طبقه IA)، گل و برگ: (برگ خرما، درخت هائی که شاخه هایش مرکب از مارپیچ هاست)، (طبقه IB)، حیوانات: (مار، مرغهای آبی، گوزن). در طبقه IC) موضوع نقوش در میان قسمت بندیهای گنجانده شده که بصورت عمودی رویهم قرار گرفته است. مهمترین این موضوع ها مرغ های آبی و بز های کوهی و ببرها هستند. در میان شاخ های بز کوهی یک «گل پنج پر» قرار دارد. طبقه بعد یعنی طبقه دوم به الف و ب تقسیم شده و شامل ساختمانهای آجری میباشد. در طبقه (IIA) همزمان با سفال قدیمی منقوش (که غالباً زمینه قهوه ای یا قرمز و نقوش خاکستری تیره داشت و موضوع آن ببر و بز کوهی با گردن و شاخ های بلند و مصنوعی بود) (لوحة ۱- ج تا و، شکل ۳ و ۴) سفال خاکستری شفاف پدیدار میگردد. بعلاوه مجسمه های کوچک حیوانات از جنس گِل پخته و مجسمه های کوچک انسان در این طبقه دیده میشود و نیز مهرهایی از جنس مس و سنگ و گِل پخته یا خمیر مخصوصی از ترکیبات قیر در همین طبقه پدیدار میگردد. در طبقه (IIB) سفال منقوش بکلی از میان میرود و سفال خاکستری شفاف جای آنرا میگیرد. اشیاء فلزی مانند سنجاق و دست بند و انگشتری معمولاً از مس و بندرت از طلا یا نقره، نیز در این طبقه موجود است.

طبقه بالا، یعنی طبقه سوم، به (IIIA, B, C) تقسیم شده و شامل دورانی طولانی است. در قسمت اول آن آثار زیادی بدست نیامده و به منزله دوران «برزخ» محسوب میگردد. برعکس در قسمت های IIB و IIIC آثار زیادی کشف گردیده است. در آن قسمت نیز مانند طبقات دیگر همان سفال خاکستری تیره شفاف با نقش های کنده شده دیده میشود ولی شکل ظروف فرق میکند. ظرفهای این طبقه بیشتر نوک دراز دارد یا تنگ های گردن باریک است، یا بشکل «شیرینی خوری» پایه بلند یا پایه کوتاه میباشد (لوحة ۱۱ - الف، ب، ج) و اشیائی از سنگ مرمر، خصوصاً در طبقه IIIC پیدا میشود (لوحة ۱۱ - د. ۱۲ - الف، ب).

وجود ظروف فلزی از جنس مس و برنز و طلا و نقره و حتی سُرَب، بما نشان میدهد که فلز کاری در آن زمان در میان مردم این ناحیه معمول بوده. بعلاوه خنجرهای فلزی و گرزهایی که به یک ستاره شش پر و یک بز کوهی یا به یک گروه مجسمه ۳ نفری منتهی میشود (لوحة ۱۳ - الف، ب) و تبرهای دوسر و سرنیزه ها و دیگهای فلزی و ملاقه و اشیاء زینتی، مانند سنجاق های بلند و انگشترها و دستبند ها و مجسمه های کوچک انسان از جنس برنز نیز در میان اشیاء مکشوف در این طبقه دیده میشود (لوحة ۱۲ - ج، ۱۳ - ج).

دکتر «اریک اشمیدت» در محل «تپه حصار» به جستجوی شهر گمشده «صد دروازه» پایتخت اشکانیان پرداخت و نتیجه ای بدست نیاورد ولی از زمان ساسانیان آتشگاهی در این محل پیدا شده که

از عهد قباد اول (۵۳۱-۴۸۸) بود و گچ بری‌های بسیار زیبایی روی دیوارهایش دیده میشد (لوحة ۱۴). آقای «اشمیت» در «شیرشیان»^۱ (ف. ک - ۱۵) واقع در ۱۵ کیلومتری مغرب دامغان، کاوشهایی انجام داد و در آنجا نیز نظایر سفالهای طبقه اول «تپه حصار» را بدست آورد. محل تاریخی نریشان^۲ واقع در فاصله ۳ کیلومتر در شمال شرقی دامغان نیز مورد بررسی قرار گرفت و در آن آثار دوران اشکانی و ساسانی، نظیر آنچه که در تپه حصار دیده شده بود، پیدا شد.

در سال ۱۹۳۴ آقای دکتر «اشمیت» بار دیگر دره گرگان را تحت مطالعه قرارداد (ف. ک - ۱۷) و با هواپیما از فراز آن عبور کرده، عکسهایی از نقاط تاریخی آن گرفت.

در اوایل قرن حاضر آقای «پمپلی»^۳، در محل تاریخی «آنو»^۴ (ف. ک - ۱۸) نزدیک عشق آباد، کاوشهایی بعمل آورد. سفال‌های منقوشی که از قدیمترین طبقه این تپه بدست آمد (طبقه IA-B) شبیه به سفالهای مکشوف در آخرین قسمت طبقه دوم سیلک بود، ولی سفالهای خاکستری تیره رنگ طبقات ۲ و ۳ شباهت به سفالهای طبقه ۲ و ۳ در تپه حصار داشت. سفالهای منقوش ساده یا هفت رنگ در آن ناحیه شبیه به سفالهای مشکوف در بلوچستان «کوئته و رناغوندای»^۵ و سفالهای سیستان بود. آثار نفوذ هنر «آنو» در چند تپه دیگر ترکستان روس (مانند نمازگاه تپه و آق تپه) و در ایران، در محمد آباد (لوحة ۱۵ - الف و ف. ک ۱۹) دیده میشود و از خصوصیات این سفالها نقوش دندانه دار آن است.

۳ - خراسان و سیستان

خراسان و سیستان مجموع ایالات شرقی ایران را تشکیل میدهد. شمال خراسان از ادامه سلسله جبال البرز تشکیل یافته. در این ناحیه سلسله جبال به تعداد زیادی از رشته کوهها تقسیم میشود، که در میان آنها دشتهای مرتفعی قرار گرفته. قسمت جنوبی این ناحیه شامل مجموعه‌ای از فلاتها است. سیستان ناحیه پست وسیعی است که آب رودخانه هیرمند باعث حاصلخیز بودن آن گردیده خراسان و سیستان در قدیم بسیار حاصلخیزتر از امروز بوده، و تعداد شهرهایی که سابقاً در آن بصورت آبادیهای معتبری وجود داشته و امروز جز خرابه‌ای نیست بسیار زیاد میباشد، ولی این شهرها هنوز تحت بررسی علمی قرار نگرفته است.

در سال ۱۹۴۹ آقای «کارلتون کون» در این ناحیه چند غار قدیمی را تحت بازرسی قرارداد. یکی

از آنها غار اندرت زو^۱ نزدیک بیانجان^۲، در فاصله ۱۵ کیلومتری شمال شرق مشهد میباشد و دیگری غار لکی اسپور^۳، نزدیک دهکده خونیک^۴، در فاصله ۲ کیلومتری جنوب قاین، کنار جاده بیرجند است. در نتیجه گمانه‌هایی که بعمل آمد، معلوم شد در اثر زلزله طبقات مختلف این نواحی زیر و رو شده است، زیرا گاهی ابزاریکه از سنگ چخماق درست شده بود در بالای طبقات دوران اسلامی پیدا میشد. این ابزار سنگی از نوع ابزار دوران موستر^۵ میباشد و شباهت زیاد با اشیایی دارد که آقای کارلتون کون از غار بیستون بدست آورده.

بدون شک بررسیهای بیشتری در ناحیه خراسان ما را راجع به تمدن پارتها روشن تر خواهد نمود، ولی تا امروز هیچ بنائسی از این دوره در آن ناحیه پیدا نشده، فقط چند نقش که روی سنگ تراشیده شده و مربوط به عهد اشکانیان است دیده میشود و در یکی از آنها مردی با شیری در نبرد است و در دیگری نیم تنه انسانی دیده میشود که ریش دارد و از نیمرخ کشیده شده و «کلاه خودی» بر سردارد و در کنار او کتیبه‌ای به خط پهلوی اشکانی بچشم میخورد. این نقوش در سالهای اخیر در گردنه «کال جنگال»، در جنوب غربی شهر بیرجند (ف. ک - ۲۱) کشف گردیده است. معه‌ذا ممکن است که این نقوش متعلق به ابتدای دوران ساسانی باشد.

ناحیه خراسان در عهد ساسانیان و در آغاز دوران اسلامی بسیار آباد بود. آقای دیز^۶ و هرتسفلد و گذار در نتیجه تحقیقات عمیقی ثابت کردند که تمدن درخشانی در قرن دهم تا سیزدهم میلادی (سوم تا ششم هجری) در این ناحیه پرتو افکنده بوده است (ف. ک - ۲۲) و این مطلب در نتیجه کاوشهای هیئت علمی امریکایی، که از ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۷ در نیشابور مشغول کاوش بود، تأیید گردید (ف. ک - ۲۳). این شهر در زمان شاپور اول (۲۷۲ - ۲۴۱) بوجود آمد، و یکبار ویران شد، و مجدداً در زمان سلطنت شاپور دوم (۳۰۹ - ۳۷۹) برپا گردید، و تدریجاً اهمیت فوق العاده یافت. شهر نیشابور در حدود قرن دهم تا پانزدهم (سوم تا چهارم هجری) یکی از شهرهای بزرگ دوران اسلامی در خراسان بود.

روی جاده میان مشهد و تربت حیدری، نزدیک رباط سفید، ویرانه‌های قلعه دختر باز هور (ف. ک - ۲۴) دیده میشود. روی تپه‌ای باقی مانده‌های تختی مشهود است و در پای تپه آثار یک چهارطاقی (لوحه ۱-ب) پدیدار میباشد. این طاق روی چهار جرز محکم قرار گرفته، و پوشش آن عبارت از چهار «گوشوار» است، که در بالای آن گنبدی قرار داده‌اند و در زیر آن گنبد آتش مقدس را روشن میکرده‌اند.

آقایان اورل استین^۷ و هرتسفلد، اولی در سالهای ۱۹۱۶-۱۹۱۵ و دومی در ماه ژانویه ۱۹۲۵، در ناحیه سیستان مسافرتی بعمل آوردند. این دو مسافرت علمی نشان داد تا چه اندازه این ناحیه از حیث

1 - Andarth Zü

2 - Biandjân

3 - Laki Aspür

4 - Khunik

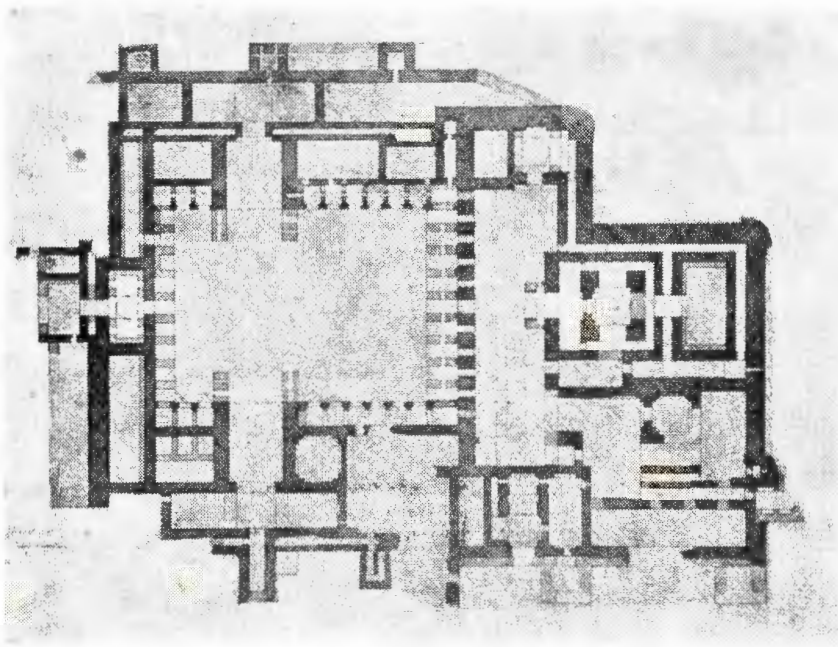
5 - Mouster

6 - Diez

7 - A. Stein

آثار پیش از تاریخ قابل توجه است. در مصب «رود بیابان»، بین «شیلا» و «شاه محمد رضا» موفق بکشف نقاط پیش از تاریخی متعددی، مانند رامرود و شهر سوخته و «کلات گرد» و «مشی» گردیدند و در آنها سفال منقوش پیدا کردند. این سفال به سفال طبقه اول تپه حصار و طبقه دوم و سوم «آنو» و کویته و بمپور شباهت زیاد دارد.

آقای اورل استین در کوه خواجه (ف. ک - ۲۶) موفق به کشفیات قابل توجهی شد. وی تصور میکند آثار کوه خواجه باقیمانده‌های پرستشگاهی مربوط به مذهب بوداست، که در روی جزیره‌ای در میان دریاچه هامون ساخته شده است.



شکل ۵

آقای هرتسفلد پس از اینکه این آثار را معاینه کرد اظهار نمود که این خرابه ها باقیمانده کاخ فرمانداری از زمان اشکانیان است و در دو دوره متمایز ساخته شده است. کاخ اصلی عبارت است از یک حیاط بزرگ که در چهار طرف آن چهار رواق ستون دار و قوس دار وجود دارد. قوس های این رواقها هلالی است. در کنار کاخ آتشگاهی است که محرابی دارد (لوحه ۱ ج). آتشگاه مرکب از تالار چهارگوشی است که مر در بزرگی دارد، و در اطراف تالار راهرویی است، که پوشش آن گهواره هلالی است. در این کاخ آثار زیاد از گچ بریهای قدیم، مانند تزئینات موسوم به «دندان اره»، و دایره های متقاطع، خطوط شکسته متوازی^۱

و نقاشیهای دیواری روی گچ (لوحة ۱۶ الف و ب)، با نقش برگهای «آکانت»^۱ و خدای یونانی اروس^۲ سوار بر اسب، یا یوزپلنگ و رامشگران و خدایان، کشف گردیده است.

آقای هرتسفلد در رام شهرستان^۳ (ف. ک - ۲۷)، پایتخت سیستان در دوران ساسانی، آثاری از خرابه های آن زمان بدست آورد که مهمترین آنها سه آتشکده بود. در «کرکو» (ف. ک - ۲۸) خرابه های آتشکده قدیمی که «مینوکرکو»^۴ نام داشت و قبلاً آقای هرتسفلد آنرا مشخص کرده بود ولی نتوانسته بود در محل آنرا ببیند، هنوز بر پا است. در آنطرف دریاچه هامون، در سیستان افغانستان، آقای پرفسور گیرشمن در روی «تپه سرخ داغ»، نزدیک ناد علی (ف. ک - ۲۹)، دو ساختمان قدیمی را کشف کرد که روی هم ساخته شده بود و متعلق به دو دوران مختلف بود. در طبقه اول که در حقیقت دوران جدیدتر است، سفال ضخیم قهوه ای رنگ یا خاکستری رنگ و اشیاء برنزی، مانند پیکان سه پره و نوک خنجر بدست آمد. اشیائی که متعلق به دوران دوم بود تنوع بیشتری داشت، مانند سفال معمولی و سفال قرمز رنگ و خاکستری مایل به سیاه و سفال منقوش با زمینه زرد یا قرمز و نقوش هندسی قرمز مایل به سیاه. اشیاء برنز و طلا نیز در این طبقه دیده شده. در میان اشیاء برنزی پیکانهایی که بشکل برگ شمشاد است قابل توجه میباشد.

دوران دوم را هم دوره گورستان (ب) تپه سیلک، یا کمی جوان تر از آن دانسته اند، و طبقه اول متعلق به دوران پیش از هخامنشی است.

۴- بلوچستان و کرمان

بلوچستان ایران ناحیه ایست کوهستانی واقع در جنوب شرقی ایران و حتی در حال حاضر به منزله ناحیه دور افتاده ای بحساب می آید. نخستین کاوش علمی که از نظر باستانشناسی در این ناحیه انجام گرفت، بدست مرد با شهامت بنام «اورل استین» بود^۵. این دانشمند در ضمن سالهای ۱۹۳۲-۱۹۳۳ مطالعات باستانشناسی و جغرافیائی مفصلی در این ناحیه بعمل آورد (ف. ک - ۳۰).

آقای اورل استین از چاه بهار حرکت کرد و از راه قصر کند^۶ و «تیز» (طبس) از بالای رشته جبال، خود را به گاه^۷ رسانید و از آنجا بطرف مغرب متوجه شد و نواحی بینت^۸ و فنوش^۹ را تحت مطالعه

۱- Acanthe گیاهی است که برگ آن مورد توجه سنگتراشان یونانی قرار گرفته و گچ بران ایرانی خصوصاً در

۲- Eros = خدای عشق

دوران ساسانی آنرا روی دیوارها و نمای کاخ ها نقش مینمودند - م

۳- Ram Shahrstan

۴- Mainyu Karku

۵- A. Stein

۶- Qasrqand

۷- Gah

۸- Bint ۹- Fanuch

قرارداد. در اطراف این سه محل آثار فراوانی پیدا کرد که قسمتی از آن متعلق به دوران اسلامی بود. سپس در کنار رود بمپور در درهٔ هلیل رود^۱ آثار تمدن درخشانی از دوران پیش از تاریخ ایران را کشف نمود.

در نزدیکیهای بمپور و خوراب^۲ آثار منازل و گورستانهایی پیدا کرد (در بمپور، خوراب، دامین، کتوکان، ده قاضی^۳، مولا، پیرکنار، شهر دراز) و از این نقاط ظروف سفالین منقوش یا ظروف سنگی با نقوش کنده شده بدست آمد (ف. ک- ۳۱). مهمترین موضوعی که روی این ظروف نقش شده بود عبارتست از خطوط شکسته، مارپیچ، یا خطوط موازی موج دار در میان مثلث های دندانه داری که در مقابل یکدیگر واقع شده است (لوحة ۱۷ و ۱۸)، یا ردیف های بزکوهی، یا شاخ های گاو وحشی که بصورت مصنوعی نقش شده. این نوع سفال معمولاً از زمان «برنز قدیم» است و در اینجا به منزلهٔ واسطه ای میان تمدنهای غربی ایران (شوش، موسیان، بکون) و تمدن های بلوچستان پاکستان (کلی مهی و شاه تمپ^۴) میباشد.

آقای اورل استین در یک قبر در خوراب انگشتی از مس پیدا کرد که یک طرف آن سرشتی را نشان میداد (ف. ک- ۳۲). ناحیهٔ بمپور امروز در نتیجهٔ خشک شدن تدریجی تقریباً لم یزرع است ولی سابقاً بسیار آباد بوده است.

آقای اورل استین در کنارهٔ واقع میان هرمز و بندر بوشهر به تفحصات پرداخت، در آن نواحی به ویرانه های متعدد، که سابقاً بندرهای معتبر بوده است، برخورد کرد، و از اینرو فهمید که در ایام پیشین، در سواحل خلیج فارس، و هند، و شرق دور، در آغاز اسلام، و حتی جلوتر از آن، روابط تجارتی زیاد وجود داشته، زیرا در تمام این نواحی باقی مانده های ظروف سفالین ساخت چین زیاد دیده میشود. ولی در این حدود هیچ تپهٔ پیش از تاریخی دیده نشده است. سپس دانشمند مزبور دامنهٔ تفحصات خود را تا کرمان، و در شمال بلوچستان ایران، ادامه داد. در آنجا فقط مقدار بسیار کمی از آثار پیش از تاریخ بچشم میخورد. ولی در تل ابلیس (ف. ک- ۳۳)، واقع در شمال غربی شهر کرمان، ظروف سفالین منقوشی مربوط به دوران کالکولیتیک^۵ کشف گردید. این ظروف به سفالهای طبقهٔ پنجم گیان شباهت زیاد دارد.

آقای پ. م. سایکس^۶ در حدود سال ۱۹۰۰ در شمال غرب کرمان، در خینمان^۷ (ف. ک- ۳۴) قبر هایی پیدا کرد که شامل اشیاء برنزی و سفالهای قدیمی بود. همین دانشمند در جیرفت واقع در جنوب کرمان ظرفی از جنس مرمر متعلق به دوران اشکانیان کشف نمود (ف. ک- ۳۳). هیچ نوع کاوش دقیقی در ناحیهٔ یزد، واقع در شمال غربی کرمان، بعمل نیامده، ولی نزدیک شهر یزد، برحسب اتفاق، نقش برجسته ای از زمان هخامنشی پیدا شد (ف. ک- ۳۶).

۱- Halil ۲- Khurab ۳- Dih - i Qadi یا ده قادی ۴- Kulli - Mahi و Shah - i Tump
۵- Calcolithique ۶- P. M. Sykes ۷- Khinaman

۵ - لارستان

لارستان میان بلوچستان و فارس واقع شده، و از نظر باستان شناسان تا این تاریخ ناحیه اکتشاف نشده‌ای به شمار می‌رود. آقای «اورل استین» در سالهای ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ خواست وارد این منطقه گردد ولی موفق نشد. اینجانب هنگامی که در ناحیه تخت جمشید و شیراز مشغول مطالعات باستانشناسی بودم، در سال ۱۹۵۷، به منظور کسب اطلاعات باستانشناسی، مسافرتی به جنوب شرقی فارس و لارستان نمودم (ف. لک-۳۷). منظور از این مسافرت دریافت این مطلب بود، که تمدنهای پیش از تاریخ، که اثر آنها در دشتهای اطراف تخت جمشید بمقدار زیاد دیده میشد، تا چه اندازه در نواحی مجاور پیشروی کرده و ضمناً با این مسافرت بآن نواحی، این امکان پیش می‌آمد که خرابه‌هایی که تا آن تاریخ ناشناخته باقی مانده بود مشخص گردد. بنابر این از شهر شیراز عزیمت نموده، نواحی فیروزآباد و جهرم، کاریان^۱، فیشور^۲، جویم^۳، دارابگرد، رستاق، فرگ^۴، طارم، بندر عباس، بندر لنگه، بستک و لار را مطالعه نموده، به شیراز مراجعت نمودم. از ذکر جزئیات این مسافرت در اینجا صرفنظر میشود و فقط نتایج عمده‌ای که از آن گرفته شده یاد آوری میگردد.

دشتی که میان فیروزآباد و جهرم است بلوک خفر و کوار^۵ را تشکیل میدهد، و در آن تپه‌های پیش از تاریخی زیاد بچشم می‌خورد. بعضی از این تپه‌ها مورد مطالعه آقای «اورل استین» قرار گرفته ولی لازم است که بطور کلی تمام آن ناحیه مورد بررسی قرار گیرد.

در ناحیه جنوب شرقی فارس و در لارستان و در جنوب جهرم، تنها بیک تپه قدیمی متعلق به دوران پیش از ساسانی برخوردیم. بنابراین چنین نتیجه گرفتیم که دنباله تمدن‌هایی را که در دشت تخت جمشید وجود داشته نباید از طرف جنوب شرقی تحت بررسی قرارداد. این تحقیقات را باید به طرف ناحیه کرمان کشانید. در دشت فیشور تپه‌های قدیمی موجود است ولی هیچکدام قدیمی تر از عهد ساسانی و اسلامی نیست. از فقدان تپه‌های پیش از تاریخ شاید بتوان این نتیجه را گرفت که در دوران پیش از تاریخ این نواحی مسکون نبوده است. در حقیقت در این نواحی رودخانه یا چشمه و جویبار یا قنات دیده نمیشود. در حال حاضر مردم آن از آبی استفاده مینمایند که در ایام بارانی در آب انبارهای مخصوصی گردآوری میشود. اگر در دوران ساسانی مردمی توانسته‌اند در این نواحی سکونت اختیار کنند، احتمالاً برای این بوده که در آن زمان آب انبارهای بزرگی در دامنه کوهها حفر کرده بودند که آثارشان هنوز باقی است، مانند آب انبار شاه‌نشین، نزدیک خنج^۶. بهر حال آثار دوران ساسانی در این

1 - Kāriyān

2 - Fishvar

3 - Djuvun (م. احتمالاً جویم)

4 - Furg

5 - Kafr و Kevar

6 - Khundj

ناحیه بسیار است و ما بذکر مهمترین آنان میپردازیم.

در کاریان^۱ ویرانه‌های یکی از سه آتشکده معروف ایران قدیم، یعنی آذر فرنیخ^۲ به چشم می‌خورد. متأسفانه در حال حاضر چیز زیادی از این آتشکده باقی نمانده است.

در محله چه^۳ (لوحة شماره ۲)، نزدیک «فیشور»، ویرانه‌های چهار طاقی مورد مطالعه قرار گرفت. این ویرانه‌ها را آقای اوبن^۴ (ف. ک-۳۸) نشان داده بود. ارتفاع طاق شش‌متر است و سه پایه آن هنوز برجاست و تا نزدیک گوشوارهای گنبد خوب حفظ شده است.

بین منصورآباد و «دو بوران»^۵ ویرانه‌های دیوارهای قلعه‌ای از زمان ساسانی بنام گردنه بز^۶ دیده می‌شود.

ویرانه‌های قلعه‌های دیگری بنام «قلعه بهمن» در بالای کوه، در جنوب قلعه نو، در فاصله ۳ کیلومتری مشرق فرگ^۷ مشهود است، ولی مهمتر از تمام ویرانه‌هایی که روی سطح زمین دیده می‌شود، آثار آتشکده‌هایی، در محلی موسوم به تنگ چک چک می‌باشد (عکس پشت جلد) که در میان راه رستاق به فرگ قرار داد. یکی از این ابنیه «قصر دختر» نام دارد و عبارت از یک چهارطاقی است (لوحة ۹-الف) که عرض و طول آن ۱۲/۶ متر و ارتفاع آن ۵ متر تا رأس گوشوارها می‌باشد. رویهمرفته این بنا خوب محفوظ مانده است. در فاصله ۷ متری شمال غربی این بنا ویرانه‌های بنای دیگری است که آتشکده نام دارد (لوحة ۹-ب) و مانند بنای اولی روی طرح مربع ساخته شده و هرطرف آن ۱۰/۳ متر طول دارد و ارتفاع آن تا گنبد ۵ متر است. این بنا لااقل یک در در طرف جنوب شرقی داشته و شاید در دیگری هم در طرف رودخانه داشته است. این دو ساختمان از عهد ساسانی است و از سنگ‌های نتراشیده ساخته شده و ملاط آن گچ و آهک است و بهر حال جنبه مذهبی داشته است. بنای اولی چهارطاقی است، یا به عبارت دیگر گنبدی است که در روی چهارقوس و چهارپایه گذاشته شده و در زیر آن آتش مقدس را قرار می‌داده‌اند و بنا بر این میتوان آنرا بمنزله محراب^۸ به شمار آورد. بنای دوم ساختمان تاریک و بسته‌ای بوده است که در آنجا آتش را حفظ می‌نموده‌اند و فقط روحانیان بان دست‌رسی داشته‌اند.

۶- فارس

ناحیه فارس که میان رشته‌های جبال موازی قرار گرفته، منطقه نسبتاً خشکی است. معهذا درخشان‌ترین تمدنهای ایرانی، خصوصاً تمدن هخامنشی‌ها و ساسانیها، در این منطقه بوجود آمده است و بیشتر آثار

1 - Kāriyān 2 - Adhur Farnbag 3 - Mahallachah 4 - J. Aubin 5 - Duburan

6 - Cardanah Bizan 7 - Furg

۸- واژه محراب را دانشمندان زبان‌شناس ایرانی بصورت مهرباب نوشته‌اند و آنرا به مهر یا میترا نسبت داده‌اند.

مربوط باین دو دوران بزرگ در این ناحیه بدست آمده است. بنابراین جای تعجب نیست که مشاهده شود که بیشتر کاوش‌ها و تفحصات علمی باستان‌شناسی در این منطقه بعمل آمده باشد.

ما جزئیات این کاوش‌ها و این تفحصات علمی باستان‌شناسی را در چهار منطقه زیر توضیح خواهیم داد: منطقه پاسارگاد و تخت جمشید، منطقه جنوبی فارس، منطقه واقع در کنار جاده شیراز به خلیج فارس منطقه واقع در کنار جاده شاهنشاهی شوش.

الف - آثار و ابنیه پاسارگاد و تخت جمشید

پاسارگاد، جایگاه شاهنشاهان هخامنشی، بدست کوروش دوم، در سالهای ۵۵۹ تا ۵۵۰ پیش از میلاد بنا شده و پایتخت اولین و دومین شاهنشاهان هخامنشی، یعنی کوروش دوم (۵۲۹-۵۵۹ پیش از میلاد) و پسرش کمبوجیه دوم (۵۲۱-۵۲۹ پیش از میلاد) بوده است. نخستین مسافر اروپایی که از پاسارگاد گذشت و نشانه آنرا داد جیوزافات بار بارو^۱ (ف. ک. - ۳۹) نام داشت، که در سال ۱۴۷۲ سفرنامه خود را برشته تحریر درآورد. او آرامگاه کوروش را بجای آرامگاه مادر حضرت سلیمان گرفت. پس از او «پیترو دلوال»^۲ ۱۶۲۱ و «یوهان البرخت فون ماندلسلو»^۳ (۱۶۳۸) باین سرزمین آمدند و از این آرامگاه نشانه‌های دقیق دادند. سپس آقایان «بروین» و «جانس استرویس»^۴ (۱۶۷۱) هلندی و «ژ. موریه»^۵ (۱۸۱۱) انگلیسی و «کرپرتر»^۶ نخستین کسانی بودند که با دقت کافی آرامگاه مزبور را مطالعه کرده آنرا به کوروش نسبت دادند. آقایان «آندره آس»^۷ و «استولز»^۸ (۱۸۷۸) و «دیولافوآ» و همسرش (۱۸۸۲-۱۸۸۱)^۹ نیز از پاسارگاد دیدن کردند (ف. ک. - ۴) و حتی از آن نقشه‌هائی تهیه نمودند. کاوشهای باستان‌شناسی دقیقی برای نخستین بار بوسیله آقای «ارنست هرتسفلد»^{۱۰} شروع شد. مشارالیه در سال ۱۹۰۵ از پاسارگاد دیدن کرد (ف. ک. - ۴۱) و از سال ۱۹۲۸ در آن ناحیه کاوشهای مهمی بعمل آورد و ویرانه‌های تخت و آتشکده و آتشدانهای این محل و آرامگاه کوروش و خرابه‌های کاخ‌های «پاسارگاد» را معرفی نمود (ف. ک. - ۴۲). از سال ۱۹۴۹ اداره کل باستان‌شناسی ایران، زیر نظر آقای سامی، کاوشهای استاد هرتسفلد را ادامه داد و از روی سه کاخ خاک برداری کرد (نقشه شماره ۱).

ما در اینجا کاملاً بصورت اختصار بناهای عمده پاسارگاد را معرفی مینماییم. و برای این کار از آرامگاه کوروش شروع میکنیم (لوحة شماره ۲۱). بنای معروف آرامگاه کوروش در مغرب دهکده «مادر سلیمان» واقع است. این آرامگاه بشکل منزلی است که پوشش آن از سنگ و بشکل «خرپشته» است.

1 - Giosafat Barbaro

2 - Pietro Della Valle

3 - Johann Albrecht von Mandelslo

4 - C. De Bruyn - Jans

J. Struys

5 - J. Morier

6 - Ker Porter

7 - Andreas

8 - F. Stolze

9 - Dieulafoy

10 - Ernest Herzfeld

برای ساختن آرامگاه قطعات بزرگ سنگ آهک را روی هم قرار داده‌اند، و قسمت پائین آن از شش ردیف پلکان تشکیل شده، بطوری که شکل هرم پیدا کرده است. سابقاً این آرامگاه در بزرگی از سنگ داشته، که امروز از میان رفته است. مسلمانان تصور میکنند که این آرامگاه از مادر حضرت سلیمان است، و به همین مناسبت در اطراف آن گورستانی بوجود آمده است. در قرن ۱۳ (۷ هجری) در کنار این آرامگاه مسجدی ساخته شد و برای ساختمان آن از مصالح کاخ‌های قدیم هخامنشی که بحال ویرانه‌هایی مانده بود استفاده کردند.

کمی در شمال این آرامگاه کاخ پذیرائی کوروش (روی نقشه پروفور هر تسفلد کاخ S) دیده میشود. وسعت این کاخ ۲۰۲ متر مربع است (۵۶ × ۳۵) و شامل یک تالار بزرگ مرکزی است. در هر طرف «ایوان ستون‌دار» جنوبی یک راهرو و یک اطاق قرارداد. تالار مرکزی مستطیل است و بام آن روی دو ردیف چهارستونی قرار گرفته و تنها یکی از آن ستونها اکنون بر جا است (لوحة ۲۲-ب). ساقه ستونها از سنگ سفید است ولی پایه آنها از سنگ سیاه است و از یک سکوی مربع و یک لبه ضخیم تشکیل شده و از این جهت به سر ستونها شباهت پیدا کرده است. ایوانها در قسمت شمال ۴۸ ستون، و در قسمت جنوب ۲۸ ستون و از طرف مغرب و مشرق هر کدام ۱۴ ستون دارد و سر ستونهای آنها مرکب از نیم تنه گاو یا شیر است. چهار در ورودی در چهار طرف تالار مرکزی قرارداد است که از سنگ سیاه صیقلی شده بود و در طرفین درها نقوش برجسته‌ای دیده می‌شد که جنگ میان حیوانات افسانه‌ای را نشان میداد. بعضی از این نقوش برجسته از زیر خاک بیرون آمده و در میان آنها قسمتی از نقوش برجسته مربوط به در شرقی است که روی آن انسانی را با دُم ماهی و موجود دیگری را که فقط قسمت پایین آن باقی مانده و بصورت پایین پیکر تنه گاو است، در پهلوی یکدیگر نشان داده‌اند (لوحة ۲۲-الف). روی جریزی که در گوشه بنا واقع است کتیبه‌ای به خط فرس قدیم و ایلامی و بابلی دیده میشود.

نزدیک رود پلوار، کاخ دیگری کشف شده، (کاخ R در روی نقشه استاد هر تسفلد) که در حدود ۵۸۴ متر مربع وسعت دارد (۲۲ × ۲۶/۵۶) و در میان آن تالار مستطیل شکلی است، که بام آنرا روی چهار ردیف دوستونی قرارداد داده‌اند (لوحة ۲۳-الف، ج). روی نقوش برجسته‌ای که در کنار دری قرارداد شده، یک فرشته بالدار دیده میشود. این فرشته قبای ایلامی بر تن دارد، و روی سرش تاجی است، که از نشانه‌های مصری ترکیب یافته است (لوحة ۲۳-ب).

سومین کاخ بازار گاد در شمال غربی این ناحیه واقع است (کاخ P - در نقشه هر تسفلد) و کاخ اختصاصی و محل اقامت کوروش بوده است. مساحت این کاخ ۳۴۱ متر است (۴۴ × ۷۷/۵). این کاخ از یک تالار بزرگ مستطیل شکل و چند ایوان ستون‌دار ترکیب یافته. روی یکی از جرزه‌های گوشه کتیبه‌ای به سه خط میخی فرس قدیم و ایلامی و بابلی نوشته شده است.

در حدود ۵۰ متر در شمال کاخ اخیر (P)، آثار بنائی دیده میشود که بزندان سلیمان

معروف شده است (لوحه ۴-الف). سابقاً تصور میکردند که این بنا برج آرامگاهی بوده است ، ولی از نظر شباهت آن با برج های نقش رستم و نورآباد باید تصور کرد که آتشکده ای از زمان هخامنشی بوده است . از این برج فقط یک دیوار باقی است . طرح این بنا چهار گوش بوده و مصالح آن سنگ آهکی است که کاملاً صیقلی شده و بدون ملاط روی هم قرار داده شده است و فقط در بعضی نقاط سنگها را بوسیله یک نوع چفت های آهنی بهم متصل کرده اند . باز در جهت شمال باقیمانده های تختگاهی^۱ وجود دارد، که بنام تخت مادر سلیمان شناخته شده است (لوحه ۴-ب،ج). ارتفاع این تخت ۱۲ متر است و به دامنه تپه ای تکیه دارد . تختگاه مزبور از سه جانب دیگر روی دیوارهایی مرکب از تخته سنگ های ضخیم قرار دارد که بدون ملاط روی هم قرار داده شده و سابقاً این تخته سنگ ها را بوسیله چفت و بست های آهنین بیکدیگر متصل کرده بودند . قسمت داخلی تختگاه از قلوه سنگ هایی بدون ملاط پر شده است .

در فاصله یک کیلومتری مغرب کاخ P عبادتگاهی بوده است که دو آتشدان آن هنوز برجاست . این آتشدان ها روی پله هایی نظیر آتشدانهای نقش رستم قرار گرفته ولی آتشدانهای نقش رستم در میان سنگ کوه تراشیده شده است در حالی که این آتشدانها را با سنگهای تراشیده ای که روی هم قرار داده شده بنا کرده اند (لوحه ۴-د) .

در دشت پاسارگاد آثار پیش از تاریخ بسیار موجود است . همزمان با گمانه هایی که در سال ۱۹۵۱ بوسیله اداره کل باستان شناسی ایران در آن محل، در روی تل خری^۲ نزدیک دهکده ابوالوردی^۳ و روی تل نخودی نزدیک مبارک آباد زده شده، سفالهایی مانند سفالهای تل بکون کشف گردید (ف. ک - ۴۴) .

در کنار جاده پاسارگاد به تخت جمشید، در فاصله ۶۰ کیلومتری جنوب پاسارگاد ، و ۵ کیلومتری شمال تخت جمشید، ویرانه های پراکنده « استخر » دیده میشود . نام جدید « استخر » «تخت طاووس» است . در زمان سلوکیها «استخر» پایتخت فارس بوده و در عهد اشکانیان آتشکده معروفی منسوب به « آناهیت » داشته ، و « ساسان » پدر بزرگ اردشیر اول مؤید بزرگ آن آتشکده بوده است .

در زمان ساسانیان «استخر» فوق العاده آباد شد . در آن موقع شهر «استخر» پایتخت مذهبی فارس بود، و پادشاهان ساسانی در آنجا تاجگذاری میکردند . شهر «استخر» تا آغاز دوران اسلامی در اهمیت خود باقی بود . چند ستون و پایه، که آثار نخستین مساجد شهر بوده ، هنوز پا برجاست . احتمالاً مصالح آن مساجد از ابنیه مذهبی پیش از اسلام که در همان محل وجود داشته تهیه شده است (از دوران هخامنشی یا سلوکی). در استخر چند سرستون کمرنی پیدا شده^۴ که احتمالاً متعلق به دوران پیش از اسلام است (ف. ک - ۴۵) .

سرستون کمرنی Corinthien در قرن پنجم - 4 - Abulvardi 3 - Tall-i Khari 2 - صنفه یا تخت - 1
پیش از میلاد در یونان برای اولین بار بکار برده شد و بشکل گلدان گلی است که در بالای ستون قرار داده شده و بیکویند
مخترع آن یکی از سنگتراشان شهر «کرن» بوده است . این سرستون مورد علاقه معماران رومی واقع شد و در ایران
نیز طرف توجه بوده است (مترجم)

آقای دکتر اشمیت^۱ در سال ۱۹۳۵ باقیمانده های خانه ها و مقدار زیادی آثار عتیق دیگر از زیر خاک استخر بیرون آورد و میان آن آثار تعداد زیادی سفال و سکه های عهد ساسانیان موجود بود. این اکتشافات به ما وسیله داد تا بتوانیم سفال سازی ایران را از عهد ساسانی تا دوران اسلامی بهتر بشناسیم (ف. ک - ۵۶).

ژ. موریه^۲ و و. اوزلی^۳ در سالهای ۱۸۱۱ و ۱۸۱۲ موفق به تشخیص سه نقش برجسته در دامنه کوه رحمت، در محل معروف به نقش رجب، در فاصله یک کیلومتر و نیمی جنوب استخر شده اند. فلاندن^۴ و کوست^۵، دیولافوا^۶ و همسرش، زاره^۷ و هرتسفلد^۸ پس از آنان محل نقش رجب را بررسی کرده و تشخیص آنها را تأیید کرده اند (ف. ک - ۴۷).

اولین نقش برجسته «نقش رجب» تاجگذاری اردشیر اول (۲۴۱ - ۲۲۴) را نشان میدهد. در وسط نقش شاهنشاه از دست اهورامزدا تاجی را که بصورت حلقه ایست و از یک طرف آن نوارهایی آویزان است میگیرد. در عقب پادشاه پسرش شاپور اول دست راست خود را به علامت احترام بلند کرده است. در عقب این منظره یک پیشخدمت دیده میشود که بادبزی در دست دارد. در سمت راست ملکه، و یک ندیمه، در غرفه ای، نشان داده شده اند. در میان شاه و خدا دو بچه دیده میشوند (لوحة ۲۵ - ب). در سمت چپ این نقش برجسته شخص بدون ریشی دیده میشود که دست راست خود را به علامت احترام بلند کرده و در کنار او کتیبه ای به خط پهلوی نقش شده است (لوحة ۲۶ - الف). نقش برجسته دیگری در کنار نقش اردشیر موجود است، که شاپور اول (۲۷۲ - ۲۴۱) را نشان میدهد. در عقب شاپور اعیان مملکت و سپس ملتزمین رکاب، پیاده و با رعایت اصول پرسپکتیو، نشان داده شده اند (لوحة ۲۶ - ب). در ردیف اول چهار نفر قرار دارند، که ولیعهد، هرمز اول، نیز در میان آنان است. در ردیف های عقب پنج نفر دیده میشوند که بترتیب آنها که عقب ترند کوچکتر نشان داده شده اند.

نقش سوم در این محل تاجگذاری شاپور اول را نشان میدهد (لوحة ۲۷). شاهنشاه نشانه پادشاهی را از دست اهورامزدا میگیرد. شاه و خدا هر دو سوار بر اسب اند. روی سینه اسب کتیبه ای به خط پهلوی، و به خط یونانی، نوشته شده است.

آنطرف جاده اصفهان به شیراز، در فاصله ۶۰۰ متری نقش رجب، در محل معروف به تخت رستم، (ف. ک - ۴۸)، ویرانه هایی وجود دارد که بنا بر گفته هرتسفلد خرابه های آرامگاه ناتمام کمبوجیه است. در واقع این ویرانه ها شباهت زیاد به «کعبه زرتشت» در نقش رستم دارد (لوحة شماره ۲ الف).

1- E. F. Schmidt 2- J. Morier 3- W. Ouseley 4- E. Flandin 5- P. Coste
6- Dieulafoy 7- Fr. Sarre 8- E. Herzfeld

نقش رستم به فاصله چند کیلومتر از نقش رجب واقع است. در نقش رستم نقوشی وجود دارد که بمنزله مدارك ذیقیمتی از تاریخ ایران در زمان هخامنشی و ساسانی است (لوحة ۲۸-الف). در قسمت بالای دامنه کوه حسین آرامگاههای پادشاهان هخامنشی در دل سنگ کنده شده: داریوش اول (۴۸۵-۵۲۱)، خشایارشا اول (۴۶۵-۴۸۵)، اردشیر اول (۴۲۴-۴۶۵)، و داریوش دوم (۴۰۵-۴۲۴). تمام این دخمه‌ها از روی یک نمونه ساخته شده است (لوحة ۲۸-ب). نمای دخمه به شکل صلیب است و در میان آن دری است که در دو طرف آن دو نیم ستون با سر ستونهایی شبیه سرگاو قرار داده شده. در قسمت فوقانی نمای دخمه نقش برجسته‌ایست که مللی را که تابع شاهنشاهی ایران بوده‌اند نشان میدهد. این ملت‌ها تخت شاهنشاهی را در بالای سر خود گرفته‌اند. شاهنشاه در روی تخت جلوس نموده و مقابل او آتشدانی است. خداوند، اهورمزدا، در بالای این منظره در حال پرواز است (ف. ک-۴۹). در زیر دخمه‌ها لااقل هشت نقش برجسته از دوره ساسانیان دیده میشود، بشرح زیر (ف. ک-۵۰): از چپ بر است نقش برجسته شماره ۱، تاجگذاری اردشیر اول (۲۴۱-۲۴۴) (لوحة ۲۸-ب). شاه در طرف چپ قرار گرفته و از دست اهورمزدا نشانه پادشاهی را میگیرد. این نشانه عبارت از حلقه‌ایست که نوارهایی از اطراف آن آویزان است. شاه و خدا هر دو سوار بر اسب‌اند و زیر پای اسبهایشان جسد دشمنان لگد کوب میشود. زیر پای اسب اردشیر اول نقش اردوان پنجم، آخرین پادشاه اشکانی و زیر پای اهورمزدا نقش اهریمن است. پشت سر پادشاه خدمتگزاری بادبزی در دست دارد. روی سینه اسب اردشیر کتیبه‌ای بزبان پارسیک^۱ و پهلوی و یونانی نوشته شده و روی شانه اسب اهورمزدا نوشته‌ای بخط آرامی دیده میشود. در ترکیب این نقش قرینه سازی دقیقاً رعایت شده است.

نقش برجسته شماره ۲ شاه بهرام دوم (۲۹۳-۲۷۶) را نشان میدهد. وی ایستاده است و شمشیری در دست دارد. در اطراف او اعضاء خانواده‌اش دیده میشوند (لوحة ۲۹-الف) و سمت چپ، ملکه، با کلاهی شبیه به کاسک و در طرفین او دو شاهزاده جوان بدون ریش و در طرف راست شاهزادگانی با ریش دیده میشوند.

یادآور میشود که این نقش برجسته بهرام دوم روی یک نقش برجسته قدیمی دیگر، از زمان ایلامیها، متعلق به اواخر هزاره سوم پیش از میلاد، نقش گردیده است. از نقش برجسته قدیمی نیز آثاری موجود است، مثلاً در دست چپ زنی تاجی بر سر دارد و باقیمانده‌های لباس چین دار خدایی که روی تختی نشسته پیداست. تخت به شکل سر ماری است. در سمت راست خداوندی نشسته و پشت سر او شخصی ایستاده است (ف. ک-۵۱). این نقش برجسته شباهت به نقش برجسته «کورانگون»^۲ دارد. در نقش کورانگون مانند نقش فوق یک رب النوع و یک ربه النوع در میان پرستندگان نشان دیده میشوند.

نقش برجسته شماره ۳ همان پادشاه را سوار بر اسب نشان می‌دهد. در این نقش بهرام دوم بادشمنش در حال جنگ است (لوحه ۹-۲-ب). در سمت چپ بیرق ساسانی دیده می‌شود.

نقش برجسته شماره ۴ خیلی آسیب دیده. با اینحال آثار یک پادشاه که نشسته است پیداست. این پادشاه از جلو نقش شده و دست خود را به شمشیری که در میان دوپایش قرار دارد تکیه داده. وی شاپور دوم پادشاه ساسانی است (۳۷۹-۳۰۳). در زیر این نقش برجسته نقش شماره ۵ مشاهده می‌شود. در این نقش (لوحه شماره ۹-۲-ج) هرمز دوم در طرف چپ صحنه قرار گرفته، و با نیزه بلندی دشمن خود را که در سمت راست قرار دارد از روی اسب بزمین می‌اندازد. در پشت سر پادشاه سربازی بیرقی در دست دارد.

نقش شماره ۶ پیروزی شاپور اول (۲۷۲-۲۴۱) بر والرین امپراتور روم را نشان می‌دهد (لوحه شماره ۹-۲-د). امپراتور در مقابل شاهنشاه که سوار بر اسب است زانو بر زمین زده و دست خود را به نشانه تضرع بسوی او بلند کرده است. شاپور دست سیریادسی^۱ رومی را گرفته و گویا به او مقام جانشینی والرین را تفویض می‌کند.

در نقش شماره ۷ دو منظره از جنگ تن به تن در میان اسب سواران دیده می‌شود (لوحه ۳-الف). این دو منظره بوسیله یک خط افقی از هم جدا شده. روی قسمت بالا بهرام دوم (۲۹۳-۲۷۶) نیزه خود را به شکم دشمنش فرو برده و دشمن با مرکبش بزمین در غلتیده است. در سمت چپ بیرق ساسانی دیده می‌شود. این منظره شباهت زیاد به منظره شماره ۳ دارد. در قسمت پائین باز صحنه جنگ ادامه دارد.

نقش برجسته شماره ۸ تاجگذاری نرسی (۳۰۲-۲۹۳) را نشان می‌دهد (لوحه ۳-ب-وج). پادشاه در حالیکه ایستاده است از دست ربه النوع «آناهیت» تاج پادشاهی را می‌گیرد. یک شاهزاده کوچک در میان او و الهه ایستاده است. در سمت چپ وزیری در حال احترام ایستاده و شخص دیگری که نقش او نیمه تمام مانده در کنارش دیده می‌شود.

در سمت چپ این دو نقش، در هوای آزاد، دو آتشدان هم شکل در کنار هم دیده می‌شود که متعلق به زمان ساسانیان است (لوحه ۳-الف). این دو آتشدان در سنگ کوهستان تراشیده شده و به خود کوه متصل است. اندازه آنها مختلف است و به شکل چهار پهلویی است که پایین آن پهن تر از بالاست. در چهار طرف هر یک از دو آتشدان قوسهای هلالی شکل کامل بصورت برجسته کنده شده و این قوسها روی ستونهای کوچکی قرار دارند و روی مجموع آن صفحه چهارگوشی از سنگ گذاشته شده و لبه صفحه مزبور دنداندار است. در میان صفحه حفره‌ای وجود دارد که در آن آتش مقدس را مقابل پرستندگان قرار میدادند و تشریفات لازم بعمل می‌آوردند (ف. ک - ۲۵).

در کوه حسین ستونی است که بجای آتشدان بکار برده میشده و در میان آن ستون حفره‌ای وجود دارد (لوحة ۳۱-ب).

یک آتش دایمی در ساختمان در بسته‌ای وجود داشته که برای روشن کردن آتشدانها بکار میرفته. این ساختمان را آتشگاه مینامیده‌اند و فقط روحانیان میتوانند بآن دسترسی داشته باشند. یکی از این نوع ساختمان‌ها امروز پابرجاست (ف. ک-۳۵) و «کعبه زرتشت» نام دارد. کعبه زرتشت مقابل دخمه‌هایی است که از زمان هخامنشی در نقش رستم باقی مانده و ذکر آن گذشت (لوحة ۳۱-ج). این بنا که از عهد هخامنشی است روی سکوی سه درجه‌ای قرار دارد و با قطعات بزرگ سنگ سفید ساخته شده و تنها یک پلکان دارد که منتهی به یک در و یک اطاق کوچک میگردد. این در را در مواقع لازم می‌بستند. جای پاشنه‌های در هنوز معلوم است. در هر یک از چهار دیوار این اطاق شش نمای پنجره دیده میشود. به عبارت دیگر پنجره‌ای وجود ندارد ولی از دور نمایش پنجره دارد. اطراف هر یک از این «پنجره‌ها» تزییناتی که نمایش قاب پنجره را دارد دیده میشود. این بنا شباهت زیاد به آتشکده نور آباد و بنای مشهور به «زندان پاسارگاد» دارد. آقای هرتسفلد تصور کرده است که این یک آرامگاه بوده است. آقای دکتر اشمیدت در سال ۱۹۳۶ بنمایندگی مؤسسه شرقی شیکاگو کاوش‌هایی در اطراف آن بعمل آورد و در قسمت خارجی بنا کتیبه مهمی که به سه زبان پهلوی اشکانی و پهلوی ساسانی، و یونانی نوشته شده بود پیدا کرد. این کتیبه مربوط به عملیات مهم سیاسی و مذهبی و نظامی آن زمان و در حقیقت به منزله گزارشی از کارهای مهم شاپور اول است (ف. ک-۵۴). پیدا شدن این کتیبه تا اندازه‌ای این مطلب را که «کعبه زرتشت» یک بنای مذهبی است، تأیید میکند.

آقای دکتر اشمیدت در مقابل آرامگاه داریوش نیز گمانه‌هایی زد و چنین نتیجه گرفت که یک طبقه از آثار اوایل دوران اسلامی مقابل آن آرامگاه وجود دارد، که روی طبقات ساسانی و هخامنشی قرار گرفته (ف. ک-۵۵). اشیاء مختلفی نیز مانند یک انگشتر با مهر از دوران اسلامی و مهرهای دیگر و سکه‌ها و یک چراغ برنزی از عهد ساسانیان در آنجا پیدا شد. در همان «کوه حسین» در فاصله چند کیلومتری شمال نقش رستم، در محل موسوم به «شیخ علی»، یا تنگ‌شاه سروان^۱ مقابل دهکده حاجی آباد (ف. ک-۵۶)، کتیبه‌هایی بخط پهلوی در پنج قسمت در دامنه کوه نقش شده. این نوشته‌ها از زمان شاپور اول است. کتیبه‌های مزبور برای اولین بار در ۱۸۱۱ بوسیله «موریه» مشخص گردید و سپس در فاصله بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۳ آقای مان^۲ از آنها رونوشت کرد و عکسی برداشت و بعداً استاد هرتسفلد آنها را ترجمه کرد.

در دشت مرودشت کوهی با اسم کوه استخر واقع است (ف. ک-۵۷) و در قلعه این کوه ویرانه‌های

قلعه‌ایست که در زمان ساسانیان ساخته شده. این قلعه در زمان حمله اعراب بصورت پناهگاهی برای اهل محل درآمد ولی متأسفانه چون آب انبارهایی که در سنگ‌کنده شده بود در نتیجه زلزله شکستگی پیدا کرد و آب آنها خالی شد مردم ناچار شدند خود را تسلیم اعراب کنند.

کمی در شمال غرب، در سرچشمه رود کُر در ناحیه ابرج^۱ (ف. ک-۵۸)، در فاصله ۷ کیلومتری شمال غربی تخت جمشید، باقیمانده‌های سه ویرانه دیده میشود که هر سه متعلق به عهد هخامنشیان است. این ویرانه‌ها را برای نخستین بار در سال ۱۹۳۵ آقای کارل برگنر^۲ تشخیص داد. یکی از این ویرانه‌ها تختگاهی است که ۲۵ متر طول و ۲۰ متر عرض دارد و روی آن دو دیوار موازی از سنگ قرار داشته و ویرانه دیگر باقی مانده‌های یک بند قدیمی است.

بدون شک معتبرترین بنای قدیمی ایران مجموع خرابه‌هایی است که در تخت جمشید قرار دارد (لوحه ۳۲- الف). از قرون وسطی محل تاریخی پایتخت قدیم ایران مورد مطالعه چند مسافر اروپایی واقع شد (ف. ک- ۵۹). معروفترین این مسافران عبارتند از: اودوریک دوپوردنون^۳ (در حدود ۱۳۲۰) ژوزافا باربارو^۴ (در حدود ۱۴۷۴) و ژوفری دوکه انگلیسی^۵ (در حدود ۱۵۷۰). در زمانی که روابط میان پادشاهان ایران و مغرب‌زمین بسیار نزدیک بود آقای هنریش فون پوزر^۶، در حدود سال ۱۶۲۱، ناحیه تخت جمشید را مورد بررسی قرار داد. بعد از او پیترودلاوال^۷ ایتالیایی در حدود سال ۱۶۲۳ تشخیص داد که تخت جمشید همان «پرسپولیس» قدیم است و او نخستین کسی است که این ویرانه‌ها را دقیقاً مطالعه کرد و معرفی نمود. سپس آقای دون گارسیا^۸ اسپانیولی در حدود سال ۱۶۲۴ و «توماس هربرت» انگلیسی^۹، در حدود ۱۶۲۸ و «نیلسماتسون گیوپینگ» سوئدی^{۱۰} در حدود سال ۱۶۵۰ و «یوهان البرشت فون ماندلسلو»^{۱۱} آلمانی در سال ۱۶۳۸ و ژان شاردن فرانسوی^{۱۲} (۱۶۷۵-۱۶۶۵) تخت جمشید را مورد بررسی قرار دادند. همراه شخص اخیر نقاشی بود به نام گرلو^{۱۳} که تصاویر بسیار خوبی از ویرانه‌های این محل برای ما بیادگار گذاشته. ژان باتیست تاورنیه^{۱۴}، مسافر فرانسوی دیگری است، که در فاصله بین سالهای ۱۶۳۱ و ۱۶۶۸ در تخت جمشید آقای فیلیپ آنژل هلندی^{۱۵} را ملاقات کرد. ژان تونو^{۱۶} (۱۶۶۷) و انگلبرت کمفر آلمانی^{۱۷} (۱۶۸۵) و ژان کونوس هلندی^{۱۸} و کرنلیس شپلمان هلندی^{۱۹} و ژان استرویس^{۲۰} (در حدود ۱۶۷۱) و کرنلیس دوبروین^{۲۱} (در حدود ۱۷۰۴)، هر کدام

- | | | | |
|---------------------|--------------------------|------------------------------------|------------------------|
| 1 - Abradj | 2 - Karl Bergner | 3 - Odoric de Pordenone | 4 - Giosafat Barbaro |
| 5 - Geoffrey Ducket | 6 - Heinrich von Poser | 7 - Peitro della Valle | 8 - Don Garcia |
| 9 - Thomas Herbert | 10 - Nils Matson Kioping | 11 - Johann Albrecht von Mandelslo | |
| 12 - Jean Chardin | 13 - Grélot | 14 - Jean Baptiste Tavernier | 15 - Filip Angel |
| 16 - Jean Thevenot | 17 - Engelbert Kaempfer | 18 - Joan Cunneus | 19 - Cornelis Speelman |
| 20 - Jans J. Struys | 21 - Cornelis de Bruyn | | |

شرح مختصری از خرابه‌های تخت جمشید به طبع رسانیده‌اند. شخص اخیر نقاشی‌های بسیار خوبی از این ویرانه‌ها تهیه کرده است.

در حدود سال ۱۷۶۵ آقای کارستن نیبور^۱ شرح مفصلی همراه با نقشه‌هایی خوب از این ویرانه‌ها بچاپ رسانیده. آقای موریه^۲ در حدود سال ۱۸۱۱ تخت جمشید را تحت مطالعه قرارداد و چندین گمانه در آن محل زد. بعد از او آقای ویلیام اوزلی^۳ در حدود سالهای ۱۸۱۱-۱۲ این خرابه‌ها را دقیقاً بررسی کرده و حتی چند نقش برجسته از آن محل به انگلستان برد. آقای کرپرتر^۴ در حدود سال ۱۸۱۳ و بوکینگهام^۵ در سال ۱۸۱۵ تخت جمشید را تحت مطالعه قرار دادند. امروز نقاشیهای آقایان تکسیه^۶ (۱۸۳۸) و فلاندن^۷ و کُست^۸ (در حدود سال ۱۸۴۱)، برای مورخان مدارک بسیار ذیقیمتی راجع به تخت جمشید میباشد. در حدود سال ۱۸۷۸ آقای آندرآس^۹ و اشتولز^{۱۰} آلمانی در تخت جمشید به تفحصات باستان‌شناسی پرداختند (ف. ک - ۶۱). دیولافوا^{۱۱} و همسرش در سال ۱۸۸۵ از تخت جمشید دیدن نمودند و لوحه‌ها و نقشه‌ها و تصاویری از آن تهیه کردند (ف. ک - ۶۲) و بعداً در محلی مشغول خاک برداری از روی ویرانه‌ها و تعمیر قسمت‌های خراب شده آن گردیدند و این کار هنوز ادامه دارد.

کاوش‌های تخت جمشید را به چهار دوره متمایز میتوان تقسیم کرد :

الف - در ۱۸۸۷ معتمدالدوله حکمران ایالت فارس در تالار صد ستون خشایارشا چند گمانه زد.
ب - پرفسور هرتسفلد در سال ۲۴ - ۱۹۲۳ وضع ویرانه‌ها را آنطوری که در آن بود یاد داشت کرد. در سال ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۴ از طرف مؤسسه شرقی شیکاگو (ف. ک - ۶۳) مأمور کاوش در این محل گردید. وی در روی صفت تخت جمشید بنای معروف « سردر ورودی خشایارشاى اول » را از زیر خاک بیرون آورد و سپس از روی پله بزرگ شرقی آپادانا و پله جنوبی معروف به « سه دروازه » و خود بنای « سه دروازه » و حرم خشایارشاى اول خاک برداری کرد. پرفسور هرتسفلد در همان قسمت منزل کرد و موزه تخت جمشید نیز در همان بنای قدیمی واقع است. دانشمند مزبور یک قسمت از دیوار استحکامات شمال شرقی را از زیر خاک بیرون آورد و در همین محل بود که تعداد زیادی لوحه‌ها با خط میخی کشف گردید. در ضمن راهروهای غربی و جنوبی تالار صد ستون نیز بوسیله استاد مزبور خاک برداری شد. در ضمن خاک برداری در تالار اسپندنه لوحه‌هایی از طلا و نقره بنام داریوش اول در گوشه‌های شمالی آن تالار پیدا شد و در کاخ معروف به « تچرای داریوش » نقوشی از عهد ساسانیان، که بوسیله نوک چاقو نقش شده بود، بدست آمد.

1 - Carsten Niebuhr

2 - J. Morier

3 - William Ouseley

4 - R. Ker Porter

5 - J. S. Buckingham

6 - Ch. Texier

7 - E. Flandin

8 - P. Coste

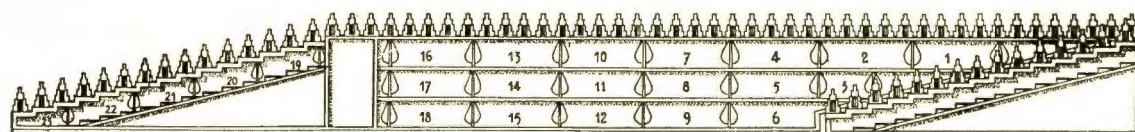
9 - F. C. Andreas

10 - F. Stolze

11 - Dieulafoy

ج - هرتسفلد در سال ۱۹۳۴ ایران را ترك كرد و اداره كاوش های تخت جمشید به آقای اریك اشمیدت^۱ واگذار شد. وی از سال ۱۹۳۵ تا سال ۱۹۳۹ در تخت جمشید مشغول كار بود (ف. ك - ۶۴) و قسمت شمال آپادانا را خاك برداری كرد و پله شمالی و قسمت جنوب تالار آپادانا را كه میان «سه دروازه» و قسمت معروف به «بخش ناشناخته» بود كاملاً از زیر خاك بیرون آورد و بهمین طریق عملیات خاك برداری را در جنوب كاخ معروف به «هدیش»، و متعلق به خشایارشاى اول و قسمت شمال حرم (یا خواجه سرا) و كاخ خزانه و ایوان شمالی كاخ صد ستون خشایارشا و دالان‌های شرقی آن ادامه داد. استاد اشمیدت در محلی كه موسوم به «هیلوك»^۲ یا تپه سنگ ریزه است گمانه‌هایی زد و چشمه‌ای در شمال شرقی برجی كه جزئی از استحکامات تخت جمشید بود پیدا كرد. در محل پادگان تخت جمشید نیز كاوش‌هایی بعمل آمد و لرحه‌هایی مربوط به «سنگ اول» ساختمان پیدا شد (لوحة ۴-ج). این لوحه‌ها در چهار نسخه تنظیم شده بود، یکی بزبان بابلی و دولوح بزبان فرس قدیم و یکی بزبان ایلامی. مشارالیه در كاخ «خزانه داریوش» دو نقش برجسته بسیار مهم از زیر خاك بیرون آورد كه مربوط به دوران هخامنشی بود و نیز در همان محل يك نیم تنه مرمر كه زنی را نشان میداد و كار یونان و متعلق به حدود ۳۵۰ پیش از میلاد بود (لوحة ۴-ب) و يك پایه برنزی مركب از سه شیر و مقدار زیادی ظروف سنگی دوران هخامنشی بدست آورد.

د - پس از عزیمت آقای اشمیدت در سال ۱۹۳۹، اداره باستان‌شناسی ایران ابتدا زیر نظر آقای گذار و سپس آقای محمد تقی مصطفوی، با همکاری آقای سامی، كاوش‌ها و تعمیر ابنیه قدیم را ادامه داد (ف. ك - ۶۵). اداره باستان‌شناسی بیشتر توجه خود را به قسمت شمال و شمال شرقی تخت متمرکز ساخت و موفق به كشف يك خیابان عریض از سر در خشایارشاى اول تا حیاط تالار صد ستون گردید و این مطلب روشن شد، كه هر کدام از تالارهای «آپادانا» و «صد ستون» راه ورود مخصوص بخود داشته است. در مشرق حیاط تالار صد ستون يك تالار سی و دو ستونی، با يك ایوان شانزده ستونی، از زیر خاك بیرون آمد و در همین تالار بود كه سر كوچك و زیبای لاجوردی از عهد هخامنشی پیدا شد (لوحة ۴-الف). پشت این بنا اصطبل‌های شاهى قرار داشت. روی دامنه كوه رحمت برج و باروی تخت جمشید پدیدار شد. اداره كل باستان‌شناسی این ساختمانهای درهم را كه در نقشه با حرف (G) و حرف (D) علامت گذاشته شده، مورد مطالعه قرار داد. معلوم شد در محل اولی كه دكتر اشمیدت آنرا «ساختمان ناشناخته» معرفی كرده بود كاخ اردشیر سوم قرار داشته و محل دومی كه تپه‌ای از خاك بود شامل دو طبقه بوده و دارای دالان‌های طویل و انبارهایی بوده كه بالای آن طاق قوس‌دار زده بودند و سپس روی آن يك تالار



شکل ۶

پذیرائی ساخته بودند. اداره کل باستان شناسی در صدد برآمد تا دریابد آبروهایی که در زیر تخت جمشید بوده به کجا منتهی میشود. بعلاوه اداره کل باستانشناسی برای حفظ بناهای تخت جمشید و خصوصاً نقوش برجسته فوق العاده‌ای که روی پله‌های آپادانا و بنای معروف به سه دروازه قرار داشت اقدامات کافی بعمل آورد و چون در مقابل اشعه مستقیم خورشید سنگ‌هایی که روی آن نقوش کنده شده بود منبسط میگردید و باعث خرابی نقوش میشد، برای جلوگیری از این امر، مقابل این نقوش سایه بانهایی ساختند تا از اشعه آفتاب محفوظ باشد.

ساختمان تخت جمشید در زمان داریوش اول، در حدود ۵۱۸ پیش از میلاد شروع شد. بدستور این شاهنشاه تختگاه آماده گردید و روی آن تختگاه تالار آپادانا و پله‌های اصلی و «تچرا» را ساختند و تالارهای حرم شاهنشاهی را پی‌ریزی نمودند. پسر داریوش، خشایارشا، اول، سردر ورودی تخت جمشید و تالار «هدیش» را بنا نمود و طرح بنای تالار صد ستون را ریخت. بعلاوه ابنیه‌ای را که داریوش بنای آنرا شروع کرده بود به پایان رسانید و طرح ساختمانی حرم را تغییر داد. جانشین خشایارشا، اردشیر اول (۴۶۵-۵۲۴)، تالار صد ستون را تمام کرد. پس از وی در آن تالار فقط تغییر و تعمیر جزئی بعمل آمد. اردشیر سوم نیز ساختمان کاخی را شروع کرد که ناتمام ماند و در واقع ساختمان تخت جمشید هیچ وقت پایان نیافت.

ذیلاً با شرح مختصر، ابنیه‌ای را که روی صفت تخت جمشید قرار دارند معرفی مینماییم (نقشه شماره ۲):

۱- تختگاه اصلی در سال ۵۱۸ پیش از میلاد بامر داریوش اول بر پا شده. این تختگاه در دامنه «کوه رحمت» قرار دارد و طول آن ۵۴ متر و عرض آن ۳۰ متر میباشد. ارتفاع آن در همه نقاط یکسان نیست و حد اقل آن هشت متر است. بلندترین قسمت آن با کف دشت ۱۸ متر اختلاف دارد. در اطراف تختگاه یک دیوار، با برج‌ها و باروها، کشیده شده بود و تمام آن از سنگ آهکی بود که با کمال دقت تراشیده و روی هم قرارداده بودند. در میان این تخته سنگ‌ها ملاط وجود نداشت، ولی بوسیله قطعاتی از آهن بیکدیگر متصل شده بود. روی دیوار جنوبی کتیبه‌ای بنام داریوش اول وجود داشت و در کناره‌های تختگاه دیوار کناره داری از خشت خام قرار داده شده بود.

۲- پله اصلی - برای رفتن روی تختگاه از پله دو طرفه مجلی عبور میکنند. در میان این دو ردیف پله موازی یک دیوار قرار دارد. عرض پله‌ها ۷ متر و تعداد آنها ۱۰۶ میباشد که ۵۸ عدد آن در طبقه

پایین و ۴۸ عدد آن در طبقه بالا جای گرفته. این پله ها به قسمت مسطح تخت و مقابل «سردر ورودی خشایارشای اول» پایان مییابد.

۳- «سردر ورودی خشایارشای اول» (لوحه ۳۲-ب، ج) - این سردر مرکب از تالار مربعی است، که سقف آن روی چهار ستون قرار داشته ولی اکنون فقط دو ستون آن برجاست. این تالار سه در بزرگ دارد که ارتفاع هر کدام یازده متر است و بطرف مشرق و مغرب و جنوب باز میشود. در دو طرف در غربی نقش دو حیوان افسانه ای شبیه به گاو بالدار قرار دارد. این گاوهای بالدار شباهت زیاد به گاوهای هم نوع خود در هنر آشوری دارند، جز اینکه گاوهای تخت جمشید چهار پا دارند و گاوهای آشوری پنج پا. در بالای سر هر یک از این گاوها کتیبه ای به سه خط ایلامی جدید و بابلی و فارسی باستان دیده میشود. روی دیوار شمالی، در تالار مربع، نقش یک آتشدان مجسم شده. از مشرق اطاقی که در کنار سردر خشایارشاست خیابان عریضی بطرف «صد ستون» ساخته شده و از دروازه جنوبی آن اطاق خیابان دیگری کشیده شده که پس از عبور از حیاط بزرگی که در کنار آن حوض آبی وجود دارد به تالار آپادانا منتهی میشود. این حوض آب در سنگی یک پارچه تراشیده شده است.

۴- آپادانا - این تالار مخصوص پذیرائی میهمانان شاهنشاه بوده است. الواح طلا و نقره ای که در گوشه های این تالار در زیر خاک پیدا شد نشان میدهد که سازنده آن بنا داریوش اول است و کتیبه هایی که در روی آجر پخته لعاب دار نوشته شده و از تالار آپادانا بدست آمده، حکایت میکند که خشایارشای اول ساختمانی را که پدرش شروع کرده بود پایان رسانید. تالار «آپادانا» شامل اطاق مربعی است که هر طرف آن ۷۰ متر طول دارد و سقف آن روی ۳۶ ستون (۶ ردیف در ۶ ردیف) قرار گرفته و از این ستونها فقط سه عدد آن برجاست. ایوانهای ستون دار شمالی و غربی و شرقی که در سه طرف این تالار قرار گرفته هر کدام دو ردیف شش ستونی داشته است. از این ستونها ده عدد باقی است که ه عدد آن در ایوان ستون دار غربی و پنج عدد دیگر در ایوان ستون دار شمالی واقع است. هر ستون تقریباً ۱۹ متر ارتفاع دارد. در جنوب این تالار مرکزی تعدادی اطاق بزرگ و کوچک وجود دارد که تابع اطاق مرکزی بوده است. در گوشه های تالار اطاقهای کوچکی برای سربازان نگهبان شاهنشاه ساخته بودند. برای رفتن به تالار آپادانا باید از پله هایی بالا رفت.

آپادانا دو پلکان اصلی دارد، یکی در شمال و دیگری در مشرق. پلکان شرقی مقابل تالار «صد ستون» واقع شده است (لوحه ۳۳-الف). دیواره این پله ها با نقوش برجسته بسیار زیبا تزئین شده. در وسط، میان دو بازوی پلکان مضاعف نگهبانان شاهنشاه در دو ردیف نشان داده شده اند و در میان آن دو ردیف قسمتی از دیواره پلکان خالی و بدون نقش است و روی آن عباراتی به خط میخی نوشته شده (لوحه ۳۳-ب). در دو مثلی که در دو طرف دیواره های پلکان بوجود آمده «جنگ شیر با گاو» دیده میشود و در طرفین این

دو حیوان درختان سرو نقش شده است. روی دیواره‌های سکوی آپادانا، که در دوطرف این پلکان قرار دارد، مجالسی نمایان است. در سمت چپ ردیف‌های طویلی از سربازان نگهبان شاهنشاهی، اعم از پارسی یا مادی و شوشی، همراه با پیاده‌ها و سواره‌نظام و کمان‌دارها دیده میشوند (لوحة شماره ۳-الف). در طرف دیگر این اشخاص، و مقابل آنها، خراج آورندگان در ۳۳ مجلس نشان داده شده‌اند (شکل ۴). این اشخاص در ۳ ردیف روی هم نقش شده‌اند و خط فاصل میان آنها در جهت افقی، نوارهایی مرکب از گلبرگها، و از جهت عمودی درختان سرو است. هر دسته از خراج آورندگان را یک نفر از درباریان، یا از اهل ماد و یا از اهل پارس، راهنمایی مینماید. این اشخاص بهترین محصول ایالت خود را به عنوان هدیه برای شاهنشاهی می‌آورند. شخصیت و هویت این نمایندگان ملل مختلف گاهی کاملاً روشن نیست:

۱- مادها آورنده یک کوزه و چند جام و یک دشنه و دست‌بندها و لباده‌ها و شلوارها میباشند.

۲- اهالی شوش کمان‌ها و خنجرها و یک شیر ماده و چند بچه شیر همراه دارند.

۳- همراه ارمنیها یک اسب و ظروف مختلف دیده میشود.

۴- آریایی‌ها - جام‌ها و یک اسب باختری و پوست حیوان‌ها.

۵- بابلیها - ظروف پر از سیم و زر و پارچه‌ها و یک گاو کوهان‌دار (لوحة ۳-ب).

۶- «لودیها»^۱ - ظروف و جامها و دستبندها و یک گردونه دو اسبه.

۷- آراخوزیها^۲ - جامها و یک شتر «باختری» و پوست‌ها.

۸- سغدی‌ها، یا مردم کلکیه^۳ - جام‌ها و پوست‌ها و پارچه‌ها و قوچ‌ها.

۹- مردم کاپادوکیه^۴ - یک اسب و لباده‌ها و شلوارها.

۱۰- مصریها - یک گاونر و پارچه‌ها.

۱۱- سکاها^۵ «تیزخود» - یک اسب و دست‌بندها و لباده‌ها و شلوارها (لوحة ۳-ج).

۱۲- «ایونیها» - جامها و پارچه‌ها و قوچ‌ها (لوحة شماره ۳-الف).

۱۳- «پارت‌ها» - جامها و شترهای «باختری».

۱۴- قندهاریها - یک گاو کوهان‌دار، و نیزه‌ها و یک سپر.

۱۵- باختریها^۶ - ظروف و یک شتر باختری (لوحة ۳-ب).

۱۶- سگارتی‌ها^۷ - لباده‌ها و شلوارها و یک اسب.

۱- مردم «لودی» در آسیای صغیر (Lydie) - ۱

آراخوزی: ایالت هخامنشی بین «درانژیان» در مغرب و هند در مشرق. امروز جزئی از بلوچستان است. Arachosie - ۲

تیزخود = نوك كلاه خودشان تیز است - ۵ در آسیای صغیر Cappadoce - ۴ کلکیه در آسیای صغیر Cilicie - ۳

جلگه شمالی افغانستان بین هندوکش در جنوب و جیحون در شمال Bactres - ۶ Sagartiens - ۷

۱۷- خاویزمیها - یک دشنه و بازویندها و تیرها و یک اسب .

۱۸- هندیها - سبدهای پراز ظروف و یک خر و تبرها .

۱۹- اسکودریها^۱ یا مردم تراکیه^۲ - نیزه‌ها و یک سپر و یک اسب .

۲۰- اعراب - پارچه‌ها و شترهای دوکوهانه .

۲۱- مردم درانژیان^۳ - یک نیزه و یک سپر و یک گاونر با شاخهای بلند .

۲۲- مردم لیبی - یک گاوکوهی و یک گردونه دواسبه .

۲۳- مردم حبشه - یک ظرف و یک عاج فیل و یک زرافه .

۵- «سه دروازه» یا طاق شوری (بگفته آقای اشمیدت) - همانطوریکه از مفهوم این کلمه پیدا میشود، این تالار سه در داشته است، دروازه ورود در شمال و دروازه خروج در جنوب تالار واقع بوده. دروازه سوم بطرف مشرق باز میشده و از آن به حرم که در سطح پایین تری ساخته شده بود وارد میشدند. دروازه ورود این تالار از قسمتهای دیگر آن بهتر حفظ شده است (لوحة شماره ۳۶ - الف) و یک حیوان افسانه‌ای^۴ دیده میشود (لوحة ۳۶ - ب). روی دیواره‌های طرفین پلکان، که به منزله نرده آن شمرده میشود، از طرف خارج یک ردیف سربازان نگهبان «مادی» و «پارسی» نقش شده و روی بدنه داخل آن درباریان و صاحب منصبان، که گل «لوتوس» درست دارند، نشان داده شده‌اند (لوحة‌های ۳۶ - ج، ۳۷، ۳۸). خود تالار عبارت از طاق چهارگوشی است که سقف آن روی چهار ستون قرار داشته. دروازه شرقی تزیناتی بصورت نقش برجسته دارد و خشایارشا را بصورت ولیعهد نشان میدهد که پشت سر پدرش داریوش ایستاده و داریوش روی تختی نشسته و نمایندگان ۲۸ ملت تخت را روی سر و شانه‌هایشان نگاهداشته‌اند (لوحة ۳۹ - الف). دروازه‌های شمالی و جنوبی تزیناتی شبیه بهم دارد. شاهنشاه وارد کاخ میشود یا از آن خارج میگردد، در حالیکه دو نفر چتری را در بالای سراو نگاهداشته‌اند و یا عطر دانی را همراه میبرند. در بالای این مجلس «اهورمزدا» بصورت قرص خورشیدی که بال دارد در پرواز است (لوحة ۳۹ - ب).

اگر از سمت جنوب از «سه دروازه» خارج شویم ناچاریم از حیاطی عبور کنیم و سپس از سمت راست از پله‌هایی گذشته وارد حیاط «هدیش» میگردیم که بدستور خشایارشاى اول ساخته شده. در میان دو بازوی این پلکان دوطرفه روی دیواره آن، نگهبانان شاهنشاه دیده میشوند، که در دو ردیف مقابل یکدیگر ایستاده‌اند و در میان آنها کتیبه‌ای است. در گوشه‌های مثلثی شکلی که در طرفین پلکان بوجود می‌آید باز نقش شیریه که به گاوی حمله کرده نشان داده شده و دیواره‌های پلکان با نقش آورندگان خراج تزین گردیده است. در شمال حیاط «هدیش» انبوه خاکی است که آنرا «بخش ناشناخته» نامیده‌اند.

۶- «بخش ناشناخته» (کاخ G روی نقشه اشمیدت). در زیر این تپه خالکپی ریزی‌های بنایی است که معلوم نیست برای چه مصرفی ساخته شده و طرح آن روشن نیست. بعضی‌ها تصور کرده‌اند که کاخی از اردشیر سوم است و بعضی دیگر گفته‌اند ویرانه آتشکده ایست که سه طبقه داشته است.

برای خروج از حیاط «هدیش» باید از پلکانی عبور کرد که مزین بنقوش برجسته‌ای شبیه به نقوش برجسته پلکان شرقی همین حیاط است. از آنجا وارد حیاط دیگری میشوند که در شمال آن ساختمان‌های زیر قرار دارد.

۷- تپه‌ای داریوش اول (لوحه ۴. الف): ساختمان این کاخ از زمان داریوش اول شروع شده و این مطلب از روی کتیبه‌ای که پسه زبان در داخل هر یک از طاقچه‌های سنگی یک تخته نوشته شده و روی دیواره پنجره‌ها نیز تکرار شده فهمیده میشود. کتیبه دیگری که روی جرزهای جنوبی است نشان میدهد که این ساختمان در زمان خشایارشاى اول پایان رسیده. برخلاف ساختمان‌های دیگر تخت جمشید، کاخ «تچرا» رو به جنوب است. مجموع این کاخ مرکب از یک تالار مرکزی مربعی است که یکایوان ستون‌دار در مقابل آن قرار دارد و سه طاق کوچک در کنار آن واقع شده است. سقف تالار مرکزی روی سه ردیف چهار ستونی قرار گرفته و خود تالار شش در دارد که دو عدد آن بطرف شمال، دو عدد بطرف مغرب و یکی بطرف جنوب و یکی بطرف مشرق باز میشود. دروازه‌های شمالی و جنوبی با نقوش برجسته‌ای تزیین شده است که شاه را در موقع ورود یا خروج از کاخ نشان میدهد، در حالیکه دو خادم پشت سر او هستند و در بعضی نقوش یک خادم چتری را در بالای سر شاه نگاه داشته است.

نقوش برجسته دیوارهای دروازه‌های غربی و شرقی شاه را در حال نزاع با شیر یا گاو وحشی، یا یک حیوان افسانه‌ای، نشان میدهد. سر و پای جلوی حیوان مانند سر و پای شیر است و پاهای عقب شباهت به پنجه‌های عقاب دارد، در حالیکه دم آن شبیه به دم عقرب است. تالار مرکزی این کاخ را «آینه‌خانه» نام نهاده‌اند، زیرا سنگهای دیوارهای آن بقدری خوب صیقلی شده که مانند آینه عکس انسان را منعکس مینماید. نقش بالای سر در نشان میدهد که هنرمندان مصری نیز در کار سنگتراشی این کاخ شرکت داشته‌اند. روی همین سردرها و کنار پنجره‌ها چند کتیبه کنده شده که یکی از آنها متعلق به شاپور دوم است.

ایوان ستون‌دار این کاخ دو ردیف چهارستونی و دو دروازه دارد. روی دروازه‌ها نقش برجسته‌ای خادمی را نشان میدهد که اشیاء مختلفی در دست دارد. دیوار ایوان در زیر ستونها نگهبانان شاهی را نشان میدهد که نیزه در دست دارند. دیوارهای دو پلکانی که در طرفین ایوان ستون‌دار واقع شده مزین به نقوش برجسته‌ای است که آورندگان خراج را معرفی مینماید که ظروف و کیسه‌ها و اسبها و میش‌ها همراه دارند (لوحه ۴. ب).

در مغرب «تچرا» پلکان کوچکی است که مانند پلکانهای حیاط (هدیش) تزیین شده. وقتی از حیاط «تچرا» خارج میشویم به ساختمانهای زیر میرسیم :

۸- کاخ ناتمام اردشیر سوم : این کاخ (کاخ H در نقشه اشمیدت) طرح نامنظمی دارد و خیلی خراب شده.

۹- «هدیش» یا کاخ خشایارشا ، در قسمتی از تخت واقع شده که از قسمت های دیگر بلندتر است (لوحة ۱-۴-الف). طرح آن تقریباً شبیه به طرح «تچرا» است باین طریق که یک تالار مرکزی مربع با ۳۶ ستون (۶ ردیف در ۶ ردیف) دارد و یک ایوان ستون دار با دو ردیف شش ستونی در مقابل آن قرار گرفته. چند اطاق در طرف مشرق و مغرب تالار واقع است. چون ساقه ستونها از چوب بوده از بین رفته ، فقط ته ستونها باقی مانده است. تالار مرکزی پنج دروازه دارد (دو دروازه در طرف شمال، یکی در طرف مغرب، یکی در طرف مشرق و یکی در طرف جنوب). دو پنجره در طرف جنوب تالار باز میشود. تزیین تمام دروازه ها بهم شبیه است، یعنی پادشاه وارد کاخ میشود یا از آن خارج میگردد و دو خادم در پشت سر او هستند که چتر را در بالای سرش نگاه میدارند ، یا مجمر عود یا عطردان در دست دارند. ایوان ستون دار شامل دو دروازه است و طرفین هر دروازه نیزه داران نگهبان شاه نشان داده شده اند. دروازه جنوبی به طرف یک بالکانه راه مییابد و از آن بالکانه میتوان منظره بسیار زیبای جلگه مرودشت را دید. پلکانی کاخ «هدیش» را به حرم مربوط مینماید و بام حرم هم سطح با کف «هدیش» است.

۱- تپه خاك : میان «هدیش» و ساختمان های حرم قرار دارد و در نقشه اشمیدت با علامت D تعیین شده. این بنا دو طبقه بوده و اطاقهای آن دراز و موازی با هم بوده است. در واقع انبارهایی بوده است که روی آن تالارهایی برای پذیرایی ساخته بودند و طاق انبارها مرکب از قوس ها بوده است.

۱-۱ حرم قسمت های شرقی و جنوبی صفة تخت جمشید را اشغال میکرده. کاوشهایی که در این محل انجام گرفته نشان داده است که ساختمان «حرم» در دو مرحله وقوع یافته : ابتدا داریوش ساختمان بنایی را شروع کرده بود که ناتمام ماند و بعد خشایارشا آنرا تکمیل کرد و بصورت کنونی در آورد. «حرم سرا» شامل مجموعه های ساختمانی مرکب از یک تالار ستون دار و تعداد زیادی اطاقهای کوچکتر بوده است (لوحة شماره ۱-۴-ب). قسمتی از «حرم» در حال حاضر بصورت موزه ای در آمده و در قسمت دیگر کارمندان باستان شناسی منزل اختیار کرده اند. تالار ستون دار عبارت از اطاق بزرگ مربعی است که سقف آن روی چهار ردیف سه ستونی قرار گرفته است. دروازه های اطاق مرکزی تزییناتی مانند تزیینات قسمتهای دیگر تخت جمشید دارد ، باین معنی که پادشاه با دو خادم یا پادشاه در حال نزاع با شیر یا یک حیوان افسانه ای بالدار نشان داده شده. روی دروازه های «ایوان ستون دار» دو نیزه دار نقش شده. در دوران ساسانی نقش هایی با نوک

چاقو روی سنگهای دیواره های دروازه ها کنده شده و شاهزاده ایرا ، که شاید اردشیر باشد ، سوار بر اسب نشان داده است

۱۲- در مشرق حرم کاخ «خزانۀ داریوش» است. این کاخ به شکل مربع مستطیل است و چندتالار ستون دار دارد و سقف آن روی ستونهای چوبی قرار داشته. امروز فقط پایه ستونها که از سنگ بوده برجا مانده است. کنار دیوار شرقی این کاخ تخته سنگ بزرگی است (لوحة ۴- د) که داریوش را نشان میدهد. در این نقش شاهنشاه به یک صاحب منصب عالی رتبه مادی بار میدهد. در کنار پادشاه خشایارشا که در آن زمان ولیعهد بوده ایستاده است و در پشت سر ولیعهد دونفر قرار دارند، که یکی پارچه ای شبیه به دستمال یا حوله در دست دارد. و دیگری ظاهراً اسلحه دار باشی پادشاه است. سلاح هایی که در دست دارد عبارت است از یک کمان و یک زوین و یک دشنه. پشت سر این اشخاص دونفر از نگهبانان شاهی با دو دست نیزه خود را در دست گرفته اند. مقابل داریوش دو آتشدان قرار دارد و روی آنها عود سوخته میشود. پشت سر صاحب منصب مادی دو نگهبان پارسی ایستاده اند. یکی از آنها نیزه ای بر دودست دارد و دیگری ظرفی را گرفته است. در شمال کاخ خزانۀ «تالار صد ستون» قرار دارد.

۱۳- «تالار صد ستون» قسمت شمال شرق تخت جمشید را اشغال کرده (لوحة ۳۲- الف). خیابان عریضی که دیوارهای آن از خشت خام است تالار صد ستون را به سر در بزرگ خشایارشا وصل میکند. این خیابان به یک سردر یا «هشتی» ناتمام منتهی میگردد. این سردر شبیه به سردر بزرگ منتسب به خشایارشا است و تالار مربعی دارد و سقف آن روی چهار ستون قرار داده شده بوده است. پایه های این ستونها هنوز برجاست و سرستونهای بزرگ آن که به شکل گاوهای نر بوده است روی زمین افتاده است (لوحة ۴۳- ه، و). اگر از دروازه جنوبی این سر در بیرون برویم، ابتدا از یک حیاط عبور میکنیم و سپس داخل در تالار صد ستون میگردیم. این تالار به دستور خشایارشا اول ساخته شده و بدست اسکندر آتش زده شده است. این آتش سوزی پس از بازدید طبقه خاکستری که در روی زمین مشاهده میشود و قطر آن در حدود ۳ یا ۴ سانتیمتر است تأیید میشود. این کاخ شامل یک تالار مرکزی مربع بوده است (۷۵ متر مربع) و سقف آن روی ده ردیف ده ستونی قرار گرفته بوده و پایه ستونها هنوز برجاست. مقابل تالار اصلی یک ایوان ستون دار، با دو ردیف هشت ستون، قرار داشته. در طرف شمال تالار اصلی دو دروازه و هفت پنجره وجود داشته و بالای دروازه ها و پنجره ها تزئین بخصوصی که «گلوئی مصری» نام دارد دیده میشود. دیوارهای دیگر این تالار هر کدام ۲ دروازه و ۹ پنجره داشته است. روی دیوارهای دروازه ها نقوش برجسته ای وجود دارد. نقش دروازه های مغرب و مشرق شاه را در حال نزاع با یک شیر یا یک گاو (لوحة ۴۲- الف)، یا یک هیولای بالدار با سر و پای جلوی شیر و پای عقب عقاب و دم عقاب یا عقرب نشان میدهد. در روی دیوارهای دروازه های شمال و جنوب مجلس بار شاهنشاه نقش شده، شاه روی صندلی سایه بان داری نشسته، صاحب منصبان و

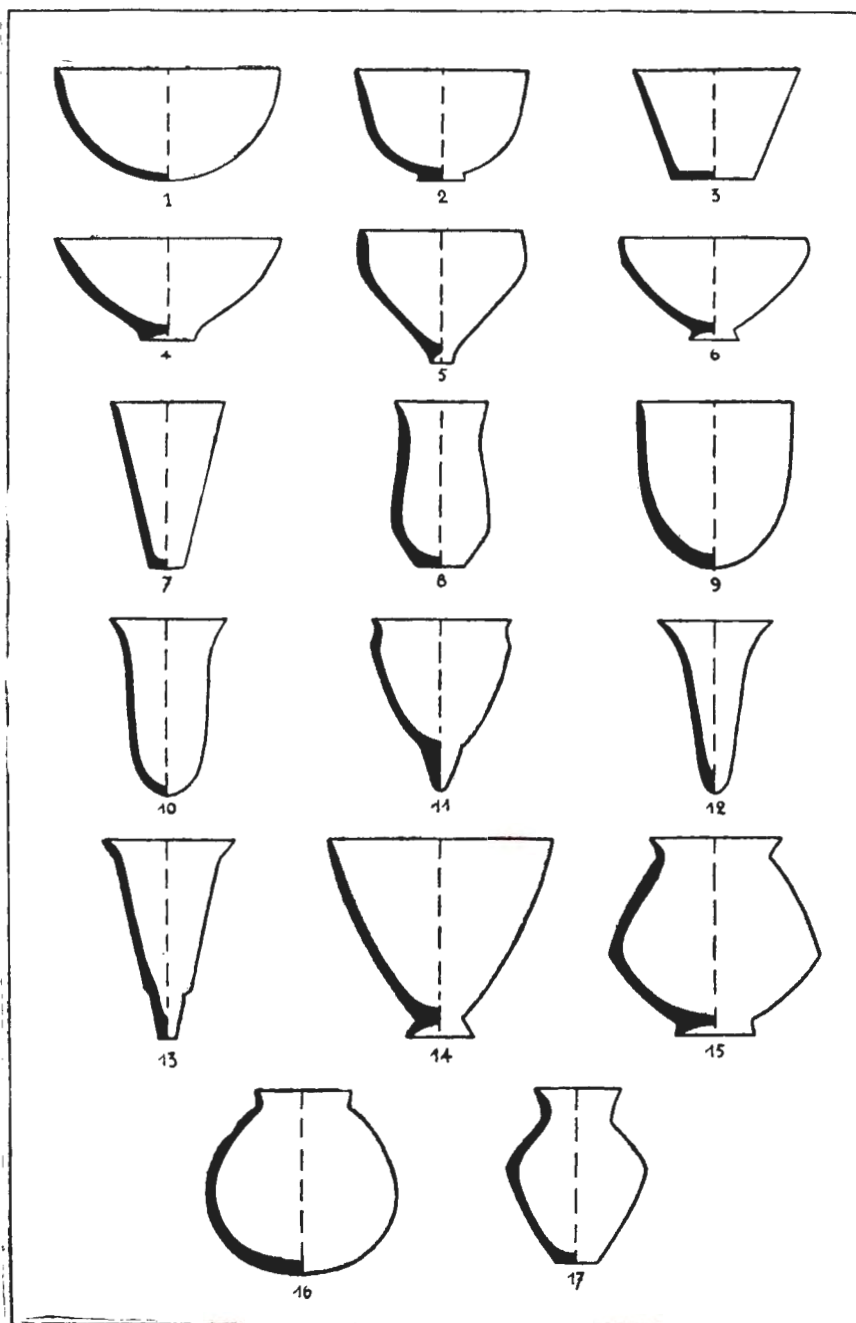
خدمتگزاران در کنارش ایستاده‌اند و یک صاحب منصب عالی‌رتبه «ماد» در مقابل او ایستاده بار می‌یابد. بالای تمام این مجلس اهورمزدا به صورت انسان بالداری در پرواز است (لوحة ۴-ب). روی دیواره‌های دروازه جنوبی، تخت پادشاه در روی سکویی قرار داده شده و نمایندگان ملت تابع، که در سه ردیف قرار گرفته‌اند، آنرا روی شانه خود می‌برند (لوحة ۴-ج). دیوارهای دروازه‌های ایوان ستون دار با نگهبانان نیزه‌دار شاهنشاه تزئین شده. در مشرق «طالار صدستون» تالار دیگری است که ۳۲ ستون دارد و ایوان منظم بآن نیز دارای ۱۶ ستون است. در جنوب این تالار چندین اطاق و انبار و صندوقخانه وجود دارد و اصطبل شاهی و «گردونه خانه» نیز بآن ضمیمه است.

آرامگاه‌های اردشیر دوم (۳۶۱-۴۰۵) و اردشیر سوم (۳۳۸-۳۶۱) مانند دخمه‌هایی در بالای تخت در دامنه کوه رحمت کنده شده است (ف. ک - ۶۶). نمای این دخمه‌ها مانند نمای دخمه‌های نقش رستم صلیبی شکل است و در میان آن دری است که به اطاق آرامگاه راه می‌یابد. در اطاق آرامگاه اردشیر دوم دو قبر سنگی قرار داده شده، ولی در اطاق آرامگاه اردشیر سوم سه قبر سنگی یک تخته موجود است. روی پیشانی هر آرامگاه نمایندگان ملل تابع تخت شاهنشاهی را روی سر خود حمل می‌کنند (لوحة ۴-الف) و در بالای تخت، پادشاه مقابل آتشدان ایستاده اهورمزدا را ستایش می‌نماید. در جنوب تخت جمشید آرامگاه داریوش سوم است (۳۳۶-۳۳۱) که ناتمام مانده (لوحة ۵-الف) و فقط قسمت بالای آن نقش پادشاه را مقابل آتشدان نشان می‌دهد. بقیه آرامگاه با وضع نتراشیده باقی مانده است. احتمال دارد که مشغول ساختن آرامگاه بوده‌اند و آمدن اسکندر بایران باعث توقف کار گردیده است (ف. ک - ۶۷).

از شهریکه در پایین تخت جمشید ساخته شده بود چیز زیادی باقی نمانده. در طرف شمال غرب هنوز معبر و جای پاشنه یک پنجره سنگی باقی است و طرفین آن پنجره نقوش برجسته‌ای دارد که بسیار خراب شده. با این حال در آن نقش برجسته می‌توان تصویر یک «فراشه‌دآر»^۱ فارس را که مشغول نیایش است تشخیص داد. همسر این شخص نیز در این نیایش شرکت دارد. «فراشه‌دآر» «برسمی» را که هنگام نیایش بکار می‌بردند در دست دارد (لوحة ۶-ج، د). در اطراف این اثر مقداری قطعات ته ستون پخش است (ف. ک - ۶۸). اینطور بنظر می‌رسد که در این محل آتشکده‌ای از زمان سلوکیها بوده. در میان اشیائی که از زیر خاک در این محل بدست آمده بعضی کتیبه‌ها مربوط به تشریفات مذهبی که به خط یونانی در روی سنگ نوشته شده دیده شده است. در سمت شمال شرق دروازه‌ای با «گلوئی مصری» و نقش دونفر در روی دیواره داخلی دروازه دیده می‌شود (لوحة ۶-الف، ب)، (ف. ک - ۶۹).

آقای هرتسفلد در جنوب «تخت» آثاری از ابنیه دوران هخامنشی بدست آورد (لوحة ۵-ب) که در میان آنها ته ستونهایی وجود داشته، که روی خاک نمایان بود (ف. ک - ۷۰). در سالهای

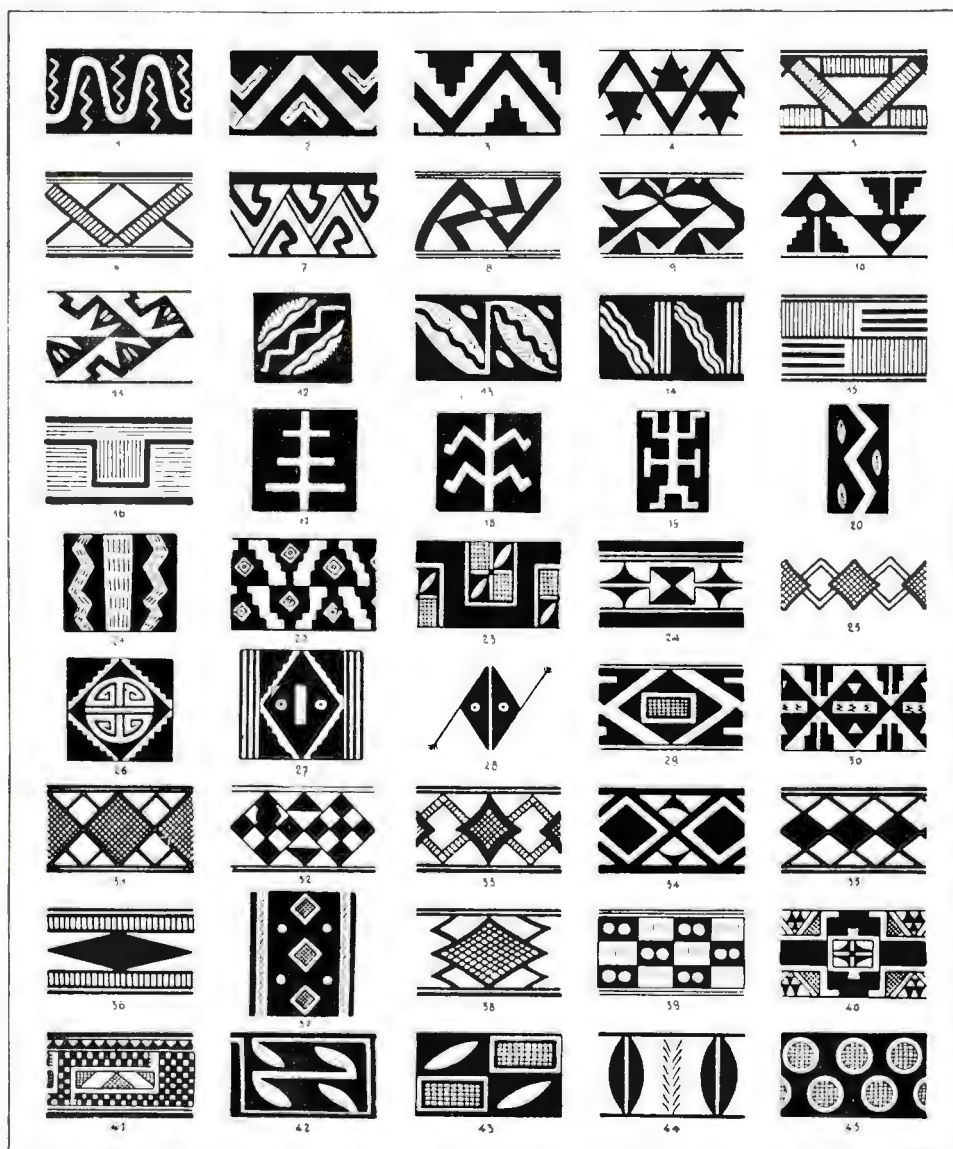
۵۲ - ۱۹۵۱ اداره کل باستان شناسی ایران در این محل یک انبار با حوض بزرگ و یک کاخ شامل تالار و ایوان ستون دار با سه ردیف چهار ستونی پیدا کرد. کتیبه‌ای به سه زبان (فرس قدیم و



شکل ۷

بابی و ایلامی) روی دو ته ستون تالار مرکزی این کاخ بنام خشایارشای اول، سازنده این «تچرا» دیده شد (ف. ل. ۷۱).

در مرودشت بمفاصله ۲ کیلومتر در جنوب غربی تخت جمشید دو تپه (A. B.) بنام «تل بکون» وجود دارد. استاد هرتسفلد در ۱۹۴۳ در این تپه ها کاوش هایی بعمل آورده است (ف. ک - ۷۲). در سال ۱۹۳۸ یک گمانه در روی تپه A، که در سمت مشرق بود، زده شد و سفالهای رنگین بسیار زیاد بدست



شکل ۸ الف

آمد. در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۳۲، آقای لانگسдорف^۱ (ف. ک - ۷۳) از طرف مؤسسه شرقی شیکاگو مأموریت پیدا کرد کاوش هایی در تپه های B-A تل بکون بعمل آورد. در تپه اول: در طبقه اول، سفال دوران سنگ جدید، برنگ زرد مایل به قهوه ای، بدون نقش و تا اندازه ای فاقد ظرافت پیدا شد.

۱ - Langsdorff

در تپه (۲- B) برعکس سفال رنگین فراوان بود. «تل بکون» A (طبقه ۱ تا ۴) نیز سفال رنگین شبیه به آنچه که هرتسفلد در ۱۹۲۸ پیدا کرده بود داشت. این سفال (لوحة ۴۷ و ۴۸ و شکل ۷ و ۸) خمیری ظریف و بدون غل و غش داشت که با چرخ کوزه‌گری ساخته شده بود. رنگ خمیر غالباً در نتیجه یکنواخت نبودن آتش شدید و ضعیف شده است. شکل این ظروف بسیار متنوع است: کاسه‌های نوک‌دار، که لب آن صاف یا برگشته است، کاسه‌های آبخوری، کوزه‌آبخوری، کله قندی شکل، ته‌گرد، آبخوریهای پایه بلند. نقوش این سفال مستقیماً روی زمینه شیر و قهوه‌ای رنگ ظروف قرار داده شده و پس از اینکه بکوره رفته، رنگ آن کمی تغییر یافته و مبدل به قهوه‌ای تیره یا قرمز نزدیک قهوه‌ای گردیده است. نقوش این سفال به سادگی نقوش سفال منقوش نیست و غالباً وضع پیچیده‌ای دارد و پیچیدگی در نقوش هندسی زیادتر میشود. با اینحال ممکن است نقوش مزبور را به چند دسته تقسیم‌بندی کرد. یک عده از نقوش نماینده نباتات و حیوانات است (ماهی، مار، عقرب، مرغهای آبی، عقاب، آهو، گوزن با شاخ‌های خیلی بلند و پیچیده، که بصورت مصنوعی نقش شده، ببر، پلنگ). شکل انسان کاملاً بصورت مصنوعی و بندرت نقش شده. این سفال منقوش منحصر به «تل بکون» نیست و در تمام ناحیه فارس پیدا میشود. سفال مکشوف در نقاط مختلف فارس بقدری باهم شباهت دارد که میتوان آنرا زیر نام «سفال تل بکون» طبقه‌بندی کرد. از نظر قدمت هم‌دوره شوش اول و شاید متعلق به نیمه اول هزاره چهارم پیش از میلاد باشد. در طبقه «تل بکون A-5» فقط سفال قرمز رنگ بدون نقش پیدا شد.

در سال ۱۹۳۷ آقای اشمیدت با هواپیما از نواحی فوق‌عکسبرداری کرد و یک نقشه‌هوائی از ناحیه واقع میان «پاسارگاد» تا شیراز ترتیب داد که در آن مناطق کاوش دقیقاً معین شده بود (مانند تخت جمشید، تل بکون، نقش رستم، فیروزآباد و سروستان) (ف. ک-۷۴).

نویسنده این کتاب سه بار به ناحیه پاسارگاد و تخت جمشید، برای تفحصات باستانشناسی، مسافرت نمود و تقریباً ۳۶۰۰ کیلومتر مربع را تحت مطالعه قرارداد: مسافرت اول در تاریخ دوم ماه مه تا هیجدهم ماه ژوئیه ۱۹۵۱ صورت گرفت و دومی از بیست و سوم ماه مه تا سوم ماه اوت ۱۹۵۲ و آخرین آنها از ۲۴ دسامبر ۱۹۵۴ تا ۲۱ ژانویه ۱۹۵۵ انجام یافت (ف. ک-۷۵).

ناحیه‌ای که مورد مطالعه قرار گرفت از طرف شمال به «کوه حسین» و از مشرق به کوه بوانات و از جنوب به دریاچه نیریز و از طرف مغرب به کوه‌های «زرغون» محدود میشود. در این ناحیه هفت جلگه بزرگ واقع است که هر کدام از آنها بوسیله رشته‌جبال از یکدیگر جدا شده است: کوه فریدون، کوه قلعه، کوه استخر، کوه ایوب، کوه پل‌خان، و دو رودخانه در این ناحیه بزرگ جاری است، یکی رود پلوار، و دیگری رود کُسر.

این هفت ناحیه که هفت بلوک را تشکیل میدهد بشرح زیر است: بلوک کمین، بلوک خفرک سفلی،

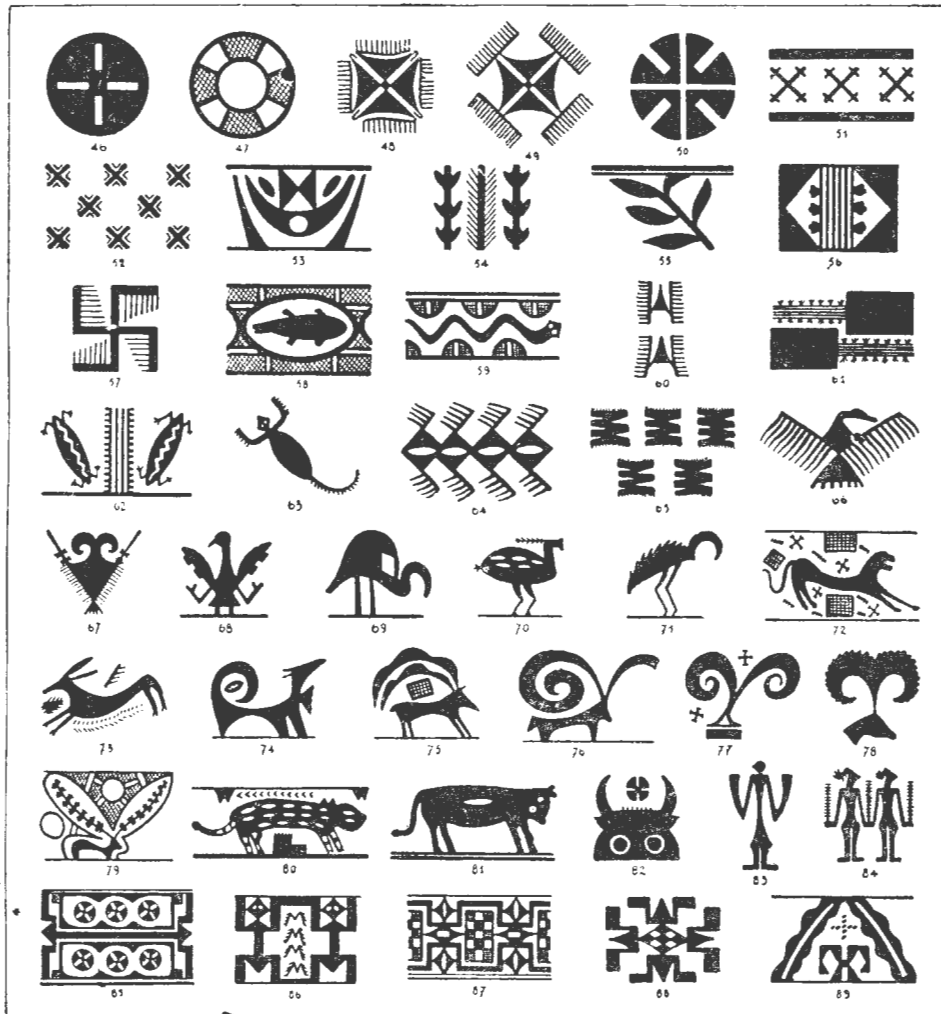
بلوك خفرك عليا ، بلوك رامجرد ، بلوك مرو دشت ، بلوك كربال ، بلوك توابع ارسنجان .

منظور ما از اين مطالعات روشن كردن نكات زير بود :

الف - تهيه يك نقشه باستانشناسي از اين هفت بلوك ، با ذكر نام تمام نقاط تاريخي و تعيين قدمت

هر دوره از ادوار تاريخي آن نقاط با ذكر نام آن در آن دوره .

ب - گمانه زدن روي تپه هاي پيش از تاريخ مهم ، مانند تل شقا ، تل تيموران ، تل قلعه ،



شكل ۸ ب

تل كمين ، تل جري و تل موشكي . اين گمانه ها براي اين زده شد كه ما را راجع به وضع تمدن هايي كه در اين ناحيه وجود داشته است وحدودی كه هريك از آن تمدن ها تحت نفوذ خود گرفته است آشنا كند . سفال معمولاً وسيله خوبی براي تاريخ گذاري دوران هاي مختلف در يك طبقه حفاري مي باشد و ما به هر كدام از اين تمدن ها كه در زير طبقات مختلف تپه ها خوابيده است نام تپه اي را داديم كه در آن از آن نوع سفال

زیادتر یافت می‌شده است یا بهترین نمونه‌های آن سفال را بیرون داده است. برای توضیح بیشتر از قدیم‌ترین این تمدن‌ها مطلب را شروع می‌کنیم.

۱- تمدن تل جری B (لوحه ۹-۴ الف) - سفال منقوشی که در این ناحیه بیشتر پیدا می‌شود از حیث شکل و رموز فنی شباهت به سفال طبقه (یک) در «تپه سیلک»^۱ دارد ولی با این‌حال نقوش مخصوصی در این ناحیه پدیدار می‌شود. این نقوش عبارت‌است از خطوط هندسی خیلی ساده، خصوصاً خطوط موازی و افقی و عمودی، یا مایل، که بصورت نوارهایی مانند خطوط شکسته یا منحنی روی هم قرار گرفته است. این سفال در طبقات عمیق تپه‌ها است و در ده تپه در ناحیه‌ای که مورد مطالعه مابود پیدا شده است.

۲- تمدن تل موشکی (لوحه ۹-۴ ب) - سفال این طبقه شباهت به سفال طبقه دوم «تپه سیلک» دارد، جز اینکه نقوش آن مرکب از نوارهای شکسته‌ایست که به دایره سیاه‌رنگی منتهی می‌شود. سفالهایی از این نوع در سه تپه کشف گردیده است.

۳- تمدن «تل بکون»^۲ - سفال‌های این تمدن تقریباً در بیست تپه بچشم خورد (لوحه ۵-۲ تا ۵-۲ الف). در بالا خصوصیات سفالهای مربوط باین تمدن را بیان نمودیم.

۴- تمدن تل کفتری - خصوصیات سفال‌های این دوران بقرار زیر است:

الف - یک سفال قرمز رنگ بدون نقش مانند طبقه تل بکون (A.5).

ب - یک سفال قرمز رنگ با نقش سیاه (لوحه ۵-۱ ب).

ج - یک سفال سفید مایل بزرد، با نقش قهوه‌ای یا سیاه (لوحه ۵-۱ الف). در نمونه‌های (b-c) بیشتر نقوش مرکب از خطوط هندسی ساده است، مانند خطوط موازی، خطوط موج دار، خطوط شکسته، و نوارهای ساده یا متقاطع. نظایر این سفال در شوش در طبقه موسوم به «برزخ» پیدا شده.

۵- تمدن «تل قلعه»^۳ - سفال طبقه دوم از این تمدن (۵-۲ ب، ج) در طبقه دوم «تل شقا» (لوحه ۵-۳) و طبقه ۴ تل تیموران^۴ (لوحه ۵-۷) و در «تل کمین» نیز پیدا می‌شود. خمیر این نوع سفال خیلی پاک و کاملاً پخته، یا رنگ زرد یا آجری روشن است و نقش آن قهوه‌ای یا سیاه است. شکل این ظروف مختلف است: (جام، ظروف دسته‌دار شکم‌دار با لبه پهن، کاسه ماست خوری و آبخوری). یکی از خصوصیات

۱- تپه سیلک نزدیک کاشان - آثاری که در این محل کشف شده از شش هزار و دویست سال پیش شروع می‌شود. (م)

۲- تل بکون با تخت جمشید دو کیلومتر فاصله دارد و از ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد مسیح مورد سکونت قرار گرفته است. احتمالاً در اصل «تل بغان» یعنی تپه «خدایان» بوده است. (م)

۳- تل قلعه در جلگه سعادت آباد نزدیک تخت جمشید. (م)

۴- تل تیموران بفاصله یک کیلومتر در مغرب قصبه کوشک از توابع ارسنجان. (م)

این ظروف این است که نقوش آن بیشتر در روی لبه ظرف است. این نقوش عبارت است از نوارهای موج‌دار، نقش شطرنجی، خطوط دندان‌اره‌ای و عده زیادی از مرغان که شباهت به قو در حال شنا روی آب دارند. در تل‌شغا (یا چغا) ظرفی پیدا شد که بجای تنگ آب مصرف می‌شده و بشکل مرغی است و روی آن نقش ماهی دیده می‌شود (لوحة ۳-ب). این تمدن به تمدن طبقه ۴ تپه گیان^۱ (قبر شماره ۱۰۲) و تمدن شمال غربی ایران (تمدن دینخا)^۲ و تمدن بلوچستان، (مانند سفال‌های شبکه‌دار بمپور «استو کگین دور»^۳ و سفال با نقوش کنده شده بمپور و کتوکان^۴ شباهت زیاد دارد.

۶- تمدن تل‌شغا (یا چغا) - تمدن «تل‌شغا» را باید بدنباله تمدن «تل‌قلعه» قرارداد بدون اینکه با آن رابطه زیاد داشته باشد. تپه‌هایی که آثار این تمدن در آن پیدا شده عبارت است از «تل‌شغا» (طبقه اول)، (لوحة ۴ و ۵)، و طبقه اول «تل‌قلعه» و طبقه سوم «تل‌تیموران» (لوحة ۸ و ۹) و «تل‌کمین» (لوحة ۶ و ۷) و «تل‌دروازه»، و هفت تپه دیگر. سفال مربوط به این تمدن مخصوص همین ناحیه است و در حال حاضر در ناحیه دیگری از ایران پیدا نشده. خمیر آن چندان ظریف نیست و در کوره خوب نپخته است. رنگ آن قرمز است ولی غالباً این رنگ فقط در قشر روی ظرف است و به علت حرارت آتش بوجود آمده ولی داخل ظرف همان رنگ خاکستری خود را حفظ کرده است. گاهی سطح روی سفال که چندان خوب صیقلی نشده اثر بتونه قرمز رنگی را نشان می‌دهد. نقش این سفال قهوه‌ای مایل به قرمز یا قهوه‌ای مایل به سیاه است. شکل این سفال بسیار متنوع است (آبخوریهای قیفی‌شکل، جام، ماست خوری، ظروف شکم‌دار و ظروف سه‌پایه‌دار). نقش این ظروف بیشتر از عالم حیوانات و نباتات الهام گرفته و سعی شده است موضوع‌های مربوط را با حالت طبیعی خود نقش کنند (شکل ۹). نوارهایی که معمولاً روی لبه یا شکم ظرف نقش شده غالباً به خانه‌هایی تقسیم شده. نقوش هندسی تمام قسمت فوقانی ظروف را می‌پوشاند و در آبخوریها تمام سطح ظرف پوشیده از نقوش هندسی است.^۵

نقش موضوع‌های مربوط به نباتات و حیوانات (ماهی، عقرب، مار، حشرات، مرغ‌های آبی، مرغهای در حال پرواز) و نقش انسان نیز در روی این ظروف دیده می‌شود. تمدن «تل‌شغا» فقط همزمان با تمدن طبقه سوم تپه گیان، و دوران برزخ بین طبقه ۳ و طبقه ۲ تپه گیان می‌باشد.

تمدن تل‌تیموران - این تمدن فقط در طبقه دوم این تپه موجود است و سه نوع سفال همراه دارد.

الف - یک سفال خاکستری مایل به قرمز خیلی صاف بایک بتونه صورتی و نقش سیاه مرکب از

۱ - تپه گیان نزدیک شهر نهاوند

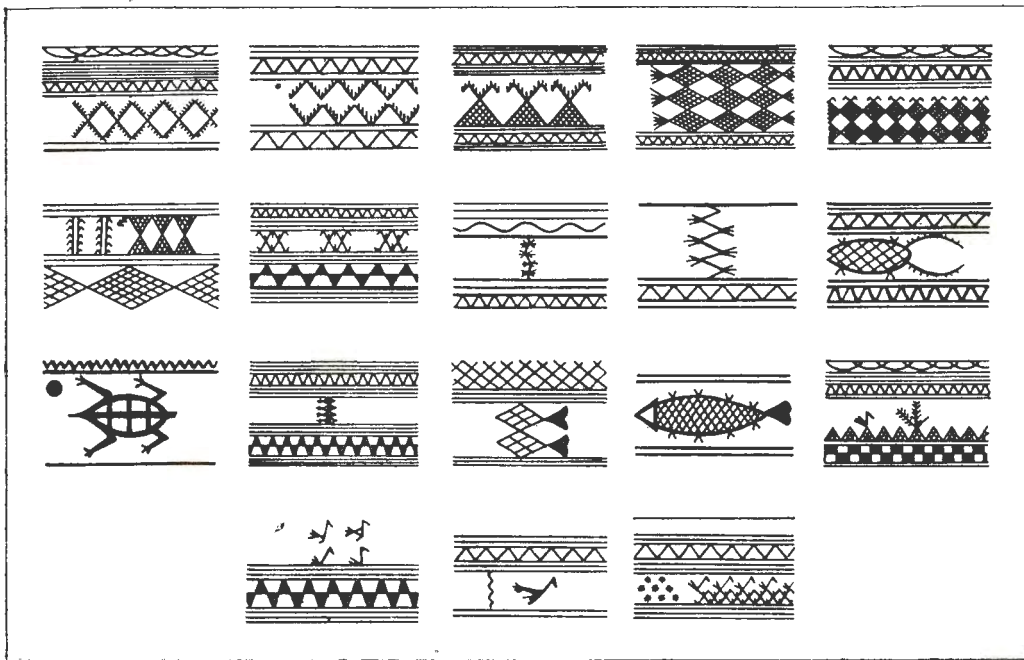
2-Dlnkhā 3-Stukagin-Dur 4-Katukān (ایران شهر)

۵ - مقصود از «نقوش هندسی» نقوشی است که با خطوط موازی یا متقاطع یا شکسته یا موج‌دار یا چهارخانه یا مثلث و غیره تشکیل شده و این واژه برای این نوع نقوش مصطلح شده است.

خطوط موازی روی گردن ظرف و درخت‌هایی که کاملاً بصورت مصنوعی روی شکم ظرف نقش شده است (لوحة ۶-الف). این سفال بطرز خاصی ساخته شده و هیچ شباهت با سفال نواحی دیگر ندارد.

ب - یک سفال خاکستری مایل بقرمز که خوب پخته، ولی خوب صیقلی نشده، و نقش قهوه‌ای یا قرمز یا سیاه دارد. از نظر شکل بیشتر این ظروف آبخوری یا ظرف دسته‌دار و شکم‌دار و لب پهن می‌باشد. نقش این ظروف عبارت است از خطوط افقی موازی و گاهی نقطه چین، که گردن و شانه ظرف را میپوشاند (لوحة ۶-ه). در طبقه دوم تپه گیان، و در بین‌النهرین، سفالی شبیه به سفال طبقه II) تل تیموران پیدا می‌شود که به آن نام «سفال خابور» داده‌اند.

ج - نوع سوم از سفال‌های این تپه بدون نقش و برنگ خاکستری مایل به سیاه می‌باشد.



شکل ۹

۸ - تمدن تل تیموران B (طبقه اول تیموران).

استیاز این سفال تمدن با سفال‌های دیگر این است که با سفال منقوش طبقه (I-b) تپه گیان و سفال گورستان الف تپه سیلک شباهت فوق‌العاده دارد (لوحة ۶-و).

۹ - تمدن تل جلاباد - سفال این تپه معمولاً خاکستری نزدیک به سیاه یا قرمز است و نقشی

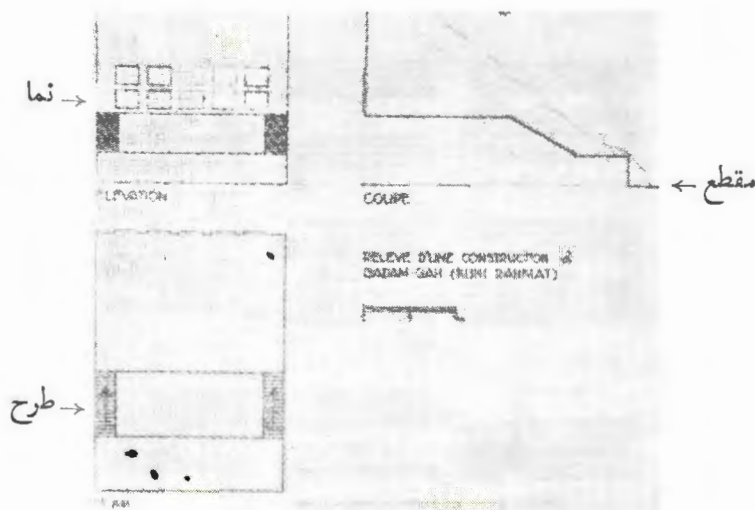
ندارد. تنها یک کوزه کوچک شکم دار در این تپه پیدا شد که دهان آن پهن بود و یک نوک پهن بصورت مایل روی لبه آن قرار داشت (لوحة ۶-الف). رنگ زمینه این سفال زرد بود و نقشی برنگ قرمز جگری

داشت. این سفال با سفال مکشوف در گورستان B تپه سیلک بسیار قابل مقایسه می‌باشد. مطالعات باستان‌شناسی ما در دشتهای تخت جمشید به ما اجازه داد که تحول تمدن‌هایی را که در این سرزمین بوجود آمده است از دوران «سنگ جدید» (در حدود . . . ۴۰۰۰ پیش از میلاد) تا هزاره اول پیش از میلاد، تقریباً بدون انقطاع پیدا کنیم.

ما در ضمن مسافرت‌هایمان توانستیم موفق به اکتشافات زیرگردیم (ف. ک. ۷۶):

۱- دو خط پهلوی در کوه رحمت مقابل دهکده مقصود آباد که اخیراً بوسیله آقای مناشه^۱ بچاپ رسیده است.

۲- آتشکده‌هایی در هوای آزاد یکی در «باغ بدره»^۲ (ی. ک. ۶۱) در شمال دهکده اونا^۳ در بلوک خفرک سفلی و یکی در کوه ایوب در جنوب دهکده دولت آباد (لوحة ۶۲-ه)، در بلوک را مجرد و یکی دیگر در مشرق دهکده تالونک^۴ در همان بلوک.



شکل ۱۰- طرح یک ساختمان در قدسگاه کوه رحمت

۳- ابنیه مربوط به مردگان - چند گودال استخوان دان و چند طاقچه یا «استودان» که در آنجا استخوان‌های مردگان را قرار می‌دادند و این «استودانها» در کوه رحمت (لوحة ۶۲-ج) و کوه زیدون و کوه سروی^۵ (لوحة ۶۲-الف، ب) و کوه ایوب (لوحة ۶۲-و) و کوه زاغه (لوحة ۶۲-د) واقع است. باین فهرست باید بعضی ابنیه زمان هخامنشی مانند آخور رستم (لوحة ۶۱-ب - د) را که سابقاً هرتسفلد نیز بان اشاره کرده بود اضافه نمود.

۴ - یک بنایی که معلوم نیست برای چه کار ساخته شده و در انتها الیه جنوبی «کوه رحمت» ،

۱- R. P. J. de Menasche

۲- Bagh-i Būdrah

۳- Unār

۴- Tālunak

۵- Sarūi

در شمال دهکده چاشت خوار^۱ قرار دارد و مردم بآن «قدمگاه» میگویند (لوحه ۳۳ و شکل ۱). احتمالاً این این بنا هم مربوط به مردگان بوده است.

ب - تفحصات علمی و بناهای قدیمی در ناحیه جنوبی فارس

آقای اورل استین^۲ بدنباله مسافرتهاى پیشین خود در بلوچستان، با اراده خستگی ناپذیری از ماه نوامبر ۱۹۳۳ تا ماه مه ۱۹۳۴ یک مسافرت سرتاسری در ناحیه فارس انجام داد (ف. ک. ۷۷). وی از شهر شیراز عزیمت کرد و ابتدا از دره فیروز آباد در جهت جهرم عبور نمود، ولی وارد ناحیه لارستان نشد. سپس از دره کفر^۳ گذشت، و بطرف فسا و سروستان و داراب رفت. پس از آن از رشته کوههای بوانات و ازکنار دریاچه «نیریز» عبور کرده وارد «ده بید» شد و از آنجا بشیراز برگشت. مشارالیه در نقاط متعدد به تپه‌های پیش از تاریخ برخورد و این مطلب را ثابت کرد که ناحیه فارس در دوران پیش از تاریخ جمعیت بسیار داشته. بیشتر تپه‌ها متعلق به دوران «کالکولیتیک»^۴ بود. سفالهای این تپه به سفال «تل بکون» شباهت زیاد داشت. این تپه‌ها بیشتر در ناحیه سروستان بود، مانند تل سنگ سیاه (ف. ک. ۷۸)، تل گود رحیم (ف. ک. ۷۹) و تل دروازه (ف. ک. ۸۰). در ناحیه فیروز آباد نیز تپه‌های «تل ریگ کمال آباد» مورد مطالعه قرار گرفت. تپه‌های پیش از تاریخ دیگر عبارت است از تل کناکان^۵ (ف. ک. ۸۲)، «تل سیاه فسا» (ف. ک. ۸۳) در ناحیه فسا، تل ریگ خسو^۶ (ف. ک. ۸۴)، تل ریگ مادوان^۷ (ف. ک. ۸۵)، تل سکومادوان^۸ (ف. ک. ۸۶)، تل سیاه‌مادوان^۹ (ف. ک. ۸۷)، در ناحیه داراب، شیر^{۱۰} (ف. ک. ۸۸)، دهبید (ف. ک. ۸۹) و دوتلان^{۱۱} (ف. ک. ۹۰) در پاسارگاد.

در بعضی از این تپه‌ها مانند وکیل آباد (ف. ک. ۹۱) سفال جدیدتر پیدا شد. روی «تل ضحاک» (ف. ک. ۹۲)، نزدیک فسا، یک سر «آفرودیت»^{۱۲} از مرمر «پاروس»^{۱۳} بدست آمد، که در دوران بعد از اسکندر ساخته شده بود (لوحه ۶۴ - د).

آقای پروفیسور استین تعداد زیادی ابنیه ساسانی را نیز تحت مطالعه قرار داد که قابل توجه می باشد. بیشتر این ابنیه را قبلاً فلاندن و کُست^{۱۴} و دیولافوآ^{۱۵} و هرتسفلد مطالعه کرده بودند. مهمترین این ابنیه در داراب قرار دارد و ما شرح آنرا خواهیم داد و سپس به شرح ابنیه فسا و سروستان و فیروز آباد که مورد مطالعه آقای «استین» قرار گرفته است خواهیم پرداخت.

1-Chast Khar 2-Stein 3-Kafr

4-Chalcolithique به خلاصه دوران‌های تاریخی در پایان کتاب مراجعه فرمایند 5-Tell-i Kanakān

6-Tell-i Rigi Khusū 7-Mādavān 8-Saku Mādavān 9-Siyah Mādavān 10-Chir

11-Dūtulān 12- ونوس یا آفرودیت 13- مرمر پاروس از جزیره‌ای در یونان استخراج میشود

14-Flandin-Coste 15-Dieulafoy

داراب، دارابجرد قدیم است و در زمان ساسانیان شهرآبادی بوده. این شهر مانند فیروزآباد حصار دایره‌ای شکلی داشته که اثر آن امروز نیز پیداست (لوحة ۴ - الف). نزدیک داراب محلی است معروف به نقش رستم (ف. ک - ۹۴)، که نباید با نقش رستمی که نزدیک تخت جمشید است اشتباه شود. آقای «استین» برای اولین بار از نقوش برجسته این محل عکس گرفت. این نقوش را آقای اوزلی^۱ در سال ۱۸۱۱ نشان داده بود و فلاندن و کُست از روی آن نقاشی کرده بودند و در انتهای طاقی یا طاقچه‌ای در سنگ کوه تراشیده شده و پیروزی شاپور اول (۲۷۲ - ۲۴۱) را بر امپراطور روم «والرین» نشان می‌دهد (لوحة ۴ - ب، ج). پادشاه سوار بر اسب است و در میان نقش نشان داده شده و نقش دشمن در کنار او افتاده. امپراطور در مقابل او زانو بر زمین زده، دستها را بصورت استغاثه مقابل صورتش برده است و در عقب سوار ۱۰ نفر رومی و یک اسب و یک گردونه نمایان است. در عقب این منظره چهار ردیف از صاحب منصبان ایرانی دیده میشوند.

در دره واقع در شمال فسا، نزدیک دهکده کشو^۲، خرابه‌های آتشکده‌ای بچشم می‌خورد (ف. ک - ۹۵). این بنا که از زمان ساسانیان است در پای «کوه خرمان»^۳ واقع شده کمی بالاتر، روی دامنه کوه، باقی مانده‌های قلعه‌ای بچشم می‌خورد و این بنا قلعه دختر نام دارد.

در طرف دیگر این کوه یک آتشدان ساسانی، در محلی موسوم به «تنگ کرم» (ف. ک - ۹۶) قرار دارد، که بصورت ساقه ستونی تراشیده شده و در دو طرف آن دو دایره نقش شده، که ظاهراً قرار بوده است در آن کتیبه‌ای نقر گردد (لوحة ۴ - ه).

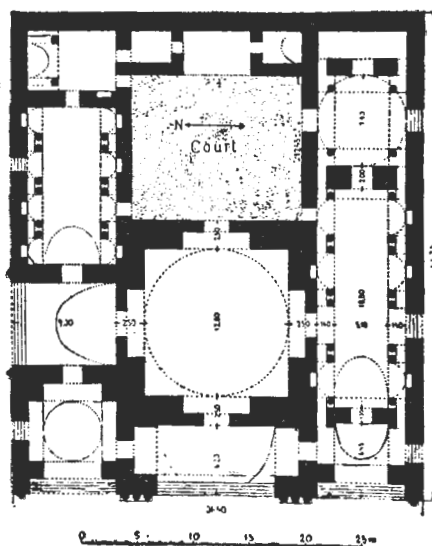
در سروستان (ف. ک - ۹۷)، آقای «استین» از یک کاخ ساسانی عکسبرداری کرد و طرح آنرا کشید (لوحة‌های ۶۵ - ۶۶ و شکل ۱۲۰۱۱). خرابه‌های این کاخ در فاصله ده کیلومتر از شهر سروستان قرار دارد. سابقاً آقایان کُست و فلاندن^۴ و دیالافوا^۵ و هرستفلد مقالاتی درباره این بنا نوشته بودند. کاخ سروستان را بدستور بهرام پنجم (۴۳۸ - ۴۲۰) ساخته‌اند و از کاخ فیروزآباد بهتر حفظ شده است. طرح آن از طرح فیروزآباد پیچیده‌تر است و از نظر اصول فنی کامل‌تر می‌باشد و در ساختمان طاق‌ها و گنبد‌ها مهارت زیادتر به خرج داده شده. نمای اصلی این بنا در طرف مشرق است و ابتدا از ایوان بزرگی که در میان نمای شرقی قرار گرفته شروع میشود. ایوان دیگری در طرف شمال تالار مربع است و در گوشه شمال غربی و جنوب شرقی هر کدام یک طاق کوچک قرار گرفته که روی آن گنبدی زده شده است. چند طاق گنبددار دیگر در هر طرف ایوان اصلی و اطراف تالار مرکزی گنبددار و اطراف حیاط قرار گرفته است.

آقای «استین» در ضمن همین مسافرت محل قدیمی «گور» (خور یا اردشیر خوره)^۶ را که در حال حاضر

1 - W. Ouseley 2 - Kashū 3 - Kuh-i Kharmān 4 - Coste-Flandin 4 - Dieulafoy

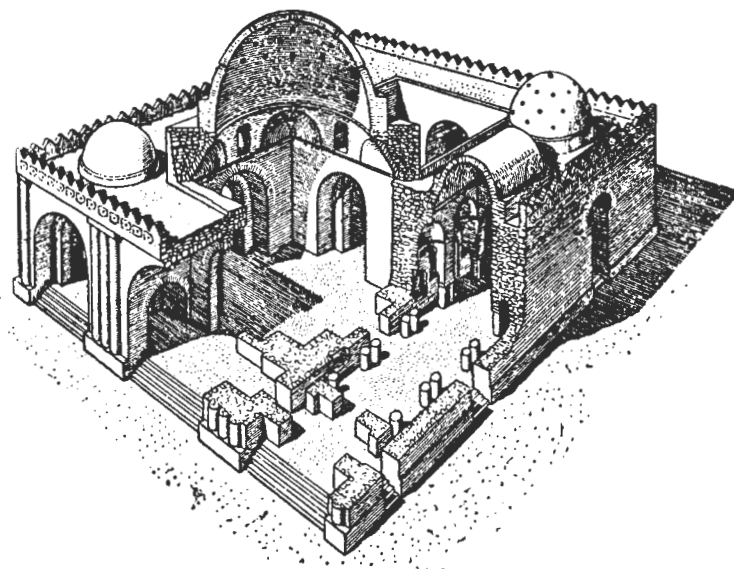
9 - Khūr - Ardachīr - Khūrrah (م) «جور» طبق ستون فارسی و عربی

فیروز آباد نام دارد دیدن کرد (ف. ک - ۹۸). این شهر بدستور اردشیر، پیش از رسیدن پادشاهی، ساخته شده بود و حصاری دایره‌ای شکل داشت (لوحه ۶۷ - الف). ساختن شهرها در حصار دایره‌ای شکل



شکل ۱۱

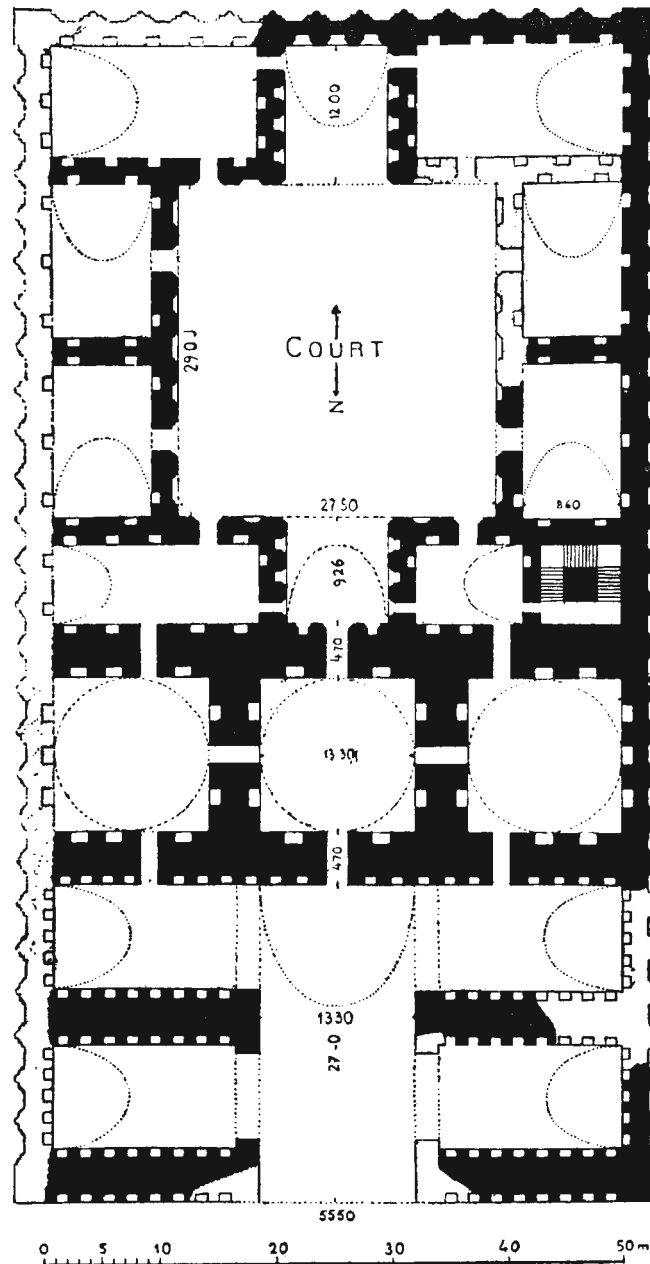
در زمان اشکانیان بسیار معمول بود. اثر حصار این شهر هنوز روی زمین پیداست و عبارتست از دو دیوار خشتی که در دو طرف خندقی قرار گرفته در میان شهر «تختی» ساخته شده و روی «نخت» ویرانه



شکل ۱۲

برجی دیده میشود و در کنار برج منار (تربال)^۱، یا آتشدانی که از سنگهای نتراشیده و آهک ساخته شده، دیده میشود (لوحه ۶۷ - ب). در طرفین این منار آثار پلکان طاق داری، که بصورت مارپیچ تا بالای برج

ادامه داشته، هویدا است. در آن بالا، در هوای آزاد، آتش مقدس را روشن میکردند و پرستندگان گرداگرد مناره حضور می یافتند. در فاصله تقریبی صد متر در شمال شرق این منار، پرستشگاهی در روی تختگاهی ساخته شده بود که امروز آنرا «تخته‌نشین»^۱ مینامند. این بنا عبارت از یک «چهارطاقی» بوده که در آن



شکل ۱۳

آتش مقدس را روشن میکرده‌اند و روی صدفه‌ای برپاشده بود و فقط روحانیان حق نزدیک شدن بآنها داشتند. یک حوض بزرگ نیز به آن مرتبط بود.

۱ - Takht-i Nishin

در خارج شهر آثار دیگری از ساسانیان موجود است.

الف - کاخ اردشیر اول (لوحه‌های ۶۷-۶۸ و شکل ۱۳). این بنا را اشتباهاً آتشگاه نامیده‌اند. کاخ اردشیر در شمال فیروزآباد قرار گرفته و با سنگ پاره‌ها و آهک ساخته شده و ۱۴ متر طول و ۵۰ متر عرض دارد و نمای آن بطرف شمال و جنوب است. ابتدا از یک ایوان بزرگ شروع می‌شود. این ایوان به تالار گنبددار مربعی راه می‌یابد. در هر طرف ایوان دو تالار ساخته شده که پوشش آن گهواره‌ای شکل است و به ایوان راه دارد و در هر طرف تالار بزرگ گنبددار نیز یک اتاق، به عرض و طول تالار مرکزی و شبیه به آن، قرار داده شده است.

در انتهای تالار گنبددار مرکزی راه باریکی وجود دارد که آن تالار را به قسمت پشت کاخ، یا اندرونی، متصل می‌نماید. وضع اندرونی کاملاً با وضع بیرونی کاخ اختلاف دارد. در این قسمت حیاطی بعرض و طول ۲۹ × ۲۷/۵۰ وجود دارد و در اطراف آن تالارهایی است که پوشش آن از طاق گهواره‌ای شکل است و فقط یک در دارد که بحیاط مرکزی راه می‌یابد. اتاقهای طرف شمال و جنوب در هر ضلع بوسیله یک ایوان کوچک از یکدیگر جدا شده است و در گوشه شمال غربی پلکانی است که بوسیله آن به پشت بام راه می‌یابند.

ب - «قلعه دختر»، روی تپه‌ای سنگی در کنار رودخانه تنگاب ساخته شده ابتدا «تختگاهی» ترتیب داده شده و روی آن تعدادی ابنیه با سنگ تراشیده و آهک ساخته شده. این بنا که بمنزله قلعه مستحکم بوده در زمان اردشیر اول بنا گردیده است (لوحه ۶۹).

ج - نزدیک همین قلعه پلی روی رودخانه زده شده و این پل کتیبه‌ای بخط پهلوی ساسانی دارد. این بنا ابتدا بوسیله هرتسفلد مکشوف شد و سپس آقای گیرشمن و هنینگ آنرا مطالعه کردند.

د - نزدیک همین پل، در کنار بستر رود تنگاب، دو نقش برجسته در سنگ کنده شده که متعلق به عهد ساسانی می‌باشد (ف. ک - ۹۹). نقش اولی تاجگذاری اردشیر را نشان می‌دهد. شاه نشانه شاهی را از دست «اهورمزدا» دریافت می‌کند و این نشانه عبارتست از یک حلقه با نوار (لوحه ۷۰). در عقب پادشاه یک خدمتگزار بادبزی را در بالای سر پادشاه گرفته و پشت سر او سه نفر دیده می‌شوند. اولین آنها شاپور، پسر و جانشین اردشیر است. بین خدا و شاه یک آتشدان قرار دارد، و روی آن بخط پهلوی ساسانی کتیبه‌ای نقش شده. نقش برجسته دوم بقاصله ۲ کیلومتر از اولی است. این قدیم‌ترین نقش و مهمترین نوشته‌ای است که از عهد ساسانیان روی سنگ کوه کنده شده است. طول آن بیست متر است، متأسفانه قسمت پایین آن بکلی از بین رفته. موضوع این کتیبه پیروزی اردشیر اول بر «اردوان» پنجم، آخرین پادشاه اشکانی

است. ضمناً منظره‌ای از جنگ میان سوارکاران نیز در کنار این نقش دیده میشود.

در سمت راست اردشیر اول سوار بر اسب است و اردوان را از مرکب بزیر میاندازد و با یک ضربه نیزه کار او را میسازد (لوحة ۷۱ - الف). در میان نقش، ولیعهد، شاپور، «داربندان»^۱ و وزیر پادشاه اشکانی را بخاک میغلطانند (لوحة ۷۱ - ب). در سمت چپ یک اسب سوار ساسانی یک نفر از پارت‌ها را خفه میکند (لوحة ۷۱ - ج).

ج - تفحصات باستان‌شناسی و ابنیه واقع در کنار راه بین شیراز و دریا

در جنوب شرقی شهر شیراز، روی کرانه‌های شمال شرقی دریاچه مهارلو^۲ آقایان فیلد^۳ و مک کون^۴ در سال ۱۹۳۵ قطعه سنگهای تراشیده‌ای از عهد «پالئولیتیک کهن» پیدا کردند (ف. ک - ۱۰۰). در فاصله ۶ کیلومتر در جنوب شرقی شهر شیراز محل تاریخی «قصر ابونصر» دیده میشود. در اینجا از قدیم یک سردر از عهد هخامنشی برپا بود (لوحة ۷۲ - الف - ب). این سردر احتمالاً از تخت جمشید باین محل انتقال داده شده (ف. ک - ۱۰۱).

یک هیئت علمی امریکائی تحت سرپرستی آقای «اوپتون»^۵ در سال ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳-۳۴ در این محل مشغول کاوش شد و موفق گردید که قلعه مستحکمی از عهد ساسانیان را از زیر خاک بیرون آورد. زیر این قلعه مستحکم آثار دوران اشکانی دیده میشود. در این محل اشیایی از قبیل کوزه‌های گلی و سکه‌ها (که بعضی از آنها متعلق بدوران اشکانی بود) وجود داشت و جواهرات و اشیاء برنزی دیگر بدست آمد. بیش از پانصد مهر از جنس گل پخته و تعداد زیاد مجسمه‌های کوچک منصب‌داران و حیوانات یا پرندگان پیدا شد که روی بعضی از آنها کتیبه‌ای بخط پهلوی نوشته شده بود (ف. ک - ۱۰۲).

در جنوب شرقی «قصر ابونصر» خصوصاً در برم دلك^۶ (ف. ک - ۱۰۳) سه نقش برجسته ساسانی وجود دارد که مسافران اروپایی تاورنیه و کمپفر^۷ و بروین^۸ و اوزلی^۹ و فلاندن و کُست آنرا تشریح کرده‌اند و طرح‌هایی از آن داده‌اند. آندراس استولز^{۱۰} و «زاره»^{۱۱} اولین کسانی هستند که از این بنا عکس گرفتند. این سه نقش برجسته، که دو نقش آن کوچکتر و یکی بزرگتر است، مربوط به دو موضوع میباشد. دو نقش کوچک بوسیله یک نوار پهنی که نقشی ندارد از هم جدا شده است. پهنای این نوار تقریباً یکمتر میباشد. این دو نقش مربوط به شاه بهرام دوم است (۲۹۳ - ۲۷۶) که در مقابل آتش مقدس ایستاده مشغول نیایش است (لوحة ۷۳ - الف). نقش بزرگ بهرام دوم را با همسرش

1 - Därbendān 2 - Mahārlu 3 - H. Field 4 - Mc Cown 5 - J. M. Upton

6 - Barm-i Dilak 7 - E. Kaempfer 8 - C. De Bruyn 9 - W. Ouzeley

10 - Andreas Stolze 11 - Fr. Sarre

نشان میدهد (لوحة ۷۳ - ب). تمام این نقوش بوضع خیلی بدی است.

کمی دورتر، نزدیک شهر کازرون، در کوههای دهکده «سرمشهد» (ف. ک - ۱۰۴) نقش برجسته دیگری وجود دارد، که فقط از ۳ سال پیش شناخته شده و آقای هرتسفلد آنرا کشف کرد. این نقش بهرام دوم (۲۹۳ - ۲۷۶) را نشان میدهد که همسر و پسرش را در مقابل حمله دو شیر حمایت میکند (لوحة ۷۴ - الف). وی شیر اولی را کشته و خود را برای حمله بشیر دومی مهیا مینماید. درست راست یک منصب دار این منظره را نگاه میکند. بالای این نقش یکی از بزرگترین کتیبه های ساسانی بخط پهلوی کنده شد.

در جنوب شرق سرمشهد، کنار جاده کازرون به فیروزآباد و در دره جره^۱ ویرانه چهارطاقی هایی از دوران ساسانی به چشم میخورد که بنای آن به مهر نرسی^۲ نسبت داده شده. اولین آنها در فاصله ۱۰ کیلومتر از شهر کازرون (ف. ک - ۱۰۵) در کنار راه بزرگی است که این شهر را به شیراز متصل مینماید. در حال حاضر از این چهارطاقی فقط سه جز باقی مانده (لوحة ۷۴ - ب). چهارطاقی دوم نزدیک قصبه جره است (لوحة ۷۴ - ج)، (ف. ک - ۱۰۶). چهارطاقی سوم در تون سبز (ف. ک - ۱۰۷) نزدیک قصبه «گمبذ» و چهارمی در فراش بند (ف. ک - ۱۰۸) واقع شده. این چهارطاقی ها با سنگ نتراشیده بدون سلاط ساخته شده است و چهار جزز گنبدشانرا نگاه میدارد. بالای پایه ها چهار قوس قرار داده شده و زیر گنبد آتشدان را میگذاشتند.

هیئت باستان شناس فرانسوی در ایران تحت سرپرستی آقای م. و. ژ. پزار^۳ در سال ۱۹۱۳ چند کاوش در ری شهر نزدیک بندر بوشهر بعمل آورد (ف. ک - ۱۰۹). این بندر کنار خلیج فارس واقع است. ری شهر احتمالاً همان شهر قدیمی ایلامی لیان^۴ میباشد. در این محل سفالهای رنگین از عهد «کالکولیتیک» و عهد «برنز قدیم» و ساختمانهای آجری با کتیبه های عهد شوتروک ناخونته^۵ پیدا شده.

جزیره خارک (ف. ک - ۱۱۰)، مقابل بندر بوشهر، در خلیج فارس واقع است. در این جزیره ویرانه های قابل توجهی است که «تونو»^۶ از آن در ۱۶۶۷ دیدن کرد و در سال ۱۷۶۰ نیز آقای «کارستن نیپور»^۷ آنرا مطالعه نموده است. بعد ها آقای هرتسفلد نیز آن را تحت مطالعه قرار داده است. در این خرابه ها مجموعاً در حدود ۶ قبر دیده میشود که در سنگ مرجانی تراشیده شده. در مقابل دروازه برخی از این آرامگاه ها خطوط شامی بچشم میخورد، که تا اندازه ای پاک شده. دو آرامگاه از نظر ساختمانی قابل توجه است. نمای آن طاقچه ها و نیمه ستونهایی دارد. یک ایوان وسیع در مقابل طاق آرامگاه ساخته شده و از هر طرف سه طاقچه دارد و در هر طاقچه حفره ای برای قرار دادن مرده کنده شده. در طاق نیز

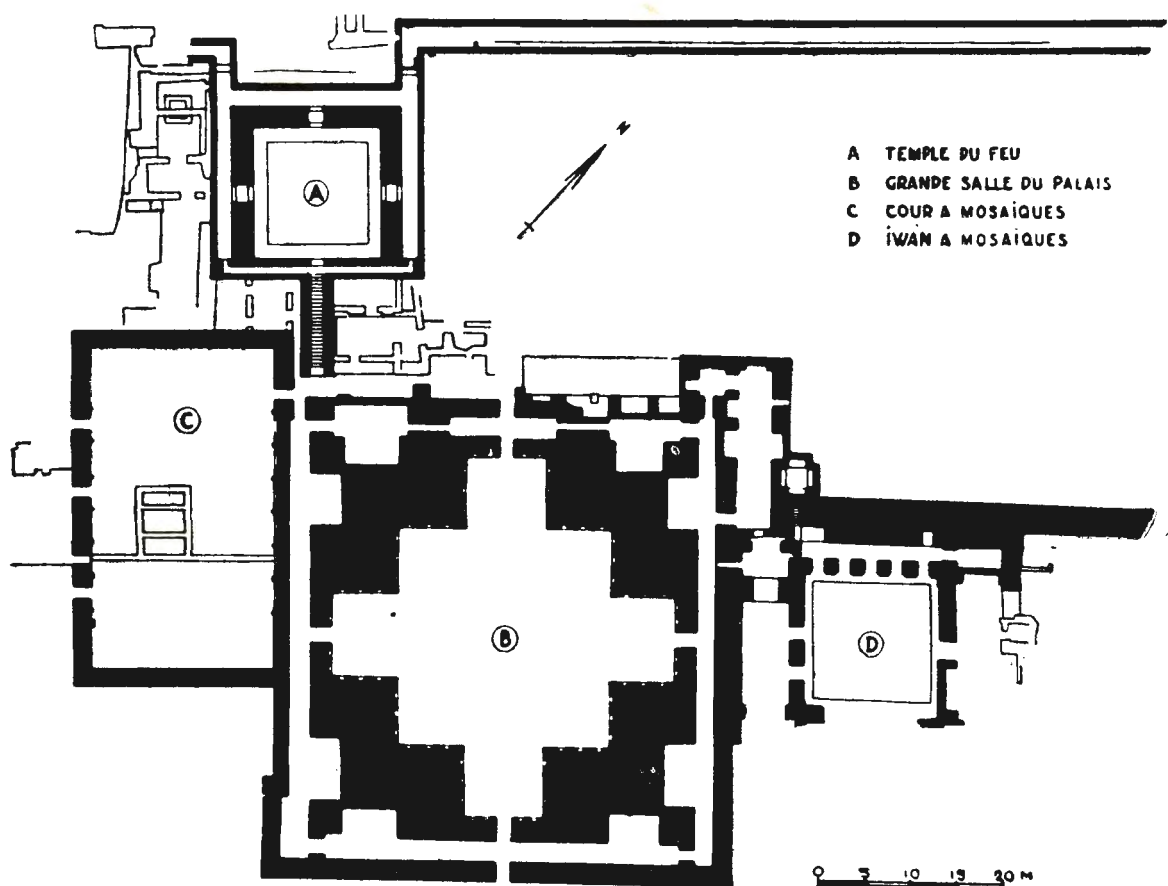
۱ - D. Jirrah ۲ - Mihr Narsah ۳ - M. et G. Pézard ۴ - Liyān ۵ - Shutruk-Nakhunte

۶ - J. Thevenot ۷ - Karsten Niebuhr

در هر طرف پنج طاقچه است. قبر اصلی در ته اطاق است. روی یکی از این قبرها نقوشی به سبک شهر قدیمی «تدمر» نقش شده، باین معنی که شخصی روی نیمکتی خوابیده است. این آرامگاه‌ها با قبرستانهای زیرزمینی مسیحیان در حدود ۲۵۰ بعد از میلاد قابل مقایسه میباشد.

د - تجسس باستان‌شناسی و ابنیه قدیمی در کنار جاده بیشاپور به شوش

آقای کارلتون کون^۱ در سال ۱۹۴۹ آثار تمدنهایی در ناحیه گلارزاغی^۲، نزدیک دهکده قرا^۳، در چند کیلومتری جنوب غربی شهر بیشاپور پیدا کرد (ف. ک - ۱۱۱).



شکل ۱۴

در خود بیشاپور آقای ژرژ سال^۴ و رومان گیرشمن^۵ در سال ۱۹۳۵ - ۳۶ و ۱۹۳۶ - ۳۷ و آقای گیرشمن به تنهایی در سال ۱۹۴۰ و بهار ۱۹۴۱ پنج بار به کاوش پرداختند (ف. ک - ۱۱۲) و عقیده دارند که این مکان در قدیم محل اقامت شاپور اول پادشاه ساسانی بوده است. در نتیجه این کاوشها فرانسویها توانستند یک آتشگاه و چند کاخ و یک بنای مذهبی دیگر را از زیر خاک بیرون بیاورند (لوچه‌های ۷۵-الف، ب، ج و شکل ۱۴).

۱ - Carleton Coon

۲ - Gular Zaghi

۳ - Qura

۴ - G. Salles

۵ - R. Ghirshman

این آتشگاه با تخته سنگهای تراشیده ساخته شده و شامل یک تالار بزرگ مرکزی مربع میباشد، که هر طرف آن ۱۴ متر اندازه دارد و ۷ متر در زیر کف زمین واقع شده. از چهار دیواری که این اطاق را احاطه میکرده فقط دیوار شمال غربی تمام ارتفاع قدیم خود را حفظ کرده و این ارتفاع ۱۴ متر است. در بالای این دیوار هنوز باقی مانده های گاو بالدار که تیرهای سقف را نگاه میداشته دیده میشود. تالار مرکزی برای انجام تشریفات مذهبی بوده. در پشت گوشه شمالی تالار مرکزی اطاق کوچکی است که در آنجا آتش مقدس محفوظ میشده. برای رفتن به آتشگاه از یک پلکان تقریباً بیست پله ای عبور میکردند. طاق این پلکان بصورت گهواره ای بود که با سنگ تراشیده و با دقت کامل ساخته شده بود. در طول دیوار جنوب غربی آتشگاه کاخی بدست آمد، که آنرا کاخ (A) شاپور اول نامیده اند. این کاخ مرکب از تالار بزرگی بشکل صلیب بود، که سابقاً در روی آن گنبدی زده بودند. در اطراف این تالار مرکزی چهار دالان بود که چهار دروازه آنرا به تالار مرتبط میساخت. این تالار مخصوص پذیرائی ها بود و در داخل آن ۶ طاقچه بود که هر کدام با گچ - بریهای رنگ آمیزی شده مزین شده بود و این تزیینات عبارت بود از برگ آکانت، خطوط شکسته شبیه به صلیب و شاخ و برگهایی که بیشتر به تزیینات معمول در ناحیه شرقی دنیای رومی شباهت داشت. در مغرب تالار بزرگ که بشکل صلیب است و در جنوب آتشگاه حیاطی بوده است که کف آن با موزائیک هایی پوشیده شده بود. قسمتی از این موزائیک ها بدست آمده و نشان میدهد که تزیینات آن مرکب از خطوط هندسی و فرشته های بالدار و زنهای برهنه بوده است.

در مشرق کاخ سه ایوان وجود داشت که با کاخ مرتبط بود و نمای این ایوان ها ۲۰ متر بود و قوس مرکزی آن بقطر ۱۰ متر و قوس های طرفین به قطر ۵ متر بود. دیوار ته تالار مرکزی ۵ دروازه داشت که بطرف راهرویی باز میشد و این راهرو ایوان ها را به تالار مرکزی مرتبط میساخت. دیوار های ایوان با گچ بریهای زیبا (لوحه ۵۷ - د) و کف آن با موزائیک هایی به سبک رومی و شامی تزیین شده بود (لوحه ۷۵ - ۵ - ۷۶). این موزائیک ها زنهای درباری و نوازندگان و رقاصه ها و تصاویر زنها و مرد های دیگری را نشان میدهد.

در حدود یکصد متر در مشرق این محل کاخ دیگری است که آنرا کاخ (B) یا کاخ سنگی نام نهاده اند و روی چند تخته سنگ تزییناتی بصورت نقش برجسته وجود دارد و این تزیینات عبارتست از یک اسب سوار در حال حمله و یک پادشاه سواره و اشخاص دیگری پیاده.

در فاصله ۲۰ متر در مغرب آتشگاه هیئت کاوش کننده فرانسوی موفق شد بنایی را که مرکب از دو ستون مجزا بود و تقریباً ۴/۵ متر ارتفاع داشت پیدا کند. این دو ستون روی دو پایه قرار دارد و سرستونی بسبک « کُرنِتی »^۱ در بالای آن واقع است. روی ساقه یکی از این ستونها کتیبه ای بخط پهلوی

ساسانی و پهلوی اشکانی دیده میشود و مفهوم آن این است که این بنا برای شاپور اول در ۲۶۶ ساخته شده (لوحة ۷۵ - ج).

در نقطه شمالی میدان کاوش تنگه‌ای وجود دارد که بدنه‌های آن با نقش برجسته تزیین شده (ف. ک - ۱۱۳). این نقوش مورد توجه مسافرانی مانند موریه^۱ در ۱۸۰۹ و «اوزلی»^۲ در ۱۸۱۱ و «بود»^۳ در ۱۸۴۵ و «فلاندن» و «کوست» در ۱۸۵۱ و «آندرآس»^۴ و «ستولتز»^۵ در ۱۸۷۷ و «دیولافوآ» و همسرش در ۱۸۸۴ واقع شده است. بعلاوه آقایان «زازه» و «هرتسفلد» و «گیرشمن» نیز این ابنیه را بررسی نموده‌اند. سه نقش از این نقوش برجسته پیروزی شاپور بر «والرین» امپراطور روم را نشان میدهد.

نقش اولی خیلی خراب شده و مربوط به دو موضوع است، یکی تاجگذاری شاهنشاه بوسیله اهورمزدا؛ در این مجلس شاه و خدا سوار بر اسب‌اند و دشمنانشان در زیر پای اسبشان در غلته‌ده‌اند و دیگری مجلس پیروزی بر والرین میباشد: امپراطور مقابل شاهنشاه بزانو افتاده (لوحة ۷۷ - الف).

در نقش دوم پیروزی «والرین» در مرکز مجلس نشان داده شده (۷۷-ب). در اطراف شاهنشاه اتباع او دیده میشوند. در سمت چپ سواره نظام ایرانی در دو ردیف و در سمت راست، در داخل شش قاب، اشخاص پیاده‌ای دیده میشوند که برای شاه اشیایی را می‌آورند.

نقش برجسته سوم (لوحة ۷۸) روی سطح محدب سنگی در دامنه کوه کنده شده. مجموع نقش به ۱۴ منطقه تقسیم شده و منطقه وسط آن موضوع اصلی را نشان میدهد. در این مجلس شاه سوار بر اسب است و دست رومی حمایت شده خود را گرفته همراه می‌آورد و بطرف دشمن که در حال تضرع است گام بر میدارد. «والرین» زانو بر زمین زده. دو سردار ایرانی ناظر این منظره‌اند و یک فرشته تاج پیروزی را به شاپور میدهد (لوحة ۷۸ - ج، د). در سمت چپ سواره نظام ایرانی (لوحة ۷۸ - ه) منتظر رسیدن صف برندگان هدایا میباشد و این صف از طرف راست پیش می‌آید (لوحة ۷۸ - ب، و - ۷۹ - الف).

نقش برجسته چهارم از زمان بهرام دوم است (۲۹۳-۲۷۶) و بوضع بدی است. علت خرابی این نقش برجسته جوی آبی است که از کنار آن عبور میکند. درین نقش یک قبیله عرب برای اظهار اطاعت به طرف شاه جلومی‌آید. در سمت چپ بهرام دوم سوار بر اسب است (لوحة ۸۰ - الف). در سمت راست، صحراگردان عرب با اسب‌ها و شترهایشان پیش می‌آیند.

نقش برجسته پنجم تاجگذاری بهرام اول را نشان میدهد (۲۷۶ - ۲۷۳). بهرام تاج را از دست اهورمزدا میگیرد (لوحة ۷۹ - ب). این نقش برجسته شبیه نقش شاپور در نقش رستم است ولی از نظر سبک کار خیلی از آن بهتر است.

آخرین نقش برجسته در این محل در کنار نقش بهرام اول قرار دارد و مربوط بشاپور دوم است

(۳۰۹-۳۷۹). این مجلس عبارت از واقعه‌ای تاریخی است که در چند طبقه نشان داده شده. در مرکز مجلس شاه روی تخت خود نشسته دست چپ را بر دسته شمشیرش قرار داده و نیزه بلندی در دست راست دارد. در سمت چپ، در دو طبقه، درباریان و افراد ارتش واسب شاه (لوحه ۸-ب، ج) نشان داده شده است. باز در سمت راست، در دو طبقه، اسرای جنگی را که زنجیر کرده‌اند جلو می‌آورند و میر غضب‌هایی سر دشمنان را در دست دارند (لوحه ۸-ج) و عده‌ای از سربازان ایرانی غنایم جنگی را بردوش می‌برند. تمام این نقوش در دو طرف دره شاپور قرار دارد و در بالای کوهی که مجاور این دره است ویرانه‌های یک قلعه قدیمی است که بر تمام شهر مشرف است. در این ویرانه‌ها سه برج بهتر از قسمت‌های دیگر باقی مانده و در این برج‌ها استودانهایی وجود دارد و در کنار آن، در قسمتی از بدنه کوه که پیشرفتگی دارد، حفره‌هایی دیده می‌شود که در آن مردگان را طبق آئین زردشت قرار می‌داده‌اند.

در فاصله ۴ کیلومتر، در تنگه‌ای که در آن نقوش برجسته را کنده‌اند، غاری است بنام مُدان^۱. اطراف این غار را تراشیده و صاف کرده بودند تا روی آن نقوش برجسته‌ای بوجود آورند. در داخل غار مجسمه بزرگی از سنگ در روی زمین افتاده. ارتفاع این مجسمه ۸ متر است و تصویر شاپور اول می‌باشد (ف. ک- ۱۱۴)، (لوحه ۸۱).

در کوه موسوم به «نقش بهرام»، یا «سرآب بهرام»، نقش برجسته‌ای در دامنه کوه تراشیده شده (ف. ک- ۱۱۵). این نقش در شمال شرقی شهر بیشاپور قرار دارد. بهرام در این نقش روی تخت خود نشسته و در هر طرف او دو خدمتگزار در حال احترام ایستاده‌اند (لوحه ۸۲-الف، ب).

نویسنده این مقاله در محلی نزدیک نقش بهرام، روی راه شیراز به اردکان، موسوم به گویوم^۲، (لوحه ۸۳) عکسی از نقش بهرام دوم در حال نیایش برداشته است. این نقش را سابقاً آقای هرتسفلد دیده بود (ف. ک- ۱۱۶) و از آن به بعد دیگر کسی از آن صحبتی نکرده و مورد مطالعه واقع نشده بود.

در کنار جاده واقع میان شیراز و اهواز از راه بیشاپور تعداد زیادی از ابنیه ساسانی بچشم می‌خورد، ولی از دوران‌های پیش از ساسانی نیز آثاری در این مکان‌ها دیده می‌شود.

در کنار راه میان بیشاپور و فهلان، در فاصله ۷ کیلومتر در شمال شهر بیشاپور، دهکده کوچک نورآباد قرار دارد. در فاصله ۶ کیلومتر در مغرب نورآباد، در دره‌ای خالی از آبادی، در پای کوه «پیر مرد»، برج مربعی وجود دارد (لوحه ۸۴-الف و ب) که تحت نام «میل آزاده» یا «میل اژدها»^۳ (ف. ک- ۱۱۷) شناخته شده. از این برج مسافرانی مانند «اوزلی»^۴ و «استولز»^۵ و «هرتسفلد» و «گیرشمان» دیدن کرده‌اند. اخیراً آقای گیرشمان راجع به بعضی از جزئیات این برج اطلاعاتی نشر کرد. بعقیده وی این برج را باید

با « زندان بازار گاد » و یا « کعبه زردشت » در نقش‌رستم مقایسه کرد. این برج نیز مانند دو بنای مذکور آتشگاهی است، باین معنی که آتش مقدس را در آن حفظ میکرده‌اند و از آنجا به آتشدانها میبردند. در دو نقطه فوق آتشدانها در نزدیکی آتشگاه بوده است ولی برج نورآباد که از زمان سلوکی یا پارت است (از قرن سوم تا اول پیش از میلاد) در عین حال هم آتشگاه است و هم آتشدان. قسمتی از این بنا که در آن مراسم مذهبی انجام میگرفته فقط بر روی روحانیون باز بوده ولی آتشدان در بالای برج بوده و نیایش کنندگان میتوانسته‌اند آنرا ببینند.

دهکده جین‌جین (ف. ک- ۱۱۸)، در فاصله شش کیلومتر در مغرب فهلیان و ۱۲ کیلومتر از نورآباد قرار دارد. در این دهکده ویرانه‌هایی از دوران هخامنشی مشاهده میگردد. در میان این ویرانه‌ها باقیمانده یک بنای کوشک مانند وجود دارد که اختصاص به پادشاه داشته و پایه‌های ستونهای آن که مزین به گل «لوتوس» است هنوز در محل دیده میشود. سه عدد از این ته ستونها بهتر از بقیه آثار محفوظ مانده (لوحة ۸-ج، د). این بنا احتمالاً محل توقف پادشاه در مسیر جاده شاهی تخت جمشید به شوش بوده است. در «تل اسپید» (ف. ک- ی- ۱۱)، واقع در فاصله ۱ کیلومتری مغرب فهلیان، آقای هرتسفلد در سال ۱۹۲۴ ویرانه‌هایی از ساختمانهای آجری متعلق به عهد ایلامیها کشف نمود. روی آجرها نوشته‌هایی به خط ایلامی واقع در فاصله سالهای ۱۰۰ تا ۱۰۰ پیش از میلاد وجود داشت.

آقای «استین» در سالهای ۳۹-۱۹۳۶ مجدداً بایران آمد و این بار مسافرت خود را از ناحیه مغرب فارس شروع کرد (ف. ک- ۱۲۰). قصد او از این مسافرت این بود که جاده قدیمی شاهی را که تخت جمشید را به شوش متصل میکرد مشخص نماید. وی در جنوب شرقی اردکان گمانه‌هایی روی چندین تپه زد و مهمترین این تپه‌ها «تل گرد» بود (ف. ک- ۱۲۱)^۲. در این محل آثاری پیدا کرد که به آثار مکشوف در ناحیه مشرق فارس شبیه بود. سفال این محل نظیر سفال «تل بکون» است.

در شمال غرب شهر فهلیان، نزدیک دهکده سه‌تلو^۳، با نقوش برجسته‌ای برخورد کرد، که آقای هرتسفلد در سال ۱۹۲۴ موفق بکشف آن شده بود و آنرا به عنوان نقوش برجسته کورآنگون^۴ معرفی نموده بود (ف. ک- ۱۲۲). محل اصلی این نقش اله و الهه‌ای را نشان میدهد که در میان پرستندگان خود نشسته‌اند (لوحة ۸۵، ۸۶- الف). خدای مزبور تاج شاخداری بر سر دارد و روی تختی نشسته است که زیر آن ماری پیچیده و او سر مار را در دست چپ خود گرفته است. وی با دست راست ظرفی را گرفته، که از آن آبهای فواره وار بیرون می‌آید. فواره اولی متوجه سه نفر از پرستندگان است که مقابل آن ایستاده‌اند. فواره دوم از بالای سر خدا عبور کرده به طرف دو پرستنده دیگر که پشت سر او قرار دارند. متوجه میشود. همسر خدا در کنار او روی حیوانی که مظهر خدایان است نشسته در میان خدا و سه نفر پرستندگان مذبحی دیده

میشود. در طرف چپ تخته سنگ، ردیف پرستندگان که در اصل به عدد ۴ میرسیده نشان داده شده و اینطور بنظر میآید که به طرف مجلس مرکزی در حرکت اند. این نقش برجسته ایلامی که در کار آن مهارت زیاد نشان داده نشده متعلق به اواخر هزاره سوم پیش از میلاد بوده است.

در حدود ۱ کیلومتر دورتر، آقای «استین»^۱، در دره «ده نو»^۲ و در محل سرآب سیاه (یا سرآب سیه) (ف. ک - ۱۲۳)، معبدی از دوران ساسانیان مشاهده کرد.

در سمت شمال همین ناحیه، در کوه اونری^۱، آرامگاه قابل توجهی بنام دآودختر^۲ را کشف نمود، که در ارتفاع تقریبی ۳۰ متر واقع شده (لوحة ۸ - ب). این دخمه در سنگ کوه تراشیده شده و مرکب از دواطاق است. نمای آن از هر طرف دروازه ورود با دو نیم ستون، به سبک «دوران آخر پیش از یونی» تزیین شده. پایه این ستون ها مرکب از بالش ضخیمی است که روی دو سکو قرار گرفته. ساقه ستونها صاف است و حماله سنگی روی ستون از هر طرف به مارپیچی منتهی میگردد. احتمال دارد که «دآودختر» آرامگاه یکی از نخستین پادشاهان ایران و حتی یکی از اجداد کوروش دوم (تئیسپس یا کوروش اول) باشد و در این صورت میتوان آنرا بین سالهای ۶۴۰ و ۵۶۰ پیش از میلاد قرارداد.

چند کیلومتر دورتر، در حدود سرحدات میان فارس و خوزستان، آقای «استین»^۳ در محل موسوم به «پل برین»^۴ دو پل در روی رودخانه «تنگ برین»^۵ پیدا کرد که یکی از آنها از زمان ساسانیان است (ف. ک - ۱۲۵).

پیش از شروع مطالعه کاوش ها و ابنیه خوزستان باید از دو مسافرت که برای مطالعه کتیبه های ناحیه فارس بعد از جنگ دوم جهانی انجام گرفت صحبت کنیم.

آقای ریشارفرای^۶، از دانشگاه «هاروارد»، از تابستان سال ۱۹۴۸، این ناحیه را از نظر کتیبه موجود در آن، مورد مطالعه قرار داد. وی چندین کتیبه فرس میانه را (در تخت جمشید و نقش رجب و نقش رستم و سر مشهد و بیسپور) که از نظر تاریخ ساسانی و مذهب زردشت اهمیت دارد، مطالعه نمود و آنرا در مجموعه کتیبه های پهلوی^۷ (ف. ک - ۱۲۶) بچاپ رسانید. آقای هنینگ^۸ از دانشگاه لندن به نوبه خود ناحیه فارس را در فاصله ۱ ماه مارس تا ۱۴ ماه ژوئیه ۱۹۵۰ مورد مطالعه قرار داد. وی نیز از کتیبه های فرس میانه در نقش رستم و نقش رجب و حاجی آباد و سر مشهد رونوشت تهیه کرد (ف. ک - ۱۲۷).

1-Kūh-i Unari 2-Dā-ū Dukhtar 3-Pul-i Brīn 4-Tang-i Brīn

5-Richard N. Frye 6-Corpus Inscriptionum Pahlavicarum 7-W. B. Henning

۷- خوزستان

خوزستان شامل قسمت جنوب غربی ایران است. این ناحیه وقتی به حدود کوه‌های فارس و لرستان می‌رسد پستی و بلندی زیاد پیدا می‌کند ولی در سمت مغرب مبدل به دشت وسیعی می‌گردد که دنباله جلگه بین‌النهرین است. از این ناحیه دو رودخانه عبور می‌کند: کارون و کرخه. سابقاً ناحیه خوزستان بعلت قنات و جویبارهای متعددی که داشت خیلی آباد و پر جمعیت بود ولی امروز بصورت صحرای بدون حاصلی درآمده است. از سال ۱۹۰۷ بعلت پیدایش نفت در این ناحیه ایالت خوزستان بصورت یک منطقه صنعتی درآمد.

در ماه دسامبر سال ۱۹۳۵ آقای «استین» در ناحیه خوزستان برای مطالعات باستانشناسی مسافرتی کرد (ف. ک- ۱۲۸). این مطالعات دنباله بررسی‌های ماه نوامبر همین سال در ناحیه غربی ایالت فارس بود. وی در مشرق بهبهان موفق به کشف باقی‌مانده‌هایی از ساختمانهای دوران ساسانی شد، از آن جمله: آتشگاه موسوم به «چهارده»، نزدیک دهکده دوگنبدان (ف. ک- ۱۲۹) و چهارطاقی دیگری نزدیک دهکده خیرآباد (لوحه ۸۶- ج) و پلی روی رودخانه خیرآباد (ف. ک- ۱۳۰). گمانه‌هایی که آقای استین روی چند تپه قدیمی، مانند «تل حسنک» (ف. ک- ۱۳۱) و تل گوریپاه^۱ (ف. ک- ۱۳۲) در حوالی بهبهان زد، به او اجازه داد یک سفال منقوش از نوع سفال تل بکون بدست آورد.

نزدیک تنگ سروک در محلی موسوم به کیکاوس (ف. ک- ۱۳۳)، دانشمند مزبور ویرانه‌های یک چهارطاق از عهد ساسانی را نیز کشف نمود. نقوش برجسته «تنگ سروک» در فاصله ۵۰ کیلومتر در شمال بهبهان، در سال ۱۸۴۱، بوسیله آقای «دوبود»^۲ تشخیص داده شد، ولی برای اولین بار بوسیله آقای «استین» در کتاب موسوم به «جاده‌های قدیم ایران غربی»^۳ (ف. ک- ۱۳۴) منتشر شد. در تاریخ ۱۹۵۲ آقای «هنینگ» این نقوش و کتیبه‌های آنرا با دقت مورد مطالعه قرارداد (ف. ک- ۱۳۵).

در «تنگ سروک» لااقل چهار مجموعه نقش برجسته موجود است که در سنگی که از کوه مجزا شده تراشیده شده است.

الف- اولین نقش دونفر را در حال ایستاده نشان می‌دهد که هر دو قبا و شلواری به سبک لباسهای عهداشکانی پوشیده‌اند (لوحه ۸۹- الف). نمای شرقی این تخته‌سنگ شخصی را نشان می‌دهد که روی تختی دراز کشیده. این نقوش به وضع بسیار بدی افتاده است.

1 - Tall - i Gūripāh

2 - C. A. de Bode

3 - Old Routes of Western Iran

در حدود ۶۰۰ متر دورتر مجموعه‌ای از نقوش برجسته دیگری است که احتمالاً قسمت اصلی این مجالس را نشان میدهد.

ب - روی نمای غربی تخته سنگ اولی (لوحة ۷۸) نقوشی در سه ردیف دیده میشود که از نقوش دیگر بهتر محفوظ شده. در ردیف بالا از سمت چپ ابتدا مردی که شاید شاه باشد روی تخته نشسته، در طرفین او اشخاصی ایستاده‌اند. در نقش وسط چهار نفر ایستاده‌اند و یک اسب سواری که لباس اشکانی بر تن دارد همراه آنها است. این سوار به شیری حمله کرده و در بالای سر او کتیبه‌ای به خط پهلوی اشکانی خوانده میشود. در ردیف پایین مردی با شیری در جنگ است. در طرف شمال غربی این تخته سنگ یک نفر روحانی در کنار آتشدانی ایستاده و آتشدان روی سکوی سه طبقه‌ای قرار دارد (لوحة ۸۸ - ب). روی طبقه زیرین این سکو کتیبه‌ای به خط پهلوی اشکانی است. روی نمای شمالی آن نیز مجلسی در دو طبقه نمایانده شده. در طبقه بالا (لوحة ۸۸ - الف)، مردی روی تشکی خوابیده و تاجی در دست راست دارد و دست چپ خود را روی متکایی قرار داده. در سمت چپ این شخص سه سرباز نیزه و زوبین بر دست دارند و در بالای آنها سه خط به زبان پهلوی اشکانی نوشته شده. در طبقه زیرین نیز شبیه سه نفر نمایان است، که کمی پاك شده است.

ج - به فاصله کمی در طرف شمال این تخته سنگ نقش برجسته دیگری است که روی نمای جنوبی آن یک اسب سوار نشان داده شده (لوحة ۸۹ - ب).

د - وقتی وارد دره میشویم، در حدود ۱۶۰۰ متر دورتر، تخته سنگی دیده میشود که از کوه بیرون آمده و روی آن مجالس مذهبی - مانند اشخاصی در کنار آتشدان - نقش شده است.

هیچیک از این نقوش برجستگی زیاد ندارند و سبک کارشان تا اندازه‌ای بدوی و خالی از مهارت است. میان این نقوش که از روی مهارت و استادی ساخته نشده و بعلمت عدم توانایی تمام اشخاص را از جلو نشان داده‌اند و مهارتی که در نقش مجالس زمان هخامنشی و ساسانی بکار برده میشد، اختلاف زیاد است. مطالعه کتیبه‌ها و نقوش، ما را وادار میکند تمام آنها را به اواخر دوران اشکانی نسبت دهیم.

آقای استین از «تنگ سروك» راهی را در پیش گرفت که آقای «دوبود»^۱ در ۱۸۴۱ در پیش گرفته بود. وی پس از عبور از کوه‌های بختیاری به «مال‌امیر» (ایذه) رسید. این ناحیه در فاصله ۱۶۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر شوش قرار دارد و در آن تعداد زیادی از نقوش برجسته دوران ایلامی موجود است. آقای «استین» اولین نقش این ناحیه را در تنگ قلعه‌تول^۲ (ف. ک - ۱۳۶) تشخیص داد. در این نقش دو نفر مقابل یکدیگر ایستاده‌اند و در عقب هریک دو تن دیگر، باقد کوتاه‌تر، دیده میشوند (لوحة ۹ - الف).

برجستگی این نقش بسیار کم است و خوب حفظ نشده است.

در حدود ۲ کیلومتر دورتر، دشت «مال امیر» که امروز آنرا «ایذه» یا «ایذج» مینامند قرار دارد. عرض این دشت شش کیلومتر و طولش ده کیلومتر است. اطراف این دشت را کوههایی دایره‌وار احاطه کرده و در طرف مشرق دره‌های متعددی در میان این کوهها وجود دارد. مهم‌ترین این دره‌ها «کل‌فرا» یا «کول فرعون» میباشد^۱ (ف. ل. ک - ۱۳۷). در این محل لااقل پنج نقش برجسته از زمان ایلامی جدید در دامنه کوه دیده میشود.

الف - نقش اصلی (لوحة ۹-ب) روی یکی از تخته سنگهایی نقش شده که لوحة شمالی جلگه را تشکیل میدهد. این نقش مجلس تشریفات مذهبی مربوط به پادشاه «حانی»^۲ را نشان میدهد. وی در میان نقش قرار گرفته و پشت سر او «شورترورو»^۳ و شخص دیگری که هویتش معلوم نیست، یکی بالای سر دیگری نشان داده شده است. در جلوی مجلس دو نقش دیگر در سنگ کنده شده در نقش بالا نوازندگان و در نقش زیرین قربانی کنندگان دیده میشوند. کتیبه‌ای که روی این نقش و گاهی داخل آن است حاکی از این است که این نقش از زمان پادشاه «شوتروک ناخونتۀ دوم» است (۶۹۹-۷۱۷)^۴.

در مجاورت همین نقش در نقطه‌ای که کوهستان تمام وجلگه شروع میشود چهار نقش برجسته دیگر روی تخته سنگ‌هایی که از کوه جدا شده یا روی دامنه خود کوه کنده شده. این نقوش خیلی خراب شده است. بسیاری از آنها طوری محو شده است که از آنها اثر بسیار کمی باقی است. موضوع این نقوش مجالس مربوط به عبادت یا قربانی برای خدایان است.

ب - یک نقش برجسته روی سنگ جدا شده از کوه مجلسی را نشان میدهد که در میان آن شخص اصلی با قد طبیعی نشان داده شده. مقابل او مجلس قربانی برای خدایان دیده میشود و پشت سر او یک ردیف درباریان ایستاده‌اند. در چهار طرف سنگ دیگری که از کوه جدا شده نقوش برجسته‌ای وجود دارد. روی نمای جنوبی این سنگ تصویر شخصی است که بطرف راست حرکت میکند. چهار نفر دستهایشان را بلند کرده و زانو بر زمین زده‌اند. در جلوی این مجلس دو ردیف نقش برجسته دیده میشود که روی آن هفت نفر بطرف شخص مرکزی در حرکت‌اند. در عقب آن شخص ۶۷ نفر دیده میشوند که بطرف چپ پیش میروند و روی چهار مجلس گنجانیده شده‌اند (لوحة ۹۱-الف). روی نمای غربی این تخته سنگ دنباله همان مجلس ادامه دارد ولی این بار ۹۴ نفر در چهار مجلس گنجانیده شده‌اند. نقش نمای شمالی سنگ ناتمام مانده. قسمتی از آن که انجام گرفته شامل دو مجلس است که در یکی شش نفر و در دیگری سه نفر نشان داده شده‌اند. بعد یک قسمت از سنگ تراشیده مانده و بعد از آن شخصی ایستاده و بطرف چپ نگاه میکند و دستهای

خود را روی سینه‌اش خوابانیده. اشخاصی با قد کوتاه‌تر همراه او هستند. نمای آخری خیلی کوچکتر است و در قسمت زیرین آن سه مرد دیده میشوند که بطرف چپ در حرکتند و در قسمت بالا سه گاو بطرف راست میروند و پس از آن ۳۶ آهوک که بدسته‌های سه تایی نشان داده شده‌اند بهمان سو روانند.

ج - در کناره‌های دره باز چند نقش برجسته روی سنگهای جدا شده از کوه دیده میشود. روی یکی از آن سه نفر ایستاده و روی خود را بطرف راست برگردانده‌اند.

د - نزدیک نقش برجسته‌ای که ذکر آن رفت نقش برجسته دیگری است که آنهم در کنار دره قرار گرفته. در قسمت بالای آن شخصی مقابل میزی نشسته و در پیرامون او اطرافیاننش ایستاده‌اند. در قسمت زیرین چهار مجلس نقش شده و در آن دودسته اشخاص قرارداد داده شده که در حال پرستش‌اند و از دو طرف مختلف در حرکت میباشند بطوری که در مرکز مجلس باهم تلاقی میکنند.

در مقابل «کل فرا» و در کنار کوهی که در کنار جلگه «مال امیر» واقع شده تنگه دیگری است که شکفت سلمان^۱ نام دارد و در آنجا نیز چند نقش برجسته از عهد ایلامی‌ها دیده میشود (ف. ک- ۱۳۸).

این نقوش از نقشهای «کل فرا» بهتر حفظ شده است و مانند همان نقش دسته‌هایی از مردان و زنان را نشان میدهد که در حال عبادت و پرستش میباشند. در کنار بعضی از آنها کتیبه‌هایی نیز هست. برای اینکه حق مطلب را کاملاً ادا کرده باشیم صورت این نقوش را ذیلاً میدهم. در نقش اول ۶ نفر نشان داده شده‌اند که دو نفر آنها مرد و دو بچه و یک زن میباشند. در روی این نقش کتیبه‌ای نیز نقش شده (لوحة ۹۱ - ب سمت راست).

روی نقش دوم سه نفر دیده میشوند یک مرد و یک بچه و یک زن (لوحة ۹۱ - ب سمت چپ). دو نقش دیگر در انتهای همان غار موجود است. یکی از آنها تصویر «حانی» را نشان میدهد که دستهایش را بلند کرده و در کنار او کتیبه‌ای شامل ۳۶ خط وجود دارد. وضع نقش آخرین بسیار بد است و شخصی را نشان میدهد که دستهایش را روی هم گذاشته و کتیبه‌ای روی دامن او نوشته شده.

نقوش «مال امیر» از نظر هنری قابل توجه نیست. بعلاوه نمیتوان برای آنها تاریخ دقیقی معین کرد. شاید متعلق به قرن هشتم پیش از میلاد از زمان پادشاهی «شوتروک ناخونته» دوم^۲ در ایلام باشد.

نقش برجسته دیگری در محل شاه سوار^۳ دیده میشود (ف. ک- ۱۳۹) ولی تاکنون از آن نقش عکس برداشته نشده. این نقش دارای دو مجلس است. در مجلس فوقانی شش نفر نشان داده شده‌اند. نفر اول نشسته و بطرف راست خم شده است و یک دست خود را به طرف جلو بلند کرده. نفر دوم نیز دست خود را بلند کرده ولی چهار نفر بعد دست بسینه‌اند. مجلس زیرین را صاف کرده‌اند که روی آن کتیبه‌ای بنویسند.

در فاصله چند کیلومتر در شمال غرب «کل فرا» در دهکده «هونگ نوروژی»^۱ (ف. ک. ۱۹۰) تخته سنگ بزرگ مجزائی وجود دارد که در روی آن پادشاهی را که احتمالاً شاپور اول است در حال ایستاده واز جلو تراشیده اند. در طرف راست پادشاه سه نفر درباری و در طرف چپ او یک اسب سوار دیده میشود. در عقب او آثاری از نقش شخص دیگری پیداست و در طرف بالا موجود بالدار در حال پرواز است.

ناحیه «مال امیر» همان ایالت «الیمائید» قدیم است^۲ و احتمالاً در زمان حکومت ایلامیها مرکز مهمی بوده است. در این ناحیه نقوش برجسته متعدد روی سنگ همراه با کتیبه ها وجود دارد که از اواسط هزاره دوم پیش از میلاد است. علاوه بر این در همین ناحیه کتیبه هایی دیده میشود که مربوط به امور اقتصادی است و بزبان اکدی نوشته شده (ف. ک. ۱۴۰۱). از این دره سابقاً کاروانهای اصفهان به شوش عبور میکردند و از شهرهای شوشتر و مال امیر میگذشته اند. وجود چنین راهی علت این مطلب را روشن میسازد که چگونه مسافران قرون گذشته مانند لایارد^۳ در سال ۴۲-۱۸۴۰ توانسته اند این آثار را مشاهده کنند و حال اینکه راه اتومبیل رو میان این دو شهر امروز از نقاط دیگری عبور مینماید. در واقع راه جدید دیگر از «مال امیر» نمیگذرد ولی خط واقع میان دزفول و خرم آباد و بروجرد را طی میکند. کار بسیار مفیدی است که این ناحیه دقیقاً تحت مطالعه قرار گیرد و آثاری که در آن واقع است معرفی گردد.

در ناحیه «مال امیر» آثار پیش از تاریخی نیز مشاهده میگردد. آقای استین روی تپه ای که در فاصله ۱۶۰ متر در جنوب شرقی دهکده «مال امیر» قرار دارد گمانه هایی زد و سفالهای دوران کالکولیتیک^۴ از نوع سفالهای تپه موسیان و تل بکون (ف. ک. ۱۴۲) بدست آورده است. در نقطه ای موسوم به «تل باو محمد»^۵ نیز سفال شبیه به طبقه پنجم تپه گیان بدست آمده است.

آقای «استین» در ضمن اقامت خود در «مال امیر» مجسمه ها و اشیاء دیگر برنزی و مجسمه های کوچک مرمری را که دهاتیها در محلی موسوم به «شمی» پیدا کرده بودند (ف. ک. ۱۴۴) دیده. «شمی» در فاصله ۵ کیلومتر در شمال «مال امیر» است. مهمترین این مجسمه ها (لوحة ۹۳-الف) ۱/۹۴ متر ارتفاع دارد و از برنز ساخته شده. بازوی آن مفقود شده و سر و بدنش هر کدام جدا گانه ساخته شده اند. سر مجسمه (لوحة ۹۳) رنگی نزدیک به سیاه دارد و جدا گانه در قالب ریخته شده و بعداً با قلم فلزی صاف شده سپس سر مزبور روی بدن مجسمه قرار داده شده است. بدن مجسمه ابتدا با چوب ساخته شده و بعداً روی آن خمیری اضافه شده و سپس روی خمیر کننده کاری شده است. امروز یک خمیر سبز رنگ روی ورقه های مس را که روی سطح بدن مجسمه بوسیله میخ های کوچک الصاق شده میپوشاند. مجموع خصوصیات این مجسمه و لباس آن کاملاً اشکانی است. نگاه آن بیحرکت است و موهایش پر پشت است و نوار پهنی روی

۱-Hung Naurūzi

۲-Elymaïde

۳-A. H. Layard

۴-Chalcolithique

۵-Tall-Bāva Muhammad

آن بسته شده. سبیل و ریش او کاملاً اشکانی است و شلوارش چین دار است. آقای «استین» علاوه بر اینها مجسمه برنزی دیگری را که در این ناحیه کشف شده بوده مطالعه نموده است. این مجسمه دامنیه به سبک یونانی و شلوازی به سبک پارتها بر تن دارد (لوحه ۲-۹ ب). بالاخره آقای «استین» اشیاء متعدد دیگری را که از زیر خاک بیرون آمده بود نشان دادند. از آن قبیل است دو قطعه از سر مجسمه برنزی و بازوها و دستهای برنزی. باین اشیاء باید دو شیئی از جنس برمر نیز اضافه کرد. یک «رمرمر» از یک شاهزاده با تاجی به سبک اشکانی (لوحه ۴-۹ الف-ب) و یک سر کوچک به سبک یونانی. شیئی اخیر شبیه به سر مرمری ربه النوع «آفرودیت» است که در تل ضحاک (در ناحیه فارس) پیدا شده و قبلاً بآن اشاره شده است.

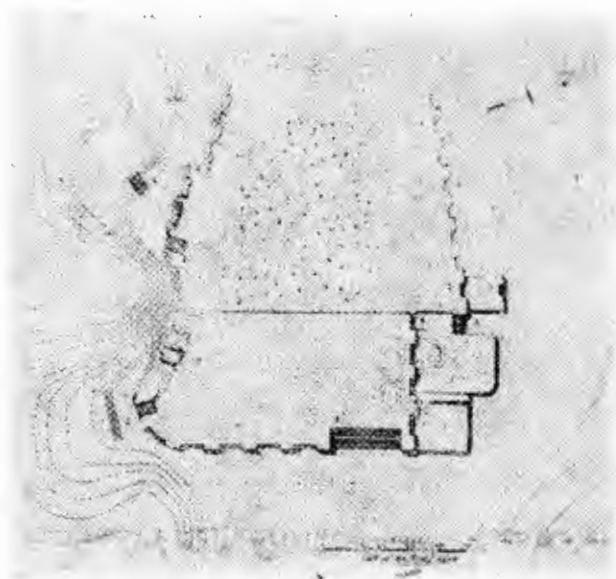
آقای «استین» پس از مشاهده این اشیاء در نقاطی که اشیاء مزبور از آن بدست آمده بود شروع بکاوش کرد. در نتیجه این کاوش پی ریزیهای معبد مستطیل شکلی ظاهر شد (۲۳ × ۱۴ متر) که در نتیجه آتش سوزی و غارت خراب شده بود. در میان معبد قربانگاهی بود که با آجر ساخته شده بود. وجود دوازده پایه سنگی نشان میداد که ۱۲ مجسمه روی آن سابقاً قرار داشته است.

در ضمن این کاوشها مقدار زیادی باقی مانده های مجسمه های برنزی کوچک و یک سر مجسمه برنزی شکسته که به «آنتیوکوس چهارم» نسبت داده شده (لوحه ۴-۹ ج) و بازوها و دستهایی باقی مانده از مجسمه های برنزی و شمعدانهای برنزی و شمشیرها بدست آمده است (ف. ک- ۱۵۰). در قبر یک زن قطعاتی از صدف که روی آن نقوشی کنده شده پیدا شد (۴-۹ د)، که بدون شک جزئی از تزیینات یک جعبه کوچک بوده است. روی این قطعات صدف دو کمان دار و دو اسب سوار نشان داده شده است (ف. ک- ۱۴۶). تمام این اشیاء مکشوف در «شمی» متعلق به زمان اشکانیان بود و بطور دقیق تر در حدود قرن دوم یا اول پیش از میلاد ساخته شده بود (ف. ک- ۱۴۷). در مشرق معبد که در پای تپه ای سنگی قرار داشت آثار دیوارهای ضخیمی بدست آمد که با سنگ ساخته شده بود و احتمالاً دیوارهای سکوی بزرگی بود و در نزدیکی همان دیوارها در جهت دهکده «ایذه» آثار تعداد زیادی از قبرهای زمان اشکانی که غارت شده بود ظاهر گردید.

آقای «استین» از «شمی» بطرف «مسجد سلیمان» رفت (ف. ک- ۱۴۸). مسجد سلیمان در فاصله ۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر شوشتر قرار دارد.

در سالهای اخیر چند نفر از باستان شناسان مانند «اونوالا»^۱ و «سیرو»^۲ و گدار^۳ و اردمان^۴ و «استین» و هرتسفلد و بالاخره آقای گیرشمن ویرانه های این ناحیه را تحت مطالعه قرار داده اند. در این محل آثار سکوی بزرگی دیده میشود که در دامنه کوه ساخته شده (لوحه ۵-۹ الف و شکل ۱۰)، یا به عبارت

دیگری چند سکو طبقه به طبقه روی هم ساخته شده و هر طبقه به سکوی بالاتر بوسیله پلکانی متصل میگردد. این سکوها با قطعه سنگ های بزرگ نتراشیده برپا گردیده است. پلکان اصلی سکو در طرق مشرق قرار گرفته و در قسمت جنوبی آن آثار سه ایوان دیده میشود. آقایان « اردمان » و « گدار » و « هرتسفلد » تصور کرده اند که این سکو مربوط به آتشگاهی است ولی آقای گیرشمن تصور میکند قلعه بسیار مستحکمی بر روی این سکو ساخته شده بوده است. در این صورت این کهن ترین قلعه قبایل پارس بوده و از قلعه های مستحکم پاسارگاد و تخت جمشید هم قدیمی تر بوده است.



شکل ۱۰

در حدود ۲ کیلومتر در شمال شرق «مسجد سلیمان» در محلی موسوم به «برد نشانده» (ف. ک. - ۱۴۹) ویرانه های سکویی شبیه به سکوی فوق دیده میشود و در مجاورت آن آثاری از ستونهای سنگی مربوط به سه ایوان موجود است. در «برد نشانده» نیز یک سر مجسمه از زمان اشکانیان پیدا شده است. در محلی موسوم به «لالی»^۱ واقع در چهل کیلومتری شمال مسجد سلیمان نیز کتیبه هایی به خط سومری و متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد بدست آمده است (ف. ک. - ۱۵۰).

در سال ۱۹۴۹ آقای گیرشمن در «تنگ پیدا» غاری مربوط بزمان پیش از تاریخ کشف نمود (ف. ک. - ۱۵۱). این تنگ در شمال شرقی شهر شوشتر در کوههای بختیاری قرار دارد. در این ناحیه گمانه هایی زده اند تا آنجا که بزمین بکر رسیده اند. عمق گمانه ها به ۳/۵ متر رسید. در این محل سه طبقه متمایز تشخیص داده شده و در این طبقات اشیاء متعدد از سنگ و استخوان و تعداد زیادی قطعات سفال بدست آورده اند.

این غار از زمان نئولی تیک (سنگ جدید) تشخیص داده شده و تمدن آن همزمان با تمدن طبقه اول سیلک می باشد.

در دره شمبار^۱ بین دزفول و اصفهان در مغرب دهکده بذوفت^۲، نقش برجسته ای روی سنگ موجود است که خیلی خراب شده و آثار خطی روی آن دیده میشود (ف. ک - ۱۵۲). این نقش برجسته از زمان اشکانیان است و روی آن نقش یک ردیف ۱۲ نفری کنده شده، که مطابق اصل قرینه سازی ترتیب داده شده است.

در ناحیه واقع بین دزفول و شوشتر و اهواز آثار زیادی ازدوران ساسانی دیده میشود. در دزفول پلی وجود دارد که در زمان شاپور در تاریخ ۲۶۰ بعد از میلاد بوسیله اسرای رومی که در جنگ اِدس^۳ بدست سربازان ایرانی افتاده بودند ساخته شده (ف. ک - ۱۵۳). طول این پل ۴۰۰ متر است و ۲۲ دهانه دارد. پایه های آن از سنگ است که در زمان ساسانیان ساخته شده ولی دهانه ها و کف پل در زمان های جدید ترمیم شده است. شاپور پس از پیروزی بر «الارین» چندین شهر بنا نمود و در آن اسرای رومی را مستقر ساخت. این شهرها معمولاً طبق طرح اردوهای رومی ساخته شده است. یکی از آنها که «جندی شاپور» نام دارد، نزدیک شهر شاه آباد، در فاصله ده کیلومتری جنوب دزفول واقع است و دارای طرح مستطیل شکل است.

در ناحیه شوشتر چندین بند روی رود کارون بوسیله اسرای رومی (ف. ک - ۱۵۳ - الف) ساخته شده. مهمترین این بندها که بصورت پلی نیز هست در محل خروج شهر است. طول آن ۵۰۰ متر است و ۲۸ دهانه در ساحل چپ رودخانه و هفت دهانه در سمت راست آن دارد. این بند با سنگهای تراشیده ساخته شده که با ملاتی بهم متصل بوده اند. کف رودخانه را با تخته سنگهای بزرگ فرش کرده و آنها را با چفت هایی بهم پیوسته بودند تا جریان آب نتواند زیر آنها خالی کند. دو بند دیگر در همان حوالی دیده میشود که آنها هم از عهد ساسانیان است. یکی از آنها بند گرگر^۴ نام دارد و در مدخل شهر است و دیگری «بند میان» یا بند محمدعلی میرزاست که کمی دورتر است. بند آخری بارها تعمیر شده.

بند دیگری بصورت پل روی رودخانه کرخه، در عهد ساسانیان، در محل پای پل^۵ ساخته شده (ف. ک - ۱۵۴). در کف رودخانه آثار هفت پایه دیده میشود که پی های آن با سنگ ساخته شده و از عهد ساسانی است ولی قسمتهای بالای آن جدیدتر است.

در حدود ده کیلومتری شمال این پل خرابه های ایوان کرخه نظر را جلب میکند. ایوان کرخه شهری است که شاپور دوم بنا کرده (ف. ک - ۱۵۵). در پاییز سال ۱۹۵۰ آقای گیرشمن در این محل کاوش بعمل آورد (ف. ک - ۱۵۶).

این شهر مستحکم که بصورت مستطیل ساخته شده، به عرض یک کیلومتر و طول ۴ کیلومتر میباشد و سابقاً حصار محکمی از خشت خام آنرا محصور میکرد. در «محل شاه» یک کاخ بزرگ و باغهای متعدد وجود داشته. آقای «دیولافوآ» دو دیوار آنرا پابرجا دیده بود ولی اکنون فقط یکی از آن دیوارها باقی است و دیوار دیگر خراب شده. در کاخ نامبرده دو دالان بطول ۳ متر کشف شده که از طرفین تالاری که هنوز زیر خاک است میگذاشته. کاوشهای دیگری در مقابل دروازه جنوبی بعمل آمده و تالاری که سه طرف آن ایوان داشته و قسمت مرکزی آن بطول ۱۲ متر و عرض ۸ متر بوده کشف گردیده است. روی دیوارهای این بنامجالس نقاشی شده‌ای دیده میشود.

پیش از اینکه مطالعه کاوشهای هیئت کاوش کننده فرانسوی در چغا زنبیل و شوش را شروع کنیم باید از تفحصات آقای «ماک کاون»^۱ در خوزستان، که بخرج مؤسسه شرقی شیکاگو در سال ۱۹۴۸ انجام گرفت، یادی بکنیم (ف. ک - ۱۵۷).

آقای ماک کاون جلگه‌های واقع میان کارون در مغرب و رشته کوه‌های بختیاری در مشرق و خلیج فارس در جنوب را تحت مطالعه قرارداد. وی از شهر اهواز تا خلیج فارس هیچ اثری متعلق به عهد پیش از اشکانی بدست نیاورد ولی در دره «رام هرمز»، در ناحیه بهبهان، و در اطراف بندر دیلم، آثار متعددی پیدا کرد که متعلق به عهدهای مختلف از دوران پیش از تاریخ تا دوران اسلامی بود. وی در شمال غرب «رام هرمز» گمانه‌هایی در روی سه تپه از پنج تپه‌ای که تل غزیر^۲ را تشکیل میدهد بعمل آورد. روی بزرگترین تپه‌های این محل طبقه‌ای از دوران اسلامی کشف شد و ویرانه‌های یک قلعه ایلانی متعلق به هزاره دوم پیش از میلاد ظاهر گشت. زیر این طبقه آثار دوران پیش از ایلانی^۳ مرکب از الواح و سفال دیده شد. یک طبقه ده متری متعلق به دوران پیش از تاریخ این طبقه را از زمین بکر جدا میکرد. روی تپه دیگری، در زیر طبقه اسلامی، قبرهای متعلق به هزاره اول پیش از میلاد ظاهر گشت و در تپه سوم طبقات بالا شامل آثار متعلق به هزاره دوم پیش از میلاد بود.

بین شوشتر و شوش در فاصله ۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر اخیر محل چغازنبیل، ویرانه‌هایی از یک شهر ایلانی متعلق به دوران «دوراونتاش»^۴ قرار داشته که در قرن ۱۳ پیش از میلاد بوسیله اونتاش هوبان^۵ یا اونتاش گال^۶ پادشاه ایلام ساخته شده. این شهر در ۶۴۰ پیش از میلاد بفرمان اسور بانپال، در ضمن جنگ با «هومبانالتاش» سوم^۷، آخرین پادشاه ایلانی خراب شد. ویرانه‌های این شهر را چندین باستان‌شناس بازدید کرده‌اند، و آقای «دومکنم»^۸ در سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ در آن گمانه‌هایی زد. تعداد زیادی از آجرهایی که شامل کتیبه‌هایی بخط میخی بود در ویرانه‌های مزبور پیدا شد (ف. ک - ۱۵۸).

1 - Mc Cown

2 - Tall-i Ghazir

3 - Proto - élamite

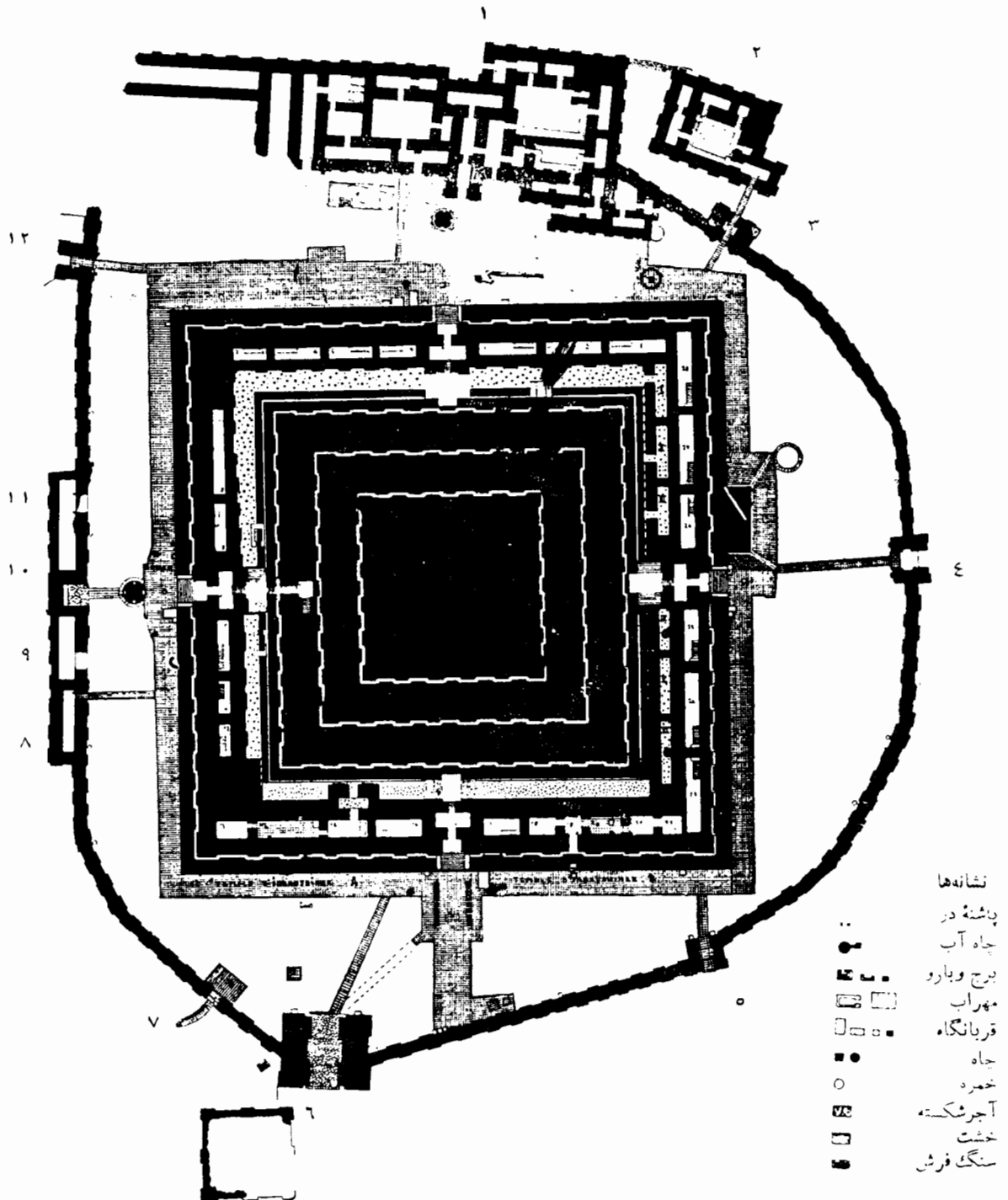
4 - Dur - Untash

5 - Untash - Huban

6 - Untash Gal

7 - Humbanaltash III

8 - R. De Mecquenem

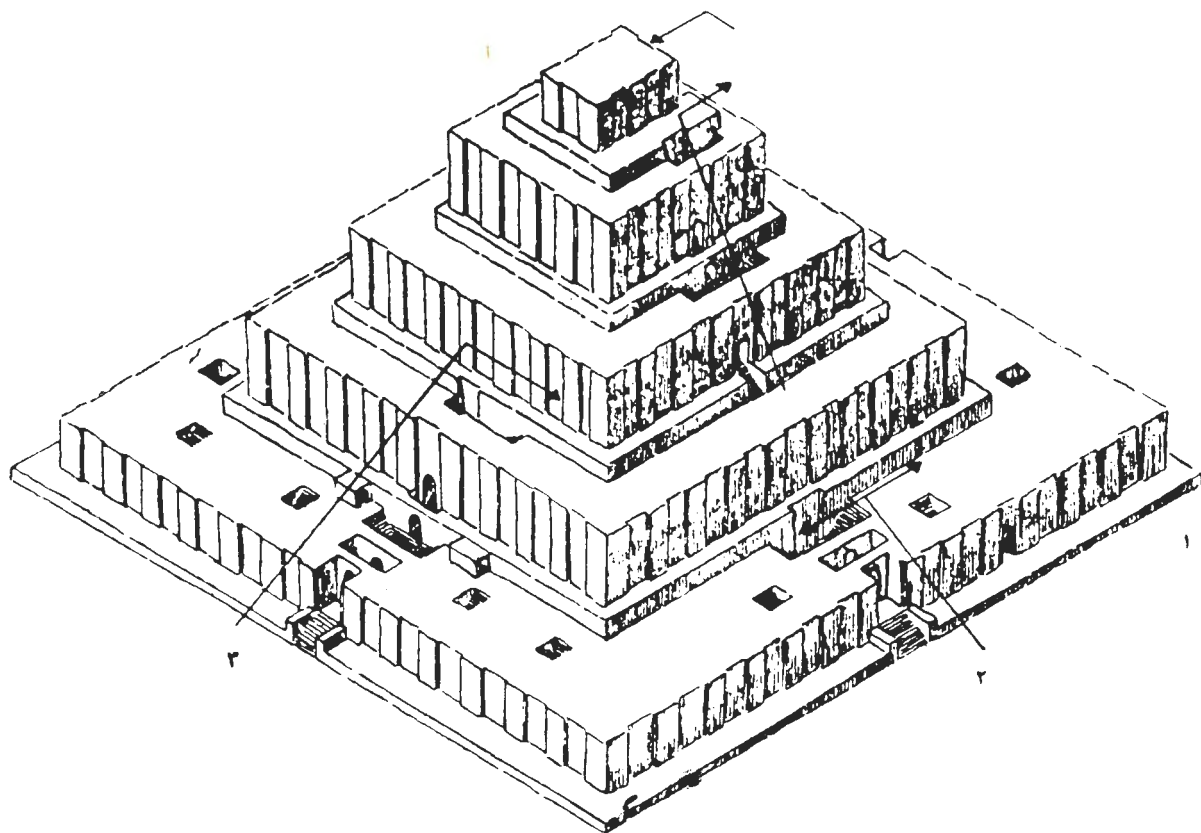


شکل ۱۶

۱ - پرستشگاه «ایشنی گرب» و «کیردیشنا» ۲ - پرستشگاه «هوبان» ۳ - دروازه شمالی ۴ - دروازه شمال شرقی
 ۵ - دروازه شرقی ۶ - دروازه شاهی ۷ - دروازه گردونه رو ۸ - مهراب شماره ۳ ۹ - مهراب شماره ۲
 ۱۰ - مهراب شماره ۱ ۱۱ - مهراب شماره ۴ ۱۲ - دروازه غربی

آقای گیرشمن از سال ۱۹۵۲ با عنوان ریاست هیئت کاوش کنندۀ فرانسوی در شوش مشغول خاک برداری در این شهر قدیم میباشد (ف. ک - ۱۵۹).

شهر قدیم «دوراونتاش» دو حصار داشته یکی حصار خارجی به طول ۱۲۰ متر و عرض ۸۰ متر و دیگر حصار داخلی بطول ۴۰۰ متر و عرض ۲۰۰ متر. قسمت مقدس شهر در داخل حصار داخلی واقع بوده است. در میان قسمت مقدس شهر «زیگورات» یا برج چند طبقه ای برپا شده بود. کشف این «زیگورات»



شکل ۱۷

۱- پرستشگاه «ايشوشيناك» ۲- نمای جنوب شرقی ۳- نمای جنوب غربی

یکی از پدیده های بسیار قابل توجهی است که تا این روز بوقوع پیوسته (شکل ۱۶ و ۱۷). «زیگورات» با آجر ساخته شده و پنج طبقه داشته. بعلاوه روی طبقه پنجم عبادتگاهی قرار داشته است (لوحة ۹۵-ب). در حال حاضر فقط سه طبقه از زیگورات برجا است (لوحة ۹۵-ج)، و ارتفاع این سه طبقه ۲۵ متر است، در حالی که ابتدا ۵۳ متر ارتفاع آن بوده است. معمولاً اینطور تصور میکنند که «زیگورات» عبارت از چند حجم ساختمانی است که روی هم قرار داده اند بطوری که هر قدر بطرف بالا میرویم حجم ها کوچکتر میشود در چغازنبیل این مطلب روشن شد که هریک از این حجم ها روی زمین بکر قرار دارد و مانند قوطی کبریت داخل یکدیگر میشوند و حجم مرکزی که طبقه پنجم را تشکیل میدهد از همه بلندتر است.

طبقه اول یک متر از کف زمین بلندتر است و سه متر عرض دارد. طبقه دوم نیز ۸ متر ارتفاع و ۱۶ متر عرض دارد.

در میان نمای شمال شرقی و شمال غربی این طبقه دروازه‌هایی وجود داشته که بوسیله پله‌هایی بان راه می‌یافتند. در داخل این طبقه اتاق‌هایی وجود داشت که روی آن را بوسیله طاق پوشانده بودند. این طاق‌ها در طول نماهای شمال غربی و جنوب غربی و جنوب شرقی قرار داشته و عرض آن‌ها ۱/۲ متر و طول آنها بین ۸ تا ۱۰ متر بوده، طاقشان در ارتفاع ۶ متری زده شده بود. این اتاق‌ها بیکدیگر راه نداشته است و فقط بوسیله پلکانی بهر کدام راه می‌یافته‌اند. در بعضی از این اتاق‌ها هدایایی در خمره‌ها و کوزه‌ها قرار داده شده بود. در طرف نمای شمال شرقی «زیگورات» دو ردیف موازی طاق وجود داشته است. اتاق‌هایی که در مرکز «زیگورات» بود شبیه اتاق‌های طرف شمال غربی بود و پلکان‌هایی داشت. در یکی از آنها بمقدار زیاد استوانه‌هایی از گل پخته که باستان شناسان نام «میخ» بر روی آن نهاده‌اند و روی آن کتیبه‌هایی بنام «اونتاش هوبان» بود وجود داشت. روی این استوانه‌ها یا میخ‌های گلی لعاب داده بودند. در اطاق دیگر چندین لوحه از گل پخته لعاب‌دار وجود داشت که قسمت مرکزی آن برآمدگی داشت.

اتاق‌های ردیف دوم یعنی اتاق‌هایی که در طبقه پایین زیگورات قرار داشت فاقد پلکان بود ولی همه آنها به قسمت مرکزی بوسیله دروازه‌های طاق‌داری اتصال پیدا میکرد که چهار متر ارتفاع داشت. آقای گیرشمن تصور میکند که اتاق‌های پله‌دار محل قرار دادن هدایا برای خدایان بوده است؛ و اتاق‌های بدون پله بمنزله آرامگاه‌هایی برای بعضی از خدایان بشمار میرفته است. در این صورت زیگورات مانند اهرام مصر بمنزله آرامگاهی بوده است. در اتاق‌های دیگری از این زیگورات تعداد زیادی لوحه‌های استوانه‌ای شکل یا «میخ»^۱ گلی پیدا شده و نوشته‌های روی آن نشان میدهد که این بنا برای خدای اینشوشنیاک^۲ ساخته شده است.

در طرف شمال شرقی سه ردیف پلکان وجود دارد که بطبقه اول منتهی میگردد و یکی از آنها در میان بنا و دو ردیف دیگر در طرفین آن قرار داشته است. روی سکویی که در بالای دو ردیف اخیر قرار گرفته بود دو پایه پیدا شد و کمی دورتر پیکر دوفرشته بالدار از زیر خاک بیرون آمد که گویا در روی این پایه‌ها قرار داشته است.

در اطراف زیگورات سکویی وجود داشت که با آجر فرش شده بود. در قسمت مقدسی که همین سکو حد فاصل آن با زیگورات بود معابدی وجود داشت. سه عدد از این معابد در طرف شمال غربی زیگورات از

۱- لوحه‌های گلی بصورت استوانه یا مخروط است که روی آن نوشته‌هایی هست و در اصطلاح باستانشناسی به آن «میخ»

۲ - Inshushinak

میگویند (م)

زیر خاک بیرون آمد. یکی از آنها معبد «ایشنی کاراب»^۱ و یکی معبد «هوبان»^۲ و دیگری معبد الهه «کریریشا»^۳ بود. هر کدام از این سه معبد چند حیاط و چند عبادتگاه و انبارها و اطاق های متعدد داشته است.

دیوار این معابد از خشت خام ولی طبقات پایین دیوار از آجر بود و روی آن آجرها نوشته هایی به خط میخی وجود داشت. دیوارهای مزبور در حال حاضر ۳/۵ متر ارتفاع دارد. در اطاق مرکزی معبد ایشنی کاراب یک قربانگاه و یک کاشی لعاب دار که مرکز آن برآمدگی دارد و روی آن نوشته هایی از «اونتاش هوبان» است وجود داشت. در این نوشته «اونتاش هوبان» از خدایان «ایشنی کاراب» و «اینشوشنیاک» تقاضاهایی نموده است.

در اطاق مرکزی معبد الهه «کریریشا» اشیاء قابل توجهی پیدا شد. در زیر این اشیاء تعداد زیادی گرزهایی از مرمر یا سنگ آهکی ویا از برنز که روی عده ای از آنها نام «اونتاش هوبان» نوشته شده بود و تعدادی اشیاء برنزی مانند تبر و خنجر و چاقو و داس و پیگان و مجسمه های کوچک حیوانات و ظروف، و مهرهای استوانه ای کشف شد. قابل توجه تر از همه آنها یک لوح برنزی است، که روی آن دونفر بصورت برجسته نقش شده و نیز یک تبر برنزی دسته دار است که تیغه آن از میان دهان شیری بیرون آمده و روی دسته آن یک گوزن خوابیده نقش شده است.

یکی از میدانهای معروف کاوش در ایران بدون شک محل قدیمی شهر شوش میباشد. این شهر ایلامی در حدود ۶۴ تا ۶۵ پیش از میلاد در زمان «آسوربانیپال» خراب شده و در عهد هخامنشیان پایتخت زمستانی شاهنشاهان ایران بوده است. اسکندر این شهر را گرفت و بعدها در زمان ساسانیان هم شوش شهری یافت (خصوصاً در عهد پادشاهی اردشیر اول و شاپور اول) ولی شاپور دوم آنرا خراب کرد و کمی بعد مجدداً آباد شد اما هیچوقت باعتبار خودنرسید و بزودی روبزوال رفت. تا اواسط قرن اخیر این شهر معروف قدیم پیش از تپه هایی که در میان آن بوته های خار روییده بود چیز دیگری نبود.

مسافران متعدد مانند «کینر»^۴ در ۱۸۰۸-۱۸۱۰ و کرپرتر^۵ در ۱۸۲۰-۱۸۱۸ و راولینسن^۶ در ۱۸۳۶ ویرانه های این شهر را دیده اند.

اولین کسی که گمانه هایی در شوش زد «لفتوس»^۷ نام داشت (۱۸۵۳ - ۱۸۵۲ - ۱۸۵۱) (ص. ۱۶۰)، ولی کاوشهای اصلی در سال ۱۸۸۴ شروع شد و تا امروز ادامه دارد. فقط وقفه های کوچکی در این میان رخ داده است که اولین آنها به علت وقوع جنگ اول جهانی بوده. مدیریت کاوشهای باستانشناسی

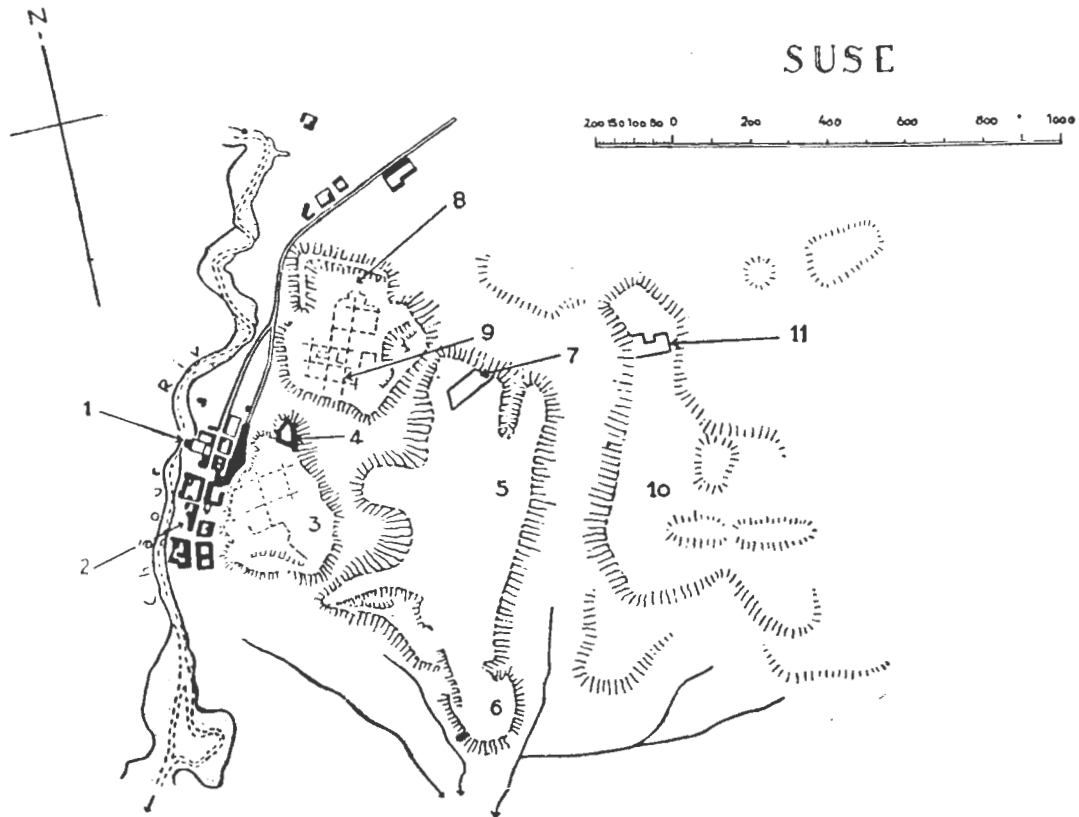
۱ - Ishniqarab ۲ - Huban ۳ - Kiririsha ۴ - J. M. Kinner ۵ - R. Ker Porter

۶ - H. Rawlinson ۷ - W. K. Loftus

فرانسوی متناوباً به آقای «دیولافوآ» (۱۸۸۴-۱۸۹۶) (ف. ک - ۱۶۱) و «دسرگان» (۱۸۹۷-۱۸۱۲) (ف. ک - ۱۶۲) و «دومکنم» (۱۹۱۲-۱۹۳۹) (ف. ک - ۱۶۳) و از ۱۹۴۶ به بعد به پروفیسور گیرشمن (ف. ک - ۱۷۲) واگذار شده است.

ویرانه‌های شوش روی چهار تپه بزرگ پخش شده (شکل ۱۸).

الف - تپه قدیمی در شهر پادشاهی در ابتدا بوسیله ایلانیها ساخته شده. بیشتر آثار مهم شوش



شکل ۱۸

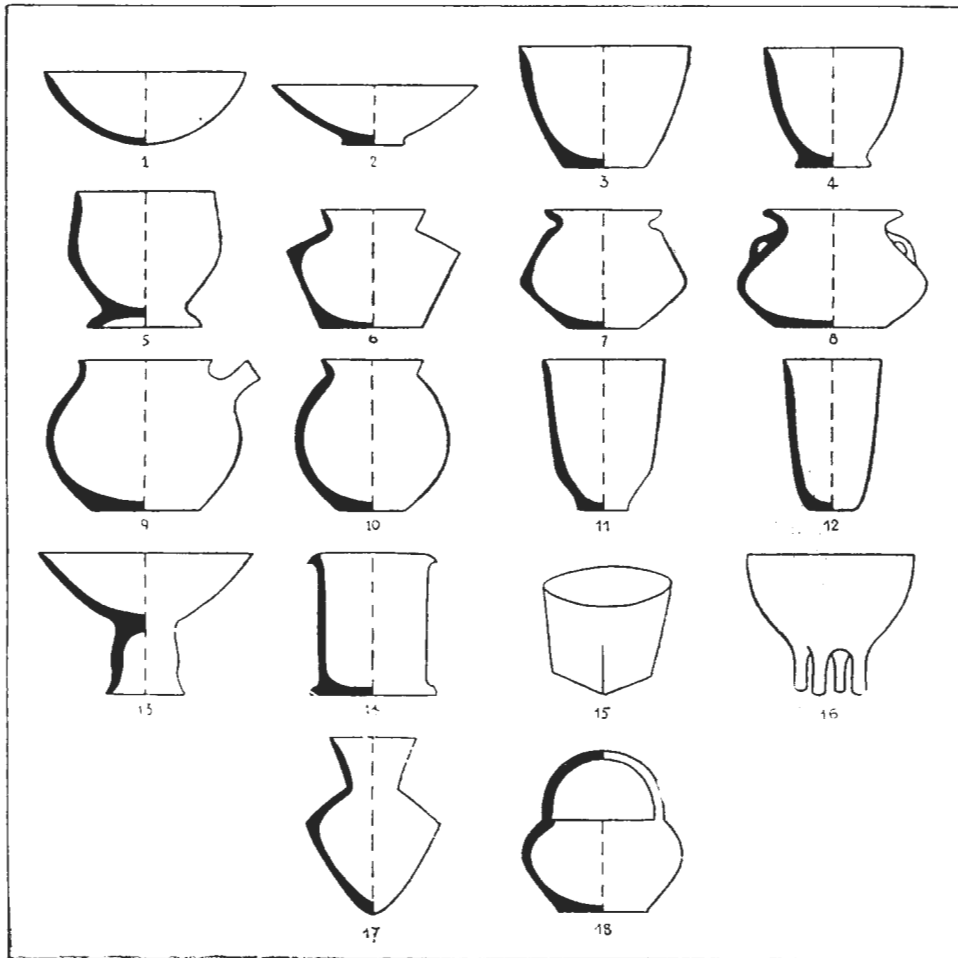
- ۱- آرامگاه دانیال پیغمبر
- ۲- دهکده شوش
- ۳- تپه قدیمی
- ۴- ساختمان هیئت علمی
- ۵- شهر شاهی
- ۶- برج
- ۷- کارگاه حفاری علمی
- ۸- تالار ابدانه
- ۹- ویرانه‌های کاخ‌های داریوش و اردشیر دراز دست
- ۱۰- شهر پیشه‌وران
- ۱۱- کارگاه حفاری گورستان

در روی این تپه پیدا شده است. این تپه تا کف زمین سی متر ارتفاع دارد. خاک برداری و کاوش تا طبقات پیش از تاریخ ادامه یافته و در ضمن آن به طبقات اسلامی و ساسانی و اشکانی و سلوکی و هخامنشی و ایلامی جدید و «پیش از ایلامی» برخورد کرده‌اند. در بالای تپه در اوایل این قرن قلعه‌ای بوسیله هیئت کاوش کنندگان برپا شد تا اشیائی که در ضمن کاوش پیدا شده در آن حفظ شود.

ب - تل « آپادانا » یا « ایدانه » ، در شمال - سابقاً در روی این تپه کاخ داریوش اول و تالار آپادانا برپا بوده.

ج - شهر پادشاهی ، در مشرق - در قدیم محل اقامت درباریان و کارمندان دولت بوده.

د - شهر صنعتگران کمی دورتر به طرف مشرق - تا پیش از ۱۹۶۶ هرگز دقیقاً در آن کاوش بعمل نیامده بود.



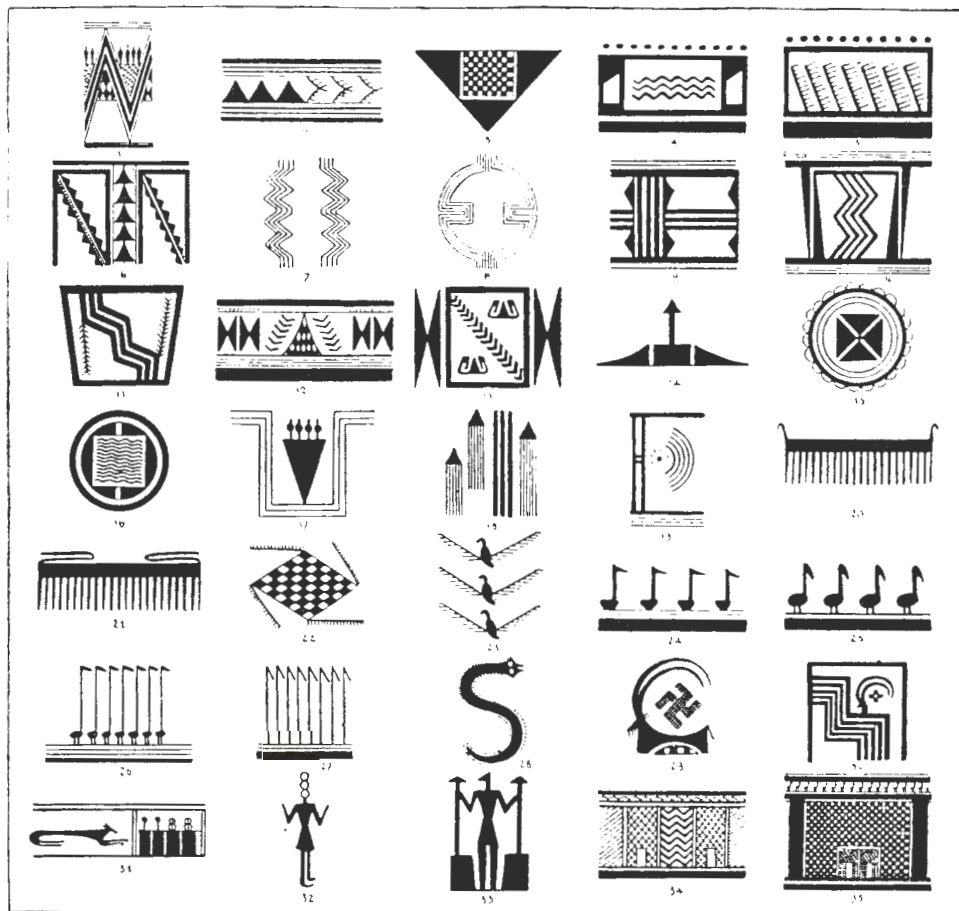
شکل ۱۹

قصده ما این نیست که در اینجا گزارش « موسم »^۱ های متعدد کاوش در این محل را بدهیم (ف. ک - ۱۶۴). ما فقط باین اکتفا خواهیم کرد که خلاصه‌ای از نتایج مهمی که کاوشهای علمی، پیش از

۱ - کاوش کنندگان عادت دارند هر سال در فصل یا موسم مناسبی در محلی بکاوش بپردازند و واژه « موسم » در میان آنها مصطلح شده است.

جنگ، بآن رسیده است عرضه داریم. کاوشهای جدیدتر خصوصاً کاوشهای بعد از ۱۹۴۶ کمی دقیق تر شرح داده خواهد شد.

بنظر ما شهر شوش محل تلاقی دو تمدن بزرگ بوده است که یکی دردیگری اثرات زیاد داشته: یکی تمدن جلگه بین النهرین جنوبی و دیگری تمدن فلات ایران. اگر به وضع جغرافیایی شوش توجه کنیم این مطلب خوب روشن میشود. در واقع این شهر در جلگه بین النهرین واقع است ولی دنباله فلات ایران است (ف. ک. ۱۶۵).



شکل ۲۰

قابل توجه ترین اشیائی که در این محل پیدا شده سفالهای شوش است (ف. ک. ۱۶۶). این سفالهای منقوش (لوحة ۹ تا ۹۹ و شکل ۱۹ و ۲۰) خیلی ظریف است و با خاک بسیار نرمی ساخته شده. رنگ آنها خیلی روشن است و در حقیقت سفید مایل بزرده یا سبز میباشد. نقش آنها سیاه یا قهوه‌ای یا بنفش تیره است که مستقیماً روی بدنه ظرف قرار داده شده و گاهی این رنگ بقدری ضخیم است که شبیه به لعاب شده و در نتیجه گذشت زمان ترك خورده و ریخته است. ظروف خوب در کوره پخته شده و بوسیله چرخ دستی ساخته شده است و بدنه آنها بسیار نازک است. معمولاً شکل آنها عبارتست از: جام، که داخل آن منقوش

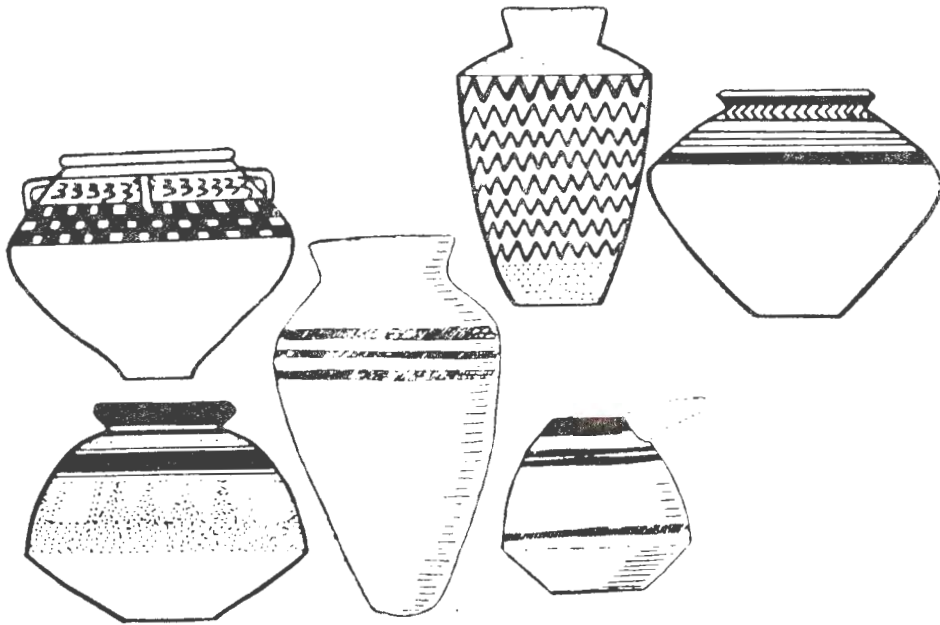
است و پایه دارد یا ندارد ، آبخوری که ته آن پهن است ، ساست خوری ، دیزی ، کوزه های لب پهن و کاسه های آش خوری . نقوش سفال طبقه اول شوش بیشتر بصورت مجالس مجزا از یکدیگر ترتیب داده شده . موضوع نقوش هندسی عبارتست از خطوط شکسته و مثلث ها و صلیب شکسته و خطوط عمودی منتهی به ابرو و نیزه هایی که روی پایه هایی قرار دارد ، شاخه ها ، گل های پنج پر ، حشرات ، لاک پشت ها ، ماهی ها ، مار ها ، لک لک ها ، مرغ های آبی گردن دراز با پا های دراز ، بزهای کوهی ، بز معمولی ، پلنگ ها ، کفتارها و سگ ها . نقش انسان نیز با دقت روی این سفال نشان داده است . اگر سبک نقوش سفالهای این ناحیه را با سفال های تل بکون مقایسه کنیم متوجه میشویم که نقاش در تل بکون بیشتر به خطوط گوشه دار و نوک تیز علاقه نشان داده است ، در حالی که در نقوش طبقه اول شوش خط راست بیشتر طرف توجه بوده است . در نتیجه نقوش تل بکون پیچیده تر از نقوش طبقه اول شوش است . در نقوش سفالهای طبقه اول شوش سادگی و روشنی نقوش حکمفرما است . در ترکیب نقوش در شوش تناسب حجم رعایت شده ، بعلاوه هر عضوی از این نقوش ارزش واقعی خود را در مجموع ترکیب حفظ نموده است و این اصل در نقوش تل بکون رعایت نشده است ، زیرا در آنجا هر عضوی در مجموع ترکیب عناصر محو گردیده است . در « بکون » موضوع های نقاشی بتعداد زیاد در یک محیط محدود گرد آمده است ولی در طبقه اول شوش نقاش با روش منظمی بکار خود پرداخته و سادگی نقوش را کاملاً رعایت کرده و سعی کرده است بین هر نقش با نقش دیگر یک فضای آزاد و بدون نقش ایجاد کند . در هیچ منطقه از ایران نقش حیوان با این مهارت دیده نشده و در نقش انسان نیز همین مهارت بکار برده شده است . با سفال طبقه اول شوش در ایران نقش سفال به اعلا درجه کمال میرسد . تمام سفال هایی که بعد از طبقه اول کشف شده از حیث مهارت هنری از آن پایین تر است . سفال طبقه اول شوش بالای زمین بکر در قشر چهار یا پنج متری پیدا شد . این پیدایی هنگامی صورت گرفت که در روی تپه شوش بین ۱۲۶۰ و ۹۱۰ متر در شمال غرب و ۱۱۲۰ و ۹۱۰ متر در جنوب غرب گمانه میزدند .

طبقه دیگری که بین ۱ تا ۷ متر قرار دارد طبقه مذکور را از طبقه ای که در آن لوحه های « پروتو ایلامی »^۱ پیدا شده جدا میکند . در این طبقه « برزخ » سفال منقوش بسیار کم است (شکل ۲۱) ولی مقدار زیادی سفال بدون نقش در آن پیدا میشود که از ظروف فلزی تقلید شده و شباهت به ظروف « اوروک » در بین النهرین جنوبی دارد . تمدن این طبقه در تپه سیلک در قشر چهارم نیز دیده میشود .

سفال شوش دوم (ف . ک - ۱۶) در طبقه لوحه های « پروتو ایلامی » ، یعنی در قسمت بالای طبقه سوم و در طبقه دوم تپه نیز دیده میشود . بعلاوه همین سال در « شهر پادشاهی » و در قلعه مجاور

۱- لوحه های « پروتو ایلامی » نوشته هایی است که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد در نواحی جنوبی بین النهرین معمول گردیدند .

آن کشف گردیده است. نام شوش دوم در ابتدای این قرن از طرف آقای « پوتیه »^۱ بتمام سفال‌هایی داده شد که خصوصیات سفال اول شوش را نداشتند. بنابر این تحت نام شوش دوم باید تمام سفال‌های منقوش واقع بین طبقه لوحه‌های «پروتو ایلامی» (در حدود . . . ۳۰۰ سال پیش از میلاد) تا زمان «پوزوراین شوشیناک»^۲ را قرار داد. این شخص آخرین پادشاه آوان^۳ (در حدود . . . ۲۲۰ سال پیش از میلاد) بوده است. بنابراین مدت . . . ۷۰۰ سال به سبک شوش دوم سفال ساخته می‌شده است. خیلی طبیعی است که در عرض این مدت طولانی در سبک نقوش این سفال تغییرات زیاد رخ داده باشد. ولی طبقه بندی‌های مختلفی که برای تشخیص آن پیشنهاد شده آن اندازه واضح و مشخص نبوده است که بتوان بوسیله آن این سفال‌ها را طبقه بندی کرد.



شکل ۲۱

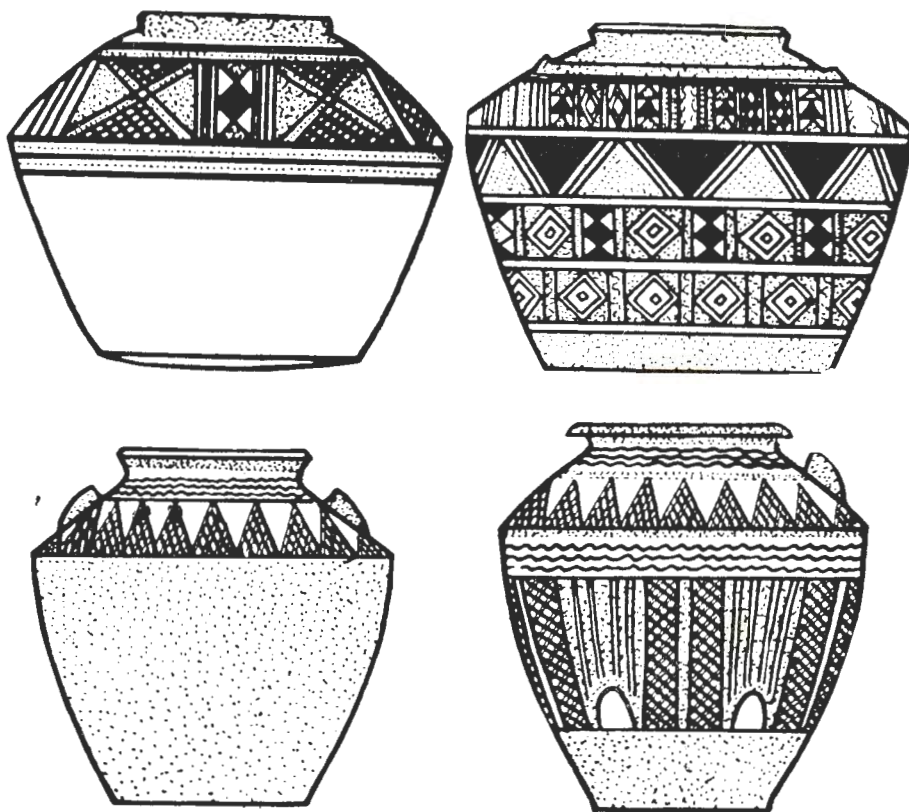
فقط میتوان آنرا با سفال «جمدت نصر» و «خفجه» در بین‌النهرین مقایسه نمود. با اینحال دو دسته متفاوت در این سفال تشخیص داده میشود، یکی سفال منقوش چند رنگ و دیگری سفال منقوش یک رنگ (شکل ۲۲ تا ۲۴). دسته اول با لوحه‌های «پروتو ایلامی» هم‌زمان است و تا دوران سلاطین قدیم ادامه می‌یابد. روی خمیر زرد رنگ این سفال یک نوع بتونه کمرنگی زده شده و سپس ظرف سفالین به کوره برده شده است و پس از خروج از کوره در روی آن نقوش رنگین قرمز و بنفش و نارنجی و سیاه طرح شده و این نقوش خیلی پر دوام نیست. شکل این نوع ظروف به ظرفی که در بین‌النهرین جنوبی می‌ساخته‌اند و خصوصاً به سفال «جمدت نصر» و «خفجه» شباهت دارد. میان سفال دسته اول از دو سبک اخیر کوزه‌های ته پهن و شکم دایره‌ای شکل، با گردن کوچک راست و دهانه عریض زیاد دیده میشود. نقش روی شانه‌های کوزه، یا

1 - E. Pottier

2 - Puzur - Inshushinak

3 - Awan

روی تمام سطح خارجی ظرف ، فقط با نقوش هندسی ترکیب یافته ، مانند خطوط شکسته و مثلث و لوزی و چهار خانه و تمام اینها بوسیله تقسیم بندی‌هایی از یکدیگر جدا شده است (شکل ۲۲ و لوحه ۱۰۰-الف ، ب ، ج). در میان سفال « خفجه » خمره‌های کوچک و ظروف بلند و تخم مرغی شکل ، با شانه‌های برجسته ، دیده میشود. نقوش گاهی روی شانه خمره قرار داده شده و گاهی روی تمام ظرف را پوشانده است و از نقوش هندسی و نقش موجودات ، مانند نباتات و حیوانات (ردیف ماهی ، یا حیوانات شاخ دار و عقاب که بالهای خود را باز کرده یا پرندگان را در منقار دارد) و نقش انسان ترکیب یافته. در روی این نقوش مناظر طبیعی خوب نشان داده شده است ، مثلاً در میان آنها گردونه‌ای دیده میشود که یک گاو به آن بسته

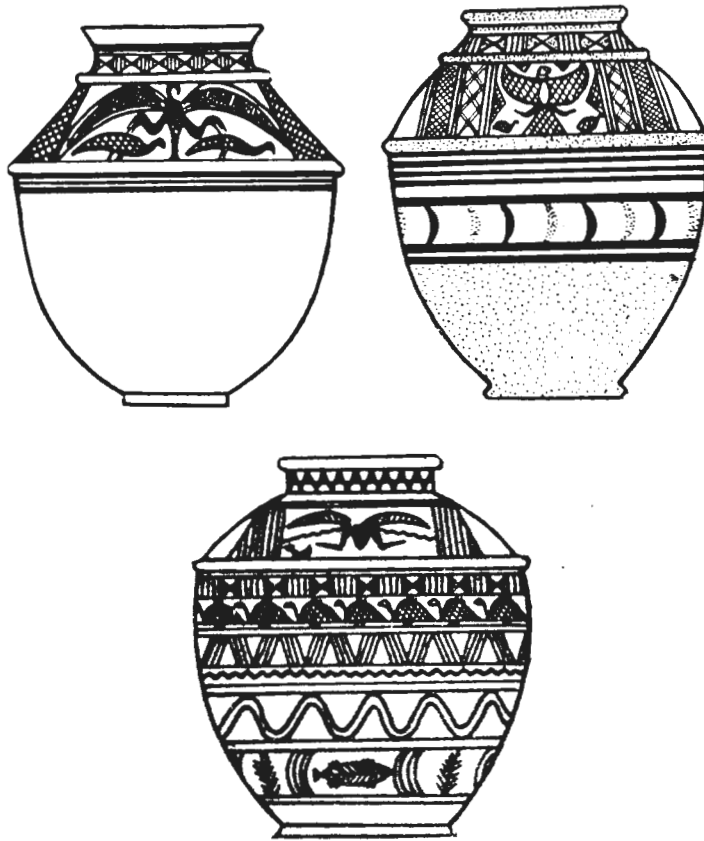


شکل ۲۲

شده و اشخاصی روی برج های چند طبقه بالا رفته اند و گاوی از کنار مردابی عبور میکند و در اطراف آن مرغان آبی در پروازند (شکل ۲۳ و ۲۴). سبک نقوش رنگین تا آخر هزاره دوم پیش از میلاد مرسوم بود و به منزله دنباله سبک شوش اول بحساب میرفت ولی هنر آن بدرجه هنر شوش اول نمیرسد. خمیری که با آن سفال این سبک را ساخته اند ظریف نیست. نقش ظروف سیاه رنگ است و زمینه سفال روشن متمایل به قهوه‌ای یا زرد است. شکل این سفال بیشتر شبیه به خمره های بزرگ یا ظروف شبیه به کوزه‌های دهانه پهن میباشد. موضوع نقوش بیشتر خطوط هندسی است (خطوط منحنی ، موج دار ، شکسته ، دندانه دار ،

مثلث، نیم دایره، لوزی یا چهارخانه، دایره، کشتی و غیره) و گاهی نیز از نباتات، مانند شاخه‌های پر برگ و بوته‌های کوچک یا حیوانات مانند مار، عقرب، ماهی، مرغهای آبی، بزهای کوهی، بزهای خانگی، گاوها و یا از انسان ترکیب یافته. نقوش این سفال در ابتدا خیلی متنوع بوده ولی هر قدر از عمر آنها میگذرد کمتر دقیق میشود (لوحة ۱۰۰ - د، ك).

در کاوشهای شوش چند اثر مربوط به تمدن بین‌النهرین کشف گردیده که پادشاهان شوش آنها را بعنوان غنایم جنگی با خود بشوش آورده‌اند. مهمترین آنان «قانون هامورابی» است که از سنگ سیاه است



شکل ۲۳

و دیگر سنگ «یادگار پیروزی» «نارام سین» و پایه بزرگ سنگی پادشاه «مانیش توسو»^۱ و چند سنگ موسوم به «کودورو»^۲ میباشد که برای تعیین حدود مزارع بکار میرفته است. مهمترین این «کودوروها» متعلق به پادشاهان نازیماروتاش دوم^۳ و کاشتیلیاش سوم^۴ و ادشوموسور^۵ و ملیشپاک دوم^۶ و مردوک آپلایدین اول^۷ میباشد و نیز چند مجسمه سوری متعلق به اشنوناک^۸ در این محل پیدا شده است.

1- Manishtusu

2- Kudurru

3- Cazimaruttash II

4- Kashtiliash III

5- Adad-Shumusur

6- Milishipak II

7- Marduk-Apla-Iddin I

8- Ashnunak

اطلاعات ما راجع به هنر ایلامی، از تاریخ اکتشافات شوش تا حال حاضر، بسیار توسعه یافته (ف. ک - ۱۶۷). این اطلاعات مربوط به موضوع‌های زیرمیشد: «کودورو» از جنس سنگ سفید بنام پوزوروشوشیناک^۱ و مجسمه‌های زن از جنس عاج (لوحة ۱.۱ - ج، د، ه)، مقدار زیادی مجسمه‌های کوچک برنزی و جواهرات که متعلق به پادشاه «شیلهاک این‌شوشیناک»^۲ بوده است (لوحة ۱.۲ - الف) و مجسمه بزرگ برنزی از ملکه «نایپرازو»^۳ زوجه شاه «اونتاش‌هوبان»^۴ (لوحة ۱.۲ - ب) و سنگ یادگار «اونتاش‌هوبان» (لوحة ۱.۲ - ج، د) و نقش برجسته مربوط به «دختر بافنده» (لوحة ۱.۳ - ج) و نقش برجسته «آداهامیتی این‌شوشیناک»^۵ (لوحة ۱.۳ - ب) و هزاران مجسمه بسیار کوچک، مانند عروسک از جنس گل پخته (لوحة ۱.۱ - الف، ب) و مهرهای استوانه‌ای (ف. ک - ۱۶۸) و لوحه‌هایی که شامل نوشته‌هایی به خط میخی و بزبان ایلامی و سومری و اکدی



شکل ۲۴

و هخامنشی است و یک قبر متعلق به عهد هخامنشی که در آن نمونه‌های بسیار زیبایی از جواهرات آن عهد وجود داشته است (لوحة ۱.۴ - الف، ب).

روی تپه «آپادانا» کاخ داریوش اول و یک تالار پذیرایی موسوم به «آپادانا» کشف گردید. زیباترین آثاری که در این تالار پیدا شد ردیف شیرهایی است که روی کاشی لعاب‌دار با رنگ‌های مختلف نقش شده و نظیر ردیف گاوها (لوحة ۱.۴) و نیزه داران معروف است که از همین تالار بدست آمده. در همین تالار سرستونی مرکب از چندین زوج مارپیچ، و قسمت قدامی یک زوج گاونر که زانو بر زمین زده‌اند (لوحة ۱.۵)

۱- Puzur-Shushinak ۲- Shilhak - Inshushinak ۳- Napirasu ۴- Untash-Huban
۵- Adda-Hamiti Inshushinak

پیدا شد که امروز زینت بخش موزه لوور است (ف. ک - ۱۶۹). کشف دیگر مربوط به آتشفشان یا آپادانائی است که در زمان خشایارشا (۴۰۵-۳۵۹ پیش از میلاد) ساخته شده. در تالار «آپادانای شوش» کتیبه‌هایی در روی سنگ مربوط به سنگ اول بنای داریوش اول بدست آمد که روی آن به سه زبان نوشته شده بود (ف. ک - ۱۷۰). از دوران‌های سلوکی و اشکانی نیز چند نقش برجسته در روی سنگ سفید پیدا شد (لوحة ۱۰۷ الف - ب (ف. ک - ۱۷۱)).

قبلاً گفته شد که کاوش در شوش پس از جنگ جهانی دوم ادامه یافت و این بار «دکتر گیرشمن» ریاست آنرا برعهده داشت (ف. ک - ۱۷۲). ما ذیلاً خلاصه‌ای از نتایج این کاوشها را ارائه میدهم:

در سال ۱۹۴۷-۱۹۴۸ تفحصاتی در این محل بعمل آمد. نتیجه این تفحصات به استاد «گیرشمن» نشان داد که در زمان داریوش اول تپه «آکروپل»^۱ و تپه آپادانا و تپه «شهر پادشاهی» در حصار محکمی محصور بوده است. روی تپه آکروپل قلعه مستحکمی از زمان هخامنشی برپا بوده است.

روی تپه «آپادانا» آقایان «دمرگان» و «دمکنم» از سال ۱۹۰۸ تا سال ۱۹۱۳ کاوشهایی بعمل آورده و بقایای کاخ داریوش اول را از زیر خاک بیرون آورده بودند. استاد «گیرشمن» در آنجا از روی تالار تخت جمشید، که از طرف شمال شرقی با کاخ داریوش مرتبط میشد خاک برداری کرد. با اینکه آثار ستونهای این کاخ تعدادشان زیاد نبود ولی باز این امکان را میداد که طرح آنرا روی کاغذ بیاورند.

ولی کاوشهایی که روی «شهر پادشاهی» بعمل آمد نتایج قابل توجه‌تری بدست داد. این محل در مشرق «آپادانا» و «آکروپل» واقع است و سابقاً شهری را تشکیل میداده و درباریان و منصب داران در آن زندگی میکردند. در آخر فصل کاوش ۵۵ - ۱۹۵۴ آثار ۹ شهر بدست آمد که بر روی هم قرار داشت و از حیث قدمت از دوران «بابل جدید» شروع شده و به دوران اسلامی پایان می‌یافت. مساحت محل کاوش ۶۰۰ متر مربع بود. دو طبقه اول از عهد اسلامی و نخستین آنها متعلق به قرن هشتم یا نهم میلادی و دومین آنها شهری از قرن هشتم یا نهم بود. علاوه بر آثار خانه‌ها یا انبارها تعداد زیادی سفال اوایل دوران اسلامی و نقوش برجسته روی گچ از عهد ساسانی و شیشه و سکه و غیره در این طبقات بدست آمده است.

طبقه سوم متعلق به ابتدای تسلط اعراب تا پایان دوران ساسانی است (قرنهای هفتم و هشتم میلادی). سپس به طبقه‌ای به عرض ۵ تا ۸ سانتیمتر برخوردند که در آن هیچ اثری جز خاک پیدا نشد.

طبقه چهارم از عهد ساسانیان بود و آثار خرابی شهر در زمان شاپور دوم (۳۷۹ - ۳۰۹) در آن دیده میشد. ویرانه منازل در این طبقات حاکی از خرابی‌های شدید بود. دیوارها در اطاق‌ها ریخته بود و

در کف اطاق قبر مردگانی در خمره‌ها و در زیر خاک دیده می‌شد. احتمالاً قربانیهای قتل عامی که در آن موقع بوقوع پیوسته، با عجله بوسیلهٔ بازماندگان بخاک سپرده شده‌است. باید اضافه کرد که در ضمن گزارشهای مربوط به شهدای مسیحی^۱ ذکر شده است که شاپور دوم لشگری به شوش فرستاد تا طغیانی را که به تحریک مسیحیان در آن شهر برپا شده بود فرونشاند و شهر شوش باین مناسبت زیر پای. . . سفیل با خاک یکسان شد. وجود مسیحیان در این طبقهٔ چهارم باین طریق نشان داده شده که صلیب‌های نستوری در روی خمره‌هایی که در آن مردگان را بخاک سپرده‌اند دیده می‌شود. بعلاوه نزدیک یکی از اسکلت‌ها یک صلیب نستوری نقره پیدا شده‌است. در میان این طبقه یک ساختمان از خشت پیدا شد. طرح این ساختمان مربع (۱۴ × ۱۴ متر) فقط شامل یک تالار ستون‌دار با دو ردیف ستون بود و در اطراف آن سه راهرو وجود داشت. این تالار سه دروازه داشت. روی دیوارها نقاشی شده بود و قسمتی از آن نقاشی‌ها که بدست آمده منظرهٔ شکاری را نشان می‌دهد. یک سوار کمانی در دست دارد و بسمت یک دسته حیوان نشانه می‌رود. در این طبقه (از قرن ۳ تا ۴ میلادی) تعداد زیادی سفال ساسانی پیدا شده است.

طبقهٔ پنجم از زمان اشکانیان است. در نقاط مختلف این طبقه آثار آتش سوزی دیده می‌شود. تعدادی گلوله‌های سنگی که بوسیلهٔ دستگاه‌های مخصوص محاصره در داخل شهر پرتاب گردیده در خانه‌های این طبقه بدست آمده است. چنین بنظر می‌رسد که شهر در نتیجهٔ یک حمله ویران شده باشد. استاد گیرشمن تصور می‌کند که این شهر در ضمن جنگهای اردشیر بابکان خراب شده باشد. لشگریان اردشیر با سربازان اشکانی و اردوان پنجم در دشت شوش مصاف داده‌اند. در سال ۱۹۴۷ در «شهر پادشاهی» یک نقش برجسته بدست آمد که از جانب اردوان پنجم روی آن مطالبی نوشته شده بود (ف. ک - ۱۷۳). این پادشاه در این نقش تاجی بر سر و لباسی فاخر برتن دارد و بر روی تختی جلوس کرده و پایهٔ تخت روی دو حیوان افسانه‌ای شبیه به شیر قرار گرفته است. ساتراپ شهر شوش مقابل او ایستاده از دست اردوان تاجی را می‌گیرد که در واقع نشانهٔ قدرتی است که باو تفویض می‌گردد. کتیبهٔ پهلوی اشکانی که در روی آن است مورخ به تاریخی معادل ۲۱۱ بعد از میلاد است (لوچهٔ ۴ - ۱-ج). در میان تمام ویرانه‌های این شهر خرابهٔ یک حمام که با معرق کاری مزین شده قابل توجه است.

بعلاوه تعدادی از سفالهای اشکانی از این محل گرد آورده شده که عنقریب اجازه خواهد داد مجموعه‌ای از ظروف اشکانی^۲ ارائه داده شود. با اضافه درهمین محل اشیایی از شیشه و مجسمه‌های کوچکی از گل پخته یا از عاج و اشیایی از برنز و آهن نیز بدست آمده است.

در سالهای ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ استاد گیرشمن در تپهٔ موسوم به «شهر صنعتگران» تفحصاتی بعمل

آورد که تا آن تاریخ سابقه نداشت. در این محل سه طبقه از زیر خاک بیرون آمد که ضخامت هر کدام از آنها یک تا ۲ متر و همه از دوران اسلامی بود. در این طبقه آثار یک مسجد بسیار قدیمی پیدا شد که احتمالاً در ردیف یکی از قدیمترین مساجد ایران قرار دارد. در ویرانه های این مسجد سفال و شیشه فراوان بدست آمد. در طبقه پایین تر گورستانی از دوران اشکانی و سلوکی قرار داشت (از. ۳۰ پیش از میلاد تا ۲۰۰ بعد از میلاد). گورهای مزبور بدو دسته تقسیم میشود، دسته اول شامل قبرهایی است که روی آن طاق زده شده. در این گونه قبرها مردگان را در تابوت هایی از گِل پخته قرار میدادند، ولی اجساد کودکان را معمولاً در خمره ای میگذاشتند.

نوع دوم گورهایی است که بصورت اطاقی است و بوسیله پله ای به آن راه مییابند. برای آراستگاری خانوادگی نیز چندین اطاق اختصاص داده شده بود و تابوت هایی که در این اطاق ها پیدا شده گاهی چندین اسکلت در بر داشت. برای جادادن مردگان جدیدتر استخوان های مرده سابق را در گوشه ای از تابوت جمع میکردند و مرده جدید را در محل خالی شده قرار میدادند. اشیائی که همراه این مردگان قرار داده میشد عبارتست از ظروف گلی معمولی بدون نقش یا لعاب دار، قمقمه، مجسمه های کوچک گلی، چراغ، تزیینات و سکه ها. در آخر فصل کاوش سال ۱۹۴۹-۵۰ کلنگ کاوش کنندگان در قدیمترین قبر های گورستان اشکانی و ساسانی و سلوکی به ویرانه های شهری متعلق به قرن هفتم پ.م. برخورد. در آنجا ساختمانی پیدا شد بطول ۳ متر و عرض ده متر که اطاقهای متعددی در آن وجود داشت و بفاصله شش تا هفت متر از دیوار خارجی آن چاه بزرگی پیدا شد که پنج متر قطر آن بود. در این چاه تا عمق ۹ متر خاک برداری شد، بدون اینکه بتوانند بزمین بکر برسند. ساختمان مذکور در سه دوره متوالی مورد سکونت قرار گرفته بود، در طبقه آخر آن سه لوحه ایلامی پیدا شد و در طبقه بالا یک لوحه بزبان بابلی جدید بدست آمد که متعلق به دوران سلطنت اردشیر دوم بود. در طبقات پایین تر سفالی پیدا شد که شبیه به سفال گورستان (ب) تپه سیلک بود و نیز در همان طبقات یک تنگ زیبا بشکل سر اسب پیدا شد (لوحه ۱۰۷ - ج) که شبیه به تنگ مکشوف در ماکو (آذربایجان) بود. در طبقات بالاتر سفال دوران هخامنشی مکشوف گردید. این ساختمان ها از قرن هفتم پیش از میلاد بود و در زیر گورستان اشکانی و سلوکی قرار داشت و متعلق به یکی از قدیمی ترین شهرهایی بوده که یک قبیله ایرانی در آن محل بوجود آورده و آنرا محل سکونت خود قرار داده بود (ف. ک - ۱۷۴). در ناحیه شوش تپه های متعدد وجود دارد که فقط در عده ای از آنها کاوش بعمل آمده است. آقای اونوالا^۱ در ضمن گمانه هایی که در تپه بولجیه^۲ زد (ف. ک - ۱۷۵) تابوت های گلی که روی آن سرانسان بصورت برجسته نقش شده بود و سفالی از زمان اشکانی بدست آورد و نیز

وی موفق به کشف یک قبرکودک از زمان ساسانیان و سفال‌هایی از طبقه اول تا دوم شوش گردید.

در تپه دویسیه^۱ (ف. ک - ۱۷۶) به فاصله سه کیلومتر در شمال شوش، سفال منقوشی از نوع سفال طبقه اول شوش پیدا شد. هیئت فرانسوی، تحت سرپرستی آقای لوپرتون^۲ در دوفصل در سال ۱۹۳۰ و سال ۱۹۳۴ در تپه جعفرآباد کاوشی نمود (ف. ک - ۱۷۷). این تپه در فاصله ۷ کیلومتری شمال شوش قرار دارد و در آن سفالی از نوع سفال شوش اول در زیر طبقه نازکی از آثار اسلامی تا عمق ۲ متر پیدا شد (شکل ۲. شماره ۳۴ و ۳۵). عمق طبقه زیرین تا ۵/۳ متر میرسد و شامل سفال منقوشی بود که از جهاتی با سفال «تپه موسیان» شباهت داشت. طبقه آخر بین عمق ۵/۳ تا ۶ متر قرار داشت و در آن سفالی شبیه به سفال طبقه الف «تپه گیان» بدست آمد. آقای لوپرتون در همان سالها دو گمانه نیز در روی تپه جووی^۳ زد (ف. ک - ۱۷۸). این تپه در فاصله ۱ کیلومتری شمال شوش قرار دارد و سفالی که از آن بدست آمده شبیه به سفال طبقه دوم جعفرآباد است.

کاوشهای سالهای ۱۹۳۶ و ۱۹۳۸ در تپه «بندبال»^۴ (ف. ک - ۱۷۹) در فاصله یازده کیلومتری شمال شوش و تپه بوهلان^۵ (ف. ک - ۱۸۰) در فاصله یازده کیلومتر در مشرق شوش، سفالی را آشکار ساخت که سبک آن شباهت زیاد به سبک سفال «تل بکون» دارد. بعلاوه در تپه بوهلان سفال دیگری شبیه به سفال طبقه اول شوش و سفال تپه موسیان پیدا شد.

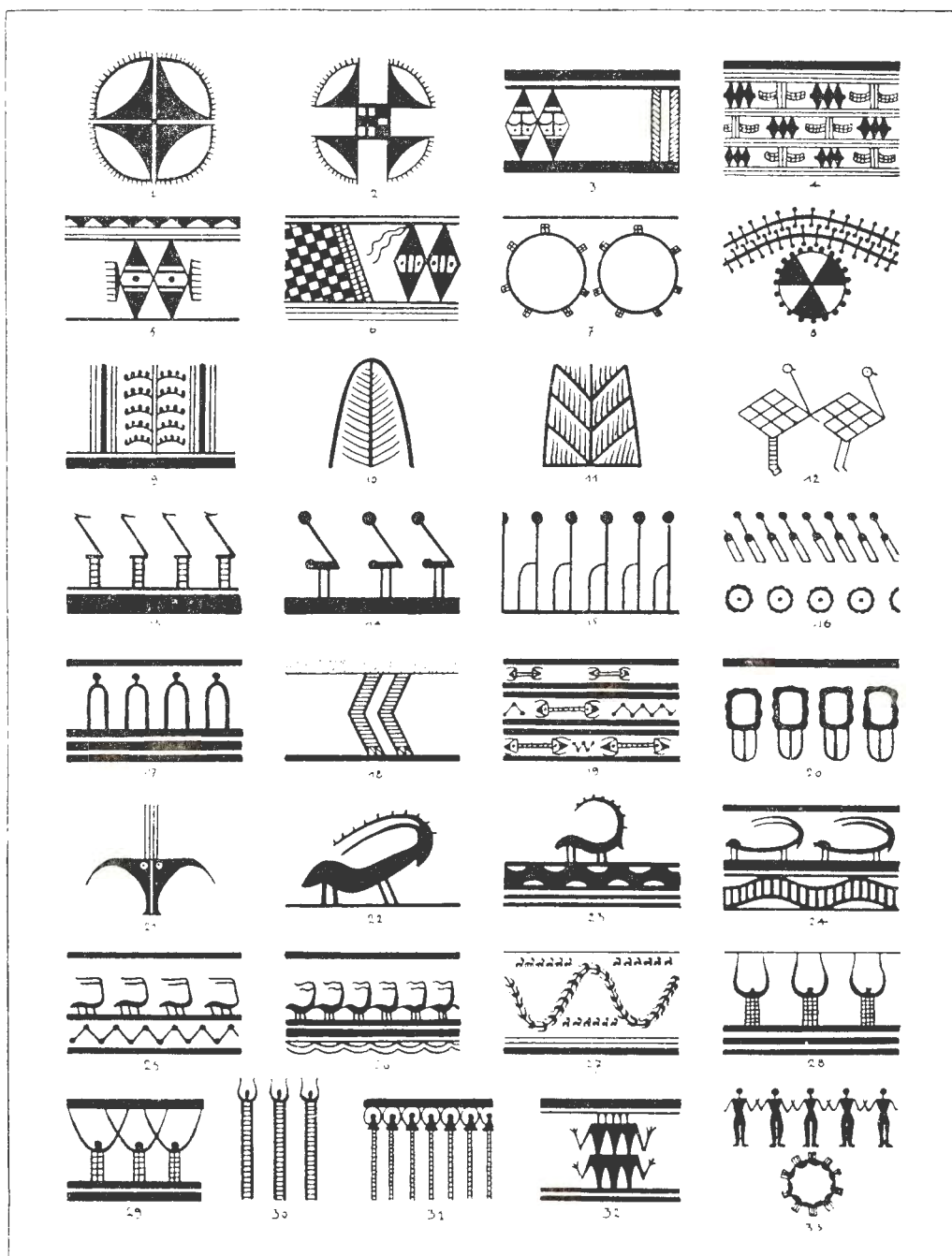
هیئت فرانسوی در سال ۱۹۵۰ مدت دو روز روی تپه «حلوئی ماش»^۶ به کاوش پرداخت و در طبقه بالایی این تپه سفال منقوشی پیدا کرد که شبیه به سفال طبقه اول شوش بود و آثار دیگری که در عمق ۲ متر در زیر این طبقه قرار داشت از دوران پیش از تاریخ بود.

تپه موسیان در حدود ۱۵ کیلومتر در شمال غرب شوش قرار دارد (ف. ک - ۱۸۱). یک هیئت فرانسوی تحت سرپرستی «گوتیه»^۷ و «لامپر»^۸ در زمستان سالهای ۱۹۰۲ و ۱۹۰۳ روی این تپه کاوشهایی بعمل آورد. این تپه در ارتفاع ۱۸ متر در بالای جلگه قرار دارد و تا عمق ۵/۲ متر پایین تر از کف جلگه خاک برداری شده. در این کاوشها سفالهایی پیدا شده که خصوصیت ممتازی دارد. خمیر این سفال زرد رنگ یا سبز رنگ است و نقوش آن پررنگ قهوه‌ای یا سیاه و بندرت به رنگ قرمز تمایل پیدا میکند. این نقوش شباهت به نقوش شوش اول دارد. موضوع‌هایی مرکب از خطوط هندسی که در روی آن دیده میشود (شکل ۲۵) به نقوش سفال «العبد» شباهت پیدا میکند و کاملاً نظیر آن است. بعضی از نقوش هندسی خصوصیات مشخصی دارد، مانند صلیب یونانی لبه دار، لوزیهای دنباله دار، شکل‌هایی شبیه به عدد ۷ و دایره‌هایی

1- Duvaisyah 2- L. Le Breton 3- Tépé Djuvī 4- Tépé Bend - i Bal 5- Buhallan

6- Tépé Halvimash 7- J. E. Gautier 8- G. Lampré

شمیه بقرص خورشید. درخت خرما در این نقوش بصورت مخصوصی درآمده است. نقوش سرغان آبی زیاد است و پای آنها مانند نردبان دندانه دار شده است. حیوانات نقش شده عبارتند از ببر، کفتار با پای

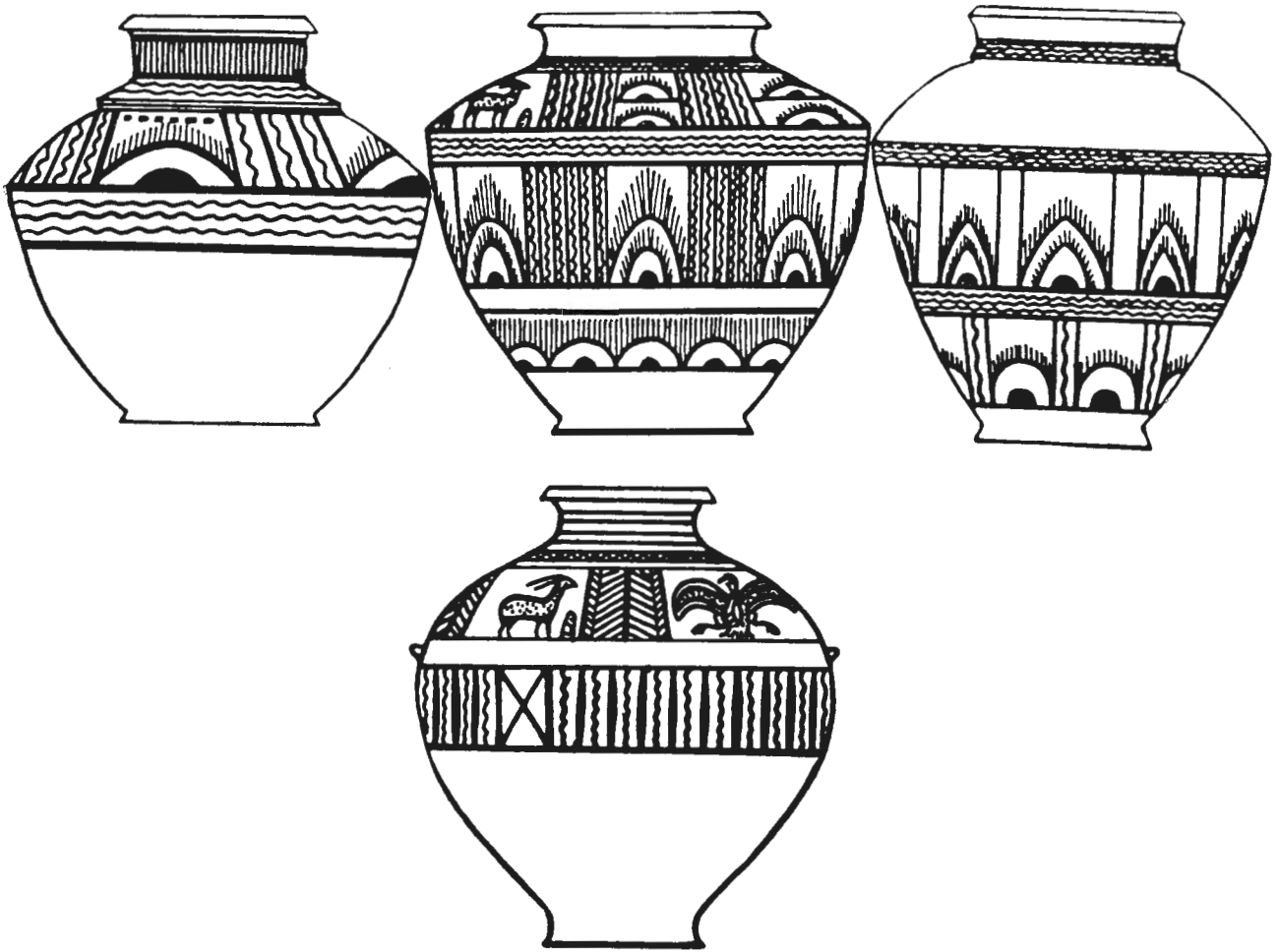


شکل ۲۵

شمیه به اره، بز کوهی بصورت مصنوعی، بزهای کوهی با شاخ های دندانه دار و نقش انسان هایی ده دستهایشان را بلند کرده اند. ما در ضمن مطالعاتی (ف. ک - ۱۸۲) نشان داده ایم که بعضی از این نقوش

قدیمی از نقوش سفال طبقه اول شوش است و به سه دسته تقسیم می‌شود و دسته جدیدتر آنها همزمان با سفال طبقه اول شوش است ولی از حیث سبک نقاشی با آن اختلاف دارد.

در مجاورت تپه موسیان نیز چند تپه دیگر موجود است که سفالی نظیر سفال تپه موسیان در آن پیدا شده، مانند تپه محمد جعفر (ف. ک - ۱۸۳) که همزمان با جدیدترین دسته سفال تپه موسیان است (ابتدای سفال طبقه پنجم گیان) و تپه مراد آباد (ف. ک - ۱۸۴) که همزمان با طبقه جدید تپه موسیان است و تپه



شکل ۲۶

خزینه (ف. ک - ۱۸۵) که در آن نظیر تمام دسته‌های سفال تپه موسیان و سفالی نظیر سفال چندرنگ شوش دوم نیز دیده می‌شود، تپه علی آباد (ف. ک - ۱۸۶) که سفال آن نظیر دسته جدید «تپه موسیان» است ولی مانند تپه خزینه همراه با نوعی از سفال چند رنگ شوش دوم می‌باشد. سفال اخیر بیشتر در قبرهایی که طاق‌های آجری دارد پیدا شده است (لوحة ۱۱۱ - الف و شکل ۲۶).

آقای «فیلد»^۱ در سال ۱۹۰۵ مطالعاتی از نظر باستانشناسی و انسان شناسی در خوزستان شمالی (ناحیه دزفول) و در لرستان بعمل آورد.

۸- لرستان

لرستان ناحیه‌ای کوهستانی واقع در شمال غرب خوزستان است که از طرف شمال جاده قدیمی کرمانشاهان به همدان و از طرف مشرق ناحیه نهاوند و بروجرد و از طرف جنوب ناحیه دزفول و ایالت شوش قدیم آنرا محدود مینماید.

این ناحیه در رشته کوههای پشت کوه و کبیر کوه محصور گردیده و مرکب از دره های عمیق و صعب العبوری است. شهرهای مهم لرستان عبارتست از خرم آباد در جنوب و هرسین در شمال.

یکی از نخستین باستانشناسانی که این ناحیه را تحت مطالعه قرار داد آقای دمرگان^۲ میباشد که در قرن اخیر از این ناحیه عبور کرد (ف. ک - ۱۸۷) و نقاط پیش از تاریخی «جباب بن روان»^۳ و تپه غلام را در «دشت غلام» کشف نمود و در آن محل آلات و ا ابزار پیش از تاریخ از سنگ بدست آورد. ولی آقای هرتسفلد نخستین کسی بود که در این ناحیه دست به کاوشهای علمی زد. وی ابتدا ناحیه لرستان شرقی را در سال ۱۹۲۸ تحت مطالعه قرار داد و در نزدیکی «ژیلویران»^۴ یک قبر دوران «مگالیتیک»^۵ پیدا کرد که شامل ظروف مختلف و تنگهای فلزی بود. دانشمند نامبرده در محل موسوم به «تپه گیان» واقع در فاصله ده کیلو متری جنوب غرب نهاوند، در دره خاوه^۶، محل اصلی یک نوع سفال منقوشی را کشف نمود که در سال ۱۹۳۶ نمونه هایی از آن را نزد تجار عتیقه در همدان دیده بود (ف. ک - ۱۸۹).

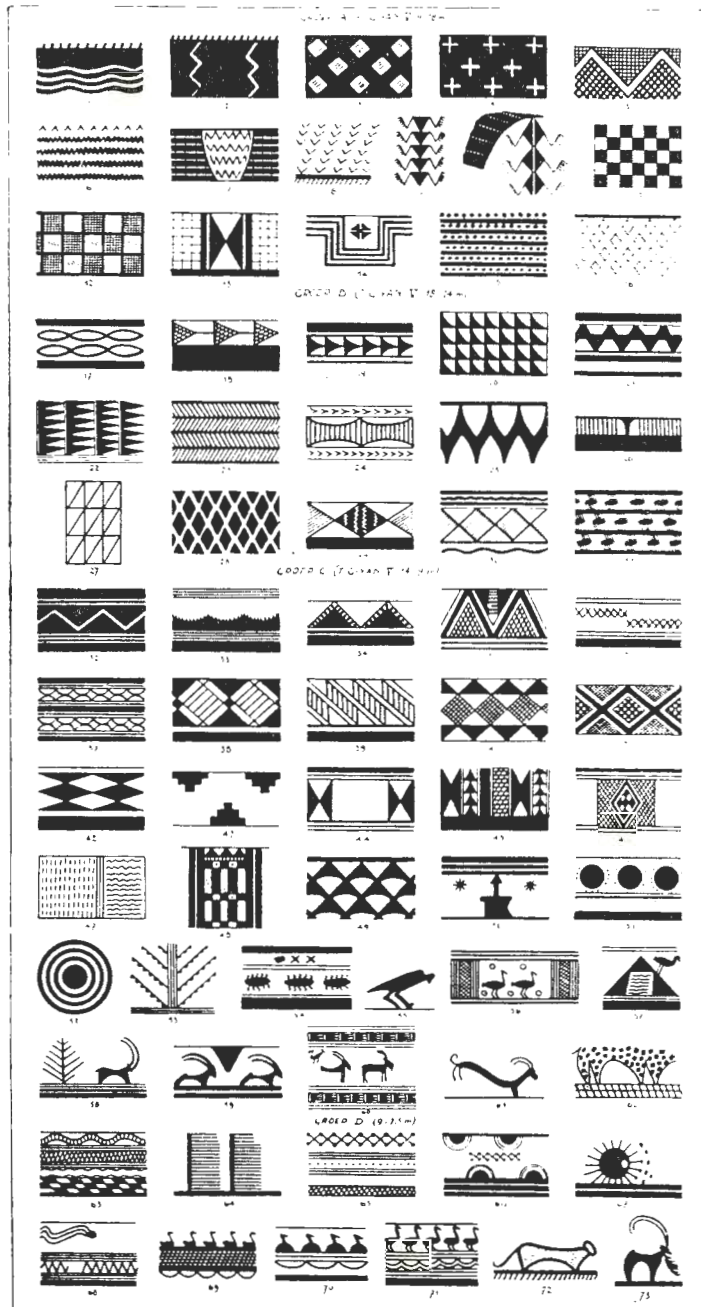
چندین سال بعد موزه لوور آقایان «ژرژ کنتنو»^۷ و «گیرشمن» را مأمور کرد کاوشهای عمیق تر و وسیع تر در روی تپه مزبور بعمل آورند (ف. ک - ۱۹۰). بنابراین کاوش کنندگان تا عمق ۱۹ متر خاك برداری کردند و در این کاوش ها به پنج طبقه از تمدن قدیم برخوردند. طبقه پنجم قدیمترین آن طبقات بود که بین عمق ۱۹ متر و ۷/۵ متر قرار داشت و در آن سفالی با زمینه زرد و یا سبز کم رنگ، با نقوش سیاه بدست آمد (لوحه ۱۰۸ - الف - د). طرح این نقوش عبارتست از خطوط هندسی، مانند دندانه و خطوط شکسته و مثلث هایی که از یک طرف بهم متصل میباشد و تبر دوسر و «صلیب مالت»^۸ و لوزی و چهارخانه و دوایری که داخل آنها تزیین شده است (شکل ۲۷). بعلاوه روی این سفال موضوع های نباتی

۱-H. Field ۲-J. De Morgan ۳-Djibab Bin Rūan ۴-Gilvīrān

۵-Mégolithique ۶-Khavā ۷-G. Contenau

۸- صلیب مالت صلیبی است که چهار بازوی آن مساوی باشد.

نیز نقش شده بود و از ۱ متر پایین مارها و ردیف سرغان آبی و بز کوهی و پلنگ نیز دیده می‌شد. سفال منقوش طبقه ه گیان حد فاصل میان سفال ناحیه شمال (سیلک ۳) و نواحی جنوب (سوسیان و طبقه اول شوش و تل بکون) می‌باشد.



شکل ۲۷

قسمت پایین طبقه بندی یعنی طبقه چهارم (از ۹ متر تا ۷/۵ متر) بزحمت از قسمت بالا یعنی

طبقه پنجم تشخیص داده میشود و مرکب از گورستان وسیعی است که ۱۷ عدد از قبرهای آن تحت مطالعه قرار گرفته (شماره‌های ۱۰۲-۱۱۹) و شامل سفال منقوش زرد رنگی است که خمیر آن خوب پخته شده و گاهی رنگ آن نزدیک برنگ آجری میشود و نقوش آن سیاه رنگ است. شکل‌ها و موضوع نقوش آن چندان متنوع نیست. مهمترین این ظروف از حیث شکل، خمره‌های بزرگ دهانه گشاد است که نقش آن روی گردن و شانه ظرف است (لوحة ۱۰۸-ه-و-۱۰۹-۱۱۰). این نقوش عبارتست از خطوط افقی دندانه دار و خطوط موج دار که بیشتر روی گردن ظرف است و یک نوار پهن که روی شانه ظرف قرار گرفته. موضوع نقاشیها معمولاً «پرنده - شانه» است (ردیف مرغان آبی که پهلوی هم قرار گرفته‌اند و در نقش شباهت به شانه پیدا کرده‌اند). گاهی نیز یک عقاب با بالهای باز یا مرغان آبی در حال شناوری نشان داده شده‌اند.

در این طبقه فلزات فراوان است. برنز برای ساختن آبخوری‌ها و دستبندهای باز و سرنیزه‌ها و تبرهایی که یک طرف آن بصورت مارپیچ است بکار رفته. نقره نیز در این طبقه موجود است.

در طبقه سوم (از ۷/۵ متر تا ۶ متر و قبرهای شماره ۸۳ تا ۱۰۱) تمدن قبلی مدتی ادامه مییابد و پس از اندک مدتی رو بزوال میرود. سفال قرمز آجری رنگ با نقش سیاه خصوصاً در ظروف سه پایه شکل و تنگ‌های شکم‌دار و پایه‌دار و فنجان‌های دسته‌دار و دیزی‌ها و روغن داغ‌کن‌ها ادامه مییابد. نقوش منحصر به مثلث‌ها و «هاشورها» و خطوط افقی و موج‌دار میباشد (لوحة ۱۱۱-ب-ج-ه-د=طبقه برزخ ۳ و ۲-۱۱۲-الف-ب-ج). بین اشیاء برنزی باید خنجرها و سنجاق‌های بلند و ظروف برنزی را نام برد.

طبقه دوم (از ۶ متر تا ۴ متر و قبرهای ۴ تا ۸۲) شامل آثار ابنیه و ساختمان‌ها میباشد. سفال منقوش (لوحة ۱۱۲-د-ه-۱۱۳-الف-ب-ج) هنوز تحت تأثیر سبک سفال‌های منقوش دوران پیش از ایرانی است. ظروفی که خمیرشان زرد مایل بجا کستری است و نقوش سیاه دارد دارای اشکال مختلف است مانند تنگ‌های شکم‌دار و پایه‌دار، سبو و فنجان دسته دار مزین به نوارهای چهارخانه و گل پنج پر یا خورشید و غیره. بنابراین در این نقوش که بصورت مجالس ترتیب داده شده سبک نقش حیوانات مجدداً مرسوم گردیده است. ولی علاوه بر این سفال یک نوع ظروف گلی دیگری نیز پیدا شده که از جهاتی با آن اختلاف دارد مانند ظروف مختلف و آبخوریهایی که از حیث جنس خمیر با آنها شبیه است و نقوش آنها فقط خطوط افقی است که به اشکال مختلف نقش شده (لوحة ۱۱۳-د). این نوع اخیر شباهت به سفال «خابور» در بین‌النهرین پیدا میکند. در این طبقه فلزات چندان زیاد نیست و بیشتر عبارتست از پیکانها و دشنه‌ها و سنجاقهای بلند، بدون سر یا با سر.

در طبقه بالا که طبقه اول نام گذاری شده (از ۴ متر عمق تا بالای تپه و قبرهای ۶۳ تا ۱) سه قشر از آثار دیده میشود. در قشر اول که از همه قدیمی‌تر بود آبخوری‌های بلند قرار داشت که منقوش به خطوط هندسی یا تزیینات دیگر بود، مانند مرغابی یا گیاههایی که بصورت مصنوعی در آمده است (لوحة ۱۱۴).

این سفال با سفال « نوزو »^۱ در بین النهرین شباهت زیاد دارد. در قشر وسطی که آنرا (قشر Ib) نام نهاده اند سفال بدون نقشی پیدا شد (لوحه ۱۱۰) که هیچ شباهتی به سفال قبلی نداشت. این سفال سیاه درخشان یا خاکستری سیاه رنگ یا قرمز رنگ است و با سفال گورستان (A) در تپه سیلک قابل مقایسه است. در قشر جدید (قشر Ic) دو قبر پیدا شد (شماره ۲۰ و ۲۱) و اشیائی که در آن دو قبر بود شباهت به اشیاء قبر های لرستان و گورستان (B) تپه سیلک داشت. در کاوشهای تپه گیان هیچ اثر سهمی پیدا نشد، فقط شیئی از سنگ یشم خاکستری مایل به سبز بدست آمد که تحت نام «نقش زنگوله شکل» معروف شده و در عمق ۳ متر در میان ویرانه های یک ساختمان بدست آمد. هیئتی که مأسور کاوش در تپه گیان بود در تپه جمشیدی و تپه بدهور نیز کاوش هایی بعمل آورد. در تپه جمشیدی (ف. ک- ۱۹۱) در فاصله ده کیلومتری جنوب غرب تپه گیان ۹۰ قبر بدست آمد که اشیاء درون آن به اشیاء طبقات ۴ تا ۲ تپه گیان شباهت داشت. هشت تا ده قبر نیز از نوع قبرهای لرستان بود و حدود آن بوسیله تخته سنگها محدود شده بود و روی آنرا نیز با تخته سنگ پوشانده بودند. در این قبرها ظروفی نظیر سفال لرستان پیدا شد (لوحه ۱۱۰-ب-ج).

در تپه « بدهور » در دشت اسد آباد ، بفاصله ۵۰ کیلومتر در شمال تپه گیان طبقات فوقانی شامل سفال بدون نقشی و برنگ قرمز یا خاکستری مایل به سیاه بود و از این حیث شباهت به سفال طبقه بالای تپه گیان اول داشت. در زیر آن سه قبر پیدا شد که فاصله میان آخر طبقه سوم گیان و اوایل طبقه دوم گیان را مشخص مینمود. در طبقه پائین تر چند قطعه از سفال طبقه ۴ تپه گیان بدست آمد. در سال ۱۹۱۱-۱۹۱۰ در حوالی نهاوند گنجی بدست آمد (ف. ک- ۱۹۳) که شامل بشقابهای نقره و تزیینات طلا بود و نقوش مختلفی روی آن مجسم شده بود که مهمترین آن نقش گلهای پنج پر بصورت مصنوعی بود. این اشیاء به دوران اشکانی تعلق داشت.

در سال ۱۹۴۶ یک تخته سنگ مرمر در روی تپه ای که مجاور شهر جدید نهاوند است و همان نیفواندای^۲ بتلمیوس جغرافی دان یونانی است پیدا شد. روی این تخته سنگ منشوری از پادشاه شام آنتیوکوس سوم (۱۸۷-۲۲۳ پیش از میلاد) بود که در تاریخ ۱۹۳ پیش از میلاد صادر شده بود. مضمون این منشور این بود که پرستش همسرش ملکه لائودیکه^۴ را در معبد آن محل که بنام وی معروف شد برقرار و مرسوم میکرد (ف. ک- ۱۹۴). در همین محل نیز چند مجسمه کوچک برنزی کشف شد (لوحه ۱۱۶) که احتمالاً متعلق به معبدی بوده. یکی از این مجسمه های کوچک الهه ای را نشان میدهد که روی سرش هلال خورشیدی است که گل زنبقی در میان آن قرار گرفته و در دستهایش نیز شاخی پر از میوه که بنام « شاخ فراوانی » معروف شده ، دیده میشود. احتمالاً این همان ملکه « لائودیکه » است که تحت عنوان الهه « ایزیس فرتونا »^۵ نشان داده شده (ف. ک- ۱۹۴ - الف).

در حدود سالهای ۱۹۲۸ - ۱۹۳۰ در بازار عتیقات در تهران و لندن و پاریس و شهرهای دیگر اشیائی از برنز و آهن نمودار شد که به نام «برنزهای لرستان» نامیده شد (ف. ک - ۱۹۵) و مرکب بود از اشیاء زیر:

الف - سلاح‌ها: خنجرهایی که دسته آن خالی شده بود تا قطعاتی از استخوان یا قطعاتی از استخوان و چوب در آن قرار داده شود (لوحه ۱۱۷). این خنجرها مخصوص لرستان نبود و نظایر آن در نهند و تپه گیان اول و در طالش و قفقاز نیز پیدا شده. بعضی از این خنجرها از طرف شاهان بابل و ایلام به سرکردگان لُر هدیه شده و به خط میخی مطالبی روی آن نوشته شده بود. دشنه‌هایی که دسته آن بصورت سر انسان یا حیوان است، شمشیرهای بلندی که دسته آن بهمین طریق تزیین شده، تبرهایی که تیغه یا دسته‌اش از دهان باز یک حیوان خارج میشود (لوحه ۱۱۸ - ج)، ترکش‌ها و پیکان‌های سه تیغه کله قندی شکل، یا به شکل برگ شمشاد.

ب - اشیاء مربوط به زین و برگ اسب: لگام اسب، که به موضوعهای مختلف تزیین شده و بیشتر جنبه تزییناتی داشته است (لوحه ۱۱۹). این موضوعها عبارتست از نقش حیوانات مانند اسبها، بزهای کوهی، یا حیوانات افسانه‌ای و مصنوعی از قبیل بزهای کوهی بال‌دار، «گیلکمش» قهرمان که مشغول نزاع با حیوانات وحشی است، نقوشی که روی چرم نصب شده، حلقه‌های دهنه اسب و آبخوری اسب که مزین به نقش بز کوهی است و شاخ‌های بز کوهی که بشکل حلقه‌های سه دهانه‌ای درآمده و به حلقه اصلی متصل میشود و زنگوله‌ها و تزیینات دیگر مربوط به اسب.

ج - اشیاء زینتی: مانند سنجاق‌های بزرگ تزیینی که سر آنها شبیه به سر حیوان یا تمام بدن حیوان است (لوحه ۱۲۰ - ج)، قلاب کمر بند مزین به مجالس شکار یا موضوعهای مذهبی، دستبندها، گردن بندها و سینه بندها و آینه‌های دسته‌دار به شکل کار یا تیدهای برهنه^۱.

د - اشیاء تشریفاتی و نذری: مانند مجسمه‌های بسیار کوچک بز کوهی و اسب و پرندگان یا طلسم بصورت بُت‌های کوچک، یا نشانه‌هایی که از دو حیوانی ترکیب یافته، که مقابل یکدیگر در میان یک میله مرکزی ایستاده‌اند (لوحه ۱۲۱)، میله‌هایی بزرگ که گاهی سر آنها بصورت لوحه‌های دایره شکل است و این نوع سنجاق یا میله‌ها در «سرخ دم» زیاده پیدا شده.

ه - اشیاء ولوازم مذهبی: مانند جامه‌های کوچک فلزی (لوحه ۱۲۲) با تزیینات و مجالس پذیرایی، یا حیوانات افسانه‌ای در کنار ظرفی که از آن آب بیرون می‌جهد، شکارچیان در حال شکار کردن بز کوهی و شیرهای بالدار و موجودات غریب و عجیب و ظروف نوك دار. تمام این اشیاء از قبرهای مجزا بدست آمده

۱- پیکر زنهایی که بجای ستون در ساختمان‌ها بکار میرفته Cariatide - ۱

که هر کدام در نقطه‌ای از کوهستان شمالی لرستان مانند ناحیه هرسین و خرم آباد والشر پخش بوده است. نمیتوان بطور دقیق گفت که وضع این قبرها چه بوده زیرا هیچ یک از آنها طبق اصول علمی کاوش نشده و تمام اشیائی که از این قبرها بدست آمده نتیجه کاوشهای قاجاق بوده است. آقای گدار در سال ۱۹۳۱ این نواحی را بازدید کرد و نخستین کتاب خود را راجع به این برنرها بچاپ رسانید و فقط توانست اطلاعاتی از این قبرها بدست آورد، بدون اینکه شخصاً بتواند قبری را در حال کشف ببیند. این قبرها عبارت بود از گودال‌هایی که چهار طرف آن را با قطعات سنگ محدود نموده و روی قبر را نیز با تخته سنگ بزرگی پوشانده بودند. در نتیجه کاوشهای قاجاق در قبرهای لرستان موزه‌های بزرگ اروپا و آمریکا مجموعه‌داران توانستند مجموعه‌های خوبی از این اشیاء بدست آورند (ف. ک - ۱۶۹). مسأله مهمی که راجع به این برنرهای پیش می‌آید تاریخ گذاری و تعیین محل پیدایش آنها است. ولی تا روزی که کاوشهای علمی در این ناحیه بعمل نیاید این مسائل حل نخواهد شد.

در واقع بعضی از اشیاء برنزی که تحت نام «برنز لرستان» معروف شده در لرستان پیدا شده است و بسیاری از آنها متعلق به نواحی خوزستان و کردستان و آذربایجان و طالش و قفقاز میباشد. بعلاوه این اشیاء احتمالاً بدوران‌های مختلف تعلق دارد. بیشتر برنرهایی که از نوع برنز لرستان است (مانند بُت‌ها و بزهای کوهی و تبرهایی که دسته‌هایشان با برآمدگی‌هایی مانند میخ تزیین شده و خنجرهایی که دسته‌هایشان با چوب یا استخوان مزین گردیده یا به نیم‌دایره منتهی شده و دهنه‌های اسب، ظروف نوک‌دار و دسته‌دار) بین ۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰ پیش از میلاد قرار می‌گیرند. بعضی از آنها مانند قلابهای کمر و جامهای استوانه‌ای شکل برنزی متعلق به حدود ۱۰۰۰ تا ۷۵۰ پیش از میلاد است. شباهت فوق‌العاده‌ای بین این اشیاء و اشیائی متعلق به کشورهای دیگری که «هیتی»ها بر آنها تسلط داشته‌اند وجود دارد و باین دلیل ما میتوانیم تاریخ آنها را تا اواخر هزاره دوم پیش از میلاد یا قرون اول هزاره اول پیش از میلاد بالا ببریم. این برنرها متعلق به سوارکاران جنگجو بوده و دارای دو سبک مشخص زیر میباشند که گاهی هردو سبک بخوبی بهم آمیخته است: یکی سبک طبیعی سازی، دیگری مصنوعی سازی. موضوع این برنرها بیشتر از حیوانات ترکیب یافته و این حیوانات گاهی چنان طبیعی ساخته شده‌اند که واقعاً شبیه به خود حیوانند و گاهی نیز آنها را از شکل طبیعی خارج ساخته و بصورت موجودی مصنوعی و تزیینی درآورده‌اند.

برای اینکه اطلاعات بیشتری راجع به گورستان‌های لرستان بدست آید در سالهای ۱۹۳۵-۱۹۳۴

و ۱۹۳۷-۱۹۳۸ هیئتی تحت سرپرستی آقای «اریک اشمیدت» موسوم به :

The Holmes Luristan Expedition

The American Institute for Persian Art and Archaeology

تصمیم گرفت، تفحصاتی در دره‌های رامشگان و سیمره در جنوب لرستان بعمل آورد (ف. ک - ۱۹۷-۱۹۸).

در «چغا سبز» سفالی بدست آمد که متعلق به هزاره سوم تا هزاره اول پیش از میلاد بود، و مهمترین آنها ظرفی بود که شکل سرانسان داشت (لوحة ۱۲ - د). بعلاوه یک مهر زیبا بشکل استوانه در آنها پیدا شد که اسب سواری را در حال شکار یک بز کوهی نشان میداد.

آقای اشمیدت روی تپه های میرولی و کمتزلان و دماویزه واقع میان راه هرسین به خرم آباد قبرهایی را شکافت و در آنها سفالی بدست آورد که با سفال طبقات ه تا ۳ طبقه گیان و طبقه ۲ شوش شباهت داشت. سفال طبقه دوم کمتزلان (یا کفتارلان - م). شامل ظرف های سه پایه ای بود شبیه به ظروف طبقه ۳ تپه گیان.

در دماویزه قبری بدست آمد که سفال آن شبیه به طبقه ه تپه گیان بود. در تپه بد آور^۱ در خاتون بان^۲ هشت قبر متعلق به دوران برنز بدست آمد که حدود هر یک با تخته سنگ محدود شده بود و روی هر یک نیز تخته سنگی انداخته بودند. در این قبرها اسکلت هایی با زانوان خم شده، همراه با ظروف گلی یا برنزی و دستبندها و خنجرهای برنزی پیدا شد. ولی لگام اسب و تبر و بُت که مخصوص قبرهای لرستان بود در این محل بدست نیامد، بنابراین آقای دکتر اشمیت نتوانست قبرهای باصطلاح از نوع لرستان در اینجا پیدا کند ولی در عوض موفق به کشف مهمتری شد. مشارالیه در سال ۱۹۳۸ در روی تپه سرخ دُم، در جلگه «کوه دشت» معبدی پیدا کرد که از سنگ پاره ساخته شده بود و متعلق به عهد آشور جدید بود (۶۱۲-۸۸۳ پیش از میلاد). در میان درز سنگهای این ساختمان تعداد زیادی اشیاء مانند میله هایی که سرشان به دایره ای منتهی میشد و مزین به موضوع های مذهبی شده بود (لوحة ۱۲-۵-و) و بُت های کوچک و آینه های برنزی و در حدود ۲۰ مهر استوانه ای شکل پیدا شد ولی هیچیک از آنها ارتباطی با اسب نداشت. این اشیاء احتمالاً متعلق به زمانی پیش از قرن ۱۲ پیش از میلاد بود و در آنها هیچ اثری شبیه به آثاری که تحت نفوذ هنر «زنجیرلی» و «کرکمیش» قرار گرفته است موجود نبود و به اشیاء «تل حلف» و آشور نیز شباهتی نداشت بلکه خصوصیات آن کاملاً سومری بود. از میان آنها میله هایی که سرشان به صفحه دایره ای شکلی منتهی میشود بیشتر توجه را جلب میکند (ف. ک - ۱۹۹). این صفحات مدور به شکل انار و درخت خرما و موضوع های مذهبی مزین شده اند. خدایانی که روی این اشیاء نقش شده اند، با ایزدان قدیم ایرانی مانند «آناهیتا» و «کاشو» و «میترا» و کاهن مزدایی که «برسم» را بردست گرفته ارتباط و شباهت زیاد دارند (ف. ک - ۲۰۰). برنزهای معبد سرخ دُم متعلق به همان مردمی است که لرستان را نیز مسکون کرده بودند. علت اینکه اشیاء قبرهای این مردم ارتباط با اسب دارد ولی در اشیائی که از معبد بدست آمده اثری از اسب نیست این است که عده ای از این مردم صحراگرد بودند و کارشان تربیت اسب بود و سوار کاران خوبی بودند ولی عده ای دیگر زارع و شهرنشین بودند.

یک مجسمه کوچک از همین دسته در سال ۱۹۳۸ در پشت کوه پیدا شد (ف. ک - ۲۰۱). پشت کوه در شمال غرب لرستان قرار دارد. این مجسمه کوچک (لوحة ۱۲-الف) نماینده خدایی است که ایستاده و خنجر بر کمر دارد. ریش او نوک تیز است. روی پشت او یک تیردان است و احتمالاً به قرن دهم پیش از میلاد تعلق دارد. روی دامن او مطالبی به خط بابلی جدید نوشته شده و نشان میدهد که خدای شهر «ایلتیرگری»^۱ است که از محل خود برداشته شده و در شهر «بورنخو»^۲ قرار داده شده و اینک به محل اصلی خود بازگشت داده شده. در متون آشوری و بابلی جدید غالباً صحبت از مجسمه‌هایی است که از معبد خود برداشته شده و به محل دیگری برده شده و بعداً امیری یا پادشاهی آنها را به محل اولی خود بازگردانده است. در اینجا ما از نزدیک مجسمه‌ای را که از این قبیل بوده مشاهده میکنیم.

در سال ۱۹۳۶ آقای استین پس از بازدید خوزستان وارد ایالت لرستان شد. وی از دزفول حرکت کرد و لرستان غربی و شمالی را دیدن نمود، از دره سیمره عبور کرد و دره‌های واقع میان جبال پیش کوه مانند دره رمشگان و ترخان و هلیلان و کوشماهی^۳ و کوه دشت و فلات‌های الشتر و خاوه و دلفان را نیز مورد مطالعه قرار داد و باین طریق از راه هرسین به کرمانشاه رسید (ف. ک - ۲۰۲). مشارالیه در نتیجه گمانه‌هایی که روی تپه‌های مختلف زد، مقدار زیادی از آثار عتیقه بدست آورد که قسمت مهم آن سفال بود. ما ذیلاً خاصه کاوشهای آقای استین را ذکر میکنیم:

الف - دره سیمره (یا سیمره)

باغ لیمو (ف. ک - ۲۰۳) سفال هزاره سوم.
تیخان؛ (یا طرهان - م.) (ف. ک - ۲۰۴) : سفال سبک طبقه ه گیان.
کوزه گران (ف. ک - ۲۰۵) : سفال منقوش سبک طبقه اول شوش.
اشیاء مختلف کوچک مانند بُت گلی کوچک بشکل حیوان و دو مهر با نقش خطوط هندسی.
سفال منقوش و غیر منقوش اواخر هزاره سوم.
چغا سبز - (ف. ک - ۲۰۶) : سفال طبقه ه گیان.
مهرهای محدب با نقش حیوان.

ب - دره رمشگان (رامشگان).

چغا سبز (ف. ک - ۲۰۷) : سفال سبک ه و ۴ و ۳ گیان.
چغا بردنیه* (ف. ک - ۲۰۸) : قبر شبیه به قبرهای لرستان، خنجر برنزی.
چغاپهن (ف. ک - ۲۰۹) : تبر با نقوش شبیه به نوار به سبک لرستان.

ج - دره هلیلان

کزآباد (یا کازآباد)^۱ - (ف. ک - ۲۱۰) : قبرهای دوران‌های مختلف.

سفال رنگین از سبک شوش دوم.

سفال سبک طبقه سوم گیان.

شیرشغا^۲ (ف. ک - ۲۱۱) : قبرهای سبک اول گیان، شامل سفال بدون نقش، خلخال و سنجاق و بیل

و دشنه آهنی، بت‌های برنزی.

د - دره کوه دشت

قلعه گوری^۳ (ف. ک - ۲۱۲) : سفال هزاره سوم.

چغاپهن (ف. ک - ۲۱۳) : سفال سبک دوران برزخ میان طبقه ه و ع گیان، بت بشکل حیوان،

سفال سوراخ شده و شبکه دار.

ه - جلگه الیستر

ژیرآیران^۴ (ف. ک - ۲۱۴) : سفال منقوش به سبک طبقه ه گیان، برزخ میان گیان ع و ۳.

ظروف گلی سه پایه بسبک گیان ۳.

سرگرز و اشیاء برنزی.

بتکی^۵ (ف. ک - ۲۱۵) : سفال منقوش به سبک گیان ع.

اشیاء برنزی مانند مجسمه کوچک سگ.

چغابال (ف. ک - ۲۱۶) : (مساوی تپه جمشیدی در کاوشهای دکتر گیرشمن).

سفال شبیه به سبک گیان ع.

مهره برنزی که سر آن منتهی به یک پرنده میشود، دستبندهای برنزی.

چغاکبود (ف. ک - ۲۱۷) : سفال منقوش از نوع گیان ع.

سفال با نقوش برجسته و یک مهر استوانه‌ای شکل با نقش خطوط هندسی و یک داس آهنی.

و - دره بدآور

مویلبک^۶ - (ف. ک - ۲۱۸) : سفال منقوش از سبک دوران برزخ میان گیان ع و گیان ۳.

ظروف سفالین سه پایه از سبک گیان ۳.

قبرهایی که شامل خصوصیات قبور لرستان است و خصوصیات ظروف نوک دار با سرمیش، در بالای

۱ - Kāzābād ۲ - Shir Chighā ۳ - Qal'ah i Gauri (شاید در اصل گیری)

۴ - Girairān (احتمالاً گریران - م.) ۵ - Bataki ۶ - Mauyilbak (احتمالاً مائیل بیک - م.)

سوراخ دهانه ظرف و مزین به ردیف مثلث‌هایی که نوک آنها طرف پایین است و پایه آنها به گردن ظرف منتهی می‌شود (لوحة ۱۲ - الف - ب نمونه‌هایی از این ظروف را نشان می‌دهد که در این محل پیدا نشده). مجسمه‌های کوچک حیوانات، و مهرها به سبک آشوری.

تلیاب^۱ (ف. ک - ۲۱۹).

سفال هزاره دوم پیش از میلاد.

چغاسای^۲ (ف. ک - ۲۲۰):

سفال به سبک گیان ۲ و ۱.

دماویزه^۳ (ف. ک - ۲۲۱):

سفال به سبک دوران برزخ میان گیان ۴ و ۳.

جام برنزی بسیار عالی، مزین به گل‌های برجسته که بدون شک از دوران هخامنشی است (لوحة ۱۲۴-ج). گمانه‌هایی بوسیله Holmes Luristan Expedition در روی این تپه زده شده است.

در جلگه «ماهی دشت» در فاصله ۲ کیلومتر در مغرب کرمانشاه آقای استین چند تپه قدیمی را مورد مطالعه قرارداد (ف. ک - ۲۲۲). در یک قبر جاسی بدست آورد که روی آن دو گاو بصورت برجسته نقش شده بود و کتیبه‌ای در کنار آنان دیده می‌شد که متعلق به قرون ۸ یا ۷ پیش از میلاد بود (ف. ک - ۲۲۳).

توجه مختصری بصورت بالا نشان می‌دهد که سفالی را که آقای استین از زیر خاک بیرون آورده شباهت زیاد به سفال طبقات مختلف تپه گیان دارد مع هذا از بعضی جهات از آن متمایز است.

آقای استین ویرانه چند بنای ساسانی را تحت مطالعه قرارداد. این ابنیه را پیش از او چند دانشمند دیگر مانند آقای ژ. دمرگان مطالعه کرده بودند. یکی از آن ابنیه پل شاپور یا پل دختر (ف. ک - ۲۲۴) روی رودخانه کشگان^۴ است، و دیگری پل خسرو (ف. ک - ۲۲۵). روی رودخانه «سیمره» نزدیک محل اتصال این رودخانه با رود کشگان و آثار دیگر مانند پل آب برده (ف. ک - ۲۲۶) و پل سفله^۵ (ف. ک - ۲۲۷). پل اخیر احتمالاً از ابتدای دوران اسلامی است. در شیروان یا سراوکلان^۶ (ف. ک - ۲۲۸) و در «در شهر» (ف. ک - ۲۲۹) و در «قلعه هزار در» (ف. ک - ۲۳۰)، ویرانه‌های ساختمانهای دیگر از عهد ساسانیان کشف نمود.

در سال ۱۹۶۰ آقای فیلد^۷ در ناحیه لرستان و خوزستان شمالی شروع به مطالعات باستان‌شناسی نمود. در این نقاط آثار پیش از تاریخی مانند آلات و ابزار سنگی و سفالهای خیلی قدیمی خصوصاً در منشورآباد

۱ - Talyāb ۲ - Chigh - Sai ۳ - Dumāvizah ۴ - Kashgān ۵ - Pul-i Safaliah

۶ - Sarāv Kalān (احتمالاً سرآب کلان-م.) ۷ - H. Field

در جنوب غرب دزفول، و در پاپله^۱، و پهونده^۲ در جنوب غربی دزفول و جغارمیش^۳ در جنوب دزفول و سرآب دره در شمال غرب خرم آباد و در تپه زاغه در جنوب خرم آباد و در «تپه بحرین» نزدیک «دورود» بدست آورد و در کونجی^۴ در جنوب غربی خرم آباد غاری کشف کرد (ف. ک - ۲۳۱).

در نتیجه کاوشهای قاچاق در حوالی بروجرد (ف. ک - ۲۳۲) یک عود گردان^۵ برنزی از دوران اشکانی و یک شیر که با پاهای جلو روی فنجان‌ی فشار میدهد، پیدا شد (لوحة ۱۲-الف).

نزدیک هرسین (ف. ک - ۲۳۳) در جاده جدید کرمانشاه به خرم آباد چند پدیده از دوران ساسانی دیده میشود. مهمترین آنها لوحه ایست که بصورت عمودی روی دامنۀ کوهی شبیه به نقوش برجسته بیستون تراشیده شده است. در کنار این تخته سنگ آثار یک باغ و یک ساختمان مانند دری از سنگ یک پارچه بصورت قوس دیده میشود. این سنگ بر زمین افتاده و شکسته است. بعلاوه سکویی با پلکان دیده میشود که یک پارچه از سنگ است و شباهت به نمونه هم نوع خود در بازار گاد دارد، ولی از آن کوچک تر است. این سکو احتمالاً در موقع انجام مراسم مذهبی در هوای آزاد مورد استفاده قرار میگرفته و برای راه یافتن به آن از پلکانی سه پله ای عبور میکردند.

۹- کردستان

کردستان در شمال لرستان قرار دارد و شامل رشته های جبال و دره های زا کرس شمالی است. در قسمت جنوب کردستان جاده کهنی وجود دارد که سابقاً فلات ایران را به جلگه بین النهرین متصل مینموده و در زمان «ماد» ها بابل را به پایتخت قدیمی هکمتانه مرتبط میساخته است. این راه در زمان سلوکیها وسیله اتصال سلوکیه به شهر «صد دروازه» بوده و در دوران ساسانیان شهر تیسفون را به کرمانشاه می پیوسته و امروز راه میان تهران و بغداد است. آقای هرتسفلد باین راه قدیمی که در کنار آن از ایام کهن آثار پادشاهان دیده میشده «دروازه آسیا» نام نهاده و این نام گذاری کاملاً بجای است. در طول این راه قدیمی تعداد بسیاری از آثار تاریخی ایران از دوران ایلامی و ماد (۹) و هخامنشی و سلوکی و اشکانی و ساسانی دیده میشود.

آقایان «فلاندن»^۶ و «کست»^۷ و دیولافوا و همسرش^۸ (ف. ک - ۲۳۶)، و دمرگان^۹ (ف. ک - ۲۳۶) و خصوصاً زاره^{۱۰} (ف. ک - ۲۳۷) و «هرتسفلد» (ف. ک - ۲۳۸)، نخستین کسانی بودند که راجع باین آثار گزارشهای علمی منتشر کردند. ما ابتدا آثار تاریخی واقع در کنار این راه را مطالعه میکنیم و سپس از تجسسات و کاوشهای باستانشناسی صحبت خواهیم کرد.

1- Papilah

2- Pahvandah

3- Shagar Mich

4- Kundji

۵- مانند آتش گردان - عود و آتش را در آن قرار میدادند و بدور دست میگردانند تا بوی آن اطاق را معطر نماید.

6- E. Flandin

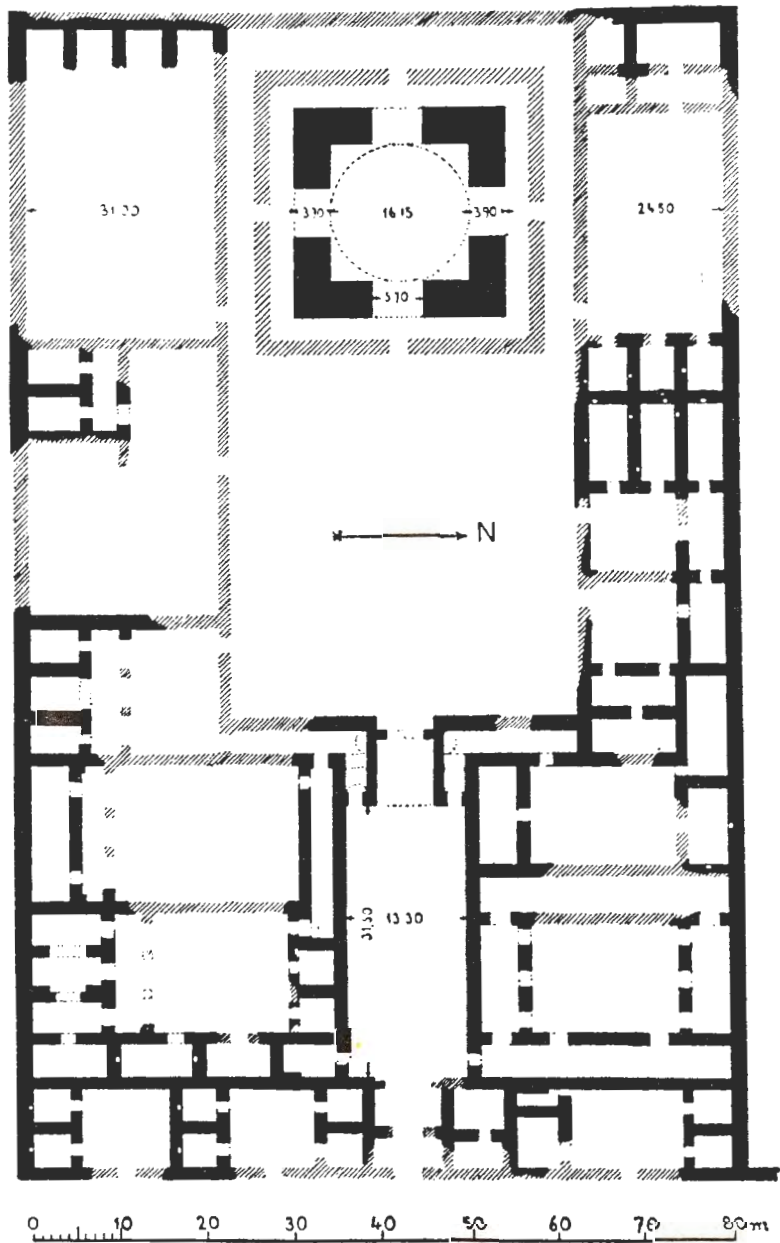
7- P. Coste

8- Dieulafoy

9- J. De Morgan

10- Fr. Sarre

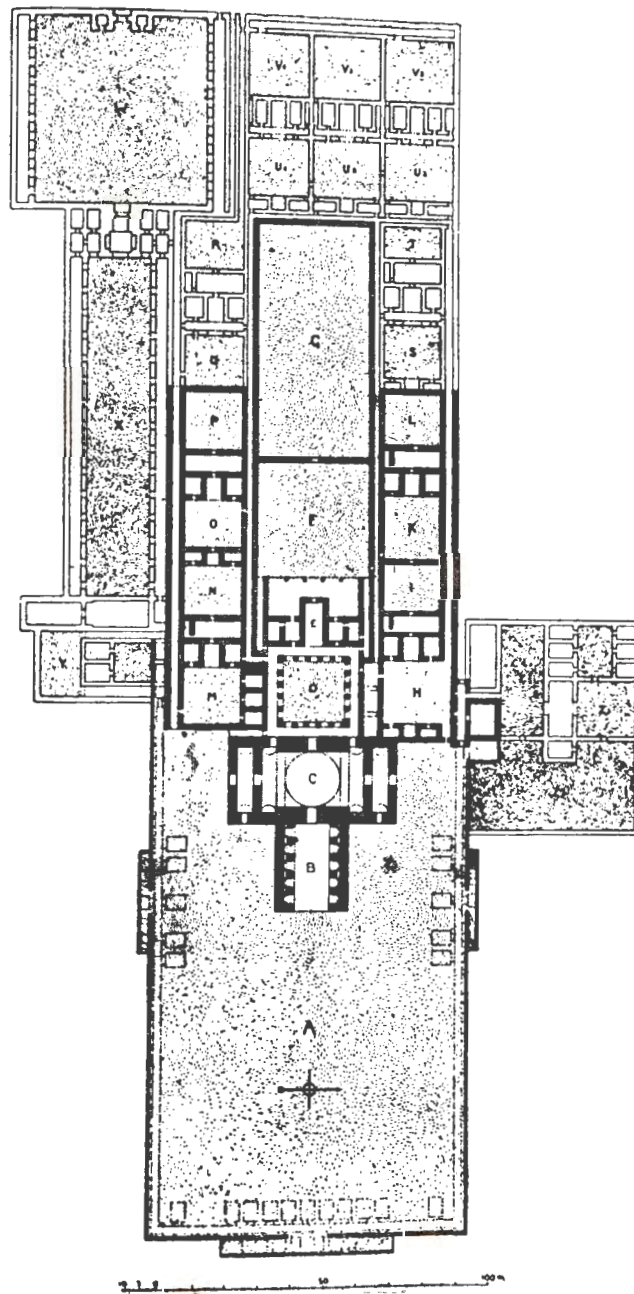
وقتی از سرحد ایران وارد میشویم نخستین بنایی که به چشم ما می‌خورد در فاصله ۲۲ کیلومتر از سرحد کنار جاده بغداد - تهران قرار دارد و آن قصر شیرین است (ف. ک - ۲۳۹). علت این نامگذاری چنانکه می‌گویند این است، که در این محل کاخ شیرین زن مسیحی خسرو دوم (۶۲۸ - ۵۹۰) قرار داشته. می‌گویند



شکل ۲۸

شاهنشاه ساسانی در این محل کاخ مجللی برپا کرد که در سال ۶۲۸ بدست هرقل امپراتور روم خراب شد و یک آتشگاه در کنار آن کاخ قرار داشت. این آتشگاه که چهار قاپو نام دارد مرکب است از اطاق مربعی بعرض و طول ۲۵ متر که در هر طرف آن دروازه‌ایست و در چهار گوشه اطاق هنوز گوشوارهای طاقی که

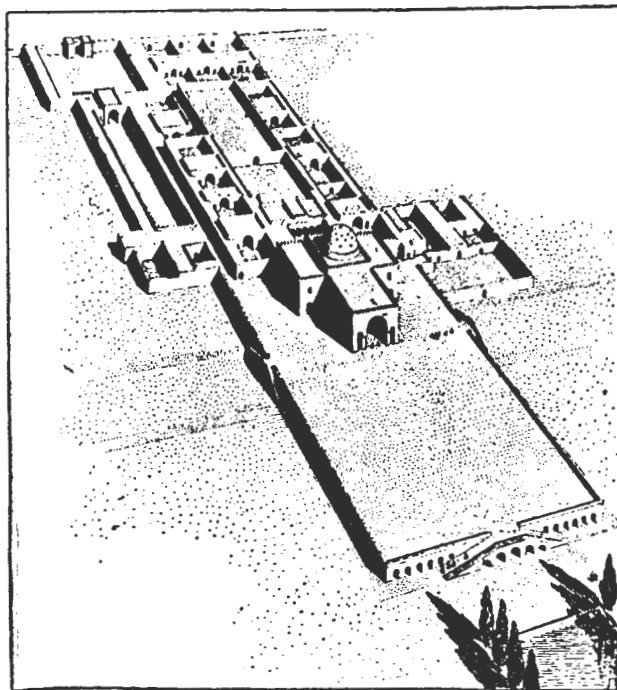
مابقاً این اطاق را میپوشانیده دیده میشود. این بنا با سنگ نتراشیده و ملات ماسه و آهک ساخته شده (لوحه ۱۲۵- الف - ب و شکل ۲۸).



شکل ۲۹

در شمال آتشگاه کاخ خسرو دوم دیده میشود ، که عمارت خسرو نامیده میشود و آثار کهنی از آن باقی است. هنوز دالان هایی که بجای پی برای « تختگاه » بنا ساخته شده بود دیده میشود . روی این تختگاه کاخ شاهنشاه برپا بوده است. این کاخ در سمت شرق یک مهتابی و یک ایوان وسیع داشته . تالاری

که در آن تخت پادشاه قرار داشته به این ایوان متصل میشده و با یک گنبد پوشیده شده بوده است. در طرف مغرب این تالار گنبددار حیاط کوچکی بوده که در چهارطرف آن چهار ایوان ستون‌دار وجود داشته و در طرف مغرب آن ایوان کوچک دیگری بوده و در دو طرف دیگر آن چند اتاق قرار داشته است. مقابل ایوان حیاط بزرگ مستطیلی بوده و در اطراف آن حیاط نیز اتاقهای کوچکی قرار داشته است (شکل ۳ و ۴). در فاصله ۵ کیلومتر از قصر شیرین در محلی موسوم به خوش‌قوری^۱ (ف. ک. - ۲۴) آثار بنای دیگری منسوب به خسرو دوم دیده میشود.

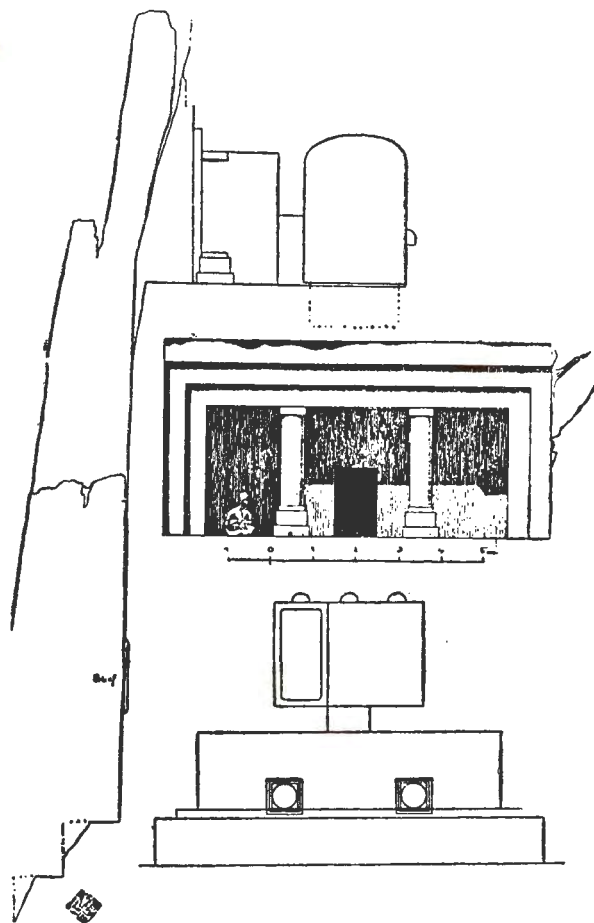


شکل ۳.

در روی تخته سنگ‌های کوه، در ارتفاع نسبتاً زیاد و در محلی موسوم به سرپل در ناحیه حلوان، بفاصله ۳ کیلومتر در جنوب شرق قصر شیرین (ف. ک. - ۲۴) چند نقش برجسته دیده میشود که مهمترین آنها (لوحه ۱۲ - ج) شامل دو مجلس است. در این نقش «آنوبانی‌نی»^۲، پادشاه «لولوبی»^۳ ها که در کوهستان زندگی میکردند، یک پای خود را روی نعش دشمن که بر زمین افتاده قرار داده است. لباس پادشاه کوتاه است و یک عرق چین گرد بر سردارد. در دست او یک کمان و یک سلاح دیگر است. ربه‌النوع «نی‌نی» مقابل او ایستاده و تاجی، که علامت خدایی اوست، بر سر دارد و لباس او از پوست یا از پارچه منگوله‌دار است^۳. وی یک دست خود را بطرف شاه بلند کرده و با دست دیگر دو اسیر را که با طنابی بسته شده‌اند همراه می‌آورد. در مجلس پایین‌ده اسیر دیگر کاملاً برهنه دیده میشوند که دستهایشان به پشت

۱- Haush Quri (گبری) به معنای حیاط زبان گبرها
 ۲- Annubanini
 ۳- Kaunakés

بسته شده است. سمت راست آنها دو کتیبه اکدی است. در بالای پادشاه و ربه النوع ستاره هشت گوش «ایشتار» دیده میشود. این نقش برجسته متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد و از سلسله سوم «اور» میباشد. در مقابل همین نقش، نقش مشابهی وجود دارد (لوحة ۱۲۵-د) و روی آن پادشاهی نشان داده شده که سلاحی در دست دارد و پای خود را روی نعش دشمنی قرارداده. در بالای سر او قرص خورشید بالدار و هلال ماه دیده میشود و در قسمت پایین این نقش کتیبه‌ای بخط اکدی خوانده میشود. نقش برجسته دیگری که در این محل دیده میشود خیلی خراب شده، و با اینحال روی آن میتوان یک پادشاه و یک رب النوع یا ربه النوع را تشخیص داد. در پائین نقش «آنوبانی‌نی» چهارمین نقش برجسته



شکل ۳۱

«سرپل زهاب» دیده میشود، ولی این نقش مربوط به دوران اشکانی است. در سمت چپ یک اسب سوار و در سمت راست یک مرد پیاده نشان داده شده. کتیبه آن تقریباً غیر خوانا است با اینحال میتوان تشخیص داد که آن کتیبه به خط پهلوی اشکانی است.

در همین ناحیه و فاصله ۲ کیلومتر در شمال سرپل زهاب، نقش برجسته هورین شیخ خان پنجم

میخورد (ف. ک - ۲۴۲). پادشاه یا امیری بنام (تار... دونی)^۱ مانند «آنوبانی نی»، کمان و زوینی در دست دارد و بطرف دو دشمن جلو میرود. دشمنان مغلوب شده بزانو درآمده و استدعای ترحم دارند. همراه این نقش دو کتیبه اکدی است که غیر خوانا است. در فاصله ۳ کیلومتر در جنوب شرقی «سر پل زهاب» در دامنه کوه قبری به صورت دخمه، موسوم به «دکان داود»^۲ (ف. ک - ۲۴۳) مشاهده میگردد. مقابل این دخمه، دروازه مستطیل شکلی وجود دارد، که لبه آن با نقش سر نیزه ها مزین شده و در داخل دخمه قسمت بالا آمده ای دیده میشود که روی آن تابوت را قرار داده بودند. در هر طرف دروازه یک سرستون و یک پایه ستون دیده میشود ولی ساقه ستون شکسته و از بین رفته است (لوحه ۱۲۵-ه و شکل ۳۱). در قسمت پایین دخمه، در محلی که برای ایجاد نقش برجسته ای تراشیده شده، مجلسی دیده میشود که مربوط به تشریفات مذهبی است و مردم آنرا «کیل داود» یا «سنگ یادگار داود» مینامند^۳. در این نقش یک شخص روحانی یا یک پرستنده، تاج ایرانی بر سر دارد و لباس او لباس ایلامی قدیم است و «برسمی» در دست دارد. «برسم» دسته ترکه هایی است که در تشریفات مذهبی بکار برده میشده (لوحه ۱۲۵). این قبر احتمالاً متعلق به دوران ماد است (قرن ۶ یا ۷ پیش از میلاد). نزدیک «دکان داود» و در مجاورت دیره^۴ قبر دیگری است که «اطاق فرهاد» نامیده میشود، و «راولینسون» آنرا در سال ۱۸۳۶ برای اولین بار منتشر کرد و به «دکان داود» شبیه است، ولی ناقص مانده (ف. ک - ۲۴۴).

کمی دورتر، در بالای جاده سربالایی که بطرف کرمانشاه میرود، در محلی موسوم به طاق گرا^۵ (ف. ک - ۲۴۵) بنای کوچکی از دوران ساسانی دیده میشود و آن عبارت از ایوانی است که با تخته سنگهایی بشکل مکعب مستطیل ساخته شده و آن تخته سنگها بدون ملاط روی هم قرار داده شده اند. در بالای آن قوس هلالی شکلی است (لوحه ۱۲۶ الف-ب) و معلوم نیست این بنا برای چه بوده ولی احتمالاً استراحت گاهی برای روزهای شکار، یا بنای یادگار، یا مهرباب، یا محل استراحتی در میان راه بوده که مورد استفاده پادشاه قرار میگرفته است.

در فاصله ۵ کیلومتری شمال شرقی شهر جدید کرمانشاه، طاق بستان قرار دارد (ف. ک - ۲۴۶). در این محل، نزدیک چشمه ای، نقش اردشیر دوم (۳۸۳-۳۷۹) (لوحه ۱۲۷ الف) در روی سنگی کنده شده. پادشاه در میان است و در دو طرف او اهورمزدا و میترا ایستاده اند و اردشیر از اهورمزدا، که در سمت راست اوست، حلقه نوارداری دریافت میکند. میترا روی گل نیلوفر ایستاده و «برسمی» در دست دارد. زیر پای پادشاه و اهورمزدا دشمنی بر زمین افتاده است.

در همان دامنه کوه در طرف چپ همین نقش، دو غار (یا ایوان) (لوحه ۱۲۶ ج) دیده میشود که یکی از آنها کوچکتر از دیگری است، و بامر شاپور سوم (۳۸۸-۳۸۳) ساخته شده. در انتهای ایوان

نقش شاپور سوم در طرف چپ بصورت برجسته دیده میشود و پدرش شاپور دوم در سمت راست قرار دارد (لوحة ۱۲۷ - ب). این هردو پادشاه دستهایشان را روی دسته شمیر بلندشان قرارداده‌اند. نزدیک آنها کتیبه‌هایی بخط پهلوی است. در کنار ایوان یا غار شاپور سوم، غار یا ایوان دیگری است که از ایوان اولی بزرگتر است و بنا بر گفته آقای اردمان^۱، با مر پیروز (۴۸۴-۵۷۰) ساخته شده (ف. ک - ۲۴۷). ولی آقای هرتسفلد آنرا منسوب به خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۰) میداند (ف. ک - ۲۴۸). بهر حال سازنده آن تصمیم داشته که در این محل سه ایوان در کنار یکدیگر بسازد. ایوان قدیمی شاپور دوم قرار بوده است در طرف راست قرار گیرد و در این صورت ایوان بزرگ وسط واقع میشد، ولی ایوانی که قرار بوده است در سمت چپ ساخته شود هرگز ساخته نشده. نمای ایوان بزرگ با نقوش برجسته بسیار زیبا زینت شده و درخت مقدس را بصورت مصنوعی و با برگهای آکانت (فارسی برگ کنگر)^۲ نشان داده‌اند. در بالای قوس در دو گوشه طرفین دو فرشته بالدار هر کدام تاج افتخاری را که مزین به نوارهاست در دست گرفته‌اند و در میان آنها یک هلال ماه نقش شده (لوحة ۱۲۸ - ب - ج).

در انتهای غار دو مجلس بصورت نقش برجسته نشان داده شده. مجلس بالا مربوط به تاج گذاری یکی از پادشاهان ساسانی است (لوحة ۱۲۸ - الف). پادشاه در میان مجلس ایستاده است و تاجی را که اهورمزدا باو میدهد دریافت میدارد. در طرف دیگر الهه آناهیت به او تاج دیگری میدهد. در مجلس پایین، خسرو شاه، سواره نشان داده شده، واسب او برگستوانی^۳ دارد (لوحة ۱۲۹ - الف).

در کناره‌های ایوان مناظر شکار نقش شده است. در طرف چپ در مردابی که بصورت نیزاری است و ماهی و اردک فراوان دارد، خوک‌های وحشی را شکار میکنند (لوحة ۱۱۹ - ب - ۱۳۰ - الف). در طرف چپ ایوان پنج ردیف فیل روی هم قرار داده شده و بر هر کدام دو مرد سوارند و خوکهای وحشی را که شکار کرده‌اند با خود میبرند. در طرف بالا چند زن برقایی که با پارو حرکت میکنند سوارند، زنها آواز میخوانند و دست میزنند. قایق‌های دیگری در میان مجلس دیده میشود که بر آنها نیز زنها سوارند. هر قایقی دو مرتبه نشان داده شده تا در واقع دولحظه از عملی را که یک قایق انجام داده است نقش کرده باشند. در یکی از آنها پادشاه بزرگتر از اندازه طبیعی نشان داده شده در حالی که کمان بر دست دارد و در حال کشیدن زه آن است و یک زن در سمت چپ، خود را حاضر میکند که تیر دیگری را باو تقدیم کند. زن دیگری در طرف راست چنگ مینوازد. در روی قایق دیگر که در عقب قایق اول قرار دارد و در میان امواج پیش میرود، تعدادی از زنها چنگ مینوازند. در اثر تیرهای پادشاه دو گراز بر زمین افتاده. در طرف راست این مجلس دو قایق دیگر نمایان است. در یکی از آنها پادشاه تاجی بر سر دارد و با دست چپ کمانی را گرفته است. در مجلس پایین شکار پایان یافته و فیل‌ها با خرطومهایشان حیواناتی کشته را جمع میکنند و روی پشتشان قرار میدهند.

لباسها با پارچه‌های فاخر دوخته شده و لااقل در حدود ۳ نوع نقش روی لباس پادشاه دیده میشود و بسیاری از این نقوش در روی قطعات زری عهد ساسانی که بدست ما رسیده نمایان است.

در دیواره طرف راست ایوان شکارگوزن‌ها نشان داده شده (لوحة ۱۳۱ - ب). در میان مجلس یک مربع مستطیل بصورت برجسته نقش شده و در میان آن سه بار پادشاه را سوار بر اسب نشان داده‌اند. در بالای نقش شاه خود را برای عزیمت بشکار مهیا میکنند و یک زن چتری را بالای سوار گرفته است. در پشت سر اوزنان دیگری دیده میشوند که بعضی از آنان موسیقی مینوازند. نوازندگان دیگری روی سکویی نشسته‌اند که نردبانی در کنار آن قرار داده شده. بعضی از آنها چنگ مینوازند و بعضی دیگر دست میزنند. در پایین مجلس پادشاه سوار بر اسب در حال چهارنعل، گوزن‌ها را تعقیب میکند و بر آنها تیر می‌افکند و کمی پائین تر باز پادشاه سوار بر اسب در حال یرتمه از شکار برمیگردد. در سمت چپ مجلس، شترها گوزن‌های کشته را میبرند.

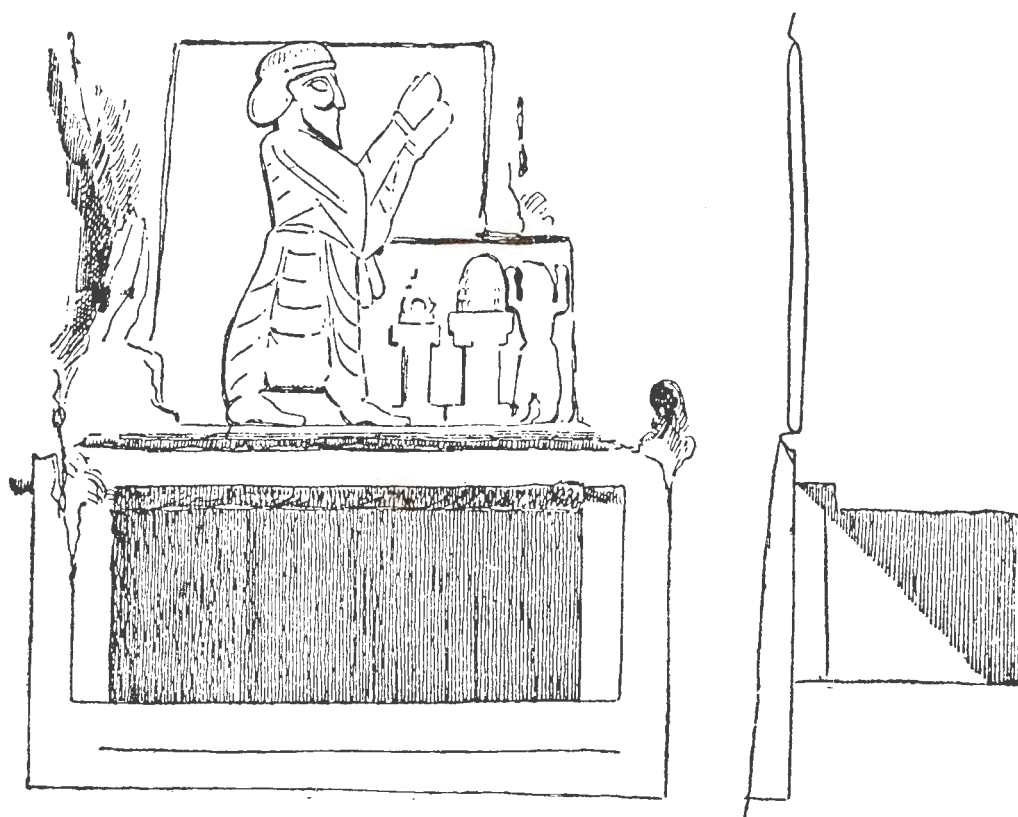
این نقوش برجسته در حقیقت تقلیدی از صفحه نقاشی است که در روی سنگ کنده شده.

مقابل ایوان و نزدیک چشمه‌ای که از کنار آن بیرون می‌آید، سابقاً یک مجسمه خسرو دوم بر پا بوده (ف. ک - ۲۴۹). این مجسمه در دریاچه کوچکی که در دامنه کوه است افتاده و در قرن ۱۹ نیم تنه آنرا از آب بیرون آوردند و اکنون روی بند مجاور دریاچه قرار دارد. این مجسمه پیکر شاه را در حال ایستاده و در حالی که دستهایش را روی شمشیرش قرار داده نشان میداده است. در کنار نیم تنه مجسمه مزبور دو سر ستون دیده میشود (ف. ک - ۲۵۰). روی یکی از این سرستونها صورت خسرو دوم نقش شده و روی دیگری نقش ربه النوعی که تاج گلی در دست راست و گل نیلوفری در دست چپ دارد نمایان است.

آقای هرتسفلد در دهکده قلعه کهنه^۱ (ف. ک - ۲۵۱) در شمال کرمانشاه، در سال ۱۹۱۶ دو سر ستون ساسانی مشاهده کرده که تزئیناتی مرکب از برگ خرما و گل نیلوفر داشته است (لوحة ۱۳۲ - الف، ب). در جنوب کرمانشاه، در محلی موسوم به سکاوند یا ده نو (ف. ک - ۲۵۲) یک استودان یا حفره‌ای که در سنگ کوه تراشیده‌اند تا استخوانهای مردگان را در آن قرار دهند دیده میشود. استودانهای دیگری هم در چندین نقطه از ایران موجود است. ولی استودان نامبرده از دیگر استودانها باین طریق متمایز است که در بالای آن نقش برجسته‌ای وجود دارد (لوحة ۱۳۲ - ج و شکل ۳۲). این نقش مؤیدی را با لباس ایرانی در حالی که مقابل دو آتشدان ایستاده است نشان میدهد. آقای هرتسفلد عقیده دارد که این استودان متعلق به سال ۵۲۱ پیش از میلاد میباشد و تصور میکند متعلق به گوماتای مغ است.

در بیستون، در فاصله ۳ کیلومتری مشرق کرمانشاه، روی بدنه صاف شده کوه، نقش قابل توجهی از داریوش اول دیده میشود (ف. ک - ۲۵۳). پادشاه در حال پرستش در مقابل اهورمزدا نشان داده شده و اهورمزدا بصورت نیم تنه انسان بالدار است که روی قرص خورشید نشسته و در حال پرواز است. این

تصویر از نقوش آشوری اقتباس شده است. ضمناً دو خدمتگزار همراه داریوش اند و کمان و نیزهٔ او را در دست دارند و شاه پای چپ را روی نعلش گوماتا، دشمن اصلی خود، قرارداده و مقابل او و اسیر با بند و زنجیر ایستاده‌اند. یک کتیبهٔ طویل به سه زبان فرس قدیم و بابلی جدید و ایلامی جدید، در چهارده بند، اطلاعاتی راجع به اجداد داریوش و بزرگی کشورش میدهد (لوحه ۳۳ - الف - ب). آقای راولینسون^۱ بین سالهای ۱۸۳۶ و ۱۸۴۱ این کتیبه‌ها را ترجمه کرد و بعداً دانشمندان دیگر، مانند ژاکسون در سال ۱۹۰۳ و کینگ^۲ و تومپسون^۳ در سال ۱۹۰۴ آنرا مطالعه کرده‌اند. در سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹ آقای کامرون^۴ مجدداً این کتیبه‌ها را تحت مطالعه قرار داد (ف. ک - ۲۵۴). تا آن زمان معلوم نبود چگونه



شکل ۳۲

این کتیبه‌ها را در این ارتفاع کنده‌اند. آقای کامرون راه کوچکی را که سابقاً برای رسیدن به نقوش و کتیبه‌ها در سنگ تراشیده بودند پیدا کرد و کتیبهٔ دیگری را که در طرف راست واقع است و تا آن تاریخ استنساخ نشده بود رونوشت کرد. این کتیبه‌ها نسخهٔ ایلامی از متن فرس قدیم و بابلی بود که قبلاً در آن محل پیدا کرده و خوانده بودند.

یک قسمت از این کتیبهٔ ایلامی را در همان زمانهای قدیم پاک کرده بودند تا بجای آن نقش

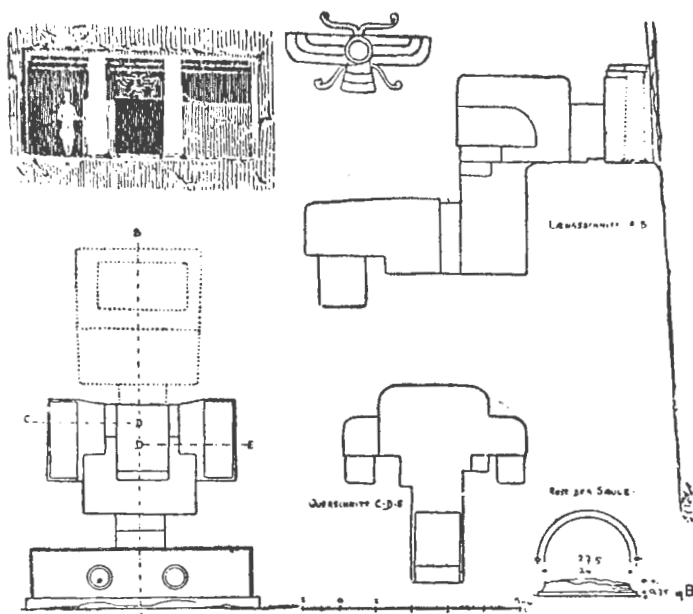
1 - Rawlinson

2 - W. King

3 - R. Thompson

4 - G. Cameron

سکان شونکا^۱ را قرار دهند. مجموع کتیبه‌ها روی چهاربند است و کاملاً محو شده و تا این اواخر فقط سه خط آخر بند اول را می‌شناختند. در پائین نقش و کتیبه داریوش اول، دونقش دیگر از زمان اشکانیان موجود است. (ف. ک- ۲۵۵). موضوع نخستین آنها تجلیلی است که چهار ساتراپ شاهنشاهی نسبت به مهرداد دوم (۸۸-۱۲۳ پیش از میلاد) مینمایند و این قدیمی‌ترین نقش برجسته زمان اشکانیان است. متأسفانه قسمت مهم این نقش را در قرن ۱۸ خراب کرده‌اند تا بجای آن کتیبه‌ای به خط فارسی بنویسند (لوحة ۱۳۳ - ج). با اینحال میتوان قسمت از بین رفته را بازساز کرد زیرا یکی از همراهان «شاردن»، سفیر ونیزی^۲، که «گرولو»^۳ نام داشته، این محل را در سال ۱۶۷۳ دیده و آنرا رونوشت کرده است.



شکل ۲۳

نقش دیگری حاکی از پیروزی گودرز دوم (۵۱-۳۸ بعد از میلاد) بر رقبش مهرداد است. جنگی در میان سه سوار نشان داده شده و نقش وسط مربوط به گودرز است که نیزه خود را بسوی دشمن پرتاب میکند در حالی که یک فرشته بالدار تاجی بر سر او میگذارد. هردو نقش با کتیبه‌ای به خط یونانی همراه است. کمی دورتر تخته سنگ بزرگی دیده میشود که روی آن نقش شاهزاده‌ای که روی آتشدانی اسپند میریزد کنده شده است (ف. ک- ۲۵۶ و لوحة ۱۳۳ - د).

در دهکده بیستون یک جفت سرستون موجود است که مانند سرستون های طاق بستان تزئین شده (ف. ک- ۲۵۷). بین کرمانشاه و کنگاور نزدیک دهکده صحنه^۴ (ف. ک- ۲۵۸)، یک دخمه از زمان مادها منسوب به فرهاد و شیرین (لوحة ۱۳۴ - الف و شکل ۳۳) مشاهده میگردد. دو ستون که از سنگ

تراشیده شده است در دوطرف دروازه این دخمه قرارداد. در بالای در، قرص بالدار خورشید، علامت اهورمزدا، نقش شده. داخل آرامگاه طرح عجیبی دارد. ابتدا وارد دهلیزی میشوند که در آن دو طاقچه است و در طرفین آن دو سکو قرارداد که برای قراردادن جسد دو مرده بوده، چاهی نیز در کف دهلیز دیده میشود که از آن چاه به اطاق اصلی آرامگاه را مییابند و در آن یک سکو برای قراردادن جسد یک نفر ساخته شده. احتمالاً در آنجا جسد پادشاه یا شخص مهم دیگری را قراردادده و اقربای وی را در دهلیز به خاک سپرده اند. این آرامگاه مانند آرامگاه های « داود ختر » و « دکان داود » که در ناحیه فارس از آنها یاد شد، مقدمه آرامگاههای شاهنشاهان هخامنشی در تخت جمشید و نقش رستم میباشد.

در سال ۱۹۳۹ آقای هینز^۱ در صحنه دخمه دیگری کشف کرد (ف. ک - ۲۵۹) اما قبل از آقای ماک دونالد کینر^۲ از آن صحبت کرده بود.

کنگاور (ف. ک - ۲۶۰) که « ایزیدور » از اهل « خارا کس »^۳ (قرن اول پیش از میلاد)، در کتاب تاریخ اشکانیان^۴، آنرا کنکوباز^۵ نامیده، دارای آثاری از زمان سلوکیها میباشد که در حدود ۲۰ سال پیش از میلاد ساخته شده. از معبدی که برای الهه آناهیت در این محل ساخته شده بود بیش از چندستون باقی نمانده که برای ساختمان خانه های شهر بکار برده شده است. ساقه این ستونها صاف بوده و سرستون آنها از نوع سرستون «دری»^۶ میباشد (لوحه ۳۴ - پ) که روی آن یک «بالش کرنی» قراردادده اند.

در همدان، پایتخت قدیمی ماد که یونانیها آنرا اکباتان مینامیدند، هنوز کاوشهایی بعمل نیامده زیرا شهر جدید روی شهر قدیمی بنا گردیده. معهذا از راه اتفاق تاکنون چند کشف قابل توجه در آنجا رخ داده است.

در اواخر قرن اخیر، ژ. دمرگان^۷ جواهرات و اشیاء برنزی و مهرهای استوانه ای مختلفی در ویرانه های همدان پیدا کرد (ف. ک - ۲۶۱). در سال ۱۹۲۰ در همین محل تعدادی اشیاء متعلق به یک گنجینه هخامنشی پیدا شد (ف. ک - ۲۶۲). این اشیاء در ملکیت آقای ویدال^۸ مجموعه دار امریکائی در نیویورک درآمد و در سال ۱۹۴۸ در نمایشگاه هنر ایران در موزه «کرنوچی» در پاریس بمعرض دید قراردادده شد. یکی از آن اشیاء «کتیبه یادگار» زرینی است، که بنام اردشیر دوم بوده و مرکب از ۲۰ خط میخی هخامنشی است. مقصود از «کتیبه یادگار زرین» لوحه طلایی است که مانند سنگ اول بنا در ساختمان کاخ ها بکار برده میشده (لوحه ۱۳۵ - ب). دیگر از اشیاء این مجموعه لوحه یادگار دیگری است که سه قطعه شده و کتیبه آن بخط میخی فرس قدیم، بنام ارشما^۹، پادشاه فارس، پسر اریارامنه^{۱۰}، از خاندان هخامنشی،

1-W. Hinz

2-J. Macdonald Kinner

3- Isidore de Charax

4-Mansiones Parthicae

5-Concobar

6-Dorique

7-J. De Morgan

8-M. Vidal

9-Arshama

10-Ariaramna

(لوحه ۱۳-الف) میباشد. در همین گنجینه چند قطعه طلای دیگر وجود داشت، که نقوش برجسته آن با سبک «چکشی» ساخته شده بود و برای الصاق به صندلی یا تخت، یا در، یا سپر یا قلاب کمر و غیره بکاربرده میشده است. یکی از آنها گاو بالدار را با سرانسان و تاج شاهی نشان میدهد (لوحه ۱۳-ج) و دیگری فقط یک گاو بالدار است (لوحه ۱۳-د). بهمین طریق روی قطعه دیگری از طلا که برای الصاق به شیئی دیگری بکار میرفته یک شتر در حال دویدن، نشان داده شده (لوحه ۱۳-ه). روی یک مدال طلا یکی از پادشاهان هخامنشی رامیتوان دید، که از میان هلال ماه بیرون میآید و در دست چپ گل نیلوفری دارد. در اطراف مدال دایره‌ای از گل‌های نیلوفر نشان داده شده (لوحه ۱۳-و). در میان تزیینات طلا دو شاخه درخت انار با برگ و میوه‌های کوچک (لوحه ۱۳-ز) و انگشتی‌ها و گوشواره‌ها و سه سینه بند مزین به یک سر شیر نر و یک سر شیر ماده و یک سر عقاب با شاخ قوچ نیز بچشم می‌خورد.

در سال ۱۹۲۳ نیز کشفیات مهمی در همدان رخ داد (ف. ک - ۲۶۳)، که از آنجمله است: کشف یک لوحه یادگار طلا و نقره بنام داریوش اول، کتیبه‌ای به سه خط فرس قدیم و ایلامی و بابلی، یک ظرف نقره با یک کتیبه به خط فرس قدیم بنام خشایارشاى اول، یک لوحه طلا با کتیبه‌ای بنام آریارامنه پدر بزرگ داریوش اول، یک ته‌ستون با کتیبه‌ای به خط فرس قدیم بنام اردشیر دوم.

اخیراً اشیاء مختلفی از طلا وارد موزه ایران باستان شده که میگویند در همدان کشف گردیده (ف. ک - ۲۶۴) و عبارتست از یک خنجر (لوحه ۱۳۶-الف) و یک دستبند مزین به نقش چند شیر (لوحه ۱۳۶-ب) و یک جام بنام خشایارشاى اول (به زبان ایلامی و بابلی و فرس قدیم) (لوحه ۱۳۶-ج) و یک جام بشکل پیکر شیر بالدار (لوحه ۱۳۶-د).

اکتشاف این اشیاء زرین هخامنشی در همدان امری طبیعی است، زیرا اکباتان علاوه بر اینکه پایتخت پادشاهان ماد بوده محل خزانه خشایارشاى اول و پایتخت تابستانی پادشاهان هخامنشی نیز بوده است. به علاوه اسکندر نیز پس از اینکه خزانه شاهان هخامنشی را تصاحب کرد آنها را از تخت جمشید به همدان انتقال داد.

باید شیر بزرگی را که از سنگ ساخته شده و «سنگ شیر» نام دارد در اینجا نام برد. این سنگ که در جنوب شرقی شهر همدان قرار دارد و خیلی شکسته است احتمالاً متعلق بزمان اشکانیان است (ف. ک - ۲۶۵).

پیش از جنگ بزرگ جهانی اخیر در اطراف همدان دوسر برنزی قابل توجه پیدا شد (ف. ک - ۲۶۶) که متعلق به قرون ۱۲ یا ۱۳ پیش از میلاد بود (لوحه ۱۳۷-الف - ب). اخیراً نیز در آنجا قطعه‌ای از سنگ تراشیده عهد هخامنشی پیدا کرده‌اند (لوحه ۱۳۷ - د).

در کوه الوند در محلی موسوم به گنج‌نامه (ف. ک - ۲۶۷)، به فاصله ۱۲ کیلومتر در جنوب غربی

همدان، دو کتیبه از زمان هخامنشی، در ارتفاع ۲۰۰ متر از کف زمین، دیده میشود. کتیبه سمت چپ به سه زبان فرس قدیم و بابلی جدید و ایلامی جدید است و بدستور داریوش اول نوشته شده و کتیبه سمت راست متعلق به عهد خشایارش اول است (لوحه ۱۳۸ - الف). اینکه که آثار واقع در این جاده قدیمی را مطالعه کردیم کاوشها و تفحصات باستانشناسی را که در این ناحیه انجام داده شده است بررسی میکنیم.

هیئت فرانسوی که در شوش مشغول کار است در محلی موسوم به «تل زهاب»، چند گمانه زد (ف. ک - ۲۶۸) و در آنجا سفالی شبیه به سفال طبقه پنجم تپه گیان بدست آورد.

در سال ۱۹۳۲ در محلی موسوم به «زالوآب»، در فاصله ۳ کیلومتر در شمال شرق کرمانشاه، نزدیک شهر کوچک «دیناور»، بین بیستون و کنگاور، کاوشهای تجارتی شد (ف. ک - ۲۶۹). در این کاوشها بیش از ۶۰۰ قبر شکافته شد. بیشتر این قبرها نزدیک دهکده زالوآب بود و تعدادی نیز در کنار دود دهکده پیر غیب و «کوش قلعه» قرار داشت. در قبرها گاهی خمره های بزرگی از گل پخته مکشوف میشد که مرده را در آن قرار داده بودند و گاهی قبر در سنگ کوه تراشیده شده و روی آن دو یا سه تخته سنگ بزرگ قرار داده شده بود. در این قبرها آبخوریهای برنزی مخصوص تشریفات مذهبی بدست آمد که روی آن مجلس بزمی نشان داده شده بود. روی ظرف دیگری یک کمان دار زانو بزمین زده، شتر مرغی را به سبک آشوریها هدف تیر خود قرار داده بود. بعلاوه تیرها و پیکانها و زنگوله هایی هم در این قبرها دیده میشد. تعداد اشیاء آهنین قابل توجه بود و از تعداد اشیاء برنزی تجاوز میکرد. این اشیاء را از قرون اول هزاره اول پیش از میلاد دانسته اند. در «دیناور» قطعاتی از یک ظرف بزرگ سنگی (دوسکومی) مزین به تصاویر سیلنها^۱ و ساتیرها^۲ پیدا کرده اند (ف. ک - ۲۷۰) (لوحه ۱۳۷ - ج).

در پیراوند (ف. ک - ۲۷۱)، واقع در فاصله ۷/۵ کیلومتری شمال طاق بستان، یک قبر طاق دار پیدا کردند که شامل مقدار زیادی مجسمه های کوچک برنزی بشکل انسان بود (لوحه ۱۳۸ - ب - ج). در همان محل نیز یک آبخوری بزرگ، با کتیبه ای بنام شار کالی شاری^۳ پسر و جانشین نارام سین پیدا شد. سبک کار این برنرها با سبک کار برنرهای لرستان بکلی اختلاف داشت.

در سال ۱۹۳۶ آقای استین (ف. ک - ۲۷۲)، پس از انجام مسافرت های علمی خود در ناحیه خوزستان و لرستان وارد کردستان شد. وی از راه صحنه از کرمانشاه به جانب سقز رهسپار شد و از سقز راه آذربایجان را پیش گرفت و بررسیهایی کرد. بررسی قابل توجه این مسافرت مشاهده و مطالعه غار کرفتو (ف. ک - ۲۷۳)، در مشرق سقز و جنوب شرقی صائین قلعه (شاهین دژ فعلی)، بود. آقایان کرپرتر^۴ در سال ۱۸۱۸ و راولینسون^۵ در سال ۱۸۳۸ این غار را دیده بودند. در این غار چند راهرو و چند اطاق

وجود دارد که در دل کوه تراشیده شده است. در بالای مدخل غار یک کتیبه بخط یونانی خوانده میشود و آقای راولینسون قسمتی از آنرا ترجمه کرده است ولی آقای اورل استین تمام آنرا رونوشت کرده. این کتیبه مربوط به دوران اخیر یونانی است.

از ماه ژوئن تا اکتبر سال ۱۹۴۹ آقای کون^۱ (ف. ک - ۲۷۴) غارهای کردستان را دقیقاً تحت مطالعه قرارداد. یکی از قابل توجه ترین غارهای مزبور نزدیک بیستون بود و دیگری در راه میان سنندج به همدان قرارداد داشت.

غار اولی «غار شکارچیان» نام دارد و آقای «کون» در آن گودالی کند، و تا عمق شش متر ونیم پائین رفت، و معلوم شد این غار متعلق به دوران «پلیستوسن» اخیر^۲ میباشد و در عهد شکارچیان مورد سکونت قرار گرفته بود. در این غار مقدار زیادی ابزار سنگی بدست آمد که از عهد «لوآلوی جدید»^۳ یا اورینیاک قدیم بود^۴. بعضی از این ابزارها بسیار ظریف بود و رنگ مطبوع و شکل پسندیده ای داشت. بعد از این اشیاء در طبقه بالاتر مقدار زیادی استخوان حیوانات دیده شد. چنین بنظر میرسد که پس از شکارچیان مردم کشاورزی جای آنانرا در این غار گرفته اند و قشرواقع بین چهارمتر ونیم تا دومتر عمق، از باقیمانده های این ساکنان جدید بود. پس از آن تعدادی سفال ضخیم و سنگهای کوچک دوران نئولیتیک دیده میشود. طبقه آخر این غار از دوران تاریخی بود.

بدون شک مهمترین کشفی که در ده سال اخیر در ایران شده، اکتشافات مربوط به «زیویه» است. این تپه در حدود واقع بین کردستان و آذربایجان و در فاصله ۲ و ۴ کیلومتری مشرق شهر سقز قرار دارد. یک قسمت از این تپه در سال ۱۹۴۷ در نتیجه طوفانی فروریخت و آثار بنای کهنی را آشکار ساخت. در آنجا تشتی از جنس برنز، بصورت تابوتی، از عهد آشور قرارداد داشت و در آن ظرف اشیاء قیمتی متعدد پنهان شده بود. دهقانان بآن گنجینه دست یافتند و آنرا قطعه قطعه نموده میان خود تقسیم کردند.

دو سال بعد از این واقعه آقای «گدار» رئیس اداره کل باستانشناسی ایران از این موضوع اطلاع یافت و موفق شد قسمتی از این گنجینه را بدست آورد و موزه ایران باستان آنرا خرید. مع هذا بعضی از آن اشیاء به خارج از ایران رفته داخل در مجموعه های اروپا و امریکا شده بود (ف. ک - ۲۷۸).

ظرف برنزی مزین به نقش تعدادی جنگجویان آشوری و شامل اشیائی از طلا و عاج و نقره بشرح زیر بود (ف. ک - ۲۷۵).

الف - اشیاء طلا

۱- یک سینه بند بزرگ (لوحة های ۱۳۹-۱۴۰). روی این سینه بند تصویر دو ردیف حیوانات

۱ - C. Coon ۲ - Pléistocène ۳ - Levalloisien récent

۴ - Aurignacien در آخر کتاب فهرستی برای توضیح این دورانها ترتیب داده شده

افسانه‌ای و موجودات خیالی نقش شده بود که از طرفین بسوی درخت زندگانی که در وسط سینه بند بود، در حرکت بودند. در هر طرف این درخت، ردیف بالا، یک بز کوهی، و یک حیوان با سرانسان و یک گاو بالدار با سرانسان و یک شیر بالدار دیده می‌شود. در ردیف پایین دو گاو نر بالدار که یکی از آنها سرانسان دارد و یک حیوان افسانه‌ای بالدار شبیه به شیر و یک قوچ بالدار و یک حیوان افسانه‌ای با سرانسان نقش شده بود. در گوشه‌های این سینه بند در یک طرف یک خرگوش و در طرف دیگر یک پلنگ خوابیده‌اند. نقوش و اشکال این سینه بند شباهت به نقوش و اشکال هنرهای مختلف دارد. از یک طرف نفوذ هنر آشوری در آن دیده می‌شود، خصوصاً در حیوانات افسانه‌ای و درخت زندگی و از طرف دیگر وجود یک پیش‌بند مقابل ابوالهول نشانه رابطه‌ای با هنر فنیقیه است و قرار دادن خرگوش و شیر شباهت به سبک کار سکاها دارد.

۲- قسمتی از غلاف یک دشنه که با نقش تعداد زیادی بزهای کوهی، در یک ردیف، تزیین یافته (لوحة ۱۴۱ - د).

۳- قسمتی از سینه بند، مزین به سر بز کوهی، بصورت نقش برجسته.

۴- قسمتی از بدنه یک جعبه طلا، با نقش سر شیر از روبرو، که در فاصله میان آنها بزهای کوهی خوابیده نقش شده است و شاخ‌های بلندشان بصورت مارپیچ درآمده و پا‌های خود را زیر شکمشان قرار داده‌اند و این از خصوصیات هنر سکاها است (لوحة ۱۴۱ - ج).

۵- زیوری از طلا که روی آن دو مجلس نشان داده شده و میان آن دو مجلس خط تائیده‌ای کشیده شده. در مرکز این دو مجلس درخت زندگی بصورت مصنوعی نقش شده. در مجلس بالا سمت چپ یک گاو بالدار با سرانسان دیده می‌شود و در طرف راست شیری با پنجه‌های عقاب قرار دارد. در مجلس پایین در طرف چپ شیر بالدار با دُم عقرب و شاخ گاو و یک فرشته بالدار با سر عقاب مجسم گردیده است. فرشته مزبور ظرف آب و اسفنجی شبیه به میوه کاج در دست دارد.

۶- دست بند بازی که به دوسر شیر منتهی می‌گردد. حلقه این دست بند چهار طرف صاف دارد که میان آن عریض‌تر است و دو شیر بصورت نقش برجسته آنرا مزین مینماید (لوحة ۱۴۱ - ب).

۷- یک لوحة تزیینی به سبک هنر سکاها.

۸- یک تاج با نقش گل پنج پر مرصع.

۹- گوشواره‌ها.

۱۰- شیرها و بزهای کوهی (لوحة ۱۴۱ - الف) و سر پرندگان.

۱۱- یک جام طلا.

اثر نفوذ هنر آشوریه و سکاها و فنیقیه در عموم این اشیاء مشهود است و کار جواهرسازان «مانائی» میباشد که در قرن هشتم پیش از میلاد در این نواحی مسکن داشته‌اند.

ب - اشیاء عاج

معمولاً این قبیل اشیاء برای تزیین صندلیها و تخت ها بکار رفته و به سه دسته تقسیم میشود : دسته ای که هنرشان با هنر آشوریهها شباهت دارد ، شامل تزیینات درخت زندگی ، بصورت مصنوعی و به سبک آشوری ، بزهای کوهی ، یا بز اهلی است که در مقابل درخت حیات زانو بر زمین زده و خوابیده اند (لوحه ۱۴۲ - الف) . مناظر شکار را نیز باید به آن اضافه کرد (لوحه ۱۴۲ - ب - ج - د) . دسته دیگری هنرشان شباهت به هنر سوریۀ شمالی دارد و تزیینات آن عبارت از ابوالهول بالدار است که در اطراف آن گل های پنج پر پراکنده است و باین تزیینات باید مجلس بزم (لوحه ۱۴۳ - الف) و یک گوزن در حال چریدن علف را اضافه نمود . دسته دیگری که تزیینات آن محلی ، یعنی « مانائی » است ، مرکب است از یک لوحه با نقش مردانی که چتر یا کمان و پیکان و زوبین در دست دارند و شکارچسانی که در حال کشتن یک بز کوهی میباشد (لوحه ۱۴۲ - الف) . این اشیاء را که همگی از عاج است از قرن هشتم و هفتم پیش از میلاد میدانند .

ج - اشیاء نقره

اشیاء نقره عبارتست از وسایل تزیینی اسب و تزیینات دیگری از نقش شیرها و گاوهای نر و خطوط تاییده (لوحه ۱۴۲ - ه) . بنا بر گفته آقای « گدار » این اشیاء نتیجه کار جواهرسازان مانائی است که در فاصله میان ۸۵۰ تا ۷۵۰ پیش از میلاد در این ناحیه مشغول کار بوده اند . در میان اشیاء این گنجینه بعضی از آنها کاملاً به سبک آشوری یا فقط به سبک فینیقی یا بسبک هنر سکاهاست و برخی منحصراً به سبک محلی است و در بعضی دیگر اثر هنر تمام این سبکهای مختلف بصورت مخلوط دیده میشود . اشیاء اخیر بیشتر قابل توجه است و بهترین نمونه آنها سینه بند بزرگی است که شرح آن گذشت .

بنظر آقای گدار آن قبیل اشیائی که نفوذ هنر های مختلف در آن دیده میشود کار جواهر سازان محلی « مانائی » است ، که در ناحیه جنوب شرقی دریاچه رضائیه مسکن داشته اند و مرکب از قبایل « آسیانی » (مردمیکه پیش از آریائیها در ایران و آسیای غربی مسکن داشته اند) بودند ، که بتدریج تمدن و فرهنگ ایرانی ها را کسب کردند . این قبایل از اختلاف و رقابت بین آشوریهها و مردم « اورارتو » استفاده کرده بر قدرت خود افزودند و ابتدا با آشوریهها اتحاد کردند ولی بعداً علیه آنها قیام نمودند و با پشتیبانی سکاه (سیت ها) و « سیمریها »^۱ ، که بجانب آسیای مقدم روان بودند ، در اواخر قرن هشتم پیش از میلاد وارد ناحیه آشور شدند . در سالنامه سارگن دوم از ویران نمودن « ایزیرتو » پایتخت « مانائی ها » و « زیپا » ، که

شاید همان «زیویه» باشد ذکر شده است. در زمان «آشوربانیپال»، کشور «مانائی» تحت نفوذ آشور قرار گرفت و بعد از سقوط «نینوا»، در تاریخ ۶۱۳ پیش از میلاد، «مانائی‌ها» جزو حکومت «مادها» و سپس جزء حکومت پارسها شدند.

آقای گدار تصور مینماید که گنجینه زیویه از قرن نهم پیش از میلاد است و «سکاها» (سیت‌ها) پس از اینکه به آسیای صغیر هجوم آوردند، در اواخر قرن هشتم پیش از میلاد، از نظر هنری اقتباسات زیاد از «مانائی‌ها» کردند، بطوری که هنر «سکاها» در روسیه عیناً تقلیدی از هنر «مانائی‌ها» است که در آن «سکاها» خصوصاً فن ترصیع را زیاد بکار برده‌اند.

با اینحال اینطور بنظر میرسد که هنوز خیلی زود است که بطور قطع این نتیجه گرفته شود که «سکاها» شکل‌های هنری خود را از «مانائی‌ها» اقتباس کرده باشند، زیرا این امکان هم وجود دارد که مانائی‌ها موضوع‌هایی را از قبیل گوزن با شاخ‌های مارپیچ که پاهایش را زیر شکمش قرار داده و نشسته است و روی بعضی از اشیاء گنجینه «زیویه» دیده میشود، از سکاها هنگامی که در این ناحیه اقامت داشتند اقتباس کرده باشند.

آقای گیرشمن (ف. ک - ۲۷۶) در اشیاء گنجینه زیویه سه دسته متمایز تشخیص داده. یکی اشیاء آشوری و دیگری کارهای هنرمندان سکائی و سوم اشیاء آشوری که در آن موضوع‌هایی مربوط به سکاها و فنیقیها دیده میشود و بالاخره اشیائی که کاملاً رنگ محلی دارند و آقای گیرشمن تصور مینماید که اشیاء اخیر متعلق به «مادها» است، که از ۶۷۵ تا ۶۲۵ پیش از میلاد در آن ناحیه حکومت کرده‌اند. در واقع «مادها» در این ناحیه جانشین «مانائی‌ها» شدند و هنر آنها مخلوطی از هنر مانائی‌ها و آشوری‌ها و سکاها بود.

آقای فالکنر^۱ (ف. ک - ۲۷۷) عقیده دارد که گنجینه زیویه متعلق به قرن هفتم پیش از میلاد است و این همان زمانی است که سکاها در آن ناحیه حکومت داشته‌اند. بعقیده او سینه‌بند بزرگ که رابطه زیادی با هنر «مادها» دارد از همان زمان است.

گنجینه زیویه برای مطالعه سر آغاز و منشأ هنر «ایران بزرگ» یعنی هنر هخامنشی خیلی اهمیت دارد. در واقع ریشه‌های هنر هخامنشی را میتوان در هنر برنزکاری لرستان و در هنر گنجینه زیویه و در هنر «اورارتو» جستجو کرد، نه در هنر آشور و بابل.

در روی تپه زیویه چند گمانه زده شد و مقدار زیادی سلاح‌های مختلف مانند خنجر و نیزه و پیکان و اشیاء دیگر برنزی و سفال پیدا شد. بهترین قطعات سفال این ناحیه ظروف لعاب دار (لوحة ۳ - ۱ - د) و

جام‌های شبیه بشاخ با سرانسان یا حیوان (لوحة ۳-۱، ب، ج، ه) میباشد. اخیراً نیز یک تبر در این ناحیه پیدا شده که روی دستگیر آن پیکر انسان و حیوانات مجسم شده است (لوحة ۴-۱ الف) (ف. ک - ۲۷۹).

۱۰- آذربایجان

ایالت آذربایجان در شمال غربی ایران واقع است و عبارت از فلات مرتفعی است، که بیشتر کوه‌های آن از آتش فشانهای قدیم است. در میان این ایالت گودال بزرگی است که دریاچه رضاییه را تشکیل داده است. بیشتر دسته‌های مهاجمی که در طی قرون از شرق به غرب ایران رفته‌اند از این ناحیه گذشته‌اند، بطوری که میتوان آنها را چهار راهی برای عبور ملل و مرکزی برای تجارت دانست. تا سالهای اخیر هیچ نوع کاوش علمی در این ناحیه بعمل نیامده بود.

آقای دمرگان^۱، نزدیک دهکده خلیل دهیل^۲ چند چاقو تیزکن متعلق به دوران پیش از تاریخ و سه قبر متعلق به همان زمان پیدا کرد (ف. ک - ۲۸۰). بعضی از عتیقه فروشان ارومیه نیز چند گمانه در نقاط مختلف آذربایجان زده‌اند. ولی برای گرفتن نتایج قطعی باید به تفحصات و عکس برداری هوایی آقای «اریک اشمیت» (ف. ک - ۲۸۱) و مسافرت‌های علمی آقای «اورل استین» (ف. ک - ۲۸۲) در سال ۱۹۳۶ توجه کرد.

از ماه اوت تا ماه اکتبر ۱۹۳۶ این باستان‌شناس عالیقدر چهارمین مسافرت خود را آغاز کرد، نخستین مسافرت او از سال ۱۹۳۲ در ایران جنوبی و غربی شروع شده بود، وی از سقز بطرف لایجان و اشنویه و دریاچه رضاییه عزیمت نمود. در ناحیه اشنو، در جنوب غربی این دریاچه، چندین محل پیش از تاریخ پیدا کرد. در دینخا^۳ (ف. ک - ۲۸۳) سفال منقوش متعلق به اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم پیش از میلاد بدست آورد و به قبرهای اواخر هزاره دوم برخورد. در گرد حسن علی^۴ (ف. ک - ۲۸۴) سفال رنگین عهد «کالکولیتیک»^۵ پیدا شد و بعضی از آنها نظیر سفال طبقه پنج تپه گیان بود. بالاخره در حسنلو (ف. ک - ۲۸۵) قبرهایی پیدا کرد که پر از سفال از نوع سفال گورستان B سیلک بود. حسنلو در ناحیه سلدوز به فاصله ۵۰ کیلومتر در جنوب غرب رضاییه واقع است. این ناحیه در تاریخ ۱۹۳۴ مورد مطالعه عتیقه فروشان ارومیه قرار گرفته است (ف. ک - ۲۸۶). اداره کل باستان‌شناسی ایران در سال ۱۹۴۷ در روی تپه حسنلو تحت هدایت آقایان راد و علی حاکمی کاوشهایی بعمل آورد (ف. ک - ۲۸۷).

قبرهای گورستان مکشوفه با سنگ ساخته شده بوده و روی آنها یک تخته سنگ بزرگ قرار داشته است. مردگان معمولاً بحال «چمباتمه» بخاک سپرده شده بودند.

سفال مکشوف در این ناحیه معمولاً خاکستری مایل به سیاه و گاهی قرمز بوده است و در قبرها بدست آمده است. این ظروف عبارتست از قوری‌های نوک بلند با دسته‌های شیاردار یا تکمه‌دار یا دندانه‌دار و گاهی مزین به نقش حیوان، بصورت برجسته و بهر حال این ظروف تقلیدی از ظروف فلزی بوده است (لوحة ۱۴۴ - ب - ج - ۱۴۵ - الف - د) و نیز در این قبرها سه پایه‌های سفالین پیدا شده که روی آن قوری‌های مزبور را قرار میداده‌اند (لوحة ۱۴۵ - ه - و). اشیاء دیگر مکشوف در این قبرها عبارتست از آبخوریها و جام‌های دسته دار با نقش برجسته حیوانات (لوحة ۱۴۶ - الف - د) و بالاخره جام‌های شبیه به شاخ و بشکل کفش (لوحة ۱۴۶ - ه - و). چند قطعه سفال رنگین نیز در این محل بدست آمد مانند یک جام با نقش حیوان و یک ظرف سه قولو با تصویر انسان بصورت برجسته و روی پایه‌ استوانه‌ای شکل (لوحة ۱۴۷ - الف - ب - ج). ظروف فلزی نیز پیدا شد و جالبترین آن عبارت بود از قوریهای برنزی نوک دار و یک مجسمه شیر که بدن آن از برنز و دم آن از آهن بود (لوحة ۱۴۷ - د) و مجسمه‌های کوچک حیوانات و یک صفحه دایره‌ای شکل مزین به نقش یک اسب بالدار (لوحة ۱۴۷ - ه) و چند خنجر و گرز و نیزه دسته‌دار و پیگان و زنگوله و زینت آلاتی از برنز و جواهراتی از طلا (لوحة ۱۴۸ - الف) و مهرهایی به تقلید نقوش بین النهرین. آثار حسنلو از یک سو به اشیاء مکشوف در گورستان A سیلک و طبقه اول تپه گیان و گورستان B سیلک و از سوی دیگر با آثار مکشوف از نقاط مختلف آسیای صغیر، خصوصاً الیشر^۱ نزدیک میشود. از سال ۱۹۵۶ بعد آقای دایسون^۲ از طرف دانشگاه «پنسیلوانیا» به کاوشهای بسیار قابل توجهی در حسنلو مشغول میباشد (ف. ک - ۲۸۸).

اشیاء دیگری که در کاوشهای «گوی تپه» در سال ۱۹۴۸ بعمل آمد وجود رابطه این نواحی با آسیای صغیر را تأیید کرد. این کاوشها تحت سرپرستی آقای بورتون برون^۳ نماینده مکتب انگلیسی باستانشناسی در عراق اداره میشد. سابقاً آقای استین در این محل چند گمانه زده بود (ف. ک - ۲۸۹) و کاوشهای قاچاقی نیز در آن بعمل آمده بود (لوحة ۱۴۸ - ج - د). در ضمن کاوشهای تجارتی در سال ۱۹۳۴ یک صفحه برنزی با تصویر «گیلگامش» در آنجا کشف شده بود (ف. ک - ۲۹۰). گیلگامش در این نقش در میان دایره‌ای ایستاده، پاهایش را با فاصله‌ای در روی زمین قرار داده و دو گاو وحشی را از پاهایشان گرفته بلند میکند (لوحة ۱۴۹ - الف). در کنار این صفحه برنزی یک دهانه اسب از برنز و یک دسته مربوط به شیئی که کاملاً مشخص نشده، قرار داشته است، تمام این اشیاء متعلق به قرن هشتم پیش از میلاد است. آقای «بورتون برون» روی این تپه هشت شکاف باز کرد و هیچکدام از آنها بزمن بکر نرسید (ف. ک - ۲۹۱)، مع هذا برای نخستین بار آشکار شد که در آذربایجان طبقات از نظر آثار تمدنی که در آن بود منظمأ بشرح زیر روی هم قرار گرفته است:

الف - طبقه قدیم‌تر از همه را طبقه «N» نامیدند و از آن چند قطعه سفال قرمز رنگ صاف ولی بدون نقش و سفال بدون نقش خاکستری رنگ بدست آمد.

ب - طبقه «M» طبق اظهار کاوش کننده با آثار «العبد» هم‌دوره بوده ولی این مقایسه فقط از نظر تاریخ است نه از نظر تشابه اشیاء. در این طبقه آثار ساختمان‌های گلی با پی‌ریزیهای سنگی پیدا شد. سفال این طبقه زمینه قهوه‌ای روشن یا قرمز داشت و نقش آن مرکب از خطوط هندسی سیاه رنگ بود و با طبقه دوم و ابتدای طبقه سوم تپه سیلک مطابقت میکرد.

ج - طبقه سوم را طبقه «K» نامیدند و در آن گاهی سفال خاکستری رنگ و گاهی سفال سیاه رنگ بدون نقص ولی صیقلی شده و سفال دیگری با نقوش برجسته پیدا کردند. این سفال به سفال تریالتی^۱ در قفقاز و سفال طبقه دوم الیشار^۲ در آسیای صغیر شباهت داشت.

د - در طبقه چهارم (طبقه G) سفال سیاه و صیقلی شده‌ای که روی آن بجای تزیینات آثار انگشت دیده میشد، پیدا شد.

سپس طبقات زیر روی هم قرار گرفته بود:

ه - یک دوران نامعلوم و متزلزلی (دوران D) که در آن چندین بار آتش سوزی اتفاق افتاده و مجدداً ساخته شده بود. قبرهای این طبقه از ۲۰۰ سال پیش از میلاد بود و در آنها مجسمه‌های نوع شمالی^۳ دیده میشد. آقای «بورتون برون» تصور کرده است که این قبرها از نخستین آریایی‌هایی بوده است که به آذربایجان، از راه فلات ایران وارد شده‌اند.

مردگان را در قبرهای سنگی خوابانده و روی قبرها تخته سنگهایی قرار داده بودند. سفال موجود در این قبرها بدون نقش و قرمز رنگ صاف شده یا با نقش چند رنگ بود و شباهتی با سفال طبقه سوم الیشار داشت.

و - طبقه بعد (طبقه C) متعلق به ۱۰۰ تا ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد، شامل سفال بدون نقش صیقلی شده سیاه یا خاکستری بود که به سفال «هیت‌ها» در آسیای صغیر شباهت داشت.

ز - در آخرین طبقات (طبقات A و B) ظروف صیقلی شده با رنگ‌های قرمز و خاکستری پیدا شد که دسته‌های آن مانند ظروف حسنلو غالباً بصورت حیوانات بود. بعلاوه این سفال به سفال طبقه اول تپه گیان شباهت داشت.

در همین نقطه، در روی تپه، سنگ‌های تراشیده‌ای با نقش حیوان پیدا شد (لوحة ۱۴۸ - ه)، که از هزار سال پیش از میلاد است و قابل توجه میباشد. در میان آنها نقش دو قوچ و یک پلنگ دیده

میشود که از نظر سبک کار سنگ تراشی قابل مقایسه با سنگ‌های تراش خورده دوران بعد از « هیتی‌ها »^۱ میباشد. روی بدن یکی از کوچ‌هائش منقش مرکب از چهار علامت وجود دارد؛ این علامت‌ها روی صدها تخته سنگ که در بالای قبرها قرار داده شده نیز دیده شده است. این کاوشها فقط مدت شش هفته ادامه داشت و نشان داد که آذربایجان از یک سو با قفقاز و آسیای صغیر و از سوی دیگر با ایران مرکزی روابط دایمی داشته است. آقای « کارلتون کون »^۲ در سال ۱۹۰۹ چند غار را در این ناحیه مورد مطالعه قرارداد (ف. ک. - ۲۹۲). مهمترین این غارها « داور زغازی »^۳ نزدیک میرآباد، در حوالی رضائیه، و غار تمتعه^۴، در دره نزلو^۵ در شمال رضائیه بود. در غار اخیر چند شیئی سنگی از عهد « لوالوآی جدید »^۶ شبیه به ابزار غارهای شکارچیان در نزدیک بیستون بدست آمد.

در حدود ۲۰۰ کیلومتری دریاچه و ۷۰ کیلومتری جنوب شرقی میانه تخت سلیمان قرار داد که در زمان اشکانیان فرا اسپا^۷ نامیده میشده. در آنجا در روی تپه‌ای ویرانه‌های ساختمانهای قدیم در اطراف دریاچه عمیقی دیده میشود. حصار شهر قدیمی که در این محل وجود داشته هنوز برجاست و محیط آن ۱۲۰ متر است. این دیوارها ۵ متر ضخامت و ۱ متر ارتفاع داشته و در اطراف آن ۲۷ برج قرار داشته که هر کدام دو دروازه داشته است (لوحة ۹۴-ب). در مرکز شهر یک آتشگاه و کاخ‌ها و سربازخانه‌هایی بوده است. « مؤسسه آمریکایی برای هنر و باستان‌شناسی ایران » از این ویرانه‌ها نقشه بسیار دقیقی برداشته ولی جز یک گزارش مقدماتی چیز دیگری هنوز به چاپ نرسانده است (ف. ک. - ۲۹۳).

در جنوب دریاچه رضائیه، نزدیک تاش تپه^۸ در محلی موسوم به فخرآگاه^۹ (ف. ک. - ۲۹۴). دخمه‌ای دیده میشود. این دخمه یا آرامگاه را چندین بار آقایان راولینسون (در ۱۸۳۸) و هوتوم شیندلر^{۱۰} (در ۱۸۸۲) و ژ. دمرگان (در ۱۸۹۶) و اورل استین و بالاخره آقای هرتسفلد بازدید نموده‌اند. دخمه مزبور شباهت زیاد به آرامگاه « داودختر » دارد ولی دروازه این بنا عبارت از سردری است که در طرفین آن دو ستون منفرد قرار گرفته که خوب حفظ شده است (شکل ۳۴). اطاق آرامگاه نیز سه ستون دارد و در آن سه طاقچه در سنگ کنده شده که بمنزله قبرهای دخمه است. هرتسفلد تصور میکند که این آرامگاه یک شاهزاده مادی از کشور « مانائی » است و تاریخ آنرا بین ۸۴ و ۶۶۰ پیش از میلاد قرار میدهد. نزدیک تاش تپه (ف. ک. - ۲۹۵) کتیبه‌ای در روی سنگ بزبان « اورارتویی » کنده شده. دو قطعه بزرگ از این کتیبه را آقای فابر^{۱۱} از آن محل به موزه بریتانیا برده و دو قطعه دیگر هنوز در همان محل باقی میباشد.

اخیراً (در سال ۱۹۵۰) کتیبه دیگری بزبان « اورارتویی »، بوسیله آقای مشکور در کوه زاغی

1 - Post - Hittite

2 - Carleton Coon

3 - Davar Zaghasi

4 - Tamtama

5 - Nazlu

6 - Levalloisien récent

7 - Phraaspa

8 - Tāsh Tepé

9 - Fakhrākah (فخره قا؟)

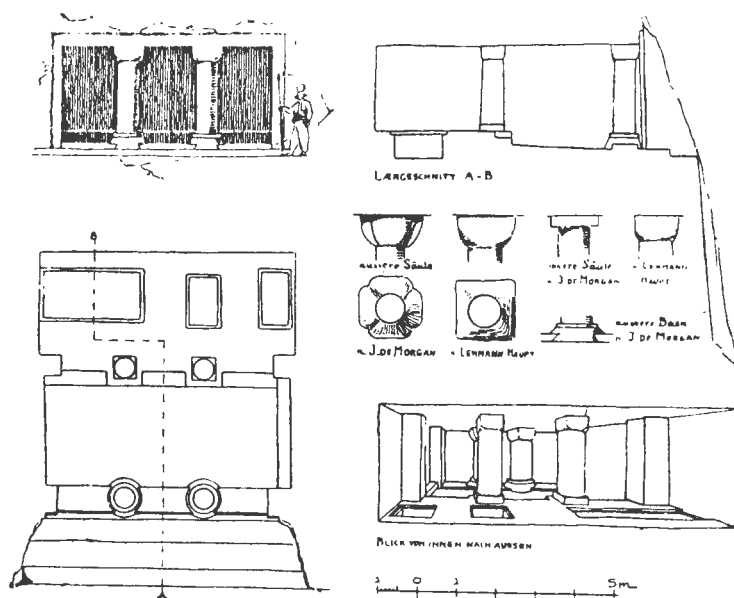
10 - A. Houtum Schindler

11 - W. Faber

در فاصله ۲ کیلومتر در شمال سیکندل کشف شده است (ف. ک - ۲۹۶).

در کیله شین^۲ (ف. ک - ۲۹۷) در جنوب غربی اشنویه روی راه روآندوز یک سنگ یادگار با ارتفاع ۱/۷ متر دیده میشود که کتیبه‌ای به دو زبان روی آن کنده شده و متعلق به قرن هشتم پیش از میلاد است. در طرف مشرق این سنگ متن «اورارتویی» از ایسپوینا^۳ پادشاه «اورارتو» نوشته شده و در طرف مغرب همان متن ب زبان آشوری است.

این سنگ را آقای شولتز^۴ پیدا کرد ولی راولینسون اولین بار گزارشی راجع به آن منتشر نمود. بعداً



شکل ۳۴

در ۱۸۸۸ آقای دمرگان آنرا رونوشت کرد و در سال ۱۸۹۸ آقای لمان هوپت^۵ و بلک^۶ آنرا برای بار دیگر مطالعه نمودند. بهترین ترجمه آن بوسیله آقای «مینورسکی»^۷ انجام گرفت و اخیراً در ماه ژوئیه ۱۹۰۱ آقای کامرون^۸ مجدداً آنرا منتشر نمود.

در فاصله ۳ کیلومتری سلماس (ف. ک - ۲۹۸) که امروز شهر شاپور نام دارد در دهکده‌ای بنام خان تخته^۹ نقش برجسته‌ای از زمان ساسانیان موجود است. این نقش را آقایان کرپرت^{۱۰} و فلاندن و گست^{۱۱} و دمرگان^{۱۲} و لمان هوپت^{۱۳} با زرسی کرده‌اند. این نقش برجسته خیلی خراب شده و از کتیبه‌ای که «کرپرت» و «لمان هوپت» بآن اشاره کرده‌اند چیزی نمانده. فقط آثاری از نقش دو اسب سوار با دو

۱ - Siqindil 2 - Kili shin 3 - Ispuina 4 - Schultz 5 - Lehman - Haupt 6 - W. Belck

7 - V. Minorsky 8 - G. Cameron 9 - Khan i Takhta (خان تخته یا خان تختی)

10 - R. Ker Porter 11 - E. Flandin - P. Coste 12 - J. De Morgan 13 - G. F. Lehman Haupt

شخص ایستاده (لوحة ۱۰ - الف) تمیز داده میشود. بنابر عقیده «زاره»^۱ این نقش از اردشیر اول و پسرش شاپور اول است که مورد تجلیل ارمنی ها قرار گرفته اند.

تعداد زیادی اشیاء درضمن کاوشهای قاچاق در آذربایجان پیدا شده و وارد موزه ها و مجموعه های خصوصی گردیده است.

در سال ۱۹۲۴ در ناحیه ماکو (ف. ک - ۲۹۹) ظرفی بشکل یک اسب پیدا شد که پا های آن شکسته بود (لوحة ۱۰ - ب). این ظرف از گل پخته و برنگ زرد مایل به قهوه ای بود و نقوش آن نیز برنگ قرمز و زرد و سیاه بود. روی گردن اسب تزیینات زین و برگ دیده میشد. روی دهانه آن یک گل سه پر نقش شده بود و روی پشت حیوان گردن ظرف قرار داده شده بود و اطراف آن روپوش اسب بصورت نمادی، با نقوش متعدد، با نهایت دقت مجسم گردیده بود. موضوع نقش روپوش مجلس شکاری است: اسبی بدنبال گوزنی روان است و پرندگان در میان گل هائیکه بصورت مصنوعی نقش شده است در پروازند. این ظرف که شکل حیوان دارد از یک سو با ظروف هم نوع خود در هنر «هیتی» ها شباهت دارد و از سوی دیگر شبیه ظروف مکشوف درشوش است که متعلق به اواخر هزاره دوم پیش از میلاد بوده. نقش این ظرف بما نشان میدهد که نمد ایران از زمانهای بسیار قدیم بهمان شکلی که اکنون معمول است نقش میشده است.

یک شیئی عجیب نیز در آذربایجان پیدا شد و آن چیزی شبیه به کیف های جدید خانمها است که از سنگ سیاه است و دسته ای دارد و احتمالاً هنگام تشریفات و تظاهرات مذهبی آنرا بدست میگرفته اند (ف. ک - ۳۰۰). در یک طرف آن شیئی عقابی دیده میشود که بالهایش را باز کرده و در میان سر و بالهای او دو سر مار است. در پشت آن نقشی شبیه به چهارچوب در هشت بار تکرار شده (لوحة ۱۰۱). این شیئی متعلق به نیمه اول هزاره سوم پیش از میلاد است.

شیئی قابل توجه دیگر بزکوهی برنزی است (ف. ک - ۳۰۱) که از قرون اولیه هزاره اول پیش از میلاد است.

در تابستان سال ۱۹۰۱ ژاک و هانری «دمورگان» در گورستان های پیش از تاریخ واقع در شمال شرق آذربایجان خصوصاً در ناحیه طالش، کاوش هایی بعمل آوردند (ف. ک - ۳۰۲). این کاوشها دنباله مطالعاتی بود که این دو برادر در سال ۱۸۸۸ در دره لالوار^۲ و دی بیده^۳ در قفقاز در سال ۱۸۹۰ و در طالش روس (در لنکران) بعمل آورده بودند.

گورهای عمده ای که در طالش ایران باز شد عبارت بود از گورهای خواجه داود کپرو^۴، نمین^۵،

۱ - F. Sarre

۲ - Lalvār

۳ - Dibidah

۴ - Khudjā Dāūd köprü

۵ - Namin

قیلاخانه^۱، لرداغی^۲، شگولادره^۳ و جالیک^۴، تاش کپرو^۵، حسن زمینی^۶، شیر شیر^۷، آقاآولر^۸ و دوخالیان^۹.

گورها و بناهای نظایر آن مرکب بود از تخته سنگهای بزرگی که از پهلوی روی زمین قرارداده و روی آن تخته سنگهای بزرگ دیگری بصورت افقی بمنزلۀ طاق خوابانده بودند. روی این گورها که «دلمن»^{۱۰} نام دارد، سابقاً خاک ریخته بودند تا آنجا که بصورت تپه کوچکی در آمده بود که بزبان باستان، شناسی «تومولوس» نامیده میشود و اطراف آن بصورت دایره سنگهای بزرگی قرارداده شده بود. داخل این گورها اشیاء فراوان وجود داشت ولی بعضی از آنها مورد تجاوز دزدان قرار گرفته بود. این اشیاء عبارت بود از ظروف سفالین درشت سیاه رنگ یا قرمز خاکستری و بدون نقش و اشیاء برنزی و بندرت آهن. از آهن بیشتر حلقه های انگشتری و دستبند و حلقه های کوچک و سنجاق قفلی و سوزن و سینه ریز و پیکان و زوبین و سرنیزه و داس و خنجر و شمشیر و چاقو و تبر و مجسمه های کوچک حیوان دیده میشد. اشیاء دیگری نیز از شیشه مانند مهرها و سینه ریزهایی با دانه های شیشه ای و نیز اشیاء طلا و نقره بصورت زینت آلات مشاهده گردید. تاریخ این اشیاء از دوران برنز (در حدود ۲۱۰۰ پیش از میلاد) شروع میشد و به ابتدای دوران آهن ختم میگردد (حدود ۱۰۰۰ پیش از میلاد) ولی بیشتر آنها متعلق به دوران اخیر برنز (۱۲۰۰-۱۵۵۰) بود و به اشیاء پیدا شده در طالش روس (لنگران - رازگور)^{۱۱}، ویری^{۱۲}، جنو^{۱۳}، تولو^{۱۴}، هیویری^{۱۵} و اشیاء پیدا شده در لرستان، و آبیای صغیر، شباهت زیاد داشت.

در موزه تهران چند ظرف منقوش دیده میشود که در طالش ایران پیدا شده (لوحة ۱۵۲ - الف - ج).

۱۱ - عراق عجم

ایالت عراق قسمت مهمی از صحاری و مراتع ایران مرکزی را اشغال کرده است. تنها در کناره های صحرای مرکزی در سمت شمال غربی و در اطراف تهران و قزوین و ساوه و قم و کاشان چند اثر از تمدنهای قدیمی دیده میشود.

الف - کاوش و آثار قدیمی در ناحیه تهران - قزوین.

در مجاورت شهر تهران، کنار جاده شهر ری، تپه های قدیمی «چشمه علی» دیده میشود. هیئت باستان شناسی فرانسوی تحت سرپرستی «ژ. دمرگان» در سالهای ۱۳ - ۱۹۱۲ و ۱۹۲۵ تحت سرپرستی

- | | | | | |
|---------------------|-----------------|--------------------|----------------|----------------|
| 1 - Ghilā khānah | 2 - Lur Daghi | 3 - Shagula Darrah | 4 - Vadjalik | 5 - Tash köprü |
| 6 - Hassan - Zamini | 7 - Chir - Chir | 8 - Agha - Avlar | 9 - Dū Khaliān | |
| 10 - Dolmen | 11 - Razgur | 12 - Viri | 13 - Djönu | 14 - Tulū |
| | | | | 15 - Hiviri |

آقای دایت^۱ کاردار سفارت فرانسه در تهران در سال ۱۹۲۴ در این محل کاوش هائی بعمل آوردند (ف. ک - ۳.۳).

از سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۶ هیئتی مرکب از نمایندگان موزه هنرهای زیبای شهر بوستون و بنیاد خانم ویلیام بویس^۲ از موزه دانشگاه فیلادلفیا تحت سرپرستی آقای اشمیت^۳ این ناحیه را با دقت بیشتر مطالعه نمودند (ف. ک - ۳.۴). تاکنون فقط یک گزارش موقتی از این کاوشها منتشر شده. در زیر شهر ری آثاری از زمان سلجوقی و ساسانی و پارت (احتمالاً در آن زمان معبدی در این محل ساخته شده بوده است و در آن سفال و سکه آن ازمنه پیدا شده) و آثار پیش از تاریخی قابل توجهی مشهود گردیده است.

قدیمترین طبقه (I - A) مستقیماً روی زمین بکر قرار داشت و شامل آثاری شبیه به سفال منقوش طبقه دوم سیلک بود. در طبقه بعد (I - B) قطعات سفال شبیه به سفال طبقه سوم سیلک دیده میشود (لوحه ۱۵۲ - د. ه).

آقای ژاک دمرگان در محلی موسوم به «تپه میل» یک بنای مستحکم ساسانی مشاهده کرد که در فاصله چند کیلومتری مشرق «چشمه علی» نزدیک شهر «چال ترخان» قرار داشت (ف. ک - ۳.۵). آقای اشمیت نیز از روی قلعه‌ای از زمان ساسانی خاک برداری کرد و در آن ستونها و گچ بریهایی پیدا کرد که مجالس شکار خصوصاً شکار بهرام گور را که آهویی را هدف تیر قرار داده بود نشان میداد.

ژاک دمرگان در رأس هیئت فرانسوی در ایران در سال ۱۹۰۹ دشت ورامین را تحت مطالعه قرارداد و در آنجا چند بنای عهد ساسانی و مقدار زیادی سفال و قطعات گچ بری شده پیدا کرد (ف. ک - ۳.۶). در سال ۱۹۲۶ تعداد زیادی نقوش گچ بری شده بوسیله قاچاقچیان در همین دشت در محلی موسوم به نظام آباد پیدا شد (ف. ک - ۳.۷).

در دشت شهریار در فاصله ۵ کیلومتری جنوب تهران (ف. ک - ۳.۸) خرابه‌هایی بنام «تخت رستم» وجود دارد که عبارت از دو صفه یا تختگاه میباشد، که یکی از آنها در قلعه صخره‌ای و دیگری در ثلث ارتفاع همان صخره است. صفه اول مکانی در هوای آزاد بوده که روی آن آتش قرار میداده‌اند و روی صفه دوم مراسم مذهبی بعمل می‌آورده‌اند.

در فاصله ۱۵ متر از «تختگاه» پایین، یک ساختمان گنبددار کوچک دیده میشود که در آن آتش مقدس را حفظ میکردند. آتشی که در موقع انجام مراسم مذهبی روی «تختگاه» پایین و برای علامت دادن روی «تختگاه» بالا روشن میشد از این محل گرفته میشد.

در فاصله ۱۲ کیلومتری شمال غرب تخت رستم «تخت کیکاوس» قرار دارد (ف. ک - ۳.۹).

در این محل نیز «تختگاه» مشابهی دیده میشود که در بالای تپه سنگی قرار گرفته و در پایین تپه بنای کوچکی بحال ویرانه مشهود است که سابقاً آتش مقدس در آن حفظ میشده است. در کوهستان البرز در بالای شهرستانک (ف. ک - ۳۱۰) در میان راه ورامین بطرف مازندران، در ارتفاع ۳۰۰ متر، بنای کوچکی بنام «قلعه دختر» از زمان ساسانیان وجود دارد که مربوط به پرستش آتش است. این بنا از دوتالار کوچک ترکیب یافته و پوشش این تالارها از طاق گهواره ای شکل است و به دالانی راه مییابد که طاق آن نیز گهواره ای شکل است.

در محلی موسوم به «قلعه بان»^۱ (ف. ک - ۳۱۱) نزدیک دهکده «لار» در کنار دماوند آتشدانی در «نگ تراشیده شده که از هر حیث شباهت به آتشدان پاسارگاد دارد.

در جریان سال ۱۹۴۸، در بازار عتیقه فروشان در تهران تعدادی اشیاء ظاهر شد که شکل بخصوصی داشت. اداره کل باستانشناسی ایران موفق شد محل دقیق کشف این اشیاء را پیدا کند و تصمیم گرفت در آن محل کاوشهایی بعمل آورد. باین طریق در ماه مه سال ۱۹۵۰ آقای محمود راد و علی حاکمی مأمور شدند مدت ۹ روز در خورون، واقع در ۸ کیلومتری شمال غربی تهران، در شمال جاده کرج به قزوین، کاوش نمایند (ف. ک - ۳۱۲). نویسنده این سطور پس از اینکه مجموعه خصوصی آقای دکتر ملکی را در تهران مطالعه کرد در تاریخ ۲۶ نوامبر تا ۵ دسامبر ۱۹۵۰ کاوشهایی در همین محل انجام داد (ف. ک - ۳۱۳). در اینجا خلاصه نتایجی را که از این کاوشها بدست آمده بیان میکنیم: خورون گورستانی است که قبرهای آن عبارت از گودال بیضی شکلی است که روی زمین کنده شده است. مرده را در این قبر گاهی روی پهلوئی راست و گاهی روی پهلوئی چپ و گاهی بصورت «چمباتمه» خوابانیده اند. در قبرها اشیائی مانند ظروف سفالین و اشیاء دیگر گلی یا برنزی یا سنگی دیده میشود. ولی تعداد ظروف سفالین بیش از سایر اشیاء بود. از نظر سبک ساخت این ظروف سه دسته تقسیم میشود:

سفال خاکستری مایل بسیاه، سفال قرمز (به تعداد کمتر) و سفال درشت بدون رنگ. سفال منقوش در این قبرها بدست نیامده. شکل عمده این ظروف عبارتست از ظرف نوکداری شبیه به قوری (لوحة ۱۰۳ - الف. ه)، آبجوش کنهای نوکدار، جای سوس یا خورش دان، روغن داغ کن، صافی، فنجانهای دسته دار، آبخوری، جام، کوزه های شکم دار، قوری، کوزه، قمقمه، ظروف سه پایه (لوحة ۱۰۴ - ج) بشقاب، خمره، تنگ بشکل کفش (لوحة ۱۰۴ - الف. ب)، ظرفهایی به شکل هشت گوش مزین به سرشیر یا قوچ (لوحة ۱۰۵ - د. ه)، ظرفی شبیه به لوله مدور (لوحة ۱۰۵ - الف) و ظروفی بشکل حیوانات یا پرندگان (لوحة ۱۰۴ - د. و) و (۱۰۵ - پ. ج). تعداد اشیاء برنزی در این قبرها زیاد است ولی مس کمتر به کار رفته و اشیاء آهنی بسیار نادر است. با فلزات بیشتر خنجر (لوحة ۱۰۷ - الف)، و سرنیزه و پیکان و تبر و گرز و ظروف

مختلف (لوحة ۱۵۷-ج) و چراغ های سه پایه و چنگک و ملاقه و انبر و اهر ساخته اند. بعضی از مجسمه های کوچک از گل پخته اند (لوحة ۱۵۶-الف) و بعضی دیگر از برنز است (لوحة ۱۵۶-ب.ج). مجسمه های اخیر تصویر جنگجویان را نشان میدهد. مردگان در این قبرها همراه با گردن بندها و تاجها و گوشواره ها و انگشتری ها و سینه ریزها و دستبندها و سنجاق های سر و سنجاق قفلی ها و سوزن ها و آویزها با دکمه های کروی شکل و تزئینات با زنگوله ها و یا اشکال حیوانات و آینه ها (لوحة ۱۵۷-ب.د) بودند. بعضی از گردن بندها از دانه های سفالین یا برنزی یا از قیر و سنگ و لاجورد یا از طلا ساخته شده بود. «سهر استوانه ای شکل» در این محل بسیار کمیاب بود.

اشیاء مکشوف در گورستان خوروین با اشیاء مکشوف در گورستان (B) تپه سیلک و خصوصاً اشیاء مکشوف در تپه (A) در همان محل و اشیاء مکشوف در طبقات (I-b-c) در تپه گیان و اشیاء حسنلو شباهت زیاد دارد.

این گورستان احتمالاً از اواخر قرن یازده پیش از میلاد بوده است و باین جهت میتوان آنرا در زمره یکی از قدیم ترین گورستان های همزمان با ورود ایرانیها به فلات ایران بشمار آورد.

در پشند و در چندر یا چکندرا نیز سفالی شبیه به سفال خوروین پیدا شده (لوحة ۱۵۸-الف). محل آخر در کنار راه خوروین قرار دارد. گورستان این محل ها مانند خوروین در دامنه کوه قرار نگرفته بلکه در جلگه واقع شده است. سفال این گورستان ها ظریف تر از سفال خوروین است و بیشتر آن برنگ خاکستری یا سیاه است و روی آن کنده کاری یا تزئیناتی بصورت برجسته بآن اضافه شده است. بعضی از این ظروف شبیه به ظروف خوروین است، مانند آب جوش کن ها و ظروف سه پایه، ولی بعضی دیگر شکل مخصوصی دارد و نظیرشان در خوروین پیدا نمیشود (لوحة ۱۵۸-ب.ز). اشیاء برنزی مکشوف در این محل به اشیاء لرستان شباهت زیاد دارد جز اینکه جنس آنها پست تر است (لوحة ۱۵۸-ج).

در دروس، نزدیک شمیران، نیز ظروف سفالین شبیه به ظروف طبقات (A-B) تپه سیلک کشف گردیده است (ف. ک - ۳۱۴) و (لوحة ۱۵۹-الف).

در سال ۱۹۳۹ در اطراف قزوین دو ظرف ساسانی بدست آمد (ف. ک - ۳۱۵). یکی از آنها از نقره بود و روی آن نقش پادشاهی کنده شده بود. شاه روی تختی نشسته، دو شیر زیر تخت خوابیده اند و در بالای تخت چتری قرار داده شده. شاه شمشیرش را میان دو زانویش در دست گرفته، در طرفین او دو نفر ایستاده اند (لوحة ۱۵۹-ب). تاجی که بر سر دارد شبیه به تاج خسرو دوم است، بنابراین این ظرف یا از زمان خسرو پرویز و یا کمی بعد از او از اوایل دوران اسلامی است. ظرف دیگر جام پایه دار سیمینی است که بیضی شکل

است و روی آن ورقه‌ای از طلا کشیده شده.

ب - آثار قدیمی و کاوشهای ناحیه ساوه و قم

در ناحیه مسره^۱ (ف. ک - ۳۱۶) نزدیک شهر جدید ساوه تجار عتیقه کاوشهایی بعمل آورده‌اند و در آنجا سفالی شبیه به سفال طبقه دوم سیلک بدست آورده‌اند (لوحه ۹۹ - ج). بعضی از ظروف مکشوف در این محل وارد موزه‌های مالمو^۲ و موزه لوور^۳ شده است.

در سال ۱۹۳۷ در قلعه دشت یا (کله دشت) در ناحیه ساوه کاوشهایی بوسیله تاجران عتیقه بعمل آمد و در آن ناحیه ظروف سفالین متعدد مانند: جام، ماست خوری، خمره‌های کوچک، با سفال ضخیم، با زمینه قرمز یا خاکستری سیر و نقش سیاه پیدا شد. تزیینات این ظروف شامل نقوش هندسی است و خالی از ظرافت میباشد. چند عدد از این ظروف با ظروف «هیتی» مکشوف در الیشار شباهت زیاد دارد (لوحه ۹۹ - د. ه. و). و از اینجا معلوم میشود بین مردم این ناحیه و مردم آسیای صغیر، از زمانهای بسیار قدیم روابطی وجود داشته. از این محل سفال بدون نقش برنگ قرمز یا خاکستری نیز بدست آمده است، مانند آبخوری پایه دار، بشقاب با دسته‌ای بشکل سر قوچ نظیر ظروف طبقه اول گیان و گورستان A سیلک.

در دشت ساوه تپه‌های پیش از تاریخی فراوان است و این مطلب از تفحصات هوایی آقای اشمیت نمایان گردیده است (ف. ک - ۳۱۷).

در حدود ۱۰۰ متر در مغرب شهر قم روی تپه‌ای که بین راه سلطان آباد (اراک) و رودخانه واقع است خرابه‌های قلعه دختر مشهود است (ف. ک - ۳۱۸). این ویرانه شامل یک تالار مربع گنبداری است که از چهار طرف باز است. این نوع ساختمان چهار طاقی نام دارد. یک راهروی زانوداری این چهار طاقی را به اطاق دربسته‌ای که همان آتشگاه است متصل مینماید.

زیر گنبد چهار طاق مهرابی است که روی آن آتشی را که از اطاق سر بسته آورده میشده میافروختند. روی همین تپه «قلعه دختر» آقای «سیرو»^۴ تعداد زیادی سفال ظریف قرمز رنگ با نقش سیاه پیدا کرد و این نقوش بیشتر بزهای کوهی و پرندگان آبی را نشان میداد و شباهت زیاد به نقوش سفال طبقه دوم سیلک داشت (ف. ک - ۴۱۹).

در جنوب شرقی قم در دره محلات در جاده اراک به کاشان، در دهکده خورهه^۵ (ف. ک - ۳۲۰)، دو ستون شیار دار با سرمتون ایونی دیده میشود (لوحه ۱۶۰ - ج). این ستون ها مانند ستونهای کنگاور از زمان سلوکیها است. در پاییز سال ۱۹۵۶ اداره کل باستانشناسی ایران در این محل کاوشهایی بعمل آورد.

ج- ابنیه قدیمی و کاوشهای ناحیه کاشان و اصفهان

در نیاسر یک چهارطاقی روی جاده‌ای که از دلیجان به کاشان می‌رود دیده می‌شود (ف. ک - ۳۲۱) و (لوحة ۱۶ - الف. ب). ویرانه‌های یک بنای دیگر شبیه به بنای نیاسر در آتش کوه نزدیک نیم و آرا مشهود است (ف. ک - ۳۲۲).

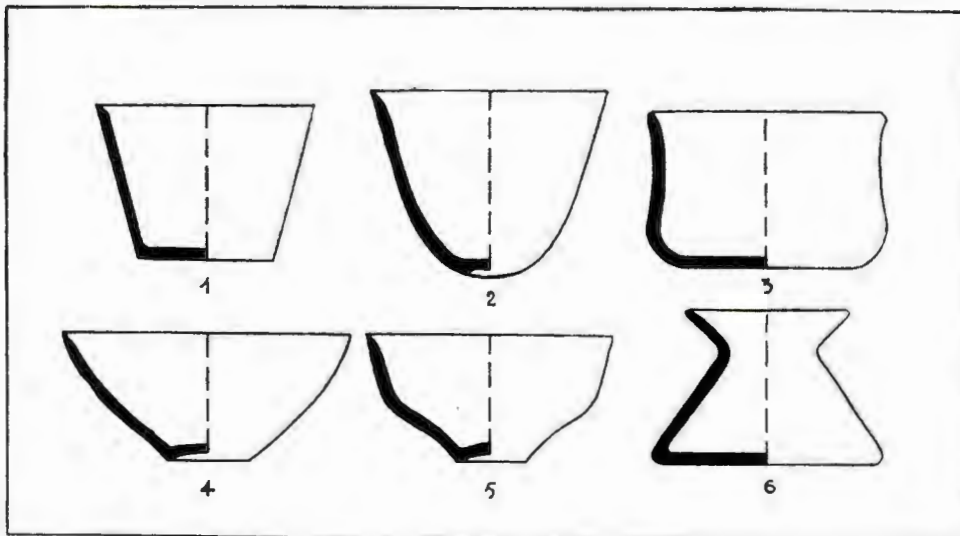
مقابل طرف شمال این بنا ایوانی با دو اطاق دیده می‌شود. در یکی از این دو اطاق آتش را حفظ می‌کرده‌اند و در دیگری مؤبد مراسم مذهبی را انجام میداده است. بعلاوه در این منطقه آثار چهارطاق ساسانی خصوصاً در شهر کوچک نطنز نیز دیده می‌شود (ف. ک - ۳۲۳).

کاوشهای تپه سیلک بسیار قابل توجه است و از نظر اهمیت فوق‌العاده‌ای که دارد آنرا در اینجا بیان می‌کنیم (ف. ک - ۳۲۴). آقای گیرشمن بین سالهای ۱۹۳۳ و ۱۹۳۷ به نمایندگی از طرف موزه لوور، در روی دو تپه که دهکده‌ای را تشکیل داده و در دامنه شرقی کوه گرگیش^۲، بفاصله ۵ کیلومتر از شهر جدید کاشان قرار دارد کاوشهایی بعمل آورد. در روی تپه شمالی، که زودتر از تپه دیگر مورد سکونت انسان قرار گرفته دو طبقه متمایز تشخیص داده شد. طبقه قدیمی تر که مستقیماً روی زمین بکر قرار گرفته و طبقه اول نامیده شده، به ۵ طبقه فرعی تقسیم شده است. در قشر شماره ۱ اثری از ساختمان خانه یا محل سکونت نیست. احتمال دارد که خانه‌های مردم از گل بوده و آثار آن از بین رفته باشد. ولی از قشر شماره ۲ مردم شروع بساختن خانه‌های گلی بدون پی‌ریزی، از سنگ یا آجر، کردند. در این قشر مردگان را از پهلوی، یا بصورت «چمباتمه» زیر خانه‌های مسکونی دفن می‌کرده‌اند. سفال طبقه اول منحصرآ بادست و بدون استفاده از چرخ کوزه‌گری ساخته شده که در کوره بصورت نا منظم پخته میشد و از نظر فن کوزه‌گری به چهار دسته تقسیم میشود.

الف - سفال کمرنگ با نقوش سیاه رنگ

ب - سفال قرمز تیره یا قرمز آجری، مزین به نقش سیاه رنگ. این سفال از قشر شماره ۲ در طبقه اول ظاهر میگردد. شکل ظروف بسیار ساده است و عبارتست از جام، روغن داغ کن با پایه محدب. نقش این سفال کاملاً هندسی است و شباهت زیاد به ظروف سیدی دارد. در ابتدا (در قشر شماره ۱ و ۲) فقط داخل ظروف را نقش میکردند و این نقش عبارت بود از خطوط موازی افقی و هاشورها و مثلث‌های هاشور زده شده و خطوط شکسته (لوحة ۱۶ - الف و شکل ۳ و ۳-۳)، خطوط افقی موج دار، لک‌های سیاه دایره‌ای شکل و خطوط دندانه دار موازی. در قشر سوم هردو طرف ظرف مزین به نقوش هندسی است و این نقش‌ها در این قشر منظم‌تر میشود. در داخل ظرف مثلث‌های سیاه که روی هم قرارداده شده و خطوط موازی که بوسیله

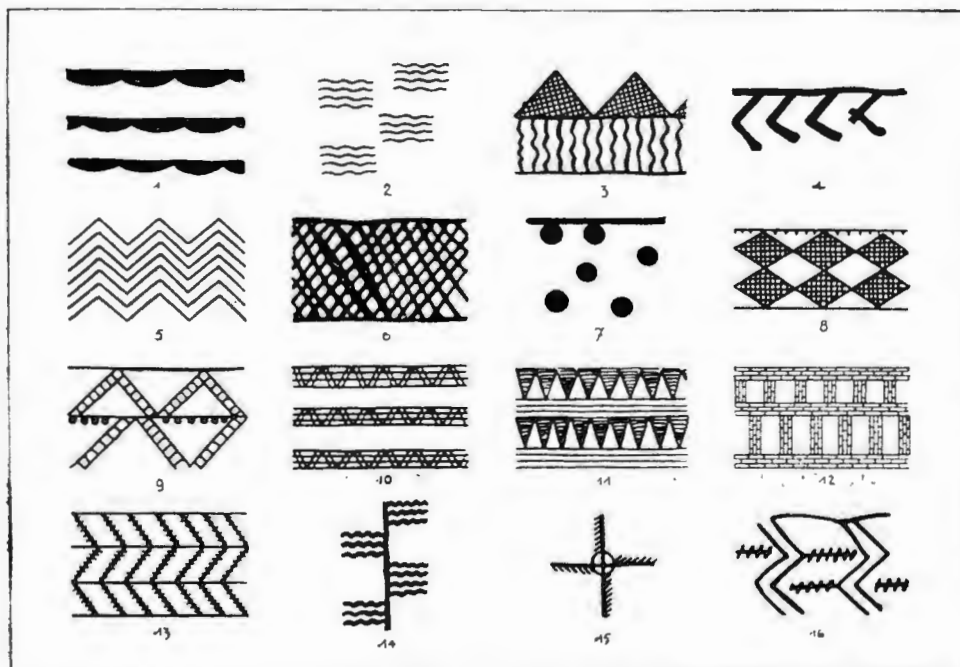
خطوط متقاطع به هم داخل شده، یا در میان آنها لکه‌های سیاه دایره‌ای شکل یا خطوط دندانه‌دار قرار گرفته، دیده می‌شود. بعضی از ظروف از طرف بیرون و در قسمت بالا با خطوط موازی و مثلث‌های بزرگ سیاه رنگ تزیین شده است.



شکل ۳۵

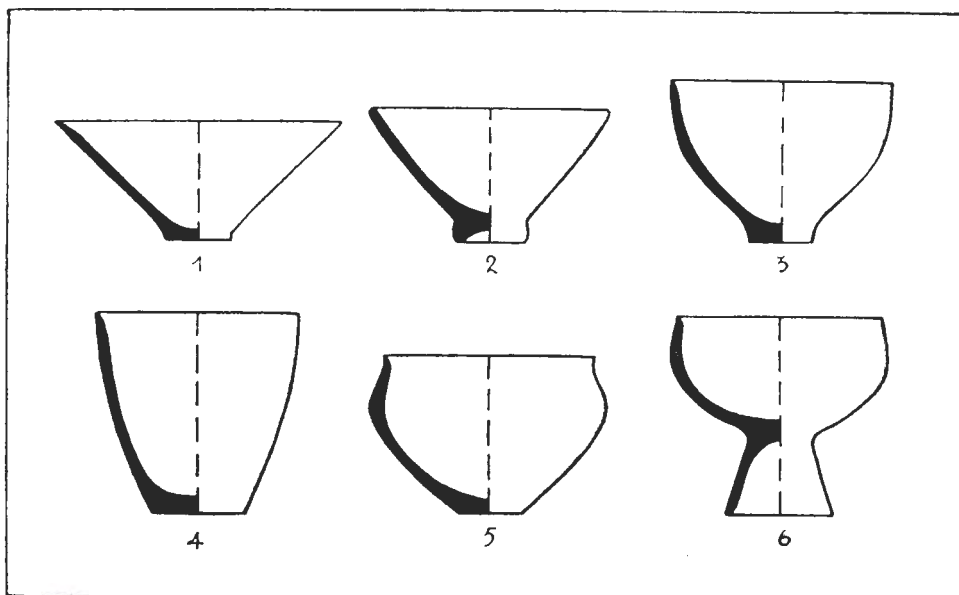
ج - گروه سوم شامل سفال سیاه رنگی است که بطور ناقص پخته شده است.

د - گروه چهارم سفال بدون رنگ است که بیشتر از دیزی‌های کوچک و بزرگ تشکیل یافته. علاوه



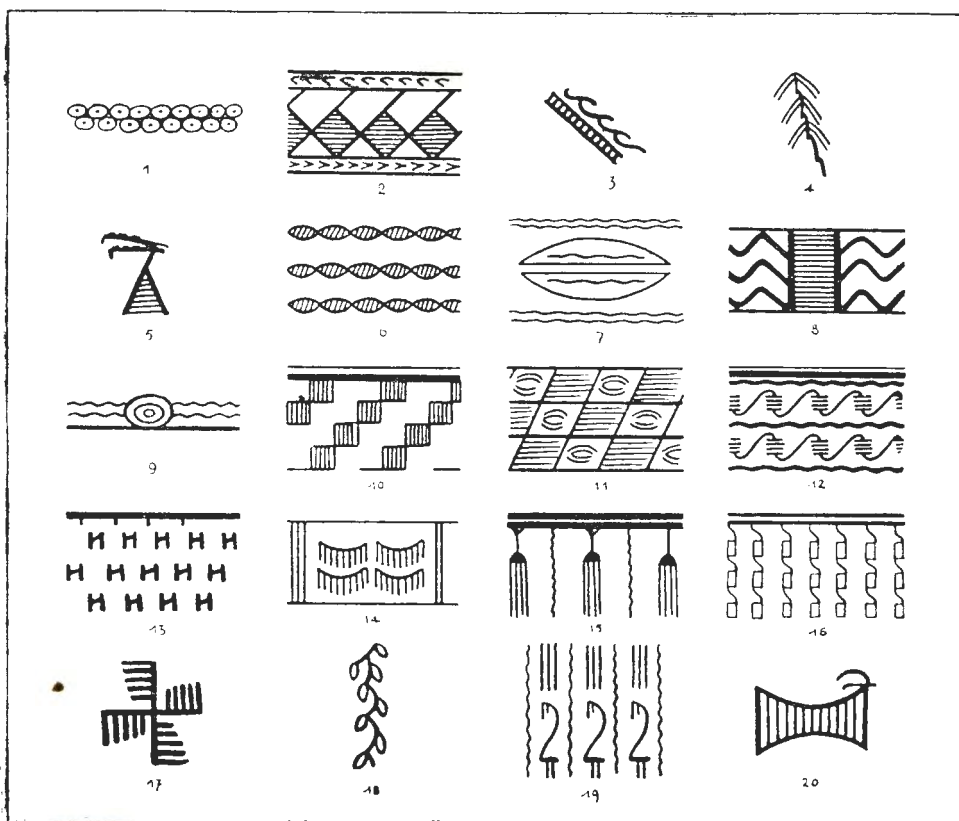
شکل ۳۶

بر سفال، در این طبقات اشیاء سنگی مانند گرز و تبر و چاقو و ارّه و کاردک و اشیاء مسی و دسته های استخوانی برای



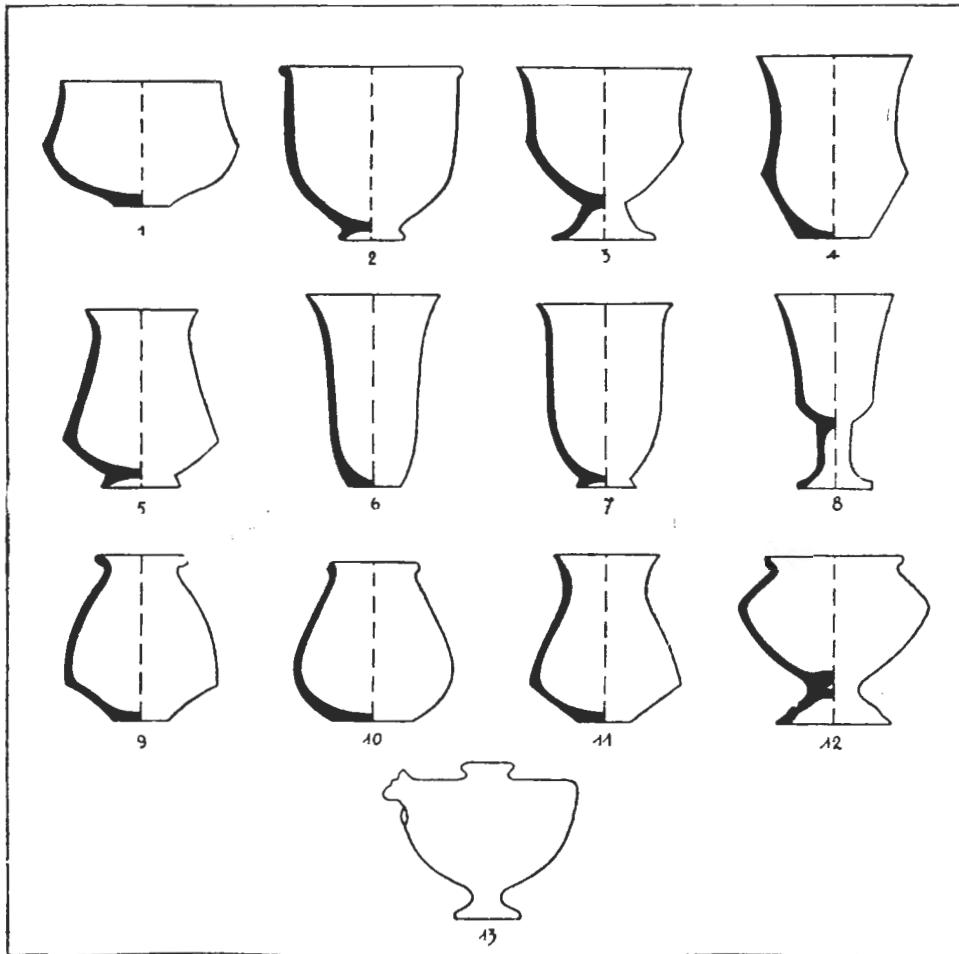
شکل ۳۷

تیغه چاقو نیز دیده میشود. این دسته های چاقو، در قسمت فوقانی، با نقش سر حیوانات یا انسانی که شب کلاه



شکل ۳۸

بر سر و لُنگی بر کمر دارد ، تزئین شده است . طبقه اول از اواخر عهد نئولیتیک^۱ یادوران جدید سنگ است . در طبقه دوم خانه‌ها با خشت خام ساخته شده است و مردگان هنوز زیر خانه‌ها دفن شده‌اند . سفال منقوش طبقه دوم سیمک (شکل ۳۷ و ۳۸) از سفال قرمز با نقش سیاه طبقه اول ظریف‌تر و زیباتر است . ظروف کوچک مانند ماست‌خوری و آبخوری و جام پایه‌دار و بدون پایه هنوز با دست ساخته می‌شده . در طبقه اول علاوه بر نقوش هندسی نقوش دیگری مانند دندانه‌ها و مارپیچ‌ها یا خطوط تابیده و اشکال شبیه به (S) و دایره‌های

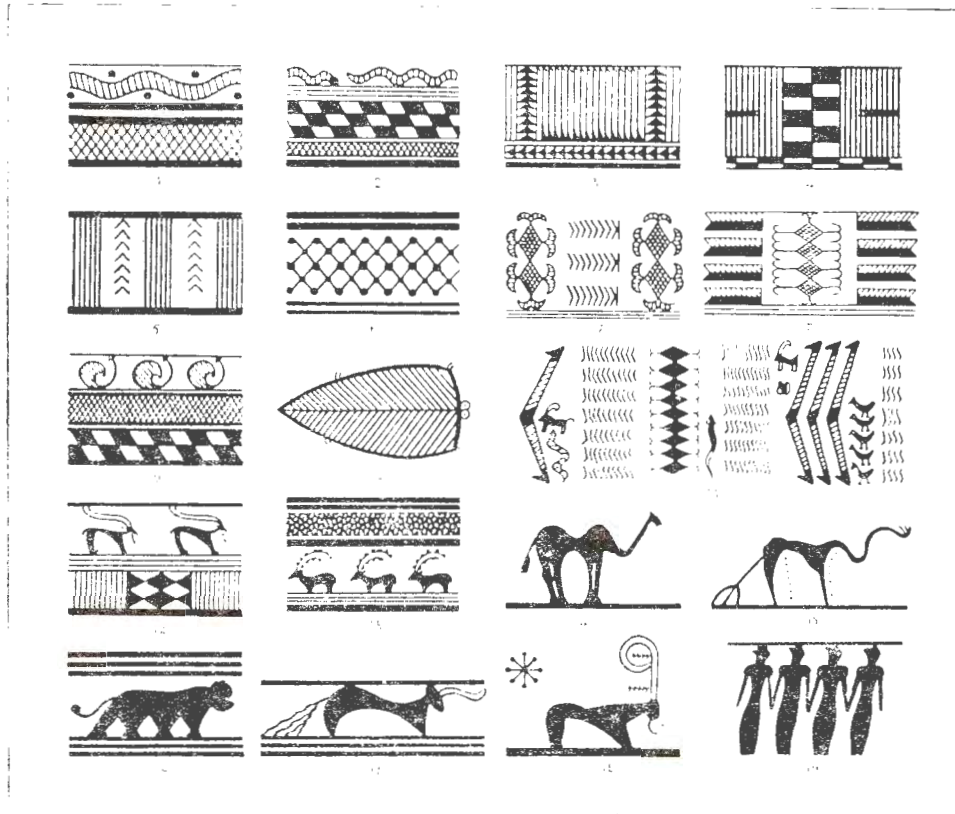


شکل ۳۹

بدون « هاشور » یا « هاشور » زده نیز دیده می‌شود (لوحه ۱۶۱ - ب ، ج ، د) ، ولی آنچه که در نقوش این طبقه بسیار تازگی دارد نقوش نباتات و حیوانات (لوحه ۲۶۱ - ه) ، مانند مرغان آبی و گوزن‌ها و خوک وحشی است . مس چکش زده تدریجاً وارد ابزار و آلات این طبقه می‌گردد ، ولی ابزار سنگی هنوز به مقدار زیاد دیده می‌شود .

از این زمان به بعد تپه شمالی متروک میگردد و مردم تازه واردی تپه جنوبی را مورد سکونت خود قرار میدهند. این تپه در حدود ۸۰۰ متر از تپه اولی فاصله دارد و در آنجا طبقات سوم و چهارم سیلک کشف گردیده است.

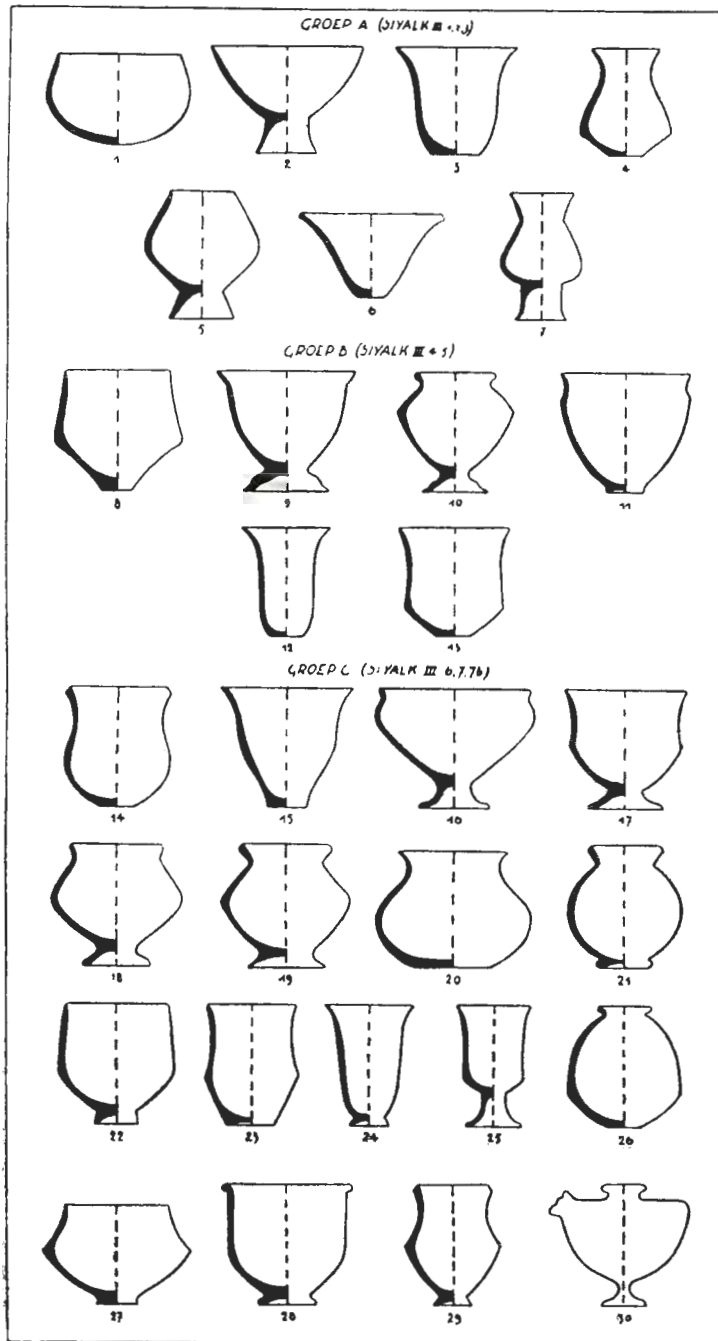
طبقه سوم سیلک دنباله طبقه اول و دوم است و به هفت قشر تقسیم میشود. در طبقات پیش شکل خشت های بیضی منظم نبود و در آفتاب خشک شده بود ولی در این طبقه شکل آنها منظم میشود و وضع مستطیل



شکل ۴

بخود میگیرد و با قالب ساخته میشود. مردگان هنوز با وضع «چمباتمه» در زیر خانه ها به خاک سپرده میشوند و اشیاء زیادتری در قبرهایشان دیده میشود. هنر ساختن سفال رنگین کامل تر میشود. سفال طبقه سیلک (لوحه ۱ تا ۴ و شکل ۳ تا ۴) برنگ قهوه ای روشن است و خیلی صاف و صیقلی شده است و نقش سیاه آن روی زمینه صورتی زده شده و در اواخر طبقه سوم مانند شیشه یا لعاب شفاف شده و برآمدگی پیدا کرده است. در قشر اول و دوم این طبقه هنوز ظروف سفالین بادست و بدون کمک چرخ کوزه گری ساخته میشود. از قشر چهارم به بعد چرخ کوزه گری مورد استفاده قرار میگیرد و اثر چرخ بخوبی روی ظرف نمایان است. علاوه بر اشیاء قدیمی شکلهای جدید دیگری مانند آبخوری و ماست خوری و جام پایه دار کوچک و کوزه های شکم دار یا استوانه ای و ظروف شبیه به شکل حیوان پیدا میشود (قشر ۷ ب). در این قشرها فقط قسمت

بالای ظرف از طرف خارج مزین به نقوش میگردد. روی بعضی ظرف ها چندین شکل با هم جمع شده است مانند ردیف پرندگان و درختی شبیه به مارپیچ که شاخه هایش بالای هم قرار گرفته و مارهایی که روی بدن



شکل ۴۱

خود ایستاده اند و مثلث های گوشه دار. در میان این نقش ها شکل حیوان زیاد دیده میشود مانند افعی و پرندگان و سگ و شیر و حیوانات شاخ دار و ببر و شتر. انسان هم در میان این نقوش دیده میشود. در ابتدا

به نقوش هندسی تمایل بیشتر نشان داده شده بود ولی اکنون نقش حیوان و انسان بیشتر مورد توجه است. سابقاً سعی میشد موضوع های نقاشی شده کمی شبیه به خود آنها در طبیعت باشد ولی اکنون علاقه زیاد به مصنوعی کردن و از شکل طبیعی خارج کردن آنان نشان داده میشود. مثلاً شاخ حیوان را بلند میکنند و تناسب آنرا با بدن حیوان رعایت نمیکنند. حیوان را فقط با چند خط نشان میدهند و شاخ آنرا خارج از اندازه بزرگ میکنند و از شکل شاخ برای تزیین ظروف حداکثر استفاده را مینمایند. بعلاوه سعی میکنند موضوع های نقاشی شده را در چهارچوبی قرار دهند.

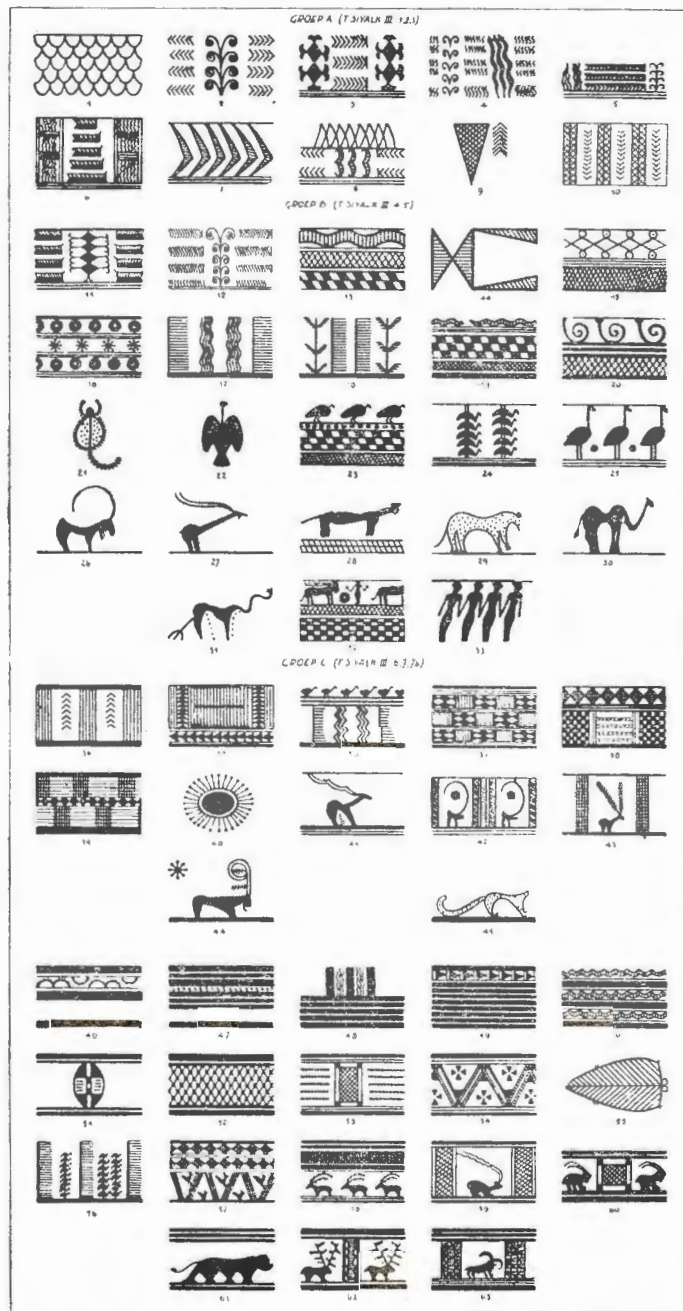
در این دوره صنعت فلزکاری پیشرفت میکند و برای نخستین بار مس را ذوب میکنند و در قالب میریزند و از آن خنجر و چاقو و سنجاق میسازند. بعلاوه مجسمه های کوچک سفالین و مهره هایی که روی آن علائم هندسی کنده شده ساخته میشود.

میان طبقه چهارم و طبقه سوم قشر ضخیم خاکستری رنگی مشاهده میگردد و تمدنی که در قشر چهارم کشف گردیده با تمدن طبقات پیشین بسیار متفاوت است. هنوز هم مردگان را زیر خانه ها دفن میکنند ولی تعداد اشیائی که در قبرهایشان قرار میدهند زیادتر از سابق است و شامل جواهراتی از نقره و طلا و مس و سنگ لاجورد و ظرف هایی از جنس سرامر و سفال های متنوع میباشد. در هنر سفال سازی تغییر فاحش رخ داده است. از این پس فقط سفال یکرنگ با زمینه خاکستری و لعاب قرمز ساخته میشود، مانند: ظروف نوک دار باز یا لوله ای شکل و کوزه های کروی شکل با نقش سیاه مرکب از دو یا سه یا چهار خط موازی روی گردن ظرف، سفال هفت رنگ با زمینه خاکستری روشن یا زمینه قرمز، کوزه های شکم دار با نقش سیاه مرکب از خطوط متقاطع و چهارخانه روی دونهوار پهن روشن. میان اشیاء مسی میتوان آینه های مدور و خنجرها و تبرها و سنجاق قفلی ها را بشمار آورد.

جواهرات از قبیل طلا و نقره و سنگ لاجورد و عقیق و سنگ بسیار متنوع تر و زیادتر از سابق است. صنعت معرق کاری نیز در این زمان معمول میگردد. از این تاریخ مهرهای استوانه ای جای مهرهای قدیم را میگیرد. در میان موضوع هایی که روی این مهرها کنده شده ردیف حیوانات را میتوان دید که با هم در نزاع اند و یا اشخاصی که بصورت چمباتمه در مقابل ظروف دسته داری نشسته اند. در این طبقه لوحه های «نیمه پیکتوگرافی»^۱ که در شوش خط «پروتوایلامی»^۲ نامیده میشود پیدا کرده اند. وجود این سفال و این مهرها و این الواح «پروتوایلامی» نشان میدهد که طبقه چهارم سیلک بدون شک تحت تأثیر ایران جنوب غربی قرار گرفته است (مقصود ناحیه شوش است).

پس از طبقه چهارم سیلک، چنین بنظر میرسد که این محل در تمام مدت هزاره سوم و قسمت مهمی از هزاره دوم پیش از میلاد متروک مانده. در آخرین دوره فترت مردم جدیدی روی این تپه اقامت اختیار کردند.

از ساختمانهایی که این مردم تازه وارد در این محل برپا کرده اند اثری نیست ولی بهرحال دیگر مردگان را زیر خانه ها دفن نکرده اند بلکه برای آنها گورستانی در فاصله ۱۰۰ متر از تپه اختصاص داده اند. در این



شکل ۴۲

گورستان که طبقه پنجم سیلک یا گورستان (الف) نامیده میشود ، مردگان را در گودال هایی که روی زمین کنده اند دفن کرده اند و آنها را به پهلوی خوابانیده و کمی زانوهایشان را خم کرده اند و در اطراف سر آنها اشیاء متعدد

قرار داده‌اند ولی در اطراف پا کمتر شیئی قرار گرفته است. سفال این دوره بیشتر با چرخ کوزه‌گری ساخته شده و معمولاً خاکستری یا مایل به سیاه و گاهی قرمز است (لوحه ۱۶۷-۱۶۶-۱۶۵). در این سفال غالباً نقوشی بصورت معرق سفید رنگ، یا نقوش هندسی ساده که با کاردک بوجود آمده، یا نقوش برجسته، دیده می‌شود. سفال هفت رنگ کمتر پدیدار است (لوحه ۱۶۵ - ب شماره ۳). در میان این اشیاء روغن داغ کن‌های بزرگ و جاسهای دسته‌دار با تزییناتی بشکل سر حیوان، بصورت برجسته، و جام‌های پایه‌دار و ظروف سه‌پایه، آبجوشکن‌ها، آبخوری‌ها و کوزه‌ها نیز وجود دارد. اشیاء فلزی هم در این طبقه بدست آمده، از قبیل برنز و گاهی آهن، و خصوصاً سلاح‌هایی مانند نیزه‌های دسته‌دار و پیکان و زوبین و دشنه و داس و گاهی جواهرات مانند سنجاق قفل و گوشواره و دستبند و انگشتری و سینه‌ریز و چند گوشواره طلا و دودعد مهر استوانه‌ای. این گورستان شباهت زیاد به طبقه (IB) گیان دارد و از اواخر دوران برنز است.

در فاصله ۲۵ متر از تپه جنوبی گورستانی است که آنرا جزو طبقه ششم سیلک، یا گورستان (B) بشمار آورده‌اند. در این گورستان طریقه بخاک سپردن مردگان با سایر نقاط متفاوت است. مثلاً در گورستان (A) در اطراف قبرها سنگ قرار نمیدادند ولی در گورستان (B) پس از اینکه مردگان را بخاک سپردند در اطراف قبر و روی آن تخته سنگ‌های بزرگ قرار میدادند یا خرپشته می‌ساختند و مرده را بصورت «چمباتمه» و از پهلو بطرف جنوبی و شمالی یا شرقی و غربی می‌خوابانیده‌اند.

در گورستان (B) پهلوی مردگان اشیاء متعدد قرار میداده‌اند مانند جواهرات و سلاح‌ها و ابزار و آلات. سفال این قبرها (لوحه ۱۶۸ تا ۱۷۳) گاهی بدون نقش، ه رنگ خاکستری زیبا، مایل به سیاه و یا قرمز صاف و گاهی بدون رنگ، و گاهی هم مزین به نقوش بوده و در این صورت نقوش روی زمینه شیر و قهوه‌ای رنگ با نقش قرمز مانند رنگ شراب است (موضوع‌های مربوط به آفتاب یا اسب‌ها یا جنگجویان). شکل این ظروف بسیار متنوع است ولی تمام آنها نوک‌دار است. در میان جواهرات نقره یا برنز باید سنجاق‌ها با سر حیوان و دستبند‌ها و گوشواره‌ها و انگشتری‌ها و تزیینات مربوط به کمر بند و خلخال را نام برد. سلاح‌ها عبارت بوده‌است از خنجر و شمشیر و سر نیزه و پیکان و سپر که معمولاً از برنز بوده ولی تعداد سلاح‌های آهنی هم کم نبوده است و بیشتر در گورستان (A) بدست آمده است. در قبر مردگانی که در زندگی اسب سوار بودند اشیاء مربوط بزین و برگ اسب دیده می‌شود. بعلاوه دیگ‌های بزرگ دسته‌دار و چنگک‌هایی نیز پیدا شده است. گورستان (B) سیلک شهر مردگان تازه وارد، یا مهاجران است، که بالای تپه جنوبی مسکن اختیار کرده و در آنجا استحکاماتی بنا نموده بودند. تمدن گورستان (B) در تپه سیلک عیناً همان تمدن (IC) تپه گیان و خوروی و حسنلو و «گوی تپه» و لرستان و شوش و نواحی اطراف تخت جمشید است و این مطلب را کاوش‌های

جدید روشن‌تر کرده است. تپه سیلک مانند تپه گیان تنها نقطه‌ایست که در آن اشیائی مربوط به تمدن پیش از تاریخ ایران بدست آمده و از نظر فنی کاملاً روی هم قرار داشته است.

در ناحیه اصفهان آثار زیادی از دوران پیش از اسلام پیدا نشده و فقط سرستونهای عهد ساسانی بدست آمده است (ف. ک - ۳۲۵). یک چهارطاق در فاصله ۵ کیلومتر از شهر اصفهان پیدا شده که قسمت مهم آن متعلق به دوران اسلامی بوده است (ف. ک - ۳۲۶). در یزد خواست در فاصله ۱۴ کیلومتری جنوب اصفهان نیز یک چهارطاق دیده شده که جزو مسجدی است و امروز ویران است.

نتیجه

امروز که یک قرن از تفحصات باستان‌شناسی می‌گذرد میتوان از نتایج اکتشافات رضایت خاطر داشت. امیدواریم که توانسته باشیم نشان‌دهیم این نتایج تا چه حد مدیون کوشش اداره باستان‌شناسی ایران، یا هیئت‌های فرانسوی یا امریکائی یا جویندگان دیگری است که روی خاک این کشور بکار تحقیقی پرداخته‌اند. با وجود کار فوق‌العاده‌ای که تا کنون انجام گرفته نمیتوان منکر شد که هنوز خاک ایران گنجینه‌های باستانی زیادی را در بر دارد، که باید آنها را بیرون کشید.

اگر دوران‌های مختلف تمدن ایران را از نظر بگذرانیم از اهمیت تمدن پیش از تاریخ این سرزمین در حیرت فرو می‌رویم. ایران از این جهت کاملاً با بین‌النهرین که از هزاره سوم پیش از میلاد تمدن‌های درخشانی در آن گسترش یافته و آثار ادبی و هنری زیاد از آن تمدن بیادگار مانده فرق دارد. ایران فقط در آغاز دوران هخامنشی از عهد پیش از تاریخ وارد عهد تاریخی شد. با این حال جنوب شرقی ایران از این نظر مستثناست. در این ناحیه تمدن ایلامی از مدت‌ها پیش گسترش یافته بوده است.

متأسفانه اطلاعات ما راجع به آثار قدیم خیلی زیاد نیست. فقط در نقاط تاریخی چغا زنبیل و شوش که محل تلاقی تمدن‌های ایران و بین‌النهرین بود کاوش‌های دقیقی بعمل آمده ولی گذشته از این دو محل تاریخی، بسیاری نقاط دیگر هست که متون کهنه بآن اشاره نموده و منتظر کنگک کاوش کنندگان می‌باشد. ما ملل کوه نشین زاگرس، یعنی «گوتیها» و «لولویها» را میشناسیم، زیرا مدارک نوشته شده بین‌النهرین از آنها صحبت کرده ولی از نظر باستان‌شناسی تا این تاریخ هیچ تحقیقی درباره آنها بعمل نیامده است. ما هنوز نمیتوانیم تاریخ قطعی برنزهای لرستان را تعیین کنیم و نمیدانیم کدام ملت سازنده آن بوده است. بهمین طریق تقریباً هیچ مدرکی از «مادها» بدست نیآورده‌ایم.

فقط با تردید دخمه‌های «دکان داود» و فیخرآکه^۱ صحنه^۲ و زیویه را بدوران آنها نسبت

میدهم و تنها دلیل ما برای این نسبت این است که این آثار در روی سرزمینی پیدا شده که آنها در آن ساکن بوده‌اند.

اطلاعات ما راجع به زمانهای پرافتخار هخامنشی از روی کاخهای شاهی در بازارگاد و تخت جمشید و شوش همانقدر است که مثلاً بخواهیم قرن ۱۸ فرانسه را فقط از روی آثار باقی مانده در «ورسای» قضاوت کنیم. در حقیقت ما از زندگی مردم عادی در دوران هخامنشی بکلی بی‌اطلاعیم.

اطلاعات ما راجع به زمان «سلوکیها و اشکانیها» فقط از روی آثاری کسب میشود که در کوه خواجه، کنگاور و «خوره» پیدا شده و یا از بعضی اکتشافات اتفاقی در نهاوند، تل ضحاک، شمی، شوش و قزوین، بدست آمده است. تنها کاوشهای اخیر آقای گیرشمن در شوش اطلاعات دقیقی از دوران سلوکی و اشکانی در اختیار ما گذاشته است.

راجع به دومین دودمان ملی ایران یعنی ساسانیها همین نکات را میتوان گوشزد نمود. مثلاً آثار ویرانه کاخ‌ها و آتشگاهها و نقوش برجسته در دامنه کوه‌ها فقط قسمتی از هنر شاهی را بما نشان میدهند و نقاط تاریخی بیشاپور و ری و قصر ابونصر نیز تنها آثاری را در اختیار ما قرار داده‌است که مربوط به هنر رسمی پادشاهی بوده است.

بنابراین هنوز موقع آن نرسیده است که نتایج قطعی از این اکتشافات بگیریم، قسمتهای مهمی از شمال و شرق و جنوب شرق ایران هنوز مورد مطالعه قرار نگرفته است. در نواحی دیگری مانند فارس و خوزستان و لرستان و کردستان، کاوشهای مختصری انجام داده شده ولی هنوز آثار زیادی وجود دارد که باید مطالعه شود. اهمیت این ناحیه و سهم تاریخی آن بستگی به وضع جغرافیایی و خصوصاً روابط و رفت و آمد مردم آن ناحیه با نواحی دیگر داشته است.

مثلاً از ایلام پیش از تاریخ این مطلب روشن شده است که هر ناحیه خصوصیتی منحصر به خود داشته است که در نقوش سفال همان ناحیه منعکس است. این خصوصیات در دوران تاریخی در ساختمان بناها و در روش سنگ تراشی‌ها نیز مشهود است.

باید متوجه بود که بیشتر تپه‌ها و آثار تاریخی، مانند ویرانه‌ها و نقوش برجسته و سنگ نبشته‌ها، در کنار جاده‌های قدیمی زیر، که آسیای غربی را به آسیای مرکزی وصل مینموده قرار داشته است:

الف - راهی که از ارمنستان و یا از بغداد شروع میشود و پس از عبور از کرمانشاه و همدان و تهران و دامغان به نیشابور منتهی میگردد.

ب - راه جنوب که از شوش شروع میشود و از خوزستان و دره‌های فارس (شیراز) و کرمان عبور میکند. راههای فرعی که شمال را به جنوب وصل میکند عبارتست از:

۱- راه تهران - قم - کاشان - اصفهان - شیراز.

۲- راه تهران - اصفهان - مال‌امیر - شوش.

۳- راه همدان - نهاوند - بروجرد - شوش.

تنها مطالعات دقیق و علمی در نواحی مختلف ایران می‌تواند نظر کلی صحیحی راجع به فشردگی جمعیت و آبادی یک ناحیه در زمان معینی بدهد و روابط آنرا با نواحی مجاور، یادور، و چگونگی حرکات مردم را در آن جاده‌ها، و سرانجام اهمیت هر ناحیه را نسبت به ناحیه دیگر نشان دهد.

فهرست کتب (ف.ک.)

الف - کلیات و نشانه های اختصاری

- DE MORGAN, Recherches arch., = J. DE MORGAN, Mission scientifique en Perse, tome IV, Recherches Archéologiques, Paris, 1896.
- DIEULAFOY, L'Art, = M. DIEULAFOY, L'Art antique de la Perse, 1884-1885.
- FLANDIN et COSTE, Voyage, = E. FLANDIN et P. COSTE, Voyage en Perse pendant les années 1840-41, Paris, 1843-54.
- R. GHIRSHMAN, L'Iran des origines à l'Islam, Paris, 1951.
- R. GHIRSHMAN. Iran - The Story of Persia from earliest Times until its unique Iranian Civilization was transformed by the Islamic Conquest, Pelican Book A 239, London, 1954.
- HERZFELD, Am Tor, = E. HERZFELD, Am Tor von Asien, Felsdenkmäler aus Irans Heldenzeit, Berlin, 1920.
- HERZFELD, Arch. History, = E. HERZFELD, Archaeological History of Iran, London, 1936.
- HFRZFELD, Iran, = E. HERZFELD, Iran in the Ancient East, London, 1941.
- HERZFELD, Rapport, = E. HERZFELD, Rapport sur l'état actuel des ruines de Persépolis et propositions pour leur conservation, در Archaeologische Mittheilungen aus Iran, vol. I, 1929.
- HERZFELD, Reisebericht, = E. HERZFELD, Reisebericht, در Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft, Neue Folge, vol. 80, 1926, p. 225-284.
- HERZFELD, Sculpture rupestre, = E. HFRZFELD, La sculpture rupestre de la Perse sassanide, در Revue des Arts Asiatiques, vol. V (1928), p. 129-142, pl. XXXV-XLVII (26 fig).
- C. HUART et L. DELAPORTE, L'Iran Antique, Elam et Perse et la civilisation iranienne (= L'Evolution de l'humanité, XXIV), Paris, 1652, 564 p, 75 f. 16 planches et 3 cartes.
- ILN = Illustrated London News.
- MDP = "Mémoires de la délégation en Perse" (tome I-XIII, Paris, 1912), Mémoires de la Mission archéologique de Suse" (tome XIV, Paris, 1913), "La Mission archéologique de Perse,, (tome XV, Paris, 1914), "Mémoires de la Mission archéologique de Perse, Mission de Susiane,, (tome XVI-XXVIII, Paris, 1921-1939), "Mémoires de la Mission archéologique en Iran, Mission de Susiane" (tome XXIX-XXXVI, Paris, 1943 à 1954).
- Or. Inst. Comm. = Oriental Institute Communication.
- Or. Inst. Publ. = Oriental Institute Publication.
- POPE = A. U. POPE, A Survey of Persian Art, New York, 1938, vol. I et IV, Index volume compiled by Th. Besterman, 1958.

- Fr. SARRE, Die Kunst des alten Persiens, Berlin 1922, 69 p, 150 pl.
- SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, = Fr. SARRE et E. HERZFELD, Iranische Felsreliefs, Berlin, 1910.
- SCHMIDT, Elights, = E. F. SCHMIDT, Flights over Ancient Cities of Iran, Chicago, 1940.
- SCHMIDT, Persépolis I, = E. F. SCHMIDT, Persepolis, vol I, Structures, Reliefs, Inscriptions (=Or. Inst. Publ. LXVIII), Chicago, 1953.
- STEIN, Arch. Tour, = A. STEIN, An Archaeological Tour in the Ancient Persis, در Iraq III (1936), p. 112-225.
- STEIN, Old Routes, = A. STEIN, Old Routes of Western Iran, London, 1940.
- L. VANDEN BERGHE, Iran. De stand van de archaeologische onderzoeken in Iran, در Jaarbericht Ex Oriente Lux, vol. 13 (1953-54), p. 347-393.
- H. H. VON DER OSTEN, Die Welt der Perser (Grosse Kulturen der Frühzeit), Stuttgart, 1959.

ب - فهرست کتب و منابع نسبت به ناحیه و مکان تاریخی

۱- گیلان و مازندران

تفحصات پیش از تاریخ بوسیله آقای ژ. دمرگان در مازندران

1. DE MORGAN, Recherches arch., p. 1-3, fig. 1-4.

کاوشهای پیش از تاریخ آقای کارلتون کون در مازندران (غار کمر بند و غار هوتو)

2. Carleton S. COON, University Museum Excavations in Iran 1949, در Archaeology, vol. IV (1951), p. 116-118.
 IDEM, Cave Exploration in Iran 1949. University Museum of the University of Pennsylvania Philadelphia, 1951, p. 20-31, 43-52, 69-76, 78-89, 92-95. Pl. VI-XV.
 IDEM, The 1951 Season Work at Turiyan, a Preliminary Report, در Bulletin Bimestriel de la Commission Nationale Iranienne pour l'Unesco, vol. IV n° 1-2, Téhéran, 1952, p. 57-58.
 IDEM, Excavations in Hotu Cave Iran 1951, a Preliminary Report, در Proceedings of the American Philosophical Society, vol. 96 (1952), p. 231-249.
 Louis B. DUPREE, The Pleistocene Artifacts of Hotu Cave, ibidem, p. 250-257.
 J. Lawrence ANGEL, The Human Remains from Hotu Cave, Iran, ibidem, p. 258-269.

کلاردشت

3. M. BAHRAMI, L'Exposition d'Art iranien à Paris, در Artibus Asiae, vol. XI (1948), p. 13-23, fig. 2, 3.
 ILN 5705 (1948), p. 214-215, fig 1-10
 ILN 5782 (1950), p. 206-207, fig.
 H. SAMADI, Gandjinah Kalār Dasht (le trésor de Kalar Dasht), در Guzārishhāyī bēstānshināsī vol. III-1334 (Annales archéologiques, vol. III, 1956, p. 115, 116, 18 fig.).

دماوند

4. M. BAHRAMI, در *Artibus Asiae*, vol. XI (1948), p. 21, fig. 6.
ILN 5705 (1948), p. 214, fig. 3.

ناحیه کلاردشت

5. ILN 5705 (1948), 214, 215, fig. 11.

چالوس

6. POPE, t. IV, pl. 215 A.

ساری

7. GHIRSHMAN, Notes Iraniennes VI. Une coupe sassanide a scène de chasse, در *Artibus Asiae*, vol. XVIII (1955), p. 5-19, fig. 1, 12 et 13.

علی حاکمی - بشقاب نقره منحصر بفرد سامانی مکشوفه در حوالی ساری در گزارش های باستانشناسی مجلد ۳-۱۳۴۴ ص ۳۶۴-۳۲۹ - شکل ۲۱

مازندران

۸- محمد تقی مصطفوی در گزارشهای باستانشناسی جلد سوم ۱۳۳۴ ص ۴۸۹ تا ۴۹۴ و عکس ۲۸ تا ۳۱

Catalogo di Mostra d'Arte Iranica, Roma Palazzo Brancaccio, Guigno-Agosto 1956, p. 176 n. 252, pl. XXXVII.

R. GHIRSHMAN, در *Artibus Asiae*, vol. XIX (1956), p. 139, fig. 1. ILN 21 July 1956, p. 107, 4 fig.

۲ - گرگان یا استرآباد

کاوشهای پیش از تاریخ بوسیله آقای ژ. دبرگان در گرگان (خرگوش تپه)

9. DE MORGAN, Recherches arch., p. 142; pl. VI.

استرآباد

10. C. A. DE BODE, On a Recently Opened Tumulus in the Neighbourhood of Asterabad, Communicated by R. Smith, در *Archaeologia*, vol. XXX (1884), p. 235, 248.
M. I. ROSOVTZEFF, The Sumerian Treasure of Asterabad, در *Journal of Egyptian Archaeology*, vol. VI (1920), p. 4-27.
G. CONTENAU, Le Trésor d'Asterabad et les fouilles de Tèpé Hissar, در *Revue d'Assyriologie*, vol. XXXI (1934), p. 77-80.

تورنگ تپه

11. F. R. WULSIN, Excavations at Tureng Tepe, near Asterabad. Supplément to the Bulletin of the American Institute for Persian Art and Archaeology, vol. 2 n. 1 bis, New York, 1932, F. R. WULSIN, The Early Cultures of Astarābād (Tūrang Tepe), در Pope, vol. I, p. 163-167 fig. 21.

شاه تپه بزرگ

12. T. J. ARNE, La steppe turkomane et ses antiquités, در Geografika Annaler, Stockholm, 1935.
IDEM, The Swedish Archaeological Expedition to Iran 1931-1932, در Acta Archaeologica, vol. VI, Copenhagen, 1935.
IDEM, Excavations at Shah Tepe, Irān, Stockholm, 1945.
M. BEGLIN, Keramische Funde von den Tépé's der Türkmensteppe, در Sartryck ur Orient-sällskapet's Ursbok (1937), p. 26-38.

تپه حصار

13. E. F. SCHMIDT, The Tepe Hissar Excavations, در Museum Journal of Philadelphia, vol. XXXII, 1933.
IDEM, Excavations at Tepe Hissar (Damghan), Philadelphia, 1937, 478, p. 177 fig.
A. U. POPE در ILN 4813, 28 Jan. 1933, p. 119-116, 22 fig.
R. DE MECQUENEM, Notes sur la céramique peinte archaïque en Perse, در MDP XX (1928), p. 125-126, fig. 31 (céramique provenant probablement de Tépé Hisār).
M. R. WARREN, The Early Culture of Dāmghān (Tépé Hisār), در Pope I, p. 151-192, fig. 17-20.
S. PIGGOTT, Dating the Hissar Sequence the Indian Evidence, در Antiquity, vol. XVII (1943), p. 169-182.
D. H. GORDON, The Chronology of the Third Cultural Period at Tepe Hissar, در Iraq, vol. XIII (1951), p. 40-61.

سفال مکشوف از تپه حصار در چند سوزه محفوظ است، رجوع شود به :

- S. SMITH, Early Painted Pottery from Persia, در British Museum Quarterly, vol. VIII (1933), p. 80, 81, 7 fig.
L. SPELEERS, Vases iraniens du nord-est, در Bull. Musées Royaux d'art et d'histoire, 1937 p. 17-22, fig. 20 a, b, c.
IDEM, Vases iraniens, ibid., 1891, p. 98, 99, fig. 15.
14. F. KIMBALI, The Sassanian Building at Damghan (Tepe Hissar), در POPE, vol. I, p. 576-583.
IDEM, The Sassanian building at Tepe Hissar, در E. F. Schmidt. Excavations at Tepe Hissar, op. cit, P 347-320 IDEM, در ILN 4882, 12 Nov. 1432, p. 771-773, 11 fig.

شیرشیان

15. E. F. SCHMIDT, Excavations at Tepe Hissar, op. cit; p. 17, pl. II.

نریشان

16. E. F. SCHMIDT, ibid; p. 17, fig. 14, 15.

تفحصات و عکس برداری هوایی آقای اریک اشمیدت در گرگان

17. E. F. SCHMIDT, Flights, p. 51-61, pl. 57-72.

آنو

۱۸. R. PUMPELLE, Exploration in Turkestan. Prehistoric Civilization of Anau, Washington, ۱۹۰۸.
D. D. BUKINC, Neues über Anau und Namazga Tepe, در Eurasia Septentrientalis Antiqua, vol. V (۱۹۳۰), p. ۹-۲۱.

محمد آباد

۱۹. H. FRAKFORT, Studies in Early Pottery of the Near East, London, ۱۹۲۴, vol. I, pl. VII ۲.

۳ - خراسان و سیستان

تفحصات پیش از تاریخ آقای کارلتون کون در خراسان (خونیک)

۲۰. Carleton S. COON, Cave Explorations in Iran ۱۹۴۹, Philadelphia, ۱۹۵۱, p. ۲۰, ۳۷, ۶۴, ۶۷, pl. IV n ۱.

کال جنگال

۲۱. B. W. HENNING, A New Parthian Inscription, در Journal of the Royal Asiatic Society, London, ۱۹۵۳, p. ۱۳۲-۱۳۶, pl. V.

ژ. رضائی وض. کیا: گزارشهای نوشته‌های کال جنگال در ایران کوده ۱۴ - تهران - ۱۳۲۰

تفحصات آقای هرتسفلد و دیز و گدار در خراسان

۲۲. HERZFELD, Resebericht, p. ۲۲۵-۲۸۴.

IDEM, Khorasan. Denkmalsgeographische Studien, در Der Islam, vol. XI, ۱۹۲۱.

E. DIEZ, Chursanische Baudenkmaler, Berlin, ۱۹۱۸.

A. GODARD, Khorasan, در Athār-é Iraān, vol. IV, ۱۹۴۹, p. ۷-۱۳۰.

نیشابور

۲۳. J. M. UPTON, The Persian Expedition ۱۹۳۴ - ۳۵. Excavations at Nishapur (first season), در Bull. Mus. Art, vol. ۳۱, ۱۹۳۶, p. ۱۷۶ - ۱۸۲.

C. K WILKINSON, The Iranian Expedition ۱۹۳۶. The Excavations at Nishapur (second season), ibid., vol. ۳۲, ۱۹۳۷, p. ۱ - ۳۸.

M. HAUSER, J. M. KPTON et C. K. WILKINSON, The Iraianian Expedition ۱۹۳۷. The Museum Excavations at Nishapur (third season), ibid., vol. ۳۳, ۱۹۳۸, p. ۱ - ۲۳.

M. HAUSER et C. K. WILKINSON, The Museum Excavations at Nishapur ۱۹۳۸ à ۱۹۳۹-۴۰, ibid., vol. ۳۷, ۱۹۴۲, p. ۸۲-۱۱۹.

ILN, ۱۹ Feb. ۱۹۳۸, p. ۲۹۶-۲۹۷.

قلعه دختر باز هور

۲۴. HERZFELD, Resebericht, p. ۲۷۵.

HERZFELD, Arch. History, p. ۸۹, ffig. ۱۱.

D. N. WILBER et A. U. POPE, A Sassanian Fire Temple, در Bull. Amer. Inst. for Iranian art and Arch., vol. V, ۱۹۳۷, p. ۱۳۶.

A. GODARD, Les monuments du feu, در Athàr-é Irān, III (1938), p. 53-58, fig. 29-32.

سیستان

25. A. STEIN, Innermost Asia; Detailed Report of Explorations in Central Asia, Kansu and Eastern, Iran, Oxford, 1928, pl. 113, 114.
Fred. H. ANDREWS, Painted Neolithic Pottery in Sistan, discovered by Sir Aurel Stein, در Burlington Magazine, vol. XLVII (1925), p. 304-308, pl. I-II.

کوه خواجه

26. A. STEIN, A. Third Journey of Exploration in Central Asia, در Geographical Journal, vol. 48 (1916), p. 221 sq.
IDEM, Innermost Asia, Oxford, 1928, vol. II. p. 909 sq.
E. HERZFELD, Sakastan, Geschichtliche Untersuchungen zu den Ausgrabungen auf dem Kuhi Kwadja, در Arch. Mitt. aus Iran, vol. IV (1932), p. 1-116.
HERZFELD, Arch. History, d. 59, pl. IX.
HERZFELD, Iran, p. 291 sq., pl. XCVI-CIV (avec reproductions des fresques en couleur).
ح. صمدی-سیستان از نظر باستانشناسی در گزارشهای باستانشناسی مجلد ۳-۱۳۴-۱۴۸-۱۴۷-ش ۱۱
Fred. H. ANDREWS, Catalogue of Wall Paintings from Ancient Shrines in Central Asia And Sistān, Delhi, 1933.

رام شهرستان

27. HERZFELD, Resebericht, p. 269.

کرکو

28. HERZFELD, Resebericht, p. 271.

نادعلی

29. R. GHIRSHMAN, Fouilles de Nad-i-Ali dans le Seistan Afghan, در Revue des Arts Asiatiques, vol XIII (1939-1942), pl. II-V, 4 fig.

۴ - بلوچستان و کرمان

تفحصات آقای اورل استین در بلوچستان

30. A. STEIN, An Archaeological Tour in Gedrosia, در Memoires of the Archaeological Survey of India, n. 43, 1931.
IDEM, Archaeological Reconnaissances in Southern Persia, در Geographical Journal, tome LXXXIII (1934), p. 126 sq.
IDEM. The Indo-Iranian Borderlands, their prehistory in the Light of Geography and of Recent Explorations, در Journal of the Royal Anthropological Institute, tome (1934), p. 179-202.
A. STEIN, A Preliminary Report ee the Early Cultures in Southeast Persia, در Pope I, p. 168-170, fig. 22.

D. H. GORETON, Zur Keramik im Indisch-Iranischen Grenzgebiet, در Indian Archeology, 1955, p. 157 sq.

G. CHILDE, Notes on some Indian and East Iranian Pottery, در Ancient Egypt, 1933, p. 15-25, 8 fig.

A. STEIN, Archaeological Reconnaissances in North-Western India and South-Eastern Iran, London, 1937.

C. L. FABRI, On the Track of Stone Age Man in Persian Baluchistan, در Asia, XXXIV, p. 468-473, fig.

ناحیه بمپور و خوراب

31. A. STEIN, Archaeological Reconnaissances in North-West India and South Eastern Iran, London, 1937, pl. VI-IX (Bampūr), pl. VI, XII-XIX (Khurāb).

32. K. R. MAXWELL-HYSLOP, Note on a Shaft-Hole Axe-pick from Khurab, Makran, در Iraq, vol. XVII (1955), p. 161, 1 fig.

F. E. ZEUNER, The Identity of the Camel on the Khurab Pick, در Iraq, vol. XVII (1955), p. 162-163, pl. XXXVI.

تل ابلیس

33. A. STEIN, Archaeological Reconnaissances in North-West India and South-Eastern Iran, 1937, p. 167, pl. XXIV.

خنیمان

34. P. SYKES, Ten Thousand Miles in Persia or Eight Year in Iran, New-York, 1902, p. 442 et 448, 1 fig.

C. GREENWELL, Notes on a Collection of Bronze Weapons, Implements, and Vessels, Found at Khinaman, در Journal of the Royal Anthropological Institute, vol. XXXVIII (1907), p. 196-200, pl. XXI.

جیرفت

35. P. SYKES, op. cit., p. 444, 445, 1 fig.

36. A. GODARD, Les fouilles en Perse, در Beaux Arts, n. 86 (1934), p. 1, 2, 1 fig.

۵ - لارستان

37. L. VANDEN BERGHE, Reconnaissance archéologique dans le Fars méridional et au Lāristān, Communication au 24e Congrès international des Orientalistes à Munich, le 31 août 1957.

یزد

38. J. AUBIN, Références pour Lār Médiévale, در Journal Asiatique, 1955, p. 502.

۶ - فارس

پاسارگاد

در مورد مسافران اروپایی که از قرون وسطی از پاسارگاد و تخت جمشید دیدن کرده‌اند کتاب زیر را مطالعه فرمایند.

39. A. GABRIEL, „Die Erforschung persiens, die Entwicklung der abendlandischen Kenntnis der Geographie Persiens“, Wien 1952, و در این کتاب فهرست کتب و منابع مورد احتیاج را پیدا خواهند کرد.
 40. DIEULAFOY, L'Art, vol. 1, p. 53-56, pl. II-IV, XVII.
 41. HERZFELD, Pasargadae: Untersuchungen zur persischen Archaeologie, Berlin, 1908 (=Klio, Beitrage zur alten Geschichte, vol. VIII.)
SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 147-186, fig. 66-84, pl. XXVI-XXXI.
 42. E. HERZFELD, Bericht über die Ausgrabungen von Pasargadae, در Arch. Mitt. aus Iran, vol. I (1929-30), p. 4-16, 3 pl., 1 Karte.
 - ۴۳-۱. سامی- گزارش خاکبرداری در پاسارگاد در نیمه دوم سال ۱۳۲۸ در گزارشهای باستانشناسی ۱۳۲۹ جلد اول تهران. و همچنین: پاسارگاد یا قدیمترین پایتخت کشور شاهنشاهی ایران - شیراز ۱۳۳۰
IDEM, Pasargade, the Oldest Imperial Capital of Iran (=Publication n. 4 of the Learned Society of Fārs), Shīrāz, 1956.
Djavad ZAKATALY, L'authentique tombeau de Cyrus, Téhéran, 1954.
 - این مؤلف تصور نموده است آرامگاه کورش آن آرامگاهی نیست که عموماً به او نسبت داده اند بلکه برج نیم ویرانه‌ای است که تصور کرده‌اند آتشیگاهی بوده است.
گمانه‌های پیش از تاریخ در حوالی پاسارگاد
 44. A. SAMI, Pasargadeae, the Oldest Imperial Capital of Iran, Shīrāz, 1956, p. 24, 25 et fig. p. 78.
- استخر
45. HERZFELD. Iran, p. 276 sq., fig. 375, pl. XC, XCI.
 46. E. F. SCHMIDT, The Treasury of Persepolis and other Discoveries in the Homeland of the Achaemenians (=Or. Inst. Comm. 21), Chicago, 1939. p. 98 sq.
- نقش رجب
- ۴۷ - نخستین نقش: تاج گذاری اردشیر اول
- DIEULAFOY, L'Art. t. V, pl. XVII.
- SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 94-69, pl. XII.
- HERZFELD, Iran, p. 311, pl. CVIII et CX.
- HERZFELD, Sculpture rupestere, p. 130, pl. XXXV, fig. 2.
- نقش دوم شاپور اول سوار بر اسب
- SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 92-93, p. XI.
- HERZFELD, Iran, p. 314.
- HERZFELD, Sculpture rupestse, p. 132, pl. XXXVII, fig. 5.
- سومین نقش تاجگذاری شاپور اول
- SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 97, pl. XIII.
- HERZFELD, Iran, p. 314, pl. CXII.
- HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 132, pl. XXXVII, fig. 5.

تخت رستم

48. FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. 63.
 ANDREAS-STOLZE, Persépolis II, p. 105.
 SCHMIDT, Persépolis, vol. I, p. 53. fig. 19 a, b.

نقش رستم

49. DIEULAFOY, L'Art, vol. III, p. 1-71, pl. I-III.
 SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 3 sq. et pl. II-IV.
 50. DIEULAFOY, L'Art, vol. V, p. 69, 113, 116, 117, pl. XIV-XVI.

نخستین نقش: تاجگذاری اردشیر اول

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 67-71, pl. V.
 HERZFELD, Iran, p. 312, pl. CX.
 HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 131, pl. XXXVI, fig. 3.

نقش دوم: بهرام دوم در میان خانواده‌اش

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 71-73, pl. V.
 HERZFELD, Am Tor, p. 37, 38, pl. XXIV.
 HERZFELD, Iran, p. 324, pl. CXXIV.
 HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 139, pl. XLII, fig. 15.

سومین نقش: بهرام دوم سواراسب در حال جنگ با دشمن

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 74, pl. VI.

چهارمین نقش: نقش شاپور دوم که قسمتی از آن خراب شده

R. GHIRSHMAN, A propos des Bas-Reliefs rupestres sassanides, در Artibus Asiae, vol. XII (1950), p. 67, fig. 13.

نقش پنجم: هرمز دوم سوار براسب در حال جنگ با دشمن

R. GHIRSHMAN, op. cit., p. 88, 89, fig. 4-6.

نقش ششم: پیروزی شاپور اول بر والرین

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 77-80, pl. VII.
 HERZFELD, Iran, p. 315, pl. CXIII-CXIV.
 HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 133, p. XXXVIII, fig. 7.

نقش هفتم: دو مجلس از جنگ بهرام دوم در حال سواره

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 81-83, pl. VIII et LI.
 HERZFELD, Am Tor, pl. XXIII.
 HERZFFLD, Sculpture rupestre, p. XLIII, fig. 18.
 R. GHIRSHMAN, op. cit., p. 89, fig. 7.

نقش هشتم: تاجگذاری نرسی

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 84-88, pl. IX.

HERZFELD, Iran, p. 326, pl. CXXIV-CXXV.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 138, pl. XLIV, fig. 19

51. R. BYRON, An Early Rockcarving at Naqshi Rostam, در Bull. Am. Inst. Pers. Art and Arch., vol. IV (1935), p. 39.

HERZFELD, Arch. History, p. 5, pl. IV.

52. DIEULAFOY, L'Art, vol. III, pl. V.

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 89-91, pl. X.

K. ERDMANN, Die Altäre von Naqshi Rostam, در Mitt. d. deutschen Orient Gesellschaft, 81 (1949), p. 6-15.

FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. 179.

ANDREAS-STOLZE, Persépolis, pl. 113.

53. DIEULAFOY, L'Art, vol. I, pl. VIII, XI.

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 3 sq., fig. 1-8, pl. I.

54. M. SPRENGLING, A New Pehlevi Inscription, در The American Journal of Semitic Languages and Literatures, vol. LIII (1937), p. 129-144.

برای کتیبه‌های پهلوی نقش رستم به کتاب زیر مراجعه کنند :

W. B. HENNING, Corpus Inscriptionum Iranicarum. Part III : Pahlavi Inscriptions, vol. 2, Private Inscriptions of the Classical Period. Plates, portfolio II (plate 25-48) = The Inscription of Naqsh-e Rostam (1-48), London, 1957.

55. E. F. SCHMIDT, The Treasury of Persepolis and other Discoveries (= Or. Inst. Comm. 21), Chicago, 1939, p. 105, fig. 72.

حاجی آباد

56. O. MANN, Archaeologisches aus Persien, در Globus LXXXII, Braunschweig, 1903.

J. MORIER, A Second Journey through Persia, Armenia and Asia Minor, to Constantinople, between the Years 1810 and 1816, London, 1818, p. 80.

FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. 193.

E. HERZFELD, Paikuli, Monuments and Inscriptions of the Early History of the Sasanian Empire, Berlin 1924, vol. I, p. 87-89.

کوه استخر

57. E. F. SCHMIDT, Persépolis, I, p. 47, fig. 19, 20.

ابرج

58. K. BERGNER, Bericht über unbekannte achämenidische Ruinen in der Ebene von Persepolis, در Arch Mitt. aus Iran, vol. VIII (1936), p. 1-4, 8 fig.

تخت جمشید

59. A. GABRIEL, Die Erforschung Persiens, Wien, 1952,

60. FLANDIN et COSTE, Voyage.

61. F. STOLZE et F. C. ANDREAS, Persépolis, Berlin, 1882.

62. DIEULAFOY, L'Art, vol. II, p. 2-74, pl. II-XVII, XIX-XXII, vol. III, pl. VI-X, XVII-XIX.
63. E. HERZFELD, Rapport sur l'état, actuel des ruines de Persépolis et propositions pour leur conservation, در Arch. Mitt. aus Iran, vol. I., Berlin, 1929.
 IDEM, در ILN, 4895, 11 Febr. 1933, p. 207, 5 fig.
 „ 4901, 25 March 1933, p. 401-406, 9 fig.
 „ 4902, 1 April 1933, p. 453-455, 12 fig.
 „ ILN, 8 April 1933, p. 488-3 3 fid.
 „ 4945, 27 Jan. 1934, p. 128-129 3 fig.
64. E. F. SCHMIDT, The Treasury of Persepolis and other Discoveries (=Or. Inst. Comm. 21), Chicago, 1939.
 IDEM, در ILN, 5079, 22 August 1936, p. 321-323, 5 fig.
 IDEM, Persepolis, I.
 IDEM, Persepolis, vol. II: Contents of the Treasury and other Discoveries, Chicago, 1957, 296 p., 89 pl.
 IDEM, A Greek Lady from Persepolis, American Journal of Archaeology, vol. LIV (1950), pl. VIII-XII.
65. A. GODARD, Les Travaux de Persépolis, در Archaeologia Orientalia in Memoriam E. Herzfeld (1951), P. 119-128.
 IDEM, در Comptes Rendus Acad. Inscript. et Bell. Lettres (1946), p. 260-270.
 IDEM, Persépolis, le Tatchara, در Syria, vol. XXVIII (1951), p. 62-69.
 م. ت. مصطفوی: شرح اجمالی آثار تخت جمشید - تهران فروردین ۱۳۳۰
 A. SAMI, Persépolis (Takhti Djamshid), Shīrāz, 1955.
66. HERZFELD, Rapport, fig. 45-50.
67. IDEM, Rapport, fig. 53.
68. IDEM, Iran, 275, 286, pl. FXXXV, LXXXVI.
 SCHMIDT, Persepolis, I, fig. 16, 17 A-D.
69. SCHMIDT, Persepolis I, fig. 17 E, F, G.
70. HERZFELD, Rapport, fig. 43, 51 et 52.
 SCHMIDT, Persepolis I, fig. 14 et 15.
71. A. GODARD. The Newly Found Palace of Prince Xerxes at Persepolis and Sculptures which the Architects rejected, در ILN, 2 Jan. 1954.
 راجع به مفاهیم موضوع های نقوش در تخت جمشید کتاب های زیر را مطالعه نمایند:
 A. U. POPE, Persepolis as a Ritual City, در Archaeology, vol. X, June 1957, p. 123 sq, 10 fig.
 IDEM, Persepolis—Considered as a Ritual City در Proceedings of the 22nd Congress of Orientalists, Held in Istanbul, September 15th to 22nd, 1951, Leyde, 1957, p. 58-66.
- چند قطعه از نقوش برجسته هخامنشی که احتمالاً از تخت جمشید بدست آمده است راه موزه های اروپا و آمریکا را در پیش گرفته است:

انگلستان

Londres, British Museum.

Photographs of Casts of Persian Sculptures of the Achaemenid Period, Mostly from Persépolis, London, 1932, 4 p., 12 pl., 1 plan.

S. SMITH, An Achaemenian Relief from Persepolis, در British Museum Quarterly, vol. XII (1938), p. 35, 1 pl.

R. D. BARNETT, Persepolis, در Iraq, vol. XIX (1957), p. 55-77.

اكويس

Edinburgh.

Royal Scottish Museum, Edinburgh, 1950, p. 138.

آلمان

Berlin

M. BURCHARDT, Datierte Denkmaler der Berliner Sammlung aus der Achameaidenzeit, در Zeitschrift für Ägyptische Sprache und Altertumskunde, vol. XLIX (1911), p. 69-80, pl. VIII-X.

Fr. SARRE, Ein neues Relief aus Persepolis in der Vorderasiatischen Abteilung, در Berliner Museen, 1929, p. 87-90, 3 fig.

فرانسه

Paris, Musée du Louvre.

G. CONTENAU, Deux bas-reliefs achéménides, در Bull, Musées de France, 1931, p. 93-96, 2 fig.

IDEM, Monuments mésopotamiens nouvellement acquis ou peu connus, Musée de Louvre, 1934, pl. XIV, XV.

Lyon, Palais des Arts.

A. U. POPE, vol. IV, pl. 96B.

سويس

Zürich, Zürcher Kunstgesellschaft.

H. ZUCKER, در Jahresbericht der Zürcher Kunstgesellschaft, 1955.

امريکاي شمالي

New-York, Metröpolitan Museum.

نيويورك

C. ADLER, Two Persepolitan Casts in the U. S. National Museum, در Report of the U.S. National Museum for 1893, p. 149-153, 2 pl.

M. S. DIMAND, A Persian Relief from Persepolis, در Bull. Metrop. Museum of Art, vol. 30 (1935), p. 75-77, 2 fig.

IDEM, Iranian Art in the Metrop. Museum, در Bull. Metrop. Museum of Art, vol. 35 (1940), p. 110 sq. 1 fig.

New-York, Stora Collection,

GOSSIO-PIJOAN, Summa Artis, vol. II, Arts del Asia occidental, Bilbao, 1931, fig. 669.

A. U. POPE, vol. IV, pl. 99 A.

پوستون

A. COOMARASWAMY, A Relief from Persepolis, در Bull. Museum of Fine Arts of Boston, vol. 31 (1933), p. 22-25, a fig.

A. U. POPE, vol. IV, pl. 98.

Cincinnati, (Mr. et Mrs. Philip R. Adams Collection).

سن سنیاتی

Catalogue of the Fogg Art Museum, Ancient Art in American Private Collections, 1954 n. 63 pl. XIX.

Cleveland Museum.

موزه کلولاند

H. HOLLIS, A Relief from Persepolis, در Bull. Cleveland Museum of Art, 1943, p. 135-137, 1. fig.

Harvard, Fogg Art Museum

هاروارد

E. SCHROEDER, Relief Sculptures from Persepolis, در Bull. of the Fogg Museum of Art, vol. X (1943), p. 44-45, 3 fig.

Harvard Dumbarton Oaks.

هاروارد

G. RICHTER, Catalogue of Greek and Roman Antiquities in the Dumbarton Oaks Collection Cambridge, Mass. 1881, pl. I, n. I.

Kansas City (W. Rockhill Nelson Gallery of Art).

کانساس سیتی

D. WILBER, A Head of a Bull in the William Rockhil Nelson Gallery of Art, در Art Quarterly, vol. XIII (1950), p. 343-345, 1 fig.

Princeton, Art Museum.

پرینستون

D. N. WILBER, A Relief from Persepolis, در Records of the Art Museum of the Princeton University, vol. IX (1950), p. 2-3, 1 fig.

Archaeology, 1951, p. 239.

Seattle, Art Museum.

Handbook of the Seattle Art Museum, 1951, fig. p. 14.

St. Louis, City Art Museum.

سن لوئی

City Art Museum of St. Louis. 46th Annual Report 1954-1955, p. 23, fig. p. 64.

Yale University,

دانشگاه یال

T. S. A. در Bull. of the Associates in Fine Arts at Yale University, vol. VI (1933), p. 6-8, 1, fig.

72. E. HERZFELD, Iranische Denkmaler I A. Lieferung 1-2. Berlin, 1932.

IDEM, Prehistoric Persia I, Aeneolithic Settlement at Persepolis; Remarkable New Discoveries در ILN, 25 May 1929, p. 892-893.

73. A. LANGSDORFF et D. E. McCown, Talli Bakun, a Season of 1932 (=Or. Inst. Publ. 59), Chicago. 1942.

عکسبرداری هوایی از ا.ف. اشمیدت در ناحیه پاسارگاد - شیراز

74. E. F. SCHMIDET, *Flights*, p. 8-23, pl. 1-24.

تفحصات در پاسارگاد - شیراز

75. L. VANDEN BERGHE, *Archaeologische Opzoekingen in de Marv Dashtvalkte* (*Recherches archéologiques dans la plaine de Marv Dasht*), در *Jaarbericht Ex Oriente Lux*, vol. XII (1952), p. 211-220.

IDEM, *Archaeologische Navorsingen in de Omstreken van Persepolis* (*Recherches archéologiques dans les plaines de Persepolis*), در *Jaarbericht Ex Oriente Lux*, vol. XIII (1954), p. 394-408.

IDEM, *Rapport des Recherches archéologiques dans le Marv Dasht* (en persan),

در گزارش‌های باستان شناسی - مجلد ۲ تهران ۱۳۳۰

76. L. VANDEN BERGHE, *Monuments récemment découverts en Iran méridional*, در *Bibliotheca Orientalis*, vol. X (1953), p. 5-8, 12 fig.

J. DE MENASCE, *Inscriptions pehlevies en écriture cursive. 1. Inscriptions de Maq̄sūdābād*, در *Journal Asiatique*, 1956, p. 423-427, pl. I, II.

تفحصات ۱. آستین در ناحیه جنوبی فارس

77. STEIN, *Arch. Tour*, p. 112-225.

تل سنگ سیاه

78. STEIN, *Arch. Tour*, p. 180-181, pl. XXIII n. 27, 33, 39, 40, 42-44, 47, 49-55, 57, 61, 65, 69.

تل گود رحیم

79. STEIN, *Arch. Tour*, p. 181-182, pl. XXIII, n. 34, 45, 48, 58-60, 62-64, 70-94 (n. 95, 97, et 100 sont du type Tall-i Mushki).

تل دروازه - سروستان

80. STEIN, *Arch. Tour*, pl. XXIII n. 56, 66 et 67.

تل ریگی - کمال آباد

81. STEIN, *Arch. Tour*, p. 127-129, plan 2, pl. XX n. 6, 8, 9, 12, 16, pl. XXI n. 1-38.

کنکان

82. STEIN, *Arch. Tour*, p. 149-152, plan 8, pl. XXI n. 39-52.

تل سیاه - فسا

83. STEIN, *Arch. Tour*, p. 153, pl. XXII, n. 10, 14, 15.

تل ریگی - خسو

84. STEIN, *Arch. Tour*, p. 201-202, plan 16, pl. XIX n. 10, pl. XXV, pl. XXVI n. 1-20, 25, pl. XXVIII n. 8, 21, 34-38, 40, 42.

تل ریگی - مادوان

85. STEIN, *Arch. Tour*, p. 186-187, plan 13, pl. XXIII n. 3, 13, 14, 16, 18, 21, 24, 25.

تل سکو - مادوان

86. STEIN, Arch. Tour, p. 189-190, plan 14, pl. XXIV, pl. XXVIII, n. 7, 9, 11, 13, 15-20, 22-33.

تل سیاه - مادوان

87. STEIN, Arch. Tour, p. 183-186, plan 12, pl. XXII n. 16-38, 40, 41, 43-72, pl. XXIII, n. 1, 2, 4-12, 15, 17, 19, 20, 23, 26, 50, 31, pl. XXVIII, n. 1, 10, 12, 14.

شیر

88. STEIN, Arch. Tour, p. 209-110, pl. XIX n. 4, 11, pl. XXVI n. 21-23, 26-28, 30-37, 41, 42, 44, 45.

ده بید

89. STEIN, Arch. Tour, p. 213-217, plan 17, pl. XXVI n. 38, 39, 46-65, pl. XXVIII n. 41, 43-45.

دوتلان

90. STEIN, Arch. Tour, p. 218-220, plan 18, pl. XXVI n. 43, pl. XXVIII n. 39, 47-49.

وکیل آباد

91. STEIN, Arch. Tour, p. 152-157, plan 9, pl. XIX n. 7, 15, pl. XX n. 4-7.

تل ضحاک

92. STEIN, Arch. Tour, p. 140-141, pl. XXIX n. 33.

داراب

93. STEIN, Arch. Tour, plan 10.

نقش رستم - داراب

94. STEIN, Arch. Tour, p. 194-196, pl. XVII, fig. 28, 29.
FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. 33.

آتشکده

95. STEIN, Arch. Tour, p. 176-176, pl. XVI, fig. 25, 27.

تنگ کرم

96. STEIN, Arch. Tour, p. 177, pl. XVI, fig. 26,

سروستان

97. STEIN Arch. Tour, p. 178-180, pl. XIV, fig. 19.
FLANDIN et COSTE, Voyage, p. 23 sq et p. 374-377, pl. XXVIII, XXIX.
DIEULAFOY, L'Art, vol. IV, p. 1-29, 69, 71, pl. I-VIII.

فیروز آباد

98. STEIN, Arch. Tour, p. 118-112, pl. VIII, IXa et p. 95 sq, pl. XV, XVI.
DIEULAFOY, L'Art, Vol. IV, p. 4-70, pl. XII-XVII.

HERZFELD, Reisebericht, p. 253.

R. BYRON, Note on the Qal'a-i Dukhtar at Firuzabad, در Bull. Am. Inst. for Persian Art and Arch., vol. 7 (1934), p. 3-6.

R. GHIRSHMAN, Firuzabad, در Bulletin de l'institut français d'archéologie orientale (=BIFAO), Le Caire, vol. XLVI, 1947.

W. B. HENNING, The Inscription of Firuzabad (Pahlavi Inscription at the Ruins of the Sassanian Bridge), در Asia Major, New Series, vol. IV, part I (1954), p. 98-102, fig. 1 et 2.

برای عکس هوایی شهر دایره شکل و کاخ اردشیر اول به کتاب زیر مراجعه کنند.

SCHMIDT, Flights, pl. 16-19.

۹۹- نقش اول تاجگذاری اردشیر اول

FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. XLIII.

STEIN, Arch. Tour, p. 123.

HERZFELD, Iran, p. 311, pl. CVIII.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 130 pl. XXXV, fig. 1.

R. GHIRSHMAN, Firuzabad, در BIFAO, vol. XLVI (1947), p. 7-8, pl. VI b.

نقش دوم پیروزی اردشیر بر اردوان پنجم

FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. XLIV.

STEIN, Arch. Tour, p. 122.

HERZFELD, Iran, p. 310, pl. CIX, fig. 403.

IDEM, Arch. History, pl. XIa

IDEM, Sculpture rupestre, p. 131, pl. XXVI fig. 4.

R. GHIRSHMAN, Firuzabad, در BIFAO, vol. XLVI (1947), p. 8-12, pl. VIIa.

مهارلو

100. H. FIELD, Contribution to the Anthropology of Iran, Chicago, 1939, vol. II, p. 555-556.

قصر ابو نصر

101. FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. 55 (reproduction du portique achéménide).

این مؤلفان قصر ابونصر را تحت نام تخت مادر سلیمان معرفی کرده‌اند. هیئت امریکایی-قطعه سنگ سمری با نقش برجسته از جنس سر دری که فلاندن و کوست نشان داده‌اند پیدا کرد - رجوع شود به :

M. S. DIMAND, An Achaemenian Alabaster Relief در Bull. Metr. Mus. Art, vol. 29 (1934), p. 118-119, 1 fig.

102. M. HAUSFR et J. M. UPTON, The Persian Expedition at Kasri Abu Nasr 1932-33, در Bull. Metr. Mus. Art., Nov. 1933, p. 39 sq.

IDEM, The Persian Expedition at Kasri Abu Nasr 1933-34, در Bull. Metr. Mus. Art., Dec. 1934, 22 p. et 37 fig.

CH. K. WILKINSON, Notes on the Sasanian Seals Found at Kasri Abu Nasr, در Bull. Metr. Mus. Art., vol. XXXI (1936), p. 176-192, fig. 7-17.

برم دلك

103. SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 147-188, pl. XXXII.

K. ERDMANN. Die sassanidischen Felsreliefs von Barmi Dilak, در Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft, vol. 99 (1949), p. 50-57.

سر مشهد

104. HERZFELD, Iran, p. 325, pl. CXXIII.

HERZFELD, Sculpture rupestre, pl. XLIII, fig. 17.

W. B. HENNING, Corpus Inscriptionum Iranicarum, vol. I. The Inscription of Sar Mashhad, London, 1955.

كازرون

105. M. SIRIOUX, Petit monument sassanide, près de Kazerun, در Athār-é Irān, vol. III (1928), p. 134-141, fig. 85-87.

جره

106. A. GODARD, Les quatre Chahar Taqs de la vallée de Djerre, در Athār-Irān, vol. III (1938), p. 169-178.

تون سبز

107. A. GODARD, Les quatre Chahar Taqs, ibid., p. 170.

فراش بند

108. DIEULAFOY, L'Art, vol. IV, p. 77-78, pl. XVIII.

HERZFELD, Arch. History, p. 91, fig. 12 et 13.

بندر بوشهر - ری شهر

109. M. PEZARD, Mission à Bender-Bouchir, در M. D. P., vol. XV, 914.

خارك

110. SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 63-66, fig. 23.

كلار زاغی

111. CARLETON S. COON, Cave, Explorations in Iran, 1949, Philadelphia, 1949.

بیشاپور

112. D. T. RICE, The City of Shappur, در Ars Islamica, vol. II (1935), p. 174-188.

G. SALLES et R. GHIRSHMAN, Châpour, Rapport préliminaire de la première campagne de fouilles (automne 1935-printemps 1936) در Revue des Arts Asiatiques, vol. X 3 (1936), p. 117-122, pl. XXXIX-XLIII.

R. GHIRSHMAN, L'inscription du monument de Châpour I à Chapour, ibid., p. 123-129, pl. XLIV.

R. GHIRSHMAN, Les fouilles de Chapour, Iran (deuxième campagne décembre 1936-avril 1937), ibid, vol. XII 1 (1938), p. 12-19, pl. IX-XIV.

G. SALLES, Nouveaux documents sur les fouilles de Chapour, در ibid., vol. XIII 3- (1942), p. 93-100.

R. GHIRSHMAN, Shapur, Royal City, در Asia, New York, 1954, p. 494.

R. GHIRSHMAN, Bichapur, vol. II : Les Mosaïques sassanides, Paris, 1956.

J. BABELON, در Bulletin de la Société française de Numismatique, vol. X (1955), p. 394.
(=trouvailles de monnaies grecques Faites à Bishāpūr, en 1953.

۱۱۳- نخستین نقش : پیروزی شاپور اول بر والرین

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 222, pl. XLIV, fig. 110.

HERZFELD, Iran, p. 315, pl. CXIV.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 133, pl. XXXVIII, fig. 8.

نقش دوم : پیروزی شاپور اول بر والرین

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 223, pl. XLV-XLVI

HERZFELD, Iran, p. 316, pl. CXVI-CXIX.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 133, pl. XXXIX, fig. 9.

سومین نقش : پیروزی شاپور اول بر والرین

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. XLIII, fig. 109.

HERZFELD, Iran, p. 318, pl. CXV.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 134, pl. XXXIX, fig. 10.

چهارمین نقش : بهرام دوم و قبایل عرب

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 214-216, pl. XLI, fig. 103-104.

HERZFELD, Iran, p. 321, pl. CXI-CXIII.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 136, pl. XLI, fig. 13.

R. GHIRSHMAN, A propos des Bas-Reliefs rupestres sassanides, در Artibus Asiae, vol. XIII (1950), p. 86-98, fig. 9.

نقش پنجم : تاج گذاری بهرام اول

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 217-219, pl. XLII, fig. 106.

HERZFELD, Iran, p. 324, pl. CXIII.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 137, pl. XLII, fig. 16.

نقش ششم : پیروزی بر هندیان. این نقش را آقایان زاره و هرتسفلد به شاپور اول نسبت داده‌اند و آقای گیرشمن عقیده دارد که از شاپور دوم است.

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 213-214, pl. XI, fig. 101.

HERZFELD, Iran, p. 318, pl. CXVII-CXVII et CXX.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 135, pl. XL, fig. 11.

R. GHIRSHMAN, A propos des Bas-Reliefs sassanides, در Artibus Asiae, vol. XIII (1950), p. 90, fig. 8-10, 12.

مودان

114. HERZFELD, Sculpture rupestre, pl. XL, fig. 12.

نقش بهرام

115. HERZFELD, Sculpture rupestre, pl. XLI, fig. 14.
HERZFELD, Iran, p. 320-324, pl. CXX-CXXIV h.

گوپوم

116. HERZFELD, Reisebericht, p. 250.
L. VANDEN BERGHE, Hetrotsreliëf van Guyūm en de Hofkunst van de Sassaniediche koning Bahrām II (276-293), در Gentse Bijdragen tot de Kunstgeschiedenis en Oudheidkunde, vol. XV (1947-58), p. 1-23, 12 fig. (avec résumé en français).

نور آباد

117. ANDREAS-STOLZF, Persépolis, Berlin, 1882, pl. 147.
R. GHIRSHMAN, La Tour de Nurabad, در Syria, vol. XXIV (1944-45), p. 175-193.

جین جین

118. HERZFELD, Reisebericht, p. 258.
R. GHIRSHMAN, La Tour de Nurabad, ibid. p. 175.

تولسپید

119. HERZFELD, Reisebericht, p. 259.

تفحصات آقای استین در مغرب فارس

120. STEIN, Old Routes, p. 1-52.

تل گرد

121. STEIN, Old Routes, p. 6-9, pl. I n. 1-10.

کورانگون

121. HERZFELD, Reisebericht, p. 259.
HERZFELD, Arch. History, p. 4 sq., pl. II-III.
STEIN, Old Routes, p. 36-37, fig. 12.
ILN, 4622, 19 Nov. 1927, p. 905, 2 fig.
Neilson C. DEVEBOISE, The Rock Reliefs of Ancient Iran, در Journal of the Near Eastern Studies, vol. I, 1942, p. 70-80.
به عقیده مؤلف فوق نقوش برجسته صخره‌ای در کورانگون شامل دو مجلس است. مجلس اصلی که در وسط نقش قرار دارد از زمان «گوتی‌ها» است و مجلس طرف چپ از عهد جمدت نصر است.

سراب سیه

123. STEIN, Old Routes, p. 45, fig. 013.

داود دختر

124. STEIN, Old Routes, p. 45-47, fig. 14.
HERZFELD, Arch. History, p. 32-37, et pl. V.

HERZFEL, Iran, p. 206, fig. 317, pl. XXXV et XXXVIII.

پل برین

125. STEIN, Old p. 48, fig. 15, 16, 34.

مسافرت در ناحیه فارس از نظر مطالعه کتیبه ها

126. R. R. FRYE, An Epigraphical Journey in Iran 1948, در Archaeology, vol. II (1949), p. 186-192, 13 fig.

127. W. B. HENNING, Deciphrement of Pahlavi Inscription, a Feat of Genius.

در مجله کمیسسیون ملی یونسکو در ایران جلد سوم تهران ۱۹۵۱ ض ۴۳-۵۲.

IDEM, Corpus Inscriptionum Iranicarum, vol. I. The Inscription of Sar Mashad, London, 1955.

۷- خوزستان

تفحصات اورل استین در خوزستان

128. STEIN, Old Routes, p. 52-170.

چهارده

129. STEIN, Old Routes, p. 65, plan 7, fig. 17.

خیر آباد

130. STEIN, Old Routes, p. 71-72, fig. 20-21.

تل حسنک

131. STEIN, Old Routes, p. 79, pl. I n. 11-13, 15, 16, 18, 21, 22, 24, 25.

تل گورپناه

132. STEIN, Old Routes, p. 80, pl. I n. 14, 17, 19, 20, 23, 26, 27.

کیکاووس

133. STEIN, Old Routes, p. 87.

تنگ سروک

134. STEIN, Old Routes, p. 103-113, pl. 29-37, 42.

135. W. B. HENNING, The Monuments and Inscriptions of Tang-i Sarwak, در Asia Major, New Series, vol. II (1952), p. 151-178, et 20 pl.

Fu. ALTHEIM et R. STIEHL, Die Inschriften von Tangi Sarwak, در Asien und Rom, Neue Urkunden aus Sassanidischer Frühzeit Tübingen, 1952, p. 30-34, Abb. 10-11, und Schrifttabelle 1, 2, 3 und 4.

قلعه تل-مال امیر

136. STEIN, Old Routes, p. 126, fig. 43.

کل‌فرا-مال امیر

۱۳۷. STEIN, Old Routes, p. ۱۲۹-۱۳۰, fig. ۴۴.

G. JÉQUIER, Description du site de Malamir, در MDP III (۱۹۰۱), p. ۱۳۳-۱۳۹, pl. XXIII, XXVII-XXX.

V. SCHEIL, Transcription et traduction de l'inscription du relief de Hanni, در MDP III (۱۹۰۱), P, ۱۰۲-۱۰۷.

شکفت سلمان-مال امیر

۱۳۸. STEIN, Old Routes, p. ۱۲۹-۱۳۰, fig. ۴۵.

G. JÉQUIER, Description du site de Malamir, در MDP III (۱۹۰۱), p. ۱۳۹-۱۴۲, pl. ۳۱-۳۳ (l'inscription p. ۱۰۸-۱۱۳),

شاه سوار

۱۳۹. H. LAYARD, Descriptions of the Province of Khuzistan, در Journal of the Royal Geographical Society, vol. XVI (۱۸۴۶), p. ۷۸.

هنگ نوروزی

۱۴۰. G. JÉQUIER, Description du site de Malamir, در MDP III (۱۹۰۱), fig. ۳۰.

G. HÜSING, Der Zagros und seine Völker, در der Alte Orient, Leipzig ۱۹۰۸, p. ۵۶.

متون مال امیر

۱۴۱. V. SCHEIL, در NDP IV (۱۹۰۲), p. ۱۶۸-۱۹۸, pl. XIX-XX (textes juridiques élamites et langue sémitique).

تپه پیش از تاریخ مال امیر

۱۴۲. STEIN, Old Routes, p. ۱۳۵-۱۳۶, pl. II-III n. ۱-۱۰. ۱۲-۱۴, ۱۶-۱۹.

تل باومحمد

۱۴۳. STEIN, Old Routes, p. ۱۳۶, pl. III n. ۱۱, ۱۵, ۲۰.

شمی

۱۴۴. STEIN, Old Routes, p. ۱۳۰-۱۳۴, fig. ۴۶-۴۹.

۱۴۵. A. STEIN, Old Routes, p. ۱۴۱-۱۵۹, fig. ۵۰, ۵۲, ۵۳, pl. IV-VI.

۱۴۶. A. GODARD, Catalogue de l'exposition de l'art Iranien au Musée Cernuschi à Paris en ۱۹۴۹, p. ۴۱-۴۳.

۱۴۷-۱. راجع به پیدایی‌های شمی کتابهای زیر را نیز مطالعه فرمایند

A. STEIN, Bronze Statue from Khuzistan, Iran, در Antiquity, vol. ۱۳, p. ۲۳۴-۲۳۶, ۱ pl.

A. STEIN, ILN, 6 July ۱۹۳۶.

A. GODARD, Les statues parthes de Shami, در Athâr-è Irân, vol. II (۱۹۳۷), p. ۲۸۵-۳۰۵.

FR. CUMONT, Bronzes hellénistiques en Perse, در Syria, vol. XVII (۱۹۳۶), p. ۳۹۴-۳۹۵.

IDEM, Les bronzes gréco-parthes de Shami, در Syria, vol. XX (۱۹۳۹), p. ۱۶۷-۱۶۸, ۲ fig.

CH. PICARD, Courrier de l'art antique, در Gazette des Beux Arts, (۱۹۳۹), p. ۲۲۹-۲۳۴, fig. ۳۵ à ۳۸.

H. SEYRIG, La grande statue de Shami et la sculpture palmyrienne, در Syria, vol. XX (1939), p. 177-182, pl. XXV, 3 fig.

G. CONTENAU, Statues élamites de l'époque parthe, در R. GROUSSET, L. MASSIGNON et H. MASSÉ. L'ame de l'Iran, 1954, p. 49-66.

M. ROSTOVTZEFF, Social and Economic History of the Hellenistic World, Oxford, 1941. vol. I, p. 66, pl. X.

مسجد سلیمان

148. J. M. UNVALA. Ancient Sites in Susiana, در Revue d'Assyriologie, vol. XXV (1928), p. 83-88.

HERZFELD, Arch. History, p. 93, pl. 94.

IDEM, Iran, p. 303, fig. 399.

A. GODARD, Les Monuments du feu, در Athār-é Irān, vol. III (1938), p. 49-51.

M. SIRIOUX, Masjid-i Sulaimān, در Athār-é Irān. vol. III (1938), p. 157-160.

K. ERDMANN, Das Iranische Feuerheiligtum, Leipzig, 1941, p. 27-29.

R. GHIRSHMAN, Masjid-i Solaiman : Résidence des premiers Achéménides, در Syria. vol. XXVII (1950), p. 205-220.

برد نشانه

149. R. GHIRSHMAN, Masjid-i Solaiman, ibid. p. 212 sq.

A. GODARD, در Athār-é Irān, vol. IV (1949), p. 153-162.

لالی

150. R. GHIRSHMAN, در Comptes Rendus de l'Académie des Inscriptions et Belles Lettres, 1947, p. 449 sq.

تنگ پیدا

151. R. GHIRSHMAN, در ibid., 1949, p. 196-199.

شیمبار

152. A. H. LAYARD, A Description of the Province of Khuzistan, در Journal of the Royal Asiatic Society vol. XVI, 1846, p. 84-86.

E. HERZFELD, در Arch. Mitt. aus Iran, October 1929, p. 71, Tafel VIII.

دزفول

153. DIEULAFOY, L'Art, vol. V, p. 105-109, pl. X-XI.

شوشتر

153. DIEULAFOY, L'Art, vol. I, p. 3, vol. V, p. 60, pl. XII.

پای پل

154. STEIN, Old Routes, p. 171 sq.

ایوان کرخه

155. DIEULAFOY, L'Art, vol. V, pl. VII, VIII, IX.

156. R. GHIRSHMAN, Mémoires de la Mission archéologique en Iran. Missien de Susiane Rapports préliminaires I. Cinq campagnes de fouilles à Suse (1946-1951), Paris, 1952, p. 10-12.

تفحصات مک کون در خوزستان جنوبی

157. American Journal of Archaeology, vol. (1949), p. 54.

چغازنبیل

158. M. RUTTEN, Les documents épigraphiques de Tchogha Zambil, در MDP, XXXIII (1953), 88 p.

H. H. PAPER, Elamite Texts from Tchogha Zambil 1636-39, در Journal of Near Eastern Studies, vol. XIV (1955), p. 42-48.

R. DE MECQUENEM et G. DOSSIN, La "Marre, de Nabu, در Revue d'Assyriologie, vol. XXXL (1938), p. 129-135 (=une bêche votive en fer avec son manche en cuivre, portant une inscription).

159. Bibliographie des 5 campagnes (1951-52 à 1955-56) :

R. GHIRSHMAN, در ILN 5929, 6 Dec. 1952, p. 954-955, 11 fig. (1^e campagne 1951-52) ; در ILN 5964, August 1953, p. 226-227, 14 fig. (2^e campagne 1952-53); در ILN 6011, 3 July 1954 (3^e campagne 1953-54); در ILN 25 June 1955 (4^e campagne 1944-55) ; در ILN, 8 September 1956 (5^e campagne, 1955-56).

R. GHIRSHMAN, در Revue archéologique, vol. 42 (1953) p. 1-9. (1^e et 2^e campagne); در ibid., vol. 44 (1944), p. 1-5, 6 fig. (3^e campagne) ; در ibid. vol. 46 (1955), p. 63-67, 6 fig. (4^e campagne).

R. GHIRSHMAN, در Revue des Arts, vol IV (1954), p. 169-170, 7 fig. (3^e campagne).

R. GHIRSHMAN, در Arts Asiatiques, vol. I (1954), p. 83-95, 16 fig. (1^e, 2^e, 3^e campagne) ; در ibid., vol. II (1955), p. 163-177, 15 fig. (4^e campagne).

R. GHIRSHMAN, در Ars Orientalis (1954), p. 173-174, 2 pl. (3^e campagne).

R. GHIRSHMAN, در Comptes Rendus de l'Académie des Inscriptions et Belles Lettres (1954), p. 233-238 (3^e campagne).

R. GHIRSHMAN, در ibid. (1955), p. 112-322-327, 1 fig. (4^e campagne).

R. GHIRSHMAN, The Ziggurat of Tchogha Zanbil, در Archaeology, vol. 8 (1955), p. 260-263, 10 fig.

شوش

Mission de W. K. VOFTUS.

160. W. K. LOFTUS, Travels and Researches in Chaldaea and Susiana, in 1849-52, London, 1856.
Mission de M. DIEULAFOY.

161. J. DIEULAFOY, La Perse, La Chaldée et la Susiane, Paris, 1887.

IDEM, A Suse, Journal des fouilles 1884-1886, Paris, 1888.

M. DIEULAFOY, L'Art.

- IDEM, L'acropole de Suse de'après les fouillés exécutées en 1884-86, Paris, 1893.
- IDEM, Les Antiquités découvertes et rapportées par la Mission DIEULAFOY (1884-1896), Paris, 1913,
- M. DIFULAFOY, Fouilles à Suse, Campagne 1884-1885, در Revue Archéologique, 1885, p. 48-69.
- IDEM, Fouilles à Suse, Campagne 1885-1886, در Revue Archéologique, 1887, p. 1-9.
162. Mission de J. DE MORGAN.
- J. DE MORGAN, Fouilles à Suse, 1897-1898, در Revue Archéologique 1889, p. 15-36, 161-187.
- IDEM, L'histoire de l'Elam (fouilles à Suse 1897-1902) در Revue Archéologique, 1902, p. 149-171 .
- IDEM, Les travaux de la délégation scientifique en Perse, campagne 1906-1907, در Comptes Rendus de l'Acad. des Inscriptions et Belles Lettres, 1907, p. 397-413.
- IDEM, Les résultats des derniers travaux 1907-1908, در ibid., 1908, p. 373-379.
- IDEM, Nots sur les anciens vestiges de la civilisation susienne, در Revue d'Assyriologie, Paris, 1910. p. 1-10.
- M. PÉZARD et E. POTTIER, Les Antiquités de la Susiane, Paris, 1913.
- LE ROYER DE LONGRAIRE, Travaux archéologiques exécutés en Perse de 1896 à 1898 Par M. J. de Morgan, در Bull. Soc. d'Anthropologie de Paris, 1899, p. 247-263.
- POTTIER, Les fouilles de Suse par la Mission J. de Morgan, در Gazette des beaux-arts, p. 17-32.
- IDEM, Les nouvclles découvertes de la Mission de Morgan, در Gazette des beaux-arts, 1906, p. 5-20.
163. Mision de MECQUENEM.
- R. DE MECQUENEM, Fouilles de Suse (campagnes 1923-1924), در Revue d'Assyriologie, vol. XXI (1924), p. 105-118.
- IDEM, Les derniers résultats des fouilles de Suse در la Revue des Arts Asiatiques, vol. VI (1929-1930), p. 78-88, 7 fig. (coup d'oeil sur travaux faits de 1924-1929).
- IDEM, Excavations at Suse (Persia) , 1930-1931, در Antiquity 1931, p. 330-343, 12 pl. et 16 fig.
- IDEM, The Early Cultures of Susa, در POPE I, p. 131-150, fig. 6-16.
- IDEM, The Achaemenid and Later Remains at Susa, در POPE I, p. 321-329, fig. 75-79.
- ۱۶۴- برای نتایج کاوش ها از ۱۸۹۷ به مقالات MDP مراجعه کنید و خصوصاً از نظر باستانشناسی مقالات زیر اهمیت شایان دارند.
- I, VII, VIII, XII, XIII, XVI, XIX, XX, XXV, XXIX, XXXVI .
- ما در اینجا مقالاتی را که در MDP منتشر شده نقل میکنیم :
- MDP I (1900) .
- J. DE MORGAN, Etude géographique sur la Susiane, p. 1-32 .

IDEM, Matières minérales employées à Suse dans l'antiquité, p. 33-39.

IDEM, Ruines de Suse, 50-54.

IDEM, Recherches dans le Tell de la ville royale, p. 55-68.

G. JÉQUIER, Travaux de l'Apadana, p. 69-80.

J. DE MORGAN, Travaux au Tell de la Citadelle, p. 81-110.

G. JEQUIER, Travaux de l'hiver 1898-99, 111-138.

J. DE MORGAN, Description des objets d'art, p. 139-198 (obélisque de Manishtu-Irba (p. 139-142), Stèle de Naram-Sin (p. 144-154), Bas-relief de la Fileuse (p. 159-160), Table de bronze (p. 161-162), Bas-relief de bronze (p. 163-164), Koudourrous (p. 165-182) .

Appendice n. 1, céramique archaïque, p. 183-189, Appendice n. 2, ilx taillés, p. 190-195,

Appendice n. 3, constructions élamites, p. 196-198.

MDP II (1900).

V. SCHEIL, Textes élamites-sémitiques (obélisque de Manishtu-Irba, Stèle de Naram-Sin, briques diverses, inscription de Hammurabi, koudourrous dont ceux de Nazimaruttas, Melishihu), 134 p., 24 pl.

MDP III (1901).

V. SCHEIL, Textes élamites-anzanites (briques de Untash Gal Shutrak Nakhunte, Shilhak in Shushinak, textes de Hanni de Kuli Firaoun et de Shikafteh Salman), p. 1-132.

J. DE MORGAN, Description du Site de Malamir (bas-reliefs rupestres de Malamir), p. 133-143.

MDP IV (1920).

V. SCHEIL, Textes élamites-sémitiques (code de Hammurabi, inscriptions sur briques), 200 pp.

MDP V (1904).

V. SCHEIL, Textes élamites-anzanites (statue de Napirasu, stèle de Shutrak Nakhunte, stèle et barrière de Shilhak in Shushinak, stèle de Shutruru), 116 pp.

MDP VI (1905).

V. SCHEIL, Textes élamites-sémitiques (inscriptions de Naram-Sin. de Karibu Sha Shushinak, d'une statue d'un prince d'Ashnunak, koudourrous, briques diverses, tablettes proto-élamites et liste des signes), 129 pp.

MDP VII (1905).

J. DE MORGAN, Etat de travaux à Suse en 1904, p. 1-8.

G. JEQUIER, Fouilles de Suse de 1899 à 1902, p. 9-40.

J. DE MORGAN, Trouaille du Masque d'argent, p. 43-48.

IDEM, Trouaille de la Colonne de briques, p. 49-59.

R. DE MECQUENEN, Offrandes du Temple de Shushinak (figurines, statuettes, cylindres et cachets, bijoux, objets en ivoire ou de nacre, céramique), p. 61-130.

IDEM, Trouvaille de la Statuette, d'or, p. 131-136.

J. DE MORGAN, koudourrous, p. 137-153.

B. HAUSSAULLIER, Offrande à Apollon Didyméen, p. 155-165.

D. L. GRAEDT VAN ROGGEN, Notice sur les anciens travaux hydrauliques en Susiane (Shushter, Dizful, Pa-i Pul. Ahwaz), p. 166-207.

MDP VIII (1905).

G. JEQUIER, Cachets et cylindres archaïques, p. 1-27.

J. DE MORGAN, Découverte d'une sépulture achéménide à Suse, p. 29-58.

J. E. GAUTIER et G. LAMPRE, Fouilles de Moussian, p. 59-149.

A. JOUANNIN, Les Tumuli de Bahrein, p. 149-157.

G. LAMPRE, La Représentation du lion à Suse, p. 159-176.

A. DE LA FUYE, Monnaies de l'Elymaïde, p. 177-243.

G. LAMPRE, Statue de la reine Napir-asou, p. 245-250.

J. DE MORGAN, Recherches au Talyche persan en 1901, p. 252-341.

MDP IX (1907).

V. SCHEIL, Textes élamites-anzanites, 231 pp.

MDP X (1908).

V. SCHEIL et J. E. GAUTIER, Textes élamites-sémitiques (Manishtusu Sargon d'Akkad, fragments du Code de Hammurabi, textes de Untash Gal, koudourrou de Melishuhu, etc.), 98 pp.

MDP XI (1911).

V. SCHEIL. Textes élamites-anzanites (texte dit „de Naram-Sin”, grande stèle de Shilhak in Shushinak, bronze „aux guerriers”, stèle de Adda Hamiti, divers textes sur briques, sur vases, etc.), 123 pp.

MDP XII (1911).

M. C. SOUTZO, Etudes des monuments pondéraux de Suse, p. 1-50.

G. PEZARD et G. BOUDOUX, Mission de Téhéran (fouilles de Tepeh Mill, reconnaissance du site de Khages. Varamin), p. 51-64.

R. DE MECQUENEM, Constructions élamites du Tell de l'Acropole de Suse (temple de Inshushinak, temple de Nin-Hur-sag, etc.), p. 65-78.

M. PEZARD, Etude sur les Intailles susiennes, p. 79-141.

J. E. GAUTIER, Le sit-Shamshi de Shilhak in Shushinak, p. 143-152.

P. TOSCANNE, Etude sur le serpent, figure et symbole dans l'antiquité élamite, p. 153-228.

MDP XIII (1912).

Recherches archéologiques.

J. DE MORGAN, Observations sur les couches profondes de l'Acropole de Suse, p. 1-25.

E. POTTIER, Etude historique et chronologique sur les vases peints de l'Acropole de Suse, p. 27-103.

R. DE MECQUENEM, Catalogue de la céramique peinte susienne conservée au Musée du Louvre, p. 105-158.

ضمایم

A. GRANGER, Rapport sur les poteries provenant de fouilles de Suse, p. 159-160.

COUYAT-BARTHOUX, Note sur la céramique susienne, p. 161.

H. LE CHATELIER, Note sur la matière noire et bitumineuse de certains reliefs et statuettes, p. 162.

A. GRANGER, Analyse d'une hache en cuivre, p. 162.

Z. LECAISNE, Note sur les tissus recouvrant des haches en cuivre, p. 163.

MDP XIV (1913).

V. SCHEIL et L. LEGRAIN, Textes élamites-sémitiques (Manishtusu, statue et inscription de Karibu Sha Shushinak, inscriptions d'Assarhaddon, fragments du poème du „jutse souffrant”, tablette de présages, textes de comptabilité), 133 pp.

MDP XV (1914).

M. PEZARD, Mission à Bender Bouchir, documents archéologiques et épigraphiques, 103 pp.

MDP XVI (1921).

L. LEGRAIN, Empreintes de cachets élamites, 59 pp. et XXIII pl.

MDP XVII (1923).

V. SCHEIL, Textes de comptabilité proto-élamites, avec liste de signes proto-élamites, 68 pp. et LIX pl.

MDP XVIII (1927).

G. DOSSIN, Autres textes sumériens et accadiens (textes scolaires, économiques, juridiques, épistolaires, religieux), 94 pp.

MDP XIX (1928).

R. KOEHLIN, Les céramiques musulmanes de Suse au musée du Louvre. 199 pp. et XXIII pl.

MDP XX (1928).

A. DE LA FUYE, Inventaire de monnaies trouvées à Suse, campagnes de fouilles 1925-1926, 1927 et campagnes antérieures à 1925, p. 3-76.

F. CUMONT, Inscriptions grecques de Suse, p. 77-98.

R. DE MECQUENEM, Notes sur la céramique peinte archaïque en Perse, p. 99-132.

MDP XXI (1929) .

V. SCHEIL, Inscriptions des Achéménides à Suse (Darius I, Xerxès, Artaxerxès II, Artaxerxès III), 100 pp.

MDP XXII (1930) .

V. SCHEIL, Actes juridiques susiens, 198 pp.

MDP XXIII (1932) .

V. SCHEIL, Actes juridiques susiens, 215 pp.

MDP XXIV (1933) .

V. SCHEIL, Actes juridiques susiens et inscriptions des Achéménides .
(DARIUS II, ARTXERXES II), 129 pp.

MDP XXV (1934) .

A. DE LA FUYE et J. M. UNVALA, Inventaire des monnaies trouvées à Suse (de 1926 à 1933), p. 1-133.

N. T. BELAIEW, Métrologie élamite (poids recueillis de 1921 à 1933), p. 134-176.

R. DE MECQUENEM, Fouilles de Suse 1929 à 1933 (sur l'acropole et la ville royale), p. 177-237.

J. M. UNVALA, Tessères et médaillons, p. 237-244.

MDP XXVI (1935) .

V. SCHEIL, Textes de comptabilité proto-élamites, 14 pp. et LXV pl.

MDP XXVII (1936) .

P. E. VAN DER MEER, Textes scolaires de Suse, 110 pp.

MDP XXVIII (1939) .

V. SCHEIL, Mélanges épigraphiques (textes historiques, textes juridiques), 161 pp.

MDP XXIX (1943) .

R. DE MECQUENEM, Fouilles de Suse 1933-1938 (Suse, Tépé Bouhallan Tépé Husseinabad, Tépé Zohab), p. 3-161 .

G. CONTENAU, Monuments divers (fragments de koudourrous, céramique susienne, tête d'époque parthe), p. 162-191.

R. PFISTER, Les textiles à Suse, p. 192-194 .

N. BELAIEW, poids en forme de cloche, p. 195-207 .

MDP XXX (1947) .

R. DE MECQUENEM, Contribution à l'étude du palais achéménide de Suse, p. 1-119, 70 fig., 2 plans.

L. LE BRETON, Note sur la céramique peinte aux environs de Suse (Tépé Djaffarabad, Tépé Djowi, Tépé Bendebal) et à Suse, p. 120-219, 53 fig.

M. R. RUTTEN, Cuve décorée provenant de Suse. p. 220-228 .

MDP XXXI (1949).

R. DE MECQUENEM, Epigraphie proto-élamite, p. 1-150.

M. RUTTEN, Archéologie susienne (deux fragments de tablette provenant de Suse, au nom de *Siwepalarhuhpak*), p. 151-167.

MDP XXXII (1953).

M. RUTTEN, Les documents épigraphiques de Tchogha Zambil (textes sémitiques et élamites d'UNTASH-GAL), 85 pp.

Les tomes XXXIV et XXXV consacrés aux textes mathématiques de Suse (M. RUTTEN et E. M. BRUINS) et aux recherches à Chogha Zanbil (R. DE MECQUENEM) paraîtront prochainement.

MDP XXXVI (1954).

R. GHIRSHMAN, Village perse-achéménide, p. 1-78.

H. PAPER, Note préliminaire sur la date des trois tablettes élamites de Suse, p. 79-82.

M. RUTTEN, Tablette n° 4 de Suse, p. 83-86.

R. VAUFREY, Ossements d'animaux provenant du village perse achéménide, p. 87.

165. H. W. ELIOT, Excavations in Mesopotamia and Western Iran, Sites of 4000-500 B. C.; Graphic Analyses. Peabody Museum of American Archaeology and Ethnology, Harvard University, 1950.

در مقاله فوق کاوشهای پیش از ۱۹۴۶ تجزیه و تحلیل شده و میان پیدایش های شوش که غالباً مطابق اصول علمی طبقه بندی نشده و کشفیات نقاط تاریخی جنوب بین النهرین مقایسه هائی بعمل آمده است.

L. LE BRETON, The Early Period at Susa, Mesopotamian Relations در Iraq, vol. XIX (1957), p. 79-124, 45 fig.

۱۶۶. MDP tomes XIII, XX, XXV, XXIX et XXX. برای مطالعه سفال شوش به کتابهای زیر رجوع کنند

L. LE BRETON, The Early period at Suse, supra 165.

L. LE BRETON, Essai de classification de la céramique peinte de Suse II. Thèse de l'école du Louvre 1947-1948, در Bulletin des Musées de France, octobre 1948, p. 191-193.

Quelques études concernant la céramique ancienne de Suse :

K. HERTZ, Le décor des vases de Suse et les écritures de l'Asie antérieure, در Revue Archéologique, 1929, p. 217-234.

A. HERTZ, L'âge de Suse I et II, در Revue Archéologique, 1932, p. 207-217.

S. LAROCHE, Céramique proto-élamite et l'art moderne در L'Amour de l'Art, 1929, p. 297-300, 5 fig.

R. DE MECQUENEM, Vases susiens à personnages, در Revue d'Assyriologie, vol. 34 (1937), p. 149-153, 4 fig.

E. POTTIER, Les trois niveaux archéologiques, Suse I, Suse I bis, et Suse II, در Mém. de

l'Inst. français d'Archéologie orientale, vol. LXVI (1933-38), p. 939-950.

E. POTTIER, Une théorie nouvelle sur les vases de Suse, در Revue Archéologique. vol. XXIII (1926), p. 1-39.

E. POTTIER, L'écriture primitive sur les vases peints de Suse et les origines du style géométrique, در Mélanges G. Glotz, vol. II, Paris, 1932, p. 739-950.

G. H. RIVIERE, La céramique peinte susienne au Musée du Louvre, در Cahiers d'Art, 1927 p. 65 sq, 14 fig.

P. TOSCANNE, Les vases à cigogne dans la céramique susienne, در Revue d'Assyriologie, vol. XIII (1916), p. 193-194.

J. M. UNVALA, The Ceramic Art of Suse, در Bull. School of Oriental Studies, vol. V, p. 1-14, 12 fig.

۱۶۷- آثار ایلامی مکشوف در شوش

— Statuettes de femmes en ivoire. MDP VII (1905), Pl. IV.

— Offrandes de fondation de Shilhak Inshu-Shinak, MDP VII (1905), p. 61-136; pl. XI-XXV, fig. 126-450.

— Statue de la reine Napirasu, MDP VIII (1905), p. 245-250, pl. XV-XVI.

— Stèle d'Untash-Huban, MDP VII (1905), pl. IA.

— Plateau votif en bronze appelé sit Shamshi, MDP XII (1911), p. 143-151.

— Bas-relief de la Fileuse, MDP I (1900), p. 159-160 pl XI.

— Relief d'Adda-Hamiti Inshushinak, MDE XI (1911), p. 76. fig. 12.

۱۶۷- برای مهر های استوانه ای شکل به کتاب های زیر رجوع کنند MDP VIII (1905), XII (1911), XVI (1921) et.

R. DE MECQUENEM, Inventaire de cachets et de cylindres (Suse 1923-24), در Revue d'Assyriologie, vol. XXII (1925), p. 1-15.

IDEM, Inventaire de cachets et de cylindres (Suse 1925-26), در Revue d'Assyriologie, vol. XXIV (1927), p. 7-21.

IDEM, Choix d'intailles susiennes (Suse 1927-28), در Revue d'Assyriologie. vol. XXV (1928), p. 169-177.

G. CONTENAU, Quelques cylindres de Suse, در Revue d'Assyriologie, vol. XXVIII (1931), p. 27-46.

M. PEZARD, Les intailles de l'Elam, در Recueils de travaux relatifs à la Philologie et à l'archéologie égyptienne et assyrienne, vol. XXXII (1910), p. 1-14, 3 pl.

M. RUTTFN, Glyptique susienne, empreintes et cylindres, در Revue d'Assyriologie, vol. XLIV (1950), p. 161-184.

L. DEAPORTE, Cylindre-cachet élamite, در Revue archéologique, 1911, p. 36-38.

A. BOISSIER, Cylindre archaïque de Suse, در Revue d'Assyriologie, vol. XXII (1925), p. 105-107.

۱۶۸- الف. بقیه کتابهایی که راجع به شوش مطالعه کرده‌اند بقرار زیراند :

- R. DE MECQUENEM, Une effigie susienne, در *Rrvue d'Assyriologie*, vol. XXIII (1926), p. 1-3 .
- IDEM, Outillage préhistorique d'un nouveau sondage profond dans l'acropole de Suse, در *l'Anthropologie*, 1930, p. 225-232, 7 fig. (objets en silex, en céramique et en os) .
- A. DE LA FUYE, Monnaies trouvées à Suse, au cours de la campagne de fouilles 1926-27, در *Revue d'Assyriologie*, vol. XXIV (1927), p. 127-134 .
- J. M. UNVALA, Three Panels from Suse, در *Revue d'Assyriologie*, vol. XXV (1928), p. 179-185 .
169. M. PILLET, Le palais de Darius à Suse, Paris, 1914.
- R. DE MECQUENEM, Contribution à l'étude du palais achéménide de Suse, MDP XXX (1947), p. 1-119, 70 fig., 2 plans .
- M. DIEULAFOY, L'acropole de Suse, Paris, 1893.
170. E. HERZFELD, Die Magna Charta von Susa, *Arch. Mitt. aus Iran*, vol. III, fasce 2-3, p. 29-124, 3 pl.
171. G. CONTENAU, Monuments parthes provenant de Suse, در *Bull. des Musées de France*, 1948, p. 87-89, 1 fig.
- IDEM, Tête d'homme d'époque parthe, در MDP XXXIX (1943), p. 187-191, pl. VIII-IX.
- FR. CUMONT. Portrait d'une reine parthe trouvé à Suse, در *Comptes rendus de l'Académie des Inscriptions et Belles Lettres*, 1939, p. 330-341, 2 pl. MISSION DE R. GHIRSHMAN.
172. R. GHIRSHMAN, در ILN, 7 October 1950, p. 571-573, 17 fig.
- IDEM, Mémoires de la Mission Archéologique en Iran, Mission de Susiane, Rapports préliminaires, I. Cinq campagnes de fouilles à Suse (1946-1951, Paris, 1952, 18 p. et 21. fig.
173. IDEM, Un bas-relief d'ARTABAN V avec inscription en pehlevi arsacide, در *Monuments PIOT*, vol. XLIV, Paris, 1950, p. 97-107, 2 fig. et 1 pl.
174. IDEM, Village prese-achéménide, MDP XXXVI, 1954.

تپه بولاحیه

175. J. M. UNVALA, Excavations at Susa in 1929, در *Journal of the Camu Institute*, n. 17, p. 64-73 .
- IDEM, Fouilles à Suse en 1929, در *Revue d'Assyriologie*, vol. XXVI (1929), p. 132-142.
- IDEM, Ancient Sites in Susiana, در *Revue d'Assyriologie*, vol. XXV (1928), p. 83-93.

تپه دویسیه

176. R. DE MECQUENEM, La céramique peinte archaïque en Perse, در MDP XX (1923), p. 113, fig. 19 .

تپه جعفر آباد

177. R. DE MECQUENEM. *ibid.*, p. 113-115, fig. 20, 21, 22 .

L. LE BRETON, Note sur la céramique peinte aux environs de Suse et à Suse, در MDP XXX (1947), p. 124-146, fig. 4-15.

تپه جوی

178. L. LE BRETON, Note sur la céramique peinte, ibid., p. 147-172, fig. 16-30.

تپه بندپال

179. L. LE BRETON, Note sur la céramique peinte, ibid., 172-193. fig. 31-41.

تپه بوحلان

180. R. DE MECQUENEM, Les fouilles de Suse 1933-39, در MDP XXXIX (1943), p. 144 sq.

تپه موسیان

181. J. E. GAUTIER et G. LAMPRE, Fouilles de Moussian, در MDP VIII (1905), p. 59-148, nombreux dessins.

182. L. VANDEN BERGHE, Les ateliers de la céramique peinte chalcolithique en Iran du sud-est, در Revue archéologique, vol. XXXIX (1952), p. 1-21.

تپه محمد جعفر

183. J. E. GAUTIER et G. LAMPRE, Fouilles de Moussian, در MDP VIII (1905), p. 81-83, fig. 109-110.

تپه مراد آباد

184. J. E. GKUTIER et G. LAMPRE, ibid., p. 83, fig. 151, 152, 165, 167, 196, 208, 211, 216.

تپه خزینه

185. J. E. GAUTIER et G. LAMPRE, ibid., p. 72, 73, fig. 98, 115, 141-143, 164, 166, 171-174, 177, 178, 185, 187, 189, 191, 192, 195, 197, 199, 203, 204, 206, 220, 229, 237, 243, 250, 251, 253, 255, 262, 265, 302, 308.

تپه علی آباد

186. J. E. GAUTIER et G. LAMPRE, ibid., p. 73, 80, fig. 99, 108, 138, 238, 282, 298, 300, 301, 304, 305, 307.

۸- لرستان

تفحصات ژ. دمرگان در لرستان

187. J. DE MORGAN, Recherches Arch., p. 3-5, fig. 5-8.

تفحصات هرتسفلد در لرستان (کاوشهای ژیلویران و غیره)

188. E. HERZFELD, Bericht über archaologische Beobachtungen im südlichen Kurdistan und in Luristan, در Arch. Mitt. aus Iran, Band I, Heft 2. Oktober 1929, p. 65-73.

تپه گیان

189. E. HERZFELD, *Iranische Denkmaler I. Lieferung 3/4. Reihe 1. Vorgeschichtliche Denkmaler B. Niphauanda*, Berlin, 1933. Tafeln I-XXVII und 1 Tabelle.
190. G. CONTENAU et R. GHIRSHMAN, *Rapport préliminaire sur les fouilles de Tépé Giyan, de Néhavend (Perse)*, در *Syria*, vol. XIV (1933), p. 1-11, III pl.
- G. CONTENAU et R. GHIRSHMAN, *Fouilles de Tépé Giyan, près de Néhavend 1931-32*, Paris, 1935.
- در چند موزه ظروف برنزی موجود است که احتمالاً از تپه گیان آمده است
- R. DE MECQUENEM, *Notes sur la céramique peinte archaïque en Perse*, در *MDP XX* (1928), p. 121-125, fig. 28-30.
- G. CONTENAU, *L'ancienne civilisation de l'Iran; les fouilles de Néhavend*, در *Gazette des Beaux Arts*, 1932, p. 1-10, 15 fig.
- IDEM, *Vases de Nihawand*, در *Bulletin des Musées, de France*, 1930, p. 28-29, 4 fig.
- IDEM, *Vases de Tépé Giyan et du Luristan au Musée d'art et d'histoire*, در *Genava*, vol. XIII (1935), p. 56-62, 11 fig.
- IDEM, *"l'oiseau-peigne, des vases de Tépé Giyan*, در *Revue d'Assyriologie*, vol. XXXII (1935).
- D. J. GADD, *Early Decorated Pots from Iran*, در *British Museum Quarterly*, vol. XI (1937), p. 156-157, pl. XLIV.
- R. HALL, *A Prehistoric Persian Jar*, در *British Museum Quarterly*, vol. V (1930), p. 10, 1 fig.
- IDEM, *Early Persian Antiquities*, در *British Museum Quarterly*, vol. III (1928), p. 69-70, pl. XXXIX a.
- IDEM, *Persian Daggers: Early Bronze Age*, در *British Museum Quarterly*, vol. IV (1929), p. 8.
- IDEM, *Early Persian pottery from Nihavand*, در *British Museum Quarterly*, vol. IV (1929), p. 4, 3 fig.
- S. SMITH, *Early Painted Pottery from Persia*, در *British Museum Quarterly*, vol. VIII (1933), p. 80-81, 7 fig.
- D. B. HARDEN, *Pottery and Beads from near Nehavand, N. W. Persia, in the Ashmolean Museum*, در *Ancient Egypt and the East*, vol. II (1935), p. 73-81, 1 pl. et 33 fig.
- L. SPELEERS, *Nos vases du Luristan*, در *Bull. Musées Royaux d'art et d'histoire*, 1935, p. 35-44, fig. 14-25.
- IDEM, *Vases iraniens*, در *Bull. Musées Royaux d'art et d'histoire*, 1941, p. 98 sq, fig. 16-17.
- IDEM, *La Donation S. CORBIAU*, در *Bull. Musées Royaux d'art et d'histoire*, 1946-57, p. 36 sq, fig. 37-44.
- A. MOORTGAT, *Altiranisches Ton und Bronze Gerat*, در *Berliner Museen*, vol. 52 (1931), p. 70 sq, 1 Abb.

تپه جمشیدی

191. G. CONTENAU et R. GHIRSHMAN, Fouilles, op. cit., p. 91-108, pl. 70-81, pl. XXIII, XXIV 4, 5.

تپه بدهوره

192. G. CONTENAU et R. GHIRSHMAN, Fouilles, op. cit., p. 113-117, pl. 82, pl. XXIV 1, 2, 3.

کشفیات اتفاقی در حوالی نهاوند

193. E. HERZFELD, The Hoard of the Karen Pahlavs, در Burlington Magazine, London, 1928, p. 21-27, 5 fig.

194. L. ROBERT, Inscription hellénistique de Néhavend (Iran) در Hellenica, vol. VII (1949), p. 5-26.

A. AYMARD, Du nouveau sur Antiochos III d'après une inscription grecque d'Iran, در Revue des Etudes Anciennes, Bordeaux, 1949, p. 327-345.

- 194a. Catalogue illustré de l'exposition de l'art iranien au Musée Cernuschi, Paris, 1949, p. 40-41. برنزه‌های لرستان

195. A. GODARD, Les bronzes du Luristan, Ars Asiatica, vol. XVII, 1931.

196. Quelques autres publications se rapportant aux Bronzes du Luristan: ANONYMUS, Bronzes from Luristan, در Bull. of the Minneapolis Institute of Arts, 1932, p. 115-116 et 146, 1 fig.

T. J. ARNE, Keulenkopfe, Szepter und Handgriffe von Luristan, در Prussia, vol. 33 (1939), p. 15-20, II 2 Abb.

IDEM, Luristan and the West, در Eurasia Septentrionalis Antiqua, vol. IX (1934), p. 277-284, 19 fig.

IDEM, Klappern und Schellen aus Luristan در Serta Hoffleriana, Zagreb, p. 73-75.

L. ASHTON, The Persian Exhibition in 1931, VI, Early Metal Work, در Burlington Magazine vol. 58 (1931), p. 34-45, 6 fig.

P. BAUFFORD, Idoles et pendeloques de la Perse antique, در Bull. du Musée de Genève, vol. IV (1947), p. 2, 6 fig.

W. BAUMGARTNER, Zwei neue Luristan Bronzen, در Archiv für Orientforschung, vol. 12 (1937-1939), p. 57-59. 2 Abb.

F. M. Th. BOHL, De tijdsbepaling der "Bronzen", uit de Luristan, در Jaarbericht Ex Oriente Lux, vol. 9 (1944), p. 193-197, pl. XII-XIII (12 Bronzes de la collection de Liare-Bohl à Leyde).

M. L. BOHL, Recently Acquired Iranian Antiquities in the Danish National Museum, در Acta Archaeologica, vol. XXI (1950), p. 183-210.

H. TH. BOSSERT, Eine neuentdeckte altorientalische Kultur, در Atlantis, 1931, p. 578, 9 fig.

- A. CABRIOL, Bronzes préhistoriques de Perse, در Bull. de la Société préhistorique française, vol. 29 (1932).

- G. CONTENAU, Un cylindre kassite du Luristan (?), در *Revue d'Assyriologie*, vol. XXVIII (1931), p. 27 sq.
- IDEM, Les bronzes du Luristan, در *Genava*, vol. XI (1933), p. 43-48.
- IDEM, Monuments mésopotamiens nouvellement acquis ou peu connus (Musée du Louvre). XXIV. Situles du Luristan, *Revue des arts asiatiques*, vol. XII (1938), p. 32-37, pl. XXIII et fig. 1 à 9.
- M. S. DIMAND, Iranian Bronzes, در *Bull. of the Metrop. Museum of Art*, vol. 26 (1931), p. 48-50, 6 fig. et vol. 58 (1933), p. 113-114.
- H. D'ARDENNE DE TIZAC, Révélation d'un style animalier archaïque; les bronzes de Luristan, در *Art et Décoration*, 1931, p. 13-20, 10 fig.
- C. H. DESCH. Metallurgical Analyses of the Bronzes of Luristan, در *Pope I*, 278.
- W. DEONNA, Bronzes du Luristan, در *Genava*, vol. X (1932), p. 74-98; vol. XII (1934), p. 80-82.
- IDEM, Situles du Luristan, در *Revue d'Assyriologie*, vol. XLII (1948), p. 211-514, 6 fig. (Deux situles en bronze avec scènes en repoussé, du Musée de Genève).
- G. DUMÉZIL, Dieux Kassites et dieux Védiques, à propos d'un bronze du Luristan, در *Revue Hittite et Asiatique*, vol. X, fasc. 52 (1950), 18-37, 1 pl.
- R. DUSSAUD, Haches à douille du type asiatique, در *Syria*, vol. IX (1930), p. 245-271, 37 fig., pl. XLII, 1 carte.
- IDEM, Passe-guides du Luristan, در *Syria*, vol. XIII (1932), p. 227-229, 4 fig.
- IDEM, Ceinture en bronze de Luristan avec scène de chasse, در *Syria*, vol. XV (1934), p. 187-199, 2 pl. avec 8 fig.
- IDEM, The Bronzes of Luristan, در *Pope I*, p. 254-277, fig. 53-68, pl. 25-72.
- IDEM, Anciens Bronzes du Luristan et cultes iraniens, در *Syria*, vol. XXVI (1949), p. 196-229, 2 pl., 14 fig.
- R. FORRER, Six bronzes préhistoriques du Luristan, در *Bull. de la société préhist. de France*, t. XXII (1932) p. 191 sq.
- C. J. GADD, Luristan Bronzes, در *British Museum Quarterly*, vol. V (1930), p. 109-110, pl. LIVa.
- C. J. GADD, More Luristan Bronzes, در *British Museum Quarterly*, vol. VI (1931), p. 79-80, pl. XXX.
- IDEM, Bronzes from North-West Persia, در *British Museum Quarterly*, vol. VII (1932), p. 44-45, pl. XVIII.
- IDEM, Three Luristan Bronzes, در *British Museum Quarterly*, vol. IX (1934), p. 94-95, pl. XXIX a, b.
- IDEM, The Raphael Bequest. I. Egyptian and West Asratic Antiquities, در *British Museum Quarterly*, vol. XV (1941-50), p. 57-60, pl. XXV, b, c et d (= Pirāvand).
- IDEM, A Bronze Handle from Iran, در *British Museum Quarterly*, vol. XII (1939), p. 16, 17, pl. IX c.

- IDEM, Luristan Bronzes, from the Collection of Frank Savary. در Transactions of the Oriental Ceramics Society, vol. XIX (1942-43), p. 33-36.
- IDEM, Bronzes from the Raphael Bequest, در British Museum Quarterly vol. XVII (1952), p. 12-13, 8 fig.
- A. GODARD, Bronzes du Luristan, در Athâr-é Irân, vol. III (1938). p. 233-263, fig. 145-180.
- IDEM, Bronzes du Luristan, در Connaissance des Arts, n° 69 (1957), p. 95-101, 10 fig.
- V. GRIESSMAIER, Sammlung Baron Eduard von der Heydt. Ordos-Bronzen aus Luristan und der Kaukasus. Wien, 1936, 110 p.
- R. GROUSSET, Les bronzes du Luristan et l'histoire, در L'Art vivant, 1932, p. 65, 4 fig.
- F. HANCAR, Kaukasus-Luristan, در Eurasia Septentrionalis, Antiqua, vol. 9 (1935), p. 47-112, 49 fig.
- IDEM, The Eurasian Animal Style The and Altai Complex, در Artibus Asiae vol. 15 (1952), p. 171-194.
- E. HERZFELD, در ILN, 1 June 1929 et 8 June 1929, p. 982-983.
- H. C. HOLLIS, A Luristan Bronze در Bull. of the Cleveland Museum of Art, 1931, p. 191-192, 2 fig.
- B. N. HUDSON, Luristan Bronzes, در Boll. of the City Museum of St Louis, vol. 17 (1932), p. 12-14, 2 fig.
- W. P. YETTS, Chinese Contacts with Luristan Bronzes, در Burlington Magazine, vol. 59 (1931), p. 76-81, 3 fig.
- C. LANCASTER, Luristan Bronzes, their Style and Symbolism, در Archaeology, vol. 5 (1952), p. 64-99, 4 fig.
- ST. LANGDON. Some Inscriptions on the Bronzes of Luristan. در Pope I, p. 279-285.
- L. LEGRAIN, Luristan Bronzes in the University Museum, Philadelphia, 1934, 20 pp., 25 plates.
- IDEM, A Collection of Bronzes from Luristan, در University Museum Bulletin, vol. 11 (1931), p. 194 sq.
- K. MAXWELL-HYSLOP, Note on a Luristan Axe in the Otago Museum, New Zealand, در Iraq, vol. XII (1950), p. 52, 1 fig.
- TH. J. MEEK, Bronze Swords from Luristan, در Bull. of the Amer. Schools of Orient. Research, vol. 74 (1939), p. 7-11, 2 fig.
- J. C. MICHELET, Luristan Bronzes, در Bull. of the Art Institute of Chicago, vol. XXV (1931), p. 92-93, 4 fig.
- V. MINORSKY, The Luristan Bronzes, در Apollo, vol. 13 (1931), p. 141-142.
- A. MOORTGAT, Altiranisches Ton und Bronze Gerät, در Berliner Museen, Berichte aus den Preussischen Kunstsammlungen, vol. 52 (1931), p. 70-73, 4 fig.
- IDEM, Bronzegerat aus Luristan, Berlin, 1932, 15 p., 12 fig.
- M. Aga OGLU, Old Pottery and Bronzes from Persia, در Bull. of the Detroit Institute of Arts, vol. XII (1931), p. 81-86, fig. 4-7.

A. PARROT, Acquisitions et inédits du Musée du Louvre 3. Bronzes iraniens; Hâche à tranchant de fer et douille de Bronze (Luristan?) در Syria, vol. XXX (1953), p. 5, pl. III 2.

A. U. POPE در ILN 6 Sept. 1930, 388-391 et 418.

ILN 13 Sept. 1930, p. 444 sq.

ILN 17 Jan. 1931, p. 89.

ILN 22 Oct. 1932, p. 613-615, 16 fig.

ILN 29 Oct. 1933, p. 666-667, 10 fig.

ILN 31 Dec. 1932, p. 1054 sq, 15 fig.

ILN 6 May 1939, p. 790-791.

ILN 1 March 1941, p. 292 sq.

A. U. POPE, Exposition internationale d'art persan à l'Académie royale de Londres, در Cahiers d'Art, Paris, 1931, p. 27-34, 22 fig. (Bronzes du Luristân, pour la grande partie provenant du Museum of Fine Arts at Boston).

IDEM, Dated Luristan Bronzes, در Bull. of the Amer. Inst. for Persian Art and Archaeology, vol. 3 (1934), p. 19-20.

H. POTRATZ, Die Luristan Bronzen des Staatlichen Museums für Vorund Frühgeschichte zu Berlin, در Praehist. Zeitschrift, vol. XXX-XXXI (1940), 169-198, 17 fig.

IDEM, Die Pferdegebisse des Zwischenstromländischen Raumes, در Archiv für Orientforschung, vol. 14 (1941), p. 1-39, 50 fig.

IDEM, Die Luristanischen Pferdegebisse, در Praehist. Zeitschrift, vol. XXXII-XXXIII (1941-1942), p. 169-234, 84 fig.

IDEM, Luristanfunde aus dem Mainzer Zentralmuseum, در Ipek, vol. XV-XVI (1941-42), p. 33-62, 4 pl. et 33 fig.

IDEM, Das Kampfmotif in der Luristankunst, در Orientalia, vol. 21 (1952), p. 13-36, 20 Tafeln.

IDEM, Scheibenkopfnadeln aus Luristan, در Archiv für Orientforschung, vol. XV (1945-51), p. 38-51, 4 fig.

IDEM, Bar und Hase in der Bildkunst des alten Luristan, در Archiv für Orientforschung, vol. XVII (1954-1955), p. 121-128, 12 fig.

IDEM, Die Luristan Bronzen des Museums für Kunst und Gewerbe in Hamburg, در Zeitschrift für Assyriologie, neue Folge 17 (1955) 180-224. 30 Abb., 5 Tafeln.

IDEM, Die Standen-Aufsätze in der Luristankunst, در Anadolu Arastirmalari (=Jahrbuch für Kleinasatische Forschung, Band III, Heft I-1955), vol. I (1955), p. 19-42, pl. II-XV.

S. PRZEWORSKI, Ceramika i brzozy staroiranskie w zbiorack, (Céramique et bronzes iraniens anciens en Pologne), در Bron i Barwa, vol. III (1936), p. 1. 26.

IDEM, Luristan Bronzes in the Collection of Mr. Frank Savery, در Archaeologie, vol. 88 (1940), p. 229-269, pl.

IDEM, Zagadnienia etniczne Luristanu w VIII przed Chr (Les problèmes ethniques du Luristan

- au VIIIe siècle av. J. C.) در Bull. intern. de L'Académie polonaise des Sciences et des Lettres (Cracovie), 1934, p. 46-49, 2 fig.
- F. VON REXROTH, Bronzen aus Luristan, در Ostasiatisch Zeitschrift, vol. 18 (1932), p. 307-313.
- A. ROES, De Bronzen van Luristan, در Jaarbericht Ex Oriente Lux, vol. 7 (1940), p. 477-488, fig. 31 à 33.
- M. ROSTOVITZ, Some Remarks on the Luristan Bronzes در Ipek, vol. 7 (1931), p. 45-56.
- Er. SARRE, Altpersische Standarte aus Luristan, ein Sonnenensymbol, در Archiv für Orient-forschung, vol. 14 (1942), p. 195-199, 2 Abb.
- M. SAUERLANDT, Das Museum für Kunst und Gewerbe in Hamburg 1871-1927, Hamburg, 1929, Tafel 21.
- IDEM, Bericht über die neuenwerbungen während des Jahres 1931, Museum für Kunst und Gewerbe in Hamburg, 1931, p. 2-7, fig. 1-4, pl. 3-5.
- A. SCHAEFFER, Stratigraphie comparée et chronologie de l'Asie occidentale, Oxford, 1948, p. 477-495.
- H. SCHEFFOLD, Bronzes of Luristan, در Eurasia Septentrionalis, vol. VI (1931), p. 67-68.
- B. SEGALL, Greece and Luristan, در Bull. Mus. of Fine Arts-of Boston, vol. 41 (1943), p. 72-76, 16 fig.
- S. SMITH, Rein-ring from Luristan, در British Museum Quarterly, vol. VI (1931), p. 32-33, pl. XV a.
- IDEM, Two Luristan Bronzes from Southern Arabia, در Archaeologica Orientalia in Memoriam Ernst Herzfeld, New-York, 1952, p. 203-207, 2 fig.
- L. SPELEERS, Nos bronzes preses, در Bull. des Musées Royaux d'art et d'histoire de Bruxelles, 1931, p. 56-63, fig. 26-27, p. 77-90, fig. 9-19.
- IDEM, Nos nouveaux bronzes perses, در ibid., 1932, p. 56-71, fig. 3-20, p. 93-104, fig. 13-26, p. 115-119, fig. 9-19.
- IDEM, Nos nouveaux bronzes perses, در ibid., 1933, p. 62-69, fig. 13-32, p. 86-95, fig. 16-48.
- IDEM, Une épée en fer du Luristan, در ibid., 1933, p. 111, fig. 16.
- IDEM, Bronzes در ibid., 1934, p. 42-43, fig. 24-26.
- IDEM, Antiquités iraniennes, در ibid., 1938, p. 35-45, fig. 10-24.
- IDEM, Une applique de meuble Luristan, در ibid., 1939, p. 83-89, fig. 11-17.
- IDEM, Vases iraniens, در ibid., 1941, p. 98 sq. (aux p. 105-109 et fig. 19 à 27 sont décrits des vases, caractéristiques pour le Luristân).
- IDEM, Nos derniers bronzes iraniens, در ibid., 1942, p. 81-87, fig. 11-20.
- IDEM, La donation S. Corpiau, در ibid., 1946, p. 1-15, fig. 1-46.
- F. STARK, The Bronzes of Luristan, در Geographical Journal, vol. 80 (1932), p. 498-505.
- IDEM, The Mystery of the Origin of the Luristan Bronzes, در ILN 4889, 31 Dec. 1932, p. 1054 sq, 12 fig.

IDEM, The Valleys of the Assassins, London 1934.

IDEM, Luristan, در Journal of the Royal Asiatic Society, 1935, p. 241-251.

W. D. VAV WIJMGAAARDEN, De Loeristanbronzen in het Rijksmuseum van Oudheden. Supplement op de niuwereeks XXXV van de Oudheidkundige Mededelingen van het Rijksmuseum van Oudheden, Leiden, 1954, 29 p., 68 fig.

E. F. WEIDNER, Ausgrabungen in Luristan, در Archiv für Orientforschung, vol. VI (1931), p. 320-322, 7 Abb., vol. VIII (1932-33), p. 255-260, Abb. 5.

عکس برداری هوایی ۱. اشمیدت از ناحیه لرستان

197. E. F. SCHMIDT, Flights, p. 39-47, pl. 48-56, p. 77-93, pl. 93-119.

هیئت اعزاسی هولمس در منطقه لرستان

198. A. U. POPE, A Note on Some Pottery from the Holmes Luristan Expedition, در Bull. Am. Inst. Pers. Art an Arch., vol IV (1936), p. 120-125, 8 fig. Kamtarlān, Mīrvalī, Chighā Sabz).

E. F. SCHMIDT, Fouilles de Kamtarlan, در American Journal of Semitic Languages, Jan. 1936, p. 121 sq.

IDEM, The Second Holmes Exposition to Luristan, در Bull. Am. Inst. Pers. Art and Arch. vol. IV (1938). p. 205-216, 13 fig. (Surkh-i Dum, Dūmavīzah et Khatun Ban).

P. FINGESTEM, An Anthropomorphous Vessel from Luristan and the Western Tradition, در The Art Quarterly, vol. XVIII (1955), p. 351-361, 5 fig. (étude sur le vase anthropomorphe de Chighā Sabz).

سرخ دم

A. U. POPE, در ILN 5220, 6 May 1939, p. 790. sq., 10 fig.

IDEM, et Ph. ACKERMANN, در ILN 5315. 1 March 1941, p. 292 sq., 10 fig. Archiv für Orientforschung, vol. XIII (1939), p. 88-89, Abb. 1a, 1b, Abb. 2, vol. XIV (1941-42), p. 100-101, q. 226, fig. 4-5.

H. J. KANTOR, Embossed Plaques with Animal Designs, در Journal of Near Eastern Studies, vol. V (1946), p. 234-238, pl. VII-VIII, fig. 1.

۱۹۹- بسیاری از این صفحات مدور وارد مجموعه آقای گراف شده بودند که اخیراً موزه های پادشاهی هنر و تاریخ شهر بروکسل آنها را خریده اند. برای مطالعه این موضوع به کاتالوگ مصور نمایشگاه های گراف در پاریس و لاهه و کولونی و بروکسل مراجعه نمایند.

[Catalogue illustré de l'exposition d'art iranien au Musée Cernuschi, 1949, p. 17-29, fig. 23, 25, 27.

200. R. DUSSAUD, Anciens Bronzes du Luristan et cultes iraniens, در Syria, vol. XXVI (1949), p. 196-229, 14 fig., 3 pl.

پشت کوه

201. A. GODARD, Statuette du dieu de la ville de Du-Shu-tir-gazi, در Athār-é Irān, vol. III, fasc. II, p. 233-236, fig. 145-150.

E. F. WEIDNER, در Archiv für Orientforschung, vol. XVI (1952), p. 148-149.

تفحصات آقای استین در لرستان

202. STEIN, Old Routes, p. 171-313.

باغ لیمو در سیمره

203. STEIN, Old Routes, p. 187-189, fig. 60, pl. VII n. 1-3, pl. XXVII n. 5.

تییخان یا طرهان در سیمره

204. STEIN, Old Routes, p. 196-198, plan 9, pl. VII n. 4-13.

کوزه گران در سیمره

205. STEIN, Old Routes, p. 198-205, plan 14, fig. 61-65, pl. VII n. 14-23, pl. VIII, pl. XX n. 6, pl. XXII n. 6-11, 13, 14.

چغا سبز در سیمره

206. STEIN, Old Routes, p. 210-211, pl. IX n. 2-8.

چغا سبز در رمشگان

207. STEIN, Old Routes, p. 218-216, pl. IX n. 9, 10, 21, pl. XX n. 10, pl. XXVII n. 15-17.

چغا بردینه در رمشگان

208. STEIN, Old Routes, p. 219 69, pl. IX n. 12.

چغا پهن در رمشگان

209. STEIN, Old Routes, p. 222 pl. IX n. 11.

کز آباد یا کازآباد در هلیلان

210. STEIN, Old routes, p. 246-254, plan 16, fig. 76, pl. IX n. 15, pl. X-XXVII.

شیرشقا در هلیلان

211. STEIN, Old Routes, p. 254 pl. IX n. 20.

قلعه گوری (یا قلعه گبری - م. م.) - کوه دشت

212. STEIN, Old Routes, p. 258-256, pl. IX n. 16, 18, 22.

چغا پهن - کوه دشت

213. STEIN, Old Routes, p. 261-264, plan 17, fig. 78, pl. XI-XII.

ژیر ایران (احتمالاً گریلان - م. م.) - الشتر

214. STEIN, Old Routes, p. 278-285, plan 18, fig. 87 pl. XIII-XIV n. 2, 4-19, 11-33.

بتکی - الشتر

215. STEIN, Old Routes, p. 286, pl. XV n. 1-4, 7.

چغابال - الشتر

216. STEIN, Old Routes, p. 288-289, pl. XV n. 5, 6, 8, 10, 11.

چغا کبود - الشتر

217. STEIN, Old Routes, p. 289-290, pl. XIV n. 20, pl. XV n. 9, 12-18.

مائیل بیک- بذاور

218. STEIN, Old Routes, p. 291-298, plan 19, fig. 89-91, pl. XVII, XVIII, XXVIII n. 17, XXXIX n. 1-6.

تلیاب- بذاور

219. STEIN, Old Routes, p. 304-308, plan 20, fig. 88, pl. XIX n. 1-8, 10-20, 24-26, 28-33, 35-37, pl. XX n. 1-5, 7, 9.

چغاسی- بذاور

220. STEIN, Old Routes, p. 311, pl. XXI n. 21-23, 27, 34.

دماویزه- بذاور

221. STEIN, Old Routes, pl. XV n. 19-22, pl. XVI-XXIX n. 8, 10.

تپه های ماهی دشت

222. STEIN, Old Routes. p. 414-419.

E. F. SCHMIDT, Flights, p. 46-47.

223. Catalogue illustré de l'Exposition d'art iranien au Musée Cernuschi, 1949, p. 19 et p. 29 n. 42 .

پل دختر (پل شاپور)

224. STEIN, Old Routes, p. 182 fig. 57, 58, 59.

E. HERZFELD, در Arch. Mitt. aus Iran, Band I (1929), p. 73, pl. IX b.

پل خسرو

225. SEEIN. Old Routes, p. 191 .

پل آب برده

226. STEIN, Old Routes, p. 212, fig. 68 .

پل سفله

227. STEIN, Old Routes, p. 236, fig. 73.

شیروان (سرآب کلان)

228. STEIN, Old Routes, p. 229-232, fig. 72.

DE MORGAN, Recherches arch., t. IV, p. 361-365. fig. 216-220, pl. LVII.

در شهر

229. STEIN, Old Routes, p. 206, plan 15, fig. 66-67.

DE MORGAN, Recherches arch., t. IV p. 365-372, fig. 221-222, pl. LVIII.

قلعه هزار در

230. DE MORGAN, Recherches arch., t. IV, p. 372-373, pl. LIX-LXII.

تفحصات باستان شناسی و مردم شناسی آقای ه. فیلد

231. H. FIELD, Reconnaissance in Southwestern Asia, در Journal of Anthropology, vol. 7 n. 1 (1951), p. 91-92.

بروجرد

232. M. BAHRAMI, Courrier d'art de Téhéran; un encensoir de bronze, de l'époque parthe, در Astibus Asiae, vol. XI, n. 4 (1948), p. 288-292, fig. 1 et 2. ILN 21 Aug. (1948), p. 215, fig. 2.

هرسین

233. A. GODARD, در Athār-é Irān, vol. III n. 1 (1938), p. 67-70, fig. 39-44.

۹- کردستان

آثار واقع در کنار جاده بغداد به تهران

234. E. FLANDIN et P. COSTE, Voyage en Perse pendant les années 1840-41, Paris, 1842.
235. M. DIEULAFOY, L'Art antique de la Perse, Paris, 1884.
236. J. DE MORGAN, Mission scientifique en Perse, vol. IV. Recherches archéologiques, Paris, 1896.
237. Fr. SARRE et E. HERZFELD, Iranische Felsreliefs, Berlin, 1910.
238. E. HERZFELD, Am Tor von Asien, Felsdenkmaler aus Irans Heldenzeit, Berlin, 1920.

قصر شیرین

239. DE MORGAN, Recherches arch., p. 341-357, fig. 202-214, pl. XLI-XLIX.
SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 237-240, pl. II.
G. L. BELL, Palace and Mosque at Ukhaidir, London, 1914, p. 34-50, pl. 51-43.

حوش گری

240. DE MORGAN, Recherches arch., p. 357-360, fig. 215, pl. L-LIV.

سرپل

241. نقش اول HERZFELD, Am Tor, p. 3-5, fig. 1, pl. II;
نقش دوم HERZFELD, Am Tor, p. 5, fig. 2, pl. III, IVa;
HERZFELD, Iran, p. 183, fig. 297;
نقش سوم HERZFELD, Am Tor, p. 5, pl. IVb;
نقش چهارم HERZFELD, Am Tor, p. 53, fig. 13, pl. XXVI.

هورین شیخ خان

242. DE MORGAN, Recherches arch., vol. IV, pl. X.
HERZFELD, Iran, p. 186, fig. 300-302.

دکان داوود

243. H. C. RAWLINSON, March from Zohab to Khuzistan, در Journal of the Royal Geographical Society, vol. IX (1840), p. 38-39.

FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. 210-211.

DE MORGAN, Recherches arch., vol. IV, p. 302, fig. 177, -178, pl. XXXI.

HERZFELD, Am Tor, p. 6-8, fig. 3, pl. V-VI.

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 61, fig. 20-21.

HERZFELD, Iran, p. 201, pl. XXVI, fig. 315.

D'après C. DEBEVOISE, The Rock Reliefs of Ancient Iran, در Journal of Near Eastern Studies, vol. I (1942), p. 87, le tombeau rupestre daterait de l'époque séleucide.

طاق فرهاد

244. H. C. RAWLINSON, March from Zohab to Khuzistan, در Journal of the Royal Geographical Society, vol. IX (1840), p. 41.

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 10-61.

طاق گرا

245. H. RAWLINSON, March from Zohab to Khuzistan, در Journal of the Royal Geographical Society, vol. IX (1840), p. 34.

FLANDIN et COSTE, Voyage, p. 465, pl. 215.

DE MORGAN, Recherches arch., vol. IV, p. 335-339, fig. 204, pl. XXXIX.

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 232-233, pl. XLVIIa, fig. 112-113.

طاق بستان

246. DE MORGAN, Recherches arch., t. IV, p. 304-335, fig. 180-208, pl. XXXIV-XXXVIII.
DIEULAFOY, L'Art, t. V, p. 60, 95-100, 121, 122.

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 199-212, fig. 92-98, pl. XXXVI-XXXIX.

HERZFELD, Am Tor, p. 57-103, pl. XXVI sq., LIV.

H. G. FAIMER, The Instruments of Music on the Tāqi Bustān Bas-Reliefs, در Journal of the Royal Asiatic Society, 1938, p. 297-412.

247. K. ERDMANN, Das Datum des Taqi Bustan, در Ars Islamica, vol. IV (1937), p. 79-97.

248. E. HERZEELD, Khusrau Parwiz und Tāqi Vāstan, در Arch. Mitt. aus Iran, vol. IX (1938), p. 91-158.

249. IDEM, Am Tor, p. 100-101, pl. LII b.

250. IDEM, Am Tor, p. 110-111, pl. LV-LIX.

K. ERDMANN, Die Kapitelle am Tāqi Bustan, در Zeitschrift der deutschen Orientgesellschaft, vol. 80 (1943), p. 1-42.

F. WACHTSMUTH, Zur Datierung des Tāqi Bustan und der Pariser Silberschale, در Zeitschrift d. deutschen Morgenland. Gesellschaft, vol. 99 (1949), p. 212-224.

قلعه کهنه

251. HERZFELD, Am Tor, p. 115-120, fig. 30-31, pl. LX.

سکاوند (ده نو)

252. DE MORGAN, Recherches arch., vol. IV, p. 299-301, fig. 179, pl. XXXII-XXXIII.

HERZFELD, Iran, p. 205-206, fig. 316.

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 63, fig. 22.

بیستون

253. H. C. RAWLINSON, The Persian Cuneiform Inscription at Behistun, در Journal of the Royal Asiatic Society, vol. X, 1846.

DE MORGAN, Recherches arch., vol. IV, p. 285-291, fig. 165-169, pl. XXVII-XXX.

A. V. W. JACKSON, The Great Behistun Rock, در Journal of the American Oriental Society, vol. XXIV (1903), p. 77-95.

L. W. KING and R. C. THOMPSON, The Sculptures and Inscriptions of Darius the Great on the Rock of Behistun in Persia, London, 1907.

F. W. KONIG, Relief und Inschrift des Kunigs Dareios I Felsen von Bagistan, Leiden, 1938.

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 189-198.

S. A. PALLIS, The Antiquity of Iraq, Copenhagen, 1956, p. 89-92.

254. G. CAMERON, The Old Persian Texts of the Bisutun Inscriptions, در Journal of Cuneiform Studies, vol. V (1951), p. 47-54.

R. G. KENT, Cameron's Old Persian Readings at Bisutun, Restaurations and Notes, در ibid., p. 55-57.

R. G. KENT, Old Persian Grammar, New Haven, 1953, p. 107-108, et p. 116 sq.

W. C. BARNEDICT et E. VON LOIGTLANGER, Darius, Bisutun Inscription, Babylonian Version, Lines 1-19, در Journal of Cuneiform Studies, vol. X (1956), p. 1-10.

255. HERZFELD, Am Tor, p. 35 sq et pl. XXI-XXII.

HERZFELD, Iran, p. 289, fig. 385,

256. HERZFELD, Am Tor, p. 55 et pl. LII A.

257. HERZFELD, Am Tor, p. 111, fig. 28.

صحنه (فرهاد و شیرین)

258. FLANDIN et COSTE, Voyage, p. 413.

HERZFELD, Am Tor, p. 8-10, fig. 4, pl. VI-VII.

IDEM, Iran, p. 201-202, fig. 309.

259. W. HINZ, Zur iranischen Altertumskunde, Ein wiederaufgefundenes medisches Felsgrab, در Zeitschrift Deutschen Morgenl. Gesellschaft, vol. 93 (1939), p. 363-364, pl. 1.

کنگاور

260. FLANDIN et COSTE, Voyage, vol. I, p. 409 sq.

DIEULAFOY, L'Art, t. V, p. 7-11.

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 230-232, pl. XLVII b, XLVIII, fig. 111.

HERZFELD, Iran, p. 281, fig. 303-381, pl. LXXXVII.

همدان

261. DE MORGAN, Recherches arch., vol. IV, p. 235-259, fig. 153-163, pl. XLV.

262. ILN 17 July 1948, p. 58-59, et ILM 21 Aug. 1948, p. 215, fig. 1.

Catalogue illustré de l'exposition d'art iranien au Musée Cernuschi, p. 35-39, fig. 37-39.

263. HERZFELD. Amtliche Berichte aus Iran, 1931, p. 52 sq. et Arch. Mitt. aus Iran, vo. II (1930), p. 113 sq.

R. G. KENT, Old Persian Grammar, New Haven, 1951, p. 197, 111, 113, 114, 119, 147, 153, 155.

۲۶۴ - محمد تقی مصطفوی در گزارش های باستانشناسی جلد سوم ۱۳۳۴ ص ۴۸۲-۴۸۹ - ش ۲۲ تا ۲۷.
ILN, 21 July 1956, p. 107, 4 fig.

این اشیاء با اشیائی که در سال ۱۹۵۴ وارد موزه متروپولیتن نیویورک شده اند شباهت زیاد دارند. رجوع شود به :

Metrop. Museum of Art, vol. XIII, 1955, p. 220-223, fig. 220 à 224 et ILN 16 April 1955).

265. HERZFELD, Iran, p. 290, pl. CVI b.

266. ILN 10 Jan. 1935 et Bull. Metrop. Museum of Art, vol. VII (1948), p. 12.

الوند (گنج نامه)

257. A. V. W. JACKSON, Persian Past and Present, London, 1906, p. 172.

R. G. KENT, Old Persian Grammar, New Haven, 1953, p. 111, 113, 147, 152.

تل زهاب

268. R. DE MECQUENEM, Note sur la céramique peinte archaïque en Perse, MDP XX (1928), p. 126-128, fig. 32.

زالوآب

269. A. GODARD, Nouveaux Bronzes de Luristan, Les fouilles du Zalū-Ab, در Gazette des Beaux-Arts, vol. X (1933), p. 129-138, 18 fig.

IDEM, در Athār-īrān, vol. III (1938), p. 256-260, fig. 178-179.

دیناور

270. HERZFELD, Am Tor, pl. XIX b.

پیراوند

271. ILN 4879, 22 October 1932, p. 618 sq.

Archiv für Orientforschung, vol. VIII (1933), p. 259-260, fig. 6.

R. DUSSAUD, در POP I, p. 277.

تفحصات اورل استین در کردستان

272. A. STEIN, Old Routes, p. 314-361.

کرفتو

273. STEIN, Old Routes, p. 324-346, fig. 97-99 et plan 22.

تفحصات کارلتون کون در غار های پیش از تاریخ

274. Carleton S. COON, Cave Exploration in Iran 1949, Philadelphia, 1931, p. 6-15, 33-35, 36, 43, 44, 53-65, 77, 91, 92, pl. I-III.

برای دوزان‌های « سنگ صیقلی » در کردستان جنوبی رجوع شود به :

D.A. E. GARROD, The Palaeolithic in Southern Kurdistan, در Bulletin of the American School of Prehistoric Research, vol. 6 (1930), p. 9 sq.

زیویه

275. A. GODARD, در ILN, 6 May 1950, p. 714-715, 10 fig.

IDEM, Le trésor de Ziwiye (Kurdistan), Haarlem, 1950, 139 p. et 109 fig.

IDEM, A propos du tréror de Ziwiye, در Artibus Asiae vol. ZIV (1951), p. 240-245.

276. R. GHIRSHMAN, Notes iraniennes IV, le trésor de Sakkiz, les origines de l'art mède et les bronzes du Lurittan, در Artibus Asiae vol. XIII (1950), p. 191-206, 25 fig.

277. M. FALKNER, Der Schatz von Ziwiye, در Archiv für Orientforschung, vol. XVI (1952), p. 129-132.

۲۷۸- بسیاری از اشیائی که احتمالاً در زیویه پیدا شده‌اند راه موزه‌های امریکا را پیش گرفته مانند موزه های : Cincinnati Art Museum et University Museum of Pennsylvania, Philadelphia.

M. S. DIMAND, Treasures of Iranian Art, در Bull. Metrop. Museum of Art, 1950, p. 145-153 (figure p. 145).

Ch. K. WILKINSON, Assyrian and Persian Art, در Bull. Metrop. Museum of Art, 1954-1955, p. 213-224 (figure p. 216 à 219).

IDEM, Two Ancient Silver Vessels, در Bull. Metrop. Museum of Art, 1956, p. 9-15, 10 fig.

R. D. BARNETT, The Treasure of Ziwiye, در Iraq, vol. XVIII (1956), p. III-116, 6 pl., 4 fig.

Au Musée du Louvre :

A. PARROT, Acquisitions et Inédits du Musée du Louvre, 3 bronzes iraniens, bracelet aux lions, Syria, vol. XXX (1935), p. p-11, pl. VI.

سقز

۲۷۹- آقای راد - اطلاعاتی درباره چند محل تاریخی در مغرب ایران در گزارشهای باستان شناسی جلد سوم - ۱۳۳۴

ص ۳۰۷-۳۱۶-ش ۱-۲

۱۰- آذربایجان

تفحصات ژ. دمرگان در آذربایجان

280. DE MORGAN, Recherches arch., vol. IV, p. 6-11, fig. 9, 12-14.

عکس برداری هوایی ا. اشمیدت

281. SCHMIDT, Filghts, p. 63-76, pl. 73-92.

تفحصات اورل استین در آذربایجان

282. STEIN, Old Routes, p. 361-413.

دینخا

283. IDEM, Old Routes, p. 566-376, plan 23, fig. 103-105, pl. XXI-XXII.

XXIX 7. 9, 11-18, pl. XXX 1, 3-5.

گرد حسنعلی

284. IDEM, Old Routes, p. 377-381, plan 24, pl. XXIII.

حسنلو

285. IDEM, Old Routes, p. 390-404, plan 25, fig. 106, 108-110, pl. XXIV, XXVI, XXX, n. 2, 6-14, pl. XXXI.

286. R. GHIRSHMAN, Fouilles de Sialk, vol. II, Paris, 1939, p. 78-79 et pl. C.

۲۸۷- حاکمی وراد-شرح و نتیجه کاوشهای علمی حسنلو (سلدوز) در گزارشهای باستانشناسی جلد اول ۱۳۲۹

ص ۸۷-۱۰۳

288. Robert H. DYSON, Iran 1956, در University Museum Bulletin, vol. 21 (1957), p. 37-39, fig. 29.

IDEM, Iran 1947: Iron Age Hasanlu. در University Museum Bulletin vol. 22 (1958), p. 25-32, fig. 20-27.

کتاب زیر نیز مطالعه شود: Archaeology, vol. 9 (1956), p. 284-25 et vol. 11 (1957), p. 128.

گوی تپه

289. STEIN, Old Routes, p. 408.

290. A. GODARD, Disque en bronze découvert en Adharbaidjan در Athâr-é Irân, vol. III (1938), p. 303-306, fig. 207-209.

291. ILN 23 July 1949, p. 130-131 et ILN 30 July 1949, p. 164-165.

T. BURTON-BROWN, Recent Archaeological Work in Azarbaijan در Asiatic Review, n. 169 (1951), p. 60-65, 6 fig.

T. BURTON-BROWN, Excavations in Azarbaijan, 1948, London, 1951, 279 p., 45 fig. et XVII pl.

تفحصات غارهای آذربایجان (تمتمه) بوسیله کارلتون کوون

292. Carleton S. COON, Cave Explorations in Iran, 1949, Philadelphia, 1931, p. 15-20, 36, 37, 44, 65, pl. IV n. 2-4.

تخت سلیمان

293. A. U. POPE, M. CRANE et D. N. WILBER, The Institute's Survey of Persian Architecture, Preliminary Report on Takhti Sulayman, در Bull. Am. Inst. Iran Art and Arch., dec, 1937, p. 71-105 et 25 fig.

A. U. POPE, A Great Parthian Fortress that defied Mark Antony. در ILN, 26 Feb. 1938, p. 348-349, 4 fig.

D. N. WILBER, The Parthian Structure of Takhti Sulayman, در Antiquity, vol. XII (1938), p. 389-410

SCHMIDT, Flights, p. 72-74, pl. 87-90.

نخراکه (یا نخریکا یا نخراکاه یا فقرگاه - م.)

294. H. RAWLINSON, Journey from Tabriz through Kurdistan در Journal of the Royal Geographical Society, vol. X (1841), p. 37.

A. HOUTUM-SCHINDLER, Reisen in Nordwestpersien, در Zeitschrift der Gesellschaft für Erdkunde, vol. XVIII (1883), p. 343.

DE MORGAN, Recherches arch., I, p. 290, fig. 173-175 (de Morgan le cite sous le nom de tombeau d'Endirakach près de Tachiraka).

HERZFELD, Am Tor, p. 10, 11, fig. 5.

IDEM, Iran. p. 202-203, fig. 310

STEIN, Old Routes p. 409-410, fig. 107.

تاش تپه

295. F. W. KONIG, Handbuch der chaldischen Inschriften, Archiv für Orientforschung, Beiheft 8, Teil I, Graz, 1955, Tafel 17, p. 58-59.

سیکیندل

296. M. J. MASHKUR, The History of Urartu Nation and the Discovery of an Urartu Inscription in Iranian Azerbaidjan, with a Survey Report in English by Rich. N. Frye, Tehrân, 1953.

کله شین

297. V. MINORSKY, Kela-Shin, la stèle de Topuzawa et les anciens monuments dans la région du Lac Urmia, Leningrad, 1917 (en russe).

DE MORGAN, Recherches arch., vol. IV, p. 291-283, fig. 164 et pl. XXIV-XXV.

M. DE TSERETHELI, La stèle de Kelichine. در Revue d'Assyriologie, vol. XXX (1938), p. 1-48.

G. CAMERON, در Michigan Alumnus Quarterly Review (1962), p. 324-330.

F. W. KONIG, در Handbuch der chaldischen Inschriften, Graz, 1955, p. 41-50 Tafel 9.

سلماس (شاهپور)

298. A. W. JACKSON, Persia Past and Present, London, 1906, p. 79-81.

FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. 205.

C. F. LEHMANN-HAUPT, Armenien einst und jetzt, vol. I, Berlin, 1910, p. 317 (avec reproduction).

HERZFELD. Iran, pl. CVII a.

ماکو

296. M. BAHRAMI, در Artibus Asiae, vol. XI (1948), fig. 13.

Catalogue illustré de l'exposition d'art iranien au Musée Cernuschi, Paris, 1949, p. 12 et pl. 13.

پیدایی های اتفاقی در آذربایجان

300. A. GODARD, Autre objet provenant de l'Adharbaidjan. در Athâr-é Irân, vol. III (1938), p. 306-311, fig. 210-213.

301. An Ancient Persian Ibex. در Archaeology, vol. XII n. 4 (1949), p. 193, 2 fig.

طالش

302. J. DE MORGAN, Recherches au Taleche persan, در MDP VIII (1905), p. 251-341, fig. 336-834, pl. XVII-XX.

J. DE MORRAN, La préhistoire orientale vol. III, 1927, p. 185-226.

A. SCHAEFFER, *Stratigraphie comparée et chronologie de l'Asie occidentale*, London, 1948, p. 404-443. در تاریخ گذاری « دلمن ها » رجوع شود به

۱۱ - عراق عجم

چشمه علی

303. R. DE MECQUENEM, Notes sur la céramique peinte archaïque en Perse, در MDP XX (1928), p. 115-121, fig. 23 à 27.
304. E. F. SCHMIDT, The Persian Expedition at Rayy, در Bull. of the University Museum of Pennsylvania, vol. 5 n. 5 (1935) p. 41-49, pl. VI.
- IDEM, در Bull. Museum of Fine Arts, Boston, vol. 33 (1935), p. 55.
- A. U. POPE, در ILN 5018, 22 June 1945, p. 1122 sq, 10 fig.

چال ترخان

305. A. U. POPE. vol. I, pl. 176-177.
- SCHMIDT, Flights, p. 53, pl. 39-40.

دشت ورامین - ناظم آباد

306. G. PÉZARD et G. BOUDOUX, Mission de Téhéran, در MDP XII (1911), p. 51 sq.
307. Fr. SARRE, Eigürlicher und ornamentale Wandschmuck sqätsasanidischer Zeit در Amtliche Berichten der Berliner Museen, Berlin, 1928, p. 1-6, 10 Abb.

تخت رستم

308. M. SIRIOUX, Takhte Rustam et Takhte Kaikāūs, در Athār-é Irān, vol. III (1938), p. 93-105, fig. 54-63.

تخت کیکاووس

306. IDEM, ibid., p. 105-110, fig. 64-70.

شهرستانک

310. IDEM, Le Kal'c Dukhtar de Shahrestānek, در Athār-é Irān, vol. III (1938), p. 123-132, fig. 77-84.

لمعه بان

311. IDEM, Kalabān, در Athār-é Irān, vol. III 1938, p. 143-153, fig. 88-96.

خوروین

- ۳۱۲- م. راد و علی حاکمی - کاوشهای علمی مختصر در کنج تپه و تپه های دیگر خوروین در گزارشهای باستان شناسی جلد اول ۱۳۲۹.

313. L. VANDEN BERGHE, Opgravingen te Khorwin, در Handelingen van het 21e Vlaams Filologencongres te Leuven 12-14 april 1955, p. 117-121.
- IDEM, La nécropole de Khorwin, Guzārishhāyi bāstānshinasi, vol. IV, 1957.

IDEM, Khūrvīn (Irān). Nécropole des premières tribus iraniennes, vol. VII des Publications de l'Institut Historique et Archéologique néerlandais de Stamboul, Leyde, 1959.

درروس

۳۱۴- صمدی- اطلاعات اجمالی درباره چند ظرف مکشوفه در درروس شمیران در گزارشهای باستان شناسی جلد ۳

۱۳۳۴ ص ۱۴۶-۱۴۷

315. A. GODARD, Plat d'argent découvert près de Kazwīn, در Ashār-é Irāu, vol. III (1938), p. 300-302, fig. 204, 205.

ILN 21 Aug. 1948, p. 214, fig. 5.

مسره نزدیک ساوه

316. S. PRZEWORSKI, Altorientalische Altertümer in skandinavischeq Sammlungen, در Eurasia Septentrionnlis Antiqua, vol. X (1936), fig. 28, a-d.

HERZFELD, Iran, fig. 185-186.

IDEM, ILN, 1935, p. 982, fig. 2.

T. J. ARNE, Die Komparativa Samlingarna i Statens Historiska Museum, در Fornvännen, vol. XLII (1936), p. 195, fig. 4a, b, c.

ناحیه ساوه-آوه

317. SCHMIDT, Flight. p. 27-28, pl. 29.

قلعه دختر

318. M. SIRIOUX, Le Kal'e Dukhtar de Kumm, در Athār- Irān. vol. III, (1938), p. 113-120, fig. 71-74.

319. R. GHIRSHMAN, Fouilles de Sialk, près de Kashan, Paris, 1938, vol. I, p. 61, fig. 10 et 11.

خوره

320. HERZFELD, Am Tor, p. 32, pl. XVIII.

IDEM, Iran, p. 283, fig. 382-383, pl. VXXXVIII, LXXXIX a.

نیسار

321. A. P. HARDY, Le monument de Neisar, در Athār-é Irān, vol. III (1938), p. 163-166, fig. 100-106.

آتشکوه- نیموار

322. A. GODARD, Les monuments du feu, در Athār-é Irān, vol. III (1938), p. 32-39, fig. 14-22.

نطنز

323. IDEM, Le monument sassanide de Natanz, در Athār-é Irān, vol. I (1936), p. 79-82, fig. 52-54.

تپه سیلک

324. R. GHIRSHMAN, Rapport préliminaire sur les fouilles de Tepe Sialk (Kashan), در Syria, vol. XVI (1935), p. 229-246.

IDEM, Fouilles de Sialk, près de Kashan, 1933, 1934, 1937. Paris, tome I, 1938, t. II, 1939.

IDFM, در ILN 4991, 15 December 1934, p. 1005, 6 fig., در ILN 5004, 16 March 1935, p. 416 sq., 13 fig.

IDEM, Une tablette proto-élamite du plateau iranien در Revue d'Assyriologie, vol. XXXI (1934), p. 115-119.

De la céramique de Tépé Siyalk est conservée dans plusieurs musées. Citons quelques articles :

P. GLEMENT. Three Ewers from Siyalk in Persia, در Los Angeles Connty Museum, Bulletin of the Art Division vol. 6 (1954), p. 16-24.

C. J. GADD, Early Decorated pots from Iran, در British Museum Quarterly, vol. XI (1937), p. 156-157, pl. XLIII a.

L. SPELEERS, Vases iraniens du nord-est, در Pull. Musées Royaux d'art et d'histoire, (1937, p. 17-22, fig. 18-19.

IDEM, Antiquités iraniennes, ibid., 1938, p. 35 sq., fig. 6 à 9.

IDEM, Vases iraniens, ibid., 1941. p. 98 sq., fig. 1-14.

IDEM, La donation S. CORBIAU, ibid., 1946-1947, p. 39 sq., 45-55.

اصفهان

325. FLANDIN ET COSTE, Voyage, p. 22, pl. 27-27, bis.

HERZFELD, Am Tor, p. 111.

326. A. GODARD. Ateshkāh d'Isfahān, در Athār-é Irān, vol. II (1937), p. 164-165, fid. 60.

فهرست کاوشها و گمانه‌ها و تفحصات علمی نسبت به تاریخ انجام آنها

Rāwlinson	۵. راولینسون در بیستون	۱۸۳۶-۴۱
W. C. Loftus	گمانه‌های و. س. لوفتوس در شوش	۱۸۵۱-۵۲-۵۳
F. C. Andreas-F. Stolze	گمانه‌های آندرناس و ستولز در تخت جمشید	۱۸۷۸
Dieulafoy	کاوشهای دیولافوآ و همسرش در شوش	۱۸۸۴-۱۸۹۶
J. De Morgan	کاوشهای دمرگان در شوش	۱۸۹۷-۱۹۱۲
	تحقیقات در مکانهای تاریخی پیش از تاریخ بوسیله دمرگان در مازندران و گرگان و لرستان و آذربایجان و طالش	۱۸۹۹-۱۹۰۲
J. E. Gautier-G. Lampre	کاوشهای آقایان گوتیه و لامپر در تپه موسیان	۱۹۰۲-۱۹۰۳
Pumpelly	کاوشهای پومپلی در آنو	۱۹۰۵
E. Herzfeld	آقای هرتسفلد در پاسارگاد	۱۹۰۵
	تحقیقات باستانشناسی آقای دمرگان در اطراف تهران (ری و جلگه و راسین)	۱۹۰۹
R. de Mecquenem	کاوشهای آقای دسکنم در شوش	۱۹۱۲-۱۹۳۹
M-G. Pézard	کاوشهای آقای م. وژ. پزارد در بندر بوشهر	۱۹۱۳
A. Stein	کاوشها و تفحصات باستانشناسی آقای استین در سیستان	۱۹۱۵-۱۹۱۶
	مسافرت باستانشناسی آقای هرتسفلد در ایران	۱۹۲۵-۱۹۲۶
	کاوشهای آقای هرتسفلد در پاسارگاد و تل بکون	۱۹۲۸
	کشف برنزهای لرستان	۱۹۲۸-۱۹۳۰
	کاوشهای آقای هرتسفلد در تخت جمشید	۱۹۲۱-۱۹۳۴
	کاوشهای ژرژ کنتنو و ربان گیرشمن در تپه گیان و گمانه‌های	۱۹۳۱-۱۹۳۳
G. Contenau	آقای گیرشمن در تپه جمشیدی و تپه بدهوره	
F. R. Wulsin	کاوشهای وولسین در تورنگ تپه	۱۹۳۱
E. F. Schmidt	کاوشهای آقای اشمیدت در تپه حصار	۱۹۳۱-۱۹۳۲
L. Langsdorf	کاوشهای لانگسدورف در تل بکون	۱۹۳۲
	تفحصات باستانشناسی استین در بلوچستان و در فارس	۱۹۳۲-۱۹۳۴
J. W. Upton	کاوشهای اوپتون در قصر ابونصر	۱۹۳۲-۱۹۳۳-۴
T. J. Arne	تفحصات باستانشناسی پیش از تاریخ آقای آرن در ناحیه گرگان و در شاه تپه بزرگ	۱۹۱۳
	کاوشهای گیرشمن در تپه سیلک	۱۹۳۳-۱۹۳۸
	کاوشهای اوپتون در نیشابور	۱۹۳۴-۱۹۳۷

- L. Le Breton کاوشهای آقای لبروتون در اطراف شوش ۱۹۳۰-۳۴-۳۶
- کاوشهای اشمیدت در ری (چشمه علی تپه) ۱۹۳۴-۱۹۳۶
- تحقیقات باستانشناسی اشمیدت در لرستان و کاوشهای سرخ دم ۱۹۳۴-۳۵-۳۷-۳۸
- Holmes Luristan Expédition (هولمز لرستان اکپدیشن)
- G. Salles کاوشهای ژرژ سال و گیرشمن در بیشابور ۱۹۳۵-۱۹۳۷
- تفحصات باستانشناسی استین در خوزستان و کردستان و آذربایجان ۱۹۳۵-۱۹۳۶
- کاوشهای اشمیدت در تخت جمشید و پاسارگاد ۱۹۳۵-۱۹۳۹
- کاوشهای گدار و سامی در تخت جمشید (هیئت باستانشناسی ایران) ۱۹۴۰
- کاوشهای گیرشمن در شوش و تنگ پید (۱۹۴۹) و ایوان کرخه (۱۹۵۰) ۱۹۴۶
- کشفیات گنجینه زیویه ۱۹۴۷
- کاوشهای آقای راد در حسلو (هیئت باستانشناسی ایران) ۱۹۴۷
- D. E. Mc Cown تفحصات علمی مک کون در خوزستان جنوبی ۱۹۴۸
- T. Burton Brown کاوشهای بورتون برون در گوی تپه ۱۹۴۸
- R. N. Frye تفحصات زبان شناسی دکتر فرای در فارس ۱۹۴۸
- G. Cameron تفحصات زبان شناسی کامرون در ایران (مانند بیستون) ۱۹۴۸-۱۹۴۹
- کاوشهای آقای سامی در پاسارگاد (هیئت باستانشناسی ایرانی) ۱۹۴۹
- تفحصات پیش از تاریخ آقای کارلتون کون در غارهای مازندران و خراسان ۱۹۴۹-۱۹۵۱
- Carleton S. Coon و فارس و کردستان و آذربایجان
- W. B. Henning تفحصات علمی زبان شناسی هنینگ در فارس ۱۹۵۰
- H. Field تفحصات باستانشناسی و مردم شناسی آقای فیلد در خوزستان شمالی و در لرستان ۱۹۵۰
- گمانه های آقای راد و علی حاکمی در خورویین (هیئت باستانشناسی ایرانی) ۱۹۵۰
- تفحصات باستانشناسی واندنبرگ در ناحیه پاسارگاد و تخت جمشید و شیراز ۱۹۵۱-۲-۳
- کاوشهای گیرشمن در چغا زنبیل ۱۹۵۲
- گمانه های لوئی واندنبرگ در خورویین ۱۹۵۴
- کاوشهای ایرانی در خورهه ۱۹۵۶
- تحقیقات و تفحصات باستانشناسی واندنبرگ در لرستان ۱۹۵۷
- R. H. Dyson کاوشهای دایسون (از دانشگاه پنسیلوانیا) در حسلو ۱۹۵۷-۱۹۵۸

نظر اجمالی دربارهٔ باستان‌شناسی ایران

و قدمت اشیاء مکشوف در آن

۱- دوران پیش از تاریخ

دوران پیش از تاریخ شامل دوران درازی است که در حدود چهل قرن ادامه دارد. در نتیجه کاوشهایی که دانشمندان در چند تپه بعمل آورده‌اند تأسیسات و گورستان‌هایی مربوط به مردم کشاورز را از زیر خاک بیرون آورده‌اند. اشیاء قابل توجهی که در این تأسیسات پیدا شده سفالهایی است که وسیله مطمئنی برای تاریخ گذاری آثار و تشخیص تمدنهای مختلف میباشد.

برخلاف بین‌النهرین، در خاک ایران سفالهایی با سبکهای مختلف پیدا شده، و این اختلاف نتیجه وضع جغرافیایی این کشور است.

ایران کشوری است کوهستانی که در میان آن دره‌های متعدد قرار گرفته، در حالیکه بین‌النهرین دشت وسیعی است. میان مردم ساکن دره‌ها روابط دائمی وجود داشته، با این حال هنر هر ناحیه خصوصیتی مربوط به همان ناحیه داشته است. با این مراتب هنوز نمیتوان نواحی بسیار مشخصی از نظر سبک هنری تشخیص داد، زیرا بسیاری از نقاط ایران هنوز مورد مطالعه دقیق قرار نگرفته است.

در نقاطی که طبقات مختلف منظم روی هم قرار گرفته و میتوان آن طبقات را با نقاط مشخص شده در بین‌النهرین مقایسه نمود، تاریخ گذاری امکان پذیر است. ولی بعضی تپه‌ها از یکدیگر فاصله زیاد دارد و برای تاریخ گذاری آنها با اشکالاتی مواجه هستیم. ذیلاً جدول یا صورتی تهیه کرده‌ایم که دورانهای پیش از تاریخی را از دوران پالئولیتیک تا آغاز دوران هخامنشی در آن جای داده‌ایم. در هر یک از دورانهای پیش از تاریخی تمدن‌های مختلف را معرفی نموده‌ایم. برای مطالعه بیشتر راجع به مشخصات هر تمدن، یا سبک هنری، باید به متن کتاب مراجعه کرد.

جدول

دوران پالئولیتیک: غار هوتو - غار کمر بند - خونیک^۱ مهارلو - تمته.

دوران مزولیتیک: (در حدود ۸۰۰۰ تا ۵۰۰۰ مساوی کریم شهیر در بین‌النهرین): غار کمر بند.

نئولیتیک (در حدود ۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰ پیش از میلاد مساوی جارمو، گرد علی آقا، حسونه، در

بین‌النهرین):

الف - قدیم (پیش از سفال): غار کمر بند.

ب - جدید (سفال) غار هوتو : غار کمر بند - تنگ پیدا .

ج - اخیر :

۱- تمدن سیلک اول - چشمه علی تپه اول، (الف) تپه سیلک (لوحة ۹۴-الف) و شکل ۳۶ و ۳۵ .

۲- تمدن طبقه (B) جری : ده نقطه تاریخی در ناحیه بازار گاد شیراز (لوحة ۹۴-الف) .

دوران کالکولیتیک قدیم و متوسط (حدود ۳۴۰۰-۴۲۰۰، سامره، تل هلف، تل عبید) .

۱- تمدن طبقه دوم سیلک - آنو (IA) چشمه علی (IA) تپه مسره (لوحة ۱۰۵-ج)، قلعه دختر

قم، تپه سیلک (لوحة ۱۶۱-ب تا ۱۶۱ ه و شکل ۳۷-۳۸) .

۲- تمدن طبقه سوم سیلک - چشمه علی تپه (IB) (لوحة ۱۲۰-د ج)، تپه سیلک (لوحة

۱۶۲ تا ۱۶۴ و شکل ۳۹ تا ۴۲) .

۳- تمدن طبقه اول تپه حصار : شیرزیان - شاه تپه (III)، تپه حصار (IIIA) (لوحة ۱-۹

و شکل ۴-۱) .

۴- تمدن طبقه گیان، چغا پهن، چغا سبز، دماویزه، گریلان، گرد حسن علی اشنو، تل باوه

محمد، تایخان، تل ابلیس، تپه گیان، (لوحة ۸۰۱-الف-د-و شکل ۲۷) - زهاب .

۵- تمدن موسیان : جعفر آباد - مال امیر - تپه علی آباد - تپه بندبال - تپه جوی - تپه خزینه -

تپه محمد جعفر - تپه مراد آباد - تپه موسیان (شکل ۲۰) .

۶- تمدن شوش اول : کوزه گران شوش (لوحة ۹۸-۹۶ و شکل ۲-۱۹) تپه بندبال - تپه

بوحلان - تپه جعفر آباد - تپه دواسیه^۲ تپه هلوایماش^۳، تپه حسین آباد - تپه محمد آقا .

۷- تمدن موشکی : سه محل تاریخی در ناحیه پاسارگاد - شیراز (لوحة ۹۴-ب) تل گود رحیم .

۸- تمدن بکون : شیر، دهبید، دوتلان، کناکان، مال امیر، تل بکون (B₂A-I-4)

(لوحة ۴۸-۴۷ و شکل ۷-۸) تل گود رحیم، تل گرد اردکان، تل گورپا^۴، تل حسنک، تل پیر،

تل ریگی، کمال آباد، تل ریگی خسو، تل ریگی مادوان، تل ساکو مادوان^۵ تل سنگ سیاه، تل سیاه فسا،

تل سیاه مادوان، تپه بندبال، تپه بوحلان و ۲۰ تپه دیگر در ناحیه پاسارگاد شیراز. (تل جری) (لوحة ۵

تا ۲۰ الف) .

دوران کالکولیتیک جدید (در حدود ۲۹۰۰-۳۴۰۰، دوران اوروک و جمدت نصر) .

۱- تمدن طبقه دوم آنو : آنو .

۲- تمدن شاه تپه - آق تپه، شاه تپه (III) (لوحة ۸ ب تا و) تورنگ تپه (لوحة ۸-الف)

و چند تپه دیگر در ناحیه گرگان .

- ۳- تمدن طبقه چهارم گیان - تپه سیلک.
- ۴- تمدن طبقه برزخ در شوش (شکل ۲۱).
- ۵- تمدن کفتری (ده محل تاریخی در ناحیه پاسارگاد - شیراز - تل کفتری لوحه ۵۱).
- دوران برنز قدیم (حدود ۲۰۰۰-۲۹۰۰، دوران سومر قدیم و دوران اکد):
- ۱- تمدن آنو (III): آنو، آق تپه، نمازگاه تپه، محمد آباد (لوحه ۱۰-الف).
- ۲- تمدن طبقه سوم تپه حصار: استرآباد، رستم قلعه، شاه تپه (II)، تپه حصار (لوحه ۱۱-۱۳-۱۲)، تورنگ تپه.
- ۳- تمدن طبقه ۴ گیان: تپه بدهوره، تپه گیان (لوحه ۱۰۸-۵-۹-۱۱۰) تپه جمشیدی، چغا کبود، کمتران اول (لوحه ۱۲۳-ج).
- ۴- تمدن شوش دوم: کازآباد، تپه خزینه، میرولی، شوش (لوحه ۱۰۰ و شکل ۲۴-۲۳-۲۲) تپه علی آباد (لوحه ۱۱-الف و شکل ۲۶).
- ۵- تمدن تل قلعه: تل کمین، تل قلعه (لوحه ۵۲-ب-ج) تل چغا (II) (لوحه ۵۳) تل تیموران (IV) (لوحه ۵۷) وکیل آباد.
- ۶- تمدن بمپور خوراب: بمپور، ده قاضی، کتاکان، خوراب (لوحه ۱۸-۱۷) مشی، مولا، پیرکنار.
- دوران برنز متوسط (حدود ۱۶۰۰-۲۰۰۰): دوران سومر جدید: ایسین، لارسا، و بابل قدیم.
- ۱- تمدن طبقه ۳ گیان: تپه بدهوره، تباکی، چغا کبود، چغا سبز، دساویزه، گیریاران، کازآباد، کمتران (II) موئیلکک^۲ تپه بدهوره، تپه جمشیدی (لوحه ۱۱۵-ب-ج) تپه گیان (لوحه ۱۱۱-ب-۵-۱۱۲).
- ۲- تمدن تل شقا: تل تیموران (III) (لوحه ۵۸) تل قلعه، تل شقای اول (لوحه ۵۵ و ۵۴ و شکل ۹) تل کمین (لوحه ۵۶) و پنج تپه دیگر در ناحیه پاسارگاد و شیراز.
- دوران برنز جدید (در حدود ۱۲۰۰-۱۶۰۰) کاشی‌ها در بین النهرین:
- ۱- تمدن طبقه دوم گیان: چغاسای^۲ تپه گیان (لوحه ۱۱۳) تپه جمشیدی.
- ۲- تمدن تیموران الف: تل تیموران (A) (لوحه ۶۰-الف-ج):
- دوران آهن (حدود ۸۰۰-۱۲۰۰): برنز لرستان (لوحه ۱۱۷ تا ۱۲۴-۱۳۸-ب-ج):
- ۱- تمدن طبقه ۵ سیلک (حدود ۱۰۰۰-۱۲۰۰):

- تپه گیان (IB) (لوحة ۱۱۰ - الف) تپه سیلک (V) (لوحة ۱۶۵ تا ۱۶۷) تپه بدهوره - تل تیموران (B) چینة - ۱ (لوحة ۶۰ - و).
- ۲- تمدن طبقه ششم سیلک (۸۰۰-۱۸۰۰) تل جلاآباد (لوحة ۶۱-الف)، نادعلی تپه گیان (I,C)، تپه سیلک (VI) (لوحة ۱۷۳ - ۱۶۸).
- ۳- کلاردشت (لوحة ۱ تا ۳ - ج - ۴)، خورون (لوحة ۱۶۷-۱۶۳)، حسنلو (لوحة ۱۴۴-ب-ج-۱۴۵ تا ۱۴۸)، دروس (لوحة ۱۹۵-الف)، پشند (لوحة ۱۵۸-الف تا ح) چندار (لوحة ۱۵۸-ب-ج-ح).
- ۴- گنجینه زیویه (لوحة ۱۴۳ تا ۱۳۹).

فهرست کتب

کلیات

- G. CONTENAU, La civilisation de l'Iran au IVE millénaire avant notre ère (=Publications de la Société des Etudes Iraniennes n 13), Paris, 1936.
- R. GHIRSHMAN, Notes sur les peuples et l'art de l'Iran préhistorique, در Revue des arts asiatiques vol. 10 (1936), p. 23-26, fig. A-H.
- D. H. GORDON, Sialk, Giyan, Hissar and the Indo-Iranian Connection, در Man in India, vol. XXVII (1947), p. 215 sq.
- E. Mc COWN, The Comparative Stratigraphy of Early Iran (=Studies in Ancient Oriental Civilization, 23), Chicago, 1942.
- E. Mc COWN, The Relative Stratigraphy and Chronology of Iran, در W. EHRICH's Relative Chronologies in Old World Archaeology, Chicago, 1954, p. 56-68.
- E. Mc COWN, The Material Culture of Early Iran, در Journal of Near Eastern Studies, vol. I (1942), p. 424-449, 2 T.
- A. PARROT, Archéologie mésopotamienne vol. II, technique et problèmes, Paris, 1953.

سفال

- G. CONTENAU, The Early Ceramic Art, در Pope I, p. 171-194, fig. 23-29 (Suse, Tépé Giyan, Tépé Hisar, Tépé Siyalk, Tūrang Tépé).
- R. DUSSAUD, Motifs et symboles du IVE millénaire dans la céramique orientale, در Syria, vol. XVI (1935), p. 375-392.
- H. FRANKFORT, Studies in Early Pottery of the Near East: Mesopotamia. Syria and Egypt and their Earliest Interrelation. Royal anthropological Institute, 1924.
- S. SMITE, Pottery from Persia, در British Museum Quarterly, vol. XII (1938), p. 140, 4 fig.
- L. VANDEN BERGHE, Les ateliers de la céramique peinte chalcolithique en Iran sud-ouest, در Revue archéologique, vol. XXXIX, (1952), p. 1 à 21.

- L. VANDEN BERGHE, Quelques vases thériomorphes iraniens در *Artibus Asiae*, vol. XV (1952), p. 233-240, 5 fig.
- L. VANDEN BERGHE, De beschilderde ceramiek in Iran (la céramique peinte en Iran) در „de Gentse Bijdragen tot de Kunstgeschiedenis”, vol. XV (1954), p. 5-84, 24 fig., XI pl. (avec résumé en français. p. 77-84) et vol. XVI (1955-56), p. 5-54, 4 fig., XI pl. (avec résumé en français, p. 45-54) .

مهرها

Voir Suse, Tall-i Bakūn, Tépé Hisār, Tépé Siyalk.

PH. ACKERMANN, Early Seals, B. Some Specific Problems, در Pope I, p. 290-298.

M. RUTTEN, Early Seals, A. Glyptic Types در Pope I, p. 286-289.

M. RUTTEN, Les origines de la glyptique en Mésopotamie et en Iran, در *Babyloniaca*, vol. XVI. p. 168. sq.

فلزکاری

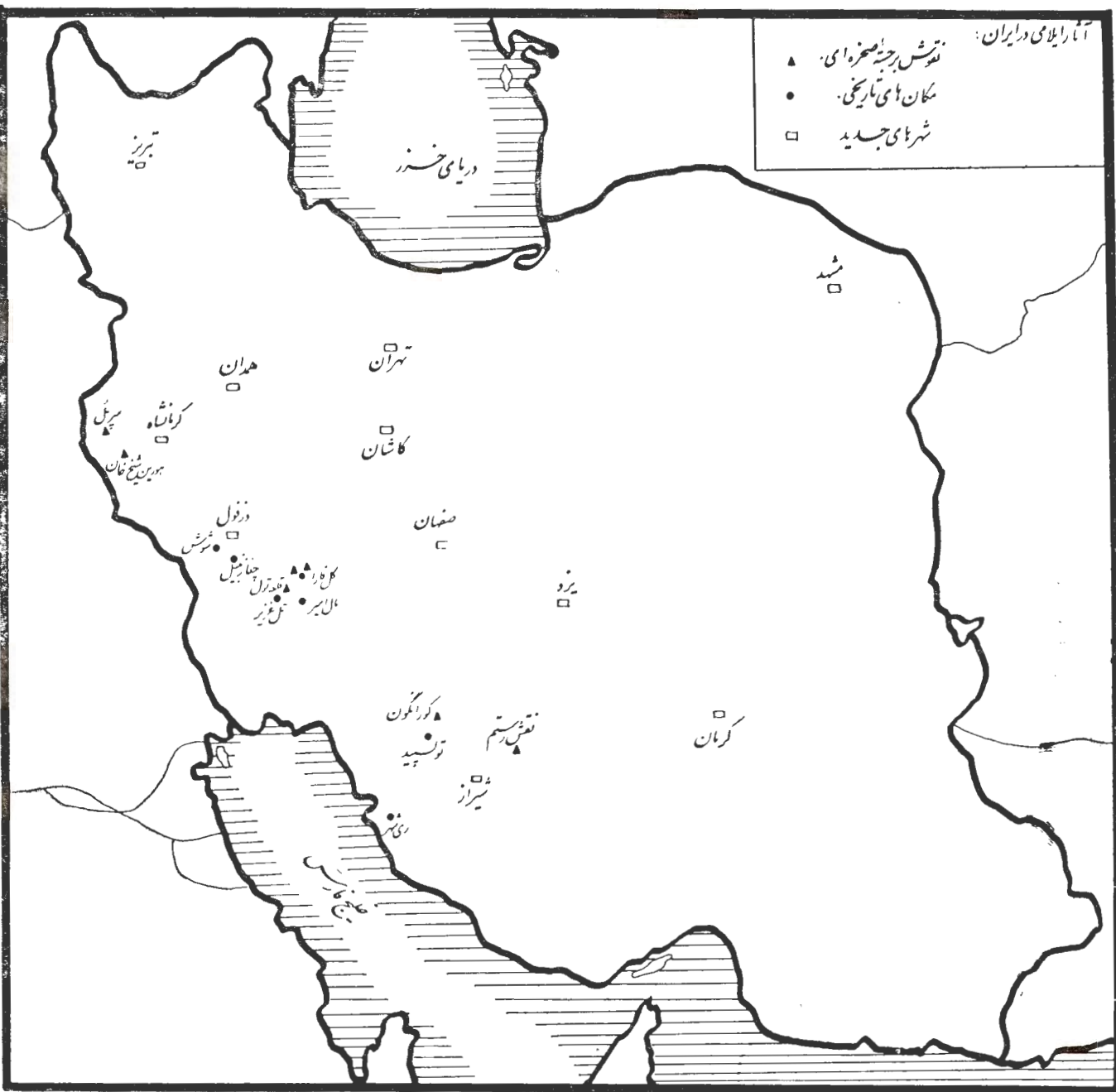
J. DESHAYES, Marteaux de bronze iraniens در *Syria*, vol. XXXV (1958), p. 284-293, 4 fig., pl. XXII.

A. PARROT, Acquisitions et inédits du Musée du Louvre, 9. — Orfèvrerie et bijouterie iraniennes, در *Syria*, vol. XXXV (1958), p. 175-185, fig. 4, 5, 8, 9, pl. XV.

J. E. POLAK, Alte Armbänder mit Schlangenköpfen aus Persien, در *Mitt. Anthropol. Gesellschaft in Wien*, vol. XX (1889), p. 23, fig. 7-9.

S. PRZEWORSKI, Personal Ornaments in Pre-Achaemenid Iran, در Pope I, p. 224-253, fig. 50-52 .

S. SMITH. Bronzes from Iran and Elsewhere, در *British Museum Quarterly*, vol. XI (1937), p. 58-62, pl. XX, XXI, XXII, 1 fig. (Bronzes provenant de Nihāvand, Bojnourd et Gilvīrān).



۲- دوران ایلامی

تمدن ایلامی‌ها که در جنوب غربی ایران مسکن داشتند بصورت مداوم برای ما روشن نیست. این تمدن شدیداً تحت تأثیر تمدن بین‌النهرین قرار گرفته بود و دوران‌های مختلفش، با در نظر گرفتن روابط آن با جلگه واقع میان دو نهر مطالعه گردیده است. بعلت این تأثیر خارجی گاهی تشخیص تمدن اصلی ایلام مشکل میشود.

هنر ایلام بعد از کاوشهای شوش و چغا زنبیل و پس از مطالعه نقوش برجسته کورانیگون و نقش رستم و مال اسیر و سر پل بیشتر متمایز شد.

در هزاره سوم پیش از میلاد کارهای هنری ایلامیها با کارهای هنری بین‌النهرین جنوبی شباهت زیاد دارد. با اینحال یک حالت ولایتی آنها را متمایز مینماید. این کارها عبارت‌اند از مجسمه‌ها و لوحه‌های سنگی، مهرها و ظروف سفالین از نوع ظروف سومر قدیم. در نقوش برجسته سرپل از کارهای دوران آکد اقتباس شده.

در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد و اوایل هزاره دوم هنر دوران «پوزوروشیناک» شباهت به هنر «اور» دارد. در شوش معابد و کاخ‌هایی ساخته میشود و هنر مجسمه سازی بوجود می‌آید. نقوش برجسته در کورانیگون و نقش رستم مربوط به موضوع‌های مذهبی جلگه بین‌النهرین‌اند، ولی با این حال دارای خصوصیتی میباشند که آنها را از هنر بین‌النهرین متمایز میکند.

دوران عظمت ایلام و استقلال سیاسی و فرهنگی آن، قرون ۱۳ و ۱۲ پیش از میلاد بوده است. کارهای هنری این دوره مشخصاتی دارند، که هیچگاه تا آن زمان در آنها دیده نشده بوده است. در این زمان در شوش و چغازنبیل ساختمانهای مجللی برپا نمودند و معابد و زیگوراتهایی نظیر زیگوراتهای بین‌النهرین، ولی با خصوصیات محلی، بنا نمودند. هنر فلزکاری در این دوران به نتایج بسیار بلندی رسید، و یکی از بهترین نمونه‌های آن مجسمه برنزی ملکه «ناپی-آزو» و نقش برجسته روی صفحه‌ای از برنز است که جنگجویان را نشان میدهد، و از آنها همتر لوحه‌ای از برنز است که روی آن مجسمه‌های کوچکی از اشخاصی را قرار داده‌اند که مشغول انجام تشریفات مذهبی هستند، و این لوحه برنزی «سیت شمش» نام دارد و از معبد پادشاهی بنام «شیلهاک این شوشیناک» بدست آمده است. هنر جواهرسازی نیز در این زمان در ایلام موفق به پیشرفتهایی شد، و مجسمه‌های کوچکی از طلا و نقره و زینت آلات دیگر در انباری در شوش، و تعداد دیگر در چغازنبیل پیدا شد.

نقوش برجسته «اونتاش هوبان» و کاشی های لعاب داری که فرشته هایی را در طرفین یک درخت خرما و زنهایی را در حال عبادت نشان میدهد، کارهای قابل توجهی است که در آن زمان بوجود آمده. بهمین طریق از گل پخته شیرهایی در حال نشسته ساخته اند، و بطور کلی خشت های پخته لعاب دار آن زمان بدرجه هنری بلندی رسیده است.

سپس دورانی میرسد که دیگر از قدرت ایلام هیچ خبری نیست و بعد از آن مجدداً در قرن نهم پیش از میلاد هنر ایلام احیاء میشود و تا قرن هفتم شاهکارهایی بوجود میآید که در آن نفوذ هنر آشوری مشهود است، مانند نقش برجسته ای که زن نویسنده ای را نشان میدهد یا نقوش برجسته «خانی» در مال امیر و نقش برجسته «آداهمی تی». در تمام این کارهای هنری سبک ولایتی هنر آشوری، خصوصاً در لباسها مشاهده میشود. بعضی کارهای دیگر خصوصیات محلی دارند، مانند سر انسان از گل پخته، که یک مرد ایلامی را نشان میدهد، و شیرهایی از گل پخته که سابقاً روی آن لعاب زده بودند.

جدول

- ۱- معابد ایلامی: چغازنبیل (لوحة ۹۵ - ب - ج شکل ۱۷-۱۶)، شوش.
- ۲- ساختمان های دیگر ایلامی: ری شهر - تل غزیر - تولسپید.
- ۳- سنگ تراشی ایلامی: هورین شیخ خان - کورانگون (لوحة ۸۵-۸۶ - الف)، نقش رستم (لوحة ۹ - الف) قلعه تول (لوحة ۹ - الف)، قلعه فرا (لوحة ۹۰ - ب، ۹۱ - الف)، سرپل (لوحة ۱۲۵ - ج - د) شکفت سلمان (لوحة ۹۱ - ب)، شوش (لوحة ۱۰۳-۱۰۲)، چغازنبیل.
- ۴- سفال ایلامی: ریشهر، تل غزیر، چغازنبیل، شوش.
- ۵- جواهرسازی ایلامی: شوش، چغازنبیل.
- ۶- عاج ایلامی: شوش (لوحة ۱۰۱ - ج) چغازنبیل.
- ۷- مهرهای ایلامی: شوش - چغازنبیل.

نقوش برجسته ایلامی

آخر هزاره سوم	هورین شیخ خان	کردستان	یک پادشاه (تار...دونی) که با دودشمن مصاف میدهد
»	سرپل	»	پیروزی آنوبانی نی پادشاه لولویی
»	»	»	پیروزی یک پادشاه
»	»	»	یک پادشاه مقابل یک خدا
»	کورانگون	فارس	رب النوع و ربة النوع و پرستندگان
»	نقش رستم	»	» » »
دوران ایلامی جدید	قلعه تول	خوزستان	اشخاص مختلف

دوران ایلامی جدید	قلعه فرا	خوزستان	مجلس قراردادن هدایا برای خداوند و چهارنقش دیگر که مجالس پرستش و قربانی را نشان میدهد.
دوران ایلامی جدید	شکفت سلمان	خوزستان	چهارنقش برجسته با دسته های مرد و زن در حال پرستش.

فهرست کتب

G. G. CAMERON, History of Early Iran, Chicago 1936.

R. MAYER, Die Bedeutung Elams in der Geschichte des alten Orients در Saeculum, vol. VII, (1956) p. 198-220



۳- دوران هخامنشی (۲۳۱-۵۵۰)

نخستین امپراطوری بزرگی که ایرانیان تأسیس کردند امپراطوری هخامنشی بود که بدست کوروش ایجاد شد. این شاهنشاهی شامل تمام آسیای مقدم بود و به مصر و آسیای مرکزی نیز گسترش یافت، ولی در تسلط بر یونان موفقیت حاصل نکرد. عمر این شاهنشاهی کوتاه بود چون در سال ۳۳۱ پ.م. اسکندر مقدونی بر آن تسلط یافت.

هنر هخامنشی پیش از همه چیز هنر شاهنشاهی است که در آن همه چیز مربوط به تجلیل شاهنشاه است، مانند کاخ های عظیم، و مجالس مربوط به تشریفات شاهنشاهی، و تزیینات وصف نشدنی. از طرف دیگر هنر هخامنشی هنری است بین المللی که نتیجه اختلاط هنر ملل مختلف است و مهمترین عوامل تشکیل دهنده آن هنر آشور و بابل است، مانند استعمال خشت خام برای ساختن دیوارها، و لوحه های سنگی، یا کاشی، و نقش گاوهای که سر انسان دارند. هنر مصری هم در تشکیل هنر هخامنشی بی تأثیر نبود، مانند تالارهای ستون دار با گلوبی مصری در بالای درها و پنجره ها. تأثیر هنر یونانی فقط در نشان دادن چین لباس ها مشهود میگردد.

تأثیرات دیگری در تشکیل هنر هخامنشی وجود داشته که کاملاً روشن نیست، مانند تأثیرات اورارتویی و مانایی. این تأثیرات بیشتر در نقوش بالای دخمه ها، و در ستونها و سر ستونها، و عوامل تزیینی مشهود میگردد.

ساختمان ها

مهمترین آثار ساختمانی این دوران آراسگاه ها و آتشگاه ها و کاخ هاست. ویرانه های کاخهای هخامنشی هنوز در بازار گاد و شوش و خصوصاً در تخت جمشید دیده میشود. در ساختمانهای بین النهرین خشت خام یا آجر زیاد بکار رفته است ولی در کاخهای هخامنشی سنگ خاکستری رنگ و ظریف کوههای مجاور را برای ساختن سردرها و پنجره های تالارها ترجیح داده اند. دیوار واقع بین آنها را با خشت خام ساخته اند ولی در کاخهای شوش بیشتر از خشت خام استفاده شده. یکی از خصوصیات برجسته این ساختمان ها عظمت آنها و بزرگی و عرض و طول تالارهای ستون دار (آپادانا یا تالار تخت) و تالارهای بزرگی است که اطراف آن اتاق های متعدد ساخته شده و مخصوص مسکن خانواده پادشاهی بوده است.

بعلاوه در این ساختمان‌ها ستون سنگی یا چوبی با سرستونهای مرکب از قسمت جلوتنه گاونر یا شیر یا حیوانات افسانه‌ای زیاد بکار رفته است.

گذشته از آرامگاه کوروش در بازارگاد، آرامگاه‌های دیگر هخامنشی در تخت جمشید یا نقش رستم بصورت دخمه‌هایی در بدنه کوه کنده شده و قدیمترین انواع این نوع دخمه‌ها همان است که در دآودختر و دکان داود دیده شد.

آتشگاه‌های بازارگاد و نقش رستم بصورت برج‌های مربعی است که با سنگ‌های تراشیده ساخته شده و پنجره‌هایی دروغین (یعنی فقط نمای پنجره) دارد و در این آتشگاه‌ها آتشی را که لازم بود روی آتشکده‌ها بسوزانند محفوظ می‌داشتند.

سنگ تراشی

وضع پیکر سازی دوران هخامنشی زیاد برما روشن نیست ولی تعداد نقوش برجسته روی سنگ خصوصاً در شوش و بازارگاد و بیش از همه در تخت جمشید بسیار زیاد است. این نقوش برجسته برای تزئین ابنیه و دیواره‌های پلکان آن و درها و پنجره‌ها بکار میرفته است. موضوع‌هایی که در این نقوش نشان داده شده است با تجلیل شاهنشاه ارتباط دارد.

پادشاه روی تختی نشسته و تخت روی سکویی که از کف زمین کمی بالاتر است قرارداد شده است. تخت شاهنشاهی روی شانه‌های نمایندگان ارتش یا نمایندگان ساتراپی‌ها قرار گرفته. نقوش دیگری شاه را در حال خارج شدن از کاخ یا داخل شدن در آن نشان می‌دهد، و گاهی شاه با حیوانی افسانه‌ای در جنگ است. سربازان محافظ شاهنشاه و خراجگزارانی که در هر گوشه مملکت هدایائی می‌آورند موضوع دیگری است که در این نقوش مشاهده می‌گردد. سبک سنگ تراشی در این نقوش سبک رسمی مصنوعی است (یعنی از روی طبیعت نقش نشده). در قیافه اشخاص هیچ حالت بخصوصی مشاهده نمیشود و همگی حالت بسیار سنگین و متینی دارند، و قیافه‌هایشان سرد و خشک است، و این نقوش با یک نواختی مخصوصی تکرار میشود. موضوع‌های مذهبی به نقش اهورمزدا منحصر می‌گردد و آنهم به صورت «نشانه‌ای» است و در زیر نقش اهورمزدا شاهنشاه مقابل آتشدانی به نیایش می‌پردازد.

نقوش روی آجر

آجرهایی که در ساختمانهای دوران هخامنشی بکار برده شده است یا لعاب دار است یا بدون لعاب. آجرهای بدون لعاب بیشتر در شوش بکار برده شده است و در ابتدا روی آنها حیواناتی نقش شده بودند، مانند: گاومیش‌های بالدار، و شیرشاخ دار، و بال دار، یا حیوانات افسانه‌ای دیگر. این آجرها را با گل رس

نساخته‌اند، بلکه برای ساختن آن‌ها آهک را با ماسه مخلوط کرده، آنرا در قالب‌هایی قرارداده، سپس بکوره برده‌اند.

آجرهای لعاب‌دار را بطریق زیر می‌ساختند: ابتدا ماسه را با آهک مخلوط می‌کردند و آنرا در قالب قرار میدادند و پس از اینکه خشک می‌شد آنرا بکوره می‌بردند و حرارت مختصر به آن میدادند، و سپس بالعبابی رنگ، نقوشی روی آن نقش می‌کردند، و مجدداً آنرا بکوره می‌بردند، و پس از اینکه حرارت مختصری بآن می‌دادند باز آنرا از کوره بیرون آورده قسمتهایی را که رنگ نخورده بود رنگ می‌زدند، و برای آخرین بار بکوره می‌بردند. لوحه‌هایی که باین طریق بوجود می‌آمد برنگ آبی یا سفید یا زرد یا سبز بود و نقوش آنها عبارت بود از موضوع‌های مربوط به نباتات و حیوانات و گاوهای نر بالدار و شیر و حیوانات افسانه‌ای و ابوالهول‌هایی که تاج دارند و یا سربازان نگهبان شاهنشاه. ایجاد نقوش روی آجرهای لعاب‌دار بیشتر در شوش بکار رفته بود و در تخت جمشید بیشتر نقوش روی سنگ کنده شده بود.

فلزکاری

هنر فلزکاری مخصوص ملل اسب سوار است، مانند پارسی‌ها. فلزکاری و جواهرسازی هخامنشی را بیشتر در اثر پیدا شدن یک قبر هخامنشی در شوش می‌شناسیم، که مقدار زیادی جواهرات در آن بود، و مقداری از جواهرات هخامنشی نیز در خزانهٔ جیحون و در کاوش‌های همدان بدست آمده است.

آنچه که از فلزکاری و جواهرسازی هخامنشی در حال حاضر در دست است عبارت است از: بشقاب‌های نقره با نقشی شبیه به گل پنج‌پر، و یا نقوشی متشکل از برآمدگی‌ها و جام‌هایی شبیه به شاخ حیوان که از طلا یا نقره ساخته شده‌اند و به سر حیوان شاخ‌داری منتهی می‌گردند، و ظروف دسته‌داری که یک سر حیوان در بالای دسته آن بصورت برجسته قرار داده شده، یا دسته آن بشکل بز بالدار است. جواهرات این دوران عبارتست از گردن‌بندهایی مرکب از دانه‌های طلا یا سنگ‌های قیمت‌دار، و انگشتری‌ها، و بازوبندها و گوشواره‌های طلا که طرفین آن به سرشیر یا حیوان افسانه‌ای منتهی می‌گردد، و گوشواره‌هایی شبیه به هلال ماه که در آن صنعت ترصیع بکار رفته. اشیاء برنزی عبارتست از یک پایهٔ مثلث شکل مرکب از سرشیر که در تخت جمشید پیدا شده، و گاوهای نر که در شوش بدست آمده است.

مهرهای استوانه‌ای شکل

کنده‌کاری‌های دوران هخامنشی روی سنگ آهکی زیاد دیده می‌شود، ولی روی عقیق کمیاب‌تر است و بدو دسته تقسیم می‌شود، یکی مهره‌های استوانه‌ای و دیگری مهرهای مسطح. روی مهرهای استوانه‌ای بیشتر جنگ یا شکار نشان داده شده، و احتمالاً شکار کننده پادشاه است، که دشمن یا حیوان را مغلوب مینماید. تعداد مهرهای مسطح زیاد است و معمولاً بشکل کله قند یا بیضی شکل است و موضوع نقش

آن معمولاً قهرمانی است که حیوانات افسانه‌ای را مغلوب خود مینماید.

این حیوانات عبارتند از موجودات اساطیری، یا عقرب، یا ابوالهول بالدار. روی مهرهای دیگری آهویا بزکوهی و گرگ و کفتار و روباه در حال دویدن، و لک لک در حال پرواز و ملخ و موش و خروس در حال جنگ نشان داده شده. بسیاری از اوقات روی این مهرها قرص خورشید بالدار و نشانه اهورمزدا نیز دیده میشود.

سکه‌ها

سکه‌های طلا (داریک) یا نقره (سیکل) در یک طرف شاه را نشان میدهد که زانو بر زمین زده تیری از کمان میکشد. در تخت جمشید و شوش سکه‌های شاهنشاهی هخامنشی بدست نیامده، و احتمال دارد که این مسکوکات فقط در قسمت غربی مملکت در جریان بوده است.

ظروف

ظروف هخامنشی مرکب است از ظروف و سینی‌های سنگی (سنگ آهک یا مرمر یا سنگ یشم و غیره) که گاهی تزییناتی بشکل سر مرغابی یا قو دارد. ظروف سفالین لعاب‌دار و بدون لعاب نیز در دوران هخامنشی در ایران ساخته میشده است.

جدول

- ۱- تختگاه و استحکامات هخامنشی: ابرج، برد نشانده، مسجد سلیمان (لوحة ۹۰-الف و شکل ۱۰)، بازارگاد (لوحة ۲۴-ب-ج)، تخت جمشید.
- ۲- معابد هخامنشی: نقش رستم (لوحة ۳۱-ج) بازارگاد (لوحة ۲۴-الف)، شوش.
- ۳- آتشگاه‌های هخامنشی: نقش رستم (لوحة ۳۱-ب)، بازارگاد (لوحة ۲۴-د).
- ۴- کاخهای هخامنشی:
- چین‌چین (؟) (لوحة ۸۴-ج-د) بازارگاد، (لوحة ۲۳-۲۲)، تخت جمشید (لوحة ۴۰-۳۲)، شوش.
- ۵- بندهای عهد هخامنشی: ابرج.
- ۶- آرامگاه‌ها (دخمه‌ها):
- الف- پیش از هخامنشی، دکان داود (لوحة ۱۲۰-ه. و شکل ۳۱)، فخرآگاه (شکل ۳۴) صحنه (لوحة ۱۳۴-الف و شکل ۳۳)، سکاوند (لوحة ۱۳۲-ج. و شکل ۳۲).
- ب- هخامنشی: دآودختر (لوحة ۸۶-ب)، نقش رستم (لوحة ۲۸-الف-ب)، بازارگاد (لوحة ۲۱) تخت جمشید (لوحة ۴۴-الف-۴۰-الف) تخت رستم (لوحة ۶۱-ب-ج-د).

۷- نقوش برجسته هخامنشی :

- بیستون (لوحه ۱۳۳ - الف - ب)، قصرابونصر (لوحه ۷۲)، نقش رستم (لوحه ۲۸ - ب)، بازارگاد (لوحه ۲۲ - الف - ب - ۲۳ - ب)، تخت جمشید (لوحه ۴۴ تا ۳۲)، شوش (لوحه ۱۰۵ - ۱۰۴)، یزد.
- ۸- سفال هخامنشی ها : بازارگاد و شوش - تخت جمشید.
- ۹- فلزکاری و جواهرسازی : دماویزه (لوحه ۱۲۴ - ج)، همدان (لوحه ۱۳۶ - ۱۳۵)، بازارگاد، تخت جمشید، شوش (لوحه ۱۰۶ - الف - ب).
- ۱۰- مهره های استوانه ای :
- همدان - تخت جمشید - شوش.

نقوش برجسته صخره ای از زمان ماد (?) و هخامنشی

ماد (?) قرن ۷-۶ پیش از میلاد	دکان داود	کردستان	مغی که برسم بر دست دارد
	سکاوند		مغ و شخصی دیگر (کوماتا؟) مقابل آتشدان
داریوش اول ۴۸۵-۵۳۱	بیستون	کردستان	پادشاه در حال نیایش در مقابل اهورمزدا و اسیرانی که با زنجیر بسته شده اند
داریوش اول	نقش رستم	فارس	شاه در حال نیایش مقابل اهورمزدا
خشایارشای اول ۴۶۵-۳۴۸	»	»	» » » »
اردشیر اول ۴۲۴-۴۶۵	»	»	» » » »
داریوش دوم ۴۰۵-۴۲۴	تخت جمشید	»	» » » »
اردشیر دوم ۳۶۱-۴۰۵	»	»	» » » »
اردشیر سوم ۳۲۸-۳۶۱	»	»	» » » »
داریوش سوم ۳۳۱-۳۳۶	»	»	» » » »

فهرست کتب

کلیات

- G. CONTENAU, Sur les éléments constitutifs de l'art achéménide در Revue archéologique, 1940, p. 169 sq.
- G. CONTENAU, Les éléments de l'art perse, در Revue d'Assyriologie, vol. 37 (1940), p. 55-74.
- G. GOOSSENS, Artistes et artisans étrangers en Perse sous les Achéménides, در La nouvelle Clio, vol. 1 (1949-50), p. 32-34.

A. MOORTGAT, Halles und die Kunst der Achämeniden, در Mirt. der Altorient. Gesellschaft, vol. II n. 1, Berlin, 1926.

A. T. E. OLMSTEAD, History of the persian Empire, Chicago, 1948.

ساختمان‌ها

S. CASSON, The Aesthetic Character of Achaemenid Architecture, در Pope I, p. 33-335.

G. CONTENAU, Le prototype des chapiteaux achéménides, در Revue des arts asiatiques, vol. VII (1941-32), p. 226 sq.

J. M. UNVALA, Achaemenid Architecture, Some Inscriptions. در Pope I, p. 336-345.

F. WACHTSMUTH, Achaemenid Architecture, The Principal Monuments, در Pope I, p. 309-320.

پیکر تراشی

S. CASSON, Achaemenid Sculpture, در Pope I, p. 346-366, fig. 80-84.

K. ERDMAN, Griechische und achaemenidische Plastik, در Forschungen und Fortschritte, vol. 36 (1950), p. 150-153.

H. FRANKFORT, Achaemenian Sculpture, در American Journal of Archaeology, vol. L n. 1, 1946.

MACRIDY, Reliefs gréco-perses de la région de Daskylon, در Bull. de la Correspond. hellénique. vol. 37 (1913), p. 340.

G. M. A. RICHTER, Greeks in Persia, در Amer. Journal of Archaeology, vol. 50 (1946), p. 15 sq.

A. ROES, The Achaemenid Robe, در Bibliotheca Orientalis, vol. 8 (1951), p. 137-141, I pl. 5 fig.

E. W. VON BISSING, Ursprung und Wesen der perzischen Skulptur, در Sitzungsberichte der bayerischen Akademie, München, 1927, 36 pp., 2 Tafeln.

فلزکاری

الف-زرگری

P. AMANDRY, Orfèvrerie achéménide, در Antike Kunst, I (1958), p. 9-23 pl. 7-15.

O. M. DALTON, The Treasure of the Oxus, London, 1926.

H. FRANKFORT, A Persian Goldsmith's Trial piece, در Journal of Near Eastern Studies, vol. IX (1950). p. 111-112, I pl.

C. J. GADD, Three Persian Amulets, در British Museum Quarterly, vol. XI (1937), p. 121-122, pl. XXXIVa, b.

C. J. GADD, A Silver Dagger-Hilt. from Iran, در British Museum Quarterly, vol. XII (1939), p. 36-38. I pl.

E. HERZFELD, Eine Silberschüssel Artaxerxes I, در Arch. Mitt. aus Iran, vol. VII (1935), p. 19 sq.

H. J. KANTOR, Achaemenid Jewelry in the Oriental Institute, در Journal of Near Eastern Studies, vol. XVI (1956), p. 1-23, pl. I-XII, fig. I à II,

A. U. POPE, Ancient Persian Arts : Animal Sculpture in Gold and Electron, در ILN n° 5002, 2 March 1935.

G. PUDELKO, Altpersische Armbänder, در Archiv für Orientforschung, Band IX (1934), p. 85-88, pl. IV-V.

T. RICE, Achaemenid Jewelry, در Pope I, p. 377-382, fig. 88.

Ch. K. WILKINSON, The Art of the Ancient Near East, Bull. Metrop. Museum of Art, 1948-1949, p. 186-193, fig. p. 188-196-197.

ANOYMUS, A Gold Cup from Iran در The Art Quarterly, 1957, p. 491-492, pl. 488.

ب-برنزا

S. CASSON, Achaemenid Metalwork, در Pope I, 367-386, p. 85-87.

R. DUSSAUD, Tête de taureau en bronze, d'époque achéménide, در Bull. Musées de France 1933, p. 138-139, 1 fig.

P. FOSSING, Drinking Bowls of Glass and Metal from the Achaemenian Time, در Berytus, vol. IV (1937), p. 121-129, 1 pl.

H. R. HALL, Bronze Forepart of an Ibex, Antiquaries Journal, 1929, p. 226-218, 2 pl.

A. MESSERCHMIDT, Eine altpersische Bronze, در Amtl. Ber. aus den konigl. Kunstsamml., 1909 p. 164-199, fig. 103.

A. PARROT, Bronzes achéménides, در Bull. Musées de France, 1950, p. 161-165, 2 fig.

A. PARROT, Acquisitions et inédits du Musée du Louvre, 3, Bronzes iraniens, در Syria, vol. 30 (1953), p. 1 ü 5, fig. 1-2 pl. I à III.

M. C. RUEPPEL, Bronze Sculpture from Ancient Persia, در The Bull. Mineapolis Institute of Arts, 1957, p. 1-3, 1 fig.

سهرها

Eh. ACKERMAN, Achaemenid Seals, در Pope I, p. 389-393, fig. 89-90.

R. S. COOK, Achaemenid Seals, Aesthetic Character, در Pope I, p. 293-396, fig. 91.

C. J. GADD, Achaemenid Seals, Types, در Pope I, p. 383-588.

L. MESSERSCHMIDT, Altpersische geschnittene Steine, در Amtliche Berichte aus den konigl. Knnstasamml., 1910, p. 200-204, fig. 90-97.

J. JOYOTTE, La provenance du cylindre de Darius (B. M. 89123), در Revue d'Assyriologie, vol. 46 (1952), p. 165-167.

E. MAXIMOVA, Griechisch-persische Kleinkunst in Klein Asien nach den Perserkriegen, در Archaeologische Anzeiger, 1928, p. 646-678.

G. M. A. RICHTER, Late Achaemenian or Graeco-Persian Gems, در Commemorative Studies in Honor of Theodore Leslie Shear, Hesperia Supplément, VIII (1949), p. 291-298,

G. M. A. RICHTER, Greek Subjects on „Graeco-Persian Seal Stones”, در Archaeologica Orientalia Ernst Herzfeld, New-York, 1952, p. 189-194.

H. SEYRIG, Cachets achéménides, در Archaeologica Orientalia Ernst Herzfeld, New-York, 1952, p. 195-202.

A. STRELKOFF, The Moscow Artaxerxes Cylinder Seals, در Bull. Am. Iast. persian Art and Archaeology, vol. V (1937), p. 17-21, 5 fig.

H. VON DER OSTEN, The Ancient Seals from the Near East in the Metropolitan Museum, در Bull. of the Cellege Association, vol. XIII (1931), p. 221-241, 133 fig. (étude et catalogue des sceaux achéménides, s éleucides et sassanides du Musée Métropolitain).

سکه ها

D. BABELON, *Traité des monnaies grecques et romaines. III. Monnaies orientales*, ۱. Numismatique de la Perse antique, ۱۹۳۳ (de l'époque achéménide à l'époque sassanide).

B. HEAD, *The Coinage of Lydia and Persia from the Earliest Time to the Fall of the Dynasty of the Achaemenids*, ۱۸۷۷.

G. F. HILL, *The Coinage of the Ancient Persians*, در Pope I, p. ۳۹۷-۴۰۵.

G. F. HILL, *Catalogue of Greek Coins of Arabia, Mesopotamia and Persia*, London, ۱۹۲۲.

Gholam Reza KIAN, *Introduction à l'histoire de la monnaie et histoire monétaire de la Perse, origines à la fin de la période parthe*, ۲۵۱ p., ۱۰ fig., Paris, ۱۹۳۴.

بافتنی ها

Ph. ACKERMAN, *Textiles through the Achaemenid Period*, در Pope I, p. ۶۸۲-۶۸۵, fig. ۲۴۵-۲۴۶.



۴- دوران سلوکی در حدود ۲۲۱ تا ۲۵۰ پیش از میلاد

پس از شکست آخرین پادشاه هخامنشی، داریوش سوم کودمان، در شهر آریل، (۳۳۱ پیش از میلاد)، بوسیله اسکندر مقدونی، شاهنشاهی عظیم پارسی بدست یونانیها افتاد و یونانی مآبی وارد قاره آسیا شد. پس از مرگ اسکندر (۳۲۳ پیش از میلاد) سلوکوس قسمت غربی شاهنشاهی را بارت برد، و سلسله ای تأسیس کرد که تا قرن اول پیش از میلاد (۶۳ پیش از میلاد) ادامه داشت. ولی از اواسط قرن سوم پیش از میلاد قبایل پارت که در جنوب شرقی دریای خزر مسکن داشتند از اطاعت سلوکیها بیرون آمدند و سلسله مستقلی بوجود آوردند که سلسله اشکانی نام داشت.

هنر سلوکی در ایران اثر فوق العاده ای نداشته و تعداد ابنیه مربوط به زمان حکومت سلوکیها بسیار نادر است. اشیاء مربوط به این دوره بر دو نوع است :

الف - اشیائی که هنرشان کاملاً ایرانی است و دنباله هنر هخامنشی است، و با دنیای یونانی رابطه ای ندارد، مانند بنای آتشگاه نورآباد و آتشگاه دیگری که در کنار صفت تخت جمشید قرار گرفته و نقوش برجسته ای در کنار مدخل آن تراشیده شده است.

ب - اشیایی که هنرشان کاملاً یونانی است و بر دو نوع است، یکی آنهایی که بدست یونانی انجام گرفته، مانند نقوش برجسته تل ضحاک و شوش و تخت جمشید و نهاوند، و نوع دیگر ابنیه ایست که برای مشتریان یونانی یا ایرانی ساخته شده و کمی تحت تأثیر یونانی مآبی بوده است، مانند معبد کنگاور و ستونهای خوره. در این آثار تناسب خطوط مرسوم در ابنیه قدیم یونان رعایت نشده است.

جدول

معابد سلوکی : استخر - کنگاور (لوحة ۱۳ ب)، خوره (لوحة ۶۰ ج)، نورآباد (لوحة ۸۴ - الف - ب)، تخت جمشید (لوحة ۶۴ ع).

نقوش برجسته سلوکی: دینور (لوحة ۱۳۷ ج)، نهاوند (لوحة ۱۱۶)، تخت جمشید (لوحة ۳-ب) شمی (لوحة ۹۴ ج)، شوش، تل ضحاک (لوحة ۶۴ د).

سکه سلوکی : تخت جمشید، شوش، ری.

سفال سلوکی : شوش.

نقوش برجسته سلوکی

سلوکی	تخت جمشید	یک فراتادارا، با همسرش، روی کناره دری نزدیک صفت تخت جمشید.
سلوکی	»	دو شخص روی کناره دری در کنار صفت تخت جمشید.

ه- دوران پارت (حدود ۲۵۰ پیش از میلاد تا ۲۲۴ بعد از میلاد)

پارتها برعلیه سلوکیها شوریدند و در حدود سال ۲۵۰ پیش از میلاد سلسله اشکانیان را بوجود آوردند. ولی تمام خاك ایران را فقط در اواسط قرن دوم پیش از میلاد بدست آوردند. تاریخ پارتها یک سلسله قیامها و جنگهای پارتیزانی برعلیه رومیها است که در فاصله آنها معاهدات صلحی نیز وجود داشت که بزودی ملغی میشد. سلسله اشکانیان با روی کار آمدن سلسله دیگری از ایرانیان، یعنی سلسله ساسانی، منقرض گردید. هنر پارت از سوریه تا آسیای مرکزی گسترش یافت و تحت تأثیرات مختلف قرار گرفت.

ساختمانها

شهرها طبق طرح دایره شکل ساخته شده (فیروزآباد، تخت سلیمان، دارابگرد). دیوار کاخ ها را با سنگهای تراشیده بالا برده اند، یا آجر و خشت بکار رفته است و میان آن گل و آهک ریخته اند، و یا سنگ های تراشیده در آن کار گذاشته اند. در ابتدا کاخهایی شامل سه ایوان بر پا کرده اند، و بجای سقف که در زمان هخامنشی و سلوکی معمول بود طاق هلالی بکار رفته است. ستونها دیگر مورد استعمال نداشته و نیمه ستونهای تزینی جای آنرا گرفته است.

روی دیوارها را با گچ بری ها می پوشانیده اند، و موضوع نقش شده گچ بریها خطوط هندسی یا موضوع های مربوط به نباتات است، و نقاشی روی دیوار هم معمول بوده است (کوه خواجه).

سنگ تراشی

یکی از خصوصیات پیکر سازی برای مجسمه های مردان این است که نواری روی موها پیچیده میشود، و ابروها ضخیم، و چشم ها بزرگ است، بطوریکه حالت ثابتی به نگاه میدهد. ریش کوتاه و نوك دار است و سبیل ها ضخیم و سر بالا است. قبا و شلوار مخصوص پارتها است (در شوش و در شمی). سر مجسمه موزا احتمالاً کار یونانی است و در این مجسمه موها شانه شده و فرق از میان باز شده و کلاهی شبیه به تاج بصورت دندانه های دیوار شهرهای مستحکم دارد.

صورت در نقوش برجسته خیلی کم برجستگی دارد و تقریباً صاف است. حالت اشخاص خشک و بدون حرکت است و اصل جبهه ای کاملاً در آنها رعایت شده. نقش انسان سوار بر اسب خیلی مورد توجه

۱- اصل جبهه ای یعنی نشان دادن اشخاص از روبرو با اینکه کاری را که انجام میدهند طوری است که معمولاً باید از پهلو نشان داده شوند. (م)

هنرمندان این زمان بوده و بهمین طریق پادشاه همراه درباریان یا موبد در حال نیایش، و سوزاندن عود روی آتشدان زیاد دیده میشود. از این دوره چند مجسمه کوچک گلی یا استخوانی پیدا شده که الهه برهنه، یا اسب سوارانی را در حال کشیدن تیر از کمان نشان میدهد.

فلزکاری

فلزکاری در میان هنرمندان ایرانی مقام مهمی را حائز بود و از زمان هخامنشی در ایران مرسوم بوده است. در زمان پارتها این سنت هنری ادامه یافت و ساسانیان آنرا تقویت کردند. اشیاء مهمی از فلز که در این زمان ساخته شده عبارتست از جامها و بشقابها و جواهراتی که نقوش آن گاهی بسیار پیچیده است و گاهی نیز مرصع میباشد (تاج، گوشواره با آویزهای متعدد، و سنجاق سینه و غیره). اشیاء برنزی کمیاب است و مجسمه شمی و اشیاء برنزی که همراه آن بوده است استثنائی است.

مهرهای استوانه‌ای شکل

مهرهای استوانه‌ای متعلق به اشکانیان هنوز خوب مطالعه نشده است. در نقاط تاریخی خارج از ایران کنونی، مانند «دورا اورپوس» و سلوکیه، مجموعه‌های مهمی از مهرهای اشکانی پیدا شده، و اختلاف آن با مهرهای ساسانی زیاد نیست. شکل مهرهای این دوره مانند مهرهای معمولی است و غالباً از انواع عقیق است. موضوع‌هایی که روی آن نشان داده شده عبارتست از نیم تنه انسان، یا بزکوهی، یا حیوان افسانه‌ای، یا نباتات، یا اسب سواران، و مجالس شکار، و موضوع‌های مربوط به یونان و روم، مانند بعضی از حشرات، یا «اروس»^۲ و «آرتمیس»^۳.

سکه

در ابتدای دوران پارت سکه‌ها به سبک یونانی است و روی آن نقش پادشاه از نیم رخ دیده میشود، و در پشت سکه‌ها خطوط یونانی، و از زمان مهرداد چهارم خطوط پهلوی اشکانی بیچشم میخورد، که در اطراف نقش مرکزی قرار گرفته است. بعدها سکه‌ها به سبک شرقی ساخته میشود و در آن پادشاه از تمام رخ و بصورت مصنوعی نقش میگردد. با اینحال اثر هنر «یونان و باختر»^۴ در آن محسوس است.

سفال

سفال پارت مرکب است از جام‌های معمولی و «ریتون‌ها»^۵ و قمقه‌ها و کوزه‌ها و خمره‌ها با

۱-Doura Europos در کنار فرات ۲-Eros ۳-Artemis ربه النوع یونان

۴- مقصود از هنر «یونان و باختر» هنری است که در نتیجه تأثیر هنر یونان در افغانستان بوجود آمد. (م)

۵- ریتون Rhyton جامی است که شبیه به شاخ حیوان است. (م)

دهانه‌های بلند و شکم بزرگ. روی این سفال لعاب کمرنگ آبی یا خاکستری زده‌اند. بعضی از تابوت‌ها را نیز با گل پخته لعاب‌دار شبیه به تابوت‌های مصری ساخته‌اند.

جدول

- ۱- معابد اشکانی: در کوه خواجه (شکل ۵)، شمی، تخت سلیمان.
- ۲- سنگ تراشی اشکانی: برد نشانده، بیستون (لوحة ۱۳۳ - ج. د.) همدان، سر پل، شمی (لوحة ۹۲ - ۹۴ - الف. ب. د.) شیمبار، شوش (لوحة ۱۰۶ - ج. ۱۰۷ - الف. ب. د.)، تنک سروک (لوحة ۸۹ - ۸۷).
- ۳- گچ بری اشکانی: کوه خواجه (لوحة ۱۶ - الف. ب. ج. د.) شوش.
- ۴- سفال: دماوند (لوحة ۳ - د)، کوه خواجه، مکران، نریشان، ری، شوش، تپه بولجیه.
- ۵- جواهرسازی: نهاوند، شوش.
- ۶- برنز اشکانی: شمی، بروجرد.
- ۷- کار روی استخوان و عاج: شوش.
- ۸- مهر و سکه: دماوند، قصر ابونصر، ری، شوش.

نقوش برجسته پارت

تجلیل ساتراپ‌ها از پادشاه	کردستان	بیستون	مهرداد دوم ۸۸-۱۲۳
پیروزی بر مهرداد	»	»	گودرز دوم ۵۱-۳۸
موبد در حال سوزاندن عود روی آتشدان	»	»	پارت
اسب سوار	»	سرپل	»
گروه اشخاص	خوزستان	شمبار	»
نقش برجسته مربوط به اسورمذهای (مؤید مقابل آتشدان) یا مجالس شکار (شکار شیر)	»	تنک سروک	»

فهرست کتب

کلیات

- N. C. DEBEVOISE, A Political History of Parthia, Chicago, 1938.
- N. C. DEBEVOISE, „Parthian Problems”, در Am. Journal of Semitic Languages and Litteratures, vol. XBVII, 1931.
- N. C. DEBEVOISE, Did the Parthians have an Art?, در Journal of the American Oriental Society, vol. XLIX (1932), p. 369.

- FARKAS, Die Iconographie des Partherkonige, Paris, 1933-35.
- C. HOPKINS, Aspect of Parthian Art in the Light of Discoveries from Dura Europos, در Berytus, vol. III, fasc. I (1936).
- M. I. ROSTOVTZEFF, Dura Europos and the Problem of Parthian Art, در Yale Classical Studies, vol. V (1935), p. 157-304, 85 fig.
- M. I. ROSTOVZEFF, L'art gréco-iranien, در Revue des arts asiatiques, vol. 7 (1931), p. 202 sq.
- M. I. ROSTOVTZEFF, Caravan Cities, Oxford, 1932.
- Fr. SARRE, Parthian Art, در Pope I, 406-410.

ساختمان‌ها

- N. C. DEBEVOISE, Some Problems of Parthian Architecture, در Journal of the American Oriental Society, vol. XLIII (1931), p. 357.
- H. J. LENZEN, Architektur der Partherzeit in Mesopotamien und ihre Brückenstellung zwischen der Architektur des Westens und des Ostens, در Festschrift für Carl Meickert, Berlin, 1955, p. 121-136.
- O. REUTHER, Parthian Architecture, در Pope I, p. 411-444. fig. 92-115.

پیکر تراشی

- D. M. ROBINSON, A Graeco-Parthian Portrait Head of Mithridates I, در American Journal of Archaeology, vol. 31 (1927), p. 338-344.

سفال

- L. LEGRAIN, Small Sculptures from Babylonian Tombs, در Journal of the University of Pennsylvania Museum, vol. XIX (1928), p. 165 sq.
- E. DOUGLAS VAN BUREN, Clay Figurines of Babylonia and Assyria, New-York, 1930, p. XLVII sq.
- M. I. ROSTOVTZEEF, در Revue des arts asiatiques, vol. XXVIII (1933), p. 208.
- M. S. VILLARD, Some Persian Terra Cotta Statuettes, در Apollo, vol. I (1931), p. 93-95, 3 fig.

فلز کاری

الف-زرگری

- Ph. ACKERMAN, The Art of the Parthian Silver and Coldsmiths, در Pope I. p. 456-470, fig. 121-125.

- R. N. FRYE, A Parthian Silver Bowl, در Artibus Asiae, vol. XVII (1954), p. 143-144, I fig.

ب-برنز

- Fr. SARRE, Ein bronzenes Bilduiskopfen parthischer Herkunft, در Amtliche Berichte der Berliner Museen, vol. 32 (1911), p. 97-100.
- Fr. SARRE, Einige Metallarbeiten parthisch-sassanidischen Stils in der islamischen Kunstabteilung, در Berliner Museen, vol. 52 (1931), p. 65-101, 9 Abb.
- H. M. VON DER OSTEN, Seven Parthian Statuettes, در Art Bulletin, vol. VIII (1925-26), p. 169-174, 11 fig.

مهرها

N. C. DEBEVOISE, Parthian Seals, در Pope I, p. 471-474, fig. 126.

N. C. DEBEVOISE, The Essential Characteristics of Parthian and Sasanian Glyptic Art در Berytus, vol. I (1934), p. 12-18, 2 pl. et 14 fig.

A. DE GOBINEAU, Sur quelques Médailles à légendes iraniennes de l'époque arsacienne, در Zeitschr. deutsch. Morgenland. Gesellschaft, 1857, p. 689-707.

H. VON DER OSTEN, The Ancient Seals... , به قسمت مربوط به مهرهای هخامنشی را مطالعه نمایند

H. VON DER OSTEN, Ancient Oriental Seals in the Collection of Mr. Edward T. Newell, 1934. سکه‌ها

E. BABELLON, Traité des monnaies..., به قسمت مربوط به سکه‌های هخامنشی رجوع نمایند

M. DAYET, Une tétradrachme arsacide inédite, در Arethuse, vol. II (1925), p. 63-66.

M. DAYET, Monnaies arsacides à bonnet satrapal, در Revue numismatique, vol. XI (1949), p. 9-26, 26, fig.

A. DE LA FUYE, Etude sur la numismatique de la Perside, در Corolla Numismatica, Paris, 1909, p. 63-97.

A. DE LA FUYE, Nouveau classement des monnaies arsacides, در Revue numismatique, IVe série, VIII (1904), p. 347.

A. DE LA FUYE, Observations sur la numismatique de la Perside, در Journal asiatique, nov. déc. 1906, p. 516-531.

A. DE LA FUYE, Monnaies arsacides de la collection Petrowicz, در Revue numismatique, IVe série, IX (1905), p. 129-169.

A. DE LA FUYE, Monnaies de l'Elymaide, Chartres, 1905.

A. DE LONGPÉRIER, Mémoire sur la chronologie et l'iconographie des rois parthes arsacides, Paris, 1853.

A. DE MARKOFF, Les monnaies des rois parthes, supplément à l'étude von Prokesch-Osten, Paris, 1877.

J. DE MORGAN. Observations sur le monnayage des premiers Arsacides de Perse, در Revue numismatique, IVe Série, (1912), p. 169-192.

J. DE MORGAN, numismatique de la Perse antique, fasc. I, Paris, 1927.

P. GARDNER, The Parthian Coinage, در International Numismata Orientalia, London, 1877, p. 7-34.

G. F. HILL, Catalogue of the Greek Coins..., به قسمت مربوط به سکه‌های هخامنشی رجوع نمایند

Gholam Reza KIAN, Introduction à l'histoire de la monnaie...,

به قسمت مربوط به سکه‌های هخامنشی رجوع نمایند

E. T. NEWELL, The Coinage of the Parthians, در Pope I, p. 475-492.

E. T. NEWELL, A Parthian Hoard. در Numismatic Chronicle, 1924, p. 168-180.

B. SIMONETTA, The Drachms of Vologases I and Artabanus IV, در Numismatic Chronicle, vol. 9 (1949), p. 237-239, 4 fig.

- B. SIMONETTA, Osservazioni intorno alle monete coniate dai primi Re Parti, در Numismatica, 1948, p. 71-82.
- B. SIMONETTA, Volgese V, Artabano V e Artavasno: una revisione di fatti e di ipotesi, در Numismatica, 1953-54.
- A. VON PETROWICZ, Arsaciden Muenzen, Wien, 1904, Katalog, 206 p., XXV ol.
- A. VON PROKESCH-OSTEN, Beitrage zu den Münzen der Arsaciden, در Wiener numismatische Zeitschrift, vol. I (1869), p. 244-256.
- A. VON SALLET Die altesten Tetradrachmen der Artaciden, در Zeitschrift für Numismatik, vol. I (1873), p. 311.
- W. WROTH, On the Rearrangement of the Parthian Coinage, در Numismatic Chronicle, 1900, p. 194.
- W. WROTH, Catalogue of Parthian in the British Museum, London, 1903.

ظروف سفالین

- N. C. DEBEEVOISE, The Pottery of the Parthians, در Bull. Art Institute of Chicago, vol. XXIV (1930), p. 77-78, 2 fig.
- N. C. DEBEVOISE, در American Ceramic Society, vol. XIII (1934), p. 293 sq.
- K. ERDMANN, Partho-Sasanian Ceramic, در Burlington Magazine, vol. LXVII (1934), p. 71-77, 2 pl.
- R. ETTINGHAUSEN, Parthian Pottery, در Pope I, p. 646-664, fig. 216-225.
- A. STRELKOF, Eine parthische Amphora in Moskau, در Archäologischer Anzeiger, vol. 50 (1935), p. 58-70.

هنر بافندگی

- Ph. ACKERMAN, Textiles through the Parthian Period, در Pope I, p. 685-691, fig. 237 240.

هنر اشکانی در خارج از حدود ایران

برای مطالعه هنر اشکانی در ایران باید انتشارات مربوط به کاوش‌هایی را که خارج از حدود ایران صورت گرفته و مربوط به دوران اشکانی است مطالعه نمود و آثار پارت‌ها را نیز در آن حدود بررسی کرد. ما در اینجا فقط نام مکانهای عمده‌ای را که در بین‌النهرین یا شام قرار دارند و در آنها آثار اشکانیان کشف شده ذکر میکنیم. بعلاوه باید مکان‌های تاریخی واقع در آسیای مرکزی را نیز مطالعه کرد.

آشور

- W. ANDRAE et H. LENZEN, Die Partherstadt Assur, Wissensch. Veröffentl. Deusschen Orient-Gesellschaft (= WDOG), 57, Leipzig, 1933, 115 p., 46 fig., 62 pl.

بابل

- R. KOLDEWEY, Das Wiedererstehende Babylon, Leipzig, 1925.
- O. REUTHEN, Die Innenstadt von Babylon (Merkes), MDOG, 47, Leipzig, 1929.

الحضر

- W. ANDRAE, Hatra, I, VDOG, 9, Leipzig, 1928 et Hatra, II, VDOG, 21, Leipzig.

Les fouilles du service archéologique de l'Iraq sont publiées par Nal ASIL et Fuad SAFAR در Sumer, vol. VIII₁ (1951), p. 4-16, 105-107; vol. VIII₂ (1952), p. 123-123; vol. IX₁ (1953), 3-9, 7-21; vol. IX₂ (1953), p. 263-272; vol. XI (1955), p. 84-85; vol. X₂ (1954), p. 205-206 et در ILN, 10 Nov. 1951, 17 Nov. 1951, 18 Dec. 1954, 25 Dec. 1954.

H. INGHOLT, Parthian Sculptures from Hatra, در The Memoirs of the Connecticut Academy of Arts and Sciences, vol. XII, 1954.

ککزو (Kakzu)

G. FURLANI, Sarcophagi parici di Kakzu, در Iraq, vol. I, (1934), p. 90-94.

G. FURLANI, Gli scavi italiani in Assiria (campagne del 1933), در Giorn. della Societa Asiatica Italiana, N. S., vol. (1939), p. 265-276.

نیمرود داغ

C. HUMAN et C. PUCHSTEIN, Denkmaler des Nimrūd-Dādg, Berlin, 1890.

Th. GOELL, در Anatoilan Studies, vol. V (1955), p. 13-14, et در ILN, 18 June 1935, p. 1094-1097.

نپور

H. V. HILPRECHT, Explorations in Bible Lands (1903), p. 313-422, sq., 501 sq., 555 sq.

J. P. PETERS, Nippur, II, 1897, 144-186, pl. VII 1-5, VIII 6.

سلوکیه (تل عمیر)

L. WATERMAN, Preliminary Report upon the Excavations at Tell Umar, Iraq, Ann Arbor, 1931.

L. WATERMAN, Second preliminary Report upon the Excavation at Tell Umar, Iraq, Ann Arbor, 1933.

N. C. DEBEVOISE, Parthian Pottery from Seleucia on the Tigris, Ann Arbor. 1934.

W. VAN INGEN, Figurines from Seleucia on the Tigris, London, 1939.

Mc DOWELL, Coins from Seleucia on the Tigris, Ann Arbor, 1935.

Mc DOWELL, Stamped and Inscribed Objects of Seleucia on the Tigris, Ann Arbor, 1935.

ورتا

W. K. LOFTUS, Travels and Researches in Chaldaea and Susiana in 1849-1852, در Journal of the Royal Geographical Society, vol. XXVI (1856), pp. 131-153 (Parthian Tombs and Coffins).

J. JORDAN, Erster vorläufiger Bericht über die von der Notgemeinschaft der deutschen Wissenschaft in Uruk-Warka unternommenen Ausgrabungen (UVB) I, Berlin, 1928.

E. HEINRICH, در UVB V (1934), UVB VI (1934), UVB VII (1936), voir maintenant les fouilles récentes depuis 1954 :

H. J. LENZEN در Sumer X (1954), p. 86-88, 195-196, Sumer XI (1955), p. 73-75, در Archiv für Orientforschung 17 (1954-55), p. 199-201.

دورا اورپوس

Fr. CUMONT, Fouilles de Doura-Europos, 1922-23, 2 vol., Paris, 1926.

M. I. ROSTOVTZEFF, The Excavations at Dura Europos, Report I à IX, New Haven, 1929 sq.

DU MESNIL DU BUISSON, Les peintures de la synagogue de Doura-Europos Rome, 1939.

پالمیر (تدمر)

T. H. WIEGAND, D. KRENCKEN, Palmyra, 2 vol., Berlin, 1932.

H. SEYRIG, Antiquites syriennes, Paris, vol. I-1934, vol. II-1938, vol. III-1946.

H. REYRIG, Palmyra and the East, در Journal of Roman Studies, 1950, p. 17.

H. SEYRIG, Armes et costumes iraniens à Palmyre, در Syria vol. XVIII (1934), p. 41-31, pl. I-VI. 18 fig.

DU MESNIL DU BUISSON, Tessères et monnaies de Palmyra, Paris 1944.

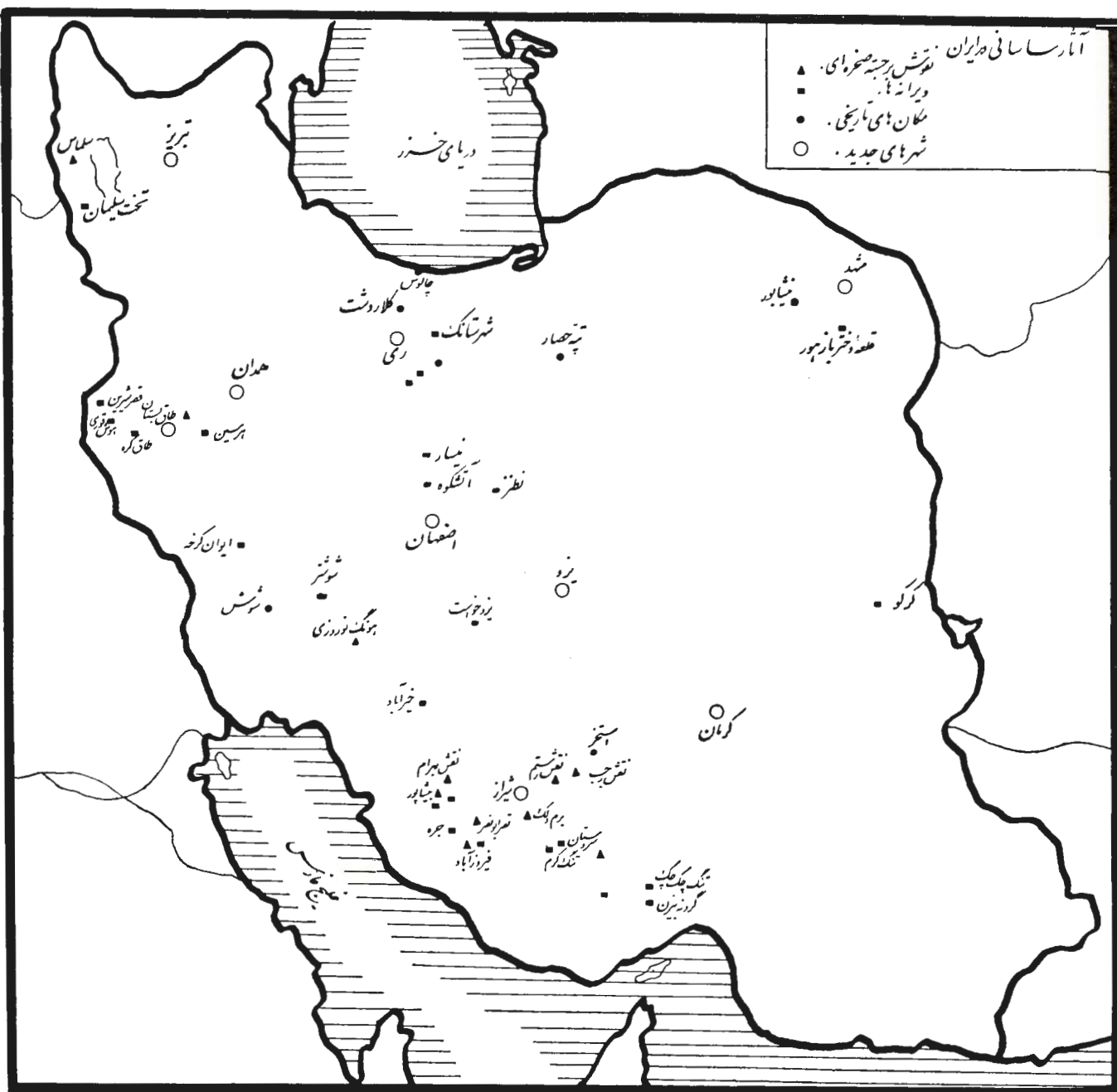
H. INGHOLT, H. Seyrig, J. Starky, Recueil des tessères de Palmyre, Parist

H. INGHOLT, Studies over palmyrensk Skulptur, Copenhagen, 1928.

H. INGHOLT, Five Dated Tombs from Palmyra, در Berhtus, 1935, II, p. 57-120, 1938, p. 94-140.

H. INGHOLT, Inscriptions and Sculptures from Palmyra I, در Berytus, III (1936), p. 83-127 et در Berytus V (1938), p. 93-140.

D, MACKAY, The Jewellervy of Palmyra and its sgnificance, در Iraq, 1149, p. 160-187.



۶- دوران ساسانی (۶۴۲-۲۲۴)

ساسانیان از ایالت پارس بودند و عظمت ایران هخامنشی را مجدداً زنده کردند. آنها یک سلسله ملی تشکیل دادند و خود را وارث دودمان هخامنشی میدانستند. مذهب ملی یعنی مذهب زرتشت را رسمیت دادند و در عرض مدت یک ربع قرن هنری ملی بوجود آوردند که مانند هنر هخامنشی هنر درباری بود و از حیث عظمت با هنر روم و بیزانس برابری میکرد و گاهی بر آن برتری داشت. هنر ساسانی ترکیبی است از هنر قدیم ایران با جریانهای مختلفی که از سمت شرق و غرب آنرا متأثر نموده بود.

مثلاً در زبان ساسانیان از روی سنن قدیمی موضوع های نقوش را در مجالس مختلف قرار میدادند. ضمناً قرینه سازی و تکرار موضوع ها نیز معمول بود، و اگر با خطی تصویر را از بالا به پایین میگردیم هر دو نیم تقریباً نظیر یکدیگر بود و اشخاص حالت رسمی و خشک داشتند، و این همه از سنن قدیم شرقی است، ولی از طرف دیگر ساسانیها مانند هخامنشی ها در ساختمانهایشان گلویی مصری زیاد بکار برده اند، مانند کاخ فیروز آباد و کاخ شاپور، در «بیشاپور». در کاخ اخیر مانند دوران هخامنشی سرستونهایی بشکل نیم تنه گاو در زیر حماله ها قرار داده اند. بعلاوه در بعضی آثار مانند پل ها و بندها، و در ابنیه ای که بعنوان یادگار ترتیب داده شده، یا موزائیکها، و چین لباسها، و در ترکیب نقوش برجسته روی سنگ، تأثیر هنر یونان و روم نیز مشهود است.

ساختمان ها

ما سبک معماری ساسانی را از روی ویرانه های کاخ ها و پرستشگاه ها و آتشگاه ها و استحکامات و پل ها و بندها میتوانیم تشخیص دهیم. دیوار کاخها و آتشگاه ها را با سنگ تراشیده ساخته و با دقت روی هم قرارداده اند (بیشاپور و طاق جره). ولی در موارد دیگر بیشتر سنگ تراشیده یا آجر بکار رفته، که در میان آن گچ یا آهک ریخته اند.

طرح کاخها (فیروز آباد و سروستان) معمولاً مرکب از دو قسمت است: اول ایوان هایی مخصوص پذیرایی، مانند تالار بار، که از سه طرف بسته و از یکطرف باز است، و با طاق گهواره ای شکلی پوشیده شده، و در عقب آن حیاطهایی وجود دارد، که در اطرافش اتاقهایی برای سکونت ساخته شده. معماران ساسانی طاق های گهواره ای شکل و گنبدهایی که روی پایه چهار گوش قرار گرفته است زیاد بکار برده اند. از تشریفات مذهبی آنچه که مربوط به عموم مردم بوده است در اطراف چهار طاقی انجام میگرفته و آن چهار طاقی عبارت از بنای کوشک مانند گنبد داری است که از چهار طرف باز بوده و گنبد آن روی چهار پایه

محکم قرار داشته است. آتشی که در زیر آن روشن میشده از محل محفوظی که در مجاورت چهارطاقی قرار داشته به آن محل آورده میشده. دیوار کاخها با نقاشیهای دیواری مزین میگرددیده است و گاهی گچ بریهایی به آن اضافه میشده و بعضی اوقات این گچ بریها نیز رنگ میشده و موضوعهای گچ بری مخلوطی از موضوعهای شرقی مانند شاخه های درخت مو بصورت مصنوعی، و یا تصاویری که در مستطیل هایی قرار داشته، و یا آهویی که مشغول آب خوردن بود، و یا درختی که در طرفین آن دو بز کوهی روی دو پا ایستاده اند، و یا طاووسی که در عین حال شباهت به اژدها دارد، با موضوع های یونانی و رومی، مانند خطوط شکسته و بیضی، و برگ آکانت، دندان، و غیره ترکیب یافته. گاهی کف زمین با موزائیک هایی پوشیده میشود و این خود تأثیری از هنر یونان و رومی بود، و در این موزائیک ها تصویر درباریان و رقاصه ها و نوازندگان به سبک ایرانی نقش شده بود.

احتمال دارد کارهایی مانند پل ها و بندها بوسیله اسرای رومی پس از پیروزی شاپور اول پروالین امپراطور روم انجام گرفته باشد.

سنگ تراشی

سنگ تراشی ساسانی را از روی نقوش برجسته روی سنگ میتوان شناخت که بیشتر آنها در دامنه های کوه های فارس کنده شده است. موضوع اصلی این نقوش تجلیل شاهنشاه است و این تجلیل در مجالس تاجگذاری شاه، یا نیایش شاه در مقابل آتشدان، یا مجلس بارشاه در میان درباریان و اعضای خانواده، و مجلس شکار، و یا پیروزی شاه بر دشمنانش نشان داده شده است. در ابتدای دوران ساسانی هنوز در این نقوش برجسته اثری از هنر سنگ تراشی اشکانی دیده نمیشد، ولی کمی بعد سبک کار سنگ تراشان تغییر یافت و تکمیل شد و به نقوش مزبور عمق بیشتری داده شد.

از زمان شاپور اول به بعد تأثیر هنر غربی نیز در سنگ تراشی ایران مشهود گردید و این تأثیر خصوصاً در طرز نشان دادن چین های لباس مشهود است. بعداً تأثیراتی از هنر آسیای مرکزی نیز وارد سنگ تراشی ساسانی شد و این تأثیر در نقوش برجسته طاق بستان بیش از نقاط دیگر مشهود است.

فلز کاری

هنرمندان عهد ساسانی در هنر فلز کاری مهارت فوق العاده داشتند. در واقع در کوه های ایران معادن نقره زیاد است و این معادن بدستور پادشاهان استخراج میشد و جواهرسازان برای ساختن تزیین آلات خود از آن استفاده کرده اند. با نقره جام ها و بطری ها و آفتابه لگن ها ساخته اند، و روی آن بصورت برجسته نقوشی بوجود آورده اند. گاهی طلا را به ظروف سیمین اضافه میکردند و نقوش برجسته ای از آن ایجاد میکردند که بهتر

در روی زمینه ظرف مجسم میگردید. جامهای نقره معمولاً برای پادشاهان ساخته میشد و بنابراین موضوعهایی که روی آن نقش میشد مربوط به پادشاهان بود. مثلاً شاه در روی تخت خود در میان درباریان نشان داده میشد و مجالس بزم و خصوصاً مجالسی که در آن شاه در حال شکار حیوانات نشان داده شده است بسیاری دیده میشود. بیشتر این ظروف فلزی در خارج از ایران، در روسیه جنوبی پیدا شده. اخیراً در بعضی از نقاط ایران نیز چند ظرف نقره ساسانی پیدا شده، مانند قزوین و مازندران. چون در روی این ظروف بندرت کتیبه یا نوشته دیده میشود، نمیتوان بصورت قطعی آن ظروف را تاریخ گذاری کرد ولی از روی کلاه پادشاهی که روی آن نقش شده تاریخ تقریبی ظرف معلوم میشود.

هنرمندان ساسانی در هنر مرصع کاری نیز مهارت زیاد داشتند و یکی از بهترین نمونه های این نوع کار جواهرات مرصعی است که در گنجینه «پتروسا» در رشته جبال کارپات در رومانی پیدا شد.

کنده کاری روی مهرها

در موزه ها و مجموعه های شخصی کنده کاریهای متعدد از زمان ساسانیان موجود است. این کنده کاریها بر دو نوع است. بعضی از آنها نگین انگشتر است و در اینصورت از هر دو رو صاف است و جنس آن از نوعی عقیق است. بعضی دیگر بصورت مهری است که پشت آن کله قندی شکل است و سوراخی دارد که از آن نخ عبور میداده اند. بعضی دیگر از سنگهای مختلف مانند سنگهای آهکی یا انواع عقیق است. موضوعهایی که روی این مهرها نشان داده شده عبارتست از نیم تنه اشخاص، احتمالاً از شخصیت های برجسته، یا صاحب منصبان عالی رتبه کشوری یا لشگری (گاهی نوشته هایی که در اطراف مهرها است عنوان و نام آنها را نیز ذکر کرده است) و بسیاری از اوقات حیوانات مختلف مانند حیوانات افسانه ای بالدار و بزهای کوهی و گاوها، و میش ها، و اسبهای بالدار، و خروس ها و گل و برگ و گاهی نیز علامت ها مربوط به خدایان روی آن کنده شده است. دسته دیگر از مهرهای عهد ساسانی سنگهای بیضی شکلی از جنس عقیق یا بلور است که روی آن صورت پادشاهان یا صاحب منصبان عالی رتبه را بصورت برجسته نقش کرده اند، و معروف ترین آنها پیروزی شاپور اول را بر والرین نشان میدهد و این مهر در کابینه مدالهای کتابخانه ملی پاریس محفوظ است.

سکه ها

سکه های ساسانی نقش بسیار مهمی را در تاریخ هنر این دوران بر عهده دارد. روی سکه ها هر ادشاه کلاه مخصوصی بر سر دارد که از کلاه پادشاهان دیگر متمایز است. بعلاوه همراه این سکه ها نوشته هایی به خط پهلوی موجود است که نام پادشاه را یادآور میشود و این وسیله بسیار خوبی برای تاریخ گذاری اشیایی است که در کنار این سکه ها پیدا میشود، بعضی از

نقوش برجسته صخره‌ای که تاریخشان معلوم نیست با مقایسه با شکل‌های این مهرها مشخص گردد. در اواخر دوران ساسانی سکه‌ها خیلی شبیه به یکدیگر است. در پشت آنها غالباً شکل پادشاه بطور نیم‌رخ از طرف راست و گاهی همراه با نقش ملکه یا ولیعهد دیده میشود، و در پشت سکه‌ها آتشدان در میان مغ‌ها نقش شده است. سکه‌های ساسانی مورد تقلید هون‌های هیاطله^۱ و کوشانیان قرار گرفت. بعلاوه نخستین سکه‌های دوران اسلامی ایران نیز از روی سکه‌های عهد ساسانی تقلید شده است.

سفال

سفال ساسانی بقدری به سفال اشکانی شباهت دارد که گاهی تمیز دادن یکی از دیگری مشکل است. بعضی از ظروف سفالین ساسانی لعاب سبز یا آبی کم رنگ و نقوشی بصورت برجسته دارد و بعضی دیگر بدون لعاب است و روی آن با مهرها یا قالب‌هایی نقوشی بصورت برجسته بوجود آورده شده است. از حیث شکل این ظروف عبارتست از خمره، و کوزه‌های دسته‌دار، یا بدون دسته، گردن دراز، یا کوتاه، یا بدون گردن، آب خوریها و بطریهای گردن باریک.

پارچه

تقریباً تمام پارچه‌های ساسانی خارج از کشور و در نواحی دور از ایران پیدا شده است. علت اصلی این امر این است که ایرانیان مردگان خود را به خاک نمی‌سپردند که احیاناً آنها را در پارچه‌های ذی‌قیمتی بپیچند. بعلاوه در خاک ایران معمولاً پارچه‌های بافته شده، خوب محفوظ میگردد. بنابراین بیشتر پارچه‌های دوران ساسانی در موزه‌ها و خزانه‌های کشورهای غربی است. احتمالاً در همان ایام قدیم این پارچه‌ها به آن کشورها بصورت هدایائی داده شده یا قرستاده شده، و برای دوختن لباسهای مجلل بکار برده شده است، یا برای تزیین اثاث منزل، یا برای بستن قطعات متبرک مربوط به حضرت مسیح که از مشرق به‌طور یادگار به کشور غربی آورده میشد مورد استفاده قرار گرفته است. بسیاری از موضوعهایی که روی پارچه‌های عهد ساسانی نقش شده روی نقوش برجسته صخره‌ای در طاق بستان، یا روی بعضی از ظروف فلزی نیز زیاد دیده میشود، و شباهت میان نقوش پارچه‌ها و نقوش برجسته کار مطالعه پارچه‌های ساسانی را آسان کرده است.

موضوعهای نقوش زربفت‌های ساسانی بیشتر بصورت قرینه سازی درآمده است. این موضوعها گاهی از خطوط هندسی ترکیب یافته است و گاهی نیز مربوط به نباتات است ولی غالباً ترکیبی از ترنج‌هایی است که در میان آن موضوع معینی تکرار شده، مانند طاووسی که دهان اژدها دارد، و یا خروس، و اردک، و اسب بال‌دار، و حیوانات افسانه‌ای بالدار، و علائم مذهبی مانند آتشدان، و یا هئومه، و یاد رخت مقدس، و یا شیری که بر گاوی حمله میبرد، و یا پادشاهی که تیر از کمان میکشد. این زربفت‌ها غالباً از ابریشم

است و گاهی نیز از کتان یا پشم میباشند، و رنگ قرمز و سبزرآن بیش از رنگهای دیگر بکار برده شده است.

جدول

۱- آتشگاه (چهار طاقی) :

آتشکده آتش کوه ، بیشاپور (لوحة ۷۵- الف - ب و شکل ۱۴) ، چهارده ، جره (لوحة ۷۴ - ج)
 فراش بند ، فیروز آباد (لوحة ۶۷ - ب) ، اصفهان (؟) یزدخواست (؟) کیکاووس ، کرکو ، کازرون (لوحة
 ۷۴ - ب) خیرآباد ، (لوحة ۸۶ - ج) محل چاه فیشور (لوحة ۲) ، نطنز ، نیسار (لوحة ۱۶ - الف - ب) ،
 قلعه دختر قم ، قلعه دختر باز هور ، (لوحة ۱۵ - ب) ، قصر شیرین ، (شکل ۲۸) شهرستانک ، تخت کیکاووس ،
 تخت رستم ، تخت سلیمان ، تنگ چک چک فرگ (سرلوحه و لوحه ۱۹) ، تون سبز .

۲- آتشدان های ساسانی :

باغ بدره (لوحة ۶۱ - ج - و) ، دولت آباد ، هرسین ، تنگ کرم (لوحة ۶۴ - ج) ، نقش رستم (لوحة
 ۳۱ - الف) ، کوه ایوب (لوحة ۶۲ - ه) .

۳- کاخ های ساسانی :

بیشاپور (شکل ۱۴) ، فیروز آباد (لوحة ۶۷ - ج - ۶۸ و شکل ۱۳) هوش کُری ، ایوان کرخه ،
 قصر شیرین ، (لوحة ۱۲۵ - الف - ب و شکل ۳۰ - ۲۹) مروستان (لوحة ۶۶ - ۶۵ و شکل ۱۲ - ۱۱) ،
 تپه حصار .

۴- استحکامات :

چال ترخان ، ایوان کرخه ، کوه استخر ، قلعه دختر فیروزآباد (لوحة ۶۹) ، گردنه ییزن ، قلعه دختر ،
 قصر ابونصر ، تپه میل .

۵- ساختمانهای دیگر ساسانی :

در شهر ، میل آزاده ، قلعه هزار در ، طاق جره (لوحة ۱۲۶ - الف - ب) .

۶- پل و بند :

دزفول ، فیروزآباد ، خیرآباد ، پای پل ، پل آب برده ، پل برین ، پل دختر ، پل خسرو ، پل سفله ،
 سراب سیه ، شوشتر .

۷- نقوش برجسته :

برم دلك (لوحة ۷۳) بیشاپور (لوحة ۷۷-۸۱) ، فیروزآباد (لوحة ۷۱ - ۷۰) ، گویم (لوحة
 ۸۳) ، هونک نوروزی ، نقش بهرام (لوحة ۸۲) ، نقش رستم (لوحة ۳۰ - ۲۸ الف) ، نقش رستم دارابگرد
 (لوحة ۶۴ - ب - ج) ، نقش رجب (لوحة ۲۵ - ب - ۲۶ - ۲۷) ، سلماس (لوحة ۱۵۰ - الف) ، سرمشهد
 (لوحة ۷۴ الف) ، طاق بستان (لوحة ۱۲۶ - ب) .

۸- کنده کاری روی سنگ بصورت یادگار : تخت جمشید .

۹- گچ بری :

بیشاپور (لوحة ۷۰ - ب) ، چال ترخان، نظام آباد ، شوش ، طاق بستان (لوحة ۱۲۸ - الف - ب) ،
تپه حصار (لوحة ۱ - ع) ، تپه میل ، ورامین .

۱۰- سوزائیک :

بیشاپور (لوحة ۷۰ - ه - ۷۶) .

۱۱- نقاشی دیواری : ایوان کرخه ، شوش .

۱۲- سفال .

بیشاپور ، چال ترخان ، استخر ، نریشان ، قصر ابونصر ، ری ، سیستان ، شوش ، تپه حصار ، تپه میل .

۱۳- جواهر سازی :

کلاردشت (لوحة ۵-۶) ، قزوین (لوحة ۱۰۹ - ب) قصر ابونصر ، ساری (لوحة ۷ - الف) چالوس ،
مازندران (لوحة ۷ - ب تا د) .

۱۴- مهرها و سکه ها :

بیشاپور ، استخر ، قصر ابونصر ، نقش رستم نیشابور ، شوش .

۱۵- پارچه زربفت : کلاردشت .

نقوش برجسته

۱- اردشیر اول	۲۲۴-۲۴۱	فیروز آباد	فارس	تاج گذاری
۲- »	»	»	»	پیروزی بر اردوان
۳- »	»	نقش رجب	»	تاج گذاری
۴- »	»	نقش رستم	»	»
۵- »	»	سلماس	آذربایجان	پادشاه اراسنه بار سیدهد
۶- شاپور اول	۲۴۱-۲۷۲	نقش رجب	فارس	تاج گذاری
۷- »	»	»	»	پادشاه سوار بر اسب با درباریان
۸- »	»	نقش رستم	»	پیروزی بر والرین
۹- »	»	نقش رستم داراب	»	»
۱۰- »	»	بیشاپور	»	پیروزی بروالرین و تاجگذاری
۱۱- »	»	»	»	پیروزی بروالرین
۱۲- »	»	»	»	»
۱۳- شاپور دوم	»	هونک نوروزی	خوزستان	پادشاه و درباریان

تاج‌گذاری	فارس	پیشاپور	۲۷۳-۲۷۶	۱۴- بهرام اول
پیروزی بر اعراب	»	»	۲۷۶-۲۹۴	۱۵- بهرام دوم
پادشاه در میان خانواده‌اش	»	نقش رستم	»	۱۶- »
پادشاه و اتباع	»	نقش بهرام	»	۱۷- »
پادشاه با همسرش	»	برم دلک	»	۱۸- »
پادشاه در حال نهایش در مقابل آتشدان	»	»	»	۱۹- »
پادشاه در حال نیایش	»	گویوم	»	۲۰- »
پادشاه همسر و پسرش را در مقابل حمله دوشیر حفظ می‌کند	»	سرشهد	»	۲۱- »
جنگ تن به تن دو اسب سوار	»	نقش رستم	»	۲۲- »
جنگ اسب سوار	»	»	»	۲۳- »
تاج‌گذاری	»	نقش رستم	۲۹۳-۳۰۲	۲۴- نرسی
جنگ اسب سوار	»	»	۳۰۳-۳۰۹	۲۵- هرمز
خیلی پاک شده. احتمالاً پادشاهی بر تخت نشسته	»	»	۳۰۹-۴۷۹	۲۶- شاپور دوم
پیروزی بر هندیان	»	نیشابور	»	۲۷- »
تاج‌گذاری	کرمانشاه	طاق بستان	۳۷۹-۳۸۳	۲۸- اردشیر دوم
تصویر شاپور سوم و دوم	»	طاق بستان	۳۸۳-۳۸۸	۲۹- شاپور سوم
تاج‌گذاری	»	»	۳۸۳-۳۸۸	۳۰- شاپور سوم
پادشاه سوار بر اسب. شکار کردن آهو	»	»	۵۹۰-۶۲۸	۳۱- خسرو دوم

فهرست کتب

کلیات

- A. CHRISTENSEN, l'Iran sous les Sassanides, 2-ième édit., Copenhague, 1944.
- K. ERDMANN, Partho-Sasanid Art, در Apollo, vol. XII (1930), p. 422-426, 7 fig. (traite Principalement de l'art sassanide).
- K. ERDMANN, Zur Chronologie der sasanidischen Kunst, در Forschungen und Fortschritte, 1937, p. 13.
- K. ERDMANN, Die Kunst Irans zur Zeit der Sasaniden, Berlin, 1943 .
- K. ERDMANN, Neue Forschungen zur Entwicklung der sasanidischen Krone, در Forschungen und Fortschritte. vol. XXIV (1948), p. 253-259.
- K. ERDMANN, Lückenforschung im iranischen Kunstkreis, در Kunst des Orients, vol. I (1950), p. 20-36, 20 Abb.
- K. ERDMANN, Die Universalgeschichtliche Stellung der sassanidischen Kunst, در Saeculum, vol. I (1950), p. 508-534, 20 fig .
- K. ERDMANN, Die Entwicklung der sasanidischen Krone, در Ars Islamica, vol. 15-16 (1956), p. 122 sq.
- A. JAGER, Das Bild der sasanidischen Königskrone, در Berliner Numismatische Zeischrift, vol. V (1952), p. 252-254.
- U. MONNERET DE VILLARD, II problema dell'arte sasanide, در Art Studies, 1927, p. 57-63.
- J. SAUVAGET, Remarques sur l'art sassanide. Questions de méthode à propos d'une exposition, در Revue des études islamiques, 1938, p. 113-131, 17 fig.
- O. VON FALKE, Sasanidische Kunst, در Pantheon. 1930, p. 568-570, 3 fig.

ساختمان ها

- G. PERROT-Ch. CHIPIEZ, Histoire de l'art dans l'antiquité, vol. V, Paris, 1890.
- R. PHENÉ SPIERS, Sassanian Architecture, در Architecture East and West, London, 1905, p. 59-88.
- O. REUTHER, Sasanian Architecture, در Pope I, p. 493-587, fig. 127-165.
- F. WACHTSMUTH, Der Raum, I. Raumschöpfungen in der Kunst Vorderasiens, Marburg, 1929, P. 138-156.

نقوش برجسته صخره‌ای و سنگ‌تراشی‌ها

- L. DELAPORTE, La sculpture sassanide در l'Art vivant, 1932, p. 74, 2 fig.
- K. ERDMANN, Zur Deutung der iranischen Felsreliefs, در Forschungen und Fortschritte, vol. 18 (1942), p. 209-211.

- K. ERDMANN, Sasanidische Felsreliefs, در *Antike und Abendland*, vol. III, 1948.
- R. GHIRSHMAN, Notes iraniennes III. A propos des bas-reliefs rupestres sassanides, در *Artibus Asiae*, vol. XIII (1950), p. 86-98, 13 fig.
- E. HERZFELD, La sculpture rupestre de la Perse sassanide, در *Revue des arts asiatiques*, vol. V (1928), p. 129-142, pl. XXXV-XLVII.
- B. C. Mc DERMOT, Roman Emperers in the Sasanian Reliefs, در *Journal of Roman Studies*, vol. XLIV (1954), p. 76-78, pl. IV-V.
- Fr. SARRE, Sasanian Stone Sculpture, در *Pope I*, p. 593-600.

گچ بریها

- J. BALTRUSAITIS, Sasanian, stucco A. Ornamental, در *Pope I*, p. 601-630, fig. 175-210.
- N. C. DEBEVOISE, A Portrait of Kobad I, در *Bull. of the Art Institute of Chicago*, vol. XXIV (1930), p. 10, 3 fid.
- M. S. DIMAND, Sasanian Wall Decoration in Stucco, در *Bull. Metr. Mus. Art*, vol. XXVI (1931), p. 193-195, 2 fig.
- E. KUHNEL, Neuerwrbung der islamischen Abteilung (Bas-relief de stuc sassanide), در *Berliner Museen*, 1937, p. 22-23, 1 fig.
- H. LENZEN, Zur relativen Chronologie der sasanidischen Stuckarbeiten, در *Jahrbuch der deutschen archäologischen instituts. Beiblätter*, vol. 67 (1952), col. 188-221, 1 pl., 26 fig.
- A. U. POPE, Sasanian Stucco, B. Figural, در *Pope I*, p. 631-645, fig. 211-215.
- G. SALLFS, Bas-reliefs en stuc acquis par le Musée du Louvre, در *Revue des arts asiatiques*, VIII, p. 107-110, 4 pl.

فلز کاری

الف-زرگری

- Ph. ACKERMAN, Sasanian Jewelry, در *Pope I*, p. 771-778, fig. 266.
- J. BABELON, Notes d'art sassanide, در *Cahiers d'art*, 1927, p. 204 sq.
- L. BACHHOFFER, Sasanidische Jagbschalen, در *Pantheon*, 1933, p. 62-66, 5 fig.
- R. COTTEVIELLE-GIRAUDET, Coupes et camées sassanides du cabinet de France, در *Revue des arts asiatiques*, vol. 12 (1938), p. 52-64, 3 pl. 7 fig.
- O. M. DALTON. On a Silver Dish of Fourth Century, در *Archaeologica*, vol. LXI (1909), p. 381-382.
- O. M. DALTON, A late Sassanian Silver Dish, در *The Burlington Magazine*, vol. XL (1922), p. 69-70.
- J. DAVID-WEILL, Têtes ge chevaux sassanides, در *Revue des arts*, vol. IV (1954), p. 157-164, 3 fig.
- A. DELAPORTE, Une coupe sassanide de Bahram Gour, در *Aréthuse*, vol. XIII (1926), p. 143-148, pl. XXIII.

- A. DE LONGPÉRIER. Explication d'une coupe sassanide inédite, در Ann. archéol. de Rome, vol. XV (1843), p. 98-114.
- A. DE LONGPÉRIER, Observation sur les coupes sassanides, در Mém. Acad. Inscriptions et Belles-Lettres, vol. XXVI, 1868.
- M. S. DIMAND, A Sasanian Silver Dish, در Bull. Metrop. Mus. Art, vol. XXIX (1934), p. 74-77.
- K. DORN, Das sasanidische Silbergeschirr und seine Sinnbilder, Wien, 1933.
- K. ERDMANN, Die sasanidischen Jagdschalen, Untersuchung zur Entwicklungsgeschichte der iranischen Edelmetallkunst unter den Sasaniden, در Jahrbuch der Preussischen Kunstsammlungen, vol. 57 (1936), p. 193-232.
- K. ERDMANN, Eine unbekannte sasanidische Jagdschale, در Jahrbuch der Preussischen Kunstsammlungen, vol. 59 (1938), p. 209-217.
- J. GADD, A Persian Silver Relief, در British Museum Quarterly, vol. 7 (1932), p. 48, pl. XX c.
- R. GHIRSHMAN, Notes iraniennes V. Scènes de banquet sur l'argenterie sassanide, در Artibus Asiae, vol. XVI (1953), p. 51-76, 21 fig.
- LEFÉBURE DES NOETTES, Deux plats sassanides du Musée de l'Ermitage, در Aréthuse, vol. I (1924), p. 151-152.
- E. MARQUILIES, Cloisonné Enamel, در Pope I, p. 779-783, fig. 267.
- R. MOVAT, Mémoires sur les coupes sassanides, در Bull. société nationale des antiquaires de France, 1897, p. 305-307.
- A. ODOBESCO, Le trésor de Pétrossa, Leipzig, 1889-1900.
- J. ORBELI, C. TREVER, Orfèvrerie sassanide بزرگان روسی Léningrad-Moscow, 1935, 85 p., XXLVII pl.
- Sir Ch. H. READ, On a Silver Sassanian Bowl of about the Year 440 A. D., در Archaeologia, vol. XIII (1912), p. 251-256.
- Fr. SARRE. Ein Silberfigürchen des Sassanidenkönigs Narses im Kaiser-Friedrich Museum zu Berlin, در Jahrbuch der Preussischen Kunstsammlungen, vol. XXXI (1910), p. 78-78.
- H. SCHMIDT, Sasanian Silverwork, در Apollo, vol. XV (1932), p. 20-26, 124-126, 12 fig.
- V. SMIRNOFF, Argenterie orientale بزرگان روسی St. Pétersbourg. 1909.
- C. TREVER, Nouveaux plats sassanides des de l'Ermitage, Moscou et Léningrad, 1937.
- ب-برنزها
- E. HERZFELD, Der Thron des Khosrō, در Jahrbuch der Preussischen Kunstsammlungen, vol. XLI (1920), p. 1-24, 103-147.
- J. ORBELI, Sasanian and Early Islamic Metalwork, در Pope I, p. 716-770, fig. 250-265.
- A. PARROT, Acquisitions et inédits du Musée du Louvre, 3 Bronzes „iraniens”, Buste de roi sassanide, در Syria, vol. XXX (1953), p. 5-9, fig. 3-4, pl. IV. V.

- A. PARROT, Bronze royal sassanide, در Syria, vol. XXXII (1955), 308-309, pl. XXII-XXIV.
Fr. SARRE, Bronzeplastik in Vogelform, در Jahrbuch der Preussischen Kunstmuseen, vol. LI (1930), p. 159-164.
Fr. SARRE, Einige Metallarbeiten parthisch-sasanidischen Stils در Berliner Museen, vol. LII (1931), p. 99 sq.

سکه ها و نگین ها

- Ph. ACKERMAN, Sasanian Seals, در Pope I, p. 784-815. fig. 268-281.
E. BABELON, Catalogue des Camées antiques de la Bibliothèque National, Paris, 1897, p. 192 sq.
P. CASANOVA, Sceaux sassanides, در Revue d'Assyriologie, vol. XXII (1925), p. 135-140, 3 fig.
N. C. DEBEVOISE, The Essential Characteristic..., voir la glyptique parthe.
F. JUSTI, Beiträge zur Erklärung der Pehlewi-Siegelinschriften, در Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft, vol. XLVI (1892), p. 288.
P. HORN et G. STEINDORFF, Sasanidische Siegelsteine, Königliche Museen zu Berlin, Mitt. aus den orient. Sammlungen, Heft 4, 1891, 49 p. VII pl.
A. MORDTMANN, Studien über geschnittene Steine mit Pehlevi-Inschriften, در Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft, vol. XVIII (1864), vol. XIX (1875). p. 199-211, vol. XXXI (1877) p. 582-597.
A. PRÉROST DE LONGPÉRIER, Essai sur les médailles des rois perses de la dynastie sassanide, Paris, 1840-78 p., 12 pl.
E. THOMAS, Early Sassanian Inscriptions, Seals and Coins London, 1868, 137 p., 2 pl.
C. C. TORREY, Pehlevi Seal Inscriptions from Yale Collections در Journal of the American Oriental Society, vol. LII (1932), p. 202.
H. VON DER OSTEN, The Ancient Seals..., voir la glyptique achéménide.

سکه ها

- J. ALLAN, The Coinage of the Sasanians, A. Types, در Pope I, p. 816-818.
E. BABELON, Traité des monnaies..., voir la numismatique achéménide.
J. BABELON, L'art monétaire sous les Sassanides, در Revue des arts asiatiques, vol. XII (1938), p. 48-51, pl. XXIX.
A. DE LA FUYE, Observations sur la numismatique de la perside در Journal asiatique, nov.-déc., 1906, p. 517 sq.
J. DE MORGAN, Contribution à l'étude des ateliers monétaires sous la dynastie des rois sassanides de Perse, در Revue numismatique. vol. XVII (1913), p. 24 sq.
J. DE MORGAN, Numismatique de la Perse antique, Paris 1933, fasc. 3, Dynastie sassanide, pp. 543-738, 1 tableau, pl. XLIV-CXXXVIII.
J. DE MORGAN, Manuel de numismatique orientale de l'antiquité et du moyen âge, vol. I, Paris, 1936.

- B. DORN, Collection de monnaies sassanides de feu la Zieutenant-Général. J. de Bartholomae, 33 pl., St. Pétersbourg, 1875.
- E. DROUIN, Observations sur les monnaies à légendes en pehlevi et pehlevi-arabe, در Revue archéologique, 1884, 98 p., 5 pl.
- E. DROUIN, Notice sur quelques monnaies bilingues sassanides, در Revue numismatique, 1890, VIII, p. 358-365.
- E. DROUIN, Monnaies de la reine sassanide Boran ou pourandokht, در Journal asiatique, Paris, 1897, p. 443-452.
- E. DROUIN, Les légendes des monnaies sassanides, در Revue archéologique, 1898, 57 p.
- R. GÖBL, Stand und Aufgaben der sassanidischen Numismatik, در La nouvelle Klio, vol. IV (1952), p. 360-368.
- R. GÖBL, Sasanidische Münzstudien, در Mitt. der Österr. numismatischen Gesellschaft, vol. VII (1951-52), p. 112-114, 133-135, 138-140, 6 fig.
- R. GÖBL, Aufbau der Münzprägung, در Fs. Altheim, Ein asiatischer Staat, Band I, Wiesbaden, 1954.
- R. GÖBL, Neufunde sassanidischer Reichsmünzen, در Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes, vol. 53 (1956), p. 23-57, 1 fig.
- A. GUILLON, Les monnayages pehlevi-arabes, 1953.
- NUTZEL, Sassanidische Goldmünzen, در Berliner Museen, vol. XXXIV (1912-13), p. 44 sq.
- D. J. OLSHAUSEN, Die Pehlevi-legenden auf den Münzen der letzten Sasaniden, Copenhagen, 1843.
- F. D. J. PARUCK, Sasanian Coins, Bombay, 1924. این کتاب بسیار اهمیت دارد و از صفحه ۵۱۳ تا ۵۲۰ فهرست منابع بسیار کاملی راجع به این موضوع میدهد.
- F. D. J. PARUCK, De quelques monnaies sassanides, در Revue archéologique, 1928, p. 250-245.
- F. D. J. PARUCK, Nouvelles monnaies sassanides, در Revue archéologique, 1930, p. 233-241, 2 pl.
- F. D. J. PARUCA, Observations sur cinq monnaies sassanides در Revue numismatique vol. 39 (1936), p. 71-86, 5 fig.
- F. D. J. PARUCK, Observations sur quelques mārques monétaires sassanides, در Revue de numismatique, vol. I (1937), p. 215-234.
- C. TREVER, The Coinage of the Sasanians, B. The Artistic Character, در Pope I, p. 819-830.
- J. M. UNVALA, Numismatique du Tabaristan et quelques monnaies sassanides provenant de Suse, 1938, 43 p., 46 pl.
- R. R. VASMER, Sasanian Coins in the Ermitage, در Numismatic Chronicle, 1928. p. 249-334.
- J. WALKER, Rare Sassanian Coins, در British Museum Quarterly, vol. II (1937), p. 170 3 fig.
- J. WALKER, Catalogue of Arab-Sassanian Coins, 1941.

سفال

- R. ETTINGHAUSEN, Sasanian Pottery در Pope I, p. 664-680, fig. 234.
M. PEZARD, La céramique archaïque de l'Islam et ses origines, Paris, 1920.

هنر بافندگی

- Ph. ACKERMAN, Textiles through the Sasanian Period (with a Catalogue of Sasanian Silks),
در Pope I, p. 691-715, fig. 241-249.
Ph. ACKERMAN, A Sasanian Tapestry, در Bull. Am. Inst. Persian Art and Archaeology, vol.
IV (1935), p. 2-4, 1 fig.
L. ASHTON, A New Group of Sasanian textiles The Burlington Magazine, vol. LXVI (1935),
p. 26-30.

زری ساسانی که در مصر پیدا شده

- R. PFISTER, Gobelins sassanides du Musée de Lyon, در Revue des arts asiatiques vol. VI
(1929-30), p. 1-23.
R. PFISTER, Les premières soies در Etudes d'orientalisme publiées par le Musée Guimet, vol.
II, Paris, 1932, p. 461-479.
R. PFISTER, Coqs sassanides در Revue des arts asiatiques, vol. XII (1938), p. 40-47, 4 pl. et 5 fig.
R. PFISTER, Le rayonnement de l'art textile sassanide, در l'Art vivant, vol. VIII (1932).
H. SCHMIDT, Persian Silks of the Early Middle Age, در The Burlington Magazine, vol. LVII
(1930), p. 284.
A. SCHNUTGEN, Ein neu-entdecktes Sasanidengewebe, در Zeitschrift für christliche Kunst,
1898, p. 22-229.
O. VON FALKE, در Kunstgeschichte der Seidenweberei, Berlin, 1913, p. 77-87.

هنر ساسانی خارج از حدود ایران

گذشته از مکان‌های تاریخی که در ذیل شرح داده میشود باید مکانهای تاریخی آسیای مرکزی را نیز مطالعه کرد.
تیسفون (طاق کسری)

- Fr. SARRE-E. HERZFELD, Archäologische Reise im Euphrat und Tigrisgebiet, vol. II, Berlin,
1920, p. 46-76; vol. III, pl. XXXVIII-XLIV, pl. CXXIII-CXXVII.
O. REUTHER, Die Ausgrabungen der deutschen Ktesiphon Expedition im Winter 1928-29, Berlin,
1930, 35 p., 19 Abb.
E. KUHNEL, Die Ausgrabungen der zweiten Ktesiphon Expedition 1931-32 Berlin, 1939.
O. W. PUTRICH-REIGNARD Die Glassfunde von Ktesiphon, Berlin, 1939 (de l'époque parthe,
sassanide et islamique.)
H. LACOSTE, L'arc de Ctésiphon, در Sumer, vol. X (1954), p. 3-22, 20 fig.

الحضیر

- D. T. RICE, در Antiquity, VI (1932), p. 276-291, در Journal of the Royal Central Asian Society,
XIX (1932), p. 254-268.

D. T. RICE, در *Ars Islamica*, vol. I (1934), p. 51-73.

کیش

S. LANGDON, در *ILN* 14 Febr. 1931, p. 261; 7 March. 1931, p. 369; 25 April 1931, p. 697; 20 Febr. 1932, p. 273.

L. C. WATELIN, *The Sasanian Building near Kish*, در *Pope I*, p. 584-592.

پایکولی

E. HERZFELD, *Paikuli Monument and Inscription of Early History of the Sasanian Empire*, Berlin, 1921.

فهرست شکل ها

- ش ۱- تپه حصار - شکل های مخصوص تپه حصار اول از کتاب :
- ش ۲- تپه حصار - نقوش مخصوص سفال تپه حصار اول از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۲۲ ش ۱۳ .
- ش ۳- تپه حصار - گسترش شکل های سفال منقوش تپه حصار اول از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۱۹ ش ۱۰ .
- ش ۴- تپه حصار - گسترش نقش سفال تپه حصار اول از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۲۵ ش ۱۵ .
- ش ۵- کوه خواجه - طرح کاخ کوه خواجه از کتاب : E. Herzfeld, Irzn لوحه ۹۷ .
- ش ۶- تخت جمشید - نقوش برجسته (آورندگان هدایا) روی دیواره های پله های شرقی آپادانا .
- ش ۷- تل بکون - شکل های مخصوص سفال تل بکون . از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۴۴ ش ۲۳ .
- ش ۸- الف - ب - تل بکون - نقوش مخصوص سفال تل بکون . از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۴۷ ش ۲۴ الف و ص ۴۹ ش ۲۵ - ب .
- ش ۹- تل شقا - نقوش مخصوص سفال تل شقا .
- ش ۱۰- قدسگاه - طرح بنا .
- ش ۱۱- سروستان - طرح کاخ ساسانی . از کتاب : A. U. Pope مجلد اول ش ۱۵۱ .
- ش ۱۲- سروستان - بازساز کاخ ساسانی . از کتاب نامبرده در شماره ۱۱ ش ۱۵۲ .
- ش ۱۳- فیروزآباد - طرح کاخ ساسانی . از کتاب نامبرده در شماره ۱۱ ش ۱۵۰ .
- ش ۱۴- بیشاپور - طرح کاخ - آتشگاه - حیاطی که در آن معرق کاریها پیدا شده - ایوانی که در آن معرق کاریها پیدا شده - از کتاب : R. Ghirshman, Fouilles de Bichapour پاریس - مجلد دوم . لوحه ۲ .
- ش ۱۵- مسجد سلیمان - طرح سکو - از کتاب : R. Ghirshman Syria مجلد ۲۷ - ۱۹۵۰ - ص ۲۰۸ ش ۲ .
- ش ۱۶- چغا زنبیل - طرح زیگورات و پرستشگاه های کاوشهای سال ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ از کتاب : R. Ghirshman Arts asiatiques مجلد ۴ - ۱۹۵۷ - ص ۱۱۴ ش ۱ .
- ش ۱۷- چغا زنبیل - بازساز زیگورات از کتاب : R. Ghirshman, ILN - سپتامبر ۱۹۵۶ ش ۱۴ .
- ش ۱۸- شوش - طرح عمومی کاوشها . از کتاب : R. Ghirshman Rapports préliminaires, I. Cinq campagnes de fouilles à Suse پاریس ۱۹۵۲ ض ۲ .
- ش ۱۹- شوش - شکل های مخصوص سفال شوش اول - از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۴۰ ش ۲۰ .
- ش ۲۰- شوش - زینت های مخصوص سفال منقوش سفال شوش اول - از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۴۱ ش ۲۱ .
- ش ۲۱- شوش - سفال چینه برزخ شوش . از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۱۳ لوحه ۲ .
- ش ۲۲- شوش - سفال منقوش هفت رنگ . از شوش دوم . از کتاب نامبرده در شماره ۱ مجلد ۱۶ - ۵۶ - ۱۹۵۵ ص ۱۷ لوحه ۳ .

- ش ۲۳- شوش - سفال هفت رنگ (شماره ۱ و ۲) و یکرنگ (شماره ۳) از شوش دوم. از کتاب نامبرده در شماره ۱ لوحه ۳ شماره ۷-۸ و لوحه ۴ شماره ۳.
- ش ۲۴- شوش - سفال هفت رنگ شوش دوم. از کتاب نامبرده در شماره ۱ لوحه ۴ شماره ۲۹۱.
- ش ۲۵- تپه موسیان - نقوش مخصوص سفال تپه موسیان از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۳۵ ش ۱۸.
- ش ۲۶- تپه علی آباد - سفال هفت رنگ از کتاب نامبرده در شماره ۱ لوحه ۴ ش ۵ تا ۸.
- ش ۲۷- تپه گیان - گسترش سفال گیان در چهار طبقه بندی معروف به سفال گیان پنجم. از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۲۸ ش ۱۶.
- ش ۲۸- قصر شیرین - طرح چهار قاپو از کتاب نامبرده در شماره ۱۱ ش ۱۵۸.
- ش ۲۹- قصر شیرین - طرح عمارت خسرو. از کتاب نامبرده در شماره ۱۱ ش ۱۵۳.
- ش ۳۰- قصر شیرین - باز ساز عمارت خسرو از کتاب نامبرده در شماره ۱۱ ش ۱۵۴.
- ش ۳۱- دکان داود - آرامگاه صخره‌ای از کتاب E. Herzfeld, Am. Tor ش ۳.
- ش ۳۲- صحنه - آرامگاه صخره‌ای از کتاب نامبرده در شماره ۳۱ ش ۴.
- ش ۳۳- سکاوند - استودان. از کتاب نامبرده در شماره ۵ ش ۳۱۶.
- ش ۳۴- فخرگاه (بنابر نوشته آقای گیرشمن فخریگاه و بنابر نوشته آقای م. مصطفوی فقرگاه. مترجم.) کتاب نامبرده در شماره ۳۱ ش ۵.
- ش ۳۵- تپه سیلک - شکل‌های مخصوص سفال منقوش تپه سیلک اول. از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۷ ش ۱.
- ش ۳۶- تپه سیلک - نقوش مخصوص سفال تپه سیلک اول. از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۸ ش ۲.
- ش ۳۷- تپه سیلک - شکل‌های مخصوص سفال منقوش تپه سیلک دوم. از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۱۰ ش ۴.
- ش ۳۸- تپه سیلک - نقوش سفال تپه سیلک دوم. از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۱۱ ش ۵.
- ش ۳۹- تپه سیلک - شکل‌های مخصوص سفال منقوش سیلک سوم. از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۱۵ ش ۷.
- ش ۴۰- تپه سیلک - نقوش مخصوص سفال تپه سیلک سوم از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۲۱ ش ۱۲.
- ش ۴۱- تپه سیلک - گسترش شکل‌های سفال منقوش تپه سیلک سوم. از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۱۷ ش ۹.
- ش ۴۲- تپه سیلک - گسترش نقوش سفال تپه سیلک سوم - از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۲۳ ش ۱.

فهرست شرح لوحه ها

۱- گیلان و مازندران

کلاردشت

- لوحه ۱) خنجر طلا - درازی ۲۸ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
لوحه ۲- الف) جام زرین بانقش برجسته سه سرشیر. بلندی. ۱ سانتیمتر. قطر ۱۱۰ میلیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
ب) جام زرین. بلندی ۹ سانتیمتر. قطر ۸ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
لوحه ۳- الف) ریتون سفالین (ریتون جام های سفالین یا فلزی هستند که بشکل شاخ حیوان ساخته شده اند و واژه مخصوصی در زبان فارسی برای این نوع جام ها پیدا نشد و چون این کلمه تقریباً بین المللی شده آنرا بصورت لاتین ذکر کردیم. مترجم) قرمز رنگ. درازی ۲۲ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
ب) ریتون سفالین. قرمز رنگ - درازی ۲۰ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
ج) ریتون سفالین قرمز رنگ. درازی ۳۱ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).

دماوند

- د) ریتون سفالین اشکانی قرمز رنگ. درازی ۳۸ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).

کلاردشت

- لوحه ۴- الف) ظرف سفالین نوک دار. قرمز رنگ ، درازی ۱۷۰ میلیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
ب) بشقاب سفالین سه پایه. قطر ۲۲ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
ج) کوزه سفالین قرمز رنگ. درازی ۲۸ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
د) قمقمه سفالین قرمز رنگ. درازی ۲۰ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
لوحه ۵- الف) جام سیمین ساسانی از مجموعه هولمس در بوستون از کتاب I. L. N. II Febr. 1650 ص ۲۰۶ ش ۲.
ب) جام سیمین ساسانی از مجموعه رابینو در نیویورک از کتاب ناسبرده در شماره ۵ الف - ص ۲۰۷ ش ۱.
ج) جام سیمین ساسانی. از مجموعه کورکیان در نیویورک. از کتاب ناسبرده در شماره ۵ الف ص ۲۰۶ ش ۶.
د) جام سیمین ساسانی با نقش قباد اول سوار بر اسب و در حال شکار گورخر. موزه تهران. از کتاب ناسبرده در شماره ۵ الف ۲۱ اوت ۱۹۴۸ ص ۲۱۴ ش ۴.
ه) جام سیمین ساسانی با نقش قباد اول سوار بر اسب و در حال شکار گورخر. از مجموعه فهیم کوشاهی در نیویورک از کتاب ناسبرده در شماره ۵ الف ص ۲۰۷ ش ۵.
لوحه ۶- الف و ب) تنگ سیمین ساسانی از مجموعه ا. ژ. هولمس از کتاب ناسبرده در شماره ۵ الف ص ۲۰۶ ش ۳ و ۴.
ج و د) تنگ ساسانی - بلندی ۲۶ سانتیمتر. موزه تهران. از کتاب ناسبرده در شماره ۵ - د ص ۲۱۵ ش ۴.

ساری

- لوحه ۷ الف) جام سیمین ساسانی با نقش شکار از کتاب R. Ghirshman, Artibus Asiae جلد ۱۸ - ۱۹۰۰ ش ۱.

مازندران

- (ب) جام سیمین ساسانی. قطر ۲۳ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
 (ج) جام سیمین ساسانی قطر ۲۳ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
 (د) جام سیمین ساسانی قطر ۲۲ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).

۲- گرگان یا استرآباد

تورنگ تپه

لوحه ۸- الف) آدمک سفالین قرمز رنگ. بلندی ۲۵ سانتیمتر. مجموعه موزه دانشگاه فیلادلفیا از کتاب: Pope جلد ۴ لوحه ۲۶ الف.

شاه تپه بزرگ

- سفال منقوش با نقش قهوه‌ای مایل بسیاه یا سیاه روی زمینه قرمز بلندی تقریباً ۸۵ سانتیمتر.
 (ب) از کتاب: Arne, Excavations at Shah Tepe لوحه ۹۰ ش ۲۲۱-۲۲۸.
 (ج) ایضاً لوحه ۹۰ و شکل ۲۸۰.
 (د) ایضاً لوحه ۹۱ ش ۲۷۹-۲۸۹ ب.
 (ه) ایضاً لوحه ۹۰ ش ۲۲۲ الف.
 (و) ایضاً لوحه ۹۰ ش ۲۷۵ ب.

تپه حصار

- لوحه ۹ الف) آبخوری با ته بیضی شکل و نقوش بز و کوه برنگ سیاه و زمینه خامه‌ای. قطر ۱۰۴ میلی‌متر. بلندی ۹ سانتیمتر. چینه ۱-ب- موزه تهران از کتاب: Schmidt Excavations ص ۴۵ ش ۳۰.
 (ب) آبخوری با ته تخم‌برگی شکل و با نقوش سیاه روی زمینه خامه‌ای. چینه ۱ از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف لوحه ۸۳- ب.
 (ج) جام پایه دار که با چرخ کوزه‌گری ساخته شده. رنگ قهوه‌ای تیره روی زمینه شیری و قهوه‌ای با نقوش مرکب از خطوط افقی و عمودی. بلندی ۲۳۳ میلی‌متر. چینه ۱-ب- موزه تهران. از کتاب نامبرده در شماره ۹- الف ص ۴۳ ش ۳۴.
 (د) جام پایه دار که با چرخ ساخته شده. رنگ خاکستری تیره روی زمینه خاکستری مایل بقهوه‌ای و تزیینات و نقوش بزهایی که در فاصله هایشان شاخه‌های درخت قرار داده شده. بلندی ۱۷ سانتیمتر. قطر ۱۵۳ میلی‌متر. چینه ۱-ج. در موزه دانشگاه فیلادلفیا. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۴۷ ش ۳۷.
 (ه) جام پایه بلند که با چرخ کوزه‌گری ساخته شده. خاکستری تیره روی زمینه خاکستری مایل بقهوه‌ای. نقوش هندسی. چینه ۱- از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف لوحه ۳۶ الف.
 (و) جام پایه بلند که با چرخ کوزه‌گری ساخته شده. قهوه‌ای تیره روی زمینه روشن. نقوش مرکب از خطوط شکسته. بلندی ۱۸۱ میلی‌متر. قطر ۱۱۳ میلی‌متر چینه ۱- ج از مجموعه تومپسون. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۵۱ ش ۴۲.

لوحه ۱۰ الف) جام پایه بلندی که با چرخ کوزه‌گری ساخته شده. قهوه‌ای تیره روی زمینه خاکستری روشن با نقوش مرکب از خطوط شکسته و دایره‌ها در داخل ظرف و نقش بزها روی لبه خارجی آن. بلندی ۱۹۷ میلی‌متر

- قطر ۱۰۵ میلیمتر. چینۀ ۱ - ج. موزه تهران از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۵۱ ش ۴۳.
- (ب) جام پایه بلندی که با چرخ کوزه‌گری ساخته شده، رنگ قهوه‌ای تیره. روی زمینۀ خاکستری مایل بقهوه‌ای روشن. با نقوش مرکب از خطوط شکسته و دایره‌ها در داخل ظرف و خطوط موج‌دار در خارج آن. بلندی ۱۴۴ میلیمتر. قطر ۱۸۳ میلیمتر. چینۀ ۱ - ج. موزه دانشگاه فیلادلفیا. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف - ص ۵۱ ش ۴۱.
- (ج) جام پایه بلند که با چرخ کوزه‌گری ساخته شده. قهوه‌ای تیره روی زمینۀ خاکستری مایل بقهوه‌ای روشن و با نقوش مرکب از مثلث‌ها. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف لوحه ۸۲ ب.
- (د) جام پایه بلند دهان گشاد که با چرخ کوزه‌گری ساخته شده. قهوه‌ای تیره روی زمینۀ خاکستری مایل بقهوه‌ای روشن. نقش حیواناتی شبیه بخرگوش. چینۀ ۲ الف. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف لوحه ۸۲ الف.
- (ه) جام پایه بلند دهان گشاد که با چرخ کوزه‌گری ساخته شده. رنگ قهوه‌ای تیره روی زمینۀ خاکستری مایل بقهوه‌ای با نقوش دنداندار. چینۀ ۲ الف موزه تهران. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۱۱۰ ش ۶۶.
- (و) جام پایه بلند دهان گشاد که با چرخ کوزه‌گری ساخته شده. رنگ قهوه‌ای تیره روی زمینۀ خاکستری مایل بقهوه‌ای روشن با نقش غزال - گردن دراز. چینۀ ۲ الف. بلندی ۱۶۶ میلیمتر قطر ۱۹۲ میلیمتر. موزه تهران. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۱۰۹ ش ۶۴.
- لوحه ۱۱- الف) تنگ خاکستری مایل بقهوه‌ای که با دست ساخته شده - چینۀ ۳ ب بلندی ۳۵۵ میلیمتر. موزه تهران از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۱۷۹ ش ۱۰۵.
- (ب) ظرف نوک‌دار که با دست ساخته شده. بلندی ۱۴۶ میلیمتر. تنگ - بلندی ۳۰۸ میلیمتر. ظرف شکم بزرگ که با چرخ کوزه‌گری ساخته شده. بلندی ۱۷۶ میلیمتر تنگ که با دست ساخته شده. بلندی ۱۲۸ میلیمتر. رنگ تمام این ظروف خاکستری یا خاکستری مایل بقهوه‌ای است. چینۀ ۳ - ج. موزه تهران - از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف. ص ۱۸۱ ش ۱۰۷.
- (ج) تنگ برنگ خاکستری که با چرخ کوزه‌گری ساخته شده - چینۀ ۳ ب بلندی ۳۵ سانتیمتر. موزه دانشگاه فیلادلفیا - از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۱۷۱ ش ۱۰۶.
- (د) ظروف از جنس مرمر. چینۀ ۳ - ج. از موزه دانشگاه فیلادلفیا. کتاب نامبرده در شماره ۸ الف لوحه ۲۰ - الف. لوحه ۱۲- الف) مجسمه زن از جنس مرمر. چینۀ ۳-ج. بلندی ۱۹۱ میلیمتر پهنای ۱۱۸ میلیمتر. ضخامت ۳۵ میلیمتر. موزه تهران از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۱۹۲ ش ۱۱۴.
- (ب) ظروف نوک‌دار از جنس مرمر. چینۀ ۳-ج. بلندی ۱۶۲ میلیمتر. موزه تهران - از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۲۱۴ ش ۱۲۶.
- (ج) سر قوچ از طلا. چینۀ ۳ - ج. بلندی ۸۵ میلیمتر پهنای ۱۲۸ میلیمتر. ضخامت ۱۵ میلیمتر. مجموعه تومپسون. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۱۸۹ ش ۱۱۱.
- (لوحه ۱۳ الف) عصا از جنس سس. چینۀ ۳ - ج. بلندی ۱۱۹ میلیمتر قطر ۲۴ میلیمتر. موزه دانشگاه فیلادلفیا. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف. ص ۱۹۵ ش ۱۱۶.
- (ب) عصا از جنس سس (مقصود از سبیل‌ای شبیه به عصای کوتاه است که هنگام انجام مراسم مذهبی در دست می‌گرفتند - م). درازا ۱۲۲ میلیمتر. موزه دانشگاه فیلادلفیا. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف. ص ۱۹۶ ش ۱۱۷.

ج) زیورهای زرین. عقیق و غیره. چینۀ ۳ - ج - موزۀ تهران، مجموعهٔ تومپسون و موزۀ دانشگاه فیلادلفیا. از کتاب ناسبرده در شمارۀ ۹ الف لوحۀ شمارۀ ۳۰.

لوحۀ ۱۴ الف) گچ بریهای کاخی از دوران ساسانی - درازا ۳۹ سانتیمتر. موزۀ دانشگاه فیلادلفیا. از کتاب ناسبرده در شمارۀ ۹ الف لوحۀ شمارۀ ۱۷۶.

ب) گچ بریهای کاخی از عهد ساسانیان. نیم تنۀ زنی که در اطراف سرش گل هایی دیده میشود. پهنا ۴۰۴ میلیمتر. موزۀ پنسیلوانیا. از کتاب ناسبرده در شمارۀ ۹ الف لوحۀ ۱۶۰.

ج) گچ بریهایی از کاخ سامانی. نقوش نشانه‌ای. پهنا ۴۰۲ میلیمتر. موزۀ پنسیلوانیا. از کتاب ناسبرده در شمارۀ ۹ الف لوحۀ ۱۶۰.

محمود آباد

لوحۀ ۱۰ الف) ظرف سفالین با زمینهٔ خاسه‌ای و نقوش سیاه مرکب از خطوط شکسته شبیه بسفال آنوی سوم از کتاب : H. Frankfort, Studies in Early Pottery of the Near East مجلد اول لوحۀ ۷ شمارۀ ۲.

۳ - خراسان و سیستان

قلعه دختر بازهور

ب) آتشکده از دوران ساسانی. آثار ایران جلد سوم بزبان فرانسه ۱۹۳۸ ش ۳۰.

کوه خواجه

ج) آتشدان سنگی که از آتشکده‌ای بدست آمده. از دوران اشکانیان - از کتاب Herzfeld, Iran لوحۀ ۴۶ و ۴۷. لوحۀ ۱۶ الف - ب) نقاشی دیواری از کاخی از دوران ساسانی اشکانی که اشخاصی را از نیم‌تنه نشان میدهد. از کتاب ناسبرده در شمارۀ ۱۰ ج لوحۀ ۴۶ و ۴۷.

ج) گچ بریهایی با نقش نباتات و نقوش هندسی از کتاب ناسبرده در شمارۀ ۱۶ الف لوحۀ ۴۹ الف.

۴ - بلوچستان و کرمان

خوراب

لوحۀ ۱۷ الف) بشقاب با زمینهٔ خاکستری و نقوش سیاه مایل بقهوه‌ای. موضوع نقوش در درون ظرف پرندگان که با حالت تصنعی نقش شده‌اند. موزۀ تهران از کتاب : Herzfeld, Archaeological Reconnaissances in North Western India and South-Eastern Iran لندن ۱۹۳۷ - لوحۀ ۱۴ ش ۱۰۵۷.

ب) بشقاب با زمینهٔ خاکستری و نقوش سیاه مایل بقهوه‌ای. تزیینات در داخل ظرف مرکب از پرندگان که بصورت تصنعی نشان داده شده‌اند. دانشگاه هاروارد - کتاب ناسبرده در شمارۀ ۱۷ الف - لوحۀ ۱۴ - ش ۱۰۵۵.

ج) جام با زمینهٔ خاکستری نقوش سیاه مایل بقهوه‌ای. در درون جام نقوشی مرکب از درختهایی که بصورت تصنعی نقش شده‌اند. از کتاب ناسبرده در شمارۀ ۱۷ الف - لوحۀ ۱۴ - ش ۱۰۵۲.

د) آبخوری زمینهٔ خاکستری نقوش سیاه مایل بقهوه‌ای در خارج ظرف و مرکب از یک‌نوار موج‌دار که از میان مثلث های دندانه‌داری که مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند میگذرد. دانشگاه هاروارد. از کتاب ناسبرده در شمارۀ ۹ الف لوحۀ ۱۳ - ش ۲۰۲.

ه) آبخوری زمینهٔ خاکستری. نقوش سیاه مایل بخاکستری در خارج ظرف و مرکب از نواری از شاخ‌های بزها یا قوچ. موزۀ تهران. از کتاب ناسبرده در شمارۀ ۱۷ الف - لوحۀ ۱۶ ش ۱۰۵۳.

- (و) آبخوری با زمینه خاکستری و نقش قهوه‌ای مایل به سیاه در خارج ظرف و مرکب از شاخهای قوچ موزه تهران. از کتاب نامبرده در شماره ۱۷ الف لوحه ۱۶ ش ۱۶۱.
- (۱۸ الف) آبخوری زمینه خاکستری نقش قهوه‌ای مایل به سیاه در خارج ظرف و مرکب از نواری از شاخ حیوان. موزه بریتانیا از کتاب نامبرده در شماره ۱۷ - الف لوحه ۱۶ ش ۱۳۲.
- (ب) آبخوری با زمینه خاکستری و نقش قهوه‌ای مایل به سیاه در بیرون ظرف و مرکب از یک نوار شاخهای حیوان از کتاب نامبرده در شماره ۱۷ - الف لوحه ۱۶ ش ۱۳۶.
- (ج) ظرف با زمینه خاکستری مایل به قهوه‌ای و نقش قهوه‌ای مایل به سیاه و مرکب از نوارهایی از خطوط هندسی. موزه تهران از کتاب نامبرده در شماره ۱۷ - الف لوحه ۳ شماره ۲۰۰.
- (د) ظرف با زمینه خاکستری مایل به قهوه‌ای و نقش قهوه‌ای مایل به سیاه و مرکب از نواری از نقش نباتات. درخت خرما که بصورت تصنعی ساخته شده. دانشگاه هاروارد - از کتاب نامبرده در شماره ۱۷ - الف لوحه ۱۳ - شماره ۱۹۹.
- (ه) ظرف زمینه خاکستری مایل به قهوه‌ای با تزیینات قهوه‌ای مایل به سیاه و مرکب از خطوط شکسته. در میان نقش مثلث‌هایی که مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. بریتیش موزیوم. از کتاب نامبرده در شماره ۱۷ - الف لوحه ۱۷ شماره ۲۰۶.
- (و) ظرف نظیر ظرف بالا با نقش شبیه به شاخ حیوانات از کتاب نامبرده در شماره ۱۷ الف لوحه ۱۷ شماره ۲۰۵.

۵- لارستان

تنگ چک چک - فرس

- (لوحه ۱۹ الف) چهارطاق از دوران ساسانی که با سنگهای نتراشیده ساخته شده و بوسیله ملاطی از گچ و آهک بهم متصل گردیده است. پهنا ۱۲/۶۰ متر بلندی تا گوشوار - ۵ متر.
- (ب) آتشکده دوران ساسانی که با قلوه سنگ و گچ ساخته شده - ۱۰۳۰ متر. بلندی تا گوشوار گنبد ۵ متر.

محلله چاه - فیشور

- (لوحه ۲۰ الف - ب) چهارطاق. بلندی ۶ متر (نمای جنوب و جنوب غربی).

۶- فارس

پاسارگاد

- (لوحه ۲۱ - الف - ب) آرامگاه کوروش. بلندی پله‌ها. پله اول ۱/۷۰ متر دوم و سوم یک متر - چهارم و پنجم و ششم ۵۰ سانتیمتر - پهنای پله‌ها ۵۰ سانتیمتر. بلندی پایه آرامگاه ۵/۲۵ متر در درون آرامگاه - بلندی ۲/۱۰ متر پهنا ۲ متر. درازا ۳ متر. پهنای در ۱ متر بلندی ۱/۳۰ متر (نمای شمالی و جنوبی).
- (لوحه ۲۲ الف) قطعه‌ای از نقش برجسته مربوط بدر شرقی کاخ پذیرائی کوروش (عکس از رستمی).
- (ب) کاخ پذیرائی کوروش. بلندی ستون ۱۲/۲۷ متر با پایه ستون ۱۳/۴۴ متر.
- (ج) کاخ پذیرائی کوروش. جرز گوشه کاخ.
- (لوحه ۲۳ الف) کاخ «R» در نقشه هرتسفلد.
- (ب) نقش برجسته یکی از درهای کاخ «R» در نقشه هرتسفلد.
- (ج) کاخ «R» در نقشه هرتسفلد.
- (لوحه ۲۴ الف) آتشکده معروف به زندان سلیمان. بلندی ۱۲/۵۰ پهنا ۷/۳۵ - یک دیوار برپا مانده.

ب (وج) سکوی معروف به تخت مادر سلیمان. بلندی ۱۲ متر.
 د (دو آتشدان بصورت پلکان که با تخته سنگهای بزرگ ساخته شده است. میان این دو آتشدان ۹ متر فاصله است.
 پهنای هر آتشدان ۲/۲ متر درازا ۲/۶ متر و بلندی ۱/۶ متر است. یکی از آتشدانها ۸ پله دارد و در یک تخته سنگ یک پارچه تراشیده شده است.

تخت رستم

لوحه ۲۰ الف) آراسگاه ناتمام از کتاب: Schmidt, Persepolis مجلد اول لوحه ۵۳۶.

نقش رجب

ب) نقش برجسته صخره‌ای دوران ساسانی. بتخت نشستن اردشیر اول - پهنای مجلس ۲/۵۰ درازا ۴/۵۰ (عکس از رستمی).
 لوحه ۲۶ الف) نقش برجسته صخره‌ای دوران ساسانی، در طرف چپ نقش نامبرده در بالا (عکس از رستمی).
 ب) نقش برجسته صخره‌ای دوران ساسانی. شاپور اول سوار بر اسب و همراه با ملتزمان رکاب سواره و پیاده (عکس از رستمی).
 لوحه ۲۷ تاجگذاری شاپور اول. پادشاه سوار بر اسب (طرف چپ) نشانه شاهی را از دست اهورمزدا دریافت مینماید. (عکس از رستمی).

نقش رستم

لوحه ۲۸ الف) منظره عمومی نقش رستم.
 ب) آراسگاه داریوش اول و در زیر آن دو نقش برجسته صخره‌ای از دوران ساسانیان.
 ج) نقش برجسته صخره‌ای ساسانی. تاجگذاری اردشیر اول پنهان. ۴/۲ متر درازا ۶/۶۰ متر.
 لوحه ۲۹ الف) نقش برجسته صخره‌ای دوران ساسانی - پادشاه بهرام دوم در میان خانواده‌اش. در زیر این نقش آثار مجلس دیگری از دوران ایلامی نمایان است - درازا ۳/۴ متر پنهان ۲/۵۰. نقش پادشاه متر ۲/۵۰ بلندی دارد.

ب) نقش برجسته صخره‌ای. پادشاه بهرام دوم سوار بر اسب است و با دشمن در ستیز است.
 ج) نقش برجسته صخره‌ای دوران ساسانی. هرمز دوم دصمن را از اسب بزرگ انداخته است. در بالای آن، نقش دیگری از شاپور دوم است که تقریباً بکلی پاک شده.

د) نقش برجسته صخره‌ای دوران ساسانی. پیروزی شاپور بر والین امپراطور رومی - درازا ۱۰ متر. پنهان ۷ متر.
 لوحه ۳۰ الف) نقش برجسته صخره‌ای دوران ساسانی. جنگ اسب سواران در دو مجلس. منسوب به بهرام دوم.
 ب) نقش برجسته صخره‌ای دوران ساسانی. تاجگذاری نرسی.
 ج) جزئیات نقش بالا (عکس از L'Oeil شماره ۲۷-۱۹۵۷).
 لوحه ۳۱ الف) دو آتشدان که در کنار یکدیگر قرار دارند و در سنگ تراشیده شده‌اند. بلندی آتشدان سمت چپ ۱/۵۰ متر و بلندی آتشدان دیگر ۱/۷۶ متر است. پنهان و درازای گودالی که آتش روی آن قرار داده می‌شده ۴ سانتیمتر است.

ب) ستونی در روی کوه حسین که جزئی از آتشدان بوده. بلندی ۱/۷۰ متر. قطر ۴ سانتیمتر.
 ج) آتشدان معروف به «کعبه زرتشت». بلندی ۱۲/۵۰ متر پنهان و درازا ۷/۵۰ متر. داخل اطاق پنهان و درازا ۳۷۷ متر و بلندی ۵/۳۰ متر.

تخت جمشید

- لوحة ۳۲ - الف) نمای عمومی تخت جمشید که از بالای کوه رحمت گرفته شده. (عکس از رستمی).
 ب) دروازه بزرگ خشایارشا (عکس از رستمی).
 ج) دروازه بزرگ خشایارشا اول. دروازه شرقی - گاو بالداری که سرانسان دارد (عکس از رستمی).
 لوحة ۳۳ الف) پلکان بزرگ در مشرق آپادانا (عکس از رستمی).
 ب) جزئیات همان پلکان بزرگ واقع در مشرق تالار آپادانا (عکس از رستمی).
 لوحة ۳۴ الف) نقش برجسته دیواره‌های طرفین تالار آپادانا. در بالا اسپها و گردونه‌های شاهی و در میان و در پایین افسران مادی و پارسی. بلندی ۳۲ متر از کتاب شماره ۲۵ الف لوحة ۵۱.
 ب) نقش برجسته پلکان شرقی. بابلیهایی که ظروفی پر از سیم و زر و طاقه‌های پارچه و یک گاو کوهان دار می‌برند. بلندی ۹۶ سانتیمتر از کتاب نامبرده در شماره ۲۵ الف لوحة ۳۱ ب.
 ج) نقش برجسته پلکان شرقی آپادانا. سکائی‌ها اسب و یازوندهای زرین و لبادها و شلوارها با خود می‌آورند. بلندی ۹۶ سانتیمتر - از کتاب نامبرده در شماره ۲۵ - الف لوحة ۳۷ ب.
 لوحة ۳۵ الف) نقش برجسته پلکان شرقی. ایونی‌ها جام‌ها و پارچه‌ها و پیش‌ها می‌آورند. بلندی ۹۶ سانتیمتر. از کتاب نامبرده در شماره ۲۵ الف - لوحة ۳۴ ب.
 ب) نقش برجسته پلکان شرقی آپادانا. باختریها ظروف و یک شتر می‌آورند. بلندی ۹۶ سانتیمتر از کتاب نامبرده در شماره ۲۵ الف لوحة ۴۱ ب.
 ج) کاخ سه دروازه. پلکان اصلی شمالی (عکس از رستمی).
 لوحة ۳۶ الف) کاخ سه دروازه. پلکان اصلی شمالی. ستیز شیر با گاونر (عکس از رستمی).
 ب) کاخ سه دروازه. پلکان اصلی شمالی. اسفنگس (عکس از رستمی).
 ج) کاخ سه دروازه. پلکان اصلی شمالی. ضلع طرف راست (عکس از رستمی).
 لوحة ۳۷ الف) کاخ سه دروازه پلکان اصلی شمالی. ضلع طرف راست. ردیف نگهبانان پارسی. (عکس از رستمی).
 ب) کاخ سه دروازه. پلکان اصلی شمالی. ضلع طرف راست. نگهبانان پارسی (عکس از رستمی).
 لوحة ۳۸) کاخ سه دروازه. پلکان اصلی شمالی. ضلع چپ. نگهبانان مادی (عکس از رستمی).
 لوحة ۳۹ الف) کاخ سه دروازه. ایوان ستون‌دار شرقی (عکس از رستمی).
 ب) کاخ سه دروازه. جزئیات عکس پیش. اهورمزدا (عکس از رستمی).
 لوحة ۴۰ الف) تچرای داریوش اول.
 ب) تچرای داریوش اول. پلکان جنوب شرقی تچرا. باج دهندگان.
 لوحة ۴۱ الف) هدیش.
 ب) اطاقهای حرم.
 ج) قسمتی از حرم که امروز باز ساز شده و یموزه مبدل گشته است.
 لوحة ۴۲ الف) تالار صد ستون. ایوان ستون‌دار شمالی و دروازه شرقی. بار شاهنشاه (عکس از رستمی).
 ب) تالار صد ستون. ایوان ستون‌دار غربی. ستیز شاه با گاونر (عکس از رستمی).
 ج) تالار صد ستون. ایوان ستون‌دار جنوبی. بار شاهنشاه (عکس از رستمی).

- (د) نقش برجسته تالار خزانه. بار شاهنشاهی (عکس از رستمی).
- لوحه ۳ ع الف) سرمجسمه کوچک از سنگ لاجورد. دوران هخامنشی. در سال ۱۹۶۴ در مشرق حیاط مجاور تالار صد متون کشف گردیده- موزه تهران (عکس از رستمی).
- ب) نیم تنه مجسمه از مرمر. در حدود ۵۰۰ پیش از میلاد. این مجسمه نیم تنه زنی را نشان میدهد و در سال ۱۹۳۸ در تالار خزانه تخت جمشید پیدا شد- موزه تهران (عکس از رستمی).
- ج) شیر از سنگ لاجورد. دوران هخامنشی. در سال ۱۹۵۱ در مشرق هدیش پیدا شد. بلندی ۱۷ سانتیمتر. پهنا ۱۰ سانتیمتر موزه تهران (عکس از رستمی).
- د) سرمتون بشکل دو شیر. در سال ۱۹۴۲ در تالار آپادانا پیدا شده. درازی ۳۷. متر بلندی ۲۲۰ متر (عکس از رستمی).
- ه) سرمتون بشکل عقاب. در سال ۱۹۵۳ در شمال تالار صد متون پیدا شده (عکس از رستمی).
- و) سرمتون بشکل گاو. در سال ۱۹۴۷ در شمال صد متون پیدا شده (عکس از رستمی).
- لوحه ۴ ع الف) آرامگاه صغره ای (دخمه) اردشیر دوم (جزئیات) (عکس از رستمی).
- ب) پایه مجسمه کوچک یا ظرف، مرکب از سه شیر برنزی. در کاخ خزانه پیدا شده. موزه تهران.
- ب) کتیبه مربوط بسنگ اول بنا. از جنس طلا. از زمان خشایارشا اول- موزه ایران باستان. از کتاب ناسبرده در شماره ۲۰ الف شکل ۱۰.
- د) مجسمه سگ از سنگ سیاه (عکس از رستمی).
- لوحه ۵ ع الف) آرامگاه ناتمام داریوش سوم. فقط تصویر شاه در برابر آتشدان روی سنگ کنده شده است.
- ب) ویرانه های هخامنشی در جنوب صفت تخت جمشید.
- لوحه ۶ ع الف) سردر با گیلوئی مصری در شمال شرق صفت تخت جمشید.
- ب) نقش برجسته کناره های دری که در بالای آن گیلوئی مصری دیده میشود. از کتاب ناسبرده در شماره ۲ - الف مجلد اول ش ۱۷.
- ج) نقوش برجسته در کنار در متعلق بدوران سلوکی.
- د) پرستشگاه دوران سلوکی در شمال شرق تخت جمشید.

تل بکون

- لوحه ۷ ع الف) سفال منقوش بسبک تل بکون از کتاب ناسبرده در شماره ۱ فهرست شکل ها لوحه ۱۱.
- لوحه ۸ ع الف) سفال منقوش بسبک تل بکون از کتاب ناسبرده در شماره ۱ فهرست شکل ها لوحه ۱۰.

تل جری ب

- لوحه ۹ ع الف) سفال منقوش بسبک تل جری.

تل موشکی

- ب) سفال منقوش تل موشکی.

تل جری الف

- لوحه ۱۰ ع الف) جام پایدار. زمینه زرد و نقش قهوه ای. پایه ظرف در هفت ردیف سوراخهایی دارد. درون این ظرف ۱۳ مرد در حال رقص دسته جمعی نشان داده شده که هر کدام دستهایشان را روی شانه نفر جلوقرار داده اند. بلندی ۹۲ سانتیمتر

بلندی پایه به ۲۵۵ میلیمتر. قطر محیط جام ۱۹ سانتیمتر قطر پایه ۱۱ سانتیمتر. عمق جام ۶ سانتیمتر.
موزه تهران - از کتاب: L. Vanden Berghe Jaarbericht Ex Oriente Lux مجلد ۱۲-۱۹۵۲
لوحه ۴۹.

تل کفتری

لوحه ۵۱ الف) سفال سفید زرد رنگ با نقش قهوه‌ای مایل بسياه.
ب) سفال قرمز با نقش ميايه.

تل جری الف

لوحه ۵۲ الف) جزئیات جام پایه دار که در لوحه ۵۰ نشان داده شده - از کتاب نامبرده در شماره ۵۰ لوحه ۵۰ - الف.

تل قلعه

ب) ظروف سبک تل قلعه. بلندی ۲۱ سانتیمتر. قطر ۱۲ سانتیمتر موزه تهران از کتاب نامبرده در شماره ۵۰ - مجلد ۱۳
۱۹۵۴ لوحه ۸۵ - الف.

ج) آبخوری منقوش بسبک تل قلعه. بلندی ۱۰۵۰ متر ۱۰۵ میلیمتر قطر ۸۵ میلیمتر.

تل شغا

لوحه ۵۳ الف) جام بسبک تل قلعه با نقش پرندگان و درختها بشکل تصنعی - بلندی ۱۴ سانتیمتر قطر ۲۲۵ سانتیمتر.
موزه تهران از کتاب نامبرده در شماره ۵۰ - مجلد ۱۲-۱۹۵۲ لوحه ۵۳ الف.

ب) ظروف بشکل حیوان - سبک تل قلعه با نقش لوزی و ماهی. موزه ایران باستان تهران - از کتاب نامبرده در شماره ۵۰
مجلد ۱۲-۱۹۵۲ لوحه ۵۳ - ب.

لوحه ۵۴) سفال منقوش تل شغا. موزه تهران. از کتاب نامبرده در شماره ۵۰ مجلد ۱۲-۱۹۵۲ لوحه ۵۴.

لوحه ۵۵) سفال منقوش بسبک تل شغا. موزه تهران (عکس از رستمی).

تل کمین

لوحه ۵۶ الف) جام منقوش بسبک تل شغا. بلندی ۲۷.

ب) ظرف منقوش بسبک تل شغا. بلندی ۱۰ قطر ۷۵ میلیمتر.

ج) جام منقوش بسبک تل شغا. بلندی ۱۵۵ میلیمتر. قطر ۲۵۵ میلیمتر.

د) ظرف منقوش بسبک تل شغا بلندی ۱۹۵ میلیمتر قطر ۱۰۲۵ میلیمتر.

ه) جام منقوش بسبک تل شغا. بلندی ۱۳ سانتیمتر. قطر ۲۲ سانتیمتر.

و) ظرف منقوش بسبک تل شغا بلندی ۱۹ سانتیمتر قطر ۱۱۵ میلیمتر.

تل تیموران

لوحه ۵۷ الف) جام بسبک تل قلعه بلندی ۹ سانتیمتر قطر ۱۶ سانتیمتر.

ب) جام بسبک تل قلعه بلندی ۱۷ سانتیمتر. قطر ۲۲ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).

ج) ظرف بسبک تل قلعه بلندی ۲۱۵ میلیمتر. قطر ۱۳۵ میلیمتر.

د) ظرف بسبک تل قلعه بلندی ۸۵ میلیمتر. قطر ۶۵ میلیمتر.

ه) آبخوری بسبک تل قلعه بلندی ۱۰ سانتیمتر. قطر ۸ سانتیمتر.

لوحه ۵۸ الف) ظرف بسبک تل شغا بلندی ۲۳ سانتیمتر. قطر ۱۱ سانتیمتر.

- ب) ظرف بسبک تل شغا بلندی ۱۷۵ سانتیمتر. قطر ۸ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
- ج) ظرف بسبک تل شغا بلندی ۲۲ سانتیمتر. قطر ۱۱ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
- د) جام بسبک تل شغا بلندی ۹ سانتیمتر. قطر ۱۰۵ میلیمتر.
- لوحه ۹۰ الف) جامها بسبک تل تیموران ۱- بلندی ۴ سانتیمتر. قطر ۱۲ سانتیمتر. ۲- بلندی ۶۵ میلیمتر. قطر ۱۵ سانتیمتر- موزه تهران.
- ب) ظرف بسبک تل تیموران بلندی ۱۸ سانتیمتر. قطر ۸۵ میلیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
- ج) ظرف بسبک تل تیموران بلندی ۹ سانتیمتر قطر ۶۳ میلیمتر موزه تهران (عکس از رستمی).
- د) ظرف بسبک تل تیموران. بلندی ۱۹۰ میلیمتر قطر ۱۰ میلیمتر.
- ه) » » » ۹۵ » ۹ سانتیمتر.
- و) » » » ۲۲۵ » ۹ سانتیمتر.
- ح) » » » ۱۰ سانتیمتر قطر ۷۲ میلیمتر.
- لوحه ۹۰ الف) ظرف بسبک تل تیموران. بلندی ۱۰ سانتیمتر قطر ۹ سانتیمتر.
- ب) » » » ۱۲ » ۹
- ج) » » » ۱۵ » ۹
- د) » » » ۱۴ » ۱۳
- ه) » » » ۱۴ » ۱۳۵
- و) دیزی خاکستری مایل بسیاه. بلندی ۲۹ سانتیمتر.

تل جلاباد

لوحه ۶۱ الف) سفال منقوش مربوط بیک ظرف نولکدار.

آخور رستم

ب-ج-د) آراگاههای صخره‌ای از کتاب: Bibliotheca Orientalis مجلد ۱۰-۱۹۵۳ لوحه ۴ شماره ۴ و ۵.

باغ بدره

ه-و) آتشکده. بلندی ۲۱۵ میلیمتر از کتاب نامبرده در شماره ۶۱-ب لوحه ۴ ش ۱.

کوه سروی

لوحه ۶۲ الف-ب) استودان‌ها. از کتاب نامبرده در شماره ۶۱-ب لوحه ۵ شماره ۸.

کوه رحمت

ج) گودال برای قراردادن مردگان پیش از قرار دادن استخوانهایشان در استودانها. از کتاب نامبرده در شماره ۶۱

ب لوحه ۵ شماره ۷.

کوه زاغه

د) استودان. از کتاب نامبرده در شماره ۶۱-ب لوحه ۵ شماره ۹.

کوه ایوب

ه) آتشدان. از کتاب نامبرده در شماره ۶۱-ب لوحه ۴ شماره ۳.

و) استودان. از کتاب نامبرده در شماره ۶۱-ب لوحه ۶ شماره ۱۱.

قدمگاه

- لوحة ۶۳ الف) اثری که در سنگ کوه تراشیده شده - از کتاب ناسبرده در شماره ۶۱ - ب لوحة ه شماره ۱۰ .
ب) پلکان بنای قدمگاه. از کتاب ناسبرده در شماره ۶۱ - ب لوحة ه شماره ۱۰ .

دارابگرد

- لوحة ۶۴ الف) دیوار مدور شهر قدیمی.

نقش رستم - دارابگرد

- ب-ج) نقش برجسته صخره‌ای. پیروزی شاپور اول بر والرین.

تل ضحاک

- د) سر از جنس مرمر «پاروس». از زبان یونانی مآبی (هلنیستیک) از کتاب: A. Stein, Iraq, مجلد ۳ - ۱۹۳۶
لوحة ۲۹ ش ۳۳.

تنگ کرم

- ه) آتشدان. بلندی ۳ متر. از کتاب ناسبرده در شماره ۶۴ - د لوحة ۱۶ شکل ۲۶.

سروستان

- لوحة ۶۰-۶۱) کاخ ساسانی از شاه بهرام پنجم (عکس از رستمی).

فیروزآباد

- لوحة ۶۷ الف) دیوار مدور شهر قدیمی. از کتاب Schmidt, Flights لوحة ۱۸.
ب) آتشدان.

- ج) کاخ اردشیر. از کتاب ناسبرده شماره ۶۷ الف لوحة ۱۷.

- لوحة ۶۷) کاخ اردشیر.

- لوحة ۶۹) قلعه دختر.

- لوحة ۷۰) نقش برجسته صخره‌ای از دوران ساسانی. تاجگذاری اردشیر اول.

- لوحة ۷۱) نقش برجسته صخره‌ای از دوران ساسانی. پیروزی اردشیر بر اردوان پنجم پادشاه اشکانی.

قصر ابونصر

- لوحة ۷۲) ایوان ستون‌دار از دوران هخامنشی.

- لوحة ۷۳ الف) نقش برجسته صخره‌ای ساسانی - بهرام دوم در حال پرستش در برابر آتش مقدس.

- ب) نقش برجسته صخره‌ای ساسانی. بهرام دوم و همسرش.

سر مشهد

- لوحة ۷۴ الف) نقش برجسته صخره‌ای ساسانی - بهرام دوم همسر و پسرش را در برابر حمله دوشیز حمایت بینماید.
(عکس از رستمی).

کازرون

- ب) چهارطاق.

جره

- ج) چهارطاق (آندره‌گذار آثار ایران جلد سوم ۱۹۳۸ ش. ۱۰).

بیشاپور

لوحه ۷۰ الف) ویرانه‌های کاخ (عکس از رستمی).

ب) آتشگاه (عکس از رستمی).

ج) بنای مربوط بنذر. (عکس از رستمی).

د) گچ‌بری‌های سه‌ایوان از کتاب : R. Ghirshman, Les mosaïques sassanides de Bichapour. لوحه ۲۲.

ه) معرق‌کاری‌های سه‌ایوان پیشاپور. یک زن درباری که گلی بریک دست و تاج گلی بر دست دیگر دارد.

لوحه ۷۶ معرق‌کاری‌های سه‌ایوان. سر مرد (کتاب ناسبرده در شماره ۷۵ د - لوحه ۱۴).

لوحه ۷۷ الف) نخستین نقش برجسته صخره‌ای ساسانی - امپراطور والرین بزانو در برابر شاپور اول - از کتاب شماره ۱۵ ج

لوحه ۱۱۴ الف.

ب) دومین نقش برجسته صخره‌ای ساسانی - پیروزی شاپور اول بر والرین (عکس از رستمی).

لوحه ۷۸ الف) سومین نقش برجسته صخره‌ای ساسانی پیروزی شاپور اول بر والرین (عکس از رستمی).

ب) جزئیات سومین نقش. ردیف برندگان خراج - از کتاب : Herzfeld - Arch. History. لوحه ۱۳.

ج د) جزئیات سومین نقش ساسانی - والرین بزانو در برابر شاپور اول. از کتاب ناسبرده در شماره ۷۸ ب لوحه ۱۱ ب.

ه) جزئیات سومین نقش - لشکر شاپور اول - اسواران ایران از کتاب ناسبرده در شماره ۸۷ ب لوحه ۱۲ الف.

و) جزئیات سومین نقش ساسانی. ردیف برندگان خراج (عکس از رستمی).

لوحه ۷۹ الف) جزئیات سومین نقش. ردیف برندگان خراج (عکس از رستمی).

ب) پنجمین نقش صخره‌ای ساسانی. تاجگذاری بهرام اول از کتاب ناسبرده در شماره ۱۵ ج لوحه ۱۱۳ ب.

لوحه ۸۰ الف) چهارمین نقش - بهرام دوم اعراب مطیع شده را می‌پذیرد (عکس از رستمی).

ب) جزئیات ششمین نقش - لشکر و اسب شاهزاده. از کتاب ۷۸ ب لوحه ۱۲ ب.

ج) جزئیات ششمین نقش. اسب شاه و میر غضب‌هائی که سر بریده دشمنان را می‌برند (عکس از رستمی).

لوحه ۸۱ مجسمه بزرگ شاپور اول (عکس از رستمی).

نقش بهرام

لوحه ۸۲ الف و ب) نقش برجسته صخره‌ای ساسانی - بهرام دوم و ملتزمان رکاب.

گوریم

لوحه ۸۳) نقش برجسته ساسانی - بهرام سوم.

نورآباد

لوحه ۸۴ الف و ب) آتشگاه.

جین جین

ج-د) پایه‌های ستون با نقش نیلوفر آبی.

کورانگون

لوحه ۸۵) نقش برجسته صخره‌ای ایلامی. دو پروردگار از دو جنس و پرستندگان.

لوحه ۸۶ الف) جزئیات نقش بالا. پرستندگان.

دآودختر

ب) آرامگاه صخره‌ای.

۷- خوزستان

خیرآباد

ج (چهارطاق (عکس از رستمی)

تنک سروک

- لوحة ۸۷ دوین سنگی که نقوش برجسته دارد و از دوران اشکانی است - طرف غربی (عکس از رستمی).
 لوحة ۸۸ الف) دوین صخره طرف شمالی (عکس از رستمی).
 ب) دوین صخره طرف شمال غربی (عکس از رستمی).
 لوحة ۸۹ الف) نخستین صخره با نقش از دوران اشکانی (عکس از رستمی).
 ب) سومین نقش برجسته روی تخته سنگ از دوران اشکانی (عکس از رستمی).

قلعه تل

لوحة ۹۰ الف) نقش برجسته صخره‌ای از دوران ایلامی از کتاب : Stein Old Routes ش ۴۳.

کل‌فارا

- ب) نقش برجسته صخره‌ای ایلامی. پادشاه «هانی» مشغول انجام مراسم مذهبی است. از کتاب : G. Jequier
 M. D. P. III ۱۹۱۰ لوحة ۲۳.
 لوحة ۹۱ الف) نقش برجسته صخره‌ای از دوران ایلامی. از کتاب شماره ۹۰ الف ش ۴۴.
 ب) نقش برجسته صخره‌ای از دوران ایلامی. از کتاب شماره ۹۰ الف ش ۴۵.

شمی

- لوحة ۹۲ الف) مجسمه برنزی. بلندی ۱/۹۴ متر موزه تهران (عکس از رستمی).
 ب) مجسمه کوچک برنزی. بلندی ۲۷ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
 لوحة ۹۳) سر مجسمه برنزی. موزه تهران. از کتاب آندره گدار آثار ایران بزبان فرانسه مجلد دوم ۱۹۳۷ ش ۱۱۱۸.
 لوحة ۹۴ الف-ب) سر شاهزاده‌ای از سرسبک اشکانی. بلندی ۱۰/۵ متر (عکس از رستمی).
 ج) ماسک برنز از آنتیوکوس چهارم (احتمالاً). از کتاب نامبرده در شماره ۹۰ الف لوحة - ۴.
 د) قسمتی از نقوش روی صدف (از کتاب آندره گدار - راهنمای نمایشگاه هنر ایران در موزه چرنوسکی در پاریس در سال ۱۹۴۹ ص ۴۳).

مسجد سلیمان

لوحة ۹۵ الف) صدف. از کتاب نامبرده در شماره ۱۶ الف لوحة ۹۴.

چغازنبیل

- ب) بازساز زیگورات از کتاب : R. Chirshman I. L. N. 8. Sept. ۱۹۵۶ ش ۱۱.
 ج) زیگورات. از کتاب نامبرده در شماره ۹۵ ب ش ۴.

شوش

- لوحة ۹۶ الف) جام سفالین منقوش از سبک شوش اول. قطر ۲۱۵ میلیمتر موزه لوور.
 ب) جام منقوش سبک شوش اول قطر ۱۹۰ میلیمتر. موزه لوور.
 لوحة ۹۷) سفال منقوش سبک شوش اول. موزه لوور. از کتاب نامبرده در شماره ۱ فهرست اشکال جلد ۱۰ لوحة ۸.

- لوحه ۹۸) سفال منقوش از سبک شوش. موزه لوور. از کتاب نامبرده در شماره ۱ فهرست شکل ها.
- لوحه ۹۹) سفال منقوش بسبک شوش اول. موزه لوور. MDP XXIX 1934 لوحه ۴ ش ۱.
- لوحه ۱۰۰) سفال منقوش بسبک شوش اول. نقوش یکرنگ. موزه لوور. از کتاب نامبرده در شماره ۱ فهرست شکل ها مجلد ۱۵، ۱۹۵۴، لوحه ۳ و ۵.
- لوحه ۱۰۱ الف) مجسمه کوچک از گل پخته. بلندی ۱۳۶ میلیمتر موزه لوور از کتاب پوپ مجلد ۴ لوحه ۷۴.
- ب) مجسمه کوچک از گل پخته. بلندی ۱۵۷ میلیمتر موزه لوور از کتاب پوپ مجلد ۴ لوحه ۷۴ ب.
- ج-د-ه) بانوی ایلامی از عاج. بلندی ۹۲ میلیمتر از کتاب: Encyclopédie photographique de l'art. Le Musée du Louvre Edition Tel, 1936 ص ۲۶۸.
- لوحه ۱۰۲ الف) مجسمه کوچک طلا و نقره. سیله هائی از سنگ که سر آن شیر زرینی را نشان میدهد و از پرستشگاه شوشیناک بدست آمده. دوران ایلامی. موزه لوور از کتاب MDP مجلد ۷، ۱۹۰۴ لوحه ۲۴.
- ب) مجسمه برنزی توپر از ملکه نیپرازو، همسر اونتاش هویان. بلندی ۱/۲۹ متر. وزن ۱۷۵۰ کیلوگرم موزه لوور از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ الف لوحه ۱۵ الف.
- ج) قسمتی از لوحه سنگی از پادشاه اونتاش هویان با نقش فرشته برکت و آبدانی موزه لوور چاپ Tel ۱۹۳۶ ص ۲۷.
- د) قسمتی از لوحه سنگی از شاه اونتاش هویان. فرشته ای که شاخ قوچ دارد و قسمت پایین تن او از حیوان است. موزه لوور از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ ج. ص ۲۶۹.
- لوحه ۱۰۳ الف) آجر لعاب دار از پرستشگاه کوتیر نخونته. فرشته بالدار در کنار یک درخت خرما. بلندی ۱/۳۷ متر موزه لوور. از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ ج لوحه ۲۷۶.
- ب) لوحه سنگی. یک ایلامی در لباس رزم. بلندی ۳۰ سانتیمتر. موزه لوور. از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ ج لوحه ۲۷۴.
- ج) نقش برجسته ریسنده. دوران ایلامی جدید. بلندی ۱۰ سانتیمتر. موزه لوور. از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ الف لوحه ۱۱.
- لوحه ۱۰۴ الف) آجر لعاب دار. شیر در حال حرکت. از کاخ هخامنشی داریوش. درازا ۳/۷۰ متر. موزه لوور از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ ج لوحه ۵۲.
- ب) آجر لعاب دار. گاو نر بالدار. از کاخ داریوش. بلندی ۱/۴۰ متر. از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ الف لوحه ۳. ۱۹۴۷.
- لوحه ۱۰۵) سرستون هخامنشی از کاخ اردشیر. بلندی ۵/۸۰ متر. موزه لوور از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ ج لوحه ۴۸.
- لوحه ۱۰۶ الف) زیور آلات هخامنشی از کتاب شماره ۱۰۲ الف مجلد ۸ لوحه ۶.
- ب) زیور آلات هخامنشی از کتاب بالا لوحه ۵.
- ج) نقش برجسته اشکانی اردوان پنجم از کتاب: Monument Piot ۴۴ لوحه ۱.
- لوحه ۱۰۷ الف) سرانسان از سنگ آهک از دوران اشکانی. موزه لوور از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ الف مجلد ۱۹ لوحه ۱۹۴۳ ۸-۹.
- ب) صورت یک ملکه اشکانی. موزه تهران. از کتاب شماره ۱۰۲ الف مجلد ۱۹ ۱۹۴۳ لوحه ۹.

(ج) ریتون بشکل سراسب. زمینه زرد مایل بقهوه‌ای. نقش قرمز شرابی رنگ - از یک دهکده پیش از هخامنشی بدست آمده - چینه ۱ درازی ۲۹۴ میلیمتر. بلندی ۲۰۰ میلیمتر موزه تهران (عکس از رستمی).

۸ - لرستان

تپه گیان

- لوحة ۱۰۸ الف-ب) آبخوریهای سفالین زرد مایل بسبز. نقش قهوه‌ای مایل بسياه. چینه ۵ از کتاب :
G. Conteneau et R. Ghirshman fouilles de Tèpé Giyan ۱۹۳۵ - لوحة ۹ شماره ۴ و ۳.
(ج) ظرف سفالین با نقش سیاه درخشان. بلندی ۱۴۵ میلیمتر چینه ۵ از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۸ الف لوحة ۹ ش ۶.
(د) ظرف رنگ پشم شتری با نقش سیاه مایل بقهوه‌ای - پایه ظرف مفقود شده. چینه ۵ از کتاب نامبرده در شماره ۸ الف لوحة ۹ شماره ۲.
ه-و) ظرف سفالین منقوش. چینه ۴ از کتاب Herzfeld. Iranische Denkmaler, Reihe, j. B. لوحة ۳ ش ۱-۲ و لوحة ۴ شماره ۱ و ۲.
لوحة ۱۰۹) سفال منقوش. چینه ۴ از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۸ ه. لوحة شماره ۱ - ش ۱۰-۲-۷ و از کتاب شماره ۱۰۸ الف لوحة ۱۱ ش ۵ و از کتاب شماره ۱۰۸ ه. لوحة ۶ شماره ۱.
لوحة ۱۱۰) سفال منقوش چینه ۴ و ۳ ش ۵۰. از کتاب شماره ۱۰۸ ه. لوحة ۶ ش ۵ و لوحة ۷ ش ۱۰-۳ و لوحة ۵ ش ۲ و لوحة ۱۱ ش ۱۴.

تپه علی آباد

لوحة ۱۱۱ الف) ظرف سفال منقوش هفت رنگ. از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ الف مجلد ۸ ۱۹۰۵ لوحة ۷.

تپه گیان

- ب) ظرف سه پایه. چینه ۳ از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۸ الف لوحة ۱۲ شماره ۴.
ج) ظرف سه پایه چینه ۳ از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۸ ه. لوحة ۱۷ ش ۵.
د) فنجان دسته دار. چینه ۲-۳ از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۸ ه. لوحة ۱۱ ش ۱۷-۱۸.
لوحة ۱۱۲ الف) جام. چینه ۳ از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۸ ه. لوحة ۲۲ ش ۷-۸.
ب) جام دسته دار چینه ۳ از کتاب بالا لوحة ۲۲ ش ۹.
ج) جام دسته دار. چینه ۳ از کتاب بالا لوحة ۱۰ ش ۴.
د) دیزی. چینه ۳ از کتاب بالا لوحة ۱۲ ش ۵.
ه) جام پایه دار. چینه ۲ از کتاب بالا لوحة ۱۳ ش ۲.
لوحة ۱۳۳ الف) آبخوری پایه دار چینه ۲ از کتاب بالا لوحة ۱۲ ش ۶.
ب) فنجان بلند پایه دار. چینه ۲ از کتاب بالا. لوحة ۱۵ ش ۷.
ج) فنجان بدون دسته و پایه بلند. چینه ۲ از کتاب بالا لوحة ۱۳ ش ۴.
د) آبخوری پایه دار بلند. چینه ۱ الف لوحة ۱۶ ش ۹-۱۰.
لوحة ۱۱۴) آبخوریهای پایه دار. چینه ۱ الف از کتاب بالا لوحة ۱۶ ش ۷-۸ و لوحة ۱۳ ش ۷-۹ و لوحة ۲۰ ش ۴۰.

لوحه ۱۱۰- الف) سفال سیاه رنگ (شماره ۲ قرمز) بدون نقش از چینه ۱- ب از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۸ الف لوحه ۱۰۴.

تپه جمشیدی

ب- ج) ظروف سه پایه. چینه ۳ از کتاب بالا لوحه ۲۳ ش ۵-۶.

نهادند

لوحه ۱۱۶) مجسمه های کوچک زن از برنز. یکی از آنها احتمالاً ملکه لائودیکه است که باو جنبه خدائی داده شده است. موزه تهران (عکس از رستمی).

برنزهای لرستان

لوحه ۱۱۷ الف) خنجر برنزی شماره ۱ از بریتیش موزیوم ۱۴۳ میلیمتر. شماره ۲ از موزه لوور ۳۶۰ میلیمتر. شماره ۳ از بریتیش موزیوم ۶۳۸ میلیمتر. شماره ۴ و ۵ از مجموعه میسز هولمس از کتاب پوپ مجلد ۴ ۱۹۳۸ لوحه ۵۵.

ب) خنجر و سرنیزه برنزی شماره ۱ در موزه هنرهای زیبای بوستون ۲۷ سانتیمتر - پوپ مجلد ۴ لوحه ۵۴ شماره ۲ در مجموعه داوید ویل ۱۱۵ میلیمتر. شماره ۳ در موزه هنرهای زیبای بوستون ۴۰ میلیمتر. شماره ۴ در مجموعه گدار ۵۰۰ میلیمتر. شماره ۵ در موزه بوستون ۴۱۰ میلیمتر. شماره ۶ در موزه تهران.

لوحه ۱۱۸ الف) تبرهای برنزی - پشت تیغه آنها برآمدگی هائی دارد. شماره ۱ در مجموعه داوید ویل ۲۵۴ میلیمتر. شماره ۲ موزه تهران ۱۳۰ میلیمتر. شماره ۳ تهران ۱۹۳۱، ۱۸۰۰ میلیمتر. شماره ۴ پاریس ۱۹۳۱، ۱۸۰۰ میلیمتر. از کتاب پوپ مجلد ۴ ۱۹۳۸ لوحه ۴۸.

ب) تبر برنزی. مجموعه داوید ویل - پوپ مجلد ۴ لوحه ۵۲ - د.

ج) تبر برنزی از مجموعه داوید ویل ۱۳۴ میلیمتر (پوپ ۴ لوحه ۵۱ - ب)

د) گرز برنزی. مجموعه داوید ویل درازی ۱۳۲ میلیمتر. پوپ ۴ لوحه ۴۳ - و).

لوحه ۱۱۹ الف) دهنه اسب از جنس برنز. مجموعه آقای «گرف» در موزه «سنگانتتر». بلندی ۱۰۰ میلیمتر از کتاب G. Hoosens. Bronzen mit Loeristan.

ب) لگام برنزی. موزه سنگانتتر (لوحه ۳) مجموعه «گرف» از کتاب بالا (لوحه ۲).

ج) لگام برنز. از همان موزه.

لوحه ۱۲۰ الف) مجسمه کوچک برنز از یک زن. موزه نامبرده در بالا و مجموعه «گرف». بلندی ۱۳۰ میلیمتر.

ب) صفحه مربوط بمیل نذری. مجموعه داوید ویل بلندی ۱۰۴ میلیمتر (پوپ ۴ لوحه ۴۰).

ج) میله های برنزی - شماره ۱ مجموعه داوید ویل ۲۹۰ میلیمتر. شماره ۲ و ۳ موزه هنرهای زیبای بوستون ۱۰۰ و ۲۴۱ میلیمتر.

شماره ۴ و ۵ مجموعه داوید ویل ۱۸۰ و ۱۳۰ میلیمتر. شماره ۸ پاریس ۱۹۳۱ ۱۰۰ میلیمتر. شماره ۹ بوستون ۱۴۳ میلیمتر.

شماره ۱ مجموعه اکریان - پوپ ۳۵۰ میلیمتر. شماره ۱۱ موزه بوستون ۱۸۰ میلیمتر.

شماره ۱۲ پاریس ۱۹۳۱ ۱۰۰ میلیمتر (پوپ ۴ لوحه ۶۰).

لوحه ۱۲۱ الف) بت ها مرکب از دو حیوان که در برابر یکدیگر قرار گرفته اند از جنس برنز. مجموعه داوید ویل از کتاب Godard, Art Asiatica مجلد ۱۷ ۱۹۳۱ لوحه ۵۲.

ب) بت برنزی موزه سنگانتتر. مجموعه «گرف» بلندی ۳۶۰ میلیمتر عکس از موزه سنگانتتر.

لوحه ۱۲۲ الف) جام برنزی (سیتول). بلندی ۱۴۰ میلیمتر (کاخ هنر در شهر لیون) پوپ ۴ لوحه ۷۲ ج-د.

لرستان

لوحة ۱۲۳ الف-ب) سفال منقوش. موزه لوور از کتاب: نامبرده در شماره ۱۰۸ لوحة ۱۹ ش ۴ و ۳.

کمتران

ج) سفال منقوش چینه ۱ از کتاب: Pope. Bull Am. Inst. Persian Art مجلد ۴ شماره ۱۹۳۶۳ شکل ۱.

سرخ دم

ه) میله برنزی از موزه سنکانتتر مجموعه «گرف» قطر ۱۱۵ میلیمتر از کتاب نامبرده در شماره ۱۱۹ الف لوحة ۱۳.

و) میله با صفحه برنزی. موزه بالا و همان مجموعه قطر ۷۵ میلیمتر از همان کتاب.

ز) میله برنزی از همان موزه و همان مجموعه و همان کتاب لوحة ۱۱.

ح) میله برنزی از همان موزه و همان مجموعه قطر ۱۰۰ میلیمتر عکس از موزه سنکانتتر.

پشت کوه

لوحة ۱۲۴ الف) مجسمه کوچک برنزی. موزه تهران. بلندی ۳۸ میلیمتر از کتاب I.L.N. ۲۱ اوت ۱۹۴۸ ص ۲۱۴.

و ش ۲۰.

بروجرد

ب) شمعدان دوران اشکانی از کتاب نامبرده در شماره ۱۲۴ الف ص ۱۱۵.

دماویزه

جام برنزی دوران هخامنشی. از کتاب شماره ۹ الف لوحة ۱۶.

۹-کردستان

قصر شیرین

لوحة ۱۲۵ الف) قصر قاپو. دوران ساسانی. نمای خارجی از کتاب: Sarre-Herzfeld, Felsreliefs, لوحة ۵۰ الف.

ب) قصر قاپو از دوران ساسانی. نمای داخلی از کتاب بالا لوحة ۵۰ ب.

سرپل

ج) نخستین نقش برجسته آنوبانی نی پادشاه لولوبی از کتاب: Herzfeld Am Tor, لوحة ۳.

دکان داوود

ه) آرامگاه صخره‌ای از کتاب بالا لوحة ۵.

و) مؤید مزدائی از کتاب ۱۲۵ الف ش ۲۱.

طاق گرا

لوحة ۱۲۶ الف-ب) بنای ساسانی.

طاق بستان

ج) مکان تاریخی طاق بستان از کتاب ۱۲۵ ج لوحة ۲۸.

لوحة ۱۲۷ الف) تاجگذاری اردشیر (عکس از رستمی).

ب) غار کوچک شاپور سوم و پدرش شاپور دوم (عکس از رستمی).

لوحة ۱۲۸ الف) غار بزرگ. در تهر تاجگذاری اردشیر و در بالا پادشاه سوار بر اسب R. Erdman, Die Kunst Iran zur der sassaniden ۱۹۴۰ شکل ۸.

- (ب) سرستون دیوار ته غار بزرگ. بلندی ۹۵۰ میلیمتر از کتاب بالا شکل ۹.
 (ج) فرشته بالدار- در بالای کمان قوس غار بزرگ از کتاب ۱۲۵ ج لوحه ۳۶.
 (لوحه ۱۲۹ الف) شاه سوار بر اسب (بلوحه ۱۲۸ الف مراجعه کنند) (عکس از رستمی).
 (ب) لوحه ۱۳۰ و ۱۳۱ الف. مجلس طرف چپ غار بزرگ شکارگراز (عکس از رستمی).
 (لوحه ۱۳۱ ب) مجلس طرف راست از غار بزرگ. شکارگوزن از کتاب شماره ۱۲۵ الف لوحه ۲۲.

قلعه کهنه

- (لوحه ۱۳۸ الف-ب) سر ستون های دوران سامانی. از کتاب ۱۲۵ ج لوحه ۶.

سکاوند

- (ج) استودان با نقش مؤبد و یک منصب دار در برابر دو آتشدان از کتاب ۱۲۵ الف ش ۲۲.

بیستون

- (لوحه ۱۳۳ الف-ب) نقش برجسته صخره ای داریوش (عکس از رستمی).
 (ج) نقش برجسته صخره ای از زمان اشکانی - طرف چپ مهرداد دوم و طرف راست گودرز دوم از کتاب ۱۲۵ ج لوحه ۲۱.
 (د) نقش برجسته اشکانی روی صخره مجزا (عکس از رستمی).

صحنه

- (لوحه ۱۳۴ الف) آرامگاه صخره ای از کتاب ۱۲۵ ج لوحه ۷.

کنگاور

- (ب) ستون های دوران سلوکی. از کتاب شماره ۹۵ الف لوحه ۷۸.

همدان

- (لوحه ۱۳۵ الف) لوحه زرین بنام ارشماکه هنگام قراردادن سنگ اول بنا بکاررفته از کتاب شماره ۹۵ ج ۱۸ ژوئیه ۱۹۴۸ ص ۴۸ ش ۵.

- (ب) لوحه زرین بنام اردشیر دوم از همان کتاب ص ۵۸ ش ۶.
 (ج) گاو بالدار با سر انسان از طلا از همان کتاب ص ۵۹ ش ۱۰.
 (د) گاو بالدار طلا از همان کتاب ص ۵۷ ش ۱۰.
 (ه) شتر در حال تاخت از طلا. از همان کتاب ص ۵۸ شکل ۱.
 (و) مدال با نقش یک پادشاه هخامنشی و سر حیوانات از طلا. از همان کتاب ص ۵۹ ش ۱.
 (ز) یک شاخه درخت انار از طلا. از همان کتاب ص ۵۸ شکل ۱.
 (لوحه ۱۳۶ الف) خنجر طلا از همان کتاب ۲۱ ژوئیه ۱۹۵۶ ص ۱۰۷.
 (ب) دستبند زرین با نقش سر شیر (عکس از رستمی).
 (ج) جام زرین با خط میخی سه زبان از همان کتاب ص ۱۰۷.
 (د) «ساغر» ریتون» بشکل سر شیر (عکس از رستمی).
 (لوحه ۱۳۷ الف) سر مردی از برنز. بلندی ۳۴ میلیمتر از کتاب بولتن موزه مترو پولیتن جلد ۷ ۱۹۴۸ ص ۱۲.
 (ب) سر برنزی از انسان بلندی ۱۴۷ میلیمتر (از کتاب پوپ ۴ لوحه ۱۰۷).
 (د) قسمتی از مجسمه سنگ گچی از کتاب ۱۲۴ الف ۲۰ آوریل ۱۹۵۷ ص ۶۴۲.

دینور

ه) نیمتنه «سیلن» Sarre, Die kunst des alten Persiens, Berlin 1922 لوحه ۵۳.

الوند (گنج نامه)

لوحه ۱۳۸ الف) دوکتیبه میخی بسه زبان از دوران هخامنشی (عکس از رستمی).

پیراوند

ب-ج) مجسمه های کوچک برنزی از کتاب شماره ۱۲۴ الف ۴۸۷۹-۱۹۳۲ ص ۶۱۳.

زیویه

لوحه ۱۳۹ الف) سینه بند زرین. پهنای ۳۶۰ میلیمتر - موزه تهران از کتاب گذار. گنجینه زیویه بفرانسه چاپ هارلم ۱۹۵۰ ش ۱۰.

ب) جزئیات همان سینه بند مجلس بالا. درخت در میان مجلس و یک بز که به آن تکیه کرده. از همان کتاب ش ۱۳.

ج) جزئیات همان سینه بند-مجلس بالا. اسفنجس بالدار. از همان کتاب ش ۱۵.

لوحه ۱۴۰ الف) جزئیات سینه بند بزرگ. مجلس بالا «لمسو» و ازدهای بالدار از همان کتاب ش ۱۶.

ب) جزئیات مجلس بالا حیوانات بسبک سکائی شیرماده و خرگوش از همان کتاب ش ۳۳.

ج) جزئیات مجلس پایین. درخت مرکزی و گاو بالدار از همان کتاب شکل ۱۸.

د) جزئیات مجلس پایین. فرشته ای در حال تضرع از همان کتاب شماره ۲۰.

ه) جزئیات مجلس پایین. حیوان افسانه ای بالدار از همان کتاب شکل ۲۱.

و) انتهای چپ سینه بند از همان کتاب شکل ۲۴.

لوحه ۱۴۱ الف) بزکوهی طلا - موزه تهران از همان کتاب شکل ۳۹.

ب) دستبند زرین از همان کتاب شکل ۴۱.

ج) قسمتی از لوحه زرین موزه تهران از همان کتاب شکل ۴۸.

د) قسمتی از غلاف خنجر زرین موزه تهران از همان کتاب شکل ۴۴.

لوحه ۱۴۲ الف) بزهایی که زانو بر زمین زده اند. موزه تهران از همان کتاب شکل ۶۶.

ب) شکار با گردونه از عاج از همان کتاب شکل ۴۸ موزه تهران درازی ۸۲ میلیمتر.

ج) مجلس رزم یک مرد با یک شیر از عاج. بلندی ۱۵۲ میلیمتر. موزه تهران از همان کتاب شکل ۸۱.

د) مجلس شکار با گردونه از عاج موزه تهران از همان کتاب شکل ۸۵.

ه) بیرق دار از عاج موزه تهران از همان کتاب شکل ۹۱.

و) لوحه سیمین با نقش گردونه. بلندی ۳۱۸ میلیمتر موزه تهران از همان کتاب شکل ۱۰۹.

لوحه ۱۴۳ الف) مجلس رزم. عاج بلندی ۵۹ میلیمتر موزه تهران از همان کتاب شکل ۷۷.

سقز

ب) تنگ نوک دراز بلندی ۱۴۰ میلیمتر. موزه تهران از همان کتاب شکل ۴۹.

ج) ظرف بشکل اردک مکشوف در حدود زیویه. بلندی ۲۴ میلیمتر موزه تهران. از همان کتاب شکل ۵۰.

د) ظرف لعابدار. از همان کتاب شکل ۶۶.

ه) ساغر بشکل سرقوچ مکشوف از حدود زیویه موزه تهران از همان کتاب شکل ۵۷.

لوحه ۱۴۴ الف) تبر برنزی موزه تهران (عکس از رستمی).

۱۰- آذربایجان

حسنلو

- ب-ج) ظرف سفالین نولکدار. موزه تهران (عکس از رستمی).
 لوحه ۱۴۵ الف) سفال خاکستری مایل بسیاه. ظروف نولکدار و سه پایه. موزه تهران (عکس از رستمی).
 لوحه ۱۴۶ الف تا د) جام‌های دسته‌دار. موزه تهران (عکس از رستمی).
 ه-و) شاخه‌هایی که بصورت جام برای نوشیدن بکارمیرفته است. موزه تهران (عکس از رستمی).
 لوحه ۱۴۷ الف) ظرف سفالین منقوش. موزه تهران (عکس از رستمی).
 ب) ظرف سفالین سه قلو. موزه تهران (عکس از رستمی).
 ج) جام منقوش با نقش حیوان بصورت برجسته موزه تهران (عکس از رستمی).
 د) مجسمه کوچک برنزی شیر با دم آهنین. موزه تهران (عکس از رستمی).
 ه) مجسمه کوچک برنزی شیر موزه تهران (عکس از رستمی).
 و) صفحه مدور برنزی با نقش اسب بالدار موزه تهران (عکس از رستمی).
 لوحه ۱۴۸ الف) زینت زرین. موزه تهران (عکس از رستمی).

گوی تپه

- ب) جام سفالین قرمز با نقش قرمز و سیاه بلندی ۱۰۵ میلی‌متر. قطر ۱۷۰ میلی‌متر. موزه تهران (عکس از رستمی).
 ج) جام سفالین قرمز با نقش قرمز و سیاه بلندی ۸۰ میلی‌متر. قطر ۱۶۰ میلی‌متر. موزه تهران (عکس از رستمی).
 د) « ریتون » یا ساغر سفالین. بلندی ۱۰۵ میلی‌متر. موزه تهران (عکس از رستمی).
 ه) قطعات سنگ تراشیده. T. Burton Brown. Excav. in Azarbaijan 1948 London 1951 pl. XI.
 لوحه ۱۴۹ الف) صفحه مدور برنزی با نقش شخصی که دو گاو نر را در دست گرفته. موزه تهران از کتاب گدار. آثار ایران، مجلد ۳، ۱۹۳۸ ص ۳۰۴ ش ۲۰۷.

تخت سلیمان

- ب) منطره ویرانه‌های تخت سلیمان. از کتاب شماره ۶۷ ج لوحه ۸۷.

سلماس

- لوحه ۱۵۰ الف) نقش برجسته صخره‌ای ماسانی دو اسب سوار با دو پیاده از کتاب ۹۰ الف لوحه ۱۰۷.

ماکو

- ب) ظرفی که بشکل حیوان است. موزه تهران از کتاب : Artibus Asiae vol-XI-1948-fig 13.

آذربایجان

- لوحه ۱۵۱) شیئی بشکل کیف زنانه از جنس سنگ سیاه. موزه تهران آثار ایران مجلد ۳ ۱۹۳۸ ص ۳۰۸-۳۰۹ شکل ۲۱۰-۲۱۱.

طالش

- لوحه ۱۵۲ الف-ب) ظرف سفالین دسته‌دار خاکستری با نقش قرمز ردیف اسب‌ها. موزه تهران (عکس از رستمی).
 ج) جام سفالین قرمز با نقش قرمز. موزه تهران (عکس از رستمی).

۱۱ - عراق عجم

چشمه علی تپه

د) جام سفالین قرمز با نقش سیاه E. F. Schmidt Bull. University Museum of Pennsylvania vol 6-1936 . p. 82 pl. 3.

ه) ظرف سفالین خامه‌ای با نقش سیاه از کتاب بولتن موزه هنرهای زیبای بوستون مجلد ۳۳ ۱۹۵۵ لوحه ۶.

خوروین

لوحه ۱۵۳ الف-ب) ظرف سفالین نوک‌دار ظریف با رنگ قهوه‌ای خامه‌ای بلندی ۱۷۵ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.
ج) ظرف نوک‌دار بشکل اردک-رنگ خاکستری. بلندی ۶۵ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.
د) ظروف نوک‌دار. سفال آجری رنگ. بلندی ۱۶۴ و ۱۵۰ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.
ه) ظرف مخصوص برای نشانیدن شیر به بیچه. سفال سیاه. بلندی ۱۳۵ و ۱۵۵ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.
لوحه ۱۵۴ الف-ب) ظروف سفالین بشکل کفش رنگ نارنجی. درازی ۱۱۰ و ۱۲۰ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.
ج) ظرف سه پایه خاکستری. بلندی ۱۸۵ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.
د) ظرف سفالین بشکل پرند. خاکستری. بلندی ۱۲۵ میلیمتر. درازی ۱۸۰ میلیمتر. مجموعه ملی تهران.
ه) ظرف سفالین بشکل پرند خاکستری مایل بسیاه بلندی ۱۷۰ میلیمتر. درازی ۲۲۰ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.
و) ظرف سفالین بشکل پرند خاکستری مایل بسیاه درازی ۱۵۵ میلیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
لوحه ۱۵۵ الف) ظرف سفالین شبیه بشپیور-خاکستری مایل بسیاه قطر حلقه ۱۸۰ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.
ب) جام مربوط بانجام تشریفات مذهبی. پایه دار. خاکستری بلندی ۱۵۰ میلیمتر. قطر ۱۱۰ میلیتر. مجموعه ملکی تهران.

ج) ظرف سفالین بشکل حیوان-خاکستری. بلندی ۱۴۵ میلیمتر. درازی ۱۴۵ میلیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
د-ه) ظرف سفالین با شکم مکعب شکل و تزیینات بشکل سر قوچ. بلندی ۱۷۰ و ۲۰۰ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.
لوحه ۱۵۶ الف) مجسمه کوچک گلی. بلندی ۷۰ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.
ب-ج) مجسمه‌های کوچک برنزی (مجموعه ملکی تهران).
لوحه ۱۵۷ الف) خنجر برنزی با دسته مشبک. بلندی ۶۴ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.
ب) آینه‌های برنزی (مجموعه ملکی تهران).
ج) ظرف نوک‌دار از جنس برنز (مجموعه ملکی تهران).

پشند

لوحه ۱۵۸ الف) ظرف سفالین قرمز. مجموعه ملکی تهران.

چندار

ب تا ح) سفال خاکستری مایل بسیاه و اشیاء برنزی (مجموعه ملکی تهران).

درروس

لوحه ۱۵۹ الف) ظرف سفالین با نقش کنده شده. بلندی ۲۷۵ میلیمتر موزه تهران (عکس از رستمی).

قزوین

ب) جام نقره از دوران ساسانی. از کتاب ۱۲۴ الف ۲۱ اوت ۱۹۴۸ ص ۲۱۴ ش ۵.

مسره

(ج) سفال قرمز با نقش سیاه سبک سیلک دوم از کتاب : Eurasia Septentrionalis Antiqua vol. X 1936 fig 28.

قلعه دشت-ساوه

(د-و) ظروف سفالین خاکستری با نقش سیاه موزه تهران (عکس از رستمی).

(ه) ظرف سفالین بشکل حیوان با نقش کنده شده موزه تهران (عکس از رستمی).

نیسار

لوحه ۱۶۰ (الف) چهارطاق. بازساز. (عکس از رستمی).

(ب) چهارطاق. ساخته شده با سنگ های نتراشیده و گچ از آثار ایران بزبان فرانسه مجلد ۳ ۱۹۳۸ شکل ۱۰۳.

خورهه

ستون های ایونی از یک پرستشگاه سلوکی از کتاب : Herzfeld Arch. History. pl. LV

تپه سیلک

لوحه ۱۶۱ (الف) جام بزرگ سفالین پوست تخم مرغی رنگ با نقش سیاه بلندی ۱۸۰ میلیمتر. چینۀ ۱-۴ از کتاب گیرشمن. سیلک بزبان فرانسه لوحه ۳۸.

(ب) جام سفالین قرمز با نقش سیاه. بلندی ۹۰ میلیمتر. چینۀ ۲ از کتاب گیرشمن سیلک مجلد ۱ لوحه ۹ شماره ۳.

(ج) جام پایه دار قرمز با نقش سیاه بلندی ۱۰۸ میلیمتر. چینۀ دوم شماره ۲ از همان کتاب لوحه ۹ شماره ۵.

(د) جام پایه دار قرمز با نقش سیاه بلندی ۱۰۰ میلیمتر. چینۀ دوم شماره ۲ از همان کتاب لوحه ۶ شماره ۴.

(ه) آبخوری قرمز با نقش سیاه بلندی ۹۰ میلیمتر. چینۀ دوم شماره ۱ از کتاب فوق لوحه ۹ شماره ۱.

لوحه ۱۶۲ (الف) آبخوری های کوچک زمینه سفید با نقش سیاه بلندی ۵۰ و ۵۶ میلیمتر. چینۀ ۳ از همان کتاب لوحه ۱۲ شماره ۱.

(ب) آبخوری سفال سفید با نقش قهوه ای بلندی ۱۴ سانتیمتر. چینۀ سوم شماره ۲ از همان کتاب لوحه ۱۳ شماره ۲.

(ج) جام پایه دار سفال سفید با نقش سیاه بلندی ۱۱۰ میلیمتر از همان کتاب لوحه ۱۲ شماره ۴.

(د) جام پایه دار سفال سفید با نقش سیاه. بلندی ۱۶۸ میلیمتر. چینۀ سوم شماره ۲ از همان کتاب لوحه ۱۲ شماره ۳.

(و) آبخوری سفال سفید با نقش سیاه بلندی ۶۵ میلیمتر چینۀ سوم شماره ۳ از همان کتاب لوحه ۱۳ شماره ۲.

لوحه ۱۶۳ (الف) کوزه بزرگ- لعاب صورتی نقش سیاه بلندی ۵۰۰ میلیمتر. چینۀ سوم شماره ۴ از همان کتاب لوحه ۱۴ شماره ۱.

(ب) جام پایه دار سفالین زمینه خاکستری روشن با نقش سیاه. بلندی ۱۴۰ میلیمتر. چینۀ سوم شماره ۵ از همان کتاب لوحه ۱۴ ش ۲۰.

(ج) کوزه دهان گشاد زمینه خاکستری روشن با نقش سیاه. بلندی ۴۰۰ میلیمتر. چینۀ ۳ شماره ۵ از همان کتاب لوحه ۱۴ شماره ۲.

(د) کوزه دهان گشاد. زمینه خاکستری روشن. نقش سیاه. ارتفاع ۸۰ میلیمتر چینۀ ۳ شماره ۵ از همان کتاب لوحه ۱۴ شماره ۴.

(ه) آبخوری بزرگ. لعاب پشم شتری. نقش سیاه. بلندی ۳۰۰ میلیمتر. چینۀ ۳ شماره ۵ از همان کتاب لوحه ۱۵ شماره ۱.

(و) آبخوری. لعاب قرمز. نقش سیاه. بلندی ۱۷۵ میلیمتر. چینۀ ۳ شماره ۵ از همان کتاب لوحۀ ۱۵ شماره ۲.
لوحۀ ۱۶۴ الف) آبخوری. سبز رنگ. نقش سیاه بصورت برجسته. بلندی ۱۰۵ میلیمتر. چینۀ ۳ شماره ۷ از همان کتاب لوحۀ ۱۲ شماره ۷.

(ب) خمرۀ بزرگ. زمینۀ خاکستری مایل بسبز. نقش سیاه لعابی. بلندی ۷۵ میلیمتر. چینۀ ۳ شماره ۷ از همان کتاب لوحۀ ۲۱ شماره ۲.

(ج) جام سفالین پایه دار زمینۀ خاکستری روشن. نقش سیاه بلندی ۲۲۷ میلیمتر. چینۀ ۳ شماره ۷ از همان کتاب لوحۀ ۲ شماره ۲.

(د) جام سفالین پایه دار. زمینۀ سبز. نقش لعابی. بلندی ۲۷۰ میلیمتر. چینۀ ۳ شماره ۷-ب از همان کتاب لوحۀ ۲ شماره ۳.

(ه) آبخوری دهن گشاد. زمینۀ مفید. نقش سیاه. بلندی ۱۲۰ میلیمتر. چینۀ ۳ شماره ۷-ب از همان کتاب لوحۀ ۱۹ شماره ۱.

(و) دیزی سفالین. گردن دیزی تعمیر شده. زمینۀ خاکستری نقش سیاه. بلندی ۱۸۵ میلیمتر. چینۀ ۳ شماره ۷-ب از همان کتاب لوحۀ ۱۹ شماره ۴.

لوحۀ ۱۶۵ الف) سفال خاکستری مایل بسیاه از گورستان سیلک الف. از همان کتاب مجلد دوم لوحۀ ۲ شماره ۱ شماره ۱ و ۲ بشقاب دیواره بلند دسته دار با سر حیوان. بلندی ۶۵ میلیمتر. قطر ۱۸۰ میلیمتر. شماره ۳ فنجان بزرگ خاکستری مایل بسیاه. نقش قهوه ای. بلندی ۱۰۰ شماره ۴ و ۵ فنجان های بزرگ خاکستری مایل بسیاه. بلندی ۱۲۰ و ۱۰۰ میلیمتر.

(ب) سفال گورستان الف سیلک. از همان کتاب مجلد دوم لوحۀ ۳ شماره ۱ آبخوری بلند خاکستری مایل بسیاه. بلندی ۹۰ شماره ۲ ظرف سفالین سه پایه زمینۀ خاکستری مایل بسیاه بلندی ۱۵۰- شماره ۳ دیزی خالک قهوه ای لعاب قرمز نقش خاکستری. بلندی ۱۸۰ میلیمتر.

لوحۀ ۱۶۶ الف) سفال گورستان الف سیلک. از همان کتاب لوحۀ ۳ شماره ۴ تا ۷ و لوحۀ ۴ شماره ۱ تا ۳.
الف) سه پایه. زمینۀ خاکستری مایل بسیاه. بلندی ۱۳۰ میلیمتر.

(ب) سه پایه. زمینۀ خاکستری مایل بسیاه. روی پایه ها کنده کاری شده. بلندی ۱۱۰ میلیمتر.

(ج) جام پایه دار نوک دار باز بشکل سر حیوان. خاکستری مایل بسیاه بلندی ۱۰۰ میلیمتر.

(د) آبخوری. زمینۀ خاکستری مایل بسیاه. بلندی ۱۷۰ میلیمتر.

(ه) آبخوری با دو دسته. زمینۀ قرمز. بلندی ۲۸۰ میلیمتر.

(و) تنگ زمینۀ خاکستری مایل بسیاه. بلندی ۱۰۰ میلیمتر.

(ز) آبخوری با دو دسته. زمینۀ خاکستری لعاب قهوه ای. بلندی ۱۵۰ میلیمتر.

لوحۀ ۱۶۷ الف) سفال خاکستری مایل بسیاه از گورستان الف سیلک. از همان کتاب لوحۀ ۶ شماره ۴ تا ۶ و لوحۀ ۲ شماره ۱ تا ۶.

الف) آبخوری دسته دار و پایه دار. بلندی ۱۷۵ میلیمتر.

(ب) آبخوری پایه دار و دسته دار بلندی ۱۹۰ میلیمتر.

(ج) آبخوری دسته دار و پایه دار. بلندی ۱۵۵ میلیمتر.

(د) تنگ کوچک سه پایه. بلندی ۸۰ میلیمتر.

(ه) تنگ. بلندی ۳۲۰ میلیمتر.

(و) تنگ. بلندی ۲۷۰ میلیمتر.

(ز) کوزه با نقش کنده شده و تکمه دار.

(ح) کوزه. بلندی ۴۰۰ میلیمتر.

(ت) کوزه. بلندی ۱۸۰ میلیمتر.

(لوحه ۱۶۸) سفال منقوش گورستان ب سیلک.

(الف) ظرف دسته دار و نوک دار شبیه بقوری. گل خاکستری. نقش شرابی. بلندی ۱۷۰ میلیمتر از همان کتاب لوحه ۱۰ شماره ۴.

(ب-ج) نظیر ظرف بالا. گل زرد. نقش شرابی. بلندی ۱۵۰ میلیمتر از همان کتاب لوحه ۱۰ شماره ۱ و ۲. (لوحه ۱۶۹) سفال گورستان ب سیلک.

(الف تا و) ظروف سفالین نوک دار و دسته دار شبیه بقوری رنگ شرابی. بلندی ۱۲۵-۱۳۰-۱۶۰-۱۴۵-۱۱۰-۱۶۵ میلیمتر. از همان کتاب لوحه ۹ شماره ۱ تا ۶.

(ز تا ح) از همان ظروف قرمز رنگ. بلندی ۱۳۰-۱۱۵ از همان کتاب لوحه ۱۲ شماره ۱ و ۲. (لوحه ۱۷۰) سفال گورستان ب سیلک.

(الف-ب) از همان ظروف زمینه خاکستری مایل بسياه. بلندی ۱۱۰-۱۱۵ میلیمتر. از همان کتاب لوحه ۱۲ شماره ۵ و ۶.

(ه تا ح) از همان ظروف با نوک پهن. رنگ شرابی. بلندی ۱۳۰-۱۷۰-۲۲۵-۱۷۰ میلیمتر از همان کتاب لوحه ۱۳ شماره ۱-۲-۴-۵.

(لوحه ۱۷۱ الف) سفال منقوش گورستان ب سیلک. از همان کتاب لوحه ۱۵ شماره ۱ و ۲ جام های سفالین دسته دار با نقش سر حیوان رنگ شرابی. بلندی ۶۵۰ تا ۷۵۰ میلیمتر شماره ۳ جام بلندی ۷۰ میلیمتر شماره ۴ ایضاً بلندی ۷۰ میلیمتر. شماره ۵ و ۶ همان نوع ظروف بلندی ۶۵۰ میلیمتر شماره ۷-۸-۹ آبخوری پایه دار گل خاکستری رنگ شرابی بلندی ۸۵۰-۹۵۰-۱۰۰۰ میلیمتر.

(ب) سفال گورستان ب سیلک. از همان کتاب لوحه ۱۶ شماره ۱ تنگ شبیه به آفتابه بلندی ۱۱۰ میلیمتر شماره ۲ لوله هنگ بلندی ۱۰۰ میلیمتر. شماره ۳ همان ظرف قرمز رنگ بلندی ۱۴۰ میلیمتر.

(لوحه ۱۷۲ الف) آبخوری های کوچک لوله دار با نقش شیاردار و رنگ شرابی بلندی ۷۰-۹۰-۷۵-۱۰۵-۸۵-۹۰-۹۵ (لوحه ۱۷۳ الف) سفال گورستان ب سیلک. از همان کتاب لوحه ۱۷.

(ب) سفال سیاه گورستان ب سیلک از همان کتاب لوحه ۱۶ شماره ۱ فنجان بزرگ خاکستری رنگ شرابی بلندی ۱۱۰ شماره ۲ همان ظرف بلندی ۱۲۵ میلیمتر. شماره ۳ همان ظرف بلندی ۱۳۰ میلیمتر.

(لوحه ۱۷۳ الف) سفال گورستان ب سیلک از همان کتاب لوحه ۲۰.

شماره ۱ پیله سوز نقش سیاه تکمه دار بلندی ۳۵ میلیمتر.

۲-۴ فنجان- بلندی ۹۰ و ۱۹۰ و ۱۵۰ میلیمتر.

شماره ۵ پیه سوز بلندی ۷۰ میلیمتر.

« ۶ تنگ کوچک بلندی ۷۵ میلیمتر.

« ۷ پیه سوز بلندی ۹۵ میلیمتر.

« ۸ پیه سوز سه پایه بلندی ۱۲۰ میلیمتر.

« ۹ پیه سوز دسته دار بلندی ۷۵ میلیمتر.

ب) ظرف دوقلو مرکب از یک پیه سوز دسته دار که در پهلوی آن سه حقه سفالین وجود دارد. گل سیاه. بلندی ۱۲۰

میلیمتر. از همان کتاب لوحه ۱۹ شماره ۳.

ج) ظرف سفالین بشکل پرند گل زرد رنگ شرابی بلندی ۱۱۵ درازی ۱۱۰ میلیمتر. از همان کتاب لوحه ۲۱ شماره ۳.

فهرست نام مکان ها

		الف	
۴۶	اونار		آب پرده
۵۷-۵۶-۵۵	اهواز	۳	آتشکده
۶۵-۶۱	ایذه	۴۸	آتشکوه
۶۸-۶۷	ایوان کرخه	۱۲۵	آخور رستم
		۴۶	آذربایجان
	ب	۱۱۴ تا ۱۲۰	آقای اولر
۴۶	باغ بد	۱۳۰	آق تپه
۹۴	باغ لیمو	۱۴	آنو
۹۵-۹۳	بتکی	۱۶-۱۴	آوه
۶۷-۶۶	بختیاری	۱۲۴	ایرج
۹۵	بدآور	۲۸	ابوالوردی
۶۶	برد نشانده	۲۳	اراک
۵۲	برم دلک	۱۲۴	اردکان
۶۷	بذوقت یا باز رفت	۵۸-۵۷	ارومیه
۹۸-۹۷	بروجرد	۱۱۶-۱۱۵	استخر
۱۹	بستک	۴۱-۲۳	استرآباد
۹۸	بغداد	۸-۷	اسدآباد
۱۸-۱۷	بلوچستان	۱۴ تا ۷	اشک آباد (عشق آباد)
۴۲	بلوک توابع ارسنجان	۱۴	اشکفت سلمان
۴۲	بلوک خفرک علیا	۶۳	اشنویه
۴۶-۴۱	بلوک خفرک سفلی	۱۱۸	اصفهان
۴۵-۴۲	بلوک رامجرد	۱۳۴-۱۲۵-۶۷	اطاق فرهاد
۴۲	بلوک کربال	۱۰۳	اکباتان (هکمتانه)
۴۶-۱۹	بلوک کفر (احتمالا خفر-م.م)	۱۱۰ تا ۱۰۸-۹۷	البرز
۴۱	بلوک کمین	۱۳۲-۱۴-۳	الوند
۱۹	بلوک کوار	۱۰۸	الیستر
۴۲	بلوک مروداشت	۹۵-۹۴-۹۲	اندرت زو
۴۴-۱۸-۱۸-۱۶	بمپور	۱۵-۱۴	اورارتو
۵۳-۱۸	بندر بوشهر	۱۱۸	
۶۸	بندر دیلم		

۹۷	تپه بحرین	۱۹	بندر عباس
۹۰	تپه بدهوره یا بدخوره یا بادخوره	۶۷	بندر گرگر
۹۴	تپه جعفر آباد	۱۹	بندر لنگه
۹۰-۹۰	تپه جمشیدی	۶۷	بند محمد علی میرزا
۸۴	تپه جوی	۶۷	بند میان
۸۴	تپه بندبال	۴۶-۴۱	بوانات
۸۴-۸۳	تپه بولجیه	۶۸-۶۰	بهبهان
۸۴-۸۳	تپه بوحلان	۳	بهبهر
۱۶-۱۴ تا ۱۰-۹-۸	تپه حصار	۱۰	بیانجان
۸۶	تپه خزینه	۱۰	بیرجند
۸۴	تپه دویسیه	۱۱۸-۱۱۱-۱۱۰-۱۰۶-۹۷-۳	بیستون
۹۷	تپه زاغه	۱۳۴-۵۹-۵۷-۵۴	بیشاپور
۱۷	تپه سرخ داغ	۱۷	بیست
-۱۱۷-۱۱۶-۹۰-۸۷-۷۶-۴۴-۴۲	تپه سیلک	پ	
۱۳۴ تا ۱۲۶-۱۲۵-۱۲۴-۱۲۲		۹۷	پاپله
۸۶	تپه علی آباد	۱۳۵-۶۷-۶۶-۵۸-۴۷-۴۱-۲۴ تا ۲۱	پازارگاد
۸۷	تپه غلام	۶۷	پای پل
-۹۴-۹۳-۹۱-۹۰ تا ۸۴-۶۳-۴۴-۱۸	تپه گیان	۹۴-۸۷	پشت کوه
-۱۲۴-۱۱۸-۱۱۶-۱۱۵-۱۰۵-۹۶-۹۵		۱۲۳	پشند
۱۳۵-۱۲۵		۹۶	پل آب برده
۸۶	تپه محمد جعفر	۵۹	پل برین
۸۶	تپه مراد آباد	۹۶	پل خسرو
۸۶-۸۴-۱۸	تپه موسیان	۹۶	پل دختر
۱۲۱	تپه میل	۹۶	پل سفله
۸۴	تپه هلویماش یا حلویماش	۹۶	پل شاپور
-۶۵-۵۸-۴۱-۳۷ تا ۲۷	تخت جمشید (پرسپولیس)	۲۲	پلوار
۱۳۵-۱۰۸		۱۰۹	پیراوند
۲۴	تخت رستم	۱۰۹	پیر غیب
۱۲۱	تخت رستم شهریار	۱۸	پیرکنار
۱۱۷	تپه سلیمان	۹۴	پیشکوه
۲۳	تخت طاووس	ت	
۲۲۱	تپه کیکاووس	۹۴	تایخان
	تخت مادر سلیمان (به کلمه پاسارگاد مراجعه شود)	۱۱۸-۱۱۷	تاش تپه
۵۰	تخته نشین	۱۲۰	تاش کپرو

۵۱	تنک آب	۱۵	ترت حیدری
۵۹	تنک برین	۹۴	ترخان
۵۶	تنک پیدا	۱۴	ترکستان
۲۰	تنک چک چک	۳	تریجان
۶۱-۶۰	تنک سروک	۱۸	تل ابلیس
۲۷	تنک شاه سروان	۶۴	تل باومحمد
۴۸	تنک کرم	-۷۴-۶۰-۵۸-۴۲-۳۷-۱۸	تل بکون
۸	تورنگ تپه	۸۸-۷۵	تل تیموران
۵۸	تولسپید	۴۵-۴۴-۴۲-۴۱	تل جری
۱۲۰	تلو	۴۲-۴۱	تل جلاباد
۵۳	تون سبز	۴۵	تل حسنک
۱۲۳-۱۲۲-۱۲۱-۹۸	تهران	۶۰	تل خری
۱۷	تیز	۲۳	تل دروازه
ج		۴۴	تل ذروازه سروستان
		۴۷	تل ریگی خسو
۵۳	جره	۴۷	تل ریگی کمال آباد
۷۷	جمدت نصر	۴۷	تل ریگی مادوان
۱۲۰	جنو	۴۷	پل زهاب
۶۷	جندی شاپور	۱۰۲	تل سکو مادوان
۱۹	جوون (جویم)	۴۷	تل سنگ سیاه
۴۷-۱۹	جهرم	۴۷	تل سیاه فسا
۸۷	جیباب بن روان	۴۷	تل سیاه مادوان
۱۸	جیرفت	۴۷	تل شغا
۵۸	جین جین	۴۴-۴۳-۴۱	تل ضحاک
چ		۲۱۲-۱۳۵-۶۵-۴۷	تل طاووس
		۴۷	تل غزیر
۱۲۱	چاشت خوار	۶۸	تل قلعه
۶۷	چال ترخان	۴۴-۴۲	تل کفتری
۱۷	چالوس	۴۳	تل کمین
۱۲۱-۱۲۰	چاه بهار	۴۴-۴۳-۴۲	تل گرد اردکان
۹۵	چشمه علی تپه	۵۸	تل گود رحیم
۵۴	چغابال	۴۷	تل گورپیا
۹۵	چغابردینه	۶۰	تل مشکي
۹۵	چغابهن رویشکان (رامشکان)	۴۳-۴۲	تل نخودی
۹۷	چغا پهن (کوه‌دشت)	۲۳	تلیاب
۱۳۴-۷۲ تا ۶۸	چغا پیش	۹۶	تمتما
۹۵	چغا زنبیل	۱۱۷-۳	
	چغا سای		

۱۸	داسین	۹۴-۹۳	چغا سبز رومیشگان
۱۱۷	داور زغازی	۹۴	چغا سبز سیمره
۱۲۳	درروس	۹۵	چغا کبود
۹۶	در شهر (دره شهر)	۱۲۳	چکندر (چندر)
۹۷-۸۸-۶۸-۶۷	دزفول	۶۰	چهارده
۸۷	دشت غلام	۹۸	چهار قاپو
۱۳۴-۱۰۷-۱۰۲	دکان داوود		
۹۴	دلفان	۵۹-۲۷	حاجی آباد
۱۲۵	دلیجان	۱۲۰	حسن زمینی
۱۲۲	دساوند	۱۳۳-۱۲۳-۱۱۸-۱۱۶-۱۱۵	حسنلو
۹۶-۹۳	دساویزه	۱۰۰	حوش گری
۲۰	دوبوران		
۴۷	دوتلان	۹۳	خاتون بان
۱۲۰	دوخلیان	۵۳	خارک
۹۷	دورود	۱۱۹	خان تخته (خان تختی)
۶۰	دوگنبدان	۹۴-۸۷	خاوه
۴۶	دولت آباد	۱۵-۱۴	خراسان
۴۷	ده بید	۷	خرگوش تپه
۱۸	ده قاضی	۹۷-۹۳-۹۲-۸۷	خرم آباد
۵۹	ده نو	۱۹	خفر (درستن: کفر)
۱۰۴	ده نو کرمانشاه	۱۱۴	خلیل دهیل
۱۹۱	دی بیده	۱۹	خنخ
۱۰۲	دیر	۱۲۲	خواجه داود کپرو
۱۱۴-۴۴	دینخا	۴۸	خور
۱۱۰	دینور (دیناور)	۱۸	خوراب
		۱۲۴-۱۲۳	خورون
		۱۳۵-۱۲۴	خورمه
۱۵	رام رود	۹۵ تا ۸۶	خوزستان
۱۷	رام شهرستان	۱۵-۳	خونیک
۶۸	رام هرمز	۶۰	خیرآباد
۱۴	راناغوندی	۱۸	خینمان
۱۴	رباط سفید		
۱۲۰	رزگور	۱۱۷-۱۰۷-۵۹	داودختر (دایه و دختر)
۲۰-۱۹	رستاق	۴۸-۴۷-۱۹	داراب
۵-۳	رستم قلعه	۴۶-۱۹	دارابگرد
		۱۴-۱۰	دامغان

۹۶-۹۴-۹۳	سیمره (صیمره)	۱۱۸-۱۱۶-۱۱۵	رضائیه
۵۸	سیه تلو	۱۱۸	رواندوز
		۱۵	رود بیابان
	ش	۴۱-۲۸	رود کور
۱۲۰	شا گلادره	۹۵-۹۴-۹۳	رومیشگان
۶۷	شاه آباد	۱۳۵-۱۲۲-۱۲۰	ری
۱۱۸	شاهپور	۵۳	ریشهر
۹-۸	شاه تپه بزرگ		ز
۱۸	شاه تمپ	۱۰۹	زالوآب
۱۵	شاه محمد رضا	۴۱	زرغون
۱۹	شاه نشین	۱۰۲	زهاب
۹۵	شغا کیود	۱۳۴-۱۱۴-۱۱۰	زیویه
۶۶۷	شمار		س
۱۳۵-۶۵-۶۵	شمی		ساری
۱۲۳	شمیران	۷-۶	ساوه
۷۱-۱۸ تا ۸۳-۸۴-۸۶-۸۷-۹۴	شوش	۱۲۴-۱۲۰	سرآب کلان
۱۳۵-۱۰۳-۱۰۲		۹۶	سرآب بهرام
۶۸-۶۷	شوستر	۵۷	سرآب دره
۱۸	شهر دراز	۹۷	سرآب سیاه
۱۲۲	شهرستانک	۵۹	سرآب سیه
۱۵	شهر سوخته	۵۹	سرخ دم
۱۲۱	شهریار	۹۴-۹۳	سرپل
۶۳	شهسوار	۱۰۳ تا ۹۰۸-۱۰۲	سر مشهد
۶۳	شیخ علی	۵۹-۵۲	سروستان
۵۴-۵۱-۴۶-۴۵-۴۱-۲۰-۱۹	شیراز	۴۸-۴۷-۴۰	سقز
۱۴	شیر شیان	۱۱۵-۱۱۰	سکاوند
۹۵	شیر شغا	۱۰۴	سقین دل
۱۲۰	شیر شیر	۱۱۸	سلدوز
۹۶	شیروان	۱۱۴	سلطان آباد
	شینز (به تخت سلیمان مراجعه فرمایند)	۱۲۴	سلماس
۱۵	شیرلا	۱۲۰-۱۰۸	سلوکیه
	ص	۹۷	سنندج
		۱۰۷	سوتکگین دور
۱۰۹	صائین قلعه	۴۴	سیستان
۱۳۴-۱۰۸-۱۰۷	صحنه	۱۷ تا ۱۴	

۲۰	قلعه بهمن	ط	
۱۰	قلعه دختر باز هور		طارم
۱۳۲	قلعه دختر-شهرستانک	۱۹	طاق بستان
۴۸	قلعه دختر فسا	۱۰۵ تا ۱۰۲	طاق گرا
۵۱	قلعه دختر فیروزآباد	۱۰۲	طالبش
۱۲۴	قلعه دختر قم	۱۲۱-۲۰-۹۱	
۱۲۴	قلعه دشت	غ	
۹۵	قلعه گوری	۳	غار رستم قلعه
۹۶	قلعه هزاردر	۳	غار علی تپه
۱۰۴	قلعه کهنه	۳	غار کله
۲۰	قلعه نو	۳ تا ۵	غار کمر بند
۶۱	قلعه تول	۳ تا ۵	غار هوتو
۱۶	قلعه گرد	ف	
۱۲۴	قم	۴۸ تا ۲۰	فارس
	ك	۴۶	فالونک
۶۸-۶۷-۶۰	کارون	۵۸-۵۷	فهلان
۱۹	کاریان	۱۳۴-۱۱۷	فخریکاه (فخراکاه- فقره قا)
۵۹	کازآباد	۱۱۷	فرا آسپا
۵۳	کازرون	۵۳	فراش بند
۱۲۵-۱۲۴-۱۲۰	کاشان	۱۰۶	فرهاد و شیرین
۱۵	کال چنگال	۴۸-۴۷	فسا
۴۲-۱۸	کتوکان	۱۷	فروش
۱۲۲	کرج	۲۰-۱۹	فرگ
۶۷-۶۰	کرخه	۵۳-۵۱ تا ۴۷-۴۱-۱۹	فیروزآباد
۱۱۵ تا ۹۷	کردستان	۱۹	فیشور
۱۶۹-۱۱۱	کرفتو	ق	
۱۷	کرکو		
۱۸	کرمان	۱۵	قاین
-۱۰۵-۱۰۳-۹۸-۹۷-۹۶-۹۴-۸۷	کرمانشاه	۴۷	قدمگاه
۱۱۴-۱۱۰-۱۰۷		۵۳	قرا
۹۷-۹۶	کشکان	۱۳۵-۱۲۳-۱۲۲	قزوین
۴۸	کشو	۱۳۵-۵۲-۵۱	قصر ابونصر
۵۸-۲۷-۲۴	کعبه زردشت	۹۸	قصر شیرین
۷ تا ۵	کلاردشت	۱۷	قصر قند
۱۱۷	کلارزاغی	۱۳۲	قلعه بان

۱۴ تا ۷	گرگان	۱۰۲	کل داوود
۵۳	کمیذ	۶۳-۶۲	کل فرا
۱۰۸	گنج‌نامه		کل فرعون (به کل فرا مراجعه فرمایند)
۴۸	گور	۱۸	کلشین (کیلشه‌شین)
۱۱۵-۱۱۷ تا	گوی تپه	۱۸	کلی مهی
۵۷	گویم	۹۳	کمترلان
۹۵	گیرآبران	۴۷	کناکان
۷ تا ۳	گیلان	۱۳۴-۱۲۴-۱۱۰-۱۰۷-۱۰۶	کنگاور
۸۷	گیلویران	۱۹	کور
		۵۸-۵۷	کورانگون
۱۵	لاخی اسپور	۹۵-۹۴	کوزه گران
۲۰ تا ۱۸	لارستان	۹۵	کوش ماهوی
۱۹	لار (فارس)	۱۰۹	کوشک قلعه
	لار (مازندران) (لار در مازندران نیست و از قدیم جزء	۴۱-۲۷	کوه استخر
۱۲۲-۳	ری بوده است م.)	۵۹	کوه اوناری
۱۱۹	لالوار	۴۵-۴۱	کوه ایوب
۱۱۴	لایجان	۴۱	کوه پل خان
۶۶	لالی	۵۷	کوه پیرمرد
۱۲۰	لرداخی	۴۱-۲۷-۲۵	کوه حسین
۹۷ تا ۸۷	لرستان	۴۸	کوه خرمان
۱۲۰	لنکران	۱۳۵-۱۶	کوه خواجه
۵۳	لیان	۹۵-۹۳-۹۳	کوه دشت
		۴۶-۳۸-۳۱-۳۰-۲۴	کوه رحمت
	مادر سلیمان (ر.ک. پاسارگاد)	۴۶-۴۱	کوه زاغه
۴۷	مادوان	۱۱۷	کوه زاغی
۷ تا ۳	مازندران	۴۶-۴۱	کوه زیدون
۱۱۹-۸۳	ماکو	۴۸-۴۱	کوه سروی
۶ تا ۶۱	مال امیر	۴۱	کوه قلعه
۹۶	ماهی دشت	۱۲۵	کوه کرکس (گرگیش)
۲۳	مبارک آباد	۸۷	کبیر کوه
۱۲۴	محلات		
۲۰	محلہ چه	۱۷	گاه
۴-۳	محمد آباد	۱۱۴	گرد حسنعلی
۴۷	مدان	۲۰	گردنه ییزن

گ

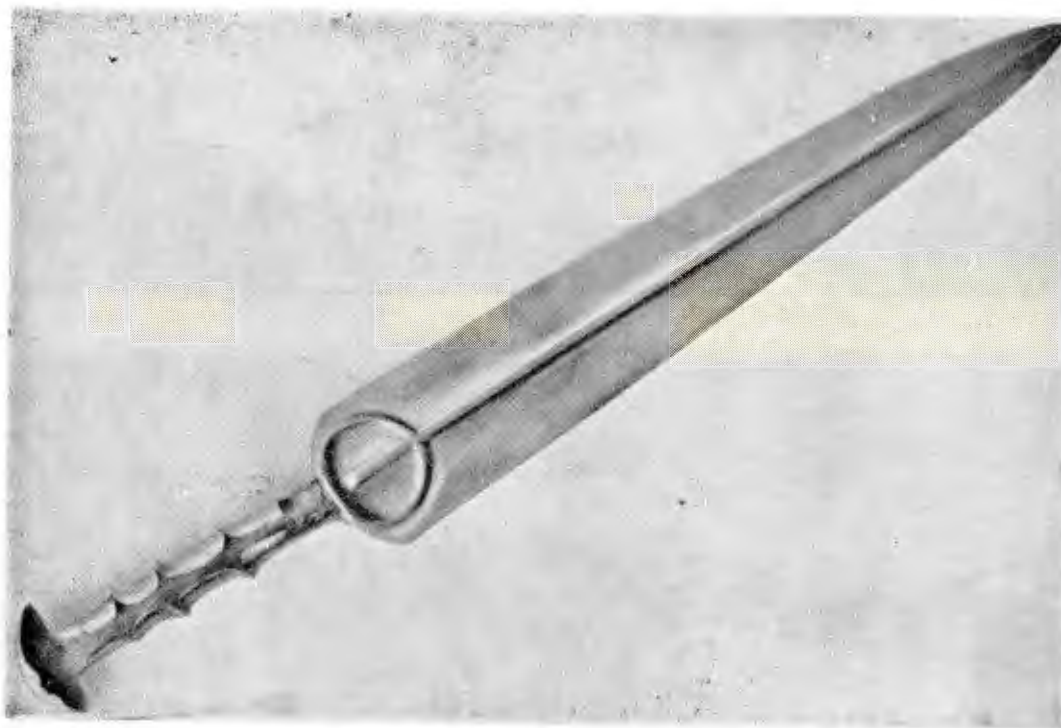
۱۴	نمازگاه تپه	۴-۲۷	مرودشت
۱۳۵-۹۱-۹۰-۸۷	نهاوند	۶۶-۶۵	مسجد سلیمان
۱۲۵	نیاسر	۴	مسره
۴۷-۴۱	نیریز	۱۵	مشهد
۱۳۵-۱۵	نیشابور	۱۵	مشی
۱۲۵	نیمور	۴۶	مقصود آباد
۵۸-۵۷-۲۷-۲۳	نورآباد	۲۰	منشور آباد
		۹۶	منوچهر آباد
و		۱۸	مولا
۱۲۰	و جالیک	۵۲	مهارلو
۱۲۳	وراسین	۱۱۷	میانه
۴۷	وکیل آباد	۱۱۷	میرآباد
۱۲۰	ویری	۹۳	میر ولی
		۵۷	میل جاهان میل آزاد؟
ه		۵۷	میل ازدها
		۹۵	موئیلیک
۱۷	هامون		ن
۹۷-۹۳-۹۲-۸۷	هرمین		نادعلی
۱۸	هرموز	۱۷	نمکین
۱۰۰	هلوان	۱۱۹	نریشان
۹۴-۹۵	هلیلان	۱۴	نازلو
۱۸	هلیل رود	۱۴	نطنز
۱۱۱-۱۱۰ تا ۱۰۸-۸۷	همدان	۱۲۵	نظام آباد
۱۰۱	هورین شیخ خان	۱۲۶-۱۲۱	نقش بهرام
۶۴	هونک نوروزی	۵۶	نقش رستم
۱۴	هیرسند	۸۷-۵۹-۵۸-۴۱-۲۴-۲۲	نقش رستم داراگرد
۱۲۰	هیویری	۱۸	نقش رجب
		۵۹-۲۵-۲۴	

لوحه ها

از شماره

۱ تا ۱۷۳

کلاردشت



به صفحه ۰ مراجعه شود

کلاردشت



الف



ب

بصفحه ۶ مراجعه شود

کلاردشت



ب



الف

دماوند



د



ج

کلاردشت



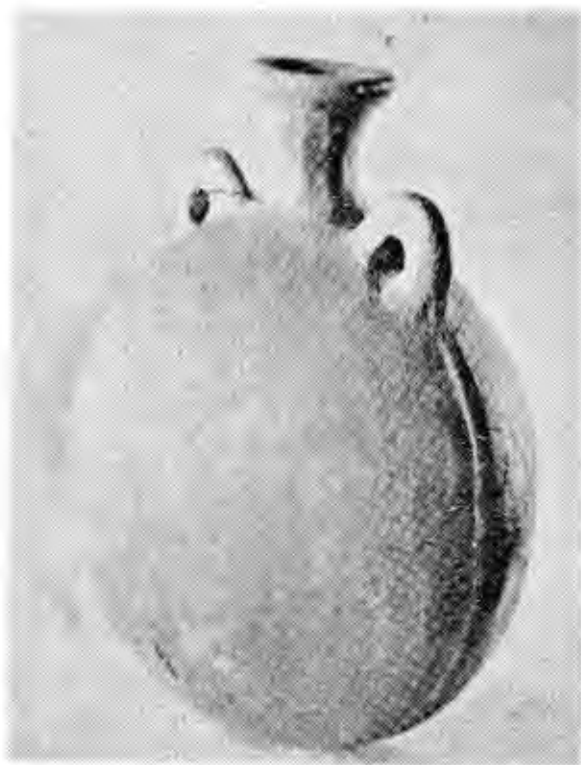
الف



ب



ج



د

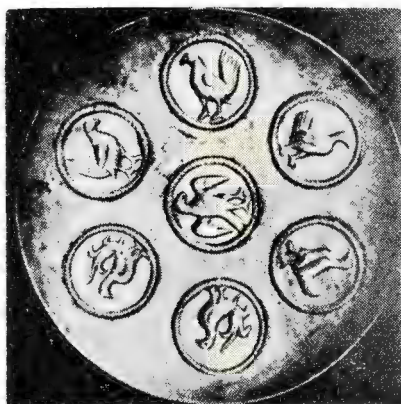
کلاردشت



ب



الف



ج



هـ



د

بصفحة ۶ مراجعه شود

کلاردشت



ب



الف



د



ج

بصفحه ٦ مراجعه شود

مازندران



ب

ساری



الف

مازندران



د



ج

بصفحة ۷ مراجعه شود



ب



الف



د



ج



و

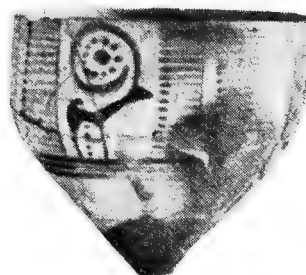


هـ

تپه حصار



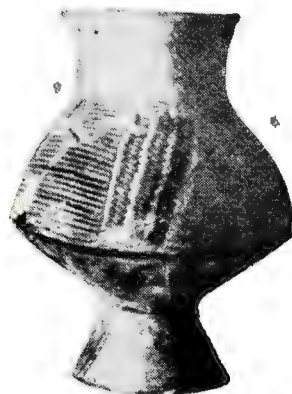
ب



الف



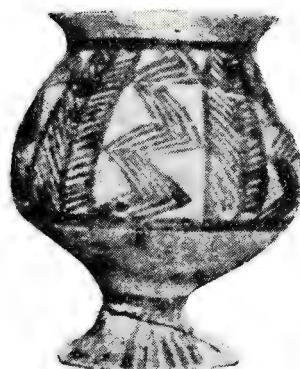
د



ج



و



هـ

تپه حصار



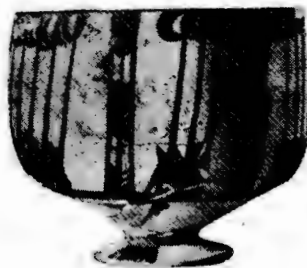
ب

الف



د

ج



و

هـ

بصفحة ١٣ مراجعه شود



ب



الف



د

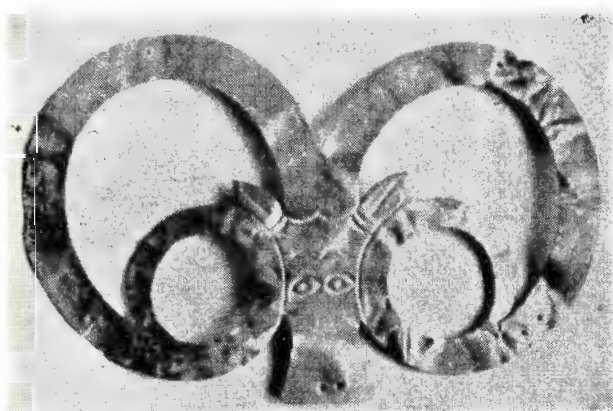


ج

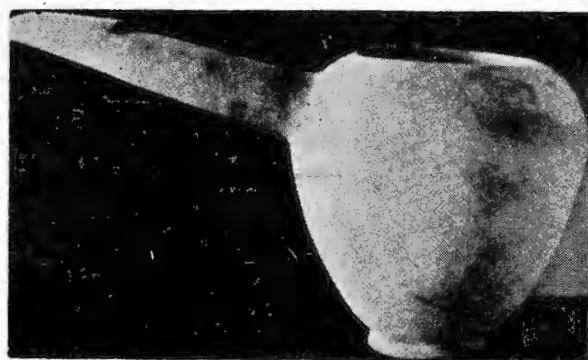
تپه حصار



الف



ج



ب

بصفحة ۱۴ و ۱۳ مراجعه شود

تپه حصار



ب



الف



ج

بصفحه ۱۳ مراجعه شود

تپه حصار



الف



ج



ب

بصفت ١٤ مراجعه شود

قلعه دختر باز هور



ب

محمد آباد



الف

کوه خواجه



ج

بصفحه ۱۴ تا ۱۶ مراجعه شود

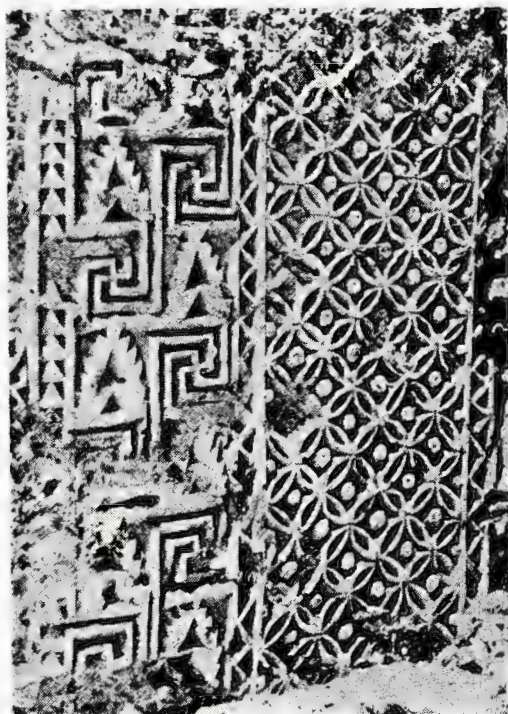
کوه خواجه



ب.



الف



ج

به صفحه ۱۶ و ۱۷ مراجعه شود



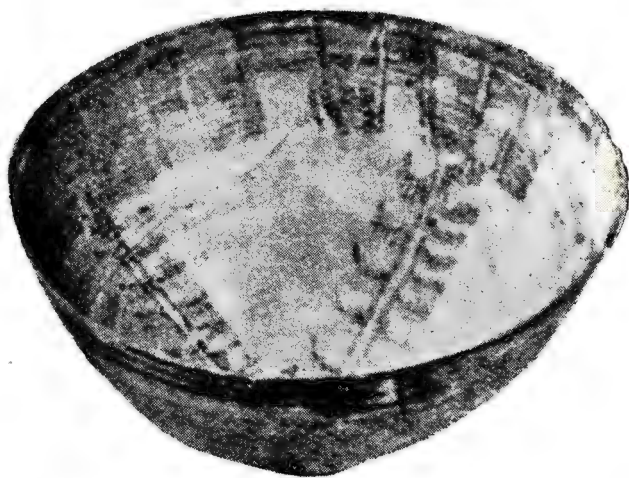
ب



الف



د



ج



و



هـ

خوراب



الف



ب



ج



د



هـ



و

تنگ چک چک ، فرك



الف



ب

بصفحة ۲۰ مراجعه شود

محله چاه فیشور



الف



ب

بصفحة ۹ مراجعه شود

پاسارگاد



الف



ب

بصفحة ۲۱ مراجعه شود

پاسارگاد



الف



ج



ب

بصفحة ۲۲ مراجعه شود



ب



الف



ج

به صفحه ۲۲ مراجعه شود

پاسارگاد



الف



ب



ج



د

تخت رستم



الف

نقش رجب



ب

بصفحة ۲۵۹ و ۲۶۰ مراجعه شود

نقش رجب

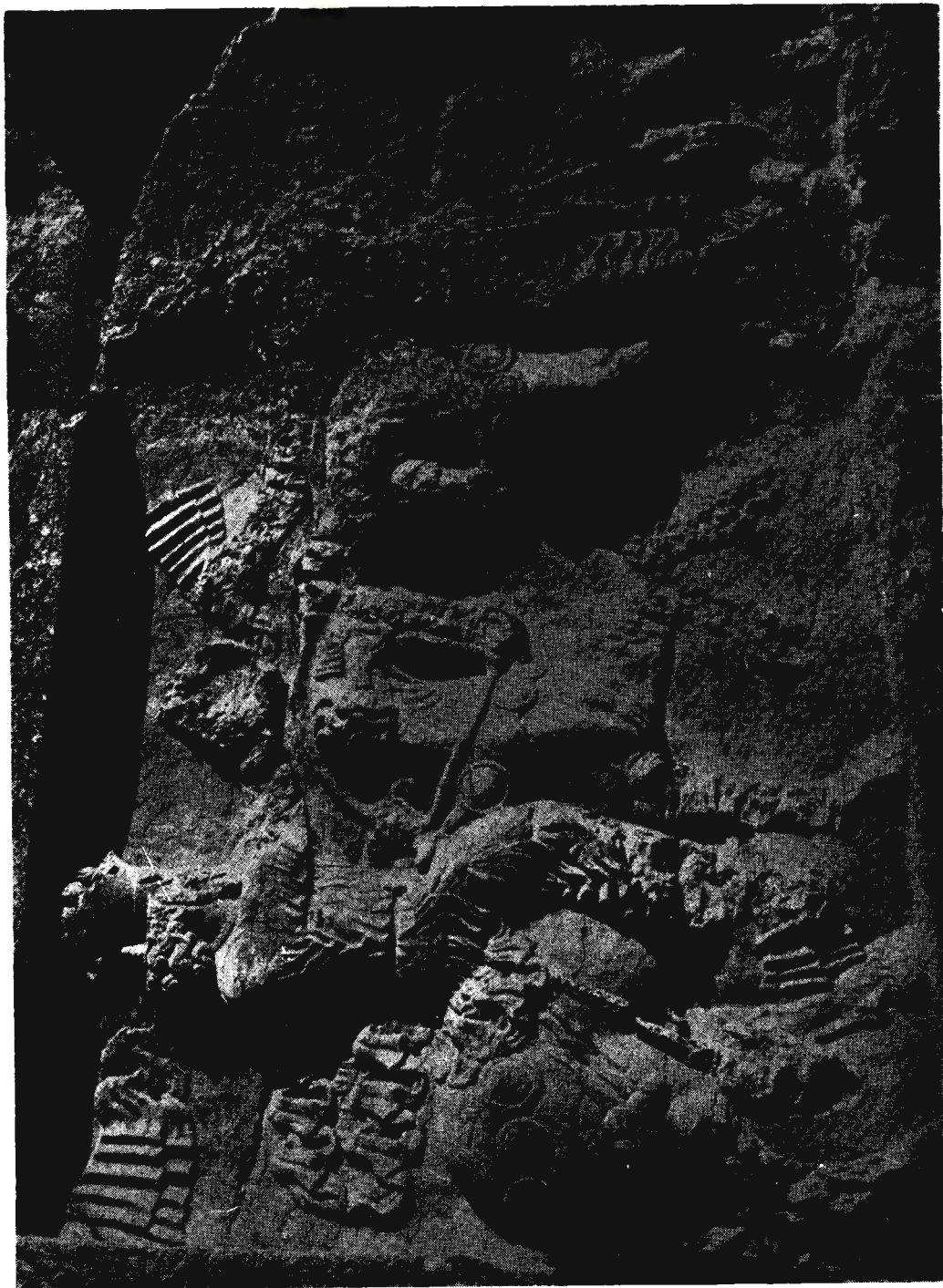


الف



ب

نقش رجب



نقش رستم



الف



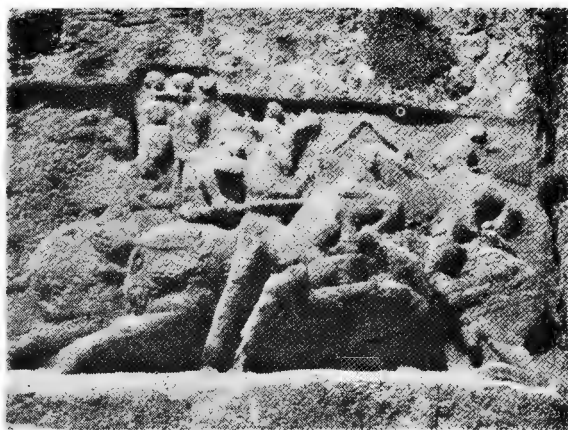
ج



ب

بصفحه ۲۰ مراجعه شود

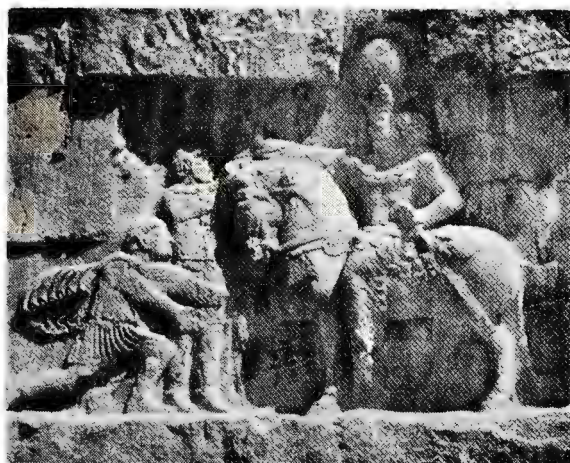
نقش رستم



ب



الف



د



ج

بصفحه ۲۶ و ۲۷ مراجعه شود

نقش رستم



ب



الف



ج
به صفحه ۲۰ مراجعه شود



الف



ج



ب

تخت جمشید



الف



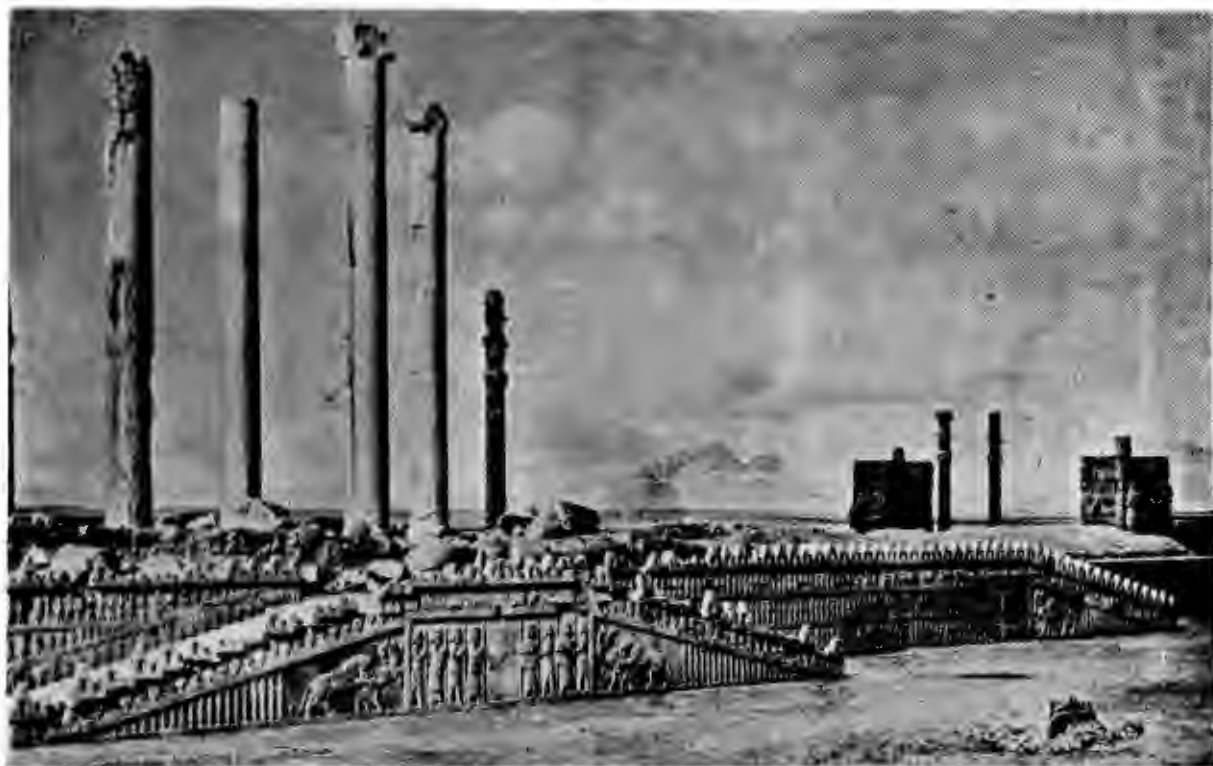
ج



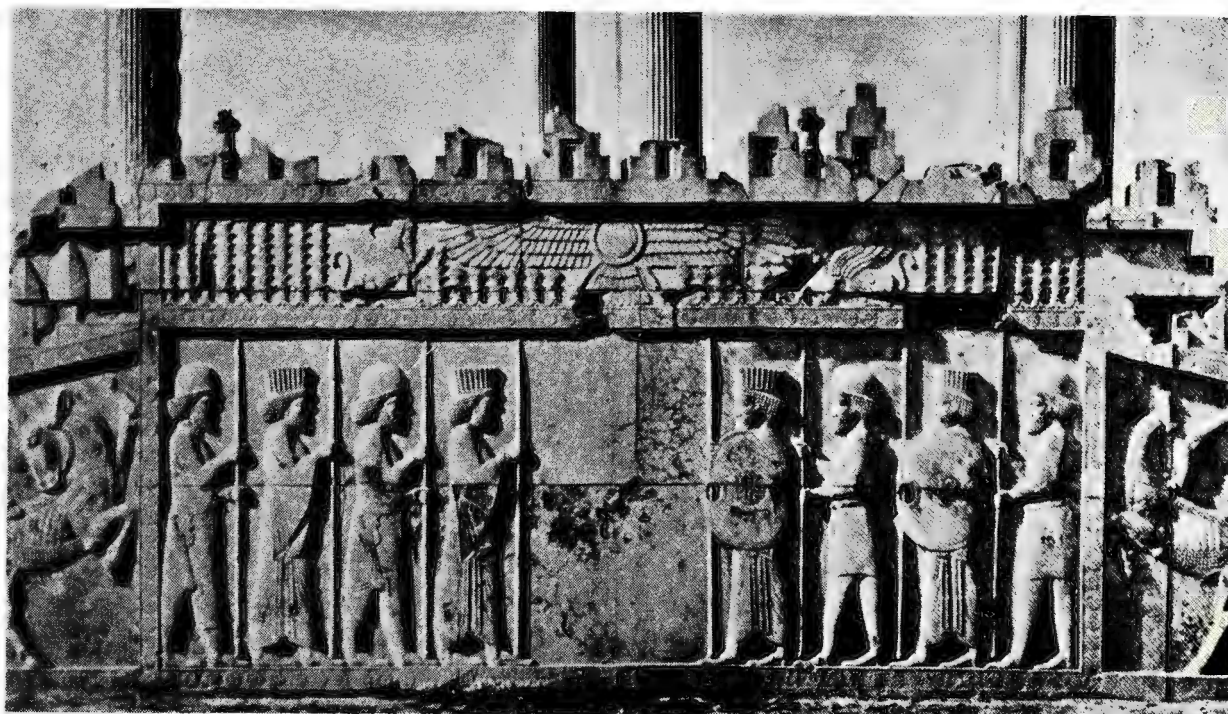
ب

بصفحة ۲۸ و ۳۷ مراجعه شود

تخت جمشید



الف



ب

تخت جمشید



الف



ب



ج

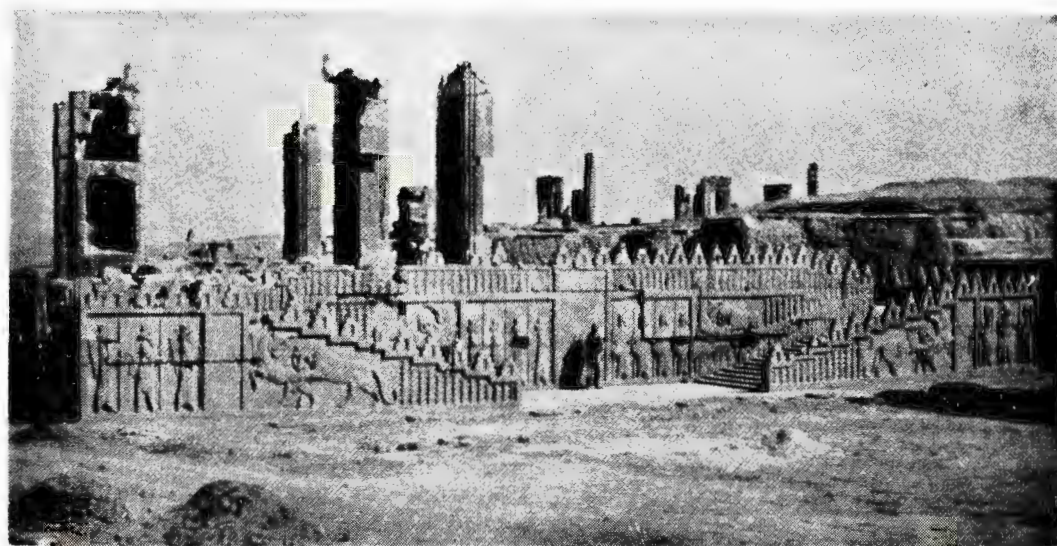
بصفحه ۳۲ و ۳۳ مراجعه شود



الف



ب



ج
بصفحة ۳۳ و ۳۴ مراجعه شود

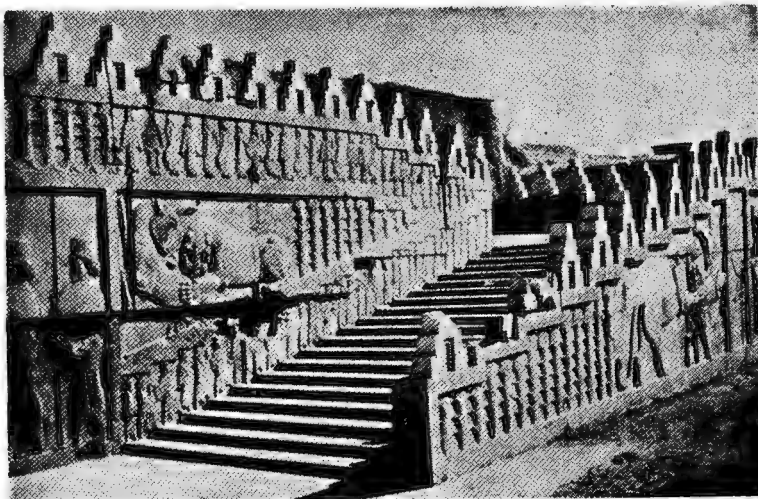
تخت جمشید



الف



ب



ج

بصفحه ۳۴ مراجعه شود

تخت جمشید



الف



ب

بصفتحه ۳ ع مراجعه شود

تخت جمشید



الف

بصفحه ۳۴ مراجعه شود

تخت جمشید



الف

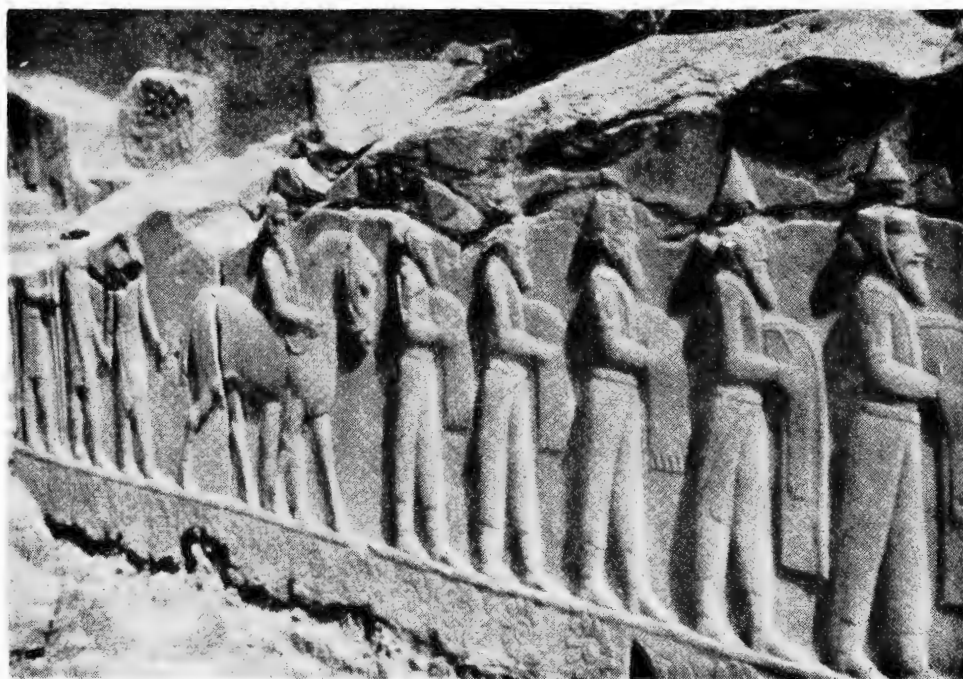


ب

تخت جمشید



الف



ب

بصفحة ٣٤ و ٣٥ مراجعه شود

نخت جمشید



الف



ب



ج

تخت جمشید



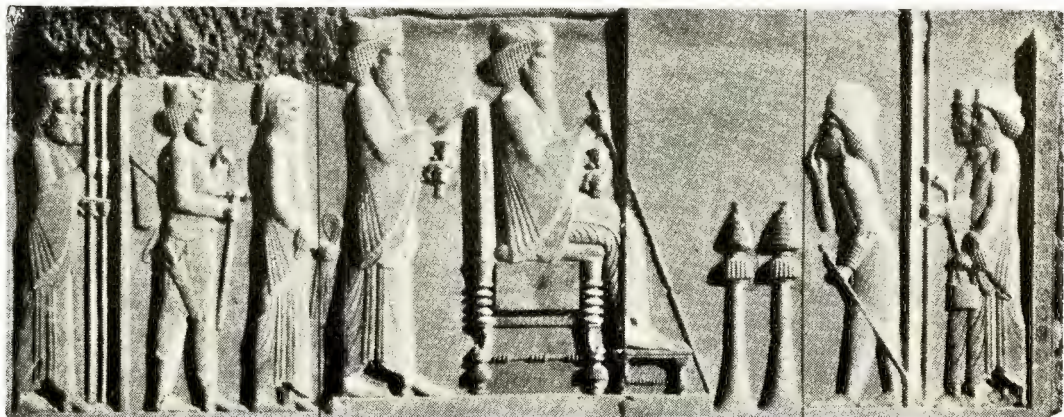
الف



ب



ج



د



ب



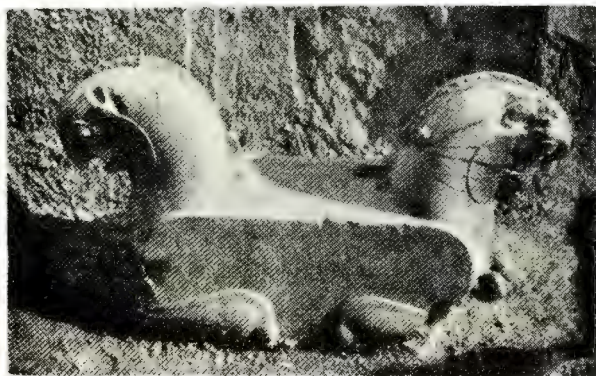
الف



د



ج



تخت جمشید



ب



الف



د



ج

تخت جمشید



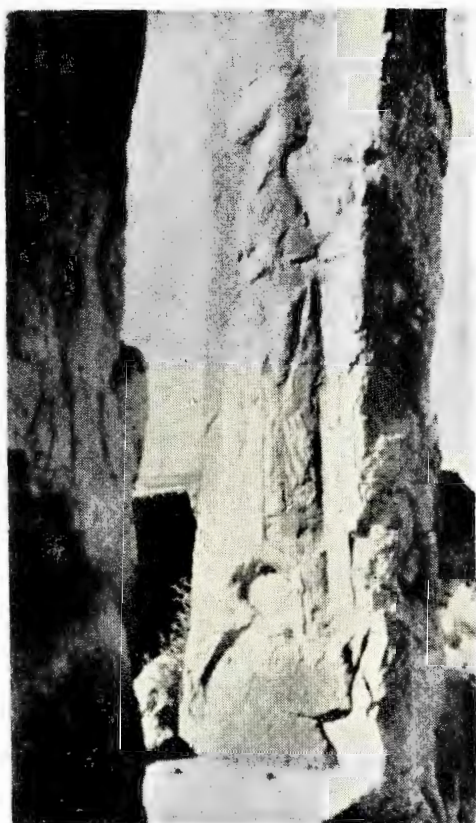
الف



ب

بصفحة ٣٨ مراجعه شود

تخت جمشید



ب



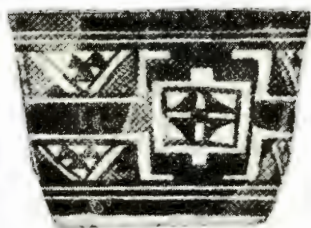
الف



د



ج



ب



الف



د



ج



و



هـ



ح

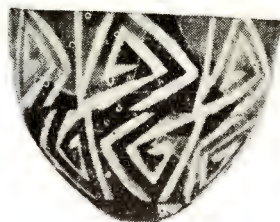


ز



ط

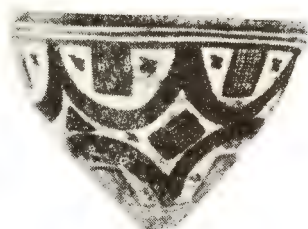
تل بكون



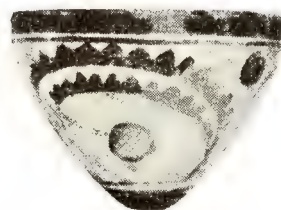
ب



الف



د



ج



و



هـ



ح



ز

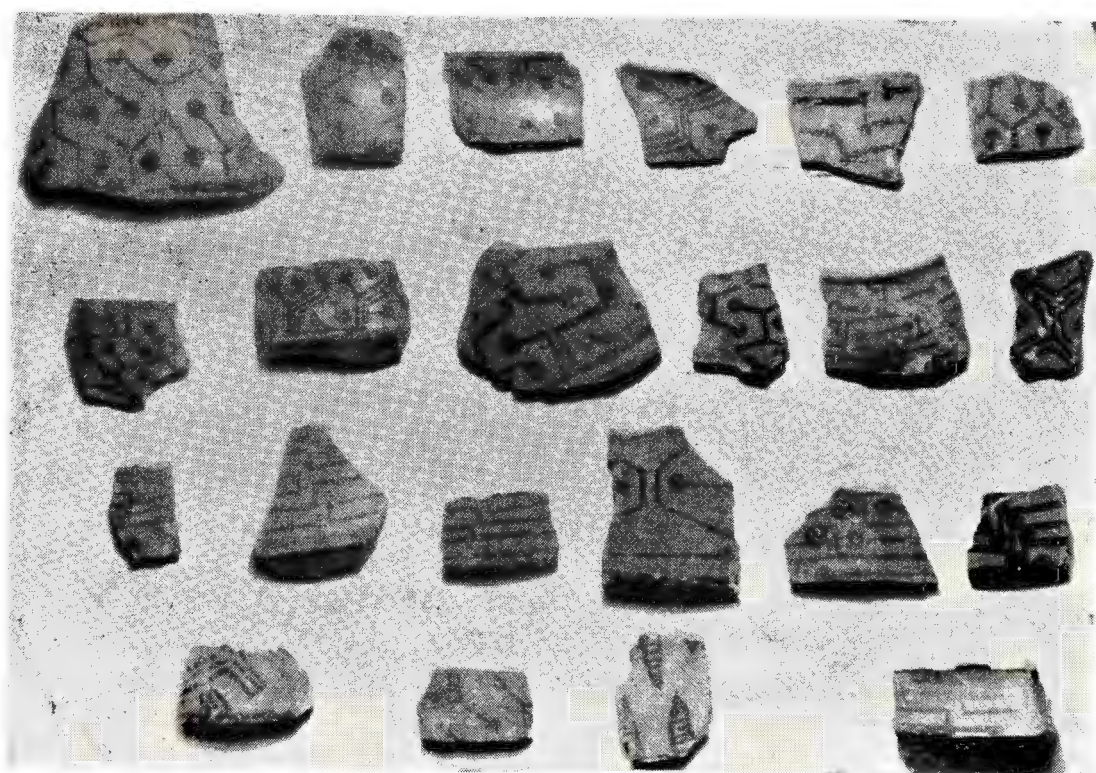


ط

تل جری - ب

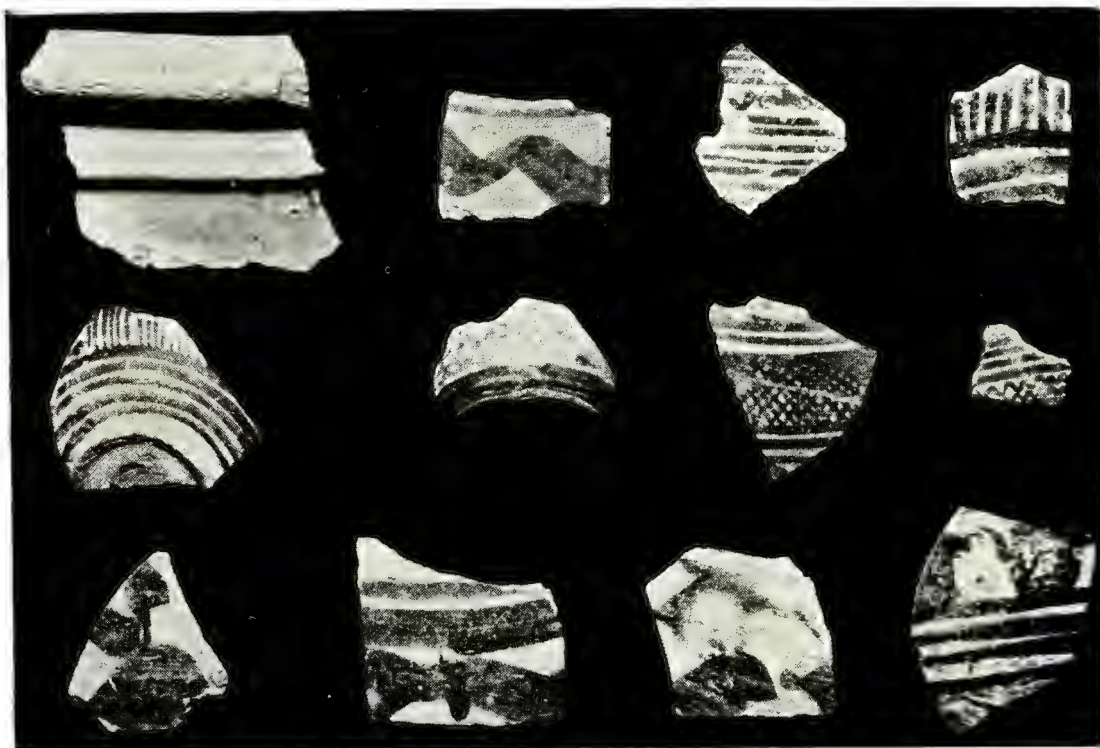


الف
تل موشکی

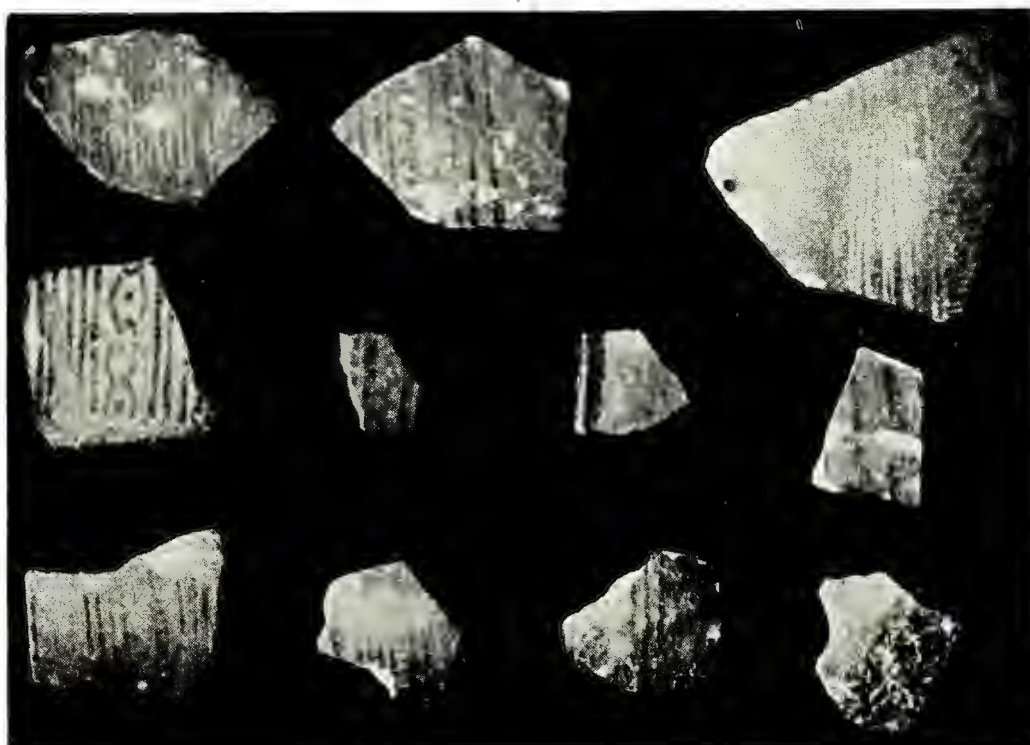


تل جری-الف





الف

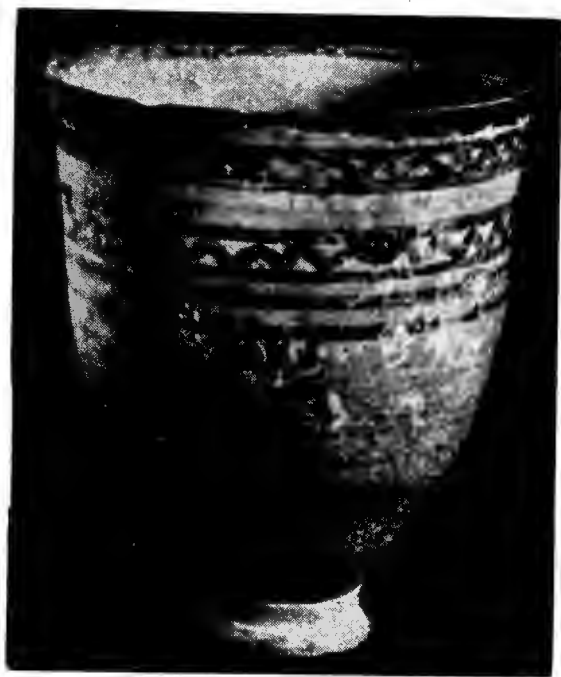


ب

تل جری-الف



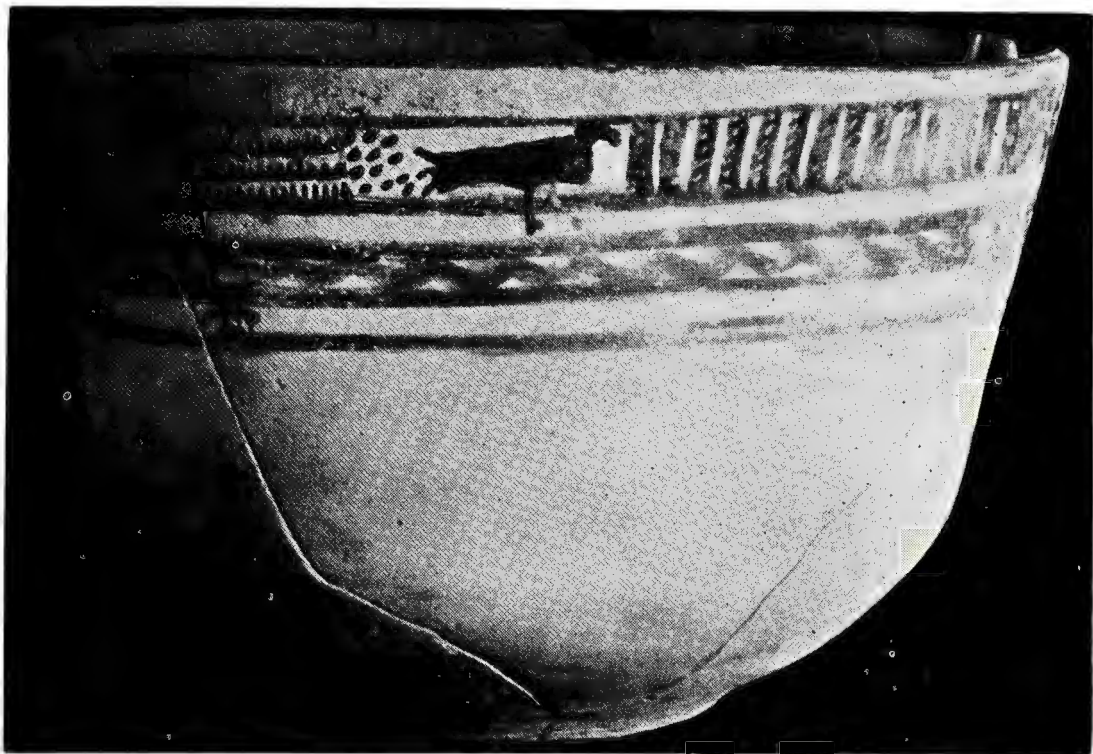
تل قلعه



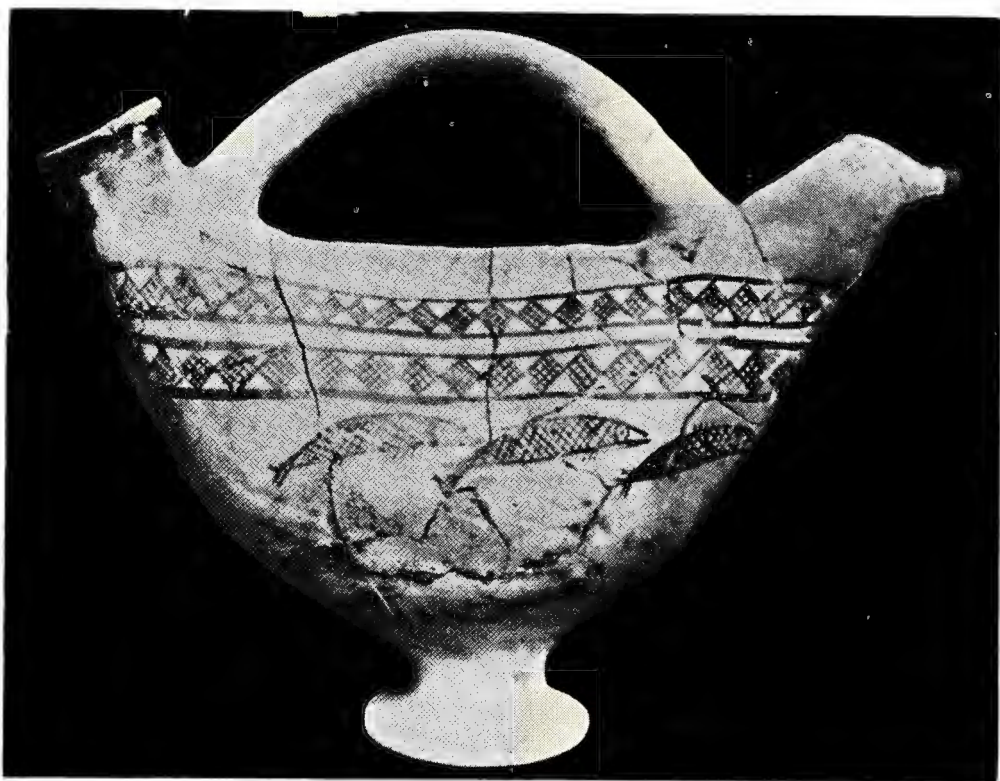
ب



الف



الف



ب

تل شفا



الف



ب



ج

بصفحة ٤٤ مراجعه شود

تل شغا



الف



ب

بصفحة ۴۴ مراجعه شود

تل کمین



ب



الف



د



ج



و



هـ



ب



الف



د



ج



هـ

تل تیموران



ب



الف



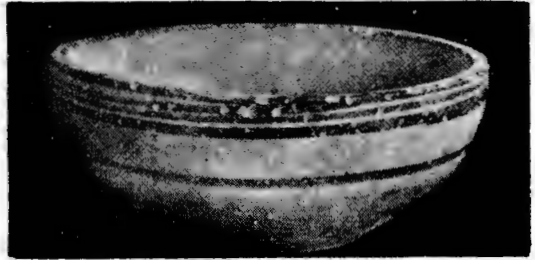
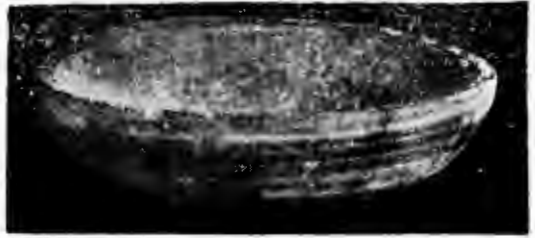
ج



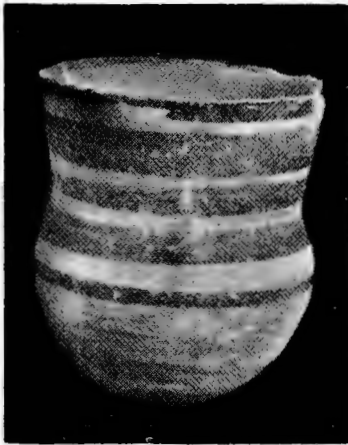
د



ب



الف



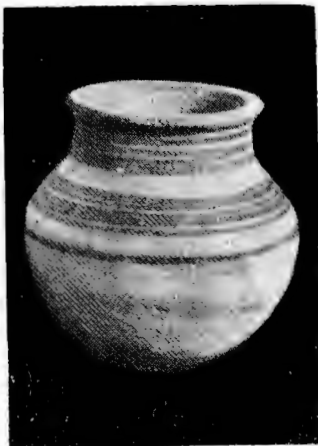
هـ



د



ج



ح

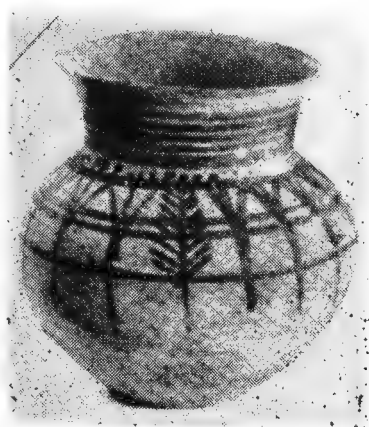


ز



و

تل تیموران



ب



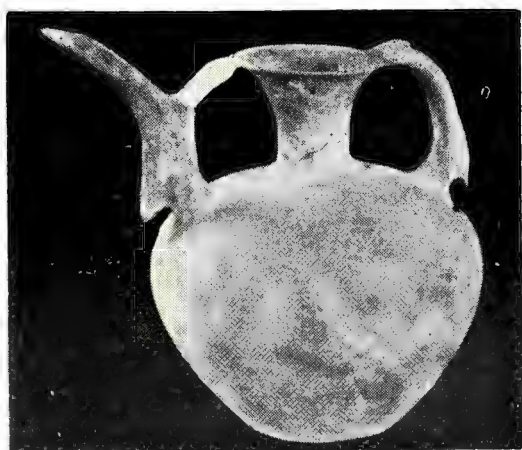
الف



د



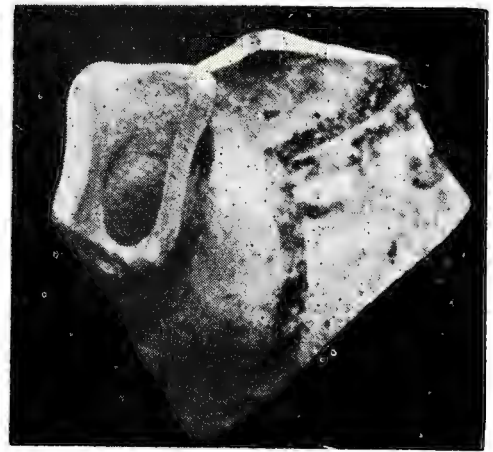
ج



و



هـ



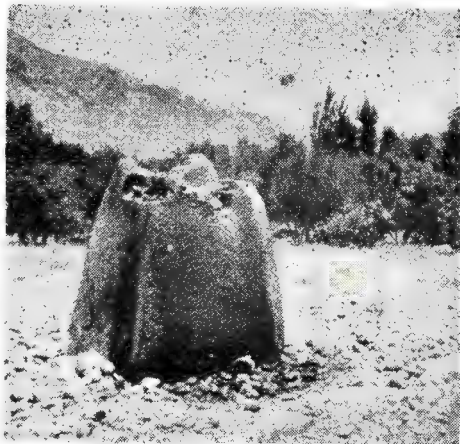
ب

الف



د

ج



و

ه

کوه سروی



ب
کوه زاغه



الف
کوه رحمت



د

ج

کوه ایوب



قدمگاه



الف



ب

بصحة ۷؛ مراجعه شود

دارابگرد



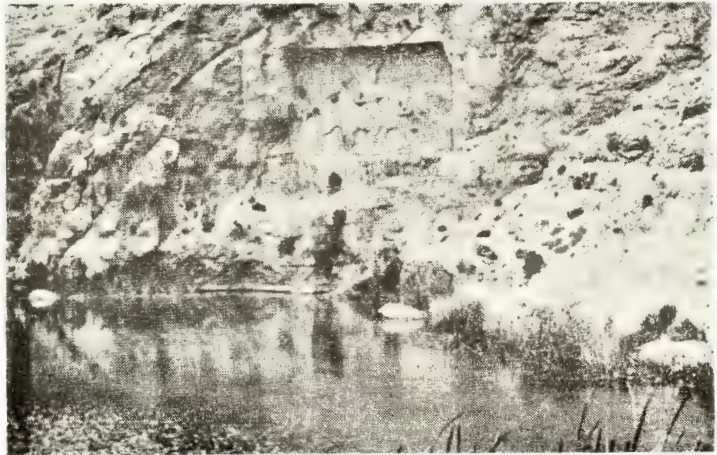
الف

دارابگرد ، نقش رستم



ج

تنگ کرم



ب

تل ضحاک



هـ

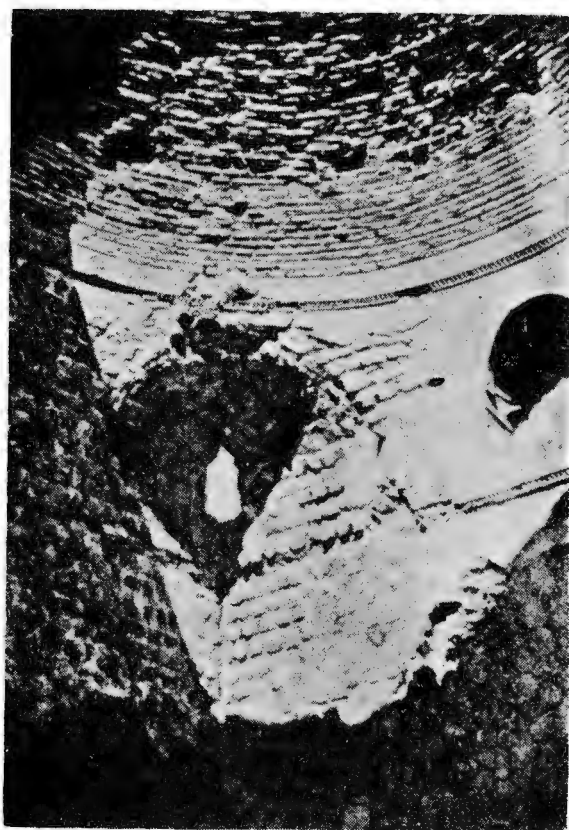


د

سروستان



الف



ب

سروستان



ب



الف



د



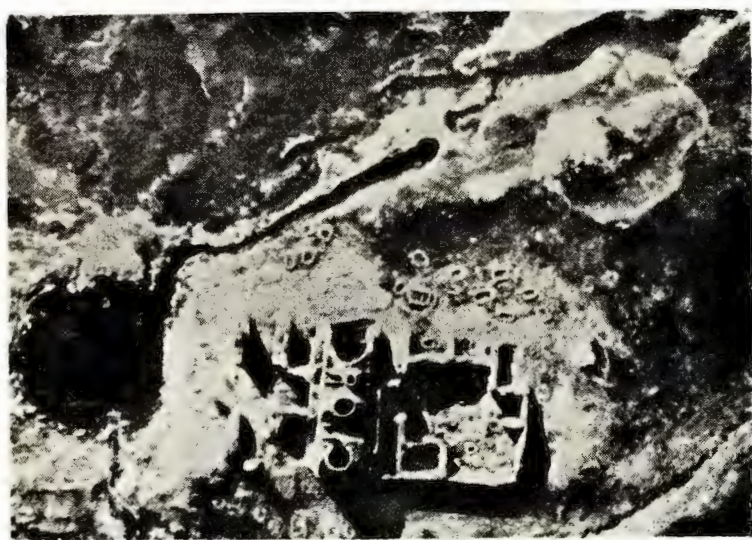
ج

بصفحه ۴۸ مراجعه شود

فیروز آباد



الف



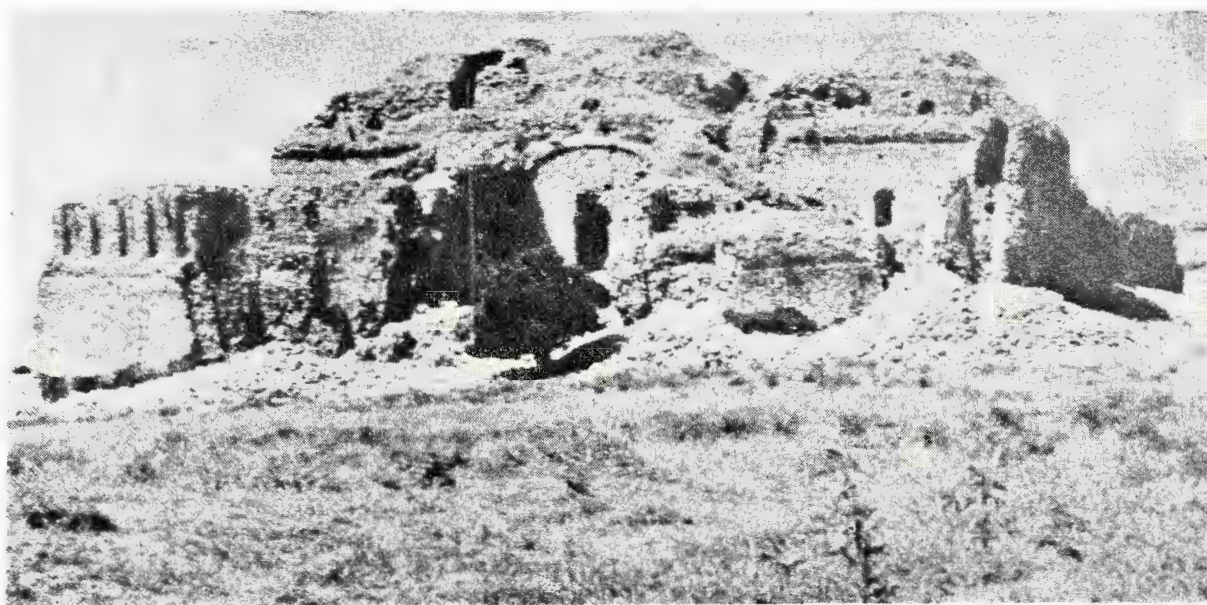
ج



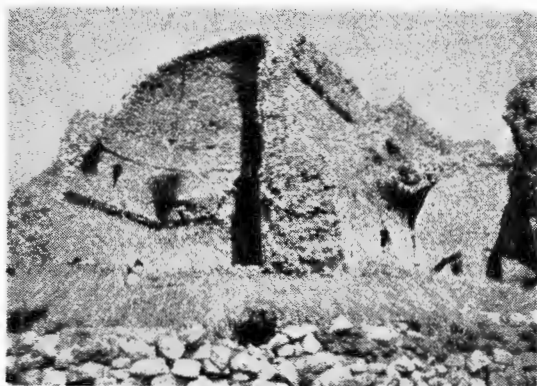
ب

بصفحه ۹۴ تا ۵۲ مراجعه شود

فیروز آباد



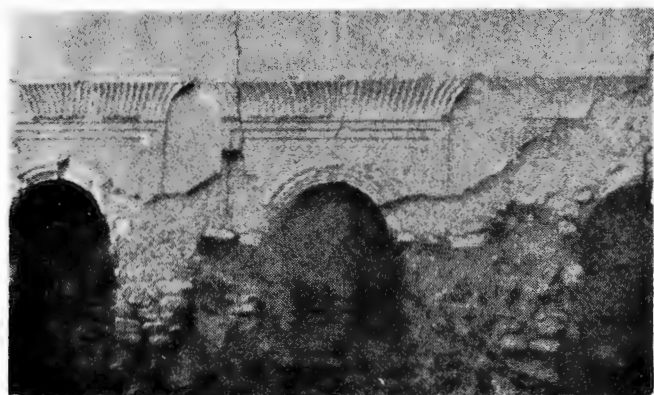
الف



ج



ب



هـ



د

فیروزآباد



الف



ج



ب

فیروزآباد



الف



ب

بصفحه ۵۱ مراجعه شود



الف



ب



ج

قصر ابونصر



برم دلك



الف

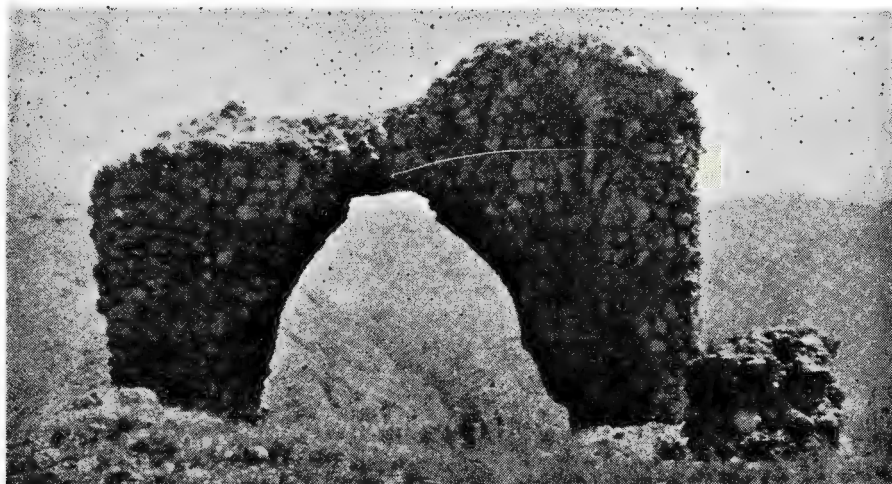


ب

سر مشهد



الف
كازرون



ب
جره



بیشاپور



الف



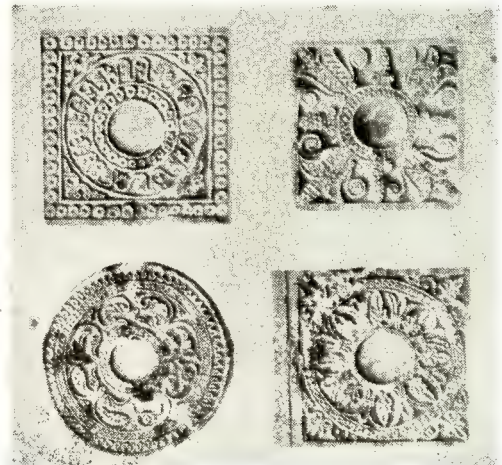
ج



ب



ه

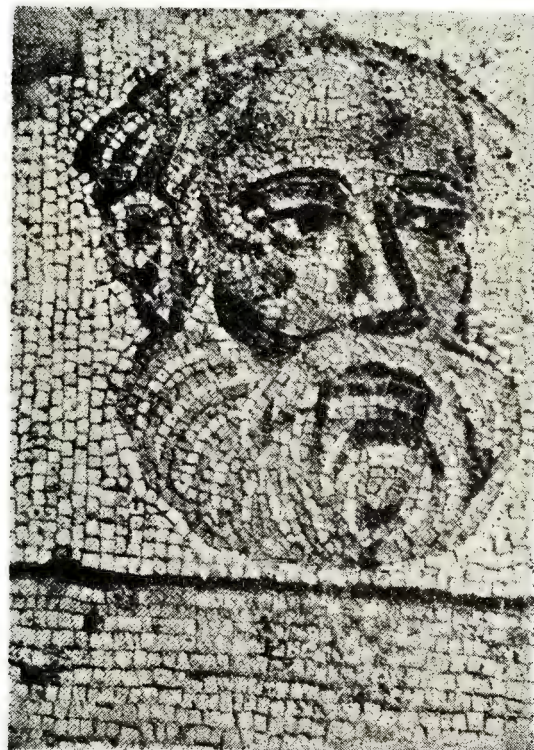
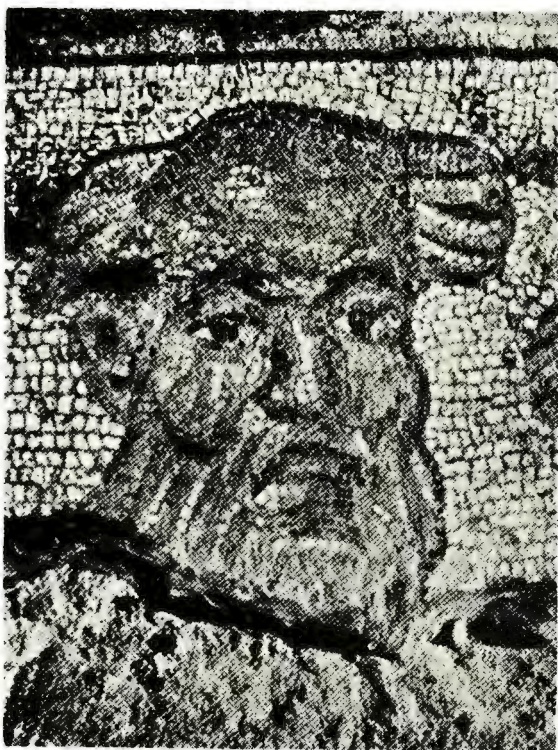


د

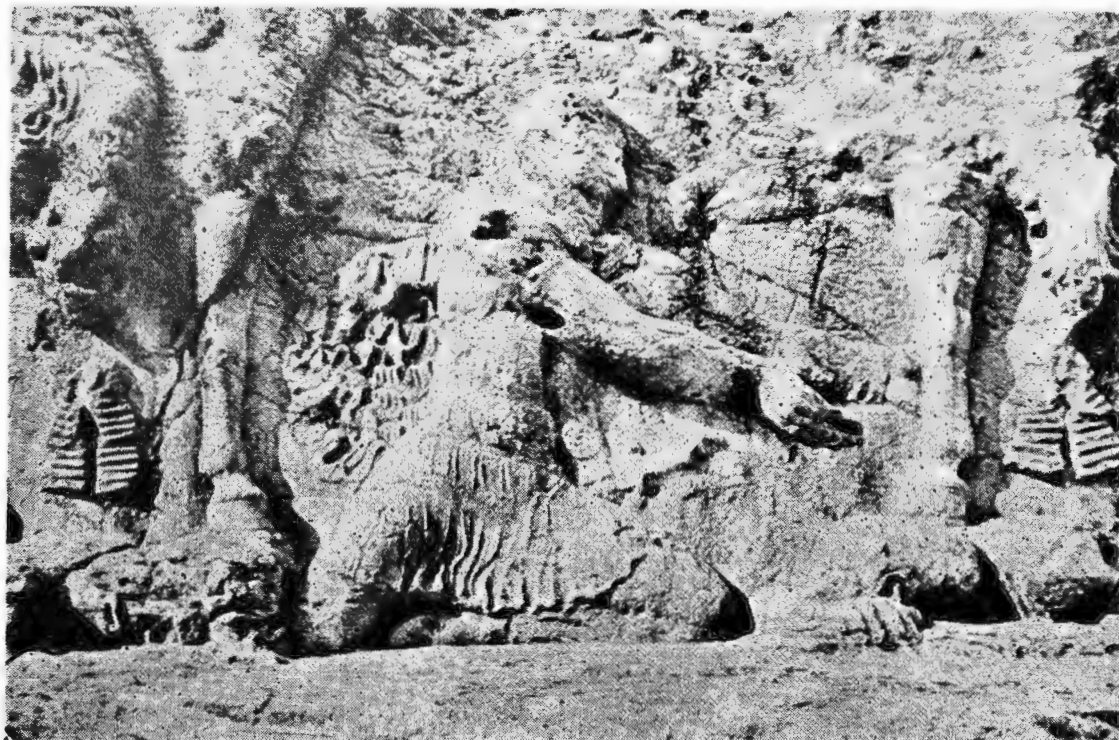
بیشاپور



الف



ب



الف



ب

پیشاپور



ب



الف



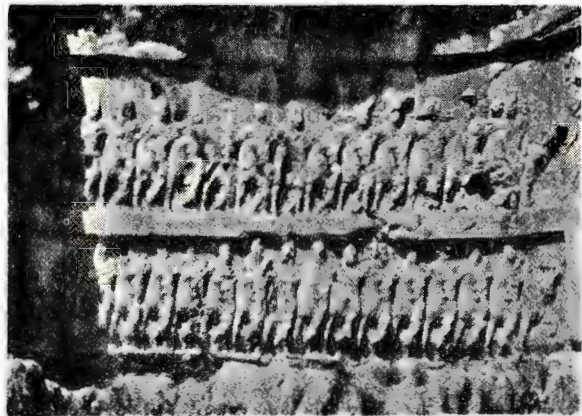
د



ج



و



هـ

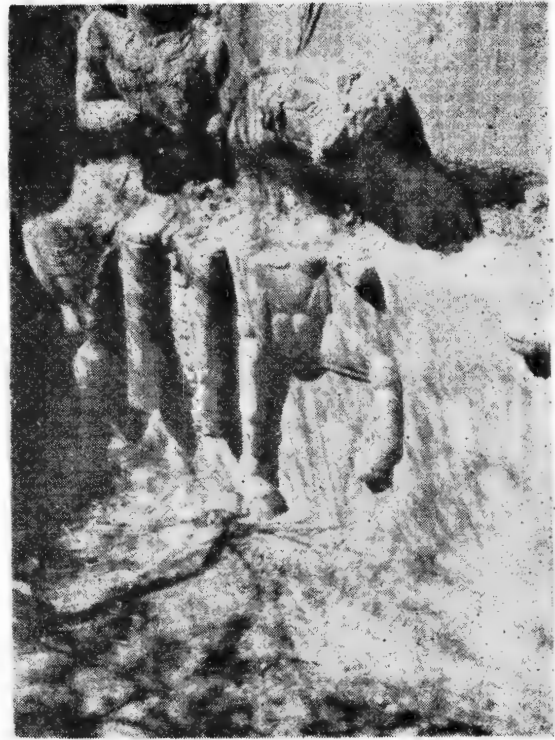


الف



ب

بیشاپور



الف



ب



ج



الف

بصفحة ۵۷-مراجعة شود

نقش بهرام



الف



ب

بصفحه ۷۰ مراجعه شود



الف

بصفحه ۵۷ مراجعه شود

نورآباد



ب



الف

جین جین



د



ج

بصفحة ٥٧ و ٥٨ مراجعه شود



الف



ب

کورانگون



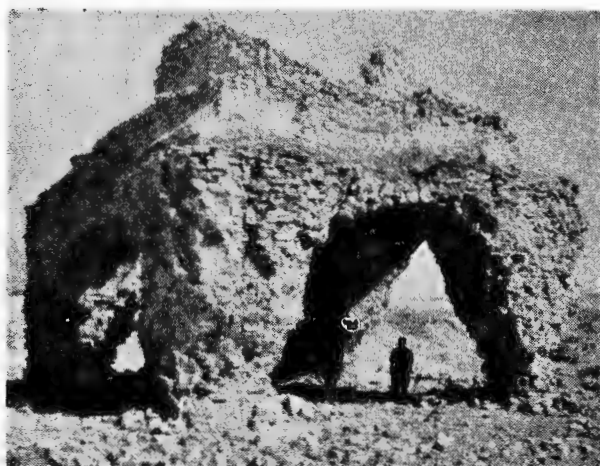
الف

دآودختر



ب

خیرآباد



ج

تنگ سروک



الف



ب

بصفحه ٦. مراجعه شود

ننگ سرورک



الف



ب

بصفحه ۶۱ مراجعه شود

تنگ سروک



الف



ب

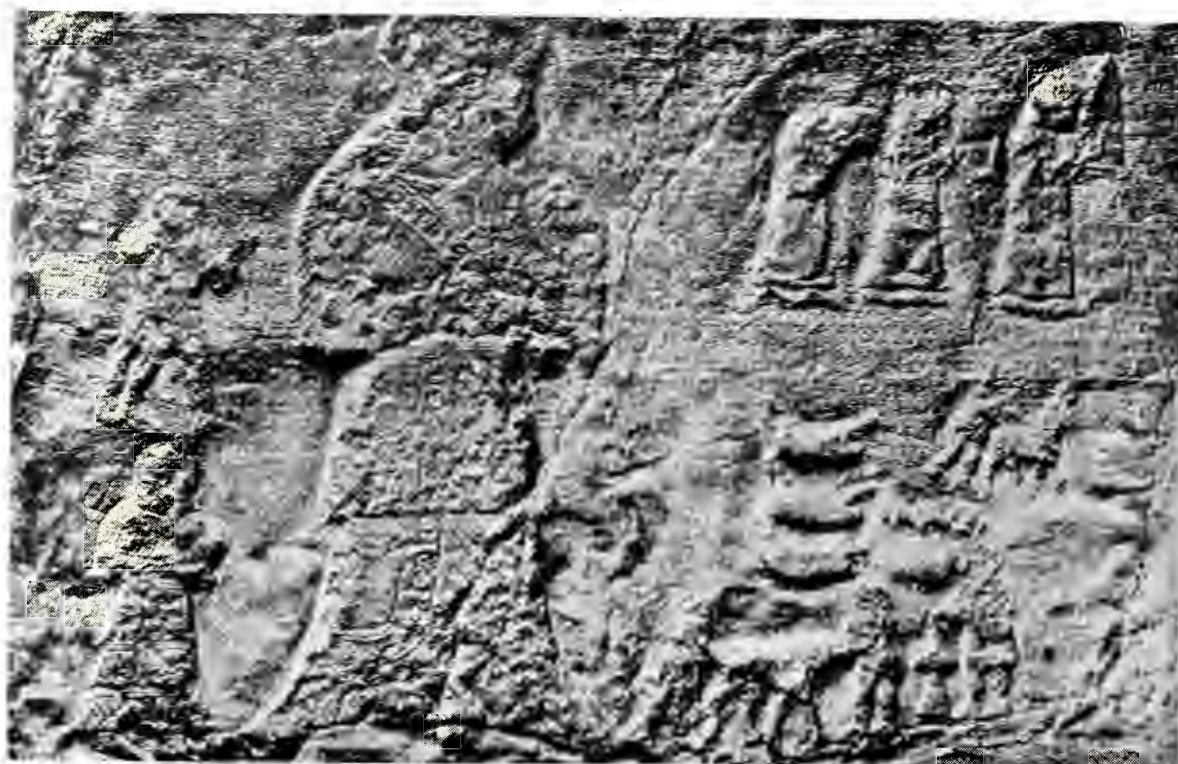
بصفتحه ۶۱۹۶. مراجعه شود

قلعه تل



الف

کل فرا



ب

بصفتی و تپ مراجعه شود

کل فرا



الف

شکفت سلمان



ب

بصفحة ۶۳ و ۶۴ مراجعه شود

شمی



ب



الف

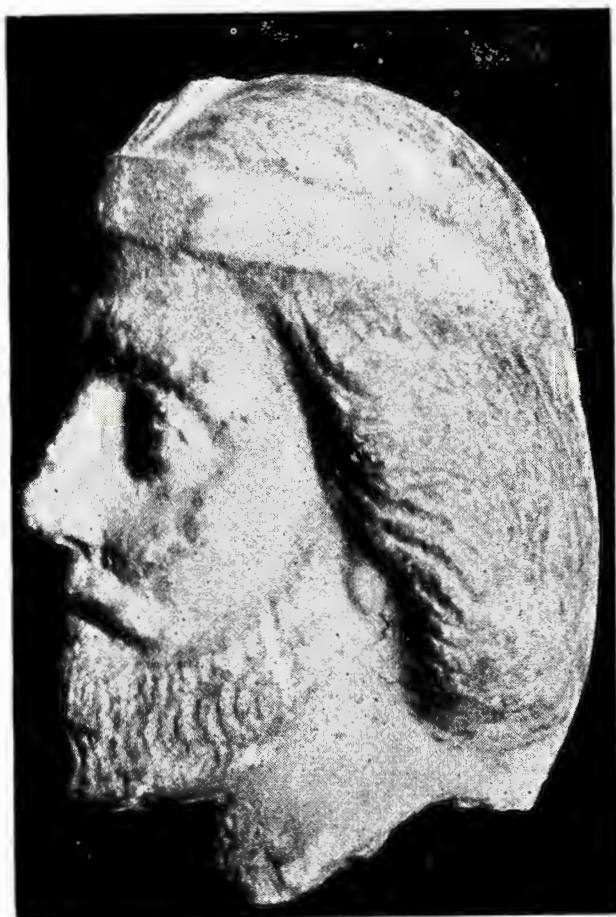
بصفحة ٦٤ و ٦٥ مراجعه شود



الف

بصفحه ۶۰۶ و ۶۰۷ مراجعه شود

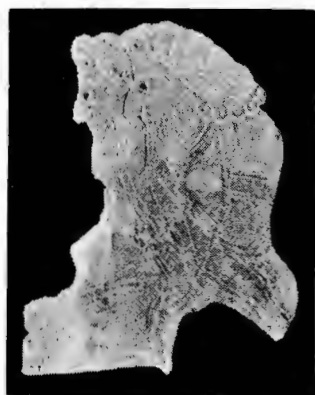
شمی



ب



الف



د



ج

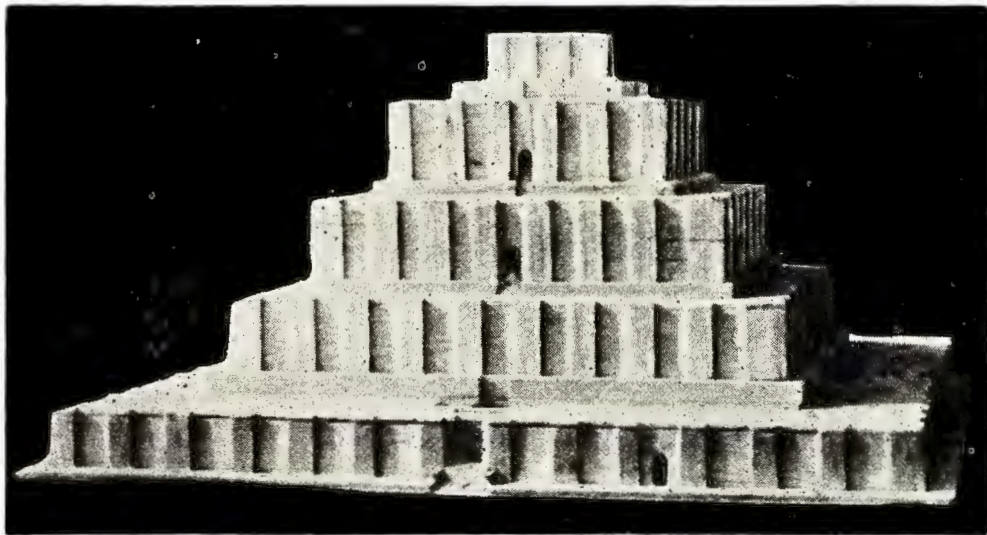
بصفحه ۶۵ مراجعه شود

مسجد سليمان



الف

قازنبیل



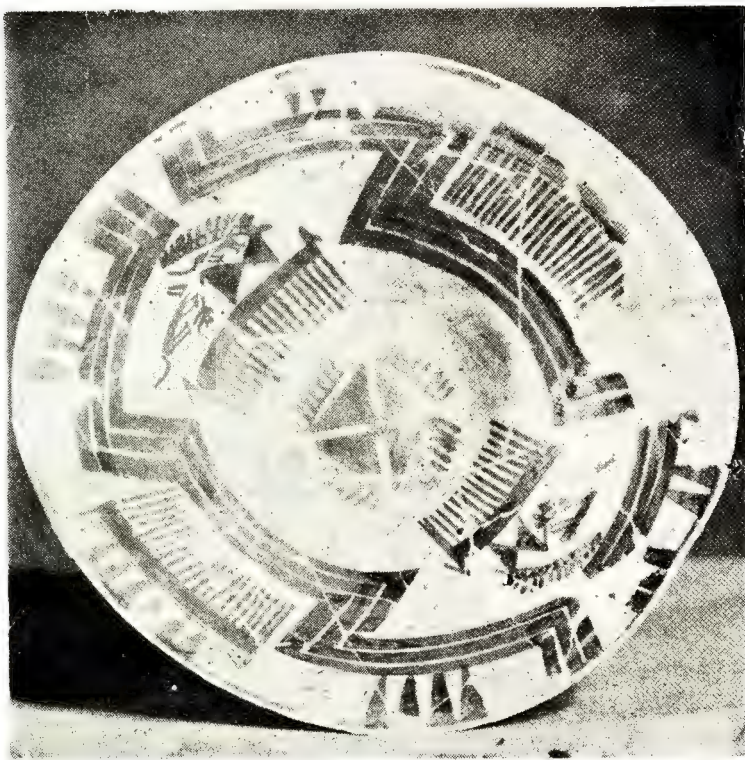
ب



ج

بصفحه ٦٥ تا ٧١ مراجعه شود

شوش



الف



ب

به صفحه ٧٤ تا ٧٧ مراجعه شود

شوش



ب



الف



ج



هـ



د



ز



و

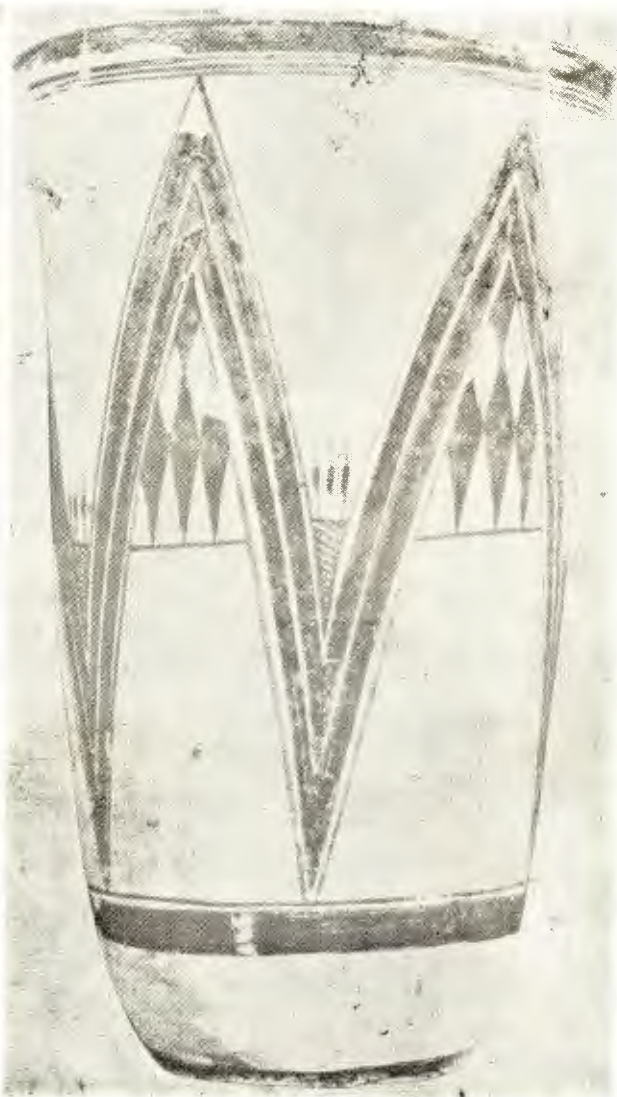


ح

بصفحة ٧٧ تا ٧٧ مراجعه شود



ب



الف

بصفحة ٧٤ تا ٧٧ مراجعه شود



بصفحة ۷۴ تا ۷۷ مراجعه شود

شوش



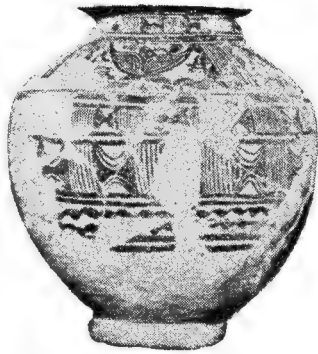
الف



ط



ي



ب



ج



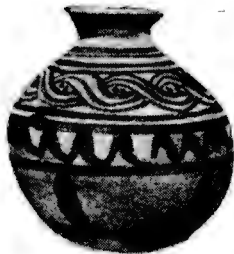
ح



د



هـ



و



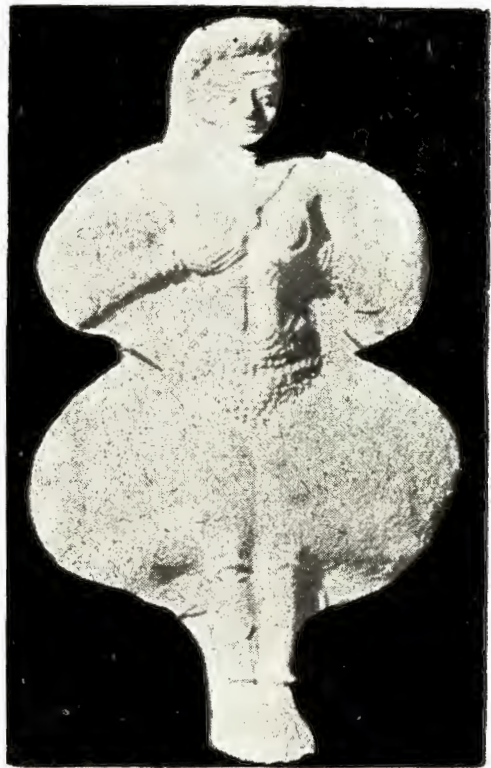
ز



ح



ب



الف



هـ



د

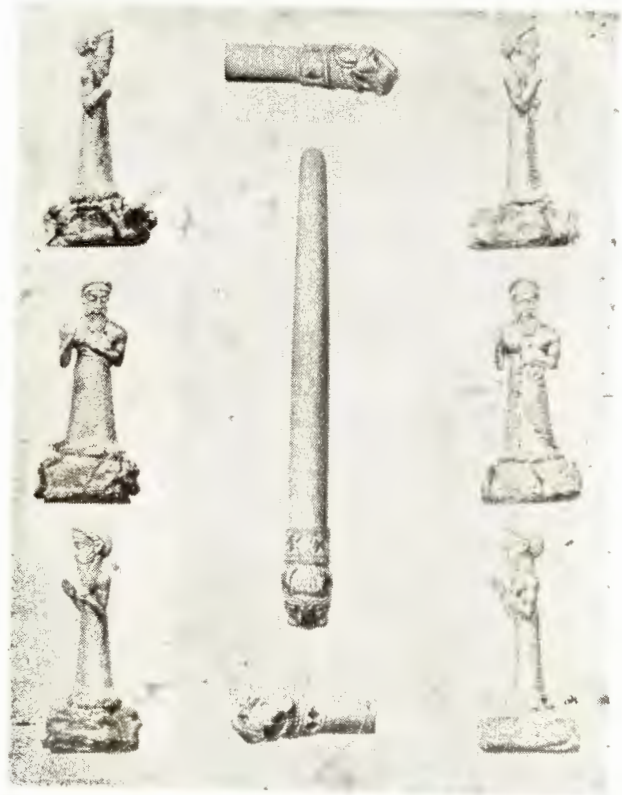


ج

شوش



ب



الف



د



ج



ب



الف



ج

شوش

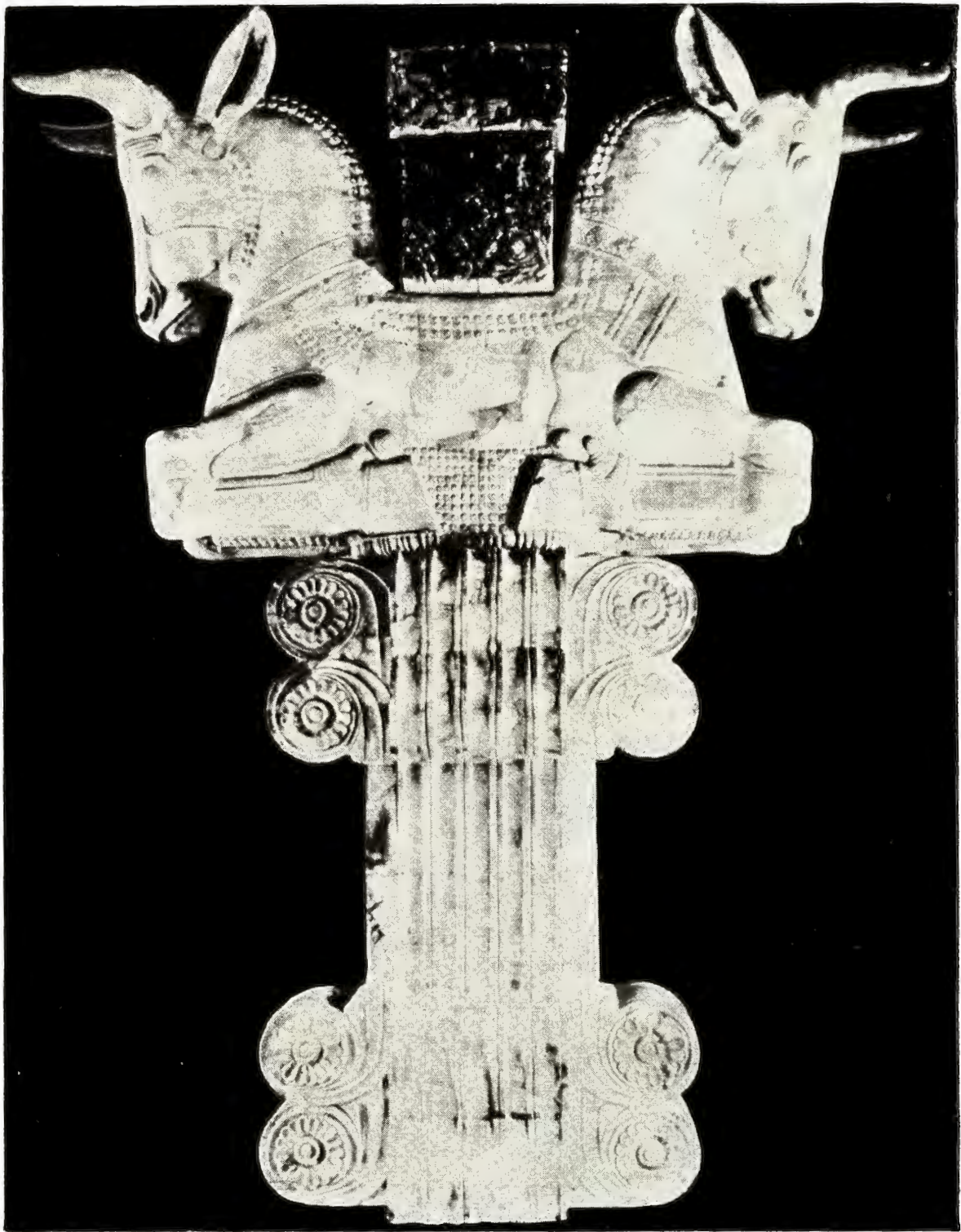


الف

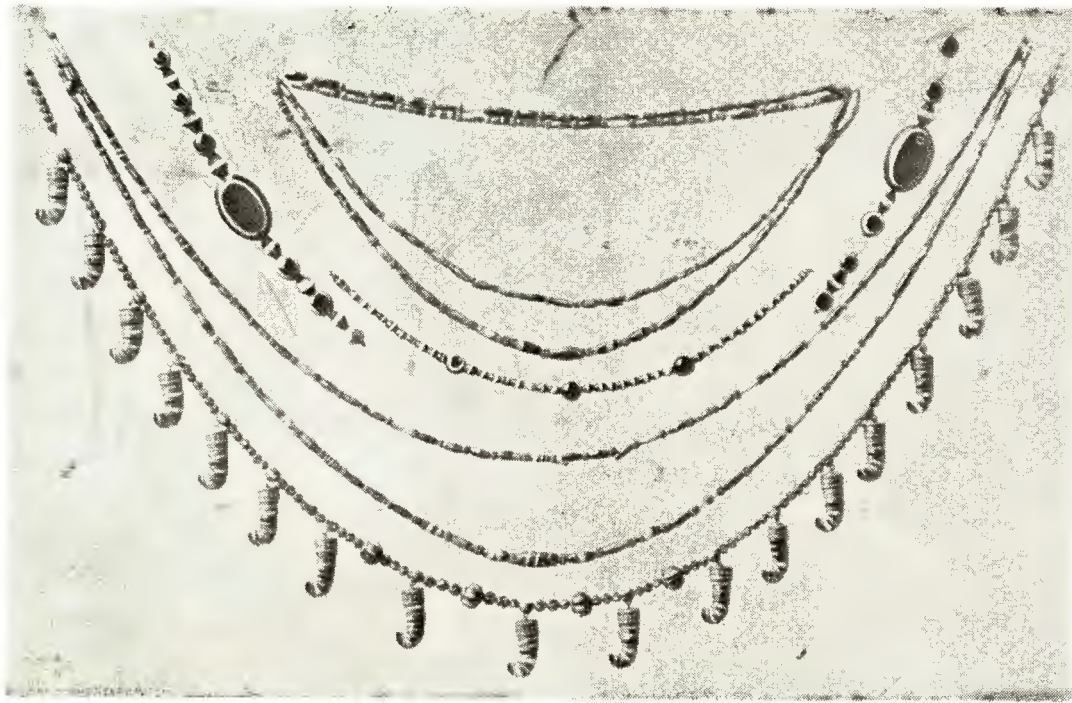


ب

بصفحة ٨١ مراجعه شود



شوش



الف



ج



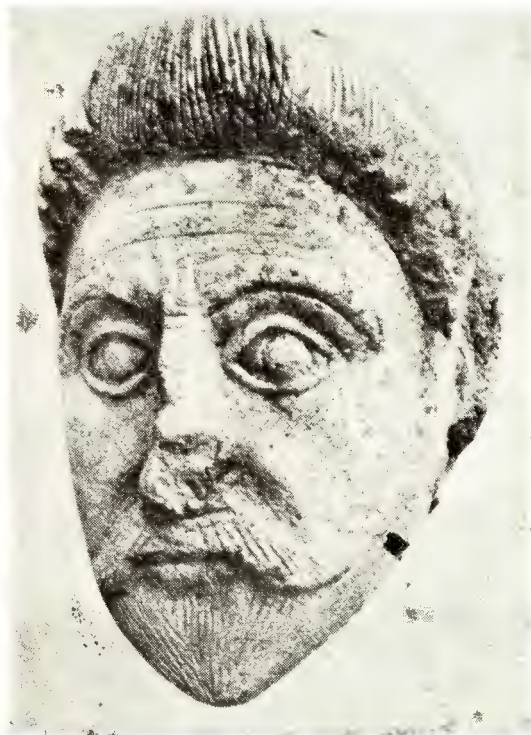
ب

بصفحه ۸۲ تا ۸۴ مراجعه شود

شوش



ب

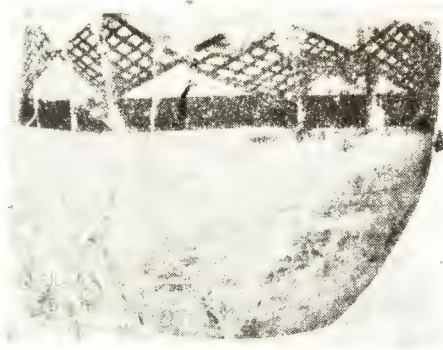


الف



ج

به صفحه ۸۲ تا ۸۴ مراجعه شود



ب



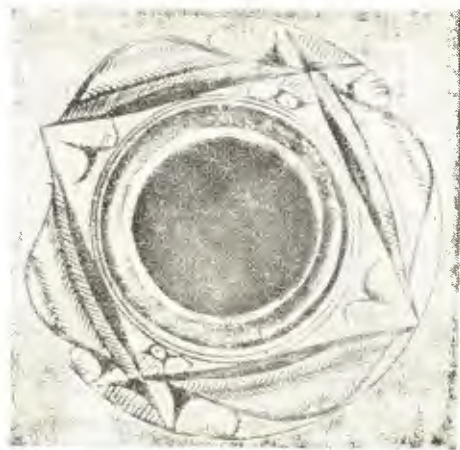
الف



د



ج





ب



الف



د



ج



و



هـ



ب



الف



د



ج



و



هـ

تپه گیان



ج

تپه علی آباد



الف

تپه گیان



ب



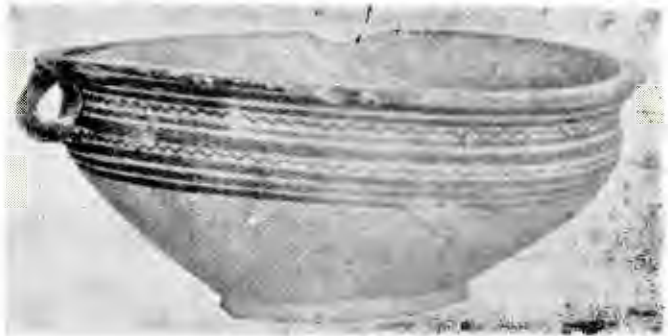
ه



د



الف



ب



ج



د



ه

تپه گیان



ب



الف



ج



د

تپه گیان



ب



الف



د



ج

تپه گیان



الف

تپه جمشیدی



ج



ب

بصفحة ۹۲ مراجعه شود

نهادند



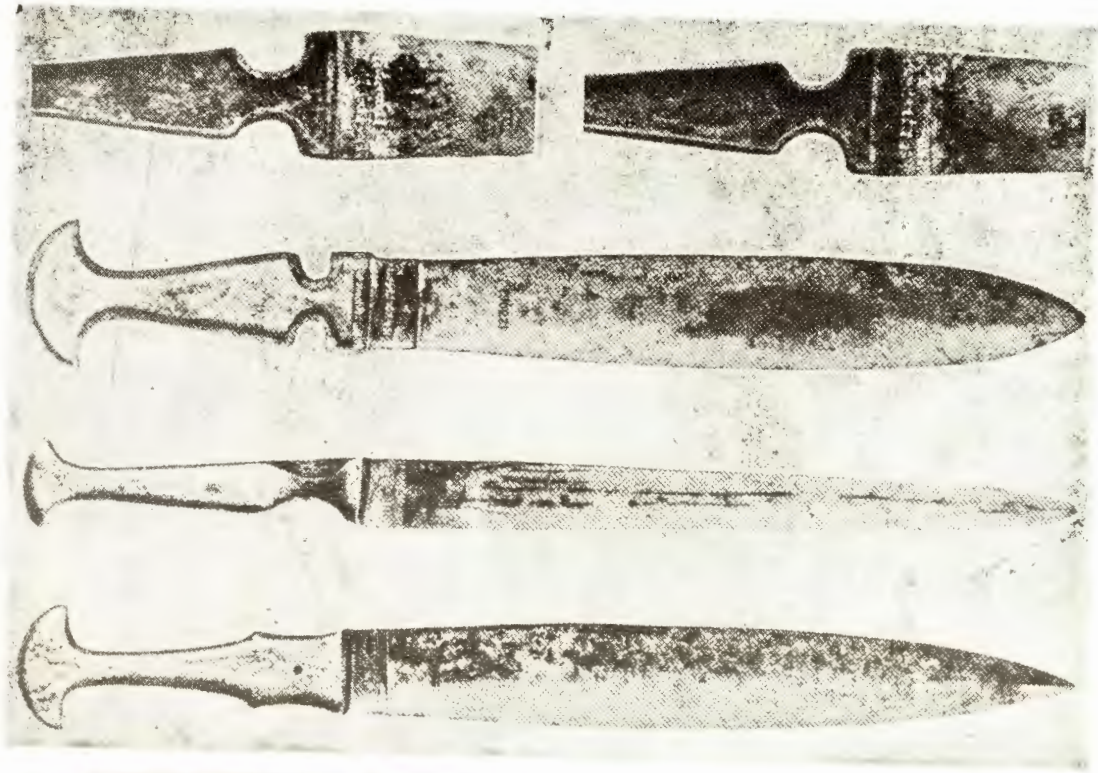
ب



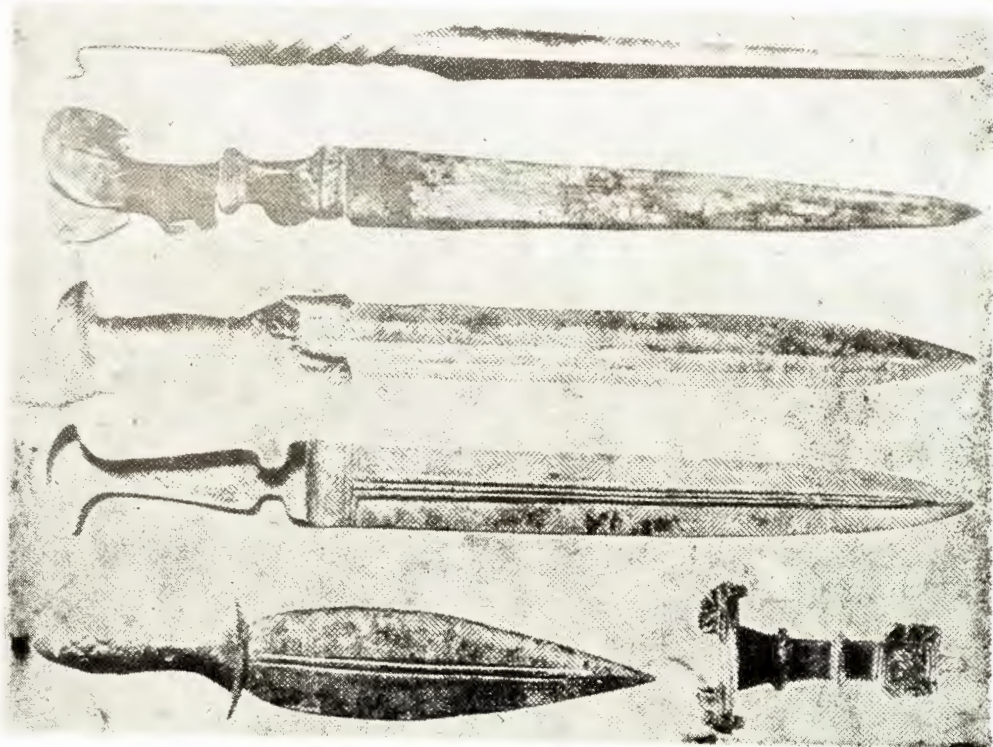
الف

بصفحه ۹۱ مراجعه شود

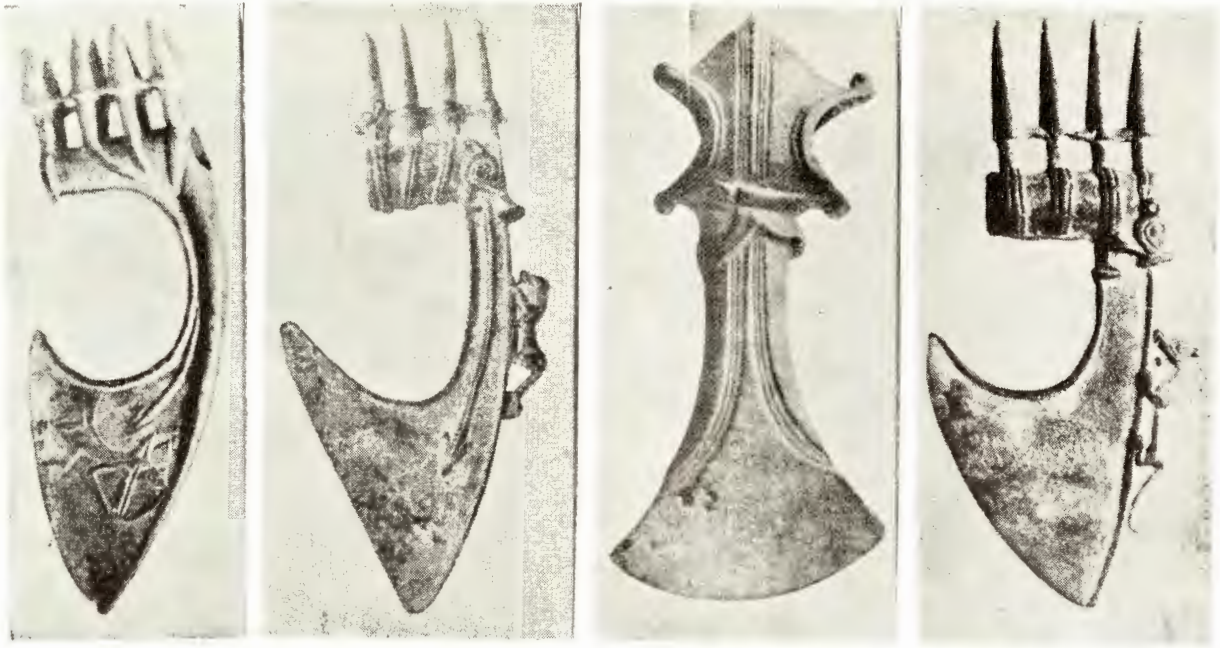
برنزهای لرستان



الف



ج



الف



د



ج



ب

بصفحه ۹۳ مراجعه شود



الف



ب



ج

برنزهای لرستان



ب



الف



ج

به صفحه ۹۳ مراجعه شود

برنزه‌های لرستان



الف



ب

بصفحه ۹۳ مراجعه شود

برنزهای لرستان



الف



ب

بصفحه ۹ تا ۹۹ مراجعه شود

لورستان



ب

سرخ دم



الف

کم طولان



هـ



د

سرخ دم



ج



ز



و



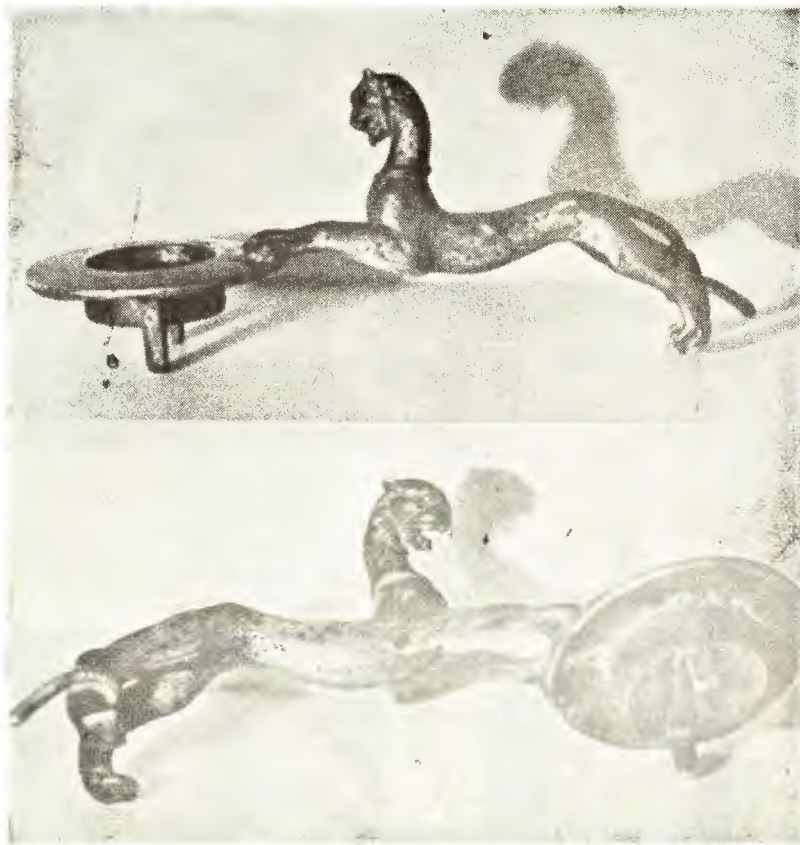
ح

پشتکوه



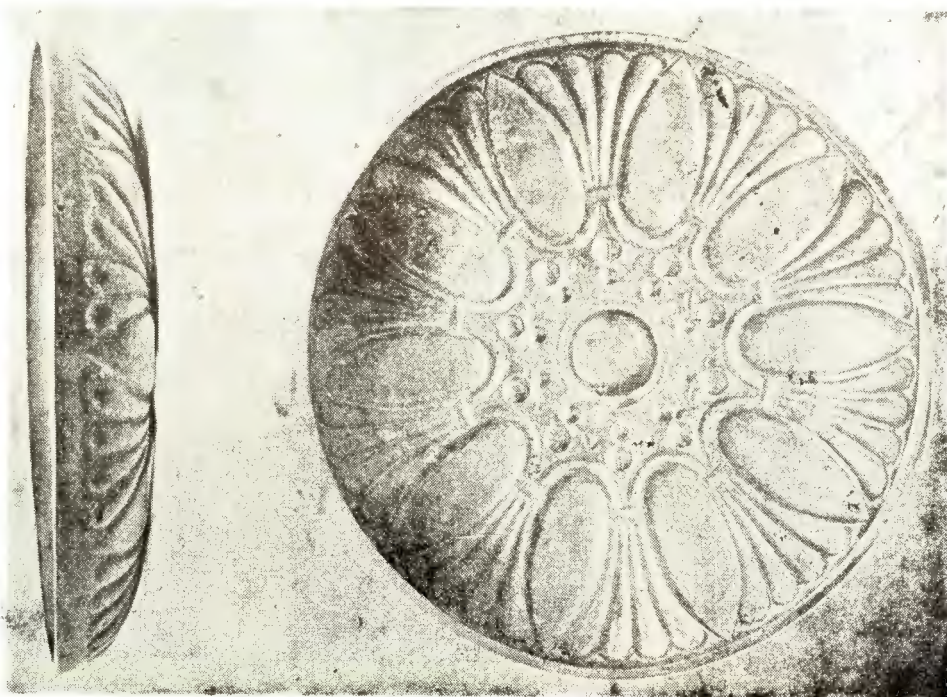
الف

بروجرد



ب

دماویزه



ج

قصور شیرین



ب



الف

سرپل



د



ج

دکان داود



و



هـ

طاق گرا



ب



الف

طاق بستان





الف



ب

طاق بستان



ب.



الف



ج

طاق بستان



الف



ب

بصفحه ۱۰۴ مراجعه شود

طاق بستان





الف

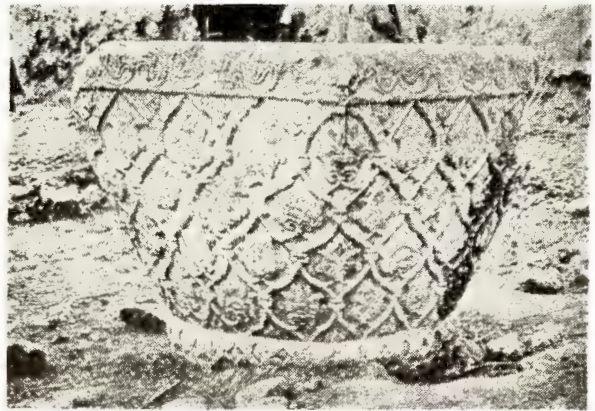


ب

قلعه کهنه



ب



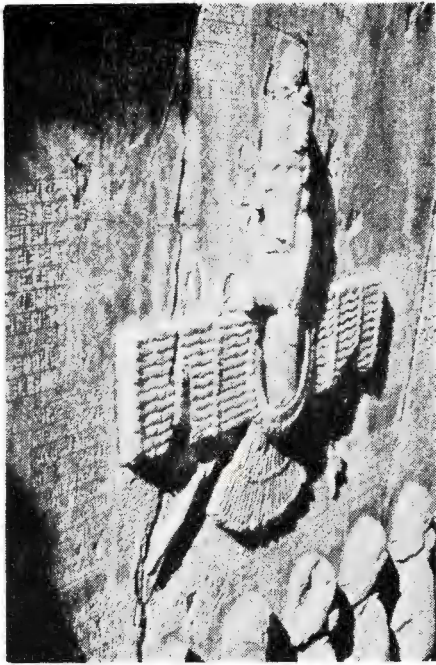
الف

سکاوژند

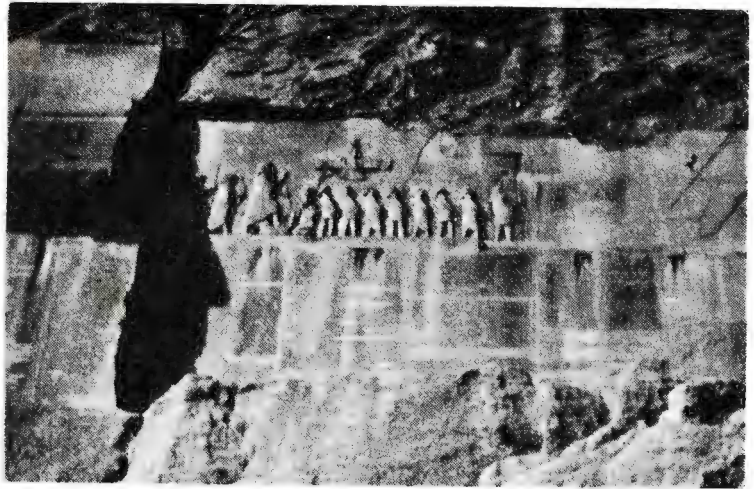


ج

بی ستون



ب



الف



د



ج

صحنه



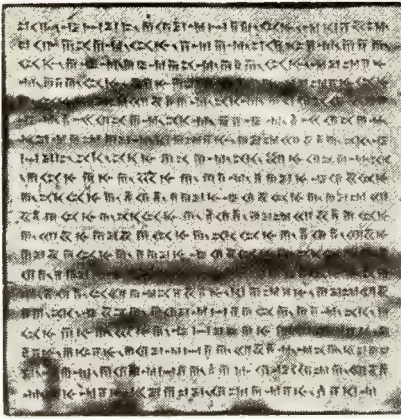
الف

کنگاور

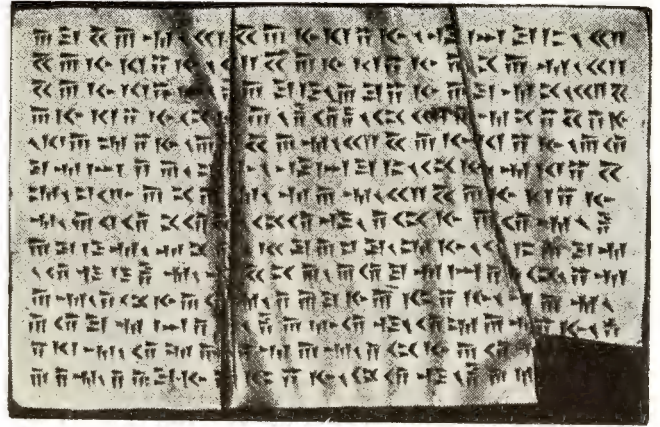


ب

بصفحه ۱۰۷ و ۱۰۸ مراجعه شود



ب



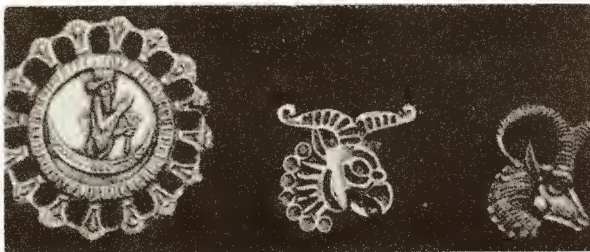
الف



د



ج



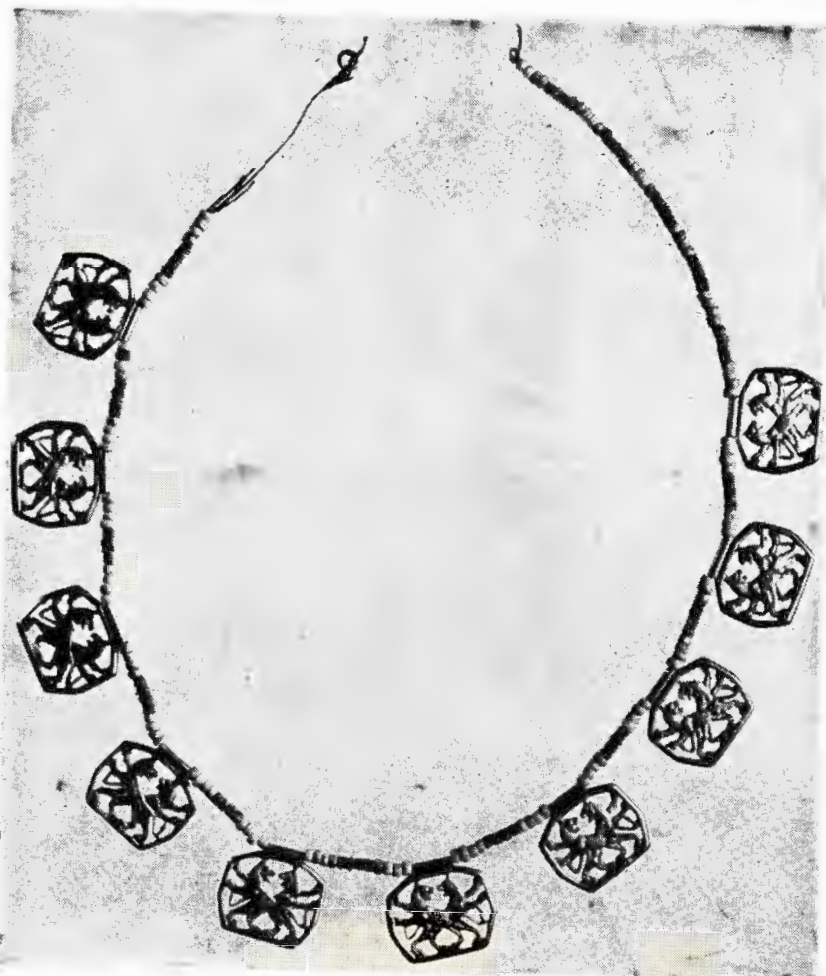
و



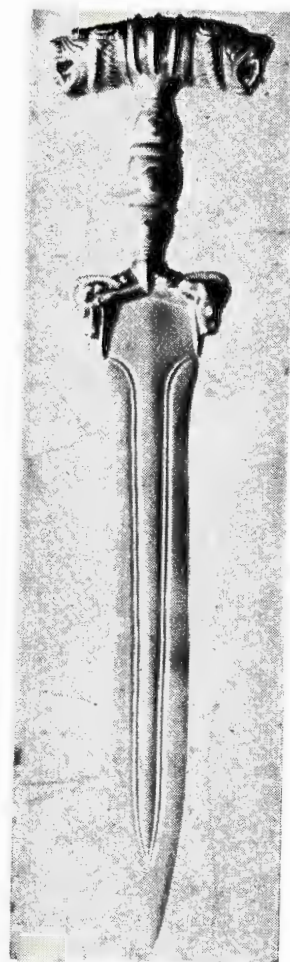
ز



ه



ب.



الف



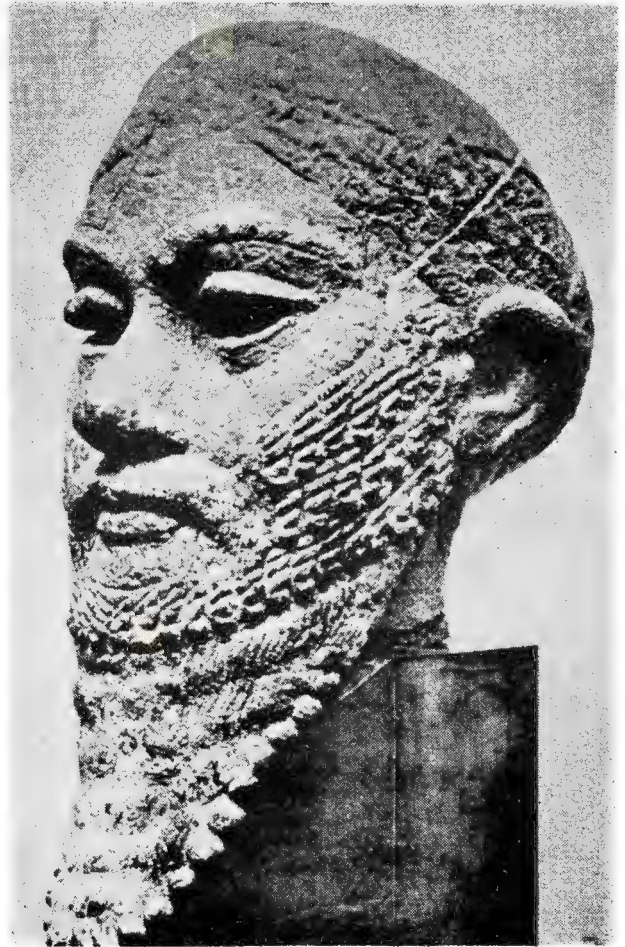
د



ج



ب



الف

دنیاور



د



ج

الوند (گنجنامه)



الف

پیراوند



ج



ب



الف



ج



ب

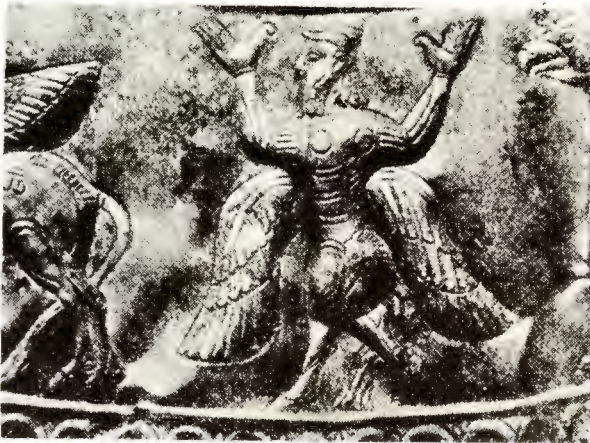
زیویه



ب



الف



د



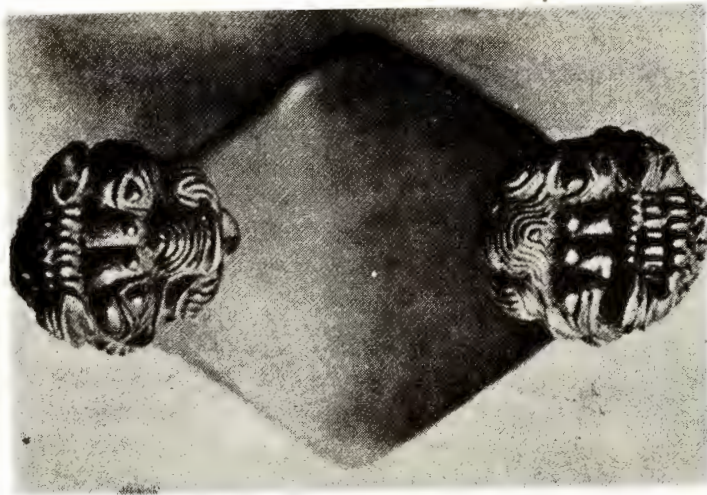
ج



و



هـ



ب

الف



ج



د

هـ

زیویه



ج



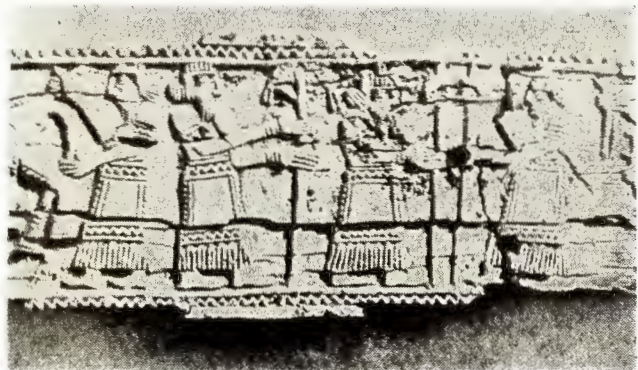
الف



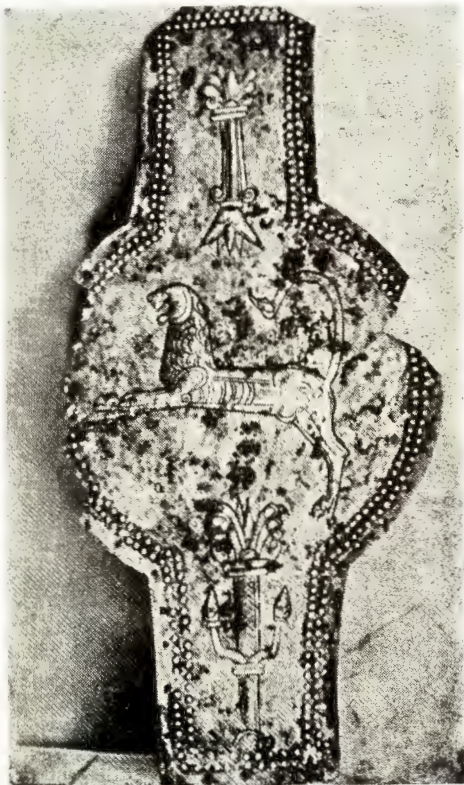
ب



د



هـ



و

سقز

زیویه



ب

الف

سقز



د



ج



الف

حسنلو



د



ب

بصفحة ۱۱۶ و ۱۱۵ مراجعه شود



ب



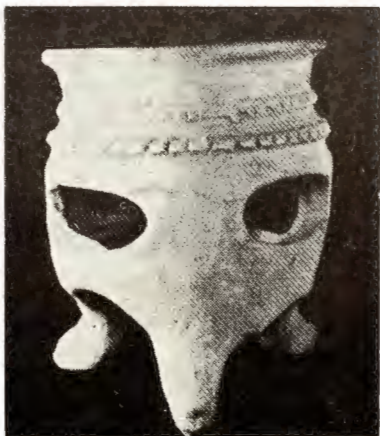
الف



د



ج



و



ا



ب



الف



د



ج



و



ا

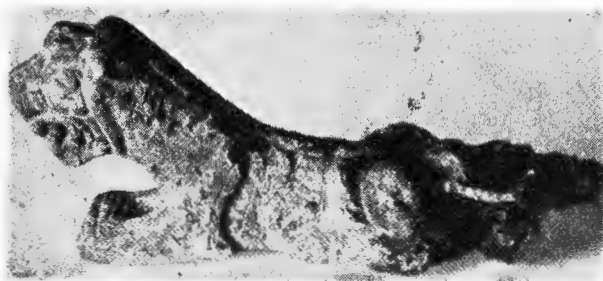
حسنلو



الف



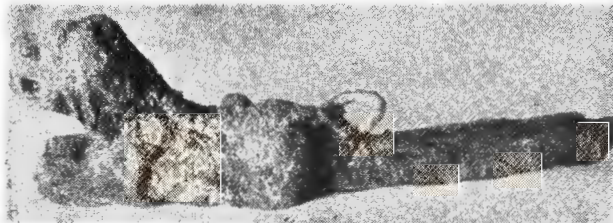
ب



د



ج



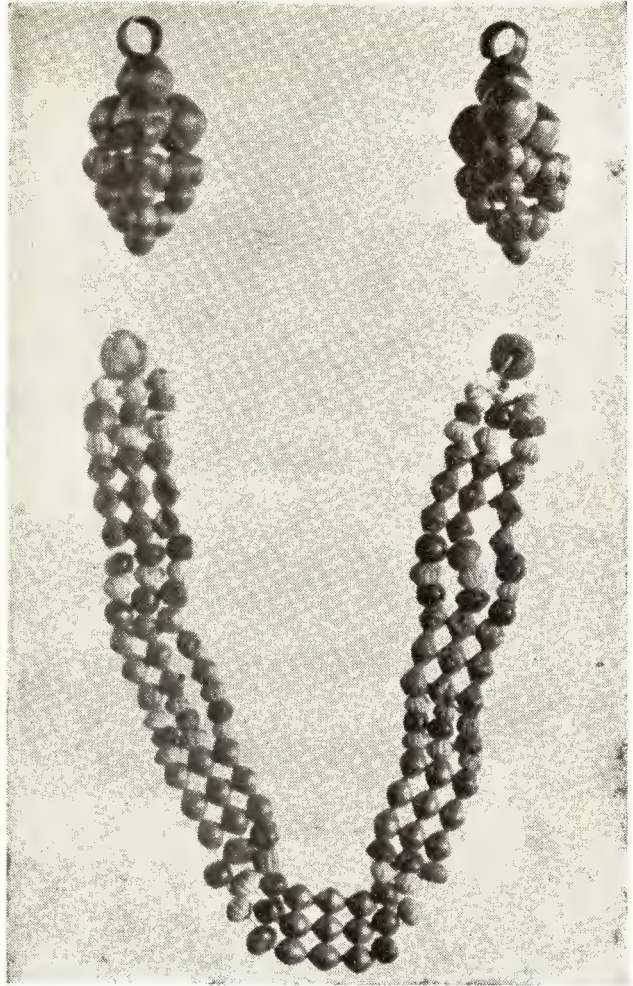
هـ



و



ب



الف



ج



هـ

گوی تپه



د

گری تپه



الف

تخت سلیمان



ب

بصفحه ۱۱۵ تا ۱۱۷ مراجعه شود

سلماس (شاهپور)



الف

ماکو



ب

بصفحه ۱۲۰ مراجعه شود

آذر بایجان غربی



الف



ب

بصفحه ۱۲۰ مراجعه شود

طالش



ب



الف

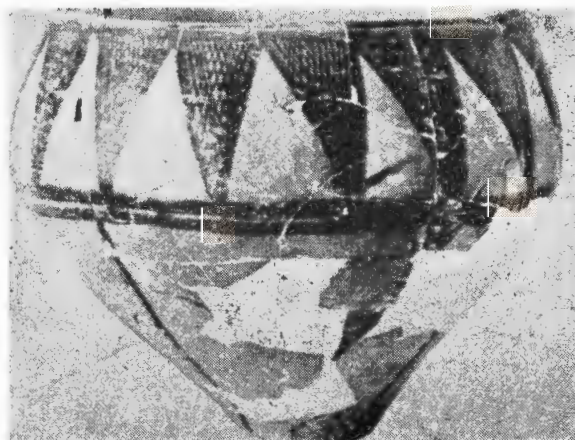


ج

چشمه علی تپه



هـ



د

خوړوین



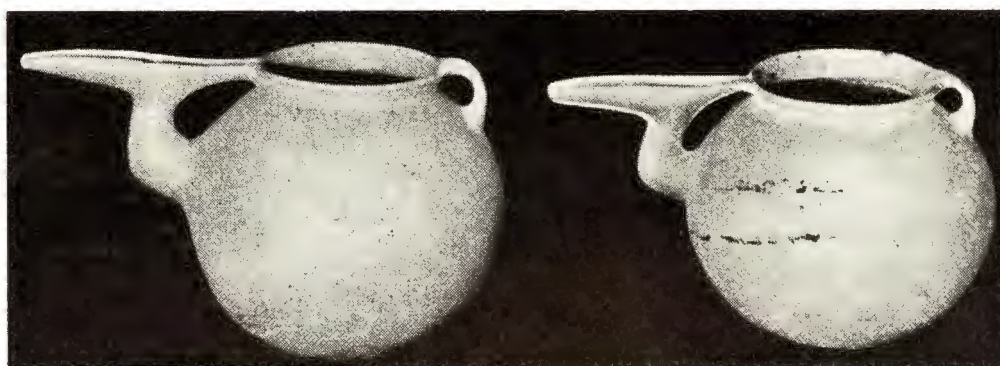
ب



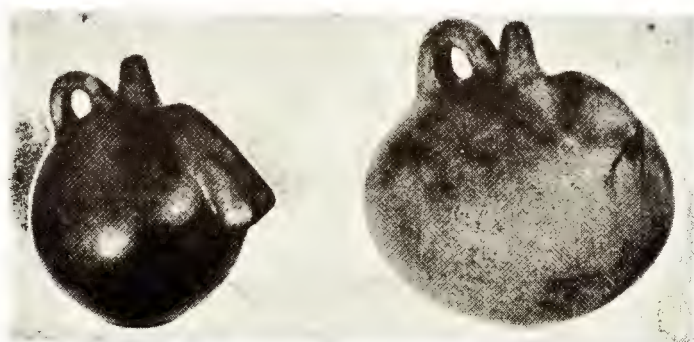
الف



ج



د



ه

خروین



ب



الف



د



ج



و



هـ



ب



الف



ج



هـ



د

خروین



الف



ج

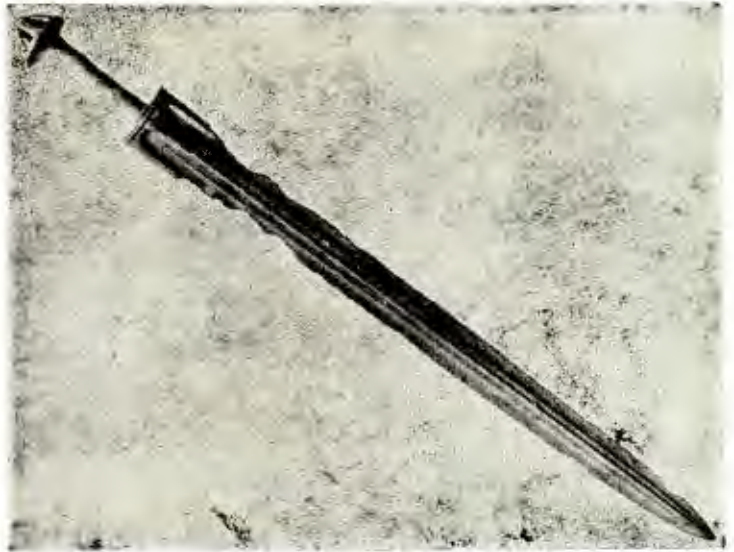


ب

خروین



ب



الف



د



ج

پشنه



الف

شنادر



ب

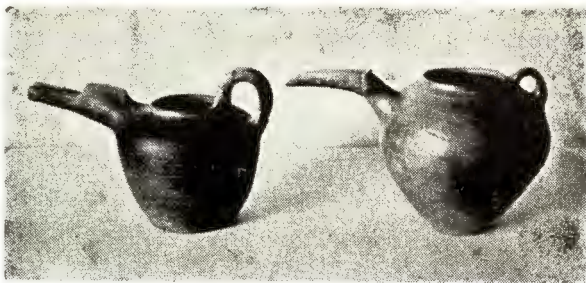
شنادر



د



ج



و



هـ



ح



ز

قزوين

دروس



ب

الف

کله دشت

مسره



د

ج

کله دشت



و

هـ

نیاسر



الف

خورده

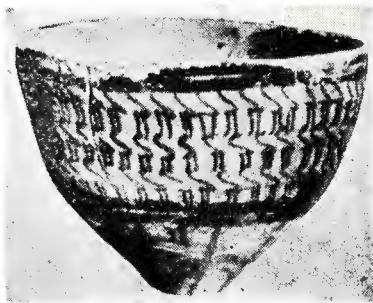
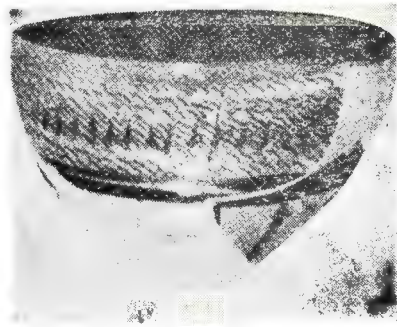
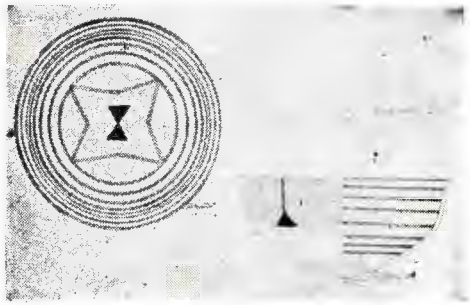


ج

نیاسر



ب



تپه سلیک



ب



الف



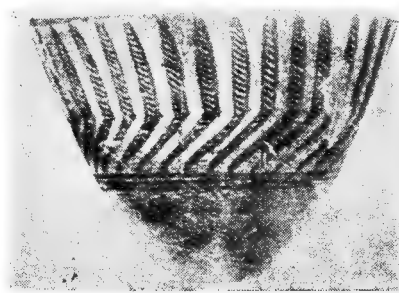
د



ج



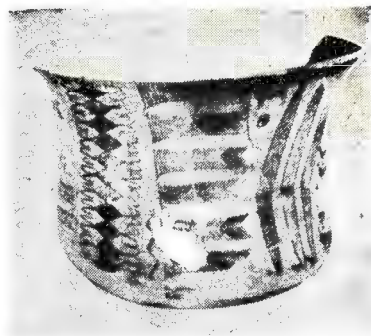
و



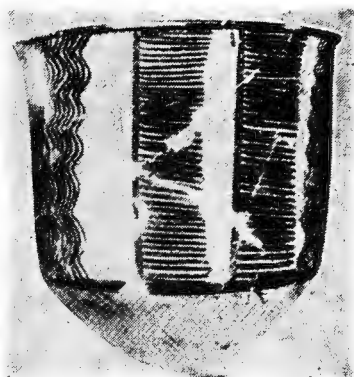
هـ



ب



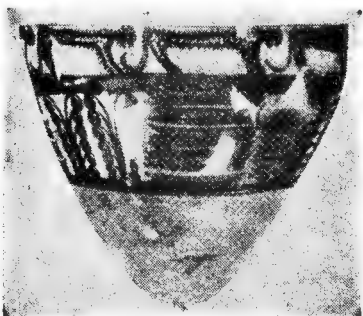
الف



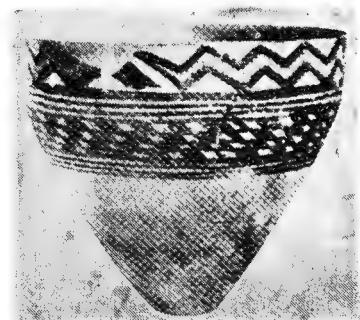
د



ج



و

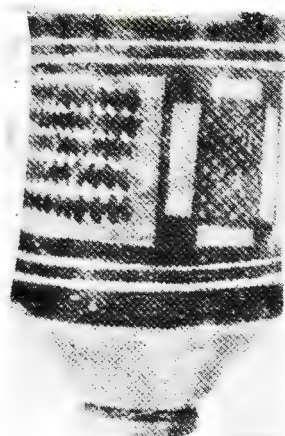


هـ

تپه سلیک



ب



الف



د



ج



و

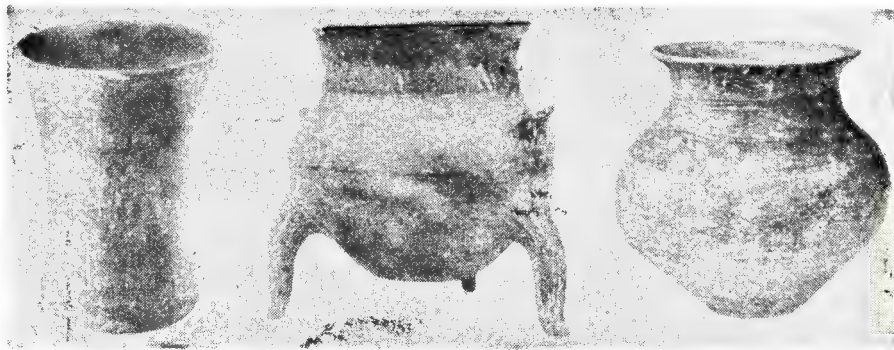


هـ

زپه سيلک



الف



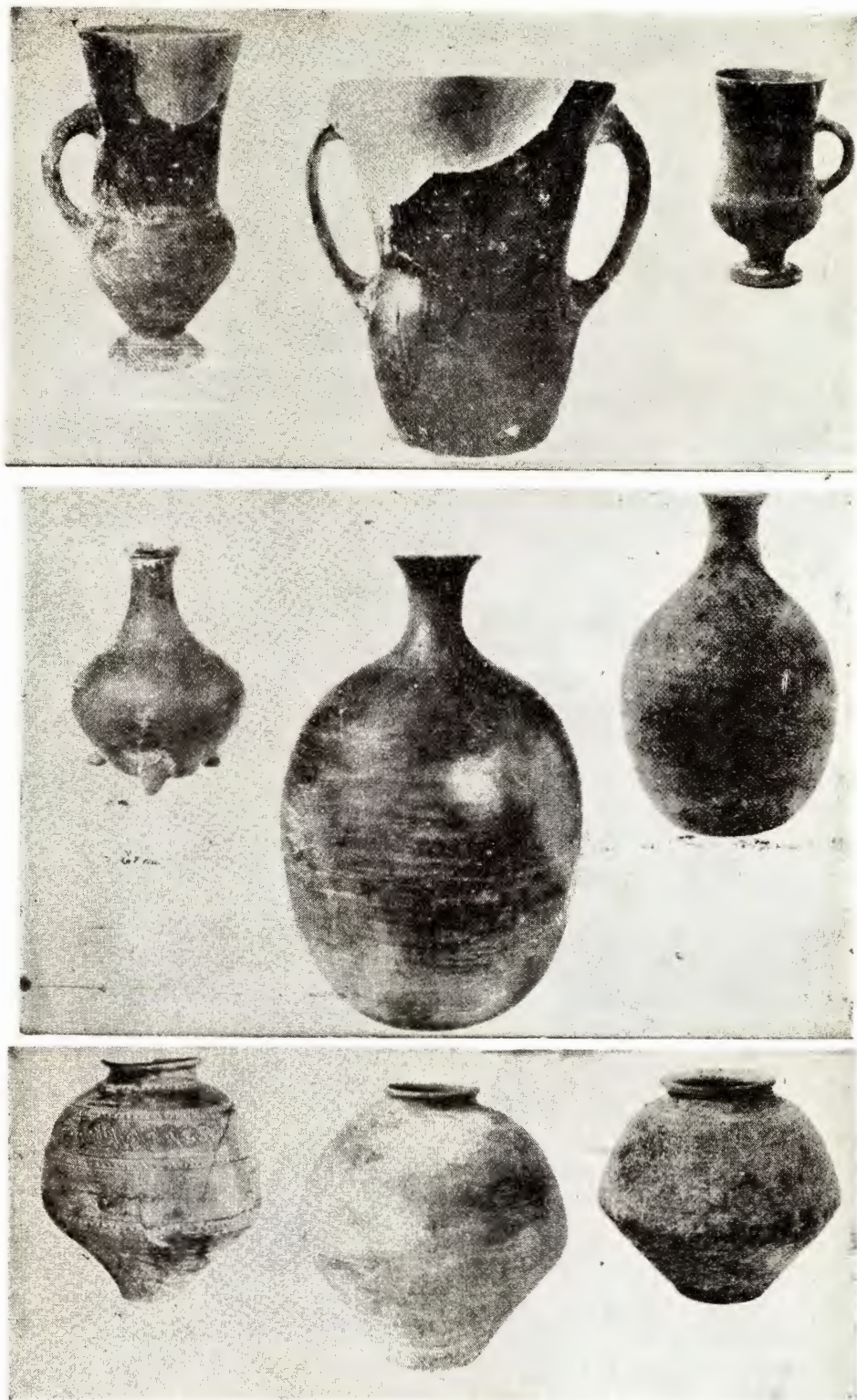
ب

بصفحة ١٣٤ مراجعه شود

تپه سیرانک



بصفحه ١٣؛ مراجعه شود



تپه سیلک



الف

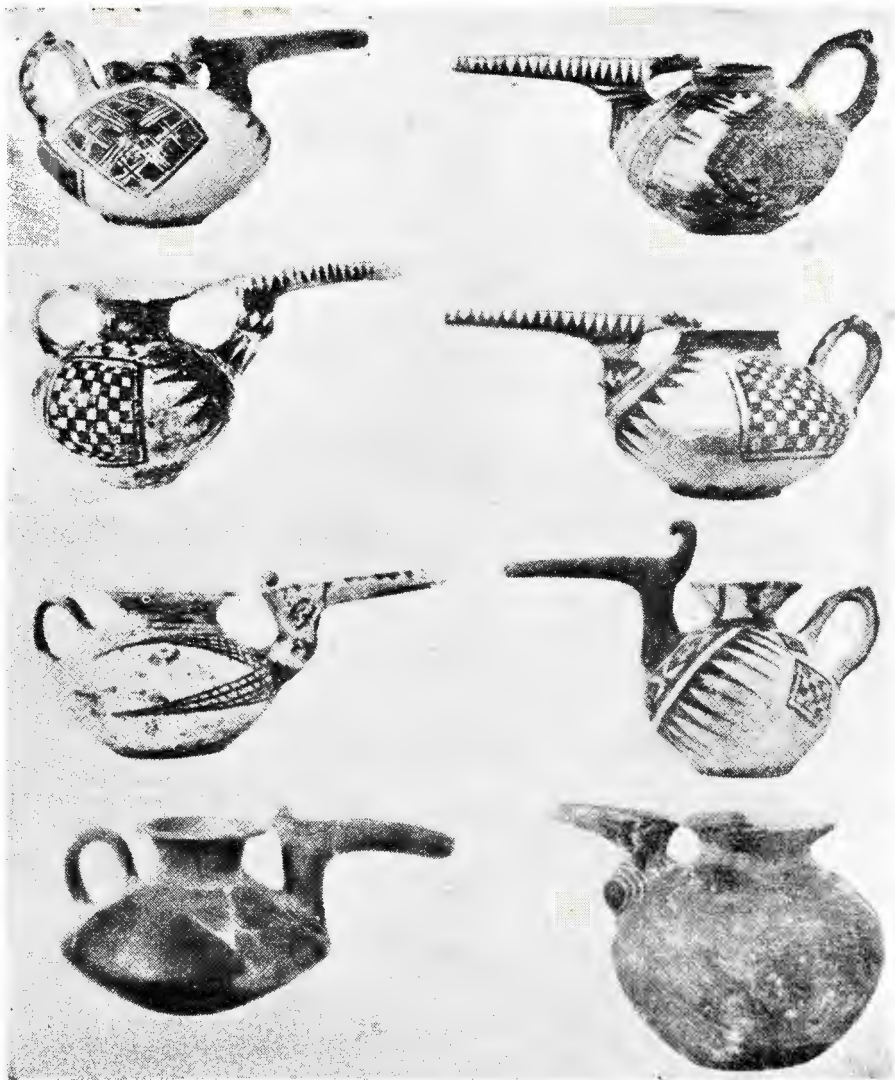


ب



ج

بصفحة ١٣٤ مراجعه شود



تپه سلیک





الف



ب

تپه سیلک



الف



ب

بصفحه ١٣٤ مراجعه شود



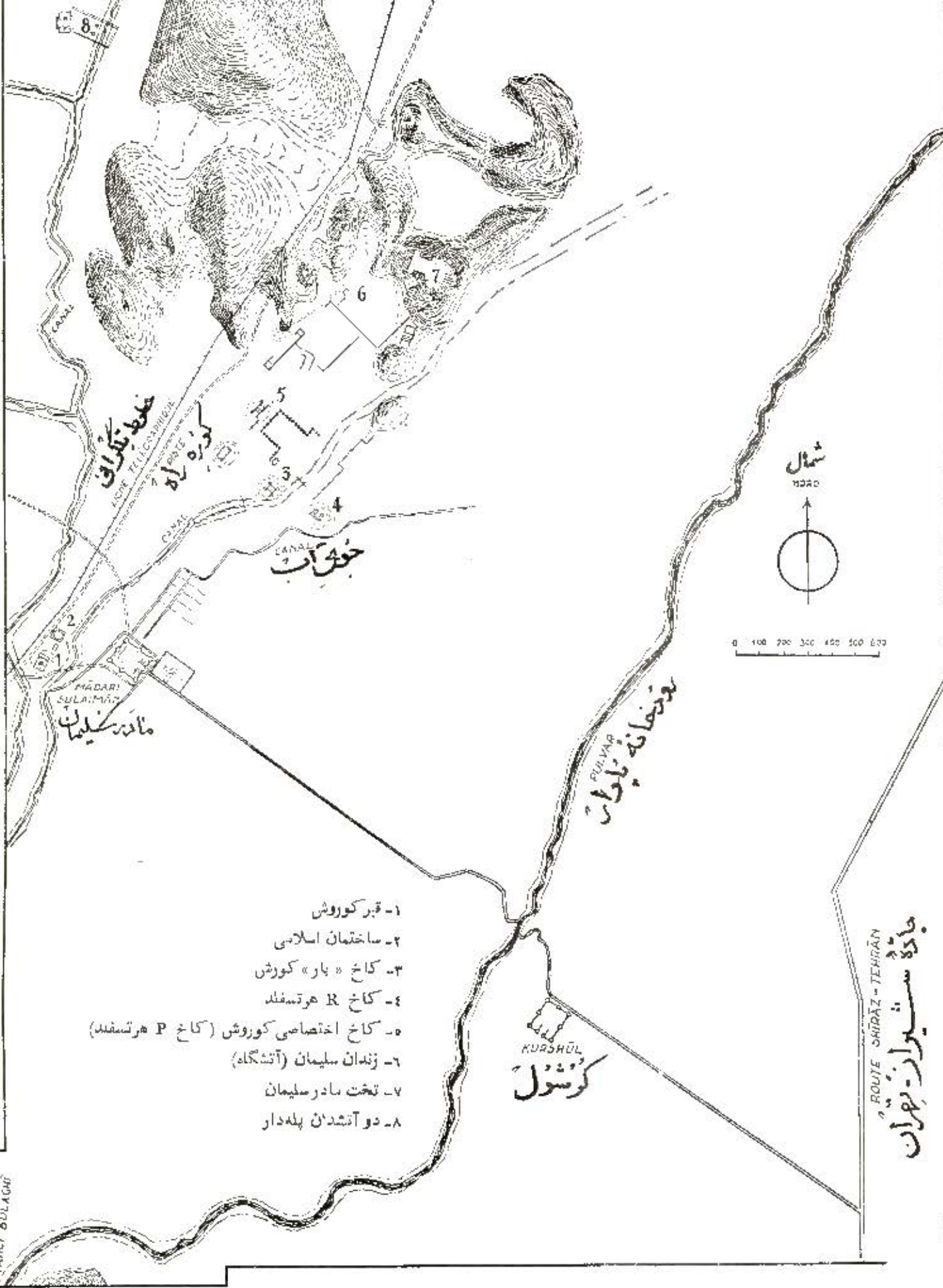
الف



ج



ب



0 100 200 300 400 500 600

- ۱- قبر کوروش
- ۲- ساختمان اسلامی
- ۳- کاخ « بار » کوروش
- ۴- کاخ R کوروش
- ۵- کاخ اختصاصی کوروش (کاخ P کوروش)
- ۶- زندان سلیمان (آتشگاه)
- ۷- تخت مادر سلیمان
- ۸- دو آتشده پله دار

جاده شیراز - تهران
ROUTE SHIRAZ - TEHRAN

کوروش
KURUSHUL

موتخانه پلوار
PULVAR

خجرات
CANAL

کوره راه
KURAH

مادر سلیمان
MADAR SULAIMAN

مادر سلیمان
MADAR SULAIMAN

8

6

7

5

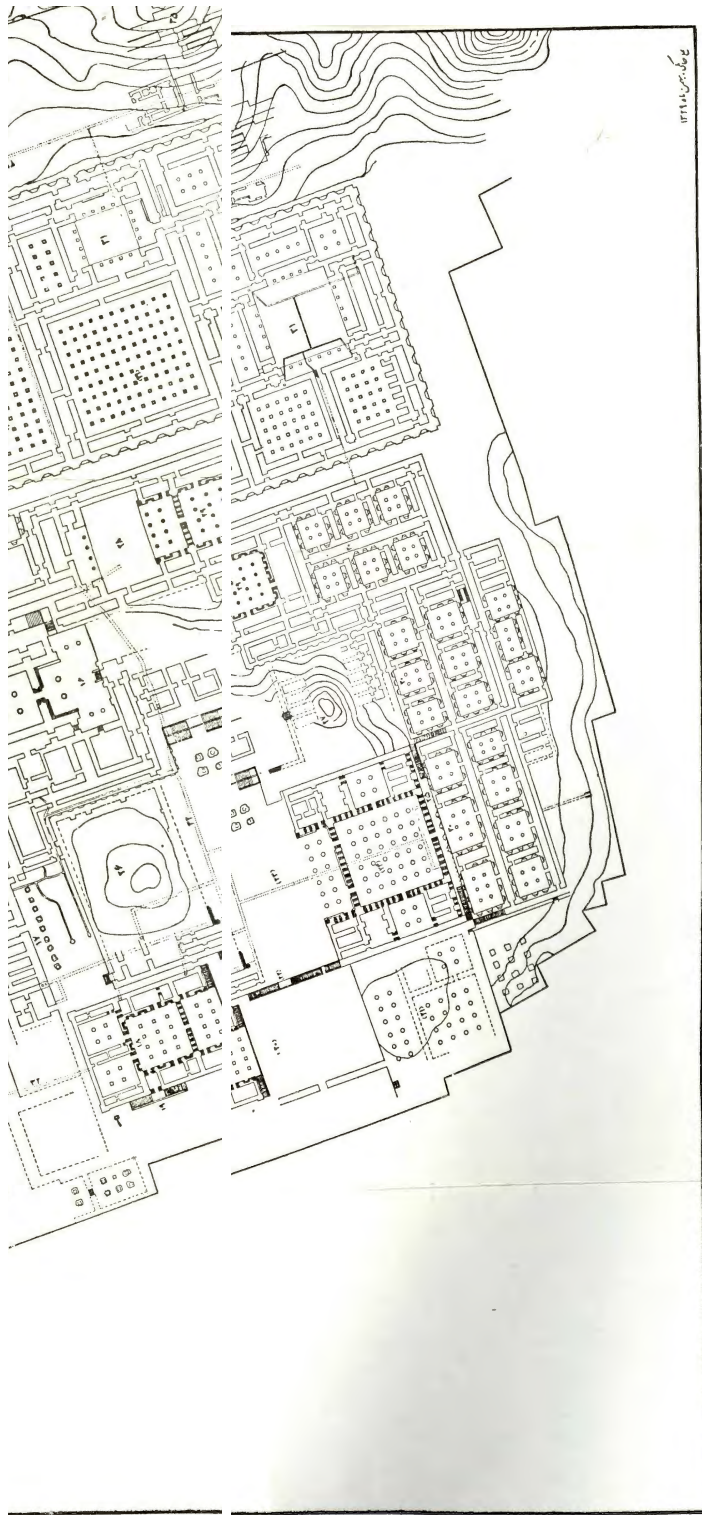
3

4

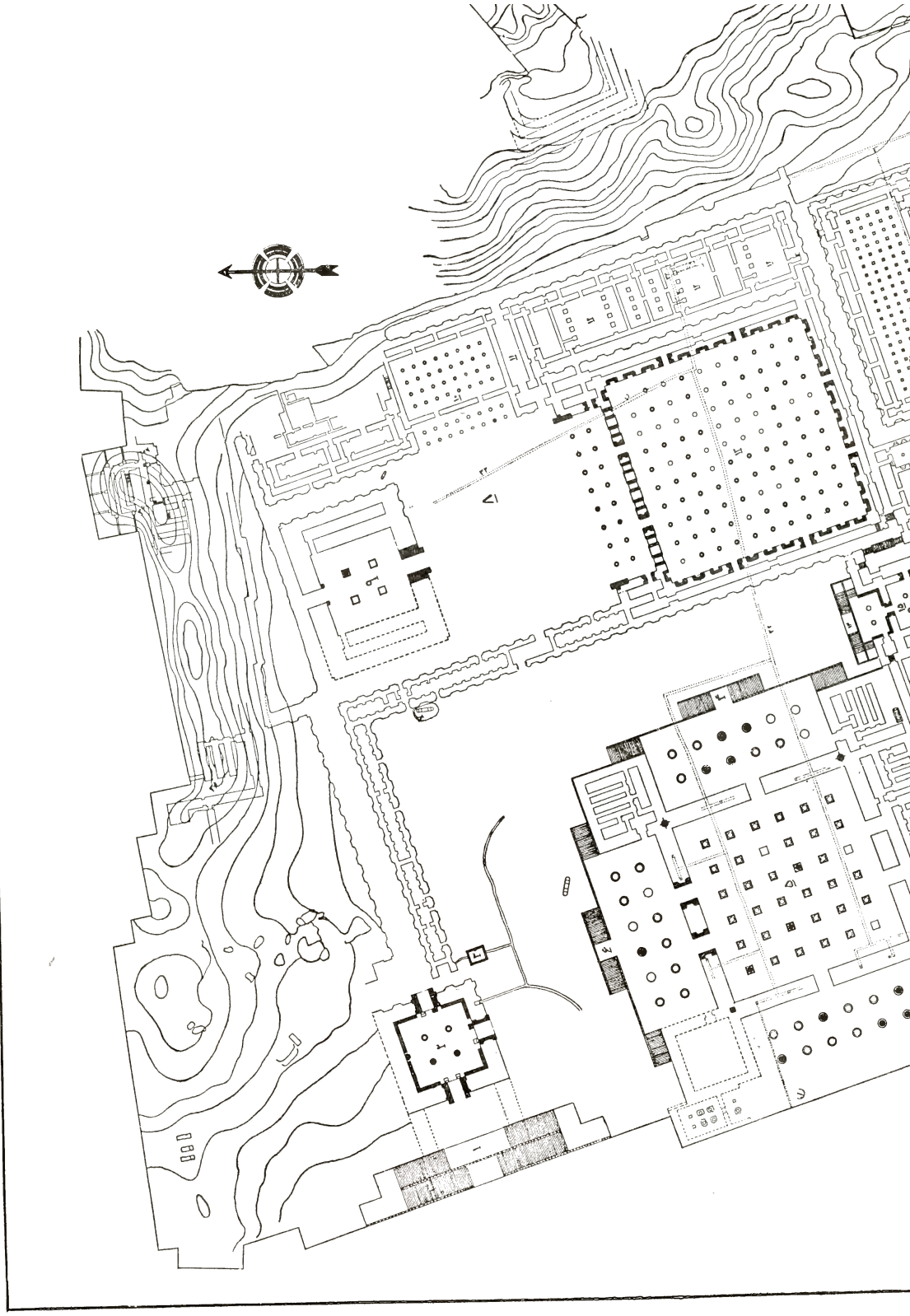
2

1

- ۲۶- تپه خاکی ناشناخته (کاخ G در طرح شمیدت)
 ۲۷- تپه خاکی ناشناخته (کاخ D در طرح شمیدت)
 ۲۸- حیاط حرم
 ۲۹- تالار اصلی حرم (اروز بصورت موزه تخت جمشید)
 ۳۰- اتاق های حرم
 ۳۱- خزانه داری داربوش اول
 ۳۲- فاضل آب ها
 ۳۳- چاه آب
 ۳۴- آبرنگه اردشیر سوم
 ۳۵- برج نگهبانی
 ۳۶- آثار ساخته شده های آیری
 ۳۷- قسمتی از دیوار باد کان تخت جمشید
 آن نومه های ایلامی پیدا شده



- طرح تخت جمشید از جلد دوم گزارش های باستان شناسی ایران ۱۹۵۱



طرح نخت جمشید

- ۱- پلکان
- ۲- دروازه خشایارشاى اول
- ۳- حوض سنگى یک تخته
- ۴- پلکان شرقى «آبادانا»
- ۵- تالار اصلى «آبادانا»
- ۶- پلکان شمالى «آبادانا»
- ۷- سرستون
- ۸- حیاط تالار صد ستون
- ۹- دروازه ناتمام مقابل تالار صد ستون
- ۱۰- تالار ۳۲ ستون
- ۱۱- جایگاه گردونه ها
- ۱۲- اسفیل هاى شاهى
- ۱۳- تالار اصلى کاخ صد ستون
- ۱۴- پلکان شمالى کاخ «سه دروازه»
- ۱۵- تالار اصلى «سه دروازه»
- ۱۶- حیاط «سه دروازه»
- ۱۷- آبدارخانه «آبادانا»
- ۱۸- کاخ تجرأى دارپوش اول (تالار آینه)
- ۱۹- پلکان غربى کاخ «تجرا»
- ۲۰- حیاط شمالى «تجرا»
- ۲۱- کاخ ناتمام اردشیر سوم
- ۲۲- پلکان غربى کاخ «هدیش»
- ۲۳- حیاط «هدیش»
- ۲۴- تالار اصلى «هدیش»
- ۲۵- سکوى «هدیش»

PUBLICATIONS
DE L'UNIVERSITÉ
DE TEHRAN

No. 1069



Publications de
l'Université de Tehran

No. 1069

Collection d'Archéologie
Iranienne

No. 2

ARCHÉOLOGIE

de

L'IRAN ANCIEN

par

Louis Vandenberghe

Traduit en persan

par

Issa Behnam

Tehran - 1969

ARCHÉOLOGIE

de

L'IRAN ANCIEN